

تا انقلاب مهدی نهضت ادامه دارد

# جلد

انقلاب کبیر اسلامی

۴۰ تجربه از ۴۰ سال انقلاب

قرن فاطمه اراوه دولت

قرن امام خمینی (ره)

نویسنده: یک بسیجی

پیشگفتار: ..... **Error! Bookmark not defined.**

مقدمه: ..... ۹

فصل اول ..... ۱۱

فصل اول: ۲۵۰۰ سال ستم برای سلطه شاهی ۲۵۰۰ سال مبارزه برای عدل و آزادی ..... ۱۲

اوضاع آخرین پادشاه ..... ۱۵

زندگی مردم، زندگی شاه ..... **Error! Bookmark not defined.**

شاه قاجاقچی مواد مخدر ..... ۲۳

شاه قمار باز ..... ۲۵

شاه رشوه خوار ..... ۲۹

سفرای آمریکا و انگلیس پادشاهان واقعی پهلوی ..... ۳۴

ایرانی آزادیخواه یا ایرانی سلطه پذیر ..... ۳۷

انقلاب اسلامی ثمره ۲۵۰۰ سال مبارزه برای عدالت و آزادی ..... ۴۳

محور تاریخ انبیاء مصلحانند نه شاهان ..... ۴۴

وضعیت استقلال ..... ۴۷

وضعیت آزادی و شکنجه ..... ۴۹

وضعیت مشارکت مردم ..... ۵۴

جوانان ایرانی هم قربانی و هم عامل کشتار مستضعفان ..... ۵۸

ظفار ..... **Error! Bookmark not defined.**

ویتنام ..... **Error! Bookmark not defined.**

فصل دوم ..... ۶۶

اتحاد کاپیتالیسیم و کمونیسم علیه یک ملت و علیه دین ..... ۶۶

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حامی رژیم سلطنتی شاه ..... ۶۷

چین کمونیست حامی مهره ی امپریالیسم ..... ۷۰

ملتی با دستهای خالی در مقابل شاهی با در اختیار داشتن همه چیز ..... ۷۱

معجزه الهی و غلبه مستضعفین ..... ۷۳

قدرت فقط از آن خداست ..... ۷۴

بیان امام خامنه ای عزیز در خصوص تجربه اول ..... ۷۵

تجربه دوم هزینه سازش بیش از مقاومت و هزینه انقلابی گری کمتر از هزینه محافظه کاری ..... ۷۷

فصل سوم ..... ۸۱

فصل سوم: مرحله دوم انقلاب تثبیت نظام حق ..... ۸۲

موانع بزرگ بر سر تبدیل نهضت به نظام نهضتی ..... ۸۲

کشتار کادرهای انقلاب و چالش در ورود به مرحله سوم انقلاب اسلامی یعنی تحقق دولت اسلامی ..... ۸۳

مرحله سوم تحقق دولت اسلامی ..... ۸۳

امواج ترور و بحران کادرها ..... ۸۵

اولین تجربه حکومت داری اسلام ناب بعد از ۱۳۶۰ سال ..... ۸۶

الگوی ایران اسلامی پیشرفت ..... ۸۸

۹۱	..... مبارزه در سه جبهه
۹۲	..... فصل چهارم
۹۳	..... فصل چهارم : تلاش برای حفظ انقلاب اسلامی و بقاء نظام
۹۳	..... معیارهای حفظ انقلاب اسلامی و بقای نظام
۹۴	..... مروری بر حوادث و حرکت‌های براندازنه و استحاله گرانه و تجاوزات نظامی
۹۴	..... ناامنی، ترور و خرابکاری
۹۵	..... ایران در محاصره ی همه ی ابر قدرتها
۹۶	..... معجزه پیروزی يك ملت تنها در مقابل همه ي ابر قدرتها
۹۷	..... جنگ مستقیم ایران با آمریکا پر مدعا
۹۹	..... ماجرای کشتی بریجستون
۱۰۲	..... نبرد مستقیم با شیطان
۱۰۳	..... رگبار توطئه ها
۱۰۵	..... اوج ترور
۱۰۶	..... فتنه ۸۸
۱۰۷	..... جنگ رسانه ای
۱۱۱	..... درخشان ترین صفحات تاریخ
۱۱۲	..... پس از چهل سال همچنان سرافراز و روبه پیش
۱۱۳	..... انقلاب کمونیستی روسیه
۱۱۵	..... انقلاب سوسیالیستی چین
۱۱۷	..... انقلاب صغیر فرانسه
۱۱۹	..... ارزیابی شاخص دوم
۱۲۲	..... جهانی شدن انقلاب اسلامی
۱۲۳	..... در سال چهلم انقلاب اسلامی سرزنده تر و کارآمدتر از همیشه
۱۲۳	..... استکبار در محاصره ی مستضعفین
۱۲۵	..... نتیجه مبارزات ملت ایران در جبهه اول انقلاب اسلامی (حفظ نظام)
۱۲۶	..... مقاومت رمز پیروزی
۱۳۳	..... تولد یک نیروی جدید از دل هر مقاومت خداجویانه
۱۳۴	..... تولد نیروی امنیتی قدرتمند
۱۳۴	..... تولد نیروی دفاعی شکست ناپذیر
۱۳۵	..... تولد توانایی تسخیر فضا
۱۳۶	..... تولد قدرت تسلیحاتی پیشرفته و منحصر بفرد
۱۳۷	..... تولد به توان هسته ای
۱۳۸	..... تولد حزب الله شکست ناپذیر
۱۴۲	..... فصل پنجم
۱۴۴	..... شاخص های پیشرفت و عقب ماندگی
۱۴۴	..... مغالطات و جنگ روانی
۱۵۱	..... مقایسه وضع مادی ایران امروز با ایران ۵۷
۱۵۱	..... ۱- تحصیل

۱۵۳	..... ۲- سلامت
۱۵۷	..... ۳- سیاست
۱۵۷	..... ۴- بهره مندی مردم از زیر ساخت ها و امکانات رفاهی
۱۵۸	..... ۵- دفاع
۱۵۸	..... ۶- زیرساخت‌ها و خدمات
	<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... ۷- تولیدات صنعتی
۱۶۲	..... ۸- در تولیدات کشاورزی
۱۶۴	..... پیشرفت زیر آتش
۱۶۶	..... رفاه مردم قبل و بعد از انقلاب
۱۷۶	..... چرا پیشرفت‌ها را مدیون انقلابیم؟
۱۷۷	..... مقایسه جایگاه جهانی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی
۱۸۳	..... دشمن از چه چیز وحشت زده است؟
۱۸۸	..... ایران الگوی بزرگ مردم سالاری
۱۹۰	..... جدول: میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری یا پارلمانی کشورها
۱۹۵	..... پرونده های مفاسد بزرگ ننگ یا افتخار برای نظام
۱۹۶	..... روزنامه های زنجیره ای در لشکریان آمریکا و انگلیس
۱۹۸	..... کلیت نظام مقصر هر نارسایی کوچک
۱۹۹	..... شنا بر خلاف جریان آب
۲۰۱	..... پیشرفت سایر کشورهای منطقه هم مرهون انقلاب اسلامی است
۲۰۱	..... مصادره ظرفیت دشمن بنفع اسلام
۲۰۳	..... آیا جایگاهی که داریم آیا شایسته ماست؟ اگر نیست چرا؟
۲۰۵	..... مقایسه های غلط از شخصیت های بزرگ
۲۰۸	..... علل واقعی پیشرفت ژاپن و کره
۲۱۱	..... راه پیشرفت و رسیدن به جایگاه های برتر در عرصه های علم و صنعت و فناوری
۲۱۲	..... تجربه دهم انقلاب اسلامی: قطع امید از بیگانگان و عامل پیشرفت
۲۱۵	..... تجربه یازدهم: خودباوری و اعتماد بنفس عامل اصلی پیشرفت
۲۱۶	..... نوبت تجاوز به ایران
۲۱۷	..... اگر عزم و اعتماد بنفس باشد تهدید هم فرصت است
۲۲۱	..... خواستن توانستن است
۲۲۲	..... قدرت جوانی
۲۲۲	..... عامل اصلی پیشرفت صنایع دفاعی
۲۲۴	..... تجربه یازدهم: ایمان، تفکر و روحیه مکتبی و انقلابی
۲۳۰	..... اداره ی کشور در عرصه‌های سیاسی فرهنگی و اجتماعی
۲۳۰	..... احیاء دین
۲۳۰	..... توسعه های ابزاری فرهنگ
۲۴۱	..... آزادی و کرامت انسانی
۲۴۳	..... انقلاب الهام بخش



۲۴۵	.....	عرصه سیاست داخلی
۲۵۰	.....	توطئه ی توهم توطئه
۲۶۸	.....	اقدامات آمریکا علیه ایران پس از برجام تا کنون
۲۷۵	.....	برداشت وارونه از اقتصاد مقاومتی
۲۷۶	.....	اقتصاد پس از برجام
۲۸۰	.....	فایده مذاکره با آمریکا
۲۸۳	.....	یک قدم عقب بروی چند قدم پیشروی می کنند
۲۹۹	.....	فصل ششم: دولت ها و ارزش ها
۳۰۰	.....	پس تقصیرها همه گردن آمریکاست و ما معصومیم؟
۳۰۱	.....	آیا عقب ماندگی های اجتماعی ناشی از پیاده سازی اسلام است؟
۳۰۳	.....	مشکل کجاست؟
۳۰۶	.....	الان دولت اسلامی نداریم؟
۳۰۸	.....	دولت عدل اسلامی
۳۰۸	.....	حکومت از آن خداست
۳۱۱	.....	یک خاطره از ترجیح قانون خود ساخته بر قانون الهی
۳۱۲	.....	اعجاز تطبیق قانون با فطرت و دین در رشد زنان
۳۲۴	.....	۲-حکومت بر مبنای خواست، اراده و رأی مردم (مردمسالاری)
۳۲۷	.....	تفاوت اهمیت به مردم در دموکراسی غربی و مردمسالاری دینی
۳۲۸	.....	تسلط بر افکار عمومی یا مردم دوستی و مردمسالاری
۳۳۲	.....	یک خاطره ی تلخ
۳۳۳	.....	تشخیص مردمسالاری از مردم فریبان
۳۳۵	.....	آزادی بیان و آزادی شهوت
۳۴۰	.....	نزدیک شدن به آمریکا و غرب همان و بازگشت دیکتاتوری همان
۷	.....	یک مثال زنده در تفاوت دموکراسی با مردم سالاری دینی
۳۴۲	.....	گرایش لیبرال دموکراسی ریشه اصلی ناکامی ها و ناکار آمدی ها
۳۴۲	.....	آیا وجود قانون اساسی صیانت از حقوق مردم را تضمین می کند
۳۴۶	.....	ثانیا آیا وجود احزاب تضمین معتبر برای صیانت از آراء مردم است؟
۳۵۰	.....	ثالثاً رسانه ها رکن چهارم دموکراسی در خدمت حقوق مردم است یا جریانهای پر قدرت؟
	.....	<b>Error! Bookmark not defined.</b>
۳۶۴	.....	تکیه گاه اصلی مردم سالاری عدالتخواه و ضامن واقعی مصالح و حقوق مردم
۳۸۸	.....	۳-مشارکت مردم در اداره کشور
۳۹۳	.....	مقابله عملی لیبرالها با منطق مشارکت جوی مردم سالاری دینی
۳۹۵	.....	باز هم مخالفت با مشارکت مردم
۳۹۷	.....	علل ناکامی لیبرال دموکراسی در بهره گیری از مشارکت مردمی در پیشبرد کشور
۴۰۰	.....	نمونه ای از پرهیز تفکر لیبرالی از مشارکت عمومی
۴۰۱	.....	راه حل قاطع مشکلات اقتصادی
۴۰۳	.....	۴-حکومت مسئول آگاهی دهی و هدایت مردم است
۴۰۶	.....	تفاوت دولت هایی که داشته ایم با دولت اسلامی

۴۰۷	واقعیات دولت های منتخب خودمان.....
۴۰۹	دولت موسوی.....
۴۱۱	دولت هاشمی.....
۴۱۲	دولت خاتمی.....
۴۱۷	چرا رؤسای جمهور با نظام زاویه پیدا می‌کنند؟.....
۴۲۱	براندازی با استراتژی نفوذ.....
۴۲۳	فلسفه حرص بعضی اشخاص برای رابطه با آمریکا.....
۴۲۴	ریشه‌های روانشناسانه و نفسانی دعوت به کنار آمدن با آمریکا.....
۴۳۰	فصل هشتم.....
۴۳۹	بن بست ایدئولوژیک جامعه بشری و ضرورت ارائه نسخه اسلامی.....
۴۴۰	بزرگترین جامعه بشری در یک قرن اخیر.....
۴۴۱	در اقتصاد.....
۴۴۳	در سیاست.....
۴۴۴	در عالم دیپلماسی عمومی و رسانه.....
۴۴۵	در عرصه نظامی.....
۴۴۷	در عرصه اجتماعی.....
۴۵۲	علت اصلی رویکرد انقلاب‌های رنگی.....
۴۵۳	راه خروج بشریت از بن بست و سردرگمی.....
۴۵۴	ظرفیت های عظیم و نرم افزارهای ششگانه منحصر به فرد ملت ایران برای تحقق دولت اسلامی و جهش بزرگ.....
۴۵۷	وضعیت استثنایی و ظرفیت های عظیم سخت افزاری.....

## بسم الله الرحمن الرحيم

این اثر تقدیم می گردد به:

وقتی از زیر بار جنگ روانی دشمن خارج می شوی فرصتی برای تفکر آزادانه پیدا می کنی و لختی به انقلاب کبیر اسلامی و آنچه بود و شد و هست می اندیشی مظلومیت توأم با عزت و اقتدار و پایداری ملتی بزرگ و بی نظیر در طول تاریخ بی اختیار اشک را از چشمانت سرازیر می کند و آنگاه که تصمیم می گیری قلم به وصف این پدیده ی بی نظیر و نعمت بی بدیل الهی بچرخانی متحیر می مانی که اعجاز الهی وصف ناشدنی است.

انقلابی که سرنوشت بشریت را دگرگون کرد، حادثه ای که به هزاران سال سیاهبختی و ذلت انسان خاتمه داد، کرامت به یغما رفته و عزت لگدکوب شده فرزند آدم را بازیافت، حادثه ای که هر آنچه از آن بگویم و بنویسم جز آنکه آنرا کوچک کرده باشم و از قدر و منزلت حقیقی آن بکاهم کاری از من ساخته نیست اما چاره چیست وقتی بسیاری از ما در گرداب کبر و حرص و حسد گرفتار شده ایم و میان انبوه دروغ و شایعه و فریب در ظلمت جهل فرو رفته ایم در این ودیعه الهی قدر ناشناسی می کنیم ملت و مکتبی که ولی نعمت ما هستند را ناسپاسی می کنیم و یادمان رفته که این ملت با این مکتب و آن رهبری که ایندو را پیوند داد ما را از سیاهچال بردگی و اسارت رهانیدند و اینچنین رفعتمان بخشیدند یادمان رفته که کجا بودیم و نمی دانیم که امروز کجا هستیم روزگاری که حسرت یک لقمه آزادی، یک جرعه استقلال و یک نفس امنیت را می کشیدیم و امروز دنیایی خیره ایستاده و به دامنه آزادی مان به شکوه استقلالمان به وسعت امنیت مان و عمق پیشرفت مان و صلابت مقاومتمان حیرت زده و امیدوار می نگرد و تحقق اینهمه عظمت را برای خود آرزو می کند.

قلم که بر می دارم می دانم که چون بنده حقیر را یارای ادای حق دین انقلاب عظیم نیست اما چاره چیست شاید از میان خروارها منیت و غفلت که امروز جمعی از خواص را که بیش از همه به این انقلاب مدیونیم فرا گرفته است روزنه ای بسوی نور باز شود در پرتو آن نور خود را دریابیم و بار دیگر با مردمان پاکدلی که همه ی هستی خویش را برای خلق این حماسه بزرگ در طبق اخلاص نهادند و آنهایی که خون خود را مرکب و استخوانهایشان را قلم نگارش این برگ زرین تاریخ بشر قرار دادند هم راز و هم آواز شویم و همه با هم زیر بیرق امام جانبازان راه نیمه رفته را به پایان بریم و پرچم حاکمیت حق را بدست صاب اصلی اش حضرت امام حجت بن الحسن المهدی (ع) بسپاریم.

سروری که فراوان از علائم ظهورش گفته و شنیده و به آن اندیشیده ایم و امروز بیش از همیشه جا دارد که به شرایط ظهورش بیاندیشیم و آن شرایط را تحقق بخشیم این تجربه عظیم ملت رشید ایران است که وقتی با حاکمیت ظلم و تباهی امام بزرگوارش از منظرش غائب شد با فراهم آوردن شرایط حضور او لایق ظهور خورشید ولایت شد و امروز وقت تکرار آن حماسه است همه با هم با صفوف فشرده و متحد به میدان بیاییم و با فراهم آوردن شرایط ظهور این بار ۱۲ بهمنی در مقیاس جهان خلق کنیم و با در آغوش کشیدن امامان زمینه را برای برکندن ریشه ظلم و استقرار عدل و قسط فراهم آوریم و اهم شرایط حقیقی انتظار که تأسیس دولت اسلامی است را محقق سازیم.

با سلام و درود به امام خمینی کبیر(ره) و شهیدان انقلاب کبیر انقلاب اسلامی و پرچمدار تداوم این راه امام خامنه ای عزیز برای قدم نهادن در این راه ابتدا سجده شکر بجا می آوریم چرا که دستیابی به نعمت فزونتر مستلزم شکر نعمت های موجود است که لان شکرتم لازیدنکم پس شکر می کنیم نعمت بصیرت و فضیلت و استقامت ملت مان را و وجود شهدای بزرگواری که پرچمدار آن هستند و جانبازانی که همه لحظات زندگی شان شهادت است و مادران و پدران شهید پروری که چشم و چراغ این ملتند و دعایشان رکن اصلی سرافرازی ماست.

**به شکرانه مخفی ترین و نادیدنی ترین نعمت ها این اثر را تقدیم می کنم به مادران و همسران جانبازان**

## **قطع نخاع از گردن.**

کوههای استوار استقامت که با ایستادگی خود صبر را معنای تازه ای بخشیدند آنها که در تنهایی و درد و رنج عزیزشان سی سال و بیش و کم لحظه لحظه شهید شدند و حسرت یک آه و یک جمله گله را بر دل ما نهادند.

دختر جوانی که در اوج آرزوها زندگی با چنین جانبازی را انتخاب می کند و پس از سی سال پرستاری و مراقبت از او وقتی به زیارت عزیز جانبازش می روی جز شکر درگاه خداوند بخاطر توفیق این خدمت کلامی نمی شنوی.

اینجاست که آیه فتبارک الله احسن الخالقین برایت تفسیر می شود و حقارت و کوچکی خود در مقابل این عظمت را با چشم های بارانی بدرقه می کنی.

خدایا نیک میدانم که در روز حشر هر که را که پاسخگو باشم و به هر سؤالی جواب دهم پاسخ این حجت های عظیم ترا ندارم خود مرا در ادای این دین یاری فرما. آمین

## مقدمه:

انقلاب کبیر اسلامی به چهل سالگی خود نزدیک می‌شود. انقلابی که مردم ایران برای تحقق و سپس حفظ آن هزینه‌های سنگین پرداختند. جان دادند، جوان دادند، اعضاء و جوارح دادند و جانباز شدند و سختی‌های فراوانی کشیدند و به پیروزی‌های درخشان و بی‌نظیر در تاریخ هم‌دست یافتند ولی هنوز به انتظاراتشان از انقلاب اسلامی نرسیده‌اند مشکلات و ناهنجاری‌های زیادی هنوز وجود دارد. بیکاری، اعتیاد، طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش فرزند آوری و ازدیاد نسل که همه ی آنها پس از انقلاب روند بسیار خوبی پیدا کرده بود، منحنی نامطلوبی پیدا کرده است؟

وضعیت اقتصادی کشور سامان مناسبی ندارد، تبعیض و بی‌عدالتی در بعضی دادگاه‌ها و دستگاه‌های اداری هرچند فراگیر نیست لکن آزاردهنده است. روند پیشرفت علمی که شیب بسیار تندی گرفته بود کند شده و روند رشد اقتصادی که کشور را به جایگاه خوبی رسانده بود کند و تضعیف شده. رتبه ورزش ایران که با جهش بی سابقه تا رقم بی‌سابقه ۱۶ در المپیک ۲۰۱۲ ارتقاء یافته بود بار دیگر به رتبه ۲۵ تنزل یافت. پرونده های مفساد اقتصادی بزرگ ابهامات زیادی را ایجاد کرده است این مسائل دستاویز شبکه های گسترده ی رسانه ای قرار گرفته تا انبوه شبهات و القانات را بسوی ملت ایران سرازیر کنند.

امروز ما با انبوه این سؤالات و شبهات مواجه هستیم. پرسیده می‌شود: چرا؟ این مشکلات باقی‌مانده و یا مجدداً رو به گسترش است؟ پس چرا آرمانهای انقلاب که تحقق جامعه اسلامی، برقراری عدالت و پیشرفت بود محقق نمی‌شود؟ آیا اشتباه نکردیم که انقلاب کردیم؟ آیا زمان شاه وضع بهتر نبود؟ چرا ژاپن و آلمان این قدر پیشرفت کرده‌اند ولی ما بجایی نرسیده‌ایم؟ اصلاً انقلاب کردن کار بدی نیست؟

ما را چه کار با سوریه و لبنان و فلسطین؟ خودمان گرسنه و محروم داریم برای چه پول اندکی که داریم را برای آنها خرج می‌کنیم؟ آیا بهتر نبود مثل کره جنوبی با آمریکا دوست صمیمی باشیم و بجای این همه مشکلات اقتصادی پیشرفت کنیم؟ چرا باید اقتصاد و معیشت مردم را فدای سیاست و برخوردهای ایدئولوژیک کنیم؟ چرا باید در دنیایی که این همه کشورها از دموکراسی و اداره کشور توسط احزاب سود می‌برند ما به نظام ولایت مطلقه فقیه که دیکتاتوری فردی است رو بیاوریم؟ این دست سؤالات روزانه در رسانه ها و شبکه های اجتماعی برای نسل هایی که نه دوران رژیم پهلوی را دیده اند نه روزهای پیروزی انقلاب اسلامی و نه دفاع مقدس را درک کرده اند نه بخوبی شرایطی را که کشور

در آن قرار دارد می شناسد و نه اطلاعات کاملی از وضعیت کشورهای که خ.ب بنظر می رسند دارند در حال انتشار و باز تولید مستمر است.

## لفاظی و گفتار درمانی چاره ساز نیست

آنچه مسلم است اینکه در پاسخ به این سؤال ها دیگر نمی شود به مباحث نظری و اعتقادی بسنده کرد نزدیک چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است مردم عمل می خواهند و ردیف کردن الفاظ و فلسفه بافی و دادن وعده های خشک و خالی به هیچ وجه مورد قبول واقع نخواهد شد گفتن اینکه خدا از ما چه خواسته و اگر آنرا انجام دهیم چه خواهد شد مخاطبان را قانع نمی کند. امروز در ابتدای راه نیستیم که بخواهیم به استناد مباحث نظری و استفاده از الفاظ، نسخه ای بیچیم و با آن نسخه وعده بهبود را بدهیم و بگوییم صبر کنید انشالله درست می شود. موضع ما چه در دفاع از راه طی شده یا رد آن و چه در ترسیم مسیر آینده کشور باید مستند به واقعیات عینی و تجربه های غیرقابل انکار باشد.

ما صاحب حدود چهار دهه تجربه هستیم و در آستانه چهلمین سال انقلاب اسلامی که به نوعی بلوغ یک نظام محسوب می شود برای ترسیم وضع آینده در کنار مباحث علمی و نظری می بایست حتماً به واقعیت ها و تجربه گذشته استناد کنیم و بیش از اتکاء به مباحث نظری برنامه آینده کشورمان را با درس گیری و عبرت گیری از گذشته و مستند به تجارب اساسی این چهل سال بسازیم. انقلاب اسلامی تنها به شرطی قابل تداوم است که بتواند از عملکرد چهل ساله خود دفاع کند و گرنه منطق ایجاب می کند راه دیگری به جز انقلاب را در پیش بگیریم.

آیا انقلاب اسلامی موفق بوده است یا ناموفق؟ و یا در بخش هایی موفق و در بخش هایی ناموفق؟ در کدام بخش ها موفق و کجاها ناموفق بوده؟ علت موفقیت ها چه بوده است؟ ریشه ناکامی ها چیست؟ آیا امیدی به حل مشکلات موجود هست؟ یا در بن بست قرار داریم؟ اگر هست راهش چیست؟

شاید مرور تجربیات کلان ۴۰ ساله بهترین راه پاسخ به این سؤالات باشد. این کتاب تلاشی برای مرور این تجربه ها با نگاه به آینده است. و اینکه چگونه می توان از پیروزی ها درس و از شکست ها و ناکامی ها عبرت گرفت آینده ای روشن تر و فارغ از تلخی ها و نارسایی های موجود را رقم زد؟ تلاش می کنیم تا جای ممکن فارغ از مباحث ذهنی تجربه های عینی و عملی را پیش بکشیم و به آنها استناد کنیم و گذشته را چراغ راه آینده نماییم به فضل پروردگار.

## **فصل اول**

**۲۵۰۰ سال ستم برای حفظ سلطنت**

**۲۵۰۰ سال مبارزه برای برقراری توحید**

**و عدالت**

## فصل اول: ۲۵۰۰ سال ستم برای حفظ سلطنت ۲۵۰۰ سال مبارزه برای توحید و عدالت

بشریت در آتش ظلم و جهالت می‌سوخت، جهان زیر چکمه‌های دو ابرقدرت جنایتکار جان می‌داد. از یکسو ابرقدرت غربی به سرکردگی آمریکا که نام مقدس آزادی را به اسارت گرفته بود و با فریب و تجاوز خون‌آشام‌ترین رژیم‌ها و دیکتاتورترین جباران تاریخ را بر کشورها مسلط کرده بود و با شکنجه و کشتار بی‌امان ثروت‌های مادی و منابع انسانی کشورها را یکسره و بی‌هیچ حساب و کتاب به یغما می‌برد و از سوی دیگر ابرقدرت شرقی به رهبری اتحاد جماهیر شوروی که با سازمان‌دهی بزرگ‌ترین ارتش تاریخ به هر کشوری که هوس می‌کرد دست‌اندازی و تجاوز می‌کرد و به بهانه برقراری عدالت با خشونت‌بارترین شیوه‌ها، دین و فرهنگ ملت‌ها را نابود می‌ساخت تا آنان را در راستای مطامع و گسترش سلطه خود به بردگی درآورد. ملت‌های مظلوم و دربند برای ادامه زندگی مادی و حیوانی خود راهی نداشتند جز اینکه یا بنده این باشند و یا برده آن.

بردگان و بندگانی که می‌باید هرازگاهی انبوه پیر و جوان و خرد و کلان خود را برای اشباع اشتهای سیری‌ناپذیر یکی از این دو استعمارگر و توسعه سلطه آنان بر جهان به مسلخ می‌فرستادند. یا فدای خشم و شهوت و پیشروی و بسط نفوذ شیطانی آن‌ها می‌شدند و یا قربانی سازش و کنار آمدن آن‌ها با یکدیگر و له شدن یک ملت زیردستان یک دژخیم جدید. این بازی خونین که جنگ سرد نامیده می‌شد آن‌چنان هستی و کرامت انسانی را به ورطه نابودی کشیده بود گویی می‌رفت تا شیطان کامل شدن سیطره خویش بر جهان را اعلام کند و پایان حقیقت و روشنایی روی کره زمین و جشن بگیرد.

نفس کشیدن خارج از سلطه این دو قدرت ممنوع بود و هر که دم از آزادی می‌زد خونش مباح بود. حاصل تجاوز ابرقدرت‌ها به هر کشوری کشته‌های میلیونی و آوارگان چند میلیونی بود. اشغال ایران توسط انگلیس ۹ میلیون کشته و اشغال ویتنام توسط آمریکا ۵ میلیون کشته، اشغال الجزایر توسط فرانسه یک میلیون کشته، اشغال افغانستان توسط شوروی یک میلیون کشته و.... این بدان معنا بود که یا باید تحت سلطه یکی از قدرت‌ها باشی و یا باید بمیری.

با پایان جنگ جهانی دوم کشورهای فاتح دنیا را به دو قسمت تقسیم کرده بودند و ابر قدرتها که با چشیدن تلخی های سخت در جنگ جهانی چشمانشان از جنگ مستقیم ترسیده بود و خصوصاً نتایج وحشتناک ورود سلاح اتمی به کارزار



آنها را از مقابله مستقیم با یکدیگر ترسانده بود شیوه ای نو در پیش گرفته و ملت های دیگر را بازیچه مطامع خویش ساخته بودند. ابر قدرت شرق بدنبال ایجاد جای پای مستحکم در همسایگی امپریالیسم غرب می گشت.

کشورهای آمریکای جنوبی هیچیک از چنگال حکومت های دست نشانده آمریکا خلاصی و راحت نداشتند کودتاچیان تحت الحمایه سازمان اطلاعات آمریکا سیا هر مخالفی را مخفیانه دستگیر و سر به نیست می کردند. در هر یک از کشورهای مهم آن منطقه دهها هزار جوان انقلابی مفقودالثر شدند که هنوز از سرنوشت آنها خبری در دست نیست، نژادپرستی و برده داری به شیوه های قرون اولیه در آفریقا رسمیت داشت. سیاهان و تقریباً تمامی کشورهای این قاره در آتش جنگ های داخلی یا تجاوز سلطه طلبانه استعماری می سوختند. اروپا به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده بود و هر طرف باید بی چون و چرا اوامر ابر قدرت ارباب خود را اطاعت می کرد.

شرق دور میدان جنگ های بی پایان رقابت دو قدرت بود که نمونه آن کشتار دو میلیون نفر از مردم کامبوج بود. غده سرطانی اسرائیل بر تمامی منطقه غرب آسیا چمبره زده بود چند میلیون صهیونیست با اتکاء و تحت حمایت به هر دو قدرت سیصد میلیون مسلمان منطقه را به گروگان گرفته بودند که نماد آن شش میلیون آواره فلسطینی دور از وطن است. وضعیت ایران از این شرایط استثناء نبود کشوری صد در صد تحت کنترل و اختیار رژیم ایالات متحده آمریکا و اسرائیل که حکمران آن اختیاراتی بیشتر از فرماندار یک ایالت آمریکا نداشت.

دنیا سیاه بود و سیاه بود و سیاه، دو هزار و پانصد سال مبارزات پیگیر یک ملت برای خلاصی از شر حکومت های شاهنشاهی بدون حصول نتیجه مانده بود. تاریخ پر از درد و رنج مردمی بود که زیر سلطه شاهان زورگو دست و پا می زدند و دسترنج زحماتشان می باید صرف برپا شدن کاخ های سر به فلک کشیده و سفره های رنگین و حرم سراهای شاهان و تفریحات و شکار و سفرهای آنان و جشن های آنچنانی می شد و جوانان نشان قربانی خونریزی و کشورگشایی های ظالمانه و توسعه طلبی های بی پایان پادشاهان می شدند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۵۴) پادشاهانی که مصداق عینی تعریف قرآن کریم از شاه بودند همانگونه که فرمود " **قالت ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها و جعلوا اعزّه اهلها اذله و كذلك يفعلون سوره نمل آیه ۳۴** " پادشاهان قطعاً اگر به جایی وارد شوند آنجا را به فساد و تباهی می کشند و عزیزان آنجا را به ذلت می کشند و همیشه کارشان همین است.

۱. همانگونه که امام خمینی (ره) فرمود: " ۲۵۰۰ سال ملتی زیر لگد اینها بوده ملتی که ۲۵۰۰ سال زیر این پرچم کثیف بوده شاهنشاهی کثیف ترین رژیم های دنیاست مردم را عادت می دادند و عادت کرده بودند به این معنا که " چه فرمان ایزد و چه فرمان شاه " شاه فرمانش همان فرمان ایزد است!! فرقی نیست بین فرمان ایزد و فرمان شاه!!"

پادشاهانی که از هخامنشی و اشکانی و ساسانی تا قاجار و پهلوی بر اساس یک شیوه ی غیر عقلانی و بی منطق بدون هیچ مزیت و فضیلتی به صرف اینکه فرزند شاه قبلی بودند. بر تخت می نشستند و یا احیاناً پس از چند دهه یا سده امیر یا فرمانداری گردنکش که خود را قوی تر از شاه می دید همچون کورش با کودتا علیه پدر بزرگ خود شاه را سرنگون و یا چون کمبوجیه با قتل برادر تخت او را تصرف می کرد و به همان منوال حکومت را به فرزندان خود می سپرد تا سلسله ننگین جدیدی را به ملت تحمیل کنند.

همانگونه که امام خمینی (ره) فرمودند: "اساساً سلطنت نوع حکومتی است که متکی به آراء ملت نیست بلکه شخصی به زور سر نیزه بر سر کار می آید و سپس با همین سر نیزه مقام زمامداری را در خاندان خود بصورت یک حق قانونی بر مبنای توارث بر مردم تحمیل می کند، طبیعی است زمامداری که با سر نیزه یا توارث روی کار آمده و متکی به آراء ملت نیست هرگز خود را موظف به وضع و یا اجرای قوانینی که برفع مردم باشد نمی داند. طومار سلطنت در طول تاریخ چیزی غیر از این نبوده است." (صحیفه، ج ۵، ص ۱۷۳)

پادشاهانی جبار و روسیاه همانگونه که امام خمینی (ره) فرمود: "شاهنشاهی در ایران از اولی که زاییده شد تا حالا روی تاریخ را سیاه کرده است. جنایات شاههای ایران روی تاریخ را سیاه کرده است. برج از سر درست می کردند سر می بریدند و قتل عام می کردند و بعد برج درست می کردند با آن (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۳)"

یکی چون کورش هخامنشی با قتل های بی شمار کشورگشایی می کرد و گاهی چون نبرد با آشوریان چنان کشتار کرد که زنان اطفال خود را به آغوش گرفته با شیون و زاری دیوانه وار به هر سو می گریختند و با گریبان چاک کردن از معدود مردان باقی مانده استغاثه می کردند که نگذارید ما تنها و بی پناه بدست این لشکر سفاک بیافتیم. یا داریوش بر اساس کتیبه های املاء شده توسط خودش چشم دشمنان خود کور و گوش آنها را می برید و یکی چون شاپور اشکانی کتف اسیرانش را به یکدیگر می دوخت و شهرها را با گسیل فیل با خاک یکسان می کرد یا چون انوشیروان ساسانی برای انتقام از یک نفر در یک روز دهها هزار نفر را می کشت و خسرو پرویز با حرم سرایی از هزاران زن، محمدشاه جنایتکار که فراوان می کشت از سر کشته ها برج می ساخت ۲۵۰۰ سال ظلم و استبداد اینچنین تا رسید به رضاخانی که برای اجبار کشف حجاب مسجد را به توپ می بست و بی گناهان را از دم تیغ می گذراند و محمدرضا

شاهی که از هیچ کشتار و شکنجه‌ای دریغ نداشت و برای حفاظت از منافع استعمار آمریکا با تانک به بیمارستان حمله می‌کرد و مسجد و سینما را به آتش می‌کشید. و مردم را زنده زنده می‌سوزاند و قرآن‌ها را آتش می‌زد.

همانگونه که امام خمینی (ره) فرمودند: "در طول تاریخ تمام تیره روزی های ملت مستضعف بدست شاهان و بخاطر نظام شاهنشاهی بوده است و ستمکاری های آنان روی تاریخ را سیاه نموده است. و فرمودند: من گمان ندارم در تمام سلسله سلاطین حتی یک نفرشان آدم حسابی باشد". (صحیفه، ج ۳، ص ۴۸۵)

## وضعیت آخرین سلسله شاهی

این تاریخ زجرآور در دویست سال اخیر خیلی پر غصه تر شده بود، چراکه اگر پیش از آن ملت ایران از ظلم و ستم و استبداد شاهان در سختی و فشار بودند. در دوره ی اخیر سلطه استعمار و ظلم طاغوت‌های بین‌المللی هم به آن افزوده شده بود. از دسترنج و ثمره زحمات و سرمایه‌های مردم، این بار باید هم سهم باج‌گیران جهانی پرداخت می‌شد و هم هزینه‌های سنگین عیش و عشرت‌ها و زیاده‌خواهی‌های بی‌پایان شاهان تأمین می‌گشت. نگاهی به وضعیت آخرین سلسله سلطنتی می‌تواند تا حدی گویای ظلم و جنایت‌های ۲۵۰۰ ساله و جفای شاهان به ملت ایران در این دوره طولانی باشد. خاندان منحوسی که رسماً توسط رژیم پادشاهی جنایتکار انگلیس بر اریکه قدرت نشستند و با کودتای رژیم جنایتکار آمریکا و درهم شکستن قیام مردم در مرداد ۱۳۳۲ و بر قدرت ابقاء شد.

هیچ لازم نیست برای شناخت رژیم پهلوی و پی بردن به عمق رذالت و دنائت و پستی و فساد و جنایت آن رژیم به تحلیل‌ها و گفته‌های انقلابیون و مخالفان شاه استناد کنیم، که در صحت آن تشکیک کنند، بلکه کافیت خاطرات خود خانواده پهلوی و عوامل آنان و حامیان ایرانی و آمریکایی و انگلیسی آنها را مرور کنیم و برای اطمینان بیشتر اسناد دربار و ساواک که سرسپرده ترین سازمانها به خانواده سلطنت بودند را مرور کنیم.<sup>۲</sup>

رضاشاه که سربازی ناچیز و بی سواد در نیروهای قزاق بود، با حمایت انگلیسی‌ها به فرماندهی تیپ قزاق قزوین و سپس با کودتای انگلیس به پادشاهی ایران رسید و خاندان پهلوی را بر ایران حاکم ساخت. او پس از هفده سال

<sup>۲</sup> اسناد ساواک در مراکز اسناد ایران، اسناد دربار از مراکز تاریخ مطالعات معاصر، خاطرات فردوست دوست و همنشین صمیمی پنجاه ساله محمدرضا پهلوی، خاطرات سفرای آمریکا و انگلیس در ایران در دوران پهلوی، خاطرات روسای جمهور آمریکا در دوره ی پهلوی، خاطرات خانواده شاه که هر چند پر از دروغ است اما اعترافات جمعی را در خود دارد همینطور خاطرات اعلم وزیر دربار، فریدون هویدا، مینو صمیمی، عبدالمجید مجیدی و ... هر چند دروغهای زیادی دارد اما اعترافات صریح و روشنی هم دارد.

حاکمیت بر ایران، هنگام فرار از کشور در شهریور ۱۳۲۰ با مالکیت چند هزار روستا و دارایی نقدی هفت میلیارد تومانی ( معادل بیش از پنج میلیارد دلار به ارزش در آن زمان یعنی دهها میلیارد دلار امروز)، بزرگ ترین سرمایه دار ایران به شمار می رفت؛ آن هم زمانی که یک کارگر روزانه حدود سه ریال حقوق می گرفت و اگر کسی صد تومان پول داشت ابر سرمایه دار شناخته می شد و کوچه و خیابان محل سکونت او را کوچه صد تومانی می نامیدند.

«بر اساس دفتر اسامی املاک اختصاصی، حدود ۶۴۰۰ روستا و قریه فقط در یک دفتر به نام رضاشاه به ثبت رسیده بود و بنابه اظهار مؤید احمدی، نماینده دوره سیزدهم مجلس، در دوره هفده ساله سلطنت رضاخان بالغ بر ۴۴ هزار سند مالکیت به نام او صادر شده است». (تفقدی جامی، ۱۳۸۱)

املاک وی بیش از یک میلیون و دویست هزار هکتار تخمین زده می شد.

من این دفتر ثبت اسناد را در مرکز اسناد به چشم خود دیدم.

همچنین در شهریور ۱۳۲۰ در مذاکرات مجلس که مربوط به پس از فرار رضاشاه است، چنین آمده است: ۳۱ میلیون لیره عایدی نفت جنوب، ۲۷ میلیون لیره آن ناپدید شده و فقط سه میلیون لیره ارز برای پشتوانه اسکناس خریداری شده و تنها یک میلیون و سیصد هزار لیره در خزانه باقی مانده است.

بنابر تحقیقات یک پژوهشگر ایرانی مقیم آمریکا، تمامی درآمدهای نفتی ایران در دوره رضاشاه، یعنی رقمی در حدود ۲۰۰ میلیون دلار به حساب های شخصی او انتقال یافته بود. این در حالی است که کل بودجه دولت ایران در سال ۱۹۲۵ م (۱۳۰۴) حدود ۲۰ میلیون دلار بود. (محمدقلی مجد، ۱۳۸۲)

ای کاش مظالم رضاخان به چپاول اموال و املاک مردم و بیت المال خلاصه می شد جنایتکاری که صرفاً مأمور پیشبرد اهداف انگلیس در ایران و برقراری امنیت برای آن استعمارگر جنایتکار بود و بس، هیچ ایرانی از شر او امنیت نداشت دوران او یکی از استبدادی ترین و نا امن ترین دوره های تاریخ معاصر ایران است، نه تنها عوام الناس بلکه دانشمندان و شعرای بزرگ و برجستگان اقوام بی هیچ گناه و جرمی صرفاً به جهت مخالفت با سلطه اجانب بر کشور بدست او بقتل رسیدند و حتی نزدیک ترین یارانش بدست او کشته شدند. نه فقط کسی که حق اعتراض به استبداد نداشت بلکه این جلاد مستبد با تکیه به قدرت انگلیس و برای خوشامد ارباب خود فرمانهای عجیب ضد ملی را بمرحله اجرا گذاشت

و کشور را به سمت اعمال مقررات پادگانی پیش می برد. ممنوعیت پوشیدن لباس ملی ایرانیان و اجبار به پوشیدن کت و شلوار، ممنوعیت بر سر گذاشتن عمامه و اجبار به گذاشتن کلاه مشهور کلاه پهلوی بر سر، ممنوعیت هو نوع پوشش سر برای بانوان و بی حجابی اجباری، ممنوعیت برگزاری هر نوع عزاداری برای امام حسین(ع) و ... انگلیس ها در تجاوز به سواحل ایران خلیج فارس شکست های سنگینی از نیروهای مقاومت و مجاهدین خوزستان، بوشهر و جنوب عراق خورده بودند و قشون انگلیس بارها توسط نیروهای مردمی و عشایر بر این مناطق خلع سلاح شده بود. آنها عوامل اصلی این شکست ها را ارزیابی و رضاخان را مأمور مقابله و از میان بردن این عوامل برای هموار سازی تجاوز و سیطره خود بر ایران کردند.

عوامل اصلی شکست تجاوز انگلیس و حفظ لستقلال و تمامیت ارضی ایران و عراق عبارت بود از:

۱- رهبری و فرماندهی بی نظیر مرجعیت و روحانیت

۲- الهام بخشی عاشورا و نهضت امام حسین(ع) شجاعت بی نظیر رزمندگان مقاومت ایران و عراق ناشی از همین الهام

۳- نقش بی بدیل زنان شجاع و غیرتمند در ترغیب مردان به اجرای فرامین مرجعیت و ایستادگی در مقابل دشمن

۴- روحیه استقلال طلبی و اهمیت دادن به هویت ملی

۵- انسجام و سازماندهی های نافذ عشایری

لذا در اجرای استعمار انگلیس رضاخان هر نوع پوشش بر سر زنان را ممنوع و بی غیرتی و بی حجابی را بمنظور خنثی سازی روحیه جهادی زنان را با بی حجابی رایج کرد.

پوشیدن لباس ملی را برای ایرانیان ممنوع و مثل یونیفرم پادگان نظامی کل مردان کشور را مجبور به پوشیدن کت و شلوار و کلاه متحدالشکل غربی کرد و حتی پوشیدن کفش های چرمی مدل غربی را اجباری کرد.

او پوشیدن لباس روحانیت را ممنوع و هر نوع روضه خوانی و عزاداری امام حسین را در سراسر کشور ممنوع کرد. مرحوم پدرم که رحمت خدا بر او باد که در آن زمان نوجوان بود خاطرات تلخ زیادی را از آن روزها نقل می کرد روزهایی که او و هم سن و سالهایش در یزد مأموران انتظامات مردمی محل بودند که وقتی زنان می خواستند با چادر به خانه یکدیگر بروند مسیر را شناسایی و از نبودن پاسبان در مسیر مطمئن شوند و یا همانطور که در فیلم و

خاطره اردوگاههای اسارت در عراق دیده و شنیده آید نگرهبانانی برای مراسم مذهبی داشتند این نوجوانان در کوچه های اطراف محل برگزاری روضه خوانی گشت می زدند و بمحض رؤیت هر مأمور انتظامی عده ای او را به خود سرگرم می کردند و عده ای دیگر خود را به محل روضه خوانی می رساندند و خبری می دادند تا روضه را متوقف و شرایط را عادی سازی کنند تا مردم عزادار مورد هجوم و تیراندازی مأموران واقع نشوند. هنر رضاخان این کارها بود ستم پذیری از اجانب و ستمکاری در حق مردم بی دفاع.

پادشاهی بی عرضه و پر مدعا که قدرتش فقط برای اعمال کشتار و شکنجه مردم بی سلاح مفهوم داشت رضاخان بی کفایت و بسیار ناتوانی که با آنهمه ادعا و سرو صدا نتوانست حتی یک ساعت در مقابل تجاوز بیگانگان مقاومت کند و به راحتی آب خوردن تن به اشغال کشور داد سراسر کشور را تسلیم متجاوزین نمود یعنی باید گفت صد رحمت به شاه سلطان حسین چون لااقل برای حفظ موقعیت خود تقلائی کرد این آقا که هیچ نکرد و آنگاه که اشغالگران امر به عزل و تبعید او دادند بدون کوچکترین مقاومت، و هیچ جربزه ای از خود نشان نداد و رضاخان مثل یک بره ی رام تحت الحفظ مأموران انگلیسی کشور را ترک کرد. از میزان جنایت و خیانت او به ملت ایران همین بس که در روز عزل او با وجود اشغال کشور توسط قوای بیگانه مردم جشن گرفتند و در خیابانها به پایکوبی برخاستند.

اگر بخواهیم رضاخان را در یک جمله توصیف کنیم که برای کلمه آن اسناد معتبر و انکار ناپذیر داشته باشیم باید بگوییم **رضاخان بی سواد مزدور، خائن، بزدل، بی عرضه، دزد بی غیرت، جنایتکار بی دین، ضد ملی مزدور** و بی سواد برای اینکه بی سواد بود و خواندن و نوشتن نمی دانست چه رسد به علم بیشتر از آن جهت که عامل انگلیس بود و با توطئه اجانب روی کار آمد، **خائن** از آن جهت که کشور را در اختیار انگلیس قرار داد تا با پول ایرانی ها برای قشون خودشان راه و راه آهن بکشند تا بتوانند قوای خود را با کشتی به منتها الیه خلیج فارس برسانند و با سرعت از طریق آن راه و راه آهن نیروهای خود را برای مقابله با روس به آسیای مرکزی برسانند، **بزدل** از آن جهت که شجاعت نداشت حتی یک ساعت در مقابل تجاوز بیگانگان مقاومت کند و بدون هیچ مقاومت کل کشور را تسلیم متجاوزان کرد، **بی عرضه** به این دلیل که وقتی متجاوزان به تهران رسیدند مثل بره تسلیم آنها شد و بدون آنکه برای خود تدبیری کند آنچه انگلیس دستور داد به آن تن داد و عازم تبعیدگاه ارباب خودش، **دزدی** او که *اظهر من الشمس* است با بالا کشیدن تمام درآمد نفت و بنام کردن دهها هزار املاک مردم که اسناد آن ذکر شد، **بی غیرت** چون چادر حیا و عفت را از سر ناموس خود و نوامیس هزاران ایرانی به زور سرنیزه برداشت جنایتکار به آن جهت که پاک ترین

مردان روزگار را فقط به جرم مخالفت با خود کشت و بی دین به جهت گلوله باران مسجد و ممنوع کردن عزاداری امام حسین(ع) و خاندان مطهرش و نفی اجباری ضروریات دین، ضد ملی برای اجبار مردم به تغییر لباس و پوشش ملی ایرانی و وادار کردن آنها به استفاده از پوشش فرنگی.

جنایت ها و غارت ها و حیف و میل سرمایه کشور در دوره محمدرضا شاه نیز به گونه ای گسترده تر تداوم یافت؛ آن هم در شرایطی که در اثر جنگ جهانی دوم و اشغال کشور توسط قوای نظامی روسیه، انگلیس و آمریکا قحطی جدیدی کشور را فرا گرفته بود. حادثه «بلوای نان» در سال ۱۳۲۱ گواه این مدعاست. (سایت هیات رزمندگان اسلام،

### از زندگی شاه تا زندگی مردم، شاه باید شاهی کند

پادشاه پهلوی که بیشتر از ۷۵ درصد مردمش در خانه‌های خشت و گلی می‌زیستند، در مجموعه‌ای از قصرهای پرزرق و برق در صدها هکتار باغ و تفریحگاه و صدها هزار مترمربع بنا. مجموعه کاخ‌های سعدآباد، کاخ شهوند، کاخ نیاوران، کاخ صاحبقرانی، کاخ گلستان، کاخ چالوس، کاخ گچسرو، کاخ مرمر، قصر فیروزه، کاخ لتیان، کاخ رامسر، کاخ نوشهر، کاخ ناز دشت، کاخ فرح‌آباد، و کاخ‌های متعدد در جاهای مختلف کشور کاخ و باغ‌های استیل ماینس لندن، کاخ گل سرخ در ژنو، کاخ زمستانی سوئیس، کاخ ناپل در ایتالیا، املاک راکی در کوه‌های راکی آمریکا، کاخ کاپری، یک جزیره در اسپانیا و املاک فراوان غیرقابل‌شمارش دیگر زندگی می‌کرد کاخ‌هایی که با هزینه‌های آن می‌شد صدها هزار نفر را صاحب‌خانه کرد.

برابر اسناد او هنگام فرار از ایران در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ در سراسر ایران، اروپا و آمریکا ۸۳ کاخ سلطنتی داشت و به اعتراف خودش ۲۲۰ هزار هکتار زمین در تملک خود داشت. (نراقی، ۱۳۸۹)

پادشاهی که هر سال زمستان، درست همان وقت که گروه‌هایی از مردم به خاطر نداشتن خاکه‌زغال و حتی دردسترس نداشتن فضولات حیوانی برای سوزاندن و گرم کردن کرسی‌شان از سرما جان می‌باختند او در "کاخ زمستانی سودرتا" در سنت موریس سوئیس که در آنجا به پایتخت زمستانی شاه ایران مشهور شده بود مشغول اسکی‌بازی بود. کاخ بزرگ شاهانه‌ای که در سال ۱۳۵۰ اراضی بزرگتری به آن ملحق و در آن املاک؛ ورزشگاه و پیست اختصاصی اسکی برای خانواده شاه بنا شد و هر زمستان یکی دو ماه شاه در آن اقامت می‌کرد.

خانم مینو صمیمی منشی سفیرشاه در سوئیس در کتاب خاطرات خود می نویسد: "شاه و درباریان همه ساله از حدود ۲۰ ژانویه برای اسکی و تفریحات به سوئیس می آمدند. همه ساله قبل از آغاز سفر شاه دو طبقه کامل از گراند هتل «دولد» برای مدت دو ماه اجاره می شد تا مورد استفاده شاه و همراهانش در زوریخ قرار گیرد. اگر چه شاه و ملکه قاعداً پس از یک هفته اقامت در زوریخ عازم سن موریس می شدند؛ ولی سفارتخانه اجاره دو طبقه کامل هتل دولد را تا پایان دو ماه کماکان می پرداخت." (صمیمی، ۱۳۷۶)

"همه ساله قبل از آغاز سفر شاه دو طبقه کامل از گراند هتل «دولد» برای مدت دو ماه اجاره می شد ما ابتدا می بایست ۲ طبقه هتل را برای شاه و ۴۰ تن از همراهانش آماده کرده، سپس وسایل لازم را برای ۲ هفته اسکی بازی شاه و ملکه، در شهر سن موریس مهیا می ساختیم. از میان ۴۰ همراه شاه و ملکه، ۲۵ نفرشان را مأمورین امنیتی و محافظ تشکیل می دادند که برای همه آنها نیز می بایست حدود ۴۰ اتومبیل با رانندگان قابل اعتماد و نیز ۱۰ فروند هواپیمای کوچک آماده باشد." (صمیمی، ۱۳۷۶)

"در تمام مدت اقامت در سوئیس، هواپیماهای اختصاصی متعدد نیز بین تهران و زوریخ پرواز می کردند تا روزانه علاوه برجا به جا کردن درباریان و مقامات کشور، انواع و اقسام وسایل مورد نیاز شاه و اطرافیانش، مثل لباس پوست خز، مواد غذایی، وسایل مصرفی و مشروبات الکلی را از ایران به سوئیس و بالعکس حمل کنند." (همان، ۱۳۷۶)

در سال ۱۳۴۶ شاه با برگزاری جشن تاج گذاری برای خود و همسرش فرح به عنوان «ملکه ایران» هزینه هایی انجام داد که در تاریخ ایران بی سابقه است. در گزارش روزنامه کیهان در همان روزهای برگزاری جشن تاج گذاری می خوانیم:

"پرآریل، جواهرساز معروف فرانسوی که در برابر جواهرات سلطنتی ایران شگفت زده و حیران مانده است، تاجی از طلای سفید ساخته شده است... شماره گوهرهایی که روی تاج پهلوی نشانده شده، به شرح زیر است:



۳۳۸۰ قطعه الماس به وزن ۱۱۴۴ قیراط، ۵۰ قطعه زمرد به وزن ۱۹۹ قیراط و ۲ قطعه الماس به وزن ۱۹ قیراط و ۳۶۸ حبه مروارید غلطان، وزن تاج از زر و گوهر و مخمل روی هم ۴۴۴ مثقال، یعنی در حدود دو کیلو و هشتاد گرم باشد.

و تاج شهبانو، وزن تاج با کلاه ۱/۴۸۰/۹۰۰ کیلوگرم و از ۳۶ عدد زمرد، ۳۶ عدد یاقوت، ۱۰۵ عدد مروارید، ۱۴۶۹ برلیان و ۱۶۴۶ قطعه جواهر ساخته شده است". (سایت هیات رزمندگان اسلام،

درحالی که اغلب روستاهای ایرانی حتی از یک جاده خاکی درجه ۳ محروم بود و روستائیان غالباً به شهر دسترسی نداشتند و اندک افرادی که برای رفع نیازها با شهر ارتباط داشتند باید پیاده یا با چهارپا به شهرها آمدوشد می کردند. درحالی که بیشتر از ۹۹٫۵ درصد مردم ایران دسترسی به هواپیما نداشتند حتی هواپیمایی را روی زمین ندیده بودند تا چه رسد سوار آن شده باشند بارها اتفاق می افتاد که برای آوردن دسته گل از هلند یا لباس از فرانسه از سوی خانواده سلطنتی هواپیمای اختصاصی شاه به آن کشورها اعزام می شد.

خانم مینو صمیمی منشی سفیر شاه در سوئیس در کتاب خاطرات خود با عنوان "پشت پرده تخت طاووس" می نویسد: "سفیر وقت ایران در سوئیس یک بار برای تهیه پمادی جهت مداوای خارش دست شاه هواپیمایی را دربست به لندن فرستاد تا ده حلقه از پماد موردنظر را برای شاه بیاورد زیرا پمادی بانام مورد دستور شاه در سوئیس وجود نداشت بلکه مشابه آن بانامی دیگر موجود بود اما سفیر معتقد بود امر شاه باید همان طور که هست اجرا شود". (صمیمی، ۱۳۷۶)

پادشاهی که مالک بخش عظیمی از بانکها، هتل های درجه یک، مراکز تفریحی و املاک بسیار گسترده غیرقابل حساب در کشور بود و هزاران تن از رعایای او به خاطر نبود جاده یا امکانات بهداشتی بر اثر بیماری های واگیردار می مردند و متوسط عمر مردمی که دسترسی به ادارات داشتند و شناسنامه می گرفتند تنها ۵۴ سال بود.

او نه تنها امکانات گسترده نظامی، اداری و قانون گذاری را در اختیار داشت، بلکه از نظر اقتصادی نیز بزرگ ترین قدرت کشور به شمار می رفت. در سال ۱۳۳۰ برای به جریان انداختن پول های حاصل از فروش املاک سلطنتی، اداره ای به نام «دفتر املاک تخصصی» تأسیس کرد. هفت سال بعد سازمانی به نام «بنیاد پهلوی» جایگزین آن شد و در

مدتی کوتاه به بزرگترین تشکیلات اقتصادی و مالی ایران بدل گردید. به دست دادن میزان دقیق یا حتی نسبتاً دقیق سرمایه و دارایی بنیاد پهلوی ناممکن است. در سال ۱۳۵۶ بنیاد پهلوی ۲۰۷ واحد صنعتی و زراعی از جمله ۸ مزرعه، ۱۰ کارخانه سیمان، ۱۷ بانک و شرکت بیمه، ۲۳ هتل، ۲۵ شرکت فلزکاری، ۲۵ شرکت کشت و صنعت، ۴۵ شرکت ساختمانی، ۱۷ شرکت صنایع غذایی و ده ها شرکت بازرگانی سرمایه گذاری کرده بود. از سال ۱۳۵۲ به بعد، بنیاد پهلوی به خرید اموال غیرمنقول در خارج از کشور اقدام کرد. بدین رو، در ایران هیچ موسسه اقتصادی و مالی مهمی وجود نداشت که شاه و فامیلش در آن سهام نباشند (ازغندی، ۱۳۹۴)

با اینهمه ثروت خصوصی شاه که قابل محاسبه نبود. شاه و یک یک خانواده اش از بیت المال دولت هم حقوق دریافت می کردند آنها هم حقوق کلان فرا نجومی در سال ۵۷ که حداقل دستمزد مشمول بیمه بر اساس گزارش سازمان تأمین اجتماعی ۶۳۰ تومان بود بر اساس اسناد مکتوب و دفاتر پرداخت دربار شاهنشاهی موجود در دفتر مطالعات تاریخ معاصر ایران پول تو جیبی ولیعهد ۱۸ ساله که از دولت شاهنشاهی پرداخت شد نزدیک به هزار برابر حداقل دستمزد یعنی ۶۰۰ هزار تومان معادل سکه طلای ۱۴۲۸ پهلوی (بهار آزادی) یعنی با احتساب قیمت طلای آنروز ولیعهد می توانست با پول توجیبی هر ماه ۱۴۲۸ سکه طلا خریداری کند.

متأسفانه نفوذی های سازمان میراث فرهنگی کار خودشان را کرده اند و بسیاری از اسناد این مفاسد اقتصادی را در موزه ها از دسترس عموم خارج کرده اند. ۲۵ سال پیش کاخ سعدآباد را بازدید کرده بودم ۲۰۰۰ کراوات شاه، هفتصد کفش و ششصد لباس زنانه فرح و .... در معرض دید مردم بود تا مردم زیاده خواهی جنون آمیز خاندان پهلوی را ببینند و روایت گران به بازدید کنندگان تعداد لباسها را روایت کرده و می گفتند که اینها تازه بخشی از امکانات آنهاست و بهترین ها را با خود برده اند و مردم را از حرص مفرط و دیوانه وار این خانواده به دنیا مطلع می کردند ولی سال گذشته که فرزند کوچک کلاس اولی ام را برای بازدید کاخ بردم دیدم که همه ی آن لباس ها را جمع کرده و به انبارها برده اند چند لباس معمولی خانواده شاه را به تن مانکن های مجسمه ای کرده اند تحت عنوان نمونه لباسهای زنهای پهلوی بعد هم برای اینکه این لباسها خیلی ساده جلوه کند قبل از غرفه زنان پهلوی غرفه ای به لباسهای زنان شاهان قاجار اختصاص داده اند و بعد از غرفه زنان پهلوی هم یک غرفه به لباسهای محلی زنان اقوام و عشایر ایرانی اختصاص داده اند تا گرانبیمنت بودن لباسهای زنان پهلوی به چشم نیاید چرا که لباسهای عشایری و لباسهای قاجار که

بقول معروف مدل دهاتی با رنگهای خیره کننده روستایی است آن لباسهای اشرافی و بسیار گرانبقیمت دوخت پاریس و لندن را ساده جلوه می دهد!

در بازدیدی که داشتم دیگر از تابلوهای متعددی که آنجا نصب بود و قراردادهای کارخانجات مهم کشور با خاندان پهلوی که رسماً و کتباً رشوه های کلان از سهم کارخانه را داده بودند و در ازای آن پهلوی ها تعهد کرده بودند حمایت های اداری بکنند و قراردادها با امضای طرفین قاب شده بود دیگر خبری نبود.

نه تنها همه ی این موارد را حذف کرده بودند بلکه بجای اینکه از زشتی کار خاندان پهلوی در تخریب محیط زیست گفته شود عکس های شکار بصورت افتخارآمیزی نصب شده بود و نام مالک تفنگ های متعدد هم با واژگان اعلیحضرت! و والا حضرت نوشته شده بود. و از این بدتر اینکه بعضی کارمندان و راویان میراث فرهنگی بجای شرح جنایات خیانت های این خاندان پلید حرفهای دیگری می زنند.

البته نفوذی های بیگانه در کشور باید بدانند وضع به این منوال نخواهد ماند بزودی ملت نسبت به این خیانت ها که در آموزش و پرورش، آموزش عالی، میراث فرهنگی، ارشاد و ... شده آگاه خواهند شد و به سراغ آنها خواهند آمد تا آنچه را بخاطر مطامع مادی و مزدوری آمریکا و صهیونیسم از مردم کتمان کرده اند تا این خاندان پلید را تطهیر کنند باز گویند و واقعیت های تکان دهنده فساد و خیانت و جنایت خاندان کثیف پهلوی برای نسل های آینده پنهان نخواهد ماند.

خانواده ای فاسد که ذکر جزئیات زندگی آنان بسیار شرم آور و غیرقابل تحمل است . فلذا ما در اینجا از ذکر شهوترانی ها و فساد عمیق و گسترده جنسی و بیماریهای جنسی شخص شاه و همسر و خواهر و مادر و سایر اعضای خانواده اش سخنی نمی گوئیم و کسانی را که علاقه به بررسی این موضوع و اطلاع از عمق خباثت و پستی این خاندان دارند به کتابهایی که در این زمینه نوشته شده و اسناد معتبری که خود خاندان سلطنت در کتب خاطراتشان علیه یکدیگر ارائه کرده اند و فسادهای جنسی حاد رقبای خانوادگی خود را بر ملا کرده اند ارجاع می دهیم و صرفاً نمونه ای از سایر ناهنجاریها و مفاسد خاندان پهلوی که خود می تواند مشت نمونه ای از خروار باشد و سایر جنبه ها را نیز به اهل فهم نشان دهد اشاره ای می کنیم.

**شاه قاچاقچی مواد مخدر**

شاهی که خود و خانواده‌اش رسماً و علناً شبکه قاچاق مواد مخدر را مدیریت می‌کردند. شبکه‌ای که بارها موجب رسوایی جهانی برای ایران شد. آزادی مکرر چمدان‌های حامل مواد مخدر متعلق به شخص اشرف پهلوی و آزادسازی قاچاقچی بزرگ مواد مخدر هوشنگ دولو دوست صمیمی شاه با دخالت مستقیم او از زندان‌های سوئیس و انتقال فوری او با هواپیمای شخصی شاه به ایران در ۱۳۵۱ بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهان یافت. این موضوع که در کتب متعدد خاطرات وابستگان سلطنت از زبان و قلم خودشان آمده و بارها رسانه‌های بین‌المللی حامی شاه از آن پرده برداری کرده‌اند بسیار وسیع‌تر از حد تصور است.

مسعود بهنود عامل رسانه‌ای رژیم سلطنتی انگلیس و از عوامل رژیم شاه در کتاب "از ضیاءالدین تا بختیار" می‌نویسد: هوشنگ دولو در مارس ۱۹۷۲ / اسفند ۵۱ در حال تحویل تریاک به حسن قریشی (بازرگان ایرانی) مقیم سوئیس بود توسط پلیس این کشور دستگیر شد. پلیس به دولو دستور داد که تا روشن شدن تکلیف پرونده قضایی از سن موریتس خارج نشود". (بهنود، ۲۰۰۹)

فریدون هویدا برادر نخست‌وزیر بهایی رژیم شاه در این باره در کتاب "سقوط شاه" می‌نویسد:

"شاه این شخص را پس از دستگیری‌اش به خاطر قاچاق مواد مخدر در سوئیس با ضمانت خود از زندان بیرون آورد و یکسره به فرودگاه زوریخ برد و از آنجا درحالی‌که مأموران پلیس ناظر فرار زندانی از کشورشان بودند ولی به خاطر حضور شاه کاری از دستشان بر نمی‌آمد او را به هواپیمای آماده پرواز نشانند و از سوئیس خارج کردند". (هویدا، ۱۳۸۸)

مجله آمریکایی ساگا در نوامبر ۱۹۷۳ ماجرای دستگیری اشرف پهلوی (خواهر شاه) را درحالی‌که چمدان‌های خود را با کیسه‌های پلاستیکی مملو از هروئین انباشته بود شرح داد و نوشت که "فقط مداخله مقامات عالی‌رتبه سوئیسی که ذخایر ارزی دربار شاه در بانک‌های سوئیس آن‌ها را مجذوب کرده است باعث آزادی اشرف گردیده است". روزنامه آلمانی اشپیگل در شماره ۱۳ مارس ۱۹۷۲ (اسفند ۵۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحت حمایت شاهنشاه" نوشت: "چنانچه شاهنشاه ایران مایل نباشد دادگاه سوئیس امکان کشف حقایق درباره دخالت هوشنگ دولو در قاچاق مواد مخدر نخواهد داشت زیرا این شاهزاده که عضو دربار شاهنشاهی و از

معمدان شاهنشاه است از مصونیت سیاسی استفاده می‌کند". اینکه دیپلمات‌های ایرانی برای تأمین ارز موردنیاز شاهنشاه خود هروئین و تریاک قاچاق می‌کنند تازگی ندارد " دولو ۱۲ سال قبل نیز به اتهام حمل و مصرف مواد مخدر در پاریس مورد تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد. خواهر مقتدر شاه نیز در سال ۱۹۶۱ در فرودگاه ژنو با یک چمدان هروئین دستگیر شد ولی مصونیت سیاسی مانع تعقیب ایشان گردید". (ریشارد کاپوشینسکی، ۲۰۰۶)

پادشاهی که با آنهمه قدرت و ثروت و غرق در رفاه بازهم قانع نیست و به قاچاق مواد مخدر آنهم کثیف ترین نوع آن یعنی هروئین که انسانیت افراد را نابود و خانواده ها را متلاشی می‌کند دست می‌زند آیا می‌شود گفت اندک بویی از انسانیت برده است؟ پادشاه پلیدی که خود و خانواده اش هر شب در قمار مبالغ کلانی را می‌باختند و ثروتهایی را که اینطور با به شیشه کردن خون مردم و غارت بیت المال و آبروریزی از یک کشور در جهان کسب می‌کردند آنطور در قمارهای مستانه شبانه به مفسدین دیگر می‌دادند. پادشاهی که از این فراتر می‌رود و ضرورت فساد را برای خودش تئوریزه می‌کند.

شخص محمدرضا شاه، پس از فرار از ایران در کتاب "پاسخ به تاریخ" در خصوص فساد مالی در دوران حکومتش می‌نویسد: «وقتی فساد رواج یافت، نه تنها در سطح دولت بود، بلکه دامنگیر فرد فرد ملت هم شد... بنابراین باید بگوییم که فساد، ذاتی آدمی است ... فساد با استاندارد زندگی متناسب است» (پهلوی، ۱۳۷۲، ص ۲۴۶)

## شاه قمار باز

یکی از شیوه های رایج انتصاب در رژیم شاه به صورت پرداخت رشوه بود. به طوری که در یکی از گزارش های ساواک در خصوص پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان توسط شاهرخ فیروز به امیر هوشنگ دولو در یک بازی قمار و پرداخت همین مبلغ رشوه به وی جهت وساطت نزد محمدرضا پهلوی به منظور انتصاب فیروز به سفارت و قبول این درخواست توسط محمدرضا پهلوی چنین آمده است:

گزارش ساواک:

" طبق اطلاع موثق یک نفر در یک مهمانی ( گوینده شناخته نشد ) شاهرخ فیروز در یک بازی قمار مبلغ ۵ میلیون تومان به امیر هوشنگ دولو باخت و بعد از اتمام بازی مبلغ ۵ میلیون تومان دیگر به وی داده و تقاضا نموده که مشارالیه از حضور شاهنشاه آریامهر تقاضا نماید که نامبرده را به مقام سفارت منصوب فرمایند که تقاضای شاهرخ فیروز مورد موافقت آقای دولو و شاهنشاه واقع و وی به سفارت منصوب می‌گردد

اظهار کننده در خاتمه گفتار خود اضافه نموده که شاهرخ فیروز از میلیادرهای معروف کشور می باشد... " (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سال، ص ۱۹)

هوشنگ دولو قاجار یکی از عناصر فاسد دربار شاه بود وی در تجریش باغی داشت که مرکز فساد دربار بود، صدهادختر تلفنی با او در تماس بودند و هر کدام از درباریان که میل به فساد پیدا می‌کرد، دولو در آن باغ وسایل را فراهم می‌کرد. دولو در تریاک کشیدن محمدرضا نقش داشت و همنشینی شاه با دولو باعث شد که تریاکی شود البته محمدرضا در ابتدا از روی تفنن تریاک می‌کشید. (حسینیان، ۱۳۸۳)

محمدرضا شاه پهلوی در طول دوران سلطنت خود به شدت معتاد قمار شده بود به گونه ای که همیشه بعد از ناهار به قمار می‌پرداخت و شب‌ها اگر به فسادهای دیگر مشغول نمی‌شد حتماً به قمار روی می‌آورد. طبق گزارش‌های نزدیکان شاه، محمدرضا در قمار بازی‌ها شانس چندانی نداشت به گونه ای که در یک شب محمدرضا حتماً ۴۰-۵۰ میلیون تومان می‌باخت. البته این نیز از شیطنتهای اشرف ذکر شده است. اشرف باندی از قماربازان حرفه‌ای مانند اسکندری و محمود حاجبی را درست کرده بود و محمدرضا را تشویق به قمار با آنها می‌کرد و سپس با تقلب و کمک کردن به آنها مبالغی را از محمدرضا می‌بردند و اشرف «قسمت عمده را خودش برمی‌داشت و به حاجبی و اسکندری هم چند میلیونی می‌داد.» (همان ، ص ۱۹۶)

«میهمانیهای آخر شب بیشتر به پوکر می‌انجامید» (۱۹۴) زیرا «محمدرضا پهلوی تمام عمر عاشق بازی پوکر بوده است» و تنها وقتی که «در یک شب حدود ۷۰۰/۰۰۰ هفتصد هزار پوند باخت این بازی را کنار گذاشت» و بعدها فقط به بازی بریج اکتفا می‌کرد (همان، ص ۱۹۴-۱۹۵)

شاه در قمار، همبازی های مخصوصی داشت که تا آخر با شاه بودند. محمود حاجبی، پروفیسور یحیی عدل، سناتور و جراح معروف و ابوالحسن ابتهاج از هم‌بازیهای حرفه‌ای شاه بودند.

انواع قمار در دربار پهلوی به شکل یک تفریح روزمره درآمدی بود. اما در دربار هیچ کس در قماربازی به پای اشرف و شاه نمی‌رسید. «از مشکلات اخلاقی اشرف قماربازی مفرط او بود... اشرف بیشتر شبهای تابستان در رستوران دربند، بساط قمار راه می‌انداخت و زمستانها هم این بساط در کاخ اختصاصی به راه بود. (همان، ص ۱۹۰)

اشرف چنان در قماربازی خود را صاحب انحصار می‌دید که به گزارش ساواک «جلسات قمار دربار شاهنشاهی که قبلاً در کاخ اختصاصی برقرار می‌شد به کاخ والاحضرت اشرف پهلوی منتقل گردیده و روزهای چهارشنبه هر هفته اعضاء خاندان جلیل سلطنتی پس از صرف نهار تا پاسی از شب به بازی مشغول می‌گردند.» در این جلسات، قمار نه به عنوان یک بازی و تفریح، بلکه به عنوان برد و باخت جدی صورت می‌گرفت. طبق همین گزارش «والاحضرت شاهپور محمودرضا مبلغ ۲/۵ میلیون ریال باخته‌اند.» نقش اشرف در قماربازی دربار، نقش یک تشویق کننده بود و حتی «محمدرضا را به مجالس قمارش دعوت می‌کرد و سپس او را تشویق و تحریک می‌کرد.» (حسینیان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱)

اشرف وقتی به خارج از کشور می‌رفت نیز یک مشتری دائم قمارخانه‌های اروپا بود. ساواک درخصوص قماربازی اشرف پهلوی در پاریس و از دست دادن مبلغ سیصد و پنجاه هزار ریال در این قمار چنین گزارش می‌دهد:

" شب ۱۵ ماه جاری والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به همراه یک نفر از همراهان در یکی از قمارخانه های پاریس مبلغی در حدود سی صد و پنجاه هزار ریال باخته اند " (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

شماره بازیابی ۲۴۵، ص ۱۱۹

ساواک تهران در خصوص اظهارات جمعی از نمایندگان مجلس شورای ملی در مورد خرید ویلایی در سوئیس توسط همسر خسرو هدایت با استفاده از برنده شدن هدایت در بازی قمار با اشرف پهلوی و چند تن دیگر از مقامات دربار گزارش می‌دهد که :

" چند روز بین چند نفر از نمایندگان شورای ملی از جمله مهندس شیبانی و دکتر مشایخی در مورد خانم خسرو هدایت بحثی به میان آمده بود و گفته می‌شد مشارالیها در یک جلسه قمار مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار تومان از والاحضرت اشرف پهلوی و چند نفر از درباری ها برده است و بلافاصله برای خرید یک ویلا در سوئیس به آن کشور عزیمت و ویلای زیبایی خریداری نموده است " ( آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سال، ص ۴)

در اواخر عمر رژیم، اشرف بیشتر اوقات خود را در قمارخانه‌های اروپایی می‌گذراند. اشرف خود به مناسبتی در خاطراتش می‌نویسد: «در تابستان ۱۳۵۵ با عده‌ای از دوستان در منزل در ژوئن دپن به سر می‌بردم ... پس از شام به کازینوی پام پیچ در انتهای دیگر بولوار رفتیم، نزدیک ساعت سه بامداد از کازینو خارج شدیم.» این زندگی دومین شخصیت دربار شاهنشاهی ایران بود. (حسینیان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱)

قماربازی دربار شاهنشاهی تا اعماق ارکان نظام نفوذ کرده بود. علم وزیر دربار چندین کازینو در ایران تأسیس کرد که مهم‌ترین آنها کازینوی بزرگ کیش بود. هویدا نیز به این موضوع اذعان کرده و گفته است: «هم اکنون در کنار دریای خزر سه کازینو به مقیاس وسیع مشغول کار است که یکی به خواهر شاه، دیگری به برادرش و سومی هم به بنیاد پهلوی تعلق دارد.» (همان، ص ۱۹۸)

قماربازی حتی در بین محافظین شاه و دانشجویان دانشکده افسری نیز که مهم‌ترین رکن محافظان از رژیم بودند به نحو فزاینده‌ای سرایت کرده بود. "رسوایی بزرگی که در سال ۱۳۵۵ برای رژیم به بار آمد، باخت بزرگ امیر تیمور سفیر شاهنشاه در انگلیس بود. در روزنامه‌های انگلیس اعلام شد که سفیر ایران یک میلیون پوند باخته است. وی بعداً خودکشی کرد و لاونس رئیس یکی از قمارخانه‌ها ۱۷۰۰۰۰۰ پوند به عنوان بدهکاری سفیر از سفارت ایران درخواست کرد. (همان، صص ۱۹۷-۲۰۰)



قماربازی دربار علاوه بر این که ذهنیت بسیار منفی در بین مردم ایجاد کرده بود، این سؤال را به ذهن می‌آورد که شاهی که اجازه تصمیم‌گیری را از دولت، نخست‌وزیر و وزراء سلب کرده بود، با این اعتیاد به قمار، کی وقت فکر کردن در حل مشکلات کشور را دارد؟

در بخشی از بولتن ویژه ساواک در خصوص جلسات قمار برخی از وزرا و مقامات کشوری آمده است :

"نامبرده ( جلال آهنگچیان ) اظهار می‌دارد که حدود سه سال قبل در منزل خود یک جلسه مهمانی عادی ترتیب داده که در آن عده زیادی از شخصیت های نظامی و سیاسی از جمله ارتشبد اویسی، سپهبد مبصر، سپهبد خسروانی، سپهبد شفقت، گل سرخی وزیر منابع طبیعی، زاهدی وزیر کشور، علی ایزدی رئیس دفتر والا حضرت اشرف پهلوی، سرهنگ معصومی معاون وزارت کشاورزی، هادی امیرابراهیمی، فریدون سودآور، علی عبده، تقی علوی کیا و عده ای دیگر از شخصیت ها شرکت داشتند.

در این مهمانی تعدادی از مهمان ها به بازی قمار سرگرم شدند و بعد همین جلسه پایه و اساس تشکیل جلسات قمار شد... این جلسات هر هفته در منزل یکی از افراد بود.

کار قمار در میان سران رژیم شاه آنچنان بالا می‌گیرد که وزیر دادگستری را هم که معمولاً در همه ی رژیم ها از افراد سر بزیر و حقوقی و محافظه کار می‌گذارند در بر می‌گیرد.

در مورد منوچهر پرتو - وزیر دادگستری - آهنگچیان اظهار می‌دارد پرتو در جلسات متشکله در منزل خسروانی شرکت می‌نماید... " (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سال، ص ۷۷-۸۳)

### شاه رشوه خوار

دریافت پورسانت و رشوه در میان درباریان پهلوی دوم یک عمل مشروع و قانونی بود تا آنجا که مادر شاه در این باره می‌گوید:

«این رسم است که شرکت‌های خارجی پورسانتاژ بدهند. این بیچاره‌ها از بودجه‌ی مملکت که برنداشته‌اند. خارجی‌ها اگر دلشان می‌خواهد چند میلیون به رجال ما بدهند؛ چرا ما باید تنگ‌چشمی کنیم و جلوی بخشش آنها را بگیریم.» (آیرملو، تاج‌الملوک، 1380).

شاه در معاملات بزرگ اقتصادی، به خصوص در بخش خرید تسلیحات نظامی از پورسانت‌های کلان بهره می‌برد. یکی از روش‌های خاندان پهلوی برای دریافت رشوه این بود که در مقابل اخذ پروانه‌ی تأسیس مؤسسه‌ی اقتصادی و یا کارخانه، صاحبان آنها سهامی را به رایگان در اختیارشان قرار می‌دادند؛ از این رو بود که درباریان در اکثر شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی کشور صاحب سهام بودند.

از سوی دیگر کارخانه‌ها، شرکت‌ها و بانک‌های غیردولتی بزرگ برای اینکه گرفتار کاغذبازی دولتی نشوند و از پرداخت مالیات و یا عوارض گوناگون معاف شوند، ده یا بیست درصد سهام را بلاعوض به نام شاه می‌کردند و با آسودگی تمام امور خود را انجام می‌دادند. بسیاری از این سهام که طبق آئین‌نامه‌ی شرکت‌ها، می‌توانستند بدون نام باشند، بعد از مدت کوتاهی فروخته می‌شدند و مبلغ آن نیز از کشور خارج می‌شد. [کیا.ب، ارتش تاریکی، ترجمه و نشر کتاب، چ اول، مرکز تهران ۱۳۷۶، ص ۱۱۵]

تعداد زیادی از اسناد رد و بدل شده بین این کارخانه‌ها، شرکت‌ها و موسسات با خاندان پهلوی که در آنها خیلی خیلی صریح نوشته شده این سهام در ازای تسهیلات اداری قید شده به اعلاحضرت یا والا حضرت واگذار می‌شود یعنی رشوه‌گیری مستند شده ی مکتوب آینده خودم دیده ام. اوایل پیروزی انقلاب تعداد زیادی از این اسناد قاب شده در کاخ شاه در معرض دیدن مردم بود در مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است.

ابوالحسن ابتهاج مدیر وقت سازمان مدیریت در خاطرات خود می‌نویسد: "در تهران همه می‌دانند که راه موفقیت در معاملات از طریق جلب حمایت او (شاه) است. آنها بوسیله دلالاتی که حسن شهرتشان محل بحث است و بدین ترتیب به تقاضای آنها اولویت داده می‌شود. در این نوع موارد منافع سلطنتی معمولاً بطور محرمانه تأمین می‌شود و شاه بوسیله اشخاص و نوکرهایی که به آنها اطمینان دارد عمل می‌کند. از جمله می‌توان به بهبانیان و اعضای خانواده اش اشاره کرد که آنها هم به نوبت خود استفاده می‌برند تعداد

روایت های رشوه گیری مستقیم و غیرمستقیم اعلاحضرت زیاد است که دیگر نادیده گرفتن آن غیر ممکن است. (آیرملو، تاجالملوک، 1380)

### رشوه خواری شخص شاه

شاه به دریافت رشوه از افراد و مؤسسات گوناگون علاقه‌مند بود و از این کار هیچ ابایی نداشت. در یکی از اسناد ساواک به نقل از دو نفر از کارمندان عالیرتبه‌ی شهرداری آمده است:

«...موضوع احداث جاده‌ی (سوم بزرگراه شهید مدرس فعلی) موردنظر قرار گرفته و شاهنشاه با یک شرکت انگلیسی در این مورد وارد مذاکره شده‌اند و قرار است شهرداری تهران برای حفظ اصول ظاهری، کشیدن جاده را به مزایده گذارده و پس از مطالعه‌ی پیشنهادات شرکت انگلیسی مذکور، برنده اعلام و در ضمن، امتیاز خرید و فروش زمین‌های اطراف جاده‌ی سوم نیز به شرکت مذکور واگذار شود و در قبال این امتیازات مبلغی در حدود ۸۰ میلیون تومان به شخص اول مملکت پرداخت و ۳۰ الی ۵۰ هزار متر از زمین‌های مرغوب کنار جاده‌ی سوم نیز برای تأسیس یک هتل درجه‌ی اول در اختیار مؤسسه‌ی بنیاد پهلوی گذارده شود. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سال، سند شماره‌ی ۱۴۳)

محمدرضا برای دریافت رشوه از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کرد که گاه به قدری ماهرانه بود که هیچ ردی از دریافت‌کننده و پرداخت‌کننده‌ی رشوه به جای نمی‌ماند. در سند دیگری مربوط به گزارش‌های ساواک که از وزارت گمرکات است، آمده است:

«یکی از افسران مأمور وزارت گمرکات و انحصارات اظهار داشته که در حال حاضر آقای سرتیپ ضرغام، وزیر آن وزارتخانه، ماهیانه ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال به اعلیحضرت همایون شاهنشاه می‌پردازد. افسر مزبور اضافه نموده که در حال حاضر مأمورین وزارتخانه‌ی مزبور شخصاً اقدام به وارد کردن کالای قاچاق از خارج نموده، به طوری که در قسمت جنوب وارد کردن قاچاق برای قاچاقچیان نفعی ندارد؛ زیرا مشابه همان کالا توسط مأمورین گمرک به قیمت ارزان‌تر در دسترس مشتریان و خریداران قرار می‌گیرد...» (همان، سند شماره‌ی

پرداخت رشوه به روزنامه‌نگاران و مطبوعات، به خصوص مطبوعات خارجی از جمله ابزاری بود که شاه برای تقویت جایگاه بین‌المللی خود و نیز سرپوش نهادن بر افتضاحات خاندان سلطنتی از آن سود می‌جست. "در یک مورد پس از آنکه رسوایی قاچاق مواد مخدر توسط اشرف پهلوی در فرانسه مورد توجه مطبوعات اروپا و آمریکا قرار گرفت، محمدرضا به سفارتخانه‌های ایران در اروپا دستور داد که به هر وسیله‌ی ممکن مانع انتشار آنان در مطبوعات اروپایی شوند. پس از آن، سیل فرش، قالیچه، پسته، خاویار و هدایای گرانبها بود که به سوی نشریات اروپایی سرازیر و حتی رپرتاژ آگهی‌های چند صد هزار دلاری به نشریات واگذار شد. پرداخت این‌گونه رشوه‌های سنگین بود که مطبوعات غربی را از پرداختن به این موضوع بازداشت، و این مسئله به زودی به فراموشی سپرده شد" [۱۱] فریده دیبا مادر زن شاه، پیشین، صص ۲۴۴-۲۴۵

در مورد پرداخت رشوه به روزنامه‌نگاران خارجی از سوی شاه و دولت ایران، پرویز راجی [۱۲] در خاطرات خود نوشته است:

«عده‌ای از روزنامه‌نگاران خارجی در ایران هدایایی به صورت رشوه دریافت داشته‌اند تا در بازگشت، مقالات تملق‌آمیزی در مورد شاه بنویسند. در این میان «بورچ گریو» سردبیر مجله‌ی نیوزویک، ۲ قطعه فرش به قیمت ۲۰ هزار دلار و «دوویلیه» روزنامه‌نگار فرانسوی که کتاب تملق‌آمیزی هم درباره‌ی شاه نوشته بود، یک دستبند طلا به قیمت ۱۲ هزار دلار دریافت کردند. البته روزنامه‌نگارانی که از رژیم شاه رشوه می‌گرفتند، منحصر به این نفرات نبودند، چون اکثر آنها در مسافرت به ایران از پول بلیط هواپیما گرفته تا مخارج هتل و هزینه‌ی تفریح خود را از دربار یا بودجه‌ی دولت دریافت می‌داشتند و در پایان کار نیز هدایایی می‌گرفتند و می‌رفتند». [پرویز راجی آخرین سفیر شاه در انگلیس و دولت بسیار صمیمی اشرف پهلوی علاقه‌ی شاه به پیشبرد اهداف خود از طریق پرداخت رشوه و نیز ماهیت نظام‌های غربی، محمدرضا را در ماه‌های قبل از پیروزی انقلاب بر آن داشت تا با اهدای هدایایی گرانبها به افراد قدرتمند آمریکایی، در جهت بقای حکومت خود گام بردارد؛ به همین منظور افرادی را به همراه میلیون‌ها دلار به آمریکا فرستاد تا در این راستا تلاش کنند. [۱۳] راجی، پرویز، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه ی ح.ا.مهران، انتشارات اطلاعات، چ اول، تهران ۱۳۶۴، ص

## رشوه خواری فرح دیبا

فرح سومین همسر رسمی محمدرضا نقش مؤثری در امور مختلف کشور داشت. او به منظور رسیدگی به امور مورد علاقه‌ی خود دفتر ویژه‌ای به نام «دفتر مخصوص ملکه» ایجاد کرده بود که بالغ بر ششصد نفر کارمند داشت و در مسائل گوناگون فرهنگی، هنری و اقتصادی فعالیت می‌کرد. در بخشی از این دفتر که کارشناسان و ارزیابان هنری فعالیت داشتند، مبالغ هنگفتی اختلاس می‌شد. "قضیه از این قرار بود که در کارشناسی بناهای قدیمی که فرح علاقه‌ی خاصی به مرمت و نگهداری آنان داشت، این افراد غالباً قیمت بنا را دو تا سه برابر ارزش واقعی آن قیمت‌گذاری می‌نمودند و پس از خرید ساختمان با ۱/۳ قیمت اعلام شده، مابقی پول را اختلاس می‌کردند. موارد این‌چنینی در دفتر ملکه بسیار زیاد بود. هزینه‌ی هنگفت این‌گونه امور از بودجه‌ی کشور پرداخت می‌شد، آن هم صرفاً برای سرگرمی و دلخوشی فرح". (فردوست، ۱۳۸۱)

"بودجه‌ی مربوط به دفتر مخصوص ملکه در سال به چندین میلیارد ریال می‌رسید. براساس اسناد به جای مانده از رژیم پهلوی، طی سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۷، فقط شرکت ملی نفت ایران مبلغی افزون بر شش میلیارد ریال به دفتر مخصوص فرح پرداخت کرده است".

"مسئله‌ی دیگری که در مؤسسات تحت ریاست فرح وجود داشت، سوءاستفاده و رشوه‌های کلان و اختلاس‌هایی بود که توسط دوستان و یاران او صورت می‌گرفت؛ هر چند سازمان‌های وابسته به دربار و افراد خاندان سلطنتی به میزان وسیع‌تری از امکان این فساد برخوردار بودند. "اعانه‌ها و کمک‌هایی که از سوی مردم به سازمان‌ها داده می‌شد، اکثراً در جیب درباریان انباشته و مبلغ اندکی صرف خانواده‌های بی‌بضاعت می‌شد. این وضعیت تا جایی رسید که حتی برای خرید شیر مورد نیاز کودکان معلول ذهنی سوء استفاده شد. (مینو صمیمی، ۱۳۷۴، پیشین، صص ۱۳۶-۱۳۷)

## رشوه خواری اشرف

اشرف در زندگی خود به دو چیز بسیار علاقه‌مند بود: مرد و پول. اشرف برای به دست آوردن پول بیشتر، دست به هر عملی می‌زد. دریافت رشوه برای واگذاری شغل از اعمالی بود که توسط او انجام می‌گرفت. وی رسماً پول می‌گرفت و

مناصب حکومتی را می‌فروخت. فریده دیبا در کتاب خاطرات خود به این موضوع اشاره کرده است: «اشرف در انتخاب وزرا، وکلای مجلس، سفرای ایران در خارج از کشور و حتی معاونان وزرا و مدیران کل دخالت می‌کرد و با گرفتن پول‌های کلان، پست‌های نان و آبدار را می‌فروخت.» (دیبا، ۱۳۷۹، ص ۲۲۶)

این ذکر نمونه از صدها سند غیرقابل‌انکار از فساد جنسی، قماربازی، اختلاس و رشوه، قاچاق مواد مخدر زمین‌خواری، جنایت، تجاوز و مفاسد گسترده دیگر خاندان پهلوی است که برابر اسناد دربار، اسناد ساواک و کتب متعدد خاطراتی که درباریان و طرفداران گذشته و فعلی رژیم پهلوی نوشته‌اند نمونه‌های آن فراوان است.

### سفرای آمریکا و انگلیس پادشاهان واقعی دوره ی پهلوی

ای کاش با اینهمه مفاسد و دزدی‌ها و جنایت‌ها لاقفل شاه ایران مستقل بود و خودش برای کشور تصمیم می‌گرفت بدترین درد وابستگی او به خارج و سرسپردگی کامل او به بیگانگان بود برابر اسناد مکتوب در کتب خاطرات روسای جمهور آمریکا شاه پهلوی بیشتر از اینکه به نفع ایران تصمیم بگیرد منافع آمریکا را مد نظر داشت.

دولت انگلیس پس از عزل رضاشاه با پادشاهی محمدرضا «مشروط به حسن رفتار» موافقت کرد. سر اوستین چمبرلن وزیرخارج انگلیس طی نامه ای خطاب به سفارت انگلیس در تهران در آذر ۱۳۳۵ (نوامبر ۱۹۲۶) اصول اساسی سیاست انگلیس در قبال ایران را دفاع از منافع بریتانیا و برقراری امنیت مستعمرات آن امپراتوری قلمداد کرد.

بر همین اساس سیاست آمریکا و انگلیس پس از کودتای ۲۸ مرداد در سلطه نفتی «کنرسیوم نفت»، در سلطه نظامی «پیمان سنتو» در سلطه اقتصادی «اصلاحات ارضی» و در سلطه سیاسی، تحقیر فرهنگی و «کاپیتولاسیون» بود.

جیمی کارتر رئیس جمهور پیشین آمریکا می‌گوید: «شاه تسلیم پیشنهادهایی بود که از سفارت ما انشاء می‌شد» (کارتر، ۱۳۶۱)

جرالد فورد رئیس جمهور پیشین آمریکا نیز طی مصاحبه ای در دی ماه ۱۳۵۷ می‌گوید: «مصلحت دنیای غرب در این است که شاه در رأس حکومت ایران باقی بماند.» (رضوی هاشمی، ۱۳۷۵)

ریگان از روسای جمهور آمریکا نیز می گوید: «شاه طبق دستور ما عمل می کرد و سال ها حامل بار ما در خاورمیانه بود.»

سولیوان و پارسونز آخرین سفرای آمریکا و انگلیس در حکومت پهلوی در خاطراتشان آورده اند که تقریباً هر ۱۰ تا ۱۵ روز یکبار به دیدار شاه می رفتند و به او دستورهایی می دادند و شاه نیز آن ها را دریافت می کرد. ارتشبد حسین فردوست - از نزدیک یاران و رفقای پنجاه ساله شاه - در خاطرات خود درباره وابستگی محمدرضا به آمریکا و انگلیس می نویسد:

"حدوداً هر ۱۵ روز یکبار سفرای آمریکا و انگلیس را جداگانه ملاقات و هر ۱۵ روز یکبار نیز کارمند ارشد اطلاعاتی سفارت انگلیس را به تنهایی می دید. با کارمند ارشد سیا در ایران نیز به همین نحو ملاقات داشت... محمدرضا هر سال موقع بازی های زمستانی به سوئیس می رفت و در آنجا با رئیس کل MI6 (سازمان جاسوسی انگلیس) جلسات منظم داشت. در این جلسات تنها فرد ایرانی که شرکت می کرد، شاپورچی بود" (فردوست، ۱۳۸۱، ص ۳۳۲)

شاه پهلوی خود در جلسات خصوصی از مداخلات گسترده غربی ها در امور ایران گلایه می کرد ولی در عیان دستورالعمل های رسیده از اربابان را جامه عمل می پوشاند، مروری بر خاطرات شخصیت ها و رجال عصر پهلوی خود موید این واقعیت است.

اسدالله علم نخست وزیر و وزیر دربار که بخشهایی از خاطرات روزانه او چهره ای بدون روتوش از پهلوی ارائه می دهد می نویسد:

«از مدت ها پیش شکایت داشته ام عمال بیگانه در دولت، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بسیاری از وزارتخانه ها نفوذ کرده اند. شاه با این همه گزارش های اطلاعاتی که دریافت می کند، این حقیقت را نادیده می گیرد».

این بخش از خاطرات اسدالله علم اعتراف خود درباری ها به این است شاه پهلوی شخصاً اطلاع داشته است که عمال بیگانه در تمامی شئون کشور از دولت گرفته تا بانک مرکزی و سازمان برنامه نفوذ کرده و استقلال کشور در خطر

جدی قرار گرفته است ولی به اطلاعاتی که دست او در این زمینه می‌رسید وقعی نمی‌گذاشت و از کنار آن به سادگی عبور می‌کرد. البته موضوع فراتر از این است چرا که در تمام این نهادها گروههای مستشاری آمریکا رسماً حضور داشتند و بدون نظر آنها تصمیمی گرفته نمی‌شد و نیازی به نفوذ عوامل بیگانه نبود لکن علم برای فرار از تصریح به حضور مستشاران آنرا نفوذ بیگانگان خوانده است.

خاطرات رجال پهلوی به عیان عمق وابستگی ایران به غرب در این دوره از تاریخ کشور را نشان می‌دهد، وابستگی در این دوره تا بدان حد طبیعی و عادی بود که روزنامه‌ها و مجلات نزدیک به حکومت در پاسخ به اعتراضات مردمی آن را توجیه می‌کردند، به عنوان نمونه مجله خواندنی‌ها در شماره ۱۳ تیر ۱۳۴۰ می‌نویسد:

«می‌گویند آمریکایی‌ها در تمام شئون سیاسی و اقتصادی و مالی ما مداخله می‌کنند، من کار ندارم به اینکه بیچاره آمریکایی‌ها بعد از هزار میلیون دلار وام و کمک به تصدیق خودمان، آیا باید حق این را داشته باشند که به اندازه یک دهم هم پیمان خشک و نم پس نده انگلیسی‌مان در کارها و یا لااقل در طرز خرج نظارت و به قول [منتقدان] مداخله داشته باشند یا نه؟»

اینکه آمریکا در امور ایران مداخله می‌کرد مساله ای بسیار واضح بود و حرف امروز و پس از گذشت چهار دهه نیست، مقامات رژیم پهلوی نیز به این مهم معتقد بوده و هرگاه فرصتی به دست می‌آوردند از آن سخن می‌گفتند و گلایه می‌کردند، به عنوان نمونه احمد آرامش که مدتی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه ایران در دولت شریف امامی بود می‌گوید: «مخالفت من فقط با سیاست جانکاه ده ساله گذشته آمریکا است... سال‌ها است که دولت آمریکا با تمام قوا ولی با عناوین به ظاهر فریبنده در تمام شئون زندگی ما دخالت کرده و انگشت دارد و هر زمان به طریقی برای ما حادثه آفریده و تعیین سرنوشت می‌کند، تمام وزارتخانه‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی و عمرانی وابسته به دولت ایران زیر نظر ماموران و نمایندگان مختلف آمریکایی قرار گرفته و آنان در غالب جاها نه تنها به عنوان مشاور و مستشار بلکه به صورت دستوردهنده و کارفرما در زندگی ما مداخله می‌کنند» (آرامش، ۱۳۵۸)



همچنین رژیم پهلوی با به رسمیت شناختن رژیم جعلی صهیونیستی و حمایت از جنایات آن ۷۵ درصد نفت مورد نیاز آن رژیم را تأمین می کرد. "میر آمیت، رئیس پیشین موساد و عضو سابق پارلمان رژیم صهیونیستی، از ماهی یکبار جلسه با شاه ایران سخن می گوید"

"طبق گزارش ساواک، سرمایه داران عمده ایران بیشتر یهودی می باشند" (موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵)

اسحاق رابین نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی پس از پیروزی انقلاب اسلامی چنین گفت: "از دست دادن ایران برای غرب بزرگترین ضربه پس از جنگ جهانی دوم به شمار می رود... سقوط ایران به این معناست که مقدار زیادی از انبار نفت غرب از دست رفته..."

برای یک ملت حقارتی بالاتر از این نیست که چنین مفسدان هرزه و بی اختیاری رهبرشان باشند و این جرثومه فساد که آخرین نفر از نسل شاهان است تنها نمونه‌ای از شخصیت شاهانی است که ۲۵۰۰ سال بر این کشور حکم راندند و ملت آزادیخواه و عدالت طلب را به زنجیر کشیدند. سلسله‌های شهوت و خودپرستی و زیاده‌خواهی و ظلم و جور که نهضت‌های عظیم مردمی ایرانیان در طول قرون و اعصار توانایی غلبه بر آنها را نیافته بود.

### ایرانی آزادیخواه است یا ایرانی سلطه پذیر

برای ملت امروز ایران هیچ افتخاری بالاتر از این نیست که با برپا کردن انقلاب اسلامی ۲۵۰۰ سال میارزه عدالتخواهانه را به ثمر نشانند و این سرزمین نیکان را از چنگ شاهان جنایتکار را رها کردند. تاریخ واقعی مردم ایران تاریخ نهضت‌های عدالتخواهانه مردمی است نه تاریخ ننگین شاهان، ولی متأسفانه از آنجاکه قلم تاریخ‌نویسی غالباً در دست قلم‌به‌دستان جیره خوار و متملقان پادشاهان جبار بوده بخش اصلی تاریخ یعنی مردم، دانشمندان، معلمان، مجاهدان و قهرمانان، بدست فراموشی سپرده شده اند و دشمنان مردم و محور تاریخ شده اند.

قلم به مزدان رژیم پهلوی تاریخ باشکوه تمدن هفت هزار ساله ایرانی را برای پیشبرد اهداف بیگانه و پیاده کردن مقاصد نژاد پرستانه همگرا با غرب به تاریخ ۲۵۰۰ ساله تنزل دادند و حداقل ۴۵۰۰ سال تاریخ تمدن ایران را بنفع بیگانگان حذف کردند و برای هویت سازی مجهول تاریخ دروغینی را ساختند و آنرا به خورد ملت دادند. آنهم نه تاریخ

مردم که تاریخ شاهان از این روست که ۲۵۰۰ سال تاریخ مقاومت ملت ایران در مقابل رژیم های خودکامه شاهنشاهی ناگفته و نانوشته مانده است.

آنها تاریخ را بگونه ای تحریف کردند که نه اثری از فرهنگ اصیل مردم این سرزمین و سلسله انبیاء و دانشمندان آنان بماند و نه اثری از جریان مستمر آزادیخواهی و عدالتخواهی ملت ایران باقی باشد تاریخی که بجای شخصیت های اصیل ایران شاهان جنایتکار نماد ایران و ایرانی شناخته شوند. شاهانی که بیان جنایتشان رژیم ستم شاهی را توجیه کند.

برای سلطه گران این گونه تاریخ نگاری مطلوب بود چرا که اگر ایران و ایرانی با کورش متجاوز که با کشتارهای بیرحمانه و کشور گشایی های ظالمانه هزاران هزار از اقوام و نژادهای مختلف را برای توسعه حاکمیت و نفوذ پادشاهی خود کشت و داریوش سفاک و بیرحمی که در کتیبه های خود به بریدن گوش و درآوردن چشم مخالفان خود افتخار می کند و انوشیروان قاتل و خسرو پرویز با حرمسرای چند هزار نفری شناخته شود و ایرانی این خونریزهای از خدا بی خبر را هویت ملی خود بداند تحمل امثال رژیم پهلوی برای مردم آسان خواهد شد ولی اگر ایرانی هویت واقعی خود را دریابد حاکمیت چنین طاغوتهایی قابل تحمل نخواهد بود.

کورش که در اسناد معتبر علمی و تاریخی و ادبیات اصیل و فاخر ایرانی محلی از اعراب نداشت و در هیچ اثر مهم ادبی و تاریخی ایرانیان حتی شاهنامه فردوسی نامی از او به میان نیامده بود ناگهان توسط رژیم پهلوی به برجسته ترین قهرمان ملی تبدیل شد و سلسله هخامنشیان که با جنایات و زورگویی های گسترده در حق ملت ایران بگونه ای خود را مقابل ملت قرار داده بودند که مردم حتی انگیزه مقاومت در مقابل تجاوز بیگانه را از دست دادند در نتیجه هخامنشیان بدون هر گونه پشتوانه مردمی با شکست مفتضحانه در مقابل قوای اسکندر مقدونی حدود ۲۴۰ سال قرن ایران را تحت سیطره یونان واگذارند و با این شکست زمینه ساز تغییر خط و زبان باستان و لگدمال شدن فرهنگ غنی ایران شدند.

چندین قرن اشغال ایران توسط بیگانگان به خاطر بی کفایتی پادشاهان هخامنشی و ظلم و ستمی که در حق مردم ایران روا می داشتند، به بوته فراموشی سپرده شد و چنین سلسله شومی قهرمانان تاریخ معرفی شدند. نبرد سردار شکست خورده هخامنشی با خط درشت نوشته می شود تا ننگ حاکمیت پادشاهان یونانی بر ایران از ۳۱۲ تا ۶۳ قبل

از میلاد به فراموشی سپرده شود و کسی نپرسد هخامنشیان با مردم ایران چه کردند که مردم ایران به حکومت یونانی ها برخودشان تن دادند و چرا یونانی ها نزدیک به ۲۵۰ سال بر بخش اعظم ایران بزرگ حکومت می کردند.

عجیب آنست که محمد علی فروغی نظریه پرداز ماسونی رژیم پهلوی که اصلی ترین پشتوانه فکری پهلوی هاست وقتی مأمور می شود یک متن تاریخی متناسب با ایدئولوژی شاهنشاهی تهیه کند تا در مدارس کشور تدریس کند کورش را در جایگاهی نمی بیند که در متن اساسی تاریخ ایران از او نام ببرد اما وقتی برنامه ریزان استعمارگر طرحی نو می افکنند و تغییر اساسی فرهنگ ایران را با راه اندازی جشنهای ۲۵۰۰ ساله و تغییر تاریخ خورشیدی هجری به تاریخ شاهنشاهی را رقم می زنند بناگاه کورش از قعر تاریخ در صدر می نشیند و فردی که قبل از دهه چهل تقریباً هیچ هم نامی در میان مردم ایران نداشت بطوریکه نه در کتب تاریخی و نه در سنگ مقابر و نه در وقف نامه ها و وصایا هیچ ایرانی به نام کورش پیدا نمی شود را به یکی از مشهورترین اسامی در ایران تبدیل می کنند. چرا که اگر دانشمندان و انقلابیون و مصلحان و آزادیخواهان محور تاریخ کشور باشند و الگوی مردم قرار گیرند جایی برای اعمال حاکمیت عناصر رذلی از جنس شاهان پهلوی باقی نخواهد ماند.

آنچنان رژیم منحط و ضد مردمی پادشاهان ساسانیان را تقدیس می کنند که گویی فرشتگان پاک پروردگار هستند که از آسمان آمده اند و آنها را نماد ایران می خوانند حتی به خود جرأت می دهند این ظالمانه ترین و طبقاتی ترین سلسله شاهان را نماد عدالت معرفی کنند تا بتوانند مظالم خود را توجیه کنند.

امام خمینی(ره) نه در مورد اردشیر و خسرو پرویز و امثال آنها که تکلیفشان کاملاً روشن است در مورد نوشیروان که در تاریخ وارونه نگاشته شده او را عادل نامیده اند فرمودند: " در زمان انوشیروان چهار طبقه یا پنج طبقه ممتاز بودند علاوه بر خود دستگاه سلطنت با آن بساطی که داشته است یک دسته شاهزادگان بودند و درباری ها این یک طبقه علیحده ممتاز یک دسته هم کسانی که دارای اموال هستند به قول آنها شریف زاده که آنها هم یک دسته ممتاز، یک دسته هم سران ارتش و امثال اینها آنها هم ممتاز و دسته آخر هم نوع مردم بودند پیشه وران بودند می گفتند اینها باید خدمت کنند و مال آنها صرف طبقات دیگر بشود اینها به نظام بروند اینها جنگ کنند اینها کارها را انجام بدهند آنها بخورند. اجازه نمی داد که این طبقه پایین تحصیل کنند ممنوع بود.

"این قصه در شاهنامه هم هست که بوذرجمهر وزیر او پیش او شکایت برد که درآمدها کم شده و ارتش محتاج است بعضی طبقات پایین مال دارند بعد رفتند یک کفشگری را پیدا کردند و او گفت من مال می دهم" به حسب نقل شاهنامه " لکن بشرط اینکه اجازه دهند بچه ام درس بخواند اما او قبول نکرد گفت نه پولش را می خواهیم نه اجازه می دهم درس بخواند چون اگر درس بخواند بعداً می خواهد در امور ما دخالت کند. این عدالتی است که نوشیروان داشته است و در تاریخ ثبت است این جنایاتی که اینها می کردند. من گمان ندارم در تمام سلسله سلاطین حتی یک نفرشان آدم حسابی باشد منتها تبلیغات زیاد بوده. برای شاه عباس آن قدر تبلیغ کردند با اینکه در صفویه شاید از شاه عباس بدتر آدمی نبوده است".

"در قاجاریه آن قدر از ناصرالدین شاه تعریف کردند و (او را) شاه شهید (خواندند) و نمی دانم امثال ذلک در صورتیکه یک ظالم غداری بود که بدتر از دیگران شاید. آن تبلیغات که در آن وقت بود ( در وصف شاهان) همیشه بوده است. عدالت گستری انوشیروان مثل صلح دوستی رئیس جمهور آمریکاست مثل کمونیستی شوروی است.

(صحیفه امام، ج ۲، ۴۲)

اگر در رژیم ساسانی عدالت و انسانیتی نسبت به مردم ایران روا می شد سپاه اعراب چگونه می توانست با عده و عده ی بسیار کمتر بر ارتش ابر قدرتی همچون ساسانیان با چندین برابر ساز و برگ و نفرات پیروز شود.

این عملکرد ظالمانه ی ساسانیان بود که مردم ایران را به حاکمیت خلفای عرب قانع کرد و برای چندین قرن ایران را زیر حکومت سلاطین عرب برد و سلسله های بعدی پادشاهان که با ظلم و جنایات خود در حق مردم ایران زمینه را برای اشغال مجدد ایران این بار توسط مغولها فراهم ساختند و سلطه یکصدساله مغول ها بر ایرانیان و سپس صدها سال حاکمیت اقوام آنان را موجب شدند. آری این هنر سلسله های پادشاهی بود که با ظلم و ستم بی حد به مردم شرایطی را محیا می کردند که ارتشهایی بسیار کوچکتر و بدون ساز و برگ تراز ارتش ایران براحتی ایران را اشغال و بر مردم ایران حکومت کند آنهم نه یک روز و دو روز بلکه قرنها حاکمیت بیگانگان بر ایران.

بسیاری از تاریخ نویسان مزورانه و رندانه از کنارچند نوبت اشغال ایران توسط بیگانگان و در هر نوبت چند قرن حاکمیت آنان بر ایران می گذرند چرا که اگر بخواهند آنرا تبیین کنند مجبورند در علت یابی این پدیده شوم ماهیت پلید پادشاهان و مظالم آنها را که موجب تن دادن ملت ایران به چنین مصیبتی شد توصیف کنند که اگر این کنند ایدئولوژی ساختگی آنها متلاشی می شود و یا باید مردم ایران را ترسو و بی غیرت و تسلیم پذیر در مقابل بیگانه معرفی کنند که این هم واقعیت ندارد و هم مردم را از آنها رو گردان می کند و به ضرر آنهاست.

افتخار سلسله های بعدی پادشاهی تجزیه مستمر ایران بزرگ و تکه پاره شدن ایران و کوچکتر شدن ایران بود طی هفتصدسال ایران از مساحت ۶/۵ میلیون کیلومتر مربع به ۳/۲ میلیون کیلومتر مربع در دوران قاجار رسید و عملکرد قاجار و پهلوی هم آنها به حدود نصف این عدد تقلیل داد. که آخرین داغی که بر تن ایران نشست دست گلی بود که پهلوی های بی عرضه به آب دادند و بحرین و آرارات را از پاره ی تن ایران جدا کرده و تقدیم اربابان انگلیسی شان کردند این واقعیت های تاریخی غیر قابل انکار بدین معناست که اگر طی دو قرن اخیر پادشاهان پیوندی با ملت داشتند و رژیم های حاکم نزد مردم ایران مقبول بودند ایران امروز دو برابر وسعت فعلی را داشت و اینطور ساده و بدون هیچ مقاومتی نیمی از سرزمین ایران از وطن جدا نمی شد گرجستان- ارمنستان آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، هرات و بخش عظیمی از افغانستان، بخش اعظم بلوچستان و کل بحرین را همین ظلم ها و ناکارآمدی ها از ایران بزرگ جدا کرد. حوادث بعدی هم همین ناکار آمدی رژیم های پادشاهی را بوضوح نشان داد وقتی قزاق مدعی جریزه و توانمندی یعنی رضاخان بی کفایت که خیلی تلاش می کنند او را نماد اقتدار نشان دهند نتوانست حتی یک ساعت در مقابل قوای اشغالگر روس و انگلیس مقاومت کند و کشور را یکباره تسلیم اشغالگران کرد اوج ناکارآمدی رژیم سلطنتی به نمایش گذاشته شد و آنچه اشغالگران را از تجزیه بیشتر ایران بازداشت ترس از ظهور مجدد مدرس ها و ستارخان ها و میرزا کوچک خان ها و صدور فتوای میرزای شیرازی ها بود و آلا از نکبت نظام های ستم شاهی ایران لااقل بازهم به دو نیم می شد.

چه زیباست تبیین امام خامنه ای عزیر از ماهیت نظامهای پادشاهی که فرمودند: "اهمیت ایرانی نظام اسلامی به خاطر این است که نظام سیاسی مستقر پایدار ریشه داری است که به دست خود مردم به وجود آمده است. یک نظام تحمیل شده بر مردم نیست؛ ضد ایدئولوژی سلطنت است. سلطنت یک ایدئولوژی دارد. ایدئولوژی سلطنت همان چیزی است که شما در همه سلطنتهای دنیا با انواع و اقسامش مشاهده میکنید؛

یعنی استبداد، بهره‌مندیهای اختصاصی و زورگویی؛ آن جایی که به زورگویی نیاز داشته باشند. یک روز هم پیدا میشود که همین انوشیروان - که سعی کردند اسم او را عادل بگذارند - به خاطر یک کینه شخصی از دوره جوانی، در یک روز دهها هزار مزدکی را به قتل میرساند! نقل میکند که در دوره جوانی، پدرم - قباد - گفت به پای مزدک بیفت (چون قباد، مرید مزدک بود)؛ هنوز بوی گند پای مزدک در شامه من هست و اکنون که به سلطنت رسیده‌ام، انتقام میگیرم؛ نه از خود مزدک، از دهها هزار مزدکی!

"میدانید، ما برای پادشاهان صفوی ارزش و اعتباری قائلیم؛ چون پیرو مکتب اهل بیت بودند و استقلال و تمامیت ارضی ایران را حفظ کردند - اما شما ببینید همین شاه‌عباس که یک چهره برجسته است، چقدر ظلم ناشی از خودکامگی محض کرده است. آن قدر از خویشاوندان خود را کشت و کور کرد که بعضی اشخاص مجبور شدند برخی از شاهزاده‌های صفوی را به گوشه‌ای ببرند و گم و گور کنند تا شاه از وجود آنها مطلع نباشد! مثلاً دستور داد چهار پسر امام قلیخان را سر ببرند و جلو او بگذارند؛ در صورتی که امام قلیخان جزو افرادی بود که به صفویه خیلی خدمت کرده بود؛ جزو خدایم قدیمی صفویه و سرداران و سیاستمداران صفویه بود؛ اما به خاطر وجود روح دیکتاتوری و استبداد در شاه، این بلا سر او آمد. ظلم و جور، مخصوص محمدرضا و رضاخان نبود. در ایدئولوژی سلطنت، ظلم و جور ناشی از استبداد، قدرت مطلقه و متعهد نبودن به هیچ مسؤولیتی و هیچ عهد الهی و مردمی وجود دارد. نظام اسلامی در مقابل ایدئولوژی سلطنت قیام کرد؛ در حالی که کشور ما قرنهای متوالی دچار این حالت بود؛ چه قبل از اسلام، چه حتی بعد از آمدن اسلام. اسلام در مدینه به معنای واقعی کلمه، متضمن آزادی و - به تعبیر امروز ما - مردم‌سالاری بود. در مدینه و زادگاه و پایگاه نبوت، این طور بود؛ اما در مناطق دوردستی که فلان سردار اموی در خراسان یا اصفهان یا فارس مشغول حکومت بود، این خبرها وجود نداشت؛ بلکه هر سرداری برای خود یک پادشاه مستبد بود و هر کاری می توانست، میکرد. البته ایمان مردم ایران به اسلام، به خاطر این شخصیتها و این سردارها نبود؛ به خاطر پیام اسلام بود، که خود داستان و ماجرای دیگری دارد. از ایدئولوژی سلطنت که استبداد یک رکن ذاتی آن است، از صد سال پیش به این طرف، آفتهای دیگری

هم در کشور ما بروز کرد که یکی از آنها وابستگی بود؛ دیگری فساد سلطنت و اطرافیان و درباریان بود؛ فساد جنسی، فساد اخلاقی و فسادهای فراوان مالی.

اینها برای مردم، شاه و قدرت مطلقه بودند؛ اما در مقابل بیگانگان تسلیم و مطیع: «اسد علیّ و فی الحروب نعمه!» در مهمترین مسائل، مطلبی به آنها دیکته میشد؛ نه به وسیله یک رئیس جمهور، بلکه به وسیله سفیر! سفیر انگلیس به دربار مراجعه میکرد و می گفت مصلحت شما این است که این طور باشد؛ شاه هم میفهمید «مصلحت شما این است» یعنی چه! در کنار وابستگی مطلق و مطیع بودن در مقابل بیگانگان، بی کفایتی هم الی ماشاءالله وجود داشت.

من به شما عرض کنم؛ در صد سال اخیر، به معنای حقیقی کلمه، برای این کشور هیچ کار اساسی ای قبل از انقلاب انجام نگرفته است. امروز در محیط دانشگاه چشم شما به حقایق علمی باز شده است؛ می بینید که ما چقدر کار نکرده و راه نرفته داریم. میشد این راهها را رفت، میشد با کاروان علم همراه شد، میشد علم و عالم و دانشمند و تحقیق و استقلال در علم و تحقیق را در کشور آزمایش کرد؛ اما این کار را نکردند؛ بلکه بعکس عمل کردند. و چه سخن بجایی است که امام خامنه ای عزیز فرمودند: "من به اینکه ایران پایتخت مادها و هخامنشی ها بوده افتخار نمی کنم". (بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲)

## انقلاب اسلامی ثمره ۲۵۰۰ سال مبارزه برای عدالت و آزادی

نبرد حق و باطل در تمامی طول تاریخ از هابیل و قابیل تا امروز تا انتهای بشریت ادامه داشته و خواهد داشت و انقلاب کبیر اسلامی در ایران بخشی از همین نبرد همیشگی است.

آری انقلاب کبیر اسلامی ایران انقلابی فقط علیه محمدرضا شاه پهلوی نبود بلکه انقلابی علیه همه ی شاهان و طواغیت تاریخ بود. انقلاب کبیر اسلامی ایران نتیجه چند دهه مجاهدت امام خمینی و مردم ایران در قرن بیستم نبود بلکه ثمره ی نهضت های انبیاء و همه ی مجاهدان و مصلحان بزرگ تاریخ بود.

انقلاب کبیر اسلامی ایران نتیجه ۲۵۰۰ سال مبارزه پیگیر و مستمر مردان با پادشاهان ظالم برای استقرار عدالت بود انقلاب کبیر اسلامی فقط شورش علیه طاغوت ایران نیست بلکه فریاد بلندی علیه تمام ستمگران تاریخ در تمام جغرافیای حیات بشری است.

اگر انقلاب کبیر اسلامی در ایران هیچ کاری نکرده بود مگر آنکه به شاهنشاهی پایان دهد ارزش هزینه های آنرا داشت چه رسد به اینکه علاوه بر این و یا شاید بهتر بگوییم در پرتو این اقدام بزرگ صدها منفعت دیگر شامل حال مردم ایران شده است.

برای درک این انقلاب کبیر که انشاء الله مقدمه ی انقلاب جهانی اسلام و آزادی نهایی بشر از شر شیاطین است باید غبارهای دروغ و ریا و تزویر را از روی تاریخ کنار بزنیم. تاریخهای دروغین ساخته و پرداخته ی استعمارگران و ستمگران را دور بریزیم و تاریخ اجدادمان را آنگونه که حقیقت است باز خوانی کنیم.

### محور تاریخ انبیاء و مصلحانند نه شاهان

همانگونه که خدای متعال انبیاء را محور بیان تاریخ قرارداد. و در قرآن کتاب آسمانی ستون فقرات انبیاء و صلحا هستن و طاغوت ها در حاشیه اند و معمولاً حتی نام آنها هم ذکر نمی شود. ما هم باید مردان حق و مصلحان دلسوز نوع بشر را محور قرار دهیم.

ما انسانیم ما انسانهای آزادی خواهیم ما انسانهای حقیقت جویم و حتی اگر تعصبی به سرزمین خودمان داشته باشیم بازهم هیچ نسبتی بین خودمان با شاهان خونریز و سفاک نمی یابیم.

سرزمین ما ایران بزرگ مهد تولد و پرورش انبیاء بزرگ الهی همچون حضرت ابراهیم(ع) و حضرت زرتشت(ع) و صدها پیامبر و مصلح بزرگ بوده است و ما فرزندان این ها هستیم ما فرزندان حضرت ابراهیم(ع) جوانمرد بت شکن بابل هستیم نه کورش سجده کننده بر بتهای بابل ما فرزندان حضرت زرتشت(ع) پیامبر موحدی هستیم که گفتار نیک، کردار نیک و اندیشه نیک را بما آموخت نه شاهان ساسانی و نه مویدان درباری مشرک و آتش پرست که فتوای ازدواج با محارم را دارند و توجیه گر نظام طبقاتی و ظالمانه ساسانیان بودند که گفتارشان دروغ، کردارشان ستم و اندیشه شان ناپاک بود.



پادشاهان طاغوتی که بویی از آیین پاک و انسان ساز حضرت زرتشت(ع) نبرده اند چگونه می توانند نماد ملت بزرگ ایران باشند؟

خلفای دنیاپرست و تجاوز گری که رنگ و بویی از مکتب انسان ساز پیامبر عظیم شأن اسلام(ص) نبرده اند چگونه می توانند تاریخ باشکوه ملتی فرهیخته و فهیم را که سرآمد ملت‌های جهان است نمایندگی کنند؟

انقلاب کبیر اسلامی آمده است تا پرده ی تزویر و فریب را کنار زند کدام انسان شرافتمندی است که خود را متعلق طاغوت های قاتل، شهوتران، شریخوار و مست و قمار باز و رشوه گیر بداند؟ کدام انسان با کرامت و اصیلی است که دوست بدارد بنام شاهان آدمکش، که چشم ها را از حدقه در می آوردند و زبانها می بریدند و بی گناهان را زنده زنده می سوزاندند خوانده شود.

ما انسانیم و به همه ی پاکی ها و نیکی های جامعه بشری در هر کجای زمین تعلق خاطر داریم و اگر بخواهیم خود را با وجه ممیزه ی ایرانی بودن از دیگر نیکان بشر جداگانه تعریف کنیم نه به شاهان خبیث بلکه به تاریخ اصیل ایران و شخصیت های قابل افتخارمان مباحث می کنیم به حضرت ابراهیم(ع) به حضرت زرتشت(ع)، حضرت دانیال(ع)، به حضرت جرجیس، به حضرت اشعیار(ع)، به حضرت یوشع(ع)، به حضرت قیدار(ع)، به حضرت ایوب(ع)، به حضرت ارمیا(ع) و سایر سلسله جلیله انبیایی که در خاک ایران عزیز مدفون هستند و با کمال تأسف غالباً حتی نام آنان را نمی دانیم.

ما ملتی پر جلالیم. ملتی که با نهضت‌های پرافتخار و بی مثال در تمام طول تاریخ عظمت خود را بنمایش گذاشته و برجستگی چون حضرت زرتشت (ع) حکیم جاماسب، ارتاخه مهندس بزرگ و کم نظیر، گئومات، انقلابی بزرگ بر ضد رژیم هخامنشیان ، پولس ایرانی، مزدک انقلابی بزرگ دوره ساسانیان، برزویه طبیب، سلمان فارسی، فارابی، شیخ خلیفه مازندرانی، ابن سینا، حافظ و سعدی، میرداماد، میرفندرسکی، ملاصدرا، شیخ بهائی، مقدس اردبیلی، جابر بن حیان، خواجه نصیرالدین طوسی ابوریحان بیرونی، غیاث الدین جمشیدکاشانی، بازان و شهر بن بازان و شیخ فضل الله نوری و مدرس ... و امام خمینی (ره) را دارد ملتی که ستارخان و پسیان، میرزای شیرازی و میرزا کوچک جنگلی، آیت الله العظمی شیخ محمد کاظم یزدی و آیت الله العظمی سیدعبدالحسین لاری، رئیس علی دلواری، و آیات الهی همچون صدوقی و مدنی و دستغیب و اشرفی اصفهانی بهشتی و رجایی را در خود پرورایند است این ستم بزرگی

است که چنین ملتی با کهکشانی از ستاره های درخشان، بجای علم دانشمندان، جوانمردی مجاهدان و حکمت فرزندان هنوز در کتب تاریخ به سر نیزه سلاطین ظالم شناخته و بنام دشمنانش یعنی سلسله های شاهان جبار و خونریز خوانده می شود.

دستهای شیطانی در نگارش و نشر تاریخ نه تنها تلاش نموده اند با برجسته سازی شاهان ستمگر نامی از انبیاء و مصلحان و قهرمانان بزرگ ملی مطرح نشود و مجاهدان و مبارزان راه آزادی و مبارزه با ظلم را به فراموشی سپرده اند بلکه حتی نام دانشمندان و متخصصان برجسته را هم چنان گم کرده اند که باید با ذره بین در لابه لای سطور تاریخ دنبال آن بگردید. کاخها و بناهای رفیع، شبکه های عظیم راه و آبیاری، ارتشهای بزرگ و سلاحهای پیشرفته روز و امکانات پیشرفته طبابت و بهداشت و ... مگر بدون وجود دانشمندان و متخصصان بزرگ میسر است. این کاخها اگر چه از یکسو نشانگر ظلم بی پایان سلاطین و زورگویی های آنان به طبقات محروم چه در تأمین مخارج و چه در ساخت و ساز آنهاست اما از سوی دیگر هم نشانگر وجود دانشمندان و طراحان برجسته است. وجود چنین مجموعه های عظیمی از دانش و هنر فراوان نزد ملت ایران و فیلسوفان و خبرگان برجسته حکایت می کند ولی چرا هر چقدر در تاریخ می گردیم کمتر نامی از آنان می یابیم و در بسیاری از موارد که به چنین نامهایی می رسیم افرادی را می یابیم که پیوسته آواره و فراری بوده اند و پایان زندگی آنها سر به نیست شدن توسط همین شاهان جبار است.

از این ظالمانه تر اینکه نام شخصیت های بسیار درخشان مانند حضرت زرتشت(ع) را که نمی توانستند حذف کنند با نام شاهان آلوده اند تا برای آن ظالمان اعتباری کسب کنند. پیامبر بزرگ الهی حضرت زرتشت(ع) موحد و یکتاپرست کجا؟ و شاهان بت پرست و نفس پرست کجا؟ زرتشت(ع) عدالتخواه نیک پسند کجا؟ و شاهان ستمگر و جنایتکار ظالم کجا؟

ظالمانی که در مواردی تمام آثار و نوشته های دانشمندان و مصلحان برجسته را سوزاندند تا اثری از آنان باقی نماند و بتوانند اندیشه آنها را تحریف کنند و تخم نفرت بپراکنند تا این ملت راه آنان را در پیش نگیرد و تاریخ نگار و عوامل داخلی آنها هم باقیمانده این نامها را زیر برجسته سازی نام شاهان فاسد دفن کردند تا از آنها همه عظمت علمی و تمدنی جز قدرت شمشیر و ستم چیزی دیده نشود.

تا اولاً هویت ملی ایران باستان نتواند در مقابل سقراط و افلاطون و ارسطو عرض اندام کند و فضا بگونه ای شکل گیرد که تفکر ایرانی در مقابل تفکر غربی سر تسلیم فرود آورد.

و ثانیاً ایران و ایرانی هویت خود را در سلسله انبیاء و مصلحان و دانشمندان و فرهیختگان و مجاهدان آزادیخواه باز نیابد و به سراغ آزادی و استقلال نگردد بلکه هویت خود را همواره زیر سرنیزه شاهان سلطه گر تعریف کند.

آری داستان ما اینهاست، حماسه های بزرگ و مملو از نور حقیقت برای شناخت دقیق جایگاه انقلاب اسلامی و آنچه این انقلاب کبیر به ملت ما بلکه بشریت بخشید باید این حقایق را مرور کنیم تا بدرستی درک کنیم انقلاب کبیر اسلامی نه فقط ایران بلکه بشریت را از چه جهنمی نجات داد و چه مجاهدات طولانی و سختی را به ثمر نشاند.

تنها در قرن اخیر نهضت مشروطه، نهضت جنگل، نهضت ملی، قیام ۱۵ خرداد سرشار از قهرمانانی است که افتخارات بزرگ حرکت ملت در مقابل شاهان را شکل دادند ولی همه آنها سرکوب و منهدم شدند و حرکتشان را به انحراف کشیدند و یا نگذاشتند به نتیجه برسند و از ورای ۲۵۰۰ سال ستم و ظلم هیچ امیدی به رهایی از آن وضعیت اسفبار نبود قدرتهای شیطانی آنچنان سلطه ای یافته بودند که روزنه ای هم بسوی نور یافت نمی شد.

## ایران قبل از انقلاب اسلامی

وضعیت استقلال

بیگانگان بر تمامی شئون کشور مسلط بودند و ایران و ایرانی نه در سیاست و اقتصاد و نه در فرهنگ و علم و نه در هیچ چیز دیگر هیچ اختیاری از خود نداشت.

جان دی استمپل وابسته سیاسی سفارت آمریکا در تهران در کتاب خاطرات خود می نویسد: "شاه آنقدر به ایالات متحده نزدیک شده بود که بنظر می رسد بیشتر برای مقاصد آمریکا کار می کند تا هدفهای ایران". (استمپل، ۱۳۹۵).

عبدالمجید مجیدی رئیس سازمان برنامه و بودجه رژیم شاه در خاطرات خود می نویسد: "یک روز کارمند سفارت آمریکا به من پیشنهاد وزارت اقتصاد را داد خیلی ناراحت شدم چراکه اگر قرار است آمریکا وزرای ما را تعیین کند چرا یک کارمند؟ لاقلاً سفیر آمریکا این پیشنهاد را می داد". (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۱۱/۶)

بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی آمریکایی و دهها هزار کارشناس و مستشار غیرنظامی از کشورهای مختلف غربی بر همه نهادهای اصلی ایران حکمرانی می‌کردند. ارتش، ژاندارمری، شهربانی، وزارت کشور، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، ساواک و سازمان برنامه و بودجه ایران در کنترل کامل مستشاران آمریکایی قرار داشت.

مستشارانی که حقوق و هزینه‌های اداری و حتی هزینه بدمستی‌های آنان در کلوپ‌های شبانه و قمارخانه‌ها از جیب مردم ایران پرداخت می‌شد.

اگر وارد جزئیات شویم اوضاع خیلی تحقیرآمیزتر از این بود که شاید نسل امروز باور نکند رفتار مستشاران جزء آمریکایی با افسران ارشد ایرانی از موضع بالا به پایین و ... نفوذ آمریکا و انگلیس به جدی بود که حتی نام بسیاری از بهترین و مرغوب‌ترین اماکن و خیابانهای تهران بجای مشاهیر ایرانی با نام رؤسای آمریکایی و انگلیسی نام گذاری شده بود خیابان آزادی خیابان آیزنهاور (رئیس جمهور پیشین آمریکا) نام داشت. خیابان مفتح، بنام روزولت رئیس جمهور دیگر آمریکا بود، میدان توحید، میدان کندی رئیس جمهور وقت آمریکا. بلوار کشاورز که آن روز زیباترین خیابان تهران بود بلوار ملکه الیزابت (ملکه انگلیس) نامیده می‌شد و .... بزرگراه دوکل رئیس جمهور فرانسه، خیابان چرچیل نخست وزیر بدنام انگلیس، چهارراه کواکولا و .....

در کشوری که ۹۹/۵ درصد آن مسلمان بودند به‌طور تحقیرآمیزی مسئولیت‌های کلیدی کشور در اختیار حزب کافر بهائیت بود درحالی‌که آن‌ها یک درصد که هیچ حتی یک‌هزارم جمعیت مردم ایران هم نبودند بسیاری از مناصب مهم حتی پست نخست وزیری و وزارت آموزش و پرورش ایران را در اختیار داشتند.

بیشتر از ۶۰ درصد از مردم کشور به جاده‌های ماشین‌رو، مدرسه و مراکز درمانی دسترسی نداشتند. بیشتر از ۷۰ درصد مردم کشور از نعمت برق و بیش از ۹۰٪ از آب آشامیدنی سالم بی‌بهره بودند. اکثریت مردم بی‌سواد بودند. بیشتر از ۶۵ درصد زنان سواد خواندن و نوشتن نداشتند و طبیعتاً سهمی از حضور در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها به آن‌ها نمی‌رسید.

وضعیت زنان بسیار فاجعه‌بار بود. آنان در جامعه نقش نداشتند و به‌جز زنان اشراف که پیگیر پیاده‌سازی سیاست‌های غرب و گسترش فساد بودند قریب به‌اتفاق جامعه زنان در انزوای کامل قرار داشتند. دختران خیلی کمی که به دبیرستان راه پیدا می‌کردند و یا تعداد خیلی کمتری که احتمالاً پایشان به دانشگاه‌ها می‌رسید غالباً می‌باید نزد اساتید

معلمان مرد درس بگیرند و یا محرمانه‌ترین مسائل شخصی درمانی و بهداشتی خود را نزد پزشکان مرد مطرح کنند چراکه زنان در کرسی‌های پزشکی و معلمی و استادی جز قدری بسیار اندک راهی نداشتند.

ای‌کاش آن پزشک‌های مرد، ایرانی بودند. باوجوداینکه ایران یعنی یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان از لحاظ منابع انسانی هوشمند و منابع سرشار زیرزمینی بود، با آن تاریخ پر افتخار پزشکی پزشک خود را از فقیرترین کشورهای جهان یعنی فیلیپین بنگلادش و پاکستان و هند وارد می‌کرد هزاران پزشک از این کشورهای محروم در ایران طبابت می‌کردند.

نه تنها قریب به اتفاق روستاها به شبکه بهداشتی درمانی دسترسی نداشتند، حتی همان شهری‌ها هم باید برای معالجه به پزشکان غیر ایرانی مراجعه می‌کردند. آن پزشکان وارداتی که غالباً تحصیلاتشان نه در سطح دکتری که در حد کارشناس بهداشت و درمان بود بخش اعظم درمانهای مهم و عمل‌های جراحی در خارج کشور انجام می‌شد.

نه تنها بخش اعظم دارو و مواد غذایی اصلی از خارج کشور وارد می‌شد بلکه بازار ایران پر بود از کالاهای آمریکایی و اسرائیلی، از پرتقال و تخم‌مرغ تا شلنگ و ظروف پلاستیکی از اسرائیل وارد می‌شد.

بیشتر از ۷۰٪ مردم در روستاها زندگی می‌کردند و آن روزگار روستاها جایی بود که غالباً راه دسترسی نداشت و به تبع آن از آب آشامیدنی سالم، مدرسه، برق، لوازم خانگی برقی، شبکه بهداشت و درمان، مخابرات، پست و ... بی‌بهره بود بلکه آن‌ها هم که در شهرها زندگی می‌کردند وضع بهتری نداشتند. دورادور تهران یعنی پایتخت حلبی‌آبادهایی بود که از خانه‌هایی با قوطی روغن نباتی و سقف نایلونی ساخته شده بود. حال بخوانید وضعیت شهرستان‌ها و شهرهای کوچک را.

این در حالی بود که درآمد نفتی ایران به نسبت جمعیت حدود ده برابر درآمد امروز کشور از نفت بود و اگر می‌خواستند درآمد نفت را تقسیم کنند به صورت سرانه به هر نفر حدود ده برابر امروز پول نفت می‌رسید چراکه ایران با حدود یک‌سوم جمعیت فعلی سه برابر امروز یعنی شش میلیون بشکه در روز نفت صادر می‌کرد.

## رژیم پهلوی، آزادی یا شکنجه؟

آیا از آزادی خبری بود؟ آیا کسی می‌توانست به این وضعیت اعتراض و انتقاد کند؟ تمام رسانه‌های صوتی، تصویری و مکتوب در انحصار دولت و وابستگان آن‌ها بود و جمله‌ای انتقاد نسبت به این وضعیت حداقل مجازات حبس داشت و

اگر انتقاد جدی‌تر می‌شد به شکنجه و حتی مرگ منتهی می‌شد. بسیاری از کسانی که به قتل رسیده یا زیر شکنجه ساواک شهید می‌شدند نه دست به اسلحه برده بودند و نه عضو سازمان‌های مسلح بودند و تنها جرم آن‌ها مخالفت زبانی با رژیم شاه بود. شهید آیت‌اله غفاری شهید آیت‌اله سعیدی، شهید حجت‌الاسلام نصرت‌الله انصاری از آن جمله‌اند.

جیمی کارتر، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در خاطراتش می‌نویسد: «در دوران شاه حداقل ۲۵۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران وجود داشت.»

مارتین آنالز دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵ م) زندانیان سیاسی در ایران را بین ۲۵ هزار تا یکصد هزار نفر اعلام می‌کند و در گزارشی می‌نویسد:

"کارنامه هیچ کشوری در جهان سیاه‌تر از کارنامه ایران در زمینه حقوق بشر نیست... جلادان ساواک افزون بر شوک الکتریکی و ضرب و شتم مخالفان، از انواع وحشی‌گری‌ها استفاده می‌کردند: از جمله فرو بردن بطری‌های شکسته در نشیمنگاه، آویختن وزنه بر بیضه‌ها، کلاه خودهای ویژه، مورد تجاوز جنسی قراردادن زندانیان، تجاوز به زنان و دختران فرد دستگیر شده در مقابل چشم وی برای گرفتن اعتراف".

بنا به گزارش سازمان‌های بین‌المللی که حامی مسلم و جدی رژیم پهلوی بودند در رژیم پهلوی با ۳۰ میلیون جمعیت حدود یکصد هزار زندانی سیاسی در بدترین شرایط وجود داشت در جمهوری اسلامی که سازمان‌های بین‌المللی با همه ی توان علیه نظام مقدس ما هستند و همه ی تلاش را برای انتشار گزارش‌های منفی بکار می‌برند با ۶۵ میلیون جمعیت آن هنگام لیگابو، نماینده حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۳۸۲ به ایران آمد، فهرست ۲۵ نفری از زندانیان سیاسی به همراه داشت و با آزادی کامل از زندان‌های ایران بازدید کرد.

وضعیت شکنجه خود موضوعی است که باید در مورد آن کتاب مستقلی نوشت چه بسیار فرزندان، روشنفکران و روحانیونی که با مختصرترین سوءظن کارشان به بازداشتگاه‌های ساواک و کمیته مشترک ضدخرابکاری کشیده می‌شد. جایی که کتک زدن و ضرب و شتم برخورد ابتدایی محسوب می‌شد ناخن کشیدن، آویزان کردن از سقف، آویزان کردن صلیبی خاموش کردن سیگار روی بدن، سوزاندن نقاط حساس بدن با فندک و شمع، شلاق زدن و ..... و حتی انتقال فناوری‌ها و تجهیزات خاص برای شکنجه از اسرائیل و آمریکا و ... از رفتارهای رایج با مخالفان در ساواک و

بویژه کمیته مشترک ضدخرابکاری بود مخالفانی که بعضاً هیچ اقدامی عملی علیه رژیم نداشتند و فقط نظرات خود را ابراز داشته بودند بعضی روحانیون مثل آیت اله طالقانی حدود نیمی از عمر ۷۲ ساله خود را در زندان و تبعید سپری کرده بود. افراد زیادی زیر شکنجه به شهادت می رسیدند که این افراط در شکنجه نه فقط افراد گمنام بلکه حتی علمای برجسته را در بر می گرفت.

بخشی از مصاحبه مرحومه خانم مرضیه حدیدچی (دباغ) با سایت تحلیلی قدس آنلاین در تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۰ نشان میدهد که حتی یک دختر بچه دانش آموز بخاطر نوشتن یک قطعه شعر انقلابی تا چه حد شکنجه میشد ایشان میگوید:

سال ۱۳۵۲ دستگیر شدم و تقریباً ۴ ماه در ستاد کمیته مشترک<sup>۳</sup> (اداره ساواک) زندانی بودم و پس از آن با هدف شناسایی انقلابیون مبارز آزادم کردند و پس از آن دوباره دستگیر و زندانی شدم، طی این مدت ساواک بارها منزل ما را بازرسی کرده بودند که دختر دومم؛ رضوانه یک شعری را از رادیو بغداد در دفترش نوشته بود که آن را آنروزها در مدرسه با همکلاسی هایش می خواند. به خاطر این دفتر او را که ۱۴ سال بیشتر نداشت دستگیر و زندانی کردند و در زندان او را شکنجه می کردند تا از این طریق از من اطلاعات بگیرند.

پس از چند روزی که این شکنجه ها را انجام می دادند ساعت ۴ صبح صدای زنجیر بند را شنیدم. وقتی زنجیر بند باز شد از لای دریچه سلول نگاه کردم دیدم دو سرباز زیر بغل این بچه را گرفته اند و وسط راهرو انداختند که هر چه با سطل آب روی صورتش می ریختند به هوش نمی آمد. من هم با مشت به در می کوبیدم. صدای فریادهای من خیلی توی راهرو پیچیده بود. آیت الله ربانی شیرازی (رضوان الله تعالی علیه) توی بند ما بود که صدای فریادهای من را می شنید، شروع کرد با یک صوت قشنگی آیه «واستعینوا بالصبر والصلوه و انها لکبیره الا علی الخاشعین» خواند و آنوقت من مقداری آرامش یافتم.

احساس کردم دارم کار خطایی انجام می دهم. استغفار کردم. قدری به خودم آمدم. حالم کمی خوب شده بود یک پتوی سربازی آوردند و دخترم را در آن گذاشتند و بردند. فکر کردم تمام کرده و از دنیا رفته است. خدا را شکر کردم که دیگر به دست این دژخیمان شکنجه نمی شود و دیگر کارهای خائنانه اینها را نباید تحمل کند؛ ولی پس از ۱۶

<sup>۳</sup> کمیته مشترک قرارگاه مشترکی بود بین ساواک، شهربانی و ژاندارمری برای تعقیب و از میان برداشتن نیروهای انقلابی در کشور. این کمیته در بهمن ماه ۱۳۵۰ بدنبال فعالیتت شدن حرکت های انقلابی در کشور تأسیس شد. زندان اصلی و شکنجه گاه آن در حال حاضر تحت عنوان موزه عبرت در خیابان فردوسی تهران در معرض بازدید عمومی گذاشته شده است.

روز یک شب در سلول باز شد و یک نفر را داخل انداختند که دیدم دخترم رضوانه است بغلش کردم و در گوشش گفتم که چیزی نگو، چون ممکن است اینجا میکروفن کار گذاشته باشند و مشکل ایجاد شود. فقط در گوشم بگو کجا بودی؟

دستهایش را نشانم داد که روی مچ جفت دست این دختر بچه سیزده چهارده ساله جای دستبندها دیده می شد، دستبندهایی که با آن به تخت بیمارستان ارتش بسته شده بود. بسختی نفس می کشید، البته هنوز هم که بیش از ۳۰ سال از آن زمان می گذرد با این که قلبش عمل شده و دریچه گذاشته اند گاهی اوقات اصلا صوت ندارد و نمی تواند حرف بزند وقتی هم سالم است صدایش لرزش دارد.

سخنان آقای جواد منصوری معاون اسبق وزیر خارجه و بعضی افراد دیگر در جمع زندانیان سیاسی رژیم شاه تاحدی میتواند گویای فضای شکنجه در آن دوران باشد:

نیمه شبی مرا برای بازجوئی و شکنجه از سلول بیرون کشیدند، مرا به تخت بستند و چنان با شلاق زدند که بیهوش شدم. آنها از من اطلاعاتی راجع به آقای عزت شاهی می خواستند که بیشترین مدت را در سلول انفرادی - ظاهراً ۲۷ ماه - دارد «وقتی مرا برای لحظاتی به حال خود رها کردند شنیدم یکی از آنها به دیگران می گفت اگر بیشتر به او شلاق بزنید خواهد مرد... نتیجه این شد که رهایم کردند و دو سرباز مرا کشان کشان به درون سلولم انداختند و رفتند. با بدنی مجروح و خونین در سلولی کثیف، سرد و خالی از همه چیز؛ از شدت درد امکان استراحت نبود ترجیح دادم رو به قبله بخوابم تا اگر عمرم رو به اتمام است، رو به قبله از دنیا بروم.»

روز بعد، حسینی، شکنجه گر معروف تا مرا دید، گفت: اهِ، این که هنوز زنده است و شکنجه مجدداً آغاز شد. پس از شکنجه دوباره مرا در کنار جوانی ۱۷ ساله اهل یزد به سلول انداختند آن جوان طوری شکنجه شده بود که گوشت و استخوان پاهای او دیده می شد و من چنان از دیدن وضعیت او که گمان می کنم در زیر شکنجه به شهادت رسید منقلب شدم که زخمها و جراحتهای و دردهای خودم پاک از یادم رفت! «همه ما هر نفسی که می کشیم مدیون این انقلاب هستیم» و به زبان کنایه می گفت، دوستان و رهبران ما کسی طلبکار انقلاب نباشد هر که در هر جا هست وام دار این مردم و انقلاب و امام است.



وقتی با شلاق چنان می‌زدند که پای ما ورم می‌کرد ما را بر روی همان ورم‌ها می‌دواندند که قابلیت خوردن شلاق بیشتری را داشته باشد! تا سر حد مرگ شلاق می‌زدند ولی به گونه‌ای که زندانی نمیرد. بعضی‌ها دو سال مداوم زیر شکنجه بودند. حسینی شکنجه‌گر دائم الخمر بود و ۴ سال بیشتر سواد نداشت، ولی به او می‌گفتند دکتر ذره‌ای رحم در دل آنها نبود. شب تا صبح ما را شکنجه می‌کردند.

یکی دیگر زندانیان در همان جمع می‌گوید: در صبح ۹ فروردین ۵۷ به همراه هم‌رزم مجاهد دانشجوی شهید عظیم اسدی مشکل و دوستان دیگری از دوستان دوران دانشجویی به نامهای رحیم طحان و غلامعلی اعظمی، در زیر شکنجه‌های مأموران شهربانی دزفول که چه که نکشیدیم در آن سحرگاه دستگیری. آنها ابتدا بدن ما را کاملاً خیس کردند و سپس با باتوم و شیلنگ و مشت و لگد به جان ما افتادند و من به چشم خود دیدم شیلنگ آب ۱۵ متری به گونه‌ای قطعه قطعه شد که در آخر کار فقط یک متر از آن باقی ماند که آن را هم به کناری انداختند! و لحظاتی بعد، در یک متری خودم عظیم را در حال احتضار دیدم و به گوش خودم شنیدم که پزشک قانونی به رئیس آگاهی می‌گفت: فایده‌ای ندارد، دارد تمام می‌کند و راست گفت، چون نیم ساعت بعد عظیم به شهادت رسید

اسدالله علم در خاطرات خود می‌نویسد:

وقتی خبرنگار «دیلی تلگراف» پرسید چرا رژیم تا بدین حد آزادی بیان را سرکوب می‌کند، گفتم «حالا که انقلاب سفید به مردم امکان داده به اهدافشان دست یابند، دیگر چیزی برای گفتن یا ابراز عقیده ندارند.» مسعود بهنود از روزنامه نگاران دوران پهلوی و کارگزار فعلی رادیوتلوویزیون بی بی سی از وضعیت مطبوعاتی دوران پهلوی اینگونه یاد می‌کند:

"سخت‌ترین وضعیت برای مطبوعات در ایران، در ۱۶۰ سالی که از عمر مطبوعه در کشور می‌گذرد، منحصر است به سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ شمسی، یعنی دوران دیکتاتوری رضاشاه که فضای اطلاع‌رسانی به طور کامل بسته شد... در دوران سلطنت محمدرضا شاه هم تاریک‌ترین زمان‌ها مربوط است به فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ که باز نشریات کاملاً زیر سانسور و تسلط حکومت بودند. در بخشی از این دوران، مأموری از ساواک در کنار میز سردبیر روزنامه‌ها می‌نشست و علاوه بر آن که ورات اطلاعات و جهانگردی

- سلف وزارت ارشاد فعلی - هر شب لیستی از بایدها و نبایدها می داد، آن مأمور اندازه تیترها و ستون ها را نیز کنترل می کرد.

همچنین، ساواک طی دستوری در تاریخ ۱۳۵۵/۱۱/۴ به مطبوعات می نویسد:

هیچ گونه شکواییه، انتقاد، گلایه - چه صراحتاً و چه تلویحاً - در هیچ زمینه ای نباید در مطبوعات به چاپ برسد."

کوچک ترین انتقادی نسبت به آن وضعیت فجیع و نکبت بار در رسانه ها محال بود. نه فقط کتب انقلابی و توضیح المسائل امام (ره) بلکه حتی بسیاری از رمان ها و نمایشنامه ها که بوی عدالت خواهانه می داد مجازات حبس در پی داشت.

رژیم پهلوی نه فقط فاسد و وابسته بلکه بسیار مستبد و دیکتاتور بود تا جائیکه حتی سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران که حامی سرسخت رژیم بود در خاطرات خود رژیم پهلوی را با واژه استبداد و پارسوتز سفیر وقت انگلیس دیگر متحدشاه از آن با عبارت " حکومت ترور و وحشت یاد می کند" سولیوان و پارسونز، ۱۳۸۴، ص ۲۴ و ۹۶

## انتخابات فرمایشی یا مشارکت مردم

انتخابات یک برنامه کاملاً نمایشی و ساختگی بود و نمایندگان مجلس را نه شاه بلکه سفارت خانه های خارجی تعیین می کردند. برای نمونه رضاخان در سال ۱۳۰۲ در مقام فرماندهی کل قشون طی تلگرافی به والی ایالت فارس دستور می دهد:

"ایالت جمیله فارس در تعقیب تلگراف سابق، مقتضی است قدغن فرمایید که در انتخاب نوبخت از بوشهر مساعدت نشود. حکمت هم که جزء کاندید شهر شیراز است، از جهرم بفرمایید بشود راجع به ضیاء الواعظین بایستی هر طور است اقدامی فرمایید که از انتخاب مشاراله جلوگیری به عمل بیاید"

(زهیری، ۱۳۷۹)

رضاشاه در مقام پادشاهی مستبد، «مجالس فرمایشی» و «بله قربان گو» ترتیب داد. تیمور تاش وزیر دربار طی نامه ای به حکام ایالات در ۱۳۰۹/۳/۲۳ چنین می نویسد:

در تعقیب دستور صادره از مقام ریاست وزرا و وزارت جلیله داخله، طبق اوامر ملوکانه در قسمت انتخابات دوره هشتم، [یعنی] انتخاب نماینده مجلس شورای ملی، لزوماً اعلام می دارد طبق صورتی که ارسال گردیده است، باید جدیت لازمه به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. در صورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره بشود، مقصر بدیهی است مورد بی میلی اعلیحضرت واقع خواهد شد. با رعایت مواد مشروحه ذیل، راپرت جلسات خودتان را به وزارت دربار ارسال دارید.

۱....

۲. نمایندگان شما طبق صورت ارسالی باید انتخاب شوند.

۳. بدیهی است در صورتی که کاملاً معلوم شد موفقیت کامل حاصل نکرده اید، البته اقدام دیگری در صندوق آرا خواهد شد، ولی این موضوع بعداً در صورت عدم موفقیت انجام خواهد شد.

در دوره پهلوی دوم نیز برگزاری انتخابات بسته تر و فرمایشی تر از پیش تداوم یافت و حتی چند نوبت مجلس توسط شاه منحل گردید.

اسدالله علم نخست‌وزیر و وزیر دربار پهلوی در خاطرات روز ۱۵ فروردین ۱۳۵۴ با صراحت به تقلب در انتخابات دوره پهلوی اذعان کرده و می نویسد: «مطلبی نخست‌وزیر در کیش به من می‌گفت که خیلی جالب بود و فهمیدم عنوان رشوه را دارد. آن این بود که گفت هر کسی را از هر جا تو بخواهی من وکیل خواهم کرد. هر کس باشد، هیچ فکر نکن، به من بگو تمام می‌کنم.»

علاوه بر اسدالله علم هندرسن، سفیر آمریکا در ایران نیز در گزارشی به وزارت امور خارجه این کشور پیرامون انتخابات مجلس هجدهم، به تعیین نمایندگان مجلس از بالا اشاره می‌کند، وی در این گزارش می‌نویسد: «علاء وزیر دربار اظهار داشت چند هفته پیش، اسدالله علم، رئیس املاک سلطنتی، به او گفته است به دستور شاه صورت

اسامی عده‌ای را برای نامزدی نمایندگی مجلس تهیه کرده، شاه لیست مزبور را با اسامی نامزدهای نمایندگی از سوی زاهدی تطبیق داده و پس از یک‌دست کردن اسامی نامزدها، چند تن از نامزدها را جابه‌جا کرده است.»

حسین فردوست نزدیک‌ترین دوست شاه و رئیس بازرسی ویژه ی او نیز در کتاب خاطرات خود بر این نکته اذعان دارد. وی می‌گوید «یک کمیسیون سه‌نفره برای انتخابات مجلس در منزل اسدالله علم تشکیل می‌شد. منصور اسامی نامزدها را می‌آورد و با نظر علم مهر نمایندگی آنها تأیید می‌شد. پس از بررسی صلاحیت امنیتی و مطالعاتی این افراد، ترتیب انتخاب این اسامی داده می‌شد و به صورتی ظاهری، نام آنها از صندوق آرا بیرون می‌آمد»

در جزوه‌ای که تحت عنوان «نخبگان و تقسیم قدرت در ایران» توسط سیا و برای آشنایی مقدماتی افرادی که به منظور ماموریت‌های مختلف سیاسی و جاسوسی از طرف آمریکا به ایران می‌آمدند تهیه شده است و در واقع یک مجموعه فشرده و نسبتاً جامع از ساخت جامعه ایران و نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در آن از دیدگاه ماموران و جاسوسان درجه اول می‌باشد آمده است: «در طول ۱۲ سال گذشته مجلس آلت دست شاه بوده است و مقاصد شاه را برآورده می‌کرده است و تمام نمایندگان که با دقت به وسیله شاه انتخاب می‌شوند حامی برنامه‌های شاه می‌باشند.»

روشنتر از همه اینها اعتراف صریح مکتوب شخص شاه است که نه تنها از فرمایشی و دست نشانده بودن مجلس برای خود خبر میدهد بلکه حتی به دخالت مستقیم بیگانگان در انتخاب نمایندگان برای مجلس اعتراف میکند.

محمد رضا شاه در کتاب "پاسخ به تاریخ" که پس از فرار از ایران نوشته است، اقرار می‌کند: انگلیسی‌ها این امر را کاملاً عادی و طبیعی می‌دانستند که انتخابات در ایران مطابق نظر و خواسته های خودشان صورت بگیرد. در زمان جنگ (جهانی دوم) انتخابات ایران به این صورت انجام می‌گرفت که مثلاً صبح مستشار سفارت انگلیس با لیستی حاوی هشتاد نامزد نمایندگی مجلس به دیدار نخست وزیر می‌رفت و بعد از ظهر همان

روز کاردار سفارت شوروی نام دوازده نفر از نمایندگان موردنظر خود را به نخست وزیر می داد:

(پهلوی، ۱۳۷۲)

در مورد آزادی سیاسی همین بس که محمدرضا پهلوی با انحلال کامل احزاب ساختاری شبیه حزب بعث عراق با همان نام (ترجمه فارسی آن) رستاخیز درست کرد و سپس رسماً به ایرانیانی که حاضر به عضویت در آن حزب نبودند اعلام کرد یا بروید زندان و یا از کشور خارج شوید. سخنان شاه در هنگام اعلام تأسیس حزب رستاخیز در یازدهم اسفند ماه ۱۳۵۳/۱۲/۱۱: "کسی که وارد این حزب سیاسی جدید نشود یا فردی است که به یک سازمان غیرقانونی تعلق دارد یا به حزب غیرقانونی توده وابسته است و یا به عبارتی دیگر یک خائن است. چنین فردی یا جایش در زندان های ایران است و یا اگر مایل باشد می تواند همین فردا کشور را ترک کند زیرا او ایرانی نیست وطن ندارد و فعالیت هایش غیرقانونی است و بر اساس قانون می توان او را مجازات کرد" (زونیس، ۱۳۷۰)

یادم هست که آنوقت ۱۳-۱۴ سال داشتم و محصل دبیرستان بودم فهرست هایی را آوردند به مدرسه دادند که اسامی همه ی دانش آموزان نوشته بود برای عضویت در حزب رستاخیز ابتدا دفتردار بعد هم ناظم مدرسه می گفتند دستور است باید همه امضاء کنند که عضو حزب رستاخیز شده اند چند هفته ای طفره می رفتم و امضاء نمی کردم چون مدرسه اسلامی می رفتیم آنها مدارا می کردند تا اینکه بالاخره مرا صدا زدند فهرست را نشان دادند و گفتند ببین همه دانش آموزان امضاء کرده اند تو هم باید امضاء کنی من هم که لجم گرفته بودم از این اجبار کاری که توانستم بکنم به احضار پدر و مؤاخذه نکشد چون در دو نسخه باید امضاء می کردیم روی دو نسخه دو تا خط خطی کاملاً متفاوت کشیدم تا هم دستور مدیر مدرسه را اجرا کنیم و هم مخالفتم را بنوعی ابراز کنم این خاطره را اینجا نوشتم تا نسل امروز بدانند خفقان تا چه حد جدی بود که حتی بچه های مدرسه به زور وادار به عضویت در حزب سیاسی منحصر بفرد می شدند. ملت حق نداشتند هیچ موضعی بجز موضع شاه داشته باشند.

ملت ایران فقط اجازه نداشتند تملق شاهی را بگویند که شراب می خورد، مست می کرد، قمار می کرد و اموال ملت را در قمار می باخت، در تمام شئون کشور تحت امر آمریکا و انگلیس بود و از آن ها دستور می گرفت. به نوامیس مردم تعرض می کرد، در کاخ خود از ارنست پرون پسر یک خدمتکار انگلیسی حساب می برد برای عزل و نصب وزیران دستور می گرفت و فرماندهی بر ارتش و عزت ایران را به مستشاران خارجی واگذار کرده بود.

ملت ایران فقط باید از خاندانی حمایت می‌کردند که سرتاپا فساد بودند. برای هر کار مهمی در کشور حتماً باید از صاحبان کار رشوه می‌گرفتند به راحتی املاک مردم را تصرف و از آن خود می‌کردند. به‌طور آشکار در قاچاق مواد مخدر مشارکت داشتند. هیچ شرکت اقتصادی، هتل، کارخانه و موسسه مهمی درست نمی‌شد مگر آنکه سهم عمده‌ای از آن به این خاندان واگذار شود.

۷۸٪ صنعت خصوصی کشور در اختیار ده خانواده بود و ۵۱ خانواده منسوب به سلطنت ۶۷ درصد مؤسسات و شرکت‌های مالی و صنعتی را در اختیار داشتند. سؤال یا انتقاد ساده نسبت به این خانواده که هیچ، حتی انتقاد از آمریکا و اسرائیل هم جرم محسوب می‌شد و حداقل مجازات آن زندان و شکنجه بود یا مواجه‌شدن با گلوله بود. نه فقط کسی حق نداشت حتی در منزل یا محیط خصوصی از آن‌ها انتقاد کند بلکه نظامیان کشور موظف بودند و پیش بردن اهداف استعماری برای دفاع از منافع آمریکا جان هم بدهند

## **جوانان ایرانی هم قربانی و هم عامل کشتار مظلومان**

کسانیکه امروز به حضور داوطلبانه و عاشقانه جوانان ایرانی در کنار آزادیخواهان و جنبش‌های ضد استعماری و جبهه‌های مقاومت خرده می‌گیرند و می‌گویند چرا پول و جوان ایرانی باید فدای نهضت‌های آزادیبخش مردمی شود نمی‌گویند در دوران رژیم می‌که از آن حمایت می‌کنند و مروج آن هستند پول و جوان ایرانی نه داوطلبانه بلکه به دستور مقامات مافوق نظامی صرف کشتار و سرکوب آزادیخواهان و ملت‌های مظلوم می‌شد. ارتشی‌ها به اجبار به ویتنام و ظفار و اعزام می‌شوند و جوانان ایران در راه سرکوب آزادیخواهان ضدآمریکایی و ضد انگلیسی در آن کشورها کشته می‌شدند.

اگر امروز جوانان ایرانی با شوق و شور به جبهه‌های مقاومت می‌روند، پیش از این در دفاع مقدس وفاداری فداکارانه از وطن را زیر بمباران شیمیایی و باران آتش توپخانه باثبات رسانده اند اما آنها که در هنگام تجاوز دشمنان به ایران فداکاری که هیچ حتی عکس‌العمل معمولی هم نداشتند فداکاری‌شان در کشورهای دیگر لایه چه چیز جز مزدوری میتوان تعبیر کرد.

**مشارکت ارتش شاه در جنایت علیه مردم عمان(ظفار)**

ارتش ایران در دوره پهلوی و با دستور مستقیم شاه و به درخواست پادشاه عمان در ظفار برای مقابله با چریک‌های جدایی طلب چیگرا در این منطقه مداخله نظامی کرد. حضور نظامی ایران در تغییر وضعیت به سود پادشاهی عمان و سرکوب شورش ظفار نقش داشت.



نظامیان ایرانی به استعداد زیر وارد عمان شدند:

۳۲ فروند بالگرد بل ۲۰۵ و ۲۰۶

۱۴۷۰۰ تفنگدار دریایی ایران

۱۰ فروند اف ۴

۳ فروند سی ۱۳۰

تعداد نامعلومی بالگرد آچ ۱ کبری

نیروهای ایرانی در درگیری مستقیم با شورشیان حضور داشتند و در سرکوب آنها نقش بسزایی ایفا کردند اما آن روی سکه این جنگ فاجعه‌ای تکان دهنده برای ایران بود:

- تعداد تلفات ارتش عمان در جنگ: ۱۸۷ کشته و ۵۶۰ زخمی

- تعداد تلفات انگلستان: ۲۴ کشته و ۵۵ زخمی

- تعداد تلفات ایران: ۷۲۰ کشته و ۱۴۰۴ زخمی

تلفات ایران نسبت به نیروهای انگلیس و حتی خود ارتش عمان تامل برانگیز است. در زمان شاه پرداختن به تلفات نیروهای ایرانی در روزنامه‌ها ممنوع بود و در یک مورد هم که نویسنده‌ای در روزنامه کیهان به تلفات بالای نظامیان ایرانی اشاره کرد بازداشت و به زندان محکوم شد (روزنامه کیهان ۱۳۹۶/۱۱/۱۴)

با گذشت زمان ناگفته‌ها و خیانت‌های این جنگ بیشتر آشکار شد و مشخص شد که انگلیس نقش اساسی در کشیدن پای ایران به میدان نبرد عمان را داشته است.

طبق گزارش خبرنگار روزنامه که به ظفار رفته بود نیروهای ایرانی که جلوتر از ارتش‌های انگلیس و عمان در نبردها حضور داشتند با نبرد سخت در کوهستان‌ها و دره منطقه را پاکسازی می‌کردند و آنگاه ارتش عمان و انگلیس منطقه پاکسازی شده را تحویل می‌گرفتند و در آن اردوگاه ایجاد می‌کردند!

این نوع فداکاری در ظفار درحالی‌که ارتش ایران در دوره پهلوی در مقابل تجاوز اشغالگران روس و انگلیس از کوچکترین مقابله‌ای عاجز بود و به سادگی به اشغال کامل ایران تن داد نشان می‌دهد که ارتش و نیروهای نظامی ایران در دوره پهلوی نه حافظ امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور که پیشمرگ سلاطین منطقه و نیروهای انگلیسی بوده است!

### **ثروت ملی ایران در اختیار آمریکا برای توسعه نفوذ خود بر سایر کشورها**

با تغییر وضعیت جهان و به خصوص افزایش قیمت نفت، ایالات متحده که با مشکلات فراوانی در جهان دست به گریبان بود، تصمیم گرفت تا هم پیمانان ثروتمند خود را به عنوان حافظان امنیت در مناطق مختلف جهان معرفی کند. اهمیت استراتژیک ایران و کشورهای خلیج فارس به علت برخورداری از منابع نفت و گاز و اتکای روز افزون کشورهای صنعتی به منابع انرژی این منطقه؛ خروج نیروهای انگلیسی از شرق سوئز و خلیج فارس در پی بحران اقتصادی و کاهش ارزش لیره استرلینگ و ملی کردن کانال سوئز از سوی مصر و تضعیف سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا به سبب درگیر شدن در جنگ پرهزینه ویتنام عواملی بود که آمریکا را بر آن داشت که برای پر کردن خلاء قدرت در خلیج فارس، هزینه‌های حفاظت منافع غرب را به گردن ایران بباندازد و در ازای خرج کردن از جیب مردم



ایران برای اهداف خود، ایران را بعنوان قدرت منطقه ای تحت حمایت خود مطرح کند . این تصمیم ایالات متحده آمریکا اولین بار در قالب دکترین نیکسون از سوی ریچارد نیکسون در ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۸ در جزیره گوام اعلام شد .

از آن تاریخ ایران به دلیل برخورداری از منابع وسیع نفت و گاز عملاً تمام هزینه های دیپوی اسلحه در منطقه را برای کمک به همپیمانان نظامی منطقه ای آمریکا را تامین می کرد. افزایش چندین برابری فروش سلاح به ایران و دسترسی ایران به تمام زراد خانه غیر هسته ای آمریکا نیز در این راستا بود. در همین چارچوب رژیم پهلوی با پول ملت ایران کمکهای وسیعی در اختیار دولتهای پاکستان، زئیر، ویتنام جنوبی و اتیوپی که متحدان ایالات متحده آمریکا برای سرکوب آزادیخواهان منطقه خود بودند قرار داد. کاری که امروز عربستان سعودی انجام میدهد .

### **مشارکت در جنایات خونین و مظلوم کشی در ویتنام**

در ویتنام هم اتفاق مشابهی افتاد دولت شاهنشاهی ایران علاوه بر به رسمیت شناختن دولت دست نشانده آمریکا در ویتنام جنوبی، در جنگ با مردم ویتنام با اعزام تسلیحات و نظامیان خود مشارکت کرد و در ریختن خون قریب پنج میلیون ویتنامی که در این نبرد نابرابر و جنایت ضد بشری کشته شدند همدست آمریکا شد .

ماجرای این قرار بود که با توجه به افزایش هزینه آمریکا در این جنگ، آمریکا از متحدان خود خواست دولت ویتنام جنوبی را به هر نحو ممکن مورد حمایت تسلیحاتی خود قرار دهند. از این رو هواپیماهای جنگی خریداری شده توسط ایران از آمریکا در این جنگ مورد استفاده قرار گرفتند. ۳۴ فروند هواپیمای F-5 A نو خریداری شده ایران با موافقت شاه مستقیمای بجای ایران به ویتنام اعزام شد و همزمان تکنسینهای مربوط هم از ایران برای کمک به ارتش متجاوز آمریکا اعزام در ویتنام مستقر شدند ۷

در واقع حضور ارتش پهلوی در جنگ ویتنام، اولین حضور این ارتش در سرکوبهای بین المللی بود. اسدالله علم در خاطرات خود نیز به مشارکت رژیم پهلوی در جنگ ویتنام اشاره می کند. وی در این باره می گوید؛ در ۵ آبان ۱۳۵۱ سفیر آمریکا پیام نیکسون را از طریق تماس تلفنی به شاه ابلاغ کرد که از ایران می خواست هواپیماهای اف ۵ خود را راهی ویتنام کند که با موافقت شاه مواجه شد. ایران همچنین محل سوختگیری جنگندههای اعزامی به ویتنام بود. ۸ «به خواهش ما، ایران در کمیسیون چهار دولت در ویتنام شرکت کرد و به متفق ما (ویتنام جنوبی) تجهیزات نظامی تحویل داد.»

فرح پهلوی نیز در این مورد چنین می‌گوید: «محمدرضا می‌گفت: در جریان جنگ ویتنام، نفت و بنزین و سوخت هواپیما به آمریکاییان رساندم و حتی هواپیماهای جنگی ایران را در اختیار سرفرماندهی آمریکا در ویتنام جنوبی قرار دادم. هرچه به من گفتند، از جان و دل پذیرفتم و مانند یک غلام حلقه به گوش، مجری دستورات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای آنها بودم.»<sup>۹</sup>

ریچارد هلمز از رؤسای اسبق سیا همچنین در مصاحبه‌ای با مجله آمریکایی تایم (مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸) می‌گوید: «شاه در روزهای پایانی جنگ ویتنام، بنا به درخواست آمریکا با فوریت هر چه تمامتر یک اسکادران هواپیمای اف - ۵ به سایگون (پایتخت ویتنام جنوبی) فرستاد تا به نفع آمریکا وارد عمل شوند.»<sup>۱۰</sup>

همین روابط نزدیک شاه با ایالات متحده بود که سولیوان سفیر آمریکا در تهران در ارتباط با حکومت محمدرضا پهلوی می‌گوید: «حکومت شاه در ایران به عنوان نزدیکترین دوست و متحد ما در منطقه و یکی از پایه‌های محکم سیاستهای ما در خلیج فارس و آسیای جنوب غربی به شمار می‌آمد. در واشنگتن به‌طور کلی از شاه ایران به‌عنوان یک زمامدار روشن بین و یک متحد قابل اعتماد یاد می‌شد و نظرات سیاسی و خطمشی کلی او معمولاً با سیاست آمریکا همراه و هماهنگ بود.»<sup>۱۳</sup>

۳۴ فروند هواپیمای F-5 A که از سوی ایران به ویتنام تحویل داده شد بود در انتهای جنگ با شکست آمریکا غالباً به غنیمت انقلابیون ویتنام در آمد و در آنجا باقی مانده بود تا آنکه با پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی با دولت ویتنام روابط دوستانه‌ای برقرار کرد. با مساعدت دولت ویتنام باقیمانده جنگنده‌های ایرانی برگردانده شد و در جنگ تحمیلی با عراق استفاده گردید. البته ویتنامی‌ها یکی از جنگنده‌های اف ۵ ایرانی را در موزه جنگ ویتنام نگهداری کردند که خود سندی شرم آور از حضور نظامی ایران در این جنگ است.<sup>۱۴</sup>

البته در این بین تنها ویتنام نبود که از این کمک‌ها برخوردار شد بلکه دولت ایران تعدادی از F-5 های خود را هم شاید کل هزینه‌ای که سالهای اخیر انقلاب اسلامی صرف کمک مالی به مقاومت کرده است به اندازه قیمت خرید ۳۴ فروند جنگنده‌ای که امروز بخواهد از آمریکا بخرد نبوده است پولی که ایران می‌داد تا در جهان شرمنده شود شرمنده آزادیخواهان، شرمنده مسلمانان، شرمنده کودکان و نوزادان مظلوم ویتنامی و عمانی که زیر این بمبارانها جان می‌دادند.

انقلاب اسلامی یک کشور شرمنده ی ملتها و منفور آزادیخواهان را به کشوری عزیز و محبوب قلوب مستضعفین و آزادیخواهان جهان تبدیل کرد.

پولهایی که بابت جلب رضایت اعضای کنگره آمریکا برای موافقت با تداوم حکومت شاه می شد پولهایی که بعنوان باج به رسانه های غربی برای تبلیغ شاه داده می شد، دلارهای نفتی که صرف خرید بمب و ریختن بر سر مظلومین می شد و برای ایران شرمندگی و خفت و نفرت می خرید امروز صرف دفاع از مظلومین و محرومین می شود و برای ملت ایران محبت و غیرت و دعای مظلومان و رضایت خدا را خرید مجانا به دولت اتیوپی تحویل داد.

## وضعیت معیشت مردم

با این وضع آزادی و استقلال کاش رژیم شاه لاقلاً حداقل رفاه مردم را تأمین می کرد و می توانست بگوید استقلال کشور را فروخته ام و آزادی مردم را سلب کرده ام بخاطر اینکه شکم مردم را آباد کنم. وضعیت فلاکت بار مردم در آن دوره چنان بود که شاه حتی نمی توانست چنین ادعایی کند از آنجا که پیش از این معیشت مردم اشاره ی شد و در مقایسه های بعدی هم اعداد گویا خواهند بود در این جا فقط چند جمله ای به نقل از مخالفان انقلاب اسلامی در مورد وضعیت آن روزها بیان می کنیم تا این واقعیت هم بیشتر روشن شود.

آقای پرواند آبراهامیان مورخ و استاد دانشگاه مقیم آمریکا که از مخالفان انقلاب اسلامی است در مورد شرایط معیشت مردم در آن ایام می نویسد: در سال های دهه ۱۳۵۰ توزیع درآمد در ایران یکی از بدترین اشکال توزیع درآمد در جهان بود. اتلاف عظیم منابع مالی برای خرید سلاحهای فوق مدرن باعث شده بود که به رغم بهبود خدمات اجتماعی، نه تنها این خدمات قادر به برآوردن انتظارات روز افزون نباشد بلکه در حد سایر کشورهای همسایه نیز ارائه نمی شد، چنان که آمار منتشره کمی قبل از انقلاب نشان می دهد ایران در زمینه های مهمی چون آموزش بزرگسالان، تعداد دانشجویان دانشگاهی، تخت بیمارستانی، مراقبت از سلامت کودکان، نسبت تعداد دکتر به بیمار، مسکن و شهرسازی و برق رسانی به روستاها، از بسیاری از کشورهای خاورمیانه عقب تر بود. نارضایتی های سیاسی نیز این موارد را شامل می شد. وابستگی آشکار و بی پروا به غرب، رد رویه موازنه منفی مصدق در سیاست خارجی، بازگرداندن شتابزده کمپانی نفت انگلیس در ۱۳۳۲، ایجاد روابط صمیمی با اسرائیل و آفریقای جنوبی، اعطای "کاپیتولاسیون" به مشاوران نظامی امریکا، بازگذاشتن مرزهای کشور بر روی بانک ها و شرکت ها و مؤسسات فرهنگی خارجی " آبراهامیان پرواند ۱۳۸۶

در این زمینه کافی است به کتب روشنفکران سکولاریستی نظیر "علی اشرف درویشیان" و "محمود دولت آبادی" و رضا براهنی و صادق چوبک و غلامحسین ساعدی که با نظام اسلامی عناد داشته و دارند، در آثار داستانی ای که پیش و پس از انقلاب اسلامی نوشته اند، به دفعات صحنه ها و تصاویری از وضع رقت بار و فقر شدید مردم ایران در روستاها و شهرها را نشان داده اند مراجعه کنید. نمونه هایی از این آثار که اوضاع زندگی مردم در آن دوران را ترسیم می کند عبارتند از:

- رمان "سال های ابری" و مجموعه داستان "همراه آهنگ های بابام" اثر علی اشرف درویشیان
- "همسایه ها" اثر احمد محمود
- "جای خالی سلوچ" و "اوسنه بابا سبحان" اثر محمود دولت آبادی
- "رازهای سرزمین من" اثر رضا براهنی
- داستان "روز اول قبر" و مجموعه داستان "انتری که لوطیش مرده بود" اثر صادق چوبک
- "واهمه های بی نام و نشان" اثر غلامحسین ساعدی

البته در آثار اصیل انقلابی روایت های معتبر کم نیستند اما موارد بالا از این رو مورد استناد قرار گرفت که تصور نشود واقعیت های بسیار تکاندهنده و دهشت آور در زندگی مردم در زمان رژیم پهلوی تصویر سازی طرفداران انقلاب اسلامی است. کافیت رجوع کنید به فیلم های مستند شهید آوینی در مورد شاگرد که نشان می دهد چطور مردم آن منطقه حتی ماشین را ندیده اند و بمحض ورود خودرو به منطقه شان به تصور اینکه مثل مرکب های خودشان نیازمند غذاست جلوی ماشین علف می ریزند.

## قیام مردم

آنچه تا اینجا آمد جز ذره ای بسیار ناچیز از انبوه جنایت های شاهان نبود تا شاید بتوانیم تصویری کلی از شرایطی که ملت ایران را به قیام علیه شاه واداشت ارائه کنیم.

توصیف انقلاب انقلاب کبیر اسلامی جز با شناخت عمیق از آنچه در طول تاریخ بر ملت ایران گذشته میسر نیست باید دانست مردم ایران در چه شرایط تاریک و سیاهی که توصیف تلخی‌های آن ده‌ها و صدها کتاب می‌طلبند و تحت چه شکنجه‌ها و جنایت‌هایی بودند که مردی از قبیله پیامبران با تکیه بر خدا بپا خواست و مردم را به قیام در مقابل ۲۵۰۰ سال ظلم و خیانت و استبداد فراخواند. قیام با به گلوله بستن طلاب دینی که به توهین روزنامه‌های شاه به امام (ره) معترض بودند و برای رساندن اعتراض به خانه مراجع تقلید می‌رفتند آغاز شد و با شهادت معترضان و اربعین‌های متوالی که هر یک با تقدیم شهدایی بنای اربعین بعدی را می‌گذاشت استمرار یافت جواب رژیم به اعتراضات آرام و مسالمت‌آمیز مردم مثل همیشه چیزی جز گلوله نبود و سلاح مردم صبر و استقامت بود و پاداش خدا پیروزی و سربلندی ملت.

## فصل دوم

### گذار از تاریکی به نور

#### مرحله اول: تحقق انقلاب اسلامی

اتحاد کاپیتالیسم و کمونیسم علیه یک ملت و یک دین

در دنیایی که به دو قسمت تقسیم شده بود و نیمی را ابرقدرت کاپیتالیست غرب و نیم دیگر را ابرقدرت کمونیست شرق در قبضه خود گرفته بودند. همه ی قدرت‌های در حال تنازع در یک‌مسأله با یکدیگر متحد بودند و آن مسأله در حمایت از شاه بود. دو عامل اصلی در اینکه آمریکا و شوروی با وجود اختلافات و جنگ سرد در موضع حمایت از شاه بودند این بود که از نفت و شوروی از گاز ارزان ایران بهره می‌برند. و دیگر اینکه هر دو ابر قدرت هم از بیداری مسلمانان می‌ترسیدند. "پاسخ مردم هم یک چیز بیشتر نبود و آن هم راهبردی بود که امام (ره) پیش روی ملت گذاشته بود. "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" تبیین این حقیقت را به راحتی می‌توان در شعار آن روزهای مردم انقلابی که می‌گفتند: "چین، شوروی، آمریکا - دشمنان خلق ما" متبلور دید.

### اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حامی رژیم سلطنتی شاه

نفوذ و سیطره کامل آمریکا و انگلیس بر ایران و حمایت همه‌جانبه آنان از شاه با نفتی که غارت می‌کردند و ده‌ها هزار مستشاری که بر همه شئون مسلط کرده بودند کاملاً روشن است، با وجود شاه تمام تصمیمات اصلی در ایران توسط آمریکایی‌ها گرفته می‌شد. شوروی‌ها هم درازای گاز مفتی که از ایران می‌بردند به‌عنوان رهبر جهان کمونیست آن روز مراقب بودند جریان کمونیستی به شاه آزاری نرساند. آن‌ها جریان اصلی وابسته به خود در ایران یعنی حزب توده را به یک سازمان تشریفاتی و بی‌خاصیت تبدیل کرده بودند که اصلی‌ترین بخش آن یعنی تشکیلات تهران این حزب به‌طور صد در صد تحت مدیریت ساواک اداره می‌شد و بعضی عناصر آن حزب که تمایلاتی به شاه‌نشان می‌دادند در کارهای کلیدی بکار گرفته می‌شدند.

پس از وقایع اوایل دهه چهل و جدی شدن خطر قوت گرفتن نیروهای معارض، سردمداران رژیم پهلوی کوشیدند ضمن حفظ روابط اصلی متعبدانه نسبت به آمریکا و انگلیس برای از بین بردن خطر تشکلهای معارض کمونیستی از یکسو و بکارگیری کمونیست‌ها برای تضعیف جریان مبارزات مذهبی از سوی دیگر در مناسبات با همسایه کمونیست مرزهای شمالی خود، یعنی اتحاد جماهیر شوروی تغییراتی ایجاد کنند و با یک چرخش (صوری) به چپ در روابط بین‌الملل در آغاز دهه ۱۳۴۰، درصدد تنش‌زدایی با مسکو برآیند.

این روابط دوستانه میان دو طرف، نه فقط در زمینه سیاسی، بلکه به حوزه‌های اقتصادی، فنی، فرهنگی و حتی نظامی هم کشیده شد. در این روابط شاه امتیازاتی به کشورهای کمونیستی میداد و در ازای آن خطر مخالفین کمونیست را از بین میبرد و اتحاد نانوشته ای با کمونیستها علیه جریان مذهبی شکل میداد.

صنایع سنگین و نفت و گاز کلیدواژه‌هایی بود که به عنوان یک حلقه واسطه، منافع مشترک میان ایران، روسیه و اروپای شرقی را رقم می‌زد؛ در واقع این یک بازی برد - برد برای دو طرف بود؛ زیرا کشورهای اروپای شرقی و در راس آن شوروی، در مقابل توسعه صنایع سنگین در ایران طبقه کارگر صنعتی را که به زعم آنان بسترساز انقلاب کمونیستی بود افزایش می‌دادند و در ازای آن از نفت و گاز بسیار ارزان قیمت کشورمان بهره می‌بردند.

رومانی، چکسلواکی، بلغارستان، لهستان و یوگسلاوی کشورهایی بودند که سران پهلوی دوم دائم به آنها سفر می‌کردند و از سوی دیگر پذیرای هیئتهای تجاری و اقتصادی متعددی از این کشورها بودند: بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۲ موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی و فنی با یوگسلاوی منعقد گردید و در مورد صدور تراکتور از رومانی و ایجاد کارخانه مونتاژ تراکتور تبریز و چند مورد مشابه دیگر نیز توافقاتی انجام شد. هم‌زمان با این اتفاقات، مقادیر زیادی نفت و گاز به کشور رومانی صادر شد. ماشین‌سازی تبریز یکی دیگر از صنایع سنگین مورد توجه در این زمینه است

ارتباط با کشورهای اروپای شرقی در اوج جنگ سرد میان قدرتهای غربی و شرقی، فرصت ویژه‌ای در اختیار دستگاه سرکوب پهلوی قرار داد: در اوایل دهه چهل کشورهای اروپای شرقی منبع اصلی حمایت از مخالفان چپ‌گرای ایرانی بودند، اما روابط ایران با این کشورها، فرصت مهمی فراهم کرد که در نتیجه آن، حمایت بسیاری از حکومت‌های اروپای شرقی از گروه‌های مخالف ایرانی به پایان رسید و فشار شوروی نیز از این طریق بر ایران کاهش پیدا کرد. و کشورهای کمونیستی را واداشت علی‌رغم تضاد ایدئولوژیک با رژیم شاه در زمره حامیان اصلی رژیم شاه قرار گیرند و اینگونه بود که اتحاد نامقدس امریکا و شوروی یاب‌بهرتر بگوییم اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه امپریالیسم شکل گرفت و این دو ابر قدرت در عین جدال با یکدیگر علیه انقلاب اسلامی هم پیمان شدند پیمانی که نه تنها در دوره ی آغاز انقلاب اسلامی بلکه حتی پس از دفاع مقدس تا فروپاشی اردوگاه شرق ادامه یافت.



تصویر اشرف پهلوی فاسد ترین عنصر خاندان پهلوی که هیچ سمتی رسمی در ایران نداشت در کنار رفیق لئونید برژنف رهبر اتحاد جماهیر شوروی

اشرف پهلوی در سفر به شوروی و ملاقات با لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه این کشور ۱. طهمورث آدمیت (سفیر ایران در شوروی) ۲. اشرف پهلوی ۳. لئونید برژنف ۴. علی ایزدی



اشرف پهلوی در سفر به شوروی، در جریان دیدار با نیکیتا خروشچف نخست‌وزیر این کشور ۱. شهریار شفیق ۲. نیکیتا خروشچف ۳. اشرف پهلوی ۴. مهدی بوشهری ۵. طهمورث آدمیت.



## چین کمونیست حامی مهره ی امپریالیسم

چین کمونیست که انقلاب نوپا تری داشت و انتظار می‌رفت تحت شعارها و تعلیمات مائو به انقلاب ضد امپریالیستی ملت ایران روی خوش نشان دهد و لاقلاً اخمی به شاه کند به تصور ثبات حکومت شاه و طمع برقراری ارتباط با کشور نفت‌خیز ایران از شاه حمایت می‌کرد. کشور یادشده همراه شوروی (هرچند این دو، با یکدیگر نیز اختلاف داشتند)، در نقطه مقابل جهان کاپیتالیستی غرب قرار داشت؛ از این رو کاملاً طبیعی بود که تا این زمان، رابطه رژیم سلطنتی تحت سیطره غرب در ایران با حکومت کمونیستی چین مسالمت‌آمیز نبوده باشد. حکومت ایران در اواخر سال ۱۳۴۹، جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت و نماینده ایران در اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل، دیدگاه مثبت خود را در مورد این کشور ابراز نمود. اندکی بعد از آن، اشرف و فاطمه پهلوی در رأس یک هیئت سیاسی وارد پکن شدند و با مقامهای چینی مذاکره کردند. (خواجہ سروی، ۱۳۸۲)



چوئن لای ضد امپریالیست پس از یک گفتگوی دوستانه با اشرف پهلوی نماد وابستگی به امپریالیسم و کثیف ترین ترین عنصر خاندان پهلوی حتی کثیف تر از شاه که هیچ سمت رسمی هم در ایران نداشت.

این مناسبات نسبتاً دوستانه دو طرف، تا وقوع انقلاب در ایران ادامه داشت و حتی در ماه‌های منتهی به سقوط رژیم پهلوی بیشتر هم گردید، چنان‌که در خردادماه ۱۳۵۷، وزیر امور خارجه چین به ایران آمد و مهم‌تر از آن، سه ماه بعد یعنی در شهریورماه در اوج کشتار مردم توسط رژیم شاه، رهبر چین به منظور مذاکره با سران حکومت پهلوی وارد

تهران شد. گفته شده است که این، نخستین سفر بلندپایه‌ترین مقام چین به کشوری غیرسوسیالیست بود. ۱۰ اما در این میان، نکته شایان توجه، تقارن زمانی تکاپوهای مقامهای حکومت پهلوی برای برقراری روابط نزدیک با چین (طی اواسط دهه ۴۰) با از سرگیری مذاکرات صلح «ورشو» میان امریکا و چین است؛ بنابراین با وجود آنکه این استراتژی می‌توانست در افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در صحنه سیاست بین‌المللی تأثیرگذار بوده باشد و از آن به سیاست مستقل شاه از امریکا تعبیر شود، ۱۱ این دو رویداد تقریباً مقارن با یکدیگر، آشکارا نشان داد تلاش حکومت پهلوی دوم برای برقراری رابطه با چین، با رضایت و هماهنگی دولت ایالات متحده در راستای امنیت متحد اصلی امریکا در منطقه انجام شده است. ۱۲ راه حلی که جواب داد و چین را بعنوان حامی خیلی جدی رژیم دیکتاتوری شاه در آورد بطوریکه در بدترین شرایط یعنی درست یکی دو روز بعد از کشتار ۱۷ شهریور که انتظار می‌رفت دولت متعلق به انقلاب بزرگی مثل چین لااقل به خاطر ژست انقلابی و حقوق بشری هم که شده جمله‌ای علیه رژیم شاه بگوید آقای هواکوفنک نخست‌وزیر وقت چین در هنگام عبور از فضای ایران پیام مودت و همدلی برای محمدرضا شاه پهلوی فرستاد که بعد از آن کشتار بسیار معنی دار بود.

### **ملتی با دستهای خالی در مقابل شاهی با در اختیار داشتن همه چیز**

رسانه‌ها: رژیم شاه برآمده از اراده ی رژیم پادشاهی انگلیس یعنی مادر صهیونیسم بین الملل و اصلی‌ترین تأمین‌کننده نفت رژیم‌های نژادپرست اسرائیل و آفریقای جنوبی بود و به همین جهت تحت حمایت دربست فراماسونری و صهیونیسم قرار داشت برجسته‌ترین سرمایه‌داران صهیونیست جهان که هالیوود و بنگاه‌های اصلی خبری دنیا را در اختیار داشتند دوستان شخصی و شرکای اقتصادی شخص شاه بودند. ملت ایران هیچ رسانه‌ای در اختیار نداشت تا پیام و نظر خود را برساند و نه تنها تمام رسانه‌های داخلی در اختیار کامل شاه قرار داشت بلکه و رسانه‌های خارجی هم غالباً حامی رژیم پهلوی بودند.

نیروی مسلح: ملت ایران هیچ سلاحی نداشت و در مقابل مسلح‌ترین ارتش منطقه با پیشرفته‌ترین سلاح‌ها با پشتوانه ناتو و حمایت همه ی ارتشهای غربی در اختیار شاه بود.

سازمان امنیتی: ملت ایران ساختار و سازمان آزموده‌ای برای مبارزه نداشتند ولی رژیم منحوس پهلوی سازمان‌های گسترده امنیتی و اطلاعاتی، ساواک، شهربانی، ژاندارمری را در اختیار داشت.

روابط با دولت ها: اگر امروز هر کس با نظام اسلامی مخالفت کند تحت حمایت کامل صدها رسانه بین المللی قرار می گیرد و اگر پای خود را از ایران بیرون گذارد در همه دنیا سازمانهای جاسوسی کشورهای بزرگ حامی و محافظ او هستند آن روز هر کس به مخالفت با رژیم طاغوت بر می خاست در هیچ جای جهان امنیت نداشت و در همه جای دنیا تحت تعقیب سرویس های جاسوسی بود.

تشکل سیاسی: رژیم شاه با اختناق و سخت گیری فرصت نداده بود کادر سازی سیاسی صورت گیرد و هیچ تشکل سیاسی مهمی در اختیار مردم نبود و مقابل رژیم ضد مردمی ساختارهای حزبی گسترده ای را با راه اندازی نظام تک حزبی در سطح کشور شکل داده بود و هیچ حزب و جناحی که مردم به آن تکیه کنند مطلقاً وجود نداشت.

حمایت خارجی: هیچ دولت جهان از ملت ایران و انقلاب و قیام اسلامی آنها حمایت نمی کرد و تا روز پیروزی هم حمایت نکرد بلکه همه ابرقدرت ها و همسایه های ایران به طور کامل و صد در صد مخالف انقلاب اسلامی و در حمایت از شاه به طور جدی و تمام قد عمل می کردند.

اقتصاد و ثروت: منابع اصلی ثروت و اقتصاد بطور کامل در اختیار رژیم شاه بود و اغلب ثروتمندان بزرگ حامی رژیم پهلوی بودند ۶۷٪ مؤسسات و شرکت های مالی و حقیقی در اختیار ۵۱ خانواده منسوب به سلطنت بود و انقلاب اسلامی برای مبارزه ثروت مهمی هم در اختیار نداشت در حالی که دستان دشمن کاملاً پر بود.

**لذا همه ی ارکان و مؤلفه های قدرت در اختیار شاه بود** حمایت های بین المللی، قدرت رسانه ای داخلی و بین المللی، تشکل سیاسی داخلی، اموال و قدرت اقتصادی، دستگاه های امنیتی، قدرت نظامی همه و همه در حمایت از رژیم بود اما با این وجود نیروی ملت با رهبری الهی امام خمینی (ره) به طور اعجاب آور و اعجاز انگیزی برخلاف سایر انقلاب ها با آرامش و بدون کشتار و خونریزی و بر خلاف همه ی انقلابها بدون کوچکترین تکیه گاه قدرت ظاهری داخلی و خارجی بر رژیمی که همه امکانات و پشتیبانی های داخلی و بین المللی را به طور کامل در اختیار داشت پیروز شد.

این پیروزی محدود به ایران نشد بلکه قدرت اراده ی یک ملت را به رخ جهان کشید اگر امروز حرفی از افکار عمومی و اراده ی ملتها در دنیا هست اگر می بینیم ابر قدرتها بجای اضافه کردن عدد هواپیماها و تانک ها و ناوهای هواپیما بر

مرتباً بر مقدار رسانه های خود می افزایند چون ضربه شست اراده ی ملتها را دیده اند و کارساز نبودن سلاح برای درهم شکستن این اراده را تجربه کرده اند و به سلاح تزویر برای گمراه کردن این اراده پناهنده شده اند.

### معجزه الهی و غلبه مستضعفین

حضرت امام خمینی(ره) در صدر وصیت نامه ی سیاسی الهی خویش آن شرایط را اینگونه توصیف می کنند. " ما می دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تائیدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی و ضدروحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنی های بی حساب قلمداران و زبان مزدان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضداسلامی و ضدملی به صورت ملیت ، و آنهمه شعرها و بذله گوییها، و آنهمه مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند، به فساد و بی تفاوتی در پیشامدهای خائنانه ، که به دست شاه فاسد و پدر بی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه های قدرتمندان بر ملت تحمیل می شد، و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می شد، با به کار گرفتن معلمان و استادان غربزده یا شرق زده صددرصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح ، با نام "ملیت " و "ملی گرایی "، گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند، لکن با اقلیت فاحش آنان و درتنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی توانستند انجام دهند و با اینهمه و دهها مسائل دیگر، از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان ، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد "الله اکبر" و فداکاریهای حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است : هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام . و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است ". (۱۳۶۱/۱۱/۲۶)

با پیروزی انقلاب اسلامی بیش از ۲۵۰۰ سال مبارزه عدالت‌خواهانه ملت ایران علیه شاهان مستبد به ثمر رسید مبارزات دامن‌دار برای تحقق عدالت و حاکمیت خدا در ایران که از حضرت ابراهیم و حضرت زرتشت (ع) و گئومات ره آغاز شده و به عشق تحقق عدالت اسلام را در آغوش کشید بود و قیام‌های متعدد و با تمسک به اسلام ناب و ایستادگی ائمه علیه‌السلام و پیروان آنان در طول تاریخ از جمله در قرن اخیر نهضت میرزای شیرازی، شیخ فضل‌الله نوری، ستارخان و باقر خان، مدرس، میرزای جنگلی و ... تبلور یافته بود و علیه خلفای جور که اسلام جعلی خالی از عدالت و ولایت را نمایندگی می‌کردند استمرار یافته بود در نهایت در شرایطی که همه قوای شر در یک جبهه واحد مقابل او قرار گرفتند با عنایت الهی بر همه قوای شریر عالم یکجا پیروز شد.

### قدرت فقط از آن خداست

اولین تجربه بزرگ راهبردی ملت ایران حزب الله پیروز است

اولین تجربه راهبردی بزرگ ملت ایران در انقلاب این بود که "اگر ملتی در صف واحد مخلصانه و برای خدا قیام کند و با اطاعت از ولایت خدا را پشتوانه خود بگیرد حتی اگر آن ملت تنهای تنهای باشد، هر چند همه ی قدرتهای جهان در مقابلش صف آرایی کرده باشند با دست‌های خالی هم پیروزی او در برابر همه ی قوای شیطان قطعی است". این مهم‌ترین درس امام خمینی (ره) بود. او قدرت و توانایی‌های مردم را به آن‌ها یادآوری کرد و به مردم یاد داد که چگونه می‌توانند پرده‌های سنگین فریب کاری و تزویر را کنار بزنند و به آن‌همه نفرت و خشونت غلبه کنند قدرت به‌ظاهر شکست‌ناپذیر آمریکا و نوکرش شاه را در هم بشکنند.

انقلاب اسلامی تمامی نظریه‌های قدرت را ابطال کرد نه تنها نظریه قدرت سنتی مبتنی بر سه رکن نیروهای مسلح، ثروت و تبلیغات در ابتدای انقلاب باطل شد بلکه نظریه قدرت نرم هم با تداوم انقلاب در مقابل صدها رسانه مسلط دشمن، باطل شد و نظریه قدرت هوشمند هم کاری از پیش نبرد.

امام آموخت که قدرت فقط و فقط از آن خداست و اراده خدا اینست که سرنوشت ملت‌ها در دست خودشان باشد. در مشیت پروردگار قدرت از آن ملت‌ها است و ملتی که به خاطر ترس، جهل و یا حرص و طمع قدرت خود را به دشمن واگذار می‌کند خودش مقصر است و متأسفانه غالباً ملت‌ها اینگونه بوده اند نسبت به قدرتی که خدا به آنها داده جهل داشته اند و یا از هیبت ظاهری دشمن ترسیده اند و تسلیم شده اند و یا وعده‌های مزورانه دشمنانشان آنها را به طمع

انداخته و تصور کرده اند طاغوت ها می توانند روزی بیشتر از آنچه خدا مقدر فرموده را به آنها برسانند حال آنکه قدرت در دست ملت ها است.

ان تنصرو اله ينصرکم. و ان اله يدافع عن الذین آمنوا در نگاه به این چهل سال تداوم انقلاب به وضوح عینیت یافت.

و ان ينصرکم الله فلا غالب لکم به کرات و لحظه به لحظه این ۴۰ سال برای ما در عمل ثابت شد حوادثی که با هیچ محاسبه مادی قابل تفسیر نیست و به جز قدرت‌نمایی خدای متعال در دفاع از بندگان شایسته خود هیچ تفسیری ندارد.

آن‌گونه که امام(ره) در وصیت سیاسی الهی خود به ملت‌ها فرمود: "اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند می‌توانند و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند." و فرمود: هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران بپاخیزید و دست اتحاد بهم بدهید و از اسلام و مقدسات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به بخواست خداوند قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است و همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا اما بانفسهم (آیه ۱۱ سوره رعد)

## تجربه اول از نگاه امام خامنه ای عزیز

ملت ایران با همین قاعده بر دشمن پیروز شد و نه‌تنها پادشاهی ظالمانه و سیاه ۲۵۰۰ ساله را در هم شکست. بلکه تمامی معادلات جهان را تغییر داد و الگوی نه شرقی و نه غربی وزندگی خارج از سلطه قدرت‌ها را به بشریت ارائه کرد. فضای زورگویی و یک‌جانبه‌گرایی که هیچ کشوری حق نداشت در مقابل قدرت‌های بزرگ دم برآورد شکسته شد. این از بزرگترین تجارب غیر قابل انکار انقلاب است که اگر تاکنون تئوری آنرا انکار می‌کردند امروز به تجربه عینی برای ملت‌ها تبدیل شده همانطور که امام خامنه ای عزیز می‌فرمایند:

"خدای متعال این را فرموده است که آینده متعلق است به مؤمنین، متعلق است به صالحین، متعلق است به مجاهدین فی سبیل‌الله؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ این یک وعده‌ی الهی است. اما اگر کسی دچار وسوسه و تردید هم بشود، وعده‌ی الهی هم دل او را آرام نکند، تجربه‌ها باید دل او را آرام کند. بنده مکرر

این را عرض میکنم و با همه‌ی وجود اعتقاد به این معنا دارم. اگرچنانچه هیچ وعده‌ای هم به ما داده نشده بود، با این تجربه‌هایی که ملت ایران از سی چهل سال پیش به این طرف دارد، باید یقین میکرد که آینده متعلق به او است؛ باید یقین میکرد که پیروزی متعلق به او است. ما کسانی هستیم که در کشورمان یک حکومتی بر سر کار بود که همین مغالزه و معاشقه‌ای که می‌بینید حکام آمریکا با آن بیچاره‌ها - عقب‌افتاده‌های فکری و عقلی و همه‌چیز - انجام میدهند، همین مغالزه را آن روز با حکومت ایران انجام میدادند؛ خیلی بیشتر، خیلی بهتر. صریحاً میگفتند «شما ژاندارم ما در خلیج فارس هستید»، به حکومت طاغوت ما این حرف را میزدند. آنها، هم عقلشان بیشتر از اینها بود، هم توانایی‌هایشان زیاد بود، اتکانشان هم به این طواغیت، بیشتر از اینها بود و ارتباطاتشان قوی‌تر بود؛ درعین حال که یک چنین حکومتی بر سر کار بود، ملت ایران توانست با قدرت ایمان، با مجاهدت، با فداکاری، این حکومت را علی‌رغم همه‌ی پشتیبانی‌های جهانی‌ای که از او میشد ساقط کند و به جای او چیزی را سر پا کند که قدرتهای استکباری طاقت دیدن آن را ندارند؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی؛ این یک تجربه. دیگر از این تجربه بهتر؟ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ ایمان اگر [حاصل] شد، شما برترید. در راه ایمان قوی باشید، صریح باشید.

ملت ایران در مقابل آنچه که دشمن میخواهد انجام دهد، دنبال تدبیر خواهد بود. ملت ایران دنبال شکوفائی اقتصادی، رونق اقتصادی و رفاه کامل است؛ اما ملت ایران نمیخواهد این را از راه ذلت در مقابل دشمن به دست بیاورد؛ این را میخواهد با نیروی خود، با عزم خود، با شجاعت خود، با پیشروی خود، با توانائی جوانانش به دست آورد؛ لا غیر. بله، تحریم، فشار است، آزار است - شکی نیست - اما در مقابله‌ی با این فشار و آزار، دو راه وجود دارد: ملت‌های ضعیف وقتی که دشمن فشار آورد، میروند در مقابل دشمن تسلیم میشوند، خشوع میکنند، توبه میکنند. اما ملت شجاعی مثل ایران بمجرد اینکه دید دشمن دارد فشار می‌آورد، سعی میکند نیروهای درونی خود را فعال کند، با قدرت و شجاعت از منطقه‌ی خطر عبور کند؛ و همین کار را خواهد کرد. این هم تجربه‌ی سی ساله‌ی ماست. (بیانات در محفل انس با قرآن کریم،

(۱۳۹۶/۰۳/۰۶)



## تجربه دوم هزینه سازش بیش از مقاومت و هزینه انقلابی گری کمتر از هزینه محافظه کاری

تجربه راهبردی دیگری که از این میدان نصیب ملت ایران شد این بود که: " هر چند مقاومت و ایستادگی برابر استکبار هزینه دارد، هزینه سازش از هزینه مقاومت بیشتر است."

پس از کشتار ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی (ره) هرچند مقاومت در زیرپوست شهر ادامه یافت اما مقاومت مردمی میدان را ترک کرد نتیجه آن شد که ۱۵ سال اختناق و عقب‌روی کشور ادامه یافت شهدا و زندانیان زیادی قربانی شدند بالاخره شهیدی که باید تقدیم می کردیم و سختی هایی که برای آزادی باید می کشیدیم در سال ۵۷ بیشتر از آنرا هم تقدیم کردیم. اما فرصت طلایی پیشرفت از دست کشور گرفته شد فرصتی که امام خمینی در وصیت‌نامه خودشان این‌گونه حسرت آنرا می‌خورند. " صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق نیافت و اگر شده بود ایران غارت زده غیر از این ایران بود". اگر همان وقت که امام خمینی (ره) به قیام فرا خواندند با کشتار ۱۵ خرداد قیام عمومی متوقف نمی شد و همان موقع کار را یکسره کرده بودیم بجای عقب روی در همه شئون در آن سالها که سالهای پس از جنگ جهانی دوم و ظهور فناوری ها و جهش های علمی بزرگ در جهان بود می توانستیم خود را به پیشرفت های دنیا برسانیم و بنیه محکمی برای پیشرفت داشته باشیم اما دریغ که عقب نشینی و سکوت در مقابل یک تهاجم آن فرصت طلایی را از ما گرفت. دورانی که هنوز فاصله کشورها از یکدیگر آنقدر زیاد نبود و می شد با سرعت خود را به بقیه رساند سالهایی که هنوز نظم جدید بین المللی کاملاً مستقر نشده بود و می شد جای بهتری داشت.

نمونه دیگر این واقعیت در مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب عراق روشن می‌شود. هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی جریان انقلابی در داخل عراق منسجم‌تر شد صدام جنایتکار رهبری نهضت حضرت آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر را دستگیر و زندانی کرد. بنت الهدی صدرخواهر فاضله ایشان مردم را به قیام فراخواند برای تظاهرات اعتراضی و آزادی مرجع تقلید از بند صدام مردم را به قیام دعوت کرد اما به‌جز حدود ۵۰ نفر که همگی دستگیر شدند کسی دعوت ایشان را اجابت نکرد نتیجه آن شد که شد. شهید آیت الله صدر و خواهرشان و طرفداران اندک ایشان در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ تیر باران شدند و مردم عراق که برای پرهیز از خطر به میدان نیامدند صدها برابر آنچه می‌باید برای پیروزی کشته می دادند بدون وصول به نتیجه مطلوب کشته دادند و انقلاب اسلامی عراق با بیش از یک و نیم میلیون شهید

بعد از سی سال هم بجایی نرسید درحالی که مردم ایران اسلامی که در سال ۵۶ به فراخوان امام خمینی در مقابل شاه جواب مثبت دادند با یک سال مبارزه و تقدیم ده‌ها هزار شهید به آزادی رسیدند.

این یک عبرت و پاسخ علمی و تجربی به طرفداران سازش است خوب بنگرید ببینید ملت برادرمان عراق با سی سال تأخیر و بیشتر از یک و نیم میلیون شهید کجا هستند در علم، در صنعت، در امنیت، در قدرت نظامی، در نفوذ سیاسی منطقه‌ای و جهانی در فناوری در کشاورزی در پزشکی در غذا و مسکن در رفاه شهری در جاده و ... آن‌ها کجا هستند و ایران کجاست؟ حال آنکه آن کشور با نصف جمعیت ایران و فرصت نفتی برابر با ایران در سرزمینی که از شمالی‌ترین نقطه تا جنوبی‌ترین نقطه آن رودخانه‌های بزرگ و غالباً قابل کشتیرانی جریان دارد و می‌تواند بهشت روی زمین باشد در هیچیک از شاخص‌های پیشرفت به گرد جمهوری اسلامی ایران هم نمی‌رسد.

این تجربه بزرگ باید عبرت ما باشد و بدانیم که هزینه سازش و پرهیز از مبارزه با دشمن نه‌تنها کمتر از هزینه مبارزه نیست بلکه غالباً بیشتر است.

امروز هم همین تجربه در حال تکرار است. هزینه سازش آقای مرسی و نهضت اخوان المسلمین که با روی کار آمدن و به قدرت رسیدن حتی سفارت اسرائیل در قاهره را تعطیل نکردند آمد و شد با اسرائیل را ادامه دادند و حتی برای خوش آمد آمریکا و اسرائیل از ملاقات و آمد و شد با جمهوری اسلامی هم خودداری کردند و حصار مجاهدان غزه را هم نشکستند روی کارآمدن مجدد دولت آمریکایی تبرئه حسنی مبارک و پسرانش از اغلب جرائم محکوم شده قبلی و زندانی و اعدام سران نهضت مصر بود.

همانطور که امام خامنه‌ای فرمودند: کشورهایی در همین منطقه‌ی ما هستند و سی و چند سال در مشت آمریکا بودند، دولت‌هایشان نوکر و مطیع و فرمانبر آمریکا بودند؛ آنها کجا هستند؟ ملت ایران هم سی و چند سال در مقابل آمریکا ایستاده؛ ملت ایران کجاست؟ در مقابل سی سال فشار آمریکا، ملت ما از لحاظ پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، آبروی بین‌المللی، نفوذ و اقتدار سیاسی، به جایی رسیده است که در دوران رژیم‌های پهلوی و قاجار خوابش را هم نمی‌دیدند؛ نه مردم، نه مسئولان. ما تجربه کردیم، ما امتحان کردیم. سی سال ما در مقابل فشارهای آمریکا ایستاده‌ایم، اینجائیم؛ ملت‌هایی هم هستند که سی سال تسلیم آمریکا شدند و مراحل متعددی عقب‌اند. ما بدی ندیدیم از ایستادگی، از مقاومت.

مقاومت، نیروی درونی یک ملت را احیاء میکند و به فعلیت میرساند. همین تحریمهائی که میکنند، به کمک ملت ایران خواهد آمد و ملت ایران را به اذن الله و به حول و قوه‌ی الهی به رشد و شکوفائی خواهد رساند. این، نکته‌ی مهمی است. (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی - ۱۳۹۱/۱۱/۲۸)

هزینه سازش عربستان با آمریکا امروز تحمیل جنگ ضد یمنی به عربستان از سوی آمریکا و تحمل هزینه های صدها میلیارد دلاری آن، واداشتن به خرید تحمیلی تسلیحاتی ۴۸۰ میلیارد دلاری واداشتن عربستان به حمایت از داعش و تکفیری ها از سوی آمریکا است تکفیری هایی که فرصت ایجاد شود خطرناک ترین نیرو برای خود آل سعود هستند.

در این زمینه مقام معظم ولایت امام خامنه ای عزیز چه زیبا فرمودند: بعضی عقلانیّت را در این میدانند و میگویند که «چالش با قدرتها هزینه دارد»- [«البته»] اشتباه میکنند- بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد. شما ملاحظه کنید دولت سعودی برای اینکه با رئیس‌جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور میشود بیش از نیمی از ذخایر موجودی مالی خودش را در خدمت هدفها و طبق میل آمریکا هزینه کند. اینها هزینه نیست؟ سازش هم هزینه دارد. چالش اگر عقلانی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتمادبه‌نفس باشد، هزینه‌اش بمراتب کمتر از هزینه‌ی سازش است. من عرض کردم - ان‌شاءالله بعدها [هم] صحبت خواهیم کرد - این جور نیست که قدرتهای توطئه‌گر و قدرتهای متجاوز به یک حدی قانع باشند؛ ما این را در تعاملات این چند سال اخیر مشاهده کرده‌ایم. یک حدی را مشخص میکنند، وقتی شما در آن حد عقب‌نشینی کردید، تازه یک حرف جدید مطرح میکنند، یک ادّعای جدید و یک مطالبه‌ی جدید مطرح میکنند، شما را باز با همان فشارها مجبور میکنند این مطالبه‌ی جدید را هم بهشان بدهید؛ و این سلسله همین‌طور ادامه پیدا خواهد کرد؛ این متوقّف نمیشود.

انقلابیگری یعنی مسئولین کشور، هدفشان را راضی کردن قدرتهای مستکبر قرار ندهند؛ مسئولان کشور، هدفشان را راضی کردن مردم، به کار گرفتن نیروهای داخلی، تقویت عناصر فعال در داخل کشور قرار ندهند؛ این انقلابیگری است. معنای انقلابیگری این است که کشور و مسئولان، تسلیم هیچ زورگویی‌ای نشوند، دچار انفعال نشوند، دچار ضعف نفس نشوند؛ نه زورگویی و قلدری را از طرف مقابل قبول کنند، نه

فریب او را بخورند - چون قدرتها با وجود اینکه زورگویند و قلدرند و دستشان پُر از اسلحه است، از فریب هم دریغ نمیکنند؛ آنجایی که ممکن باشد، اهل خدعه و فریب و دُور زدن و این حرفها هم هستند - اینها معنای انقلابیگری است.

عرض من این شد: برادران عزیز، خواهران عزیز، جوانهای عزیز در سراسر کشور و مسئولین محترم کشور! همه بدانید که ما امروز به روحیهی انقلابی، به ممشای (۴) انقلابی، به شعار انقلابی، به اصول و مبانی انقلاب امام بزرگوارمان نیازمندیم؛ کشور احتیاج به این دارد. انقلابیگری را با عنوان افراطی‌گری و مانند این حرفها، نفی نکنید؛ انقلابیگری، نیاز امروز کشور است. این همان درسی است که امام بزرگوار به ما داد و از این درس باید استفاده کنیم. این بحث اول و بحث اصلی و عمده‌ی من.

سومین تجربه‌ی ای که حوادث و حماسه‌های بزرگ انقلاب اسلامی ۵۷ به ما می‌دهد اینست که هرگاه با صبر و استقامت در راه حق شرایط را محیا و خودمان را لایق کنیم فرج حاصل می‌شود. (بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۳۹۶/۰۳/۱۴)

مهمترین کاری که ملت ایران در سال ۵۷ انجام داد کسب لیاقت بود. در شکست رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی واقعاً عملیات نظامی مهم و بزرگی انجام نشد و آنچه که در سایر انقلابها از جنگ‌های خونین وسیع و دامنه‌دار و عملیات ویژه اتفاق می‌افتاد حادث نشد مسأله این بود که یک ملت با اطاعت از ولایت لیاقت و شایستگی خودش را نشان داد و آمادگی خود را در عمل برای فداکاری در راه حق نشان داد و روزی که این قابلیت ملت ایران احراز شد خداوند ولی خودش را که سالها از حضور آنها غائب بود در وسط آتش و میدان که همه‌ی شئون و قوای آن بدست دشمن بود صحیح و سالم به میان ملت بازگرداند و بدون هیچ عملیات گسترده‌ی نظامی او را غلبه داد و حاکم کرد و ملت را از ظلمات شاهنشاهی لایق زندگی زیر پرچم اسلام کرد. این همان شرایط فرج‌نهایی ماست. اگر لیاقت خود را نشان دهیم امام غائب اصلی به گونه‌ی که ۱۲ بهمن ۵۷ همه شاهد بودند به همان روانی و سهولت خواهد آمد.

## **فصل سوم**

**مرحله دوم انقلاب اسلامی**

**شکل گیری و تثبیت نظام حق**

## فصل سوم: مرحله دوم انقلاب تثبیت نظام حق

### موانع بزرگ بر سر تبدیل نهضت به نظام نهضتی

مقدمه:

نهضت امام خمینی (ره) تقریباً هیچ نیروی اصیل انقلابی را که تجربه حکومت‌داری داشته باشد در کادر خود نداشت تا جایی که خود آقای هاشمی رفسنجانی که از به روزترین و دنیا دیده ترین افراد انقلاب بود در خاطرات خود مینویسد: "من به وزارت کشور رفتم (چون ایشان در ابتدا سرپرست وزارت کشور شد. در وزارتخانه‌ها هم فقط وزرا کنار رفتند و کارمندان همان کسانی بودند که از قبل در آن جا بودند)، در دفتر وزیر نشستم، آقای منشی آمد و گفت: قربان! کارتابل را خدمتتان بیاوریم؟ من اصلاً نمی‌دانستم کارتابل یعنی چه؟! زرنگی به خرج دادم و گفتم: خیر، حالا باشد بعداً می‌گویم. یک زنگ به آقای یزدی زدم، گفتم: کارتابل چیست؟ گفت: هیچی بابا! مثل پوشه می‌ماند، برگه‌ها را داخل آن می‌گذارند، می‌آورند بخوانید". (بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۹۱/۰۳/۰۳) حق هم داشت که نمی‌دانست؛ چون ندیده بود این اوج تخصص نیروهای انقلاب از کشورداری بود.

و واقعاً واگذاری یکباره دولت به آنها کار مشکل یا ناشدنی بود چون تقریباً از مدیریت کلان هیچ نمی‌دانستند. و از سوی موقعیت دادن به نیروهای بینابین نیمه انقلابی که تجربیات اداری و دولتی داشتند با توجه به پذیرش عنوان کلی انقلاب و اعلام وفاداری به رهبری امام خمینی فرصتی برای جذب کامل جریان‌های ملی مذهبی به خط انقلاب و اصلاح اشکالات آنان بود. همچنین نوعی اتمام حجت و پیشگیری از اینکه بعداً مدعی نشوند شما بلد نبودید و اگر مدیریت را بدست ما می‌سپردید بهتر از این عمل می‌کردیم.

شاید چنین جهاتی موجب شد اولین دولت (موقت) انقلاب اسلامی به عناصری سپرده شود که تصویر کامل و روشنی از حاکمیت دینی نداشتند. این به آن معنا بود که فعلاً قادر به تشکیل دولت اسلامی نیستیم و فرصتی می‌خواهیم تا این نیروهای آشناتر با فضای اداری را جذب تفکر انقلاب کنیم یا نیروهای انقلابی کارآموزی کنند و کم کم جایگزین آنان بشوند الان که از ورای تاریخ نگاه می‌کنیم می‌بینیم این انتصابات از جهتی هم عملاً مفید واقع شد چرا که آمریکا و مستکبرین غربی را به آینده خود در ایران و امکان بازگشت مجدد از طریق ملی مذهبی امیدوار کرد و در ماه

های اولیه که انقلاب هنوز خیلی نو پا و از لحاظ کنترل بر اوضاع قوت نگرفته بود آنها را از دخالت مستقیم نظامی و کشتارهای گسترده از مردم برای احیای سلطنت شاه منصرف کرد.

هرچند این گروه نتوانستند خود را با اندیشه اسلام ناب تطبیق دهند و در میان راه کناره گرفتند. اما باتدبیر امام خمینی (ره) و همراهی تمام‌عیار مردم مرحله دوم انقلاب اسلامی یعنی استقرار نظام در چند گام یعنی فراندوم جمهوری اسلامی، تشکیل مجلس قانون اساسی، تدوین قانون اساسی، فراندوم قانون اساسی به‌خوبی انجام شد. و اگر از ابتدا نتوانستیم با تشکیل دولت اسلام‌گامی آغاز کنیم لاف‌ل قدم دوم بعد از پیروزی برداشته شد و نظام اسلامی شکل گرفت و مستقر شد.

## کشتار کادرهای انقلاب و چالش در ورود به مرحله سوم انقلاب اسلامی یعنی تحقق دولت اسلامی

### مرحله سوم تحقق دولت اسلامی

انقلاب اسلامی یک حرکت آرمانخواه است و صرفاً یک دگرگونی با هدف تغییر حاکمیت نیست بلکه اهداف بلندتری را نشانه گرفته که نهایت آن شکل‌گیری تمدن اسلامی جهانی است پیمودن این راه بلند به یکباره ممکن نیست و کار باید مرحله به مرحله پیش برود. انقلاب تا رسیدن به مقصد همانگونه که پیشوای انقلاب امام خامنه‌ای عزیز فرمودند ۵ مرحله را باید طی کند تبیین این مراحل از زبان آن حضرت شنیدنی تر است آنگونه که در سال ۹۰ در سفر کرمانشاه فرمودند: یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است. منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ ولاً به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل میشود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون میکند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده میکند. حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب میکنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام

گرفته شده است و با ارزشهای اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم. منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیادهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور. بخش بعد از آن، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا‌ی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه‌ی ما.

چرا میگوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجنّ و الانس الّا ليعبدون»؛ (۳) انسانها به عبودیت برسند. «ليعبدون» را معنا کردند به «ليعرفون». این معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق الله پیدا میکند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی



اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والائی است. خب، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد؛ که حالا آن مقوله‌ی دیگری و بحث دیگری است. این چیزی که به عنوان هدف ذکر شد، یک امر بسیار والاست. (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۲۴/۰۷/۱۳۹۰)

بر اساس این مرحله بندی بعد از تشکیل نظام و استقرار مرحله دوم اینک زمان مرحله سوم انقلاب اسلامی یعنی تشکیل دولت اسلامی فرارسیده بود. اما آمریکا هم بیکار ننشسته بود و با تجمیع تجارب خود و سایر استعمارگران علاوه بر کودتاهای مکرر که به حمدالله به شکست انجامید عامل خود بنی‌صدر را به بالاترین موقعیت پس از رهبری در نظام نفوذ داد.

هرچند ریاست جمهوری در قانون اساسی اول اختیارات محدودی داشت و اختیارات اداره کشور در دست نخست‌وزیر بود اما رئیس‌جمهور نفوذی با اخلال در کار دولت مانع تحقق کامل دولت اسلامی شد و دولت شهید رجایی با مانع‌تراشی‌های جدی رئیس‌جمهور وقت بنی‌صدر مواجه شد. با این وجود قدم‌های بلند تحولی در دوران کوتاه دولت او برداشته شد که هنوز کام ملت ایران از آن شیرین است و به عنوان یک دولت ایده آل در ذهن مردمی که آن روزگار را درک کرده‌اند مجسم است بطوریکه هر دولتی که آمده است برای جلب محبوبیت عمومی خود را پیرو منش دولت شهید رجایی معرفی کرده است.

### امواج ترور و بحران کادرها

اما این حرکت پر برکت دیری نپایید چراکه پس از شکست و فرار رئیس‌جمهور نفوذی آمریکا و یکدست شدن دولت برای خدمت به مردم، دولت اسلامی برای خدمت فقط ۲۸ روز فرصت پیدا کرد. آمریکا تشکیل دولت اسلامی را تحمل نکرد و با یک عملیات گسترده تروریستی علاوه بر ترور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر شهیدان رجایی و باهنر ظرف چند ماه ۱۵ نفر از نظریه‌پردازان و نیروهای متفکر تراز اول انقلاب اسلامی و هدایت‌گران اصلی انقلاب اسلامی و صدها نفر از کادرها و مدیران عالی‌میدانی را که ظرفیت‌های بالقوه و فرصت نظام اسلامی برای تشکیل دولت اسلامی بودند به شهادت رساند شهید آیت‌اله مطهری، شهید آیت‌اله بهشتی، شهید آیت‌اله مفتاح، شهید آیت‌اله صدوقی، شهید آیت‌اله دستغیب، شهید آیت‌اله قاضی طباطبایی، شهید آیت‌اله مدنی، شهید آیت‌اله اشرفی اصفهانی، شهید حجت‌الاسلام

محمد منتظری، شهید آیت اله قدوسی، شهید آیت اله باهنر، شهید رجایی از آن جمله‌اند. این در حالی بود که هم‌زمان با تحریک آمریکا حمله نظامی به ایران توسط رژیم بعثی بخش اعظم نیروهای میدانی تراز اول انقلاب را مشغول خود ساخت شهیدان چمران، بروجردی، مهدی باکری، حسین خرازی، عبدالله میثمی و ... از این جمله‌اند.

لذا بخش بزرگی از کسانی که باید برای انقلاب اسلامی کادر سازی و برای هدایت بخش‌های مختلف اداره کشور نظریه‌پردازی می‌کردند از دست انقلاب گرفته شدند و امکان تشکیل دولت اسلامی به معنای اتم کلمه حاصل نشد. یعنی دولتی که بتواند کشور را در تمامی امور بر اساس یک برنامه منطبق بر الگوی اسلامی اداره کند یا لاقلاً معتقد به کامل بودن دستورات اسلام و ضرورت اطاعت کامل از ولایت باشد و همه ی همت خود را برای دستیابی به تدابیر و احکام اسلامی و پیاده‌سازی آن بکار گیرد، دیگر تشکیل نشد اما راه برگشتی هم نبود و نمی‌شد انقلاب را رها کرد.

شاید کسی خرده بگیرد که قبل از کادر سازی کافی و تدوین برنامه‌های جز به‌جز اداره کشور نباید انقلاب می‌کردیم. چرا انقلاب کرده ایم و بعد از سی سال تازه برای تدوین الگوی اسلامی پیشرفت ستاد تشکیل داده ایم. این الگو باید اول نوشته می‌شد و بعد انقلاب می‌کردیم. چرا بعد از سی سال تازه برای علوم انسانی اسلامی مرکز تأسیس کرده ایم و هنوز در دانشگاهها تفکرات الحادی بعنوان علم تدریس می‌شود باید کتب علوم انسانی اسلامی را تدوین می‌کردیم و بعد از انقلاب می‌شد.

اما این اشکال وارد نیست چراکه در رژیم خفقان ستم‌شاهی به نیروهای مؤمن به‌هیچ‌وجه اجازه کادرسازی داده نمی‌شد و نزدیک شدن نیروهای انقلاب اسلامی به جایگاه‌هایی که بتوانند بر محتوای علوم دانشگاهی مسلط بر مسائل کشورداری و مملکت‌داری احاطه پیدا کنند و به توانایی برنامه‌نویسی برای آن برسند محال بود.

### اولین تجربه حکومت داری اسلام ناب بعد از ۱۳۶۰ سال

تجربه حکومت‌داری مبتنی بر حاکمیت الهی و عدالت تنها و تنها به دوره کوتاه صدر اسلام برمی‌گشت و پس از شهادت امام علی(ع) یعنی بیش از ۱۳۰۰ سال معتقدان به حاکمیت خدا و عدالت تجربه حکومت‌داری نداشتند. باب اجتهاد و فقه در امور حکومت داری و مسائل مهم اجتماعی بسته بود قرن‌ها بود که از مسائل اجتماعی و سررشته داری اداره و آیین کشورداری در فقه و اجتهاد اسلامی جز مسائلی کلی آنهم غیرمنطبق به شرایط روز چیزی گفته نمی‌شد. علم و فقه اسلام غالباً در بیان احکام فردی و مسائل فرعی خلاصه شده بود اگر سر رشته امور کشور بدست

نیروهای اسلام خواه نمی افتاد اساساً مسائل متحده ای وجود نداشت که فقها را درگیر و وادار به تولید علم روز و روزآمد سازی تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام کند نهایت ارتباط فقه با مسائل روز این بود که فتوا دهند اگر در کره ماه برویم قبله ی نماز کجاست؟ یا در هواپیما چگونه باید نماز خواند؟

و اگر رسیدگی به مسائل روز خیلی جدی تر می شد پرداخت به اینکه کدام امر در بیمه و بانک حرام است و کدام حلال ولی این مسأله که اساساً در یک کشور اسلامی چه نهادهای اقتصادی باید باشد و کدام مضر است و آنها که باید باشد شرط و شروط آن چگونه است؟ سینما باید باشد یا نه؟ موسیقی چطور؟ اگر باید باشد کم و کیف آن چگونه است؟ رابطه با کشورهای دیگر چگونه باید تنظیم شود؟ وجود احزاب در کشور اسلامی درست است یا غلط و خلاف تدبیر کشورداری اسلامی است؟ اگر احزاب هست رابطه اش با مردم و حکومت چگونه تنظیم می شود؟ کم و کیف ارتش در نظام اسلامی چگونه است؟

راه برخورد با جاسوس و مقابله با ناامن سازی کشور چیست؟ سازمان اطلاعاتی چگونه باید باشد و چطور می شود آنرا از تبدیل شدن به ساواک و دستگاه شکنجه و زورگویی حفظ کرد؟

شنود مکالمات افراد جایز است یا نه؟ اگر هست شرایط آن چیست؟ شهرسازی چگونه باید باشد؟ سلاح اتمی جایز است یا نه؟ در فضای پر آشوب بین المللی و با وجود فرصت های فراوان حرام برای جذب سرمایه چگونه می شود سرمایه ها را به کار هلال جذب کرد؟ و صدها سوال از این دست نه تنها پاسخ داده نمی شد بلکه اساساً ما دسترسی به صورت مسأله هم نداشتیم و سوال را هم نمی دانستیم چه رسد به جواب آن.

الان که چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری حکومت اسلامی می گذرد هنوز هم بسیاری از علما و فقها خود را درگیر این مسائل نکرده اند و بخاطر سنت نهادینه شده ی قرنهای متوالی در حوزه های علمیه پا را از مسائل فقهی فردی فراتر نمی گذارند چه رسد به اینکه انقلاب و تشکیل نظام در کار نبود. برای تشکیل دولت اسلامی صورت تمام این مسائل باید شناسایی می شد و یک به یک بر اساس مبانی این پاسخ داده می شد و دسترسی به این مسائل و ایجاد فضای مناسب برای فهم و پاسخ آن هیچ راهی جز درگیر شدن با مسائل حکومت داری و در اختیار گرفتن زمام امور نداشت. مقدمه ی تدوین الگوی اسلامی پیشرفت آشنایی عمیق نیروهای مؤمن با مسائل حکومت داری و دسترسی به اطلاعات راهبردی مدیریت کشور بود کمالینکه سی سال طول کشید تا اساساً پیچیدگی های اداره کشور

ما را به ضرورت تدوین الگوی جامع اسلامی ایرانی پیشرفت برساند تجربه های مترکّم فراوان و پیمودن راههای مختلف ما را به آن رساند که باید از واژه پیشرفت بجای توسعه استفاده کنیم. اینها مسائلی نیستند که طی یکی دو سال بدست آیند رسیدن به این مسائل سالها تجربه را می طلبد این بیان رهبری حکیم انقلاب اسلامی بعد از ۳۲ سال از برقراری حکومت اسلامی است که از حرکت‌های زیگزاگی انتقاد می کنند و ضرورت وجود نقشه جامع را یادآور می شوند.

### الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

امام خامنه ای عزیز: "وقتی میگوئیم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع. بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه‌ی فرهنگ، هم در زمینه‌ی اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به خاطر این است که یک نقشه‌ی جامع وجود نداشته است. این الگو، نقشه‌ی جامع است؛ به ما میگوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت میکنیم. طبعاً همین طور که دوستان گفتند، وضعیت مطلوب باید تصویر شود و چگونگی رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب هم بایستی بیان شود. یقیناً سؤالات زیادی مطرح خواهد شد؛ این سؤالات بایستی دانسته شود. یکی از آقایان اینجا گفتند چهار هزار سؤال وجود دارد؛ این خیلی خوب است. این سؤالاها شناخته شود، دانسته شود. این حرکت بایست در مجموعه‌ی نخبگانی ما به وجود بیاید. سؤالاها مطرح شود، به این سؤالاها پاسخ داده شود؛

این حرکت طولانی مدت است." (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی - ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)

چرا این حرکت‌های زیگزاگی انجام شد چون بسیاری از دولتمردان و اکثر کارشناسان تصور میکردند اسلام در موضوعات مبتلا به نسخه خاص خود را ندارد و میتوانند از نسخه‌های موجود سوسیالیستی یا کاپیتالیستی بعنوان علم روز استفاده کنند راه را رفتند ولی به نتیجه‌ای که هدف نظام اسلامی بود یعنی عدل و قسط یعنی بسط معنویت و خدا خواهی یعنی اعتلای اخلاقی نزدیک نشدند چه رسد به اینکه به هدف برسند.

حالا هم که بدنه کارشناسی به این رسیده است که باید جواب سوالهای خود را در مبانی اسلامی جستجو کند خیلی ها اعتقاد دارند و در همان جلسه خطاب به رهبری می گویند: هنوز مابینه علمی لازم برای چنین کاری را نداریم. که البته رهبری به این شبهه اینچنین پاسخ دادند: "البته گفته شد که برای تدوین یک چنین الگوئی، ما توانائی فکری نداریم. نمیتوانیم این را قبول کنیم. ظرفیتهای کشور، ظرفیتهای زیادی است. تا آن حدی که بنده اطلاع پیدا میکنم، به نظرم ظرفیتهای بالفعل شدهی بسیار خوبی وجود دارد؛ هم در حوزهی دانشگاهی، هم در حوزهی علمیهی قم و بعضی حوزههای دیگر. علاوهی بر این، استعدادها و ظرفیتهائی وجود دارد که میشود اینها را با مطالبه بالفعل کرد؛ اینها را وسط میدان آورد. ما اگر امروز این کار را شروع نکنیم و دنبال نکنیم، مطمئناً عقب خواهیم ماند و ضرر خواهیم کرد؛ لذاست که بایستی حتماً این حرکت که اینجور طراحی شده، پیش برود". (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی - ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)

حال ببینید وقتی امروز و بعد از چند دهه کادر سازی و تجربه های متراکم و تولیدات نظری فراوان بومی پیرامون مسائل حکومت هنوز بعضی علمای دعوت شده به جلسه می گویند: توانایی فکری لازم را نداریم اگر تشکیل نظام اسلامی و تجارب آن نبود برای این کار چه توانایی داشتیم؟ البته بعضی هم برخلاف این اعتقاد دارند چرا این کار دیر شده که جواب آنها را هم حضرت آقا اینطور میدهند: "بعضی سؤال میکنند که این مقطع زمانی به چه مناسبت است؟ بعد از آنکه اصل ضرورتش را قبول میکنند و قبول دارند، سوال میکنند که چرا قبلاً این کار انجام نگرفته، یا چه ضرورتی وجود دارد که حالا این کار انجام بگیرد؟ خوب، فاصله‌ی زیادی نشده است. برای این فرایندی که به منظور ایجاد و تدوین یک چنین الگوئی حتماً طی خواهد شد، این سی سال، زمان طولانی ای نیست. تجربه‌ها متراکم میشود، معرفتها انباشته میشود، اوضاع و احوال سیاسی اقتضاء میکند؛ بعد به نقاطی میرسیم که مجهول بوده است و اینها را ان شاء الله معلوم خواهیم کرد. به نظر من در این مقطع، ظرفیت کشور، یک ظرفیت مناسبی است". (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی - ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)

صدها مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی که بتدریج تأسیس و راه اندازی شد از برکات تشکیل نظام است. اگر کنار زدن رژیم طاغوت و تشکیل نظام اسلامی نبود در اغلب موارد ما به صورت مسائلی که امروز دستور کار این مراکز علمی پژوهشی و مطالعاتی است نمی رسیدیم و اگر در موارد اندکی هم به آن رسیدیم امکانات راه اندازی آنرا

نداشتیم و اگر امکانات هم داشتیم در بسیاری از موارد طاغوت اجازه ی ورود به مسأله و تأسیس چنین مراکزی را نمی داد پس باید بپذیریم که تحقق انقلاب و تشکیل نظام دو مرحله و مقدمه ی واجب برای رسیدن به تشکیل دولت اسلامی بود.

حال اشکال جدیدی وارد می شود که چرا رسیدن به دولت اسلامی چهل سال طول کشیده و در این مدت کارهای زیادی صورت گرفته که بر مبنای اسلام نبوده است و بعضی از کارها و روشهای ناموفق دولت ها و دستگاه قضایی و قانونگذاری در این مدت به اسم اسلام تمام شده و مردم را به اسلام بدبین کرده است؟ در پاسخ باید گفت بنا نبود تشکیل دولت اسلامی اینقدر طول بکشد و همانطور که گفته شد ترور گسترده ی نظریه پردازان و هادیان اصلی انقلاب اسلامی واقعیت انکار ناپذیری است که کار را عقب انداخت تحمیل جنگ و کار شکنی های پی در پی دشمن و توطئه های فراوان هم که در مورد آن سخن خواهیم گفت تأثیر اساسی در این تأخیر داشت و شاید هم آنرا بتوان تدبیر الهی دانست تا همه ی مدعیانی که کلیت انقلاب اسلامی را قبول داشتند ولی در اداره ی کشور معتقد به راه کار و متمایز دینی نبودند و تصور می کردند شیوه های رایج کشور داری دنیا علم قطعی و موفقیت آمیز است هم انقلابیونی که از سوسیالیسم برای اداره امور الهام می گرفتند و هم آنها که لیبرال دمکراسی را الگوی مناسبی می پنداشتند با تصدی مناصب اصلی در جمهوری اسلامی ایران فکر و نظرشان را پیاده کنند تا در عمل عدم موفقیت آنها تجربه شود و خود بخود اندیشمندان و در نتیجه مردم کشور را به سمت و سوی الگوی اسلامی برای اداره ی جامعه سوق دهد و در پاسخ به اینکه این تجربه های ناموفق چون تحت نام نظام اسلامی انجام شده مردم را نسبت به اسلام بدبین می کند هم باید گفت اگر برآیند همین تجربه های صورت گرفته وضعیت کشور را رو به جلو برده باشد و در جایگاه جهانی موقعیت کشور را بهبود بخشیده باشد کسی نمی تواند به اسلام بدبین شود چرا که اگر نتوانسته ایم در شأن و جایگاه اسلام عمل کنیم همین اندازه که سعی کرده ایم خطوط کلی اسلام را رعایت کنیم وضع بهتر شد و این نوید می دهد که اگر کاملاً اسلامی عمل شود بهتر خواهد شد.

پیروزی انقلاب و حاکمیت ولایت فقیه لاقلاً شرایط آزاد برای کادرسازی و درگیر شدن نیروهای مؤمن و عناصر اسلام ناب با امور اجرایی و اشراف آنان برای به روزرسانی نظریه های اسلامی و تطبیق آن با نیازهای میدانی را فراهم می کرد. لذا مبارزه و تحقق انقلاب و کنار زدن طاغوت قبل از تکمیل کادرهای مدیریت دسترسی به نسخه جامع اداره کشور اجتناب ناپذیر بود.

اینک پس از ۱۳۶۰ سال از پایان حکومت امام علی (ع) برای اولین بار حکومتی اسلامی باهدف تحقق عدالت تشکیل می‌شد و پیروان اسلام ناب محمدی که زمام امور را به دست گرفته بودند بدون هیچ تجربه عملی در حکومت‌داری در غیاب بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی که شهید شده بودند می‌باید در سه جبهه جهاد می‌کردند و کار را پیش می‌بردند:

در «جبهه اول» یعنی «تلاش برای حفظ انقلاب اسلامی و بقاء نظام» که خود چندین جبهه ی بزرگ محسوب می‌شد باید با دشمنان در تراز ابرقدرتی می‌جنگیدند و امنیت کشور را در مقابل کودتاها، جنگ‌ها، امواج تروریسم، شورش‌های مناطق مرزی، تهاجمات روانی و فرهنگی و تحریم‌های اقتصادی و ... حفظ و امنیت آن را برقرار می‌کردند.

در «جبهه دوم» یعنی «اداره و پیشبرد کشور» در فقدان هادیان و نظریه‌پردازان شهید و کارگزاران برجسته‌ای که ترور شدند بدون در دست داشتن نسخه عملی از جزئیات برنامه‌های اسلامی در شئون مختلف با همین بضاعت باقیمانده از کادرهای اصلی انقلاب، کشور را تا جای ممکن بر اساس معیارهای اسلامی اداره می‌کردند و در محیط پر از مزاحم و مملو از کینه و دشمنی و توطئه‌های استکباری، جهت‌گیری کلی کشور را تا دسترسی به مرحله سوم انقلاب یعنی تشکیل دولت اسلامی حفظ می‌کردند.

و در «جبهه سوم» با «کسب تجربه حکومت داری و نظریه‌پردازی و تولید علوم اسلامی و تدوین الگوی اسلامی پیشرفت و کادر سازی بر مبنای آن» زمینه را برای شکل‌دهی به دولت اسلامی و اداره ی کشور بر اساس الگوی اسلامی محیا می‌کردند.

آیا نیروهای انقلاب در این سه جبهه موفق عمل کردند؟ آیا توانستند در این چهل سال این سه رسالت را به نحو شایسته تحقق بخشند یا نه؟ آیا انقلاب اسلامی و نظام مبتنی بر آن حفظ شد یا نشد؟ آیا کشور در مسیر پیشرفت اداره شد یا نه؟ آیا تجارب کافی کسب شد و مقدمات لازم برای تشکیل دولت اسلامی تهیه شد؟

## **فصل چهارم**

# **تلاش برای حفظ انقلاب و بقاء نظام**



## فصل چهارم : تلاش برای حفظ انقلاب اسلامی و بقاء نظام

### معیارهای حفظ انقلاب اسلامی و بقای نظام

آیا می‌توان گفت در «جبهه اول» یعنی «تلاش برای حفظ انقلاب اسلامی و بقاء نظام» موفق عمل کرده‌ایم؟ برای بررسی این مسأله لازم است ابتدا شاخص‌های بقای انقلاب را معین کنیم تا در مقایسه وضع موجود با آن شاخص‌ها معلوم شود انقلاب اسلامی باقیست یا نه؟ در این زمینه شاخص‌های مختلفی قابل طرح است.

مثلاً آیا نظام به قانون اساسی که در اولین سال‌های انقلاب دو بار به تأیید اکثریت مطلق مردم رسیده است به‌ویژه به اصول اساسی آن پایبند است؟ آیا حرکت نظام کماکان بر پایه شعارهای اساسی انقلاب مثل نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی و یا استقلال آزادی جمهوری اسلامی قرار دارد؟

آیا تفکر و اصول ارزش‌های بنیادین بنیان‌گذار نظام یعنی امام خمینی (ره) کماکان در کشور معتبر است؟ اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین شاخصی که می‌تواند بنای قضاوت در این ارتباط قرار گیرد شاخص‌های مؤسس انقلاب اسلامی در مورد بقای انقلاب است. امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی الهی می‌فرمایند:

"بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد"

"اینجانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشور آن قطع شود. این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فروده از دست ندهید و در تعامل این انگیزه که رمز پیروزی دستیابی آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است"

پس برای قضاوت در مورد بقای انقلاب کبیر اسلامی باید ببینیم آیا انقلاب اسلامی توانسته است در مقابل تهاجمات متعدد دشمن خود را حفظ کند؟ یا آنکه تسلیم دشمن شده و عقب‌نشینی کرده است. آیا نفوذ و جنگ‌های روانی و

تهاجم گسترده فرهنگی انقلاب اسلامی را استحال کرده یا این انقلاب کماکان دو رکن انگیزه الهی و وحدت ملت بر سر تحقق حاکمیت الهی را حفظ کرده است.

مرور تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد حوادث و تجاوزات سخت و نرم که درصدد نابود کردن انقلاب بوده‌اند از شمارش خارج است و نمی‌توان یکایک آن موارد را برشمارد و نتایج آن را احصاء کرد بنابراین برای ارزیابی این موضوع صرفاً به حملات خیلی عمده در این عرصه می‌پردازیم تا با برآورد نتایج هرکدام ببینیم آیا توانسته‌ایم ارکان اصلی انقلاب و اصول و ارزشهای اساسی آن را حفظ کنیم یا خیر؟

## **مروری بر حوادث و حرکتهای براندازنه و استحال گرانه و تجاوزات نظامی**

### **ناامنی، ترور و خرابکاری**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به معارضه‌ی اساسی انقلاب اسلامی با منافع سلطه‌گران جهان هرکدام از قدرت‌های شیطانی گروه‌هایی را سازمان‌دهی و تجهیز کردند و برای نابودی انقلاب به جان ملت انداختند. از سلطنت‌طلب‌های متکی به آمریکا و انگلیس و اسرائیل تا حزب توده و فدائیان خلق متکی به اتحاد شوروی، از منافقین و دمکرات متصل به فرانسه تا حزب رنجبران و اتحادیه کمونیست‌های چینی. از خلق عرب وابسته به صدام تا خلق مسلمان سازمان‌دهی شده توسط آمریکا و ... همه با همه توان و با دریافت تجارب فراوان جهانی از فعالیت‌های زیرزمینی و چریکی به جنگ انقلاب اسلامی آمدند تمامی ابزار را که می‌شود برای براندازی و لاقط فشار و وادارسازی نظام به عقب‌گرد از مشی و مرام خود و استحال کردن نظام در سلطه جهانی بکار گیرند بکار بستند.

از تحصن و اعتصاب و مبارزه منفی تا آشوب و اغتشاش و ترور و جنگ مسلحانه گسترده از جنگ روانی و تبلیغاتی وسیع تا جاسوسی و شبکه‌سازی‌های مخفی و نفوذ و خرابکاری. تقریباً می‌شود گفت تمام شیوه‌های مبارزاتی و تمام ایده‌های فکری با پول‌های سرشار ابرقدرت‌ها و حمایت‌های حقوقی و رسانه‌ای و تشکیلاتی و استفاده از بستر شبکه گسترده ساواکی‌ها و عوامل رژیم گذشته و منابع کشورهای غربی در کشور علیه نظام بکار گرفته شد اما باوجود نوپایی و بی‌تجربگی دستگاه‌های امنیتی اطلاعاتی با حضور مردم در صحنه و مداخله فعال توده‌های مردم تحت عنوان اطلاعات ۳۶ میلیونی تمام این گروه‌ها شکست‌خورده و نابود شدند.

کودتاهای مکرر تحت حمایت آمریکا و انگلیس که با اشراف کامل اطلاعاتی بر ارتش و کمک نفوذی‌های باقیمانده از هواداران رژیم شاه در ارتش انجام شد. باوجود اشراف کامل اطلاعاتی سازمان‌های پشتیبانی‌کننده کودتا بر اوضاع ایران و شناخت آنان نسبت به نقاط نفوذپذیر کشور تمام کودتاها پی‌درپی شکست خورد. و هیچ تأثیری بر عزم و اراده ملت و مواضع انقلاب، رهبری و مردم نگذاشت بلکه آن‌ها را مصمم‌تر کرد.

انقلاب کبیر اسلامی باوجود اینکه ساواک و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم سابق را منحل و کمترین اتکایی به آن دستگاه‌های ظالم و شکنجه‌گر نکرد، توانست با توکل به خدا و به صحنه آمدن ملت انقلابی تمام گروه‌های تروریستی را که بدون استثنا وابسته به قدرت‌های بزرگ بودند و هر یک از سوی یکی از قدرت‌های شیطانی برای نابودی انقلاب اسلامی گسیل شده بودند و بدون استفاده از روشهای خشن سرکوبگرانه متعرض به امنیت و حقوق بی‌گناهان در چارچوب شرع و قانون و با رعایت مسائل انسانی قاطعانه شکست دهد.

### ایران در محاصره ی همه ی ابر قدرتها

به دنبال تجاوز بزرگ‌ترین ارتش جهان یعنی ارتش سرخ شوروی و اشغال افغانستان در مرزهای شرقی که ناامنی شدید مرزهای شرقی و سرازیر شدن میلیون‌ها پناهنده افغانستانی و همچنین خطر توسعه تجاوز شوروی به خاک ایران را به دنبال داشت، تجاوز عراق به ایران در مرزهای غربی با دستور و حمایت آمریکا آغاز شد. و کشور عملاً در محاصره دو ابرقدرت غرب و شرق قرار گرفت.

کشور تازه انقلاب کرده‌ای که ارتش آن تحت مدیریت بیش از چهل هزار مستشار نظامی آمریکایی اداره می‌شد و لایه بعدی مدیریت به اصطلاح ایرانی، یعنی مرکزیت و فرماندهان ارشد ارتش هم فراری شده بودند و مرکزیت جدید ارتش که پیش از آن در لایه سوم و چهارم مدیریت نیروهای مسلح قرار داشت و حتی از آمار سلاح‌ها و امکانات خود اطلاعی نداشت چه رسد به تخصص و قدرت سازمان‌دهی در سطح کلان یک ارتش به‌ویژه آنکه همین لایه ارتش هم با کودتاها بشدت تضعیف شده بود. سپاه هم تشکیلاتی بسیار نو پا غیرمسلح، آموزش ندیده و بشدت درگیر مسائل امنیتی داخل کشور بود. در چنین شرایطی کشور با بزرگ‌ترین تهاجم از دو سو مواجه شد، تهاجماتی که از سوی همه ابرقدرت‌های شرقی و غربی و اروپایی و آمریکایی و آسیایی حمایت می‌شد.

این تنها جنگ تاریخ بود که در یک طرف آن یک کشور تنهای تنها و بدون هیچ حمایت خارجی و در طرف مقابل تمام ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای بلکه تقریباً همه دولت‌های جهان قرار داشتند پیش‌ازاین هر جنگ دیگری رخ میداد یا بین قدرت‌های بزرگ بود و یا اگر یک طرف قدرت بزرگ نبود یکی از ابرقدرت‌ها او را حمایت می‌کرد یا لاقلاً سایر قدرت‌ها سکوت می‌کردند. در این جنگ تقریباً همه کشورهای مطرح جهان ایران را تحریم و دستان خود را برای کمک به صدام سخاوتمندانه باز کردند و از هیچ حمایتی از او فروگذار نکردند.

درحالی‌که ایران هر تفنگی نه بلکه هر فشنگی را از دست می‌داد به‌سادگی امکان جایگزینی آن را نداشت و می‌باید مهمات خود را جیره‌بندی می‌کرد و برای طراحی و انجام یک عملیات بزرگ نظامی باید یک سال مهمات تولید و ذخیره می‌کرد تا به قابلیت عملیات برسد. طرف مقابل هیچ نگران از دست دادن تانک و توپ و هواپیما نبود و شلیک مهمات از سوی ارتش بعثی هیچ حدودمرزی جز خسته شدن شلیک‌کنندگان نداشت. چراکه زنجیره مهمات از سوی جهان به جبهه‌های جنگ علیه ایران متصل و بلاانقطاع بود و به‌جای هر هواپیما و موشک و تانک و نفربر که ارتش بعث عراق از دست می‌داد انواع پیشرفته‌تر و به‌روزتر آن در اختیارش قرار می‌گرفت.

### **معجزه پیروزی يك ملت تنها در مقابل همه ي ابر قدرتها**

جای هیچ ابرقدرت و قدرت منطقه‌ای در جنگ علیه جمهوری اسلامی خالی نبود. آمریکا رسماً، آواکس‌ها، ماهواره‌ها شبکه‌های جاسوسی و شوروی تفنگ و توپ و خمپاره و تانک، موشک‌های ضد زره و مهمات و موشک‌های زمین به زمین را تأمین می‌کرد.

یوگسلاوی نفربر و وسایل مهندسی را، چین موشک‌های دریایی را، آلمان و آمریکا بمب‌های شیمیایی را، انگلیس تجهیزات مخابراتی و جنگ الکترونیک را، فرانسه هواپیما و موشک‌های ضد کشتی را و تمام حکام عرب منطقه پول آن را تأمین می‌کردند.

تمام این کشورها گروه‌های تروریستی و شورشگر خود را در اختیار کامل صدام گذاشتند کار به آنجا رسید که حتی اسرائیل سلاح‌های غنیمت گرفته‌شده در جنگ‌های خود با اعراب را که بیشتر سلاح‌های روسی بود و با سازمان سلاح ارتش عراق سازگار بود همه را در اختیار صدام قرارداد.

علاوه بر این آمریکا سیل مواد غذایی مجانی برای سیر نگه داشتن مردم عراق که همه صنعت و کشاورزی اش به خاطر جنگیدن تعطیل شده و صد در صد نیروی انسانی اش در خدمت جنگ قرار گرفته بود گسیل می داشت در سال پایانی جنگ غربی ها ابتدا موزیانه ارتش اتحاد شوروی را به میدان جنگ کشیدند و سعی کردند با واداشتن اتحاد شوروی به نصب پرچم های خود روی نفت کشتهای عراق و حامیانش پای ارتش اتحاد شوروی را به جنگ با ایران باز کنند ولی رزمندگان جمهوری اسلامی با شجاعت وصف ناپذیر اولین کشتی تحت پرچم شوروی را گلوله باران و نابود کردند و با این ضربت قاطع شوروی عقب کشید و عراق با شکست های مکرر در جبهه های جنگ با پشتیبانی ابر قدرتها میدان نبرد را به جنگ نفتکش ها در خلیج فارس کشیده بود در آستانه شکست کامل قرار گرفت.

### **جنگ مستقیم ایران با آمریکای پر مدعا**

وقتی که چند جوان ابهت آمریکا در خلیج فارس را شکستند!

در سال های دفاع مقدس ایران در جنگ زمینی برتر از عراق بود و نمی خواست نیروهایش را در دریا هم درگیر کند. رژیم بعثی هم که توان دریایی نداشت حرکت های محدود هوایی علیه نفتکش های ایرانی انجام میداد ایران هم فقط حملات مقابله به مثل محدودی انجام می داد و بیشتر تلاش می کرد از جزایر و نفتکش ها منتقل کننده نفت ایران حفاظت کند. واز گسترش این حملات جلوگیری نماید.

اما با وخیم شدن وضعیت عراق در جنگ زمینی بویژه پس از پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ صدام در استانه سقوط قرار گرفت و اوضاع بشدت برای غربی ها غیر قابل کنترل شد. غربیها به تکاپو افتادند از یکسو با کاهش شدید قیمت نفت سعی کردند ایران را از اصلی ترین منبع مالی خود برای اداره جنگ محروم کنند و قیمت نفت را به حدی رساندند که فقط بقدر هزینه استخراج ان بود از سوی دیگر با تجهیز رژیم بعثی به هواپیماهای فرانسوی سوپر اتاندار و موشک های ضد کشتی اگزوسه دشمن را تشویق به انهدام نفتکش های ایرانی و جلوگیری از صادرات نفت ایران کردن بطوریکه صدام اعلام کرد نخواهد گذاشت یک قطره نفت ایران صادر شود.

لذا کلید حملات بسیار گسترده نیروی هوایی صدام به پایانه نفتی ایران در خارک و نفتکش های ایرانی در دریا زده شد، در مقابل رزمندگان اسلام هم به دریا سرازیر شدند و در مقابل حملات ارتش بعث مقابله به مثل دریایی را نسبت به نفتکش های حامل نفت عراق و متحدانش آغاز کردند.

وقتی کار بالا گرفت احساس خطر مستکبران از غلبه جمهوری اسلامی در جنگ که میتوانست برای آزادیخواهان جهان بسیار الهام بخش و برای آنان چالش برانگیز باشد آنها را به واکنش جدی تر واداشت، همزمان شوروی و آمریکا اعلام کردند به خلیج فارس می آیند و آمدند تا مستقیماً حفاظت از نفتکشهای صدام و متحدانش را برعهده گیرند و با قطع صادرات نفت ایران و برقراری امنیت مسیر نفتکشهای حامل نفت دیگر کشورهای خلیج فارس جنگ نفتکشهای را یکطرفه بنفع صدام به پایان برند

ابتدا شوروی پرچم خود را روی نفتکش کویتی نصب کرد . در حالیکه این نفتکش در حال عبور از خلیج فارس بود آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران، گفت: «شوروی نباید منافعی را به خطر بیندازد و در خلیج فارس حضور پیدا کند». بعدازظهر همان روز رزمندگان نیروی دریایی سپاه به اولین کشتی نفتکش کویتی تحت پرچم شوروی حمله کردند همه غافلگیر شدند، با این حمله شوروی عقب کشید .

یک کشتی با هویت دو ابر قدرت

دولت کویت در ۱/۱۰/۶۵ رسماً از سفارت آمریکا خواست که کشتی های کویتی را پرچم گذاری کند و تحت حمایت خودش بگیرد. آمریکایی ها هم به پیشنهاد کویت پاسخ مثبت دادند. در تاریخ ۱۳/۱/۶۶ ، کویت قرارداد رسمی پرچم گذاری را با آمریکا امضا کرد و در یک اقدام عجیب و غریب نفتکش هایی را که قرار بود پرچم آمریکا روی آن بخورد از ابر قدرت رقیب او یعنی از شوروی اجاره کرده. در یک ماجرای عجیب و بی نظیر یک ابرقدرت در حالیکه در جنگ سرد با ابرقدرت دیگر و بشدت با اودر تضاد بود نفتکش متعلق به حریف خود را تحت پرچم خود می گرفت و اسکورت می کرد تا نفت کویت به مقصد برسد. کویتی ها مطمئن بودند که ایران همزمان با دو ابر قدرت درگیر نخواهد شد.

در این اثنا در ۲۷ اردیبهشت حادثه ای دیگر در خلیج فارس مساله ی نفت کش به آتش کشیده شده شوروی را از یادها برد و عمق هم پیمانی آمریکا و صدام را به نمایش گذاشت . ۲۴ ساعت پس از حادثه ای که برای کشتی روسها اتفاق افتاد هواپیمای عراقی ناو آمریکا را هدف گرفت. جنگنده ی عراقی ناو جنگی یواس استارک آمریکا را ( که برای بررسی مسیر اسکورت نفت کش ها به خلیج فارس آمده بود ) با موشک اگزوسه فرانسوی زد و ۳۷ آمریکایی را کشت. این حادثه حقیقتاً تجسم امدادهای غیبی برای اسلام بود. عراق رسماً از آمریکایی ها عذر خواهی کرد و گفت حمله اشتباه انجام شده است و عراق حاضر است غرامت بدهد. آنچه مهم بود اینکه دولت آمریکا که کشورهای دیگر را بخاطر

سوء ظن به دست داشتن در حمله به نیروهایش بدون هیچ مدرک و دلیل وادار به پرداخت غرامت میکند و اگر مثل ایران تمکین نکنند غرامت ادعایی را از حسابهای بین المللی شان میدزدد بدون چون چرا بلافاصله عذرخواهی عراق را پذیرفت و به ماجرا پایان داد .

هر دو اتفاق به نفع ایران بود و مخالفتها در دو کشور آمریکا و شوروی اوج گرفت. شوروی ها از ادامه حضور نظامی در خلیج فارس انصراف دادند، اما آمریکاییها با وجود مخالفتهای داخلی بسیار، تصمیم به اسکورت نفتکشهای کویتی گرفتند.

### ماجرای کشتی بریجستون

۲۹ تیر ۱۳۶۶ پرچم آمریکا بر روی اولین نفت کش کویتی نصب شد. همین روز شورای امنیت سازمان ملل قطع نامه ۵۹۸ را به اتفاق آرا تصویب کرد. اولین ناوگان اسکورت آمریکا در ۲۲ ماه جولای ۱۹۸۷ به حرکت درآمد. چهار کشتی جنگی در این ناوگان بود که یکی از آنها یک رزم ناو مجهز به موشک های هدایت شونده بود. کشتی های پرچم گذاری شده ی سوپر نفت کش ۴۱۴۲۶۶ تنی بریجستون و نفت کش ۴۸۲۳۳ تنی گاز پرنس بود. ساعت ۷:۳۰ چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۶ اولین کاروان اسکورت نفتکشها با فرمان رئیس جمهوری آمریکا و با ابلاغ مقامات پنتاگون، عملیات خود را با هدف تاکتیکی اسکورت دو فروند کشتی کویتی در مسیری ۶۰۰ مایلی آغاز کردند .

آمریکا قبل از آغاز اسکورت نفتکشها از عراق درخواست کرد که موقتا از حمله علیه نفتکشها در خلیج فارس خودداری نماید. در اولین مرحله از اسکورت نفتکشها، دو نفتکش با پرچم آمریکا به نامهای «بریجستون» و «گاز پرنس» هر کدام با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن (با ۵/۲ میلیون بشکه نفت) و تحت حمایت سه ناو جنگی آمریکا به نامهای «ناوشکن کید»، «رزمناو فوکس» و «کشتی موشک انداز کروملین» حرکت خود را از مبدا ۱۳ مایلی سواحل امارات متحده عربی به مقصد کویت آغاز کردند. سرعت کاروان به طور تقریبی ۱۳ گره دریایی در ساعت و بر اساس حداکثر سرعت تقریبی نفتکش بریجستون تنظیم شده بود.

آمریکاییها به منظور پوشش تبلیغاتی عملیات اسکورت ۱۰ تن از خبرنگاران را با تأیید پنتاگون از یک مجموعه چند صد نفری خبرنگاران انتخاب و تحت عنوان نمایندگان ائتلاف مراکز خبری، در ناوهای جنگی اسکورت کننده و نفتکش مستقر کردند. و این خبرنگاران با کنترل پنتاگون گزارش پیشروی ناوگروه جنگی آمریکا و کشتیهای تحت اسکورت آنها

را لحظه به لحظه به جهان مخابره میکردند و افکار عمومی را برای شنیدن خبر مهیج پیروزی آمریکا در جنگ نفتکش ها علیه ایران آماده می نمودند.

در حالی که هنوز کاروان نفتکشها به مقصد نرسیده بودند، «آنتونی کرزمن»، یکی از مقامات سابق وزارت دفاع آمریکا با اشاره به محدودیت ابزار و وسایل ایران برای جنگ دریایی اعلام کرد:

«به نظر نمی رسد مسئله ای پیش آید، مگر اینکه ایران علاقه مند به پذیرش خطر باشد و این مسئله نیز در حال حاضر چندان بخردانه به نظر نمی آید... در این ماجرا ایران قدرتی است که در برابر نیروی دریایی آمریکا آسیب پذیر است.»

در وضعیتی که کلیه رسانه ها برای پوشش خبری اسکورت نفتکشها بسیج شده بودند و کاروان نفتکشها همراه با ناوهای جنگی آمریکا در ۷۲ کیلومتری جنوب شرقی کویت قرار داشتند، در جبهه ی ایران رزمندگان با کم ترین امکانات آماده ی رویارویی با آمریکا بودند. سحر ۳ مرداد (۲۴ جولای) در تاریکی شب چند جوان به فرماندهی پاسدار غیور اسلام شهید نادر مهدوی در مسیر کاروان مین ریختند و شش و نیم صبح نفت کش بریجتون، اولین کشتی کاروان از میان یازده نفت کش پرچم گذاری شده که نفت خام حمل می کرد، به مین خورد. کاروان آمریکایی که نفت کویت و نفت کش روسی را اسکورت می کرد آشفته شد و ایرانی ها جشن شکست ابهت آمریکا را گرفتند و این موضوع پیروزی تبلیغاتی بزرگی برای ایران بود.

نفتکش بریجتون ناگهان با مین برخورد کرد. بنابرگزارشها، شدت انفجار به گونه ای بود که برخی از خبرنگاران و ملوانان از روی عرشه به دریا پرتاب شدند و کاروان از سرعت خودکاست.

با توجه به پوشش وسیع خبری اولین مرحله اسکورت نفتکشها، جنگ روانی که آمریکاییها در این زمینه به راه انداخته بودند بشدت به ضرر خودشان تمام شد ، وبازتاب این حادثه در رسانه ها را بسیار گسترده و غیر قابل کنترل کرد ابهت امریکا در جهان شکسته شد . در حالی که تا پیش از این، امکانات و تواناییهای دفاعی آمریکا برای مقابله با هر حادثه ممکن و قدرت کنترل اوضاع مورد تأکید قرار میگرفت، ناگهان نقش ایران در کار گذاشتن مین، وضعیت دشوار کشتیها و محدودیت آنها برای عبور از آبراهها با توجه به عمق کم آن مورد توجه قرار گرفت. رادیو لندن به نقل از کارشناسان امور کشتیرانی گفت:



«اصابت با مین بزرگترین خطری است که نیروی دریایی آمریکا را در آن آبها تهدید می کند، چرا که عملیات مین یابی بسیار دشوار و طرح ریزی یک واکنش نظامی با آن تقریباً غیر ممکن است.»

همچنین در زمانی که مسئولان کویتی کاملاً نسبت به اسکورت نفتکشها خرسند و در انتظار رسیدن آنها به مقصد بودند، برخورد کشتی نفتکش به مین، آنها را در بهت و حیرت فرو برد و ضعف و ناتوانی آمریکا برای مقابله با مین ها برای آمریکا «شرم آور» خوانده شد و ضعف آمریکا در دفاع از حامیانش بر ملا شد.

سفیر آمریکا در کویت بلافاصله ایران را مسئول انفجار مین دانست و در عین حال تأکید کرد که این اقدام منجر به لغو تلاشهای آمریکا در کویت شده است. سخنگوی کاخ سفید در جمع خبرنگاران اعلام کرد: «مشخص کردن عامل این حادثه مشکل است.» همچنین بر این نکته تأکید کرد که در حال حاضر اقدام تلافی جویانه از سوی آمریکا تحت بررسی نیست. مقامات پنتاگون در توجیه این حادثه اعلام کردند:

"بیش از ۹ دیده بان مستقر در عرشه ناوگان آمریکایی که نیم مایل جلوتر از بریجتون حرکت می کرد، نتوانستند مین را تشخیص دهند. چون این مینها در عمق آب کار گذاشته می شوند."

بدین ترتیب، آمریکاییها تنها بر خلاف تصورات خود در اولین گام به منظور حضور مقتدرانه در منطقه خلیج فارس با شکست روبه رو شدند. در واقع، نه تنها اعتبار و ابهت قدرت نظامی آمریکا درهم شکست ، بلکه حضور نظامی آمریکا نیز بدان مفهوم که آمریکا دنبال می کرد فاقد تأثیر تعیین کننده در تأمین آزادی کشتیرانی در منطقه خلیج فارس شد.





آنتونی کردزمن معتقد است، «جنگ نفت کش ها بیش از آنکه تهدیدی برای کشتی رانی در خلیج فارس باشد، آزمایش نظامی و سیاسی اراده ها بود.» ایرانی ها جنگ اراده ها را با تکیه به چند جوان بسیجی برده بودند. و بدین سان اولین کاروان اسکورت با تاخیر زیاد و شکست خورده به مقصد رسید.

## نبرد مستقیم با شیطان

پیروزی قاطع ایران در عملیات کربلای ۵ و سپس جنگ ابهت در خلیج فارس نه تنها کفه ی ایران در معادلات جهانی را بسرعت سنگین کرد و توازن قوا در جنگ با رژیم بعث را بنفع ایران بشدت برهم زد بلکه منطقه را آماده ی یک تحول انقلابی بزرگ نمود.

و وقتی کار بجای باریک کشید و دیگر صدام توانایی اداره ی صحنه را نداشت ارتش آمریکا خود مستقیماً در خلیج فارس علیه ایران وارد عمل شد و ناوگان دریایی و هوایی آمریکا با کمک ناوگان سایر کشورهای غربی رسماً وارد جنگ با ایران شدند. درحالی که ایران مظلوم حتی برای سیم خاردار تحریم بود دست تنها و دست خالی هم باید اقتصاد و غذا و پیشرفت کشور را تأمین می کرد و هم در این جبهه کاملاً یک طرفه می جنگید. نیروهای نظامی چند ملیتی به فرماندهی آمریکا هم وارد عمل شدند. کسانیکه ایران را از جنگ با آمریکا می ترسانند یادشان رفته است که ما یکبار با ناوگان آمریکا در خلیج فارس در جنگ نفتکش ها جنگیده ایم و غلبه این جنگ با رزمندگان جمهوری اسلامی بود. جنگی کاملاً یکطرفه و غریبانه.

در یک طرف ایران، با کوچک‌ترین اتهام دروغ در رسانه‌ها و مجامع بین‌المللی به سؤال کشیده می‌شد و متهم به نقض قوانین بین‌المللی می‌گشت و در طرف دیگر دشمن با دست‌ان باز اجازه داشت بمب‌های شیمیایی شلیک کند، حتی مردم شهرهای ایران و عراق را بمباران شیمیایی کند و صدام اجازه داشت با قتل‌عام مردم شهرها و قصابات عراق که از حمایت او در جنگ سرباز می‌زدند گورستان‌های جمعی بزرگ درست کند و تحت حمایت دائم سازمان‌های بین‌المللی و شورای به‌اصطلاح امنیت سازمان ملل زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های خود را از مردم عراق که از جنگیدن با ایران سرباز می‌زدند پر کند.

بدون شک این قطعه تاریخ درخشان‌ترین برگ تاریخ ایران‌زمین و از برجسته‌ترین قطعات تاریخ بشریت است. یک ملت به‌تنهایی در مقابل همه‌ابرقدرت‌ها و تقریباً همه‌دولت‌های عالم می‌ایستد. درحالی‌که دفاع در مقابل تهاجم رژیم کافر بعث عراق در مرزهای غربی استمرار دارد هم‌زمان با حضور مستشاری و پشتیبانی مادی و معنوی از مجاهدان افغانستان عملاً وارد جنگ با ارتش سرخ شوروی می‌شود و پایبندی خود به شعار نه شرقی نه غربی را در اوج خود نشان می‌دهد. تاریخ بشریت تاکنون چنین حماسه‌ای را به خود ندیده است. بله درست می‌خوانید. ادعا هم نیست واقعیتی انکارناپذیر است رویارویی یک کشور تنهای تنها در مقابل کل ابرقدرت‌های زمان خود و خروج عزتمند از این معرکه هیچ نظیری در تاریخ بشریت ندارد.

درحالی‌که آمریکای متجاوز نیز ناوگان خود را در حمایت از صدام به جنگ ایران آورده و نه فقط سکوهای نفتی و کشتی‌های جنگی بلکه حتی از کشتن بی‌گناهان در هواپیمای غیرنظامی ابایی نداشت جمهوری اسلامی ایران با سربلندی و عزت و پیروزی و محکوم‌سازی دشمن متجاوز در همان مجامع بین‌المللی که آلت دست قدرت‌های شیطانی بودند از این جنگ خارج می‌شد این‌یک معجزه بزرگ تاریخ است که از غرق فرعون در دریا مهم‌تر نباشد کمتر نیست.

### **رگبار توطئه‌ها**

و معجزه بزرگ‌تر اینکه هم‌زمان با این جنگ نابرابر یک کشور مقابل همه‌ی قدرت‌های جهان توطئه‌های عظیم و کمرشکن برای براندازی نظام نیز توسط قدرت‌های شیطانی اجرا و خنثی‌شد توطئه‌های فراوانی که موارد مقطعی و موضعی آن واقعاً قابل شمارش نیست و وقتی از توطئه‌های قدرت‌های شیطانی علیه جمهوری اسلامی نام می‌بریم تنها

می توانیم مقدار کمی از توطئه های دامنه دار و مستمر را نام ببریم بعضی از این توطئه ها عبارتند از: ۱- کودتاهای مکرر، ۲- ترورهای گروهک فرقان، ۳- غائله و آشوبها برای انحلال ارتش، ۴- تجاوز نظامی آمریکا به ایران که در طبرستان خنثی شد، ۵- بلوکه کردن اموال ایران، ۶- بلوکه کردن تسلیحات ایران، ۷- غائله تجزیه طلبانه کردستان، ۸- غائله تجزیه طلبانه بلوچستان، ۹- غائله تجزیه طلبانه ترکمن صحرا، ۱۰- تحریم همه انتخابات و رفراندوم ها توسط کشورهای غربی و احزاب و گروههای ایدئولوژیکی داخلی شان ۱۱- تصویب هر ساله بودجه های کلان در کنگره آمریکا برای خرابکاری در ایران و ایجاد شبکه های جنگ روانی ۱۲- غائله تجزیه طلبانه خلق عرب و ناامن سازی خوزستان و ۱۳- غائله تجزیه طلبانه خلق مسلمان و ناامن سازی آذربایجان و ۱۴- فتنه بنی صدر ۱۵- موج ترورهای منافقین و سایر گروهها همزمان با تهران و سراسر کشور که بیش از ۱۷ هزار شهید بر جای گذاشت ۱۶- جنگ نفت کشها و سکوهای نفتی، ۱۷- جنگ امنیت پرواز و هواپیمارباییهای زنجیره ای و پی در پی، ۱۸- راه اندازی شورای همکاری خلیج فارس و ادعای مداوم ارضی علیه ج.ا.ا. ۱۹- راه اندازی جنگ شهرها و موشک باران و بمباران شهرهای مسکونی و توطئه هایی که در طول و به موازات جنگ ادامه پیدا کرد و پس از جنگ هم ادامه پیدا کرد ۲۰- حمله مرصاد و منافقین، ۲۱- خمپاره اندازیهای زنجیره ای به مراکز مهم در شهرها به ویژه تهران، ۲۲- راه اندازی گروه طالبان و ناامن سازی شرق کشور، ۲۳- راه اندازی پژاک به منظور و احیاء ناامنی غرب کشور ۲۴- فتنه وهابیت در خوزستان ۲۵- راه اندازی قتل های زنجیره ای، ۲۶- توطئه ایجاد و بحران هسته ای، ۲۷- ترور دانشمندان هسته ای ۲۸- تحریم پی در پی بانکی و ارزی ایران ۲۹- سازمان دهی گسترده قاچاق کالا و ۳۰- دمپینگ مخرب برای نابودسازی تولید داخل، ۳۱- تحریم علمی و فناوری ۳۲- دستبردهای مکرر به اموال ایران به بهانه های مختلف ۳۳- پرونده سازی و بحران سیاسی آهیا ۳۴- پرونده سازی میکونوس و بحران سازی سیاسی ۳۵- صدور قطعنامه های مکرر سازمانهای بین المللی ۳۶- اشغال افغانستان توسط آمریکا و ده برابر کردن تولید مواد مخدر و پمپاژ بسیار ارزان قیمت آن در ایران ۳۷- احداث کارخانجات مشروبات الکلی در چند کشور اطراف ایران و پمپاژ مجانی مشروبات الکلی به داخل کشور ۳۸- راه اندازی دیوانه وار صدها رسانه و شبکه رادیو تلویزیونی و هزاران سایت و شبکه اجتماعی و تبلیغ و شایعه پراکنی و شبه افکنی شبانه روز علیه نظام اسلامی ۳۹- راه اندازی شبکه نفوذ در هنرمندان با ایجاد محافل سفارتخانه ای برای خریدن عناصر هنری

و حمایت و جایزه دادن به هنرمندان ضدانقلاب و بزرگنمایی آنها در سطح بین‌الملل ۴۰- ترجمه انبوه آثار فاسد مکتوب و پمپاژ ارزان قیمت آن در بازار کتاب کشور ۴۱- راه‌اندازی داعش و اشغالگران سوریه و عراق رسیدن تا مرزهای ایران برای ناامن سازی، ۴۲- فتنه و آشوب های گسترده سال ۷۸، ۴۳- راه‌اندازی و اداره روزنامه های زنجیره ای ، ۴۴- فتنه و آشوب های گسترده سال ۸۸ و کودتای رنگی، ۴۵- آموزش سازمان‌دهی و راه‌اندازی مجدد گروه‌های تروریستی در مرزهای شرقی و غربی کشور منجر به ده‌ها فقره قتل بی‌گناهان توسط تروریست‌ها، ۴۶- فتنه و آشوب های سازمان یافته گسترده در سال ۹۶ ۴۷- ترویج گردشگری ارزانقیمت به فاسدترین شهرهای دنیا با یارانه سازمانهای جاسوسی ۴۸- راه‌اندازی فرقه های عجیب و غریب و دین های ساختگی ۴۹- راه‌اندازی تعداد زیادی شبکه های جاسوسی و خرابکاری تحت عنوان سمن های مختلف (محیط زیست، زنان، خیریه و...) ۵۰- نفوذ در بالاترین سطوح کشور و تلاش برای تحریف و انحراف انقلاب و آلوده سازی و ریزش کادرهای کشور که تنها فهرست و شرح مختصر در مورد توطئه هایی که نام‌برده شد و توطئه‌های فراوان دیگری که گفته نشد کتاب یا کتاب‌های قطور خواهد شد توطئه‌هایی که هر کدام به تنهایی برای نابودی یک نظام کافیست.

## اوج ترور

وقتی راجع به توطئه امواج ترور صحبت می‌کنیم یعنی دوره‌ای که بسیاری از روزها فقط در تهران تا ۴۰ شهید داشتیم روزهایی که ناگهان فرمانده پلیس کشور، سران قوا چون رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس قوه قضاییه دادستان کل کشور، ۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی و ... از دست دادیم.

روزهایی گذشت که وقتی بالباس خاکی رزم از منطقه به تهران می‌آمدیم و برای کاری به ستاد مرکزی سپاه مراجعه می‌کردیم با شماتت دست جمعی مسئولین و کارکنان ستاد مرکزی مواجه می‌شدیم که می‌گفتند به چه جرأتی با این لباس در خیابان‌های تهران حرکت کرده‌ای؟ با پوشیدن این لباس در تهران خلاف شرع کرده‌ای چون جانت درخطر است. پاسدارانی که برای شناخته نشدن همه ریش‌ها را با پایین‌ترین نمره کوتاه کرده بودند و حق هم با آنها بود چون از بقال و سبزی‌فروش تا دستفروش و یخ فروش به جرم داشتن ریش بلند، یا نصب عکس امام (ره) در مغازه یا به اتهام فعال مسجدی بودن ترور می‌شدند. گروهکها ظرف یکی دو سال ۱۷ هزار نفر از مردم را به شهادت رساندند.

تنها یکی از گروههای تروریستی منافقین بود که ۱۲ هزار نفر را به شهادت رسانده کشتاری در نهایت قساوت صدها نفر بقال و سبزی فروش و بیخ فروش، صدها رزمنده بی گناه به دست منافقین شهید شدند. قساوت مجاهدین خلق به حدی بود که در ماه رمضان تحت پوشش تقدیم آش نذری در لحظات افطار زنگ خانه حزب اللهی را می زدند وقتی صاحبخانه درب خانه را باز می کرد وارد می شدند و نارنجک خود را وسط سفره افطار می انداختند و آنجا را به رگبار می بستند، منافقینی که در بندرعباس کانکس محل اقامت جوان عضو جهاد سازندگی را به آتش کشیدند و جهادگر بی گناه را به همراه همسر و نوزاد شش ماهه و کودک ۳-۲ ساله اش را زنده زنده در آتش سوزاندند. منافقینی که ۳ پاسدار جوان به تصور اطلاعاتی بودن آنها در تهران به گرگان رفتند و زیر شکنجه هایی شدیدتر از شکنجه های ساواک آن سه را شهید کردند آنگونه که کسی طاقت دیدن پیکر آنها را نداشت سازمانی ضد بشری که اساتید اخلاق ۹۰ ساله چون شهید آیت الله دستغیب و شهید آیت الله اشرفی و شهید آیت الله مدنی و ... را از مردم ما گرفتند و مادر که به ورود مسلحانه آنان به منزلش اعتراض کرده بود جلوی چشم چهار فرزندش به شهادت رساندند. گروهکهای دیگر همماهیتی بهتر از اینها نداشتند گروههای تجزیه طلب کردستانی که دختر ۱۶ ساله را با اتهام خبر رسانی به اطلاعات زنده به گور کردند روحانی مخلص اهل سنت را در سنندج بعد از کشتن با ریختن قرآنها و کتابهای مذهبی و انداختن پیکر او و ریختن بنزین او را در میان قرآنهاش سوزاندند ای کاش می شد همه ی این صحنه ها را برای نسلی که امروز امنیت و آرامش و عزت را به ارث برده اند به تصویر کشید تا بدانند برای رسیدن به عزت و آرامش چه خونها و خون دلهایی تقدیم شده.

## فتنه ۸۸

وقتی می گوئیم فتنه ۸۸ یک کلمه بیشتر نیست اما این یک کلمه یعنی وقتی مردم ایران چشم باز کردند و دیدند اکثر شخصیت های مورد احترام و مورد اعتماد آنها شامل دو رئیس دولت، سه رئیس جمهور، مسئولان سابق عالی قضائی چندین تن از کسانیکه پیش از آن نمایندگی ولی فقیه را داشتند مردم را به شورش غیرقانونی دعوت می کنند و تمامی رسانه های جهان هم حق را به آنها می دهند. سران کشورهای مختلف در دفاع از این شورش پی در پی پیام می دهند و نظام را به کشتار مردم و تقلب و خوردن حق ملت متهم می کنند و فرزندان شخصیت دوم کشور با دسته های چک پول ارادل و اوباش را به زدو خورد خیابانی با نیروهای امنیتی می کشند و حتی پس از ۸ ماه آشوب و آتش بازی خیابانی و بعد از اعلام و انزجار عمومی از این حرکتها در ۹ دی ۸۸ کماکان به فتنه گری و متهم سازی و دعوت آشوب خیابانی

تا بهمن ۸۹ ادامه می‌دهند. و وقتی بجای مجازات اعدام تنها دو نفر از سران این خیانت محترمانه حصر خانگی می‌شوند و تا امروز این جنایتکاران ژست مظلومیت می‌گیرند و روزی نیست که نظام مظلوم اسلامی که در حق اینها گذشت کرده و با نرمش برخورد کرده است بخاطر محدود سازی آنها تخطئه نشود و درخواست رفع حصر این مفسدین تیتتر صفحات اول روزنامه هاشان نشود.

## جنگ رسانه ای

وقتی می‌گوییم صدها رسانه ضدانقلابی یعنی آتش سنگین توپخانه روانی که شب روز حجم گسترده شایعات، شبهات و حيله‌ها را بر سر ملت می‌بارد و هرکدام از عنوان‌هایی که یک واژه بیشتر نیستند برای خود در حدی است که به راحتی شرایط سقوط یک کشور را فراهم می‌کند.

برای اینکه بزرگی این توطئه روشن شود یک مقایسه ساده می‌تواند خیلی روشنگر باشد. در مورد جنگ سرد مطالب زیادی خوانده و شنیده اید اگر کتابها و اسنادی که در مورد جنگ سرد میان آمریکا و شوروی نوشته شده است را گرد آورند شاید یک سالن بزرگ را پر کند تمامی ابزار رسانه ای آمریکا در این جنگ سرد فقط و فقط یک شبکه رادیویی بنام رادیو آزادی بود که پیامهای جهان سرمایه داری را به زبان روسی به داخل شوروی می‌فرستاد و همین یک رادیو توانست کار خودش را بکند و نتیجه جنگ سرد هم چیزی جز فرو پاشی شوروی نبود در حالیکه الان فقط ۸۰ شبکه رادیویی و بیشتر از ۲۷۵ شبکه تلویزیونی و هزاران شبکه اجتماعی مجازی تحت حمایت آمریکا، انگلیس و متحدانشان شبانه روز در حال تولید و انتشار پیام علیه انقلاب اسلامی و ارزش های آن به زبان فارسی و گویش های محلی ایران هستند.

چرا راه دور برویم امروز مهمترین رقیب آمریکا در دنیا چین است و چه در مسایل اقتصادی و چه سیاسی و چه تسلیحاتی رقابتی بسیار جدی بین آن دو برقرار است بطوریکه خودشان نام آنرا جنگ تجاری و بحران منطقه ای نام گذاشته اند. حال بررسی کنید رسانه های ضد چینی به زبان چینی تحت حمایت آمریکا چند تا هستند شاید از انگلستان دست تجاوز نکند ولی آمار حیرت انگیز رسانه های ضد ایرانی فارسی و محلی زبان تحت حمایت آمریکا اهمیت موضوع و عمق توطئه علیه انقلاب اسلامی را می‌رساند.

از مهمترین تجارب این جنگ رسانه ای و عملیات روانی دشمن علیه ملت ایران و تجربه چهارم انقلاب این است که هر کس برای پیشبرد اهداف انقلاب و خدمت به مردم موثرتر است، بیشتر مورد هجوم و تخریب دشمنان واقع می شود این مسأله به قدری در انقلاب تجربه شده که امروز یک تجربه عمومی و نه فقط تجربه نخبگانی محسوب می شود. بر اساس همین قاعده از آغاز انقلاب تاکنون چه در زمان امام راحل (ره) و چه در دوره امام خامنه ای عزیز تمرکز اصلی تهاجم رسانه ای و شایعات دشمن روی رهبری بوده است و حجم وسیع خرافات و دروغ سازی ها و شایعات تضعیف کننده همیشه علیه رهبری جریان داشته و دارد، شایعاتی که از بن و پایه خلاف است و هیچ مبنایی ندارد و با گسترده ترین مواضع و پرتکرارترین اتهامات علیه اصل ولایت فقیه منتشر می شود چرا که موثرترین اصل در حفظ و استمرار نظام اسلامی است. شهید بهشتی نماد درک این واقعیت است از آنجا که او در دوران خود موثرترین عنصر خدمتگزار به مردم و پیش برنده انقلاب اسلامی بود آنقدر سم پاشی و جوسازی علیه او شد که امام (ره) در رثای شهادت او فرمودند: «اشخاصی (که ۷ تیر شهید شدند) بودند که آنقدری که من می شناسم از ابرار بودند. از اشخاص متعهد بودند که در رأس آنها مرحوم شهید بهشتی است ایشان را من بیست سال بیشتر می شناختم. مراتب فضل ایشان و مراتب تفکر ایشان و مراتب تعهد ایشان بر من معلوم بود و آنچه که من راجع به ایشان متأثر هستم شهادت ایشان مقابل او ناچیز است و آن مظلومیت ایشان در این کشور بود».

امام خمینی (ره) در همین بیان فرمودند: «مخالفین انقلاب افرادی را که بیشتر متعهدند و موثرتر در انقلابند بیشتر مورد هدف قرار داده اند».

سپس در مورد شهید بهشتی فرمودند: «ایشان مورد هدف اجانب و وابستگان آن در طول زندگی بود. تهمت ها، تهمت های ناگوار به ایشان می زدند. از آقای بهشتی می خواستند اینها موجود ستمکار و دیکتاتور معرفی کنند در صورتی که من بیش از بیست سال ایشان را می شناختم و خلاف آنچه این بی انصاف ها در سرتاسر کشور تبلیغ می کردند و مرگ بر بهشتی گفتند، من او را یک فرد متعهد، مجتهد، متدین، علاقمند به ملت، علاقمند به اسلام و به درد بخور برای جامعه خودمان می دانستم.»

شهید لاجوردی از اینگونه افراد است که با وجود رأفت فوق العاده و محبت و تواضع شاید در حد افراطی و خطرناک نسبت به زندانیان که واقعیت زندگی او بود چهره ای خشن و ضدانسانی معرفی شده بود و رسانه های دشمن غیظ



شدیدی نسبت به او روا می داشتند تا جایی که امام خامنه ای عزیز در ۲۶ فروردین ۱۳۷۹ در خطبه های نماز جمعه با ناراحتی عمیق فرمودند: «من این درد درونی خودم را فراموش نمی کنم که در یک سال و نیم پیش وقتی شهید عالی مقام و سید عزیز و بزرگوار شهید لاجوردی به شهادت رسید کسی که چهره بسیار درخشانی بود و بسیار کسان از مبارزات او در دوره اختناق خبر دارند که این مرد چه کرد و کجا بود و چگونه زندگی کرد چه زندان هایی کشید چه زحمت هایی متحمل شد بعد از انقلاب نیز بی تظاهرترین کارها را که سخت ترین هم بود بر دوش گرفت و آخر هم شهید شد یکی از روزنامه های آلمان نوشت ترور لاجوردی ترور نیست. یعنی آنها عنوان ترور را هم عوض کردند، چرا؟ چون به وسیله ناراضیان داخلی صورت گرفته است تبلیغات رسانه های دنیا این است. امپراتوری استکباری خبری مسلط بر افکار عمومی دنیا این است.»

نمونه دیگر شهید چمران (ره) است که رسانه های بیگانگان او را سرکوبگر فلسطینیان می نامیدند و منافقین با دیوارنویسی های گسترده و تظاهرات او را جلاد فلسطینیان در تل زعتر خطاب و علیه چمران شعار "مرگ بر جلاد تل زعتر" می دادند. در حالی که او امدادرسان فلسطینیان در معرکه و جنگ میان آنان و مسیحیان در لبنان بود. چرا این شایعات و دروغ ها تکرار می شد و به صورت شعار درمی آمد چون او موثرترین ها بود چه در معرکه پاره، چه در جنگ سوسنگرد و حفظ جنوب کشور وسط معرکه بود.

این قاعده تا امروز ادامه دارد سنگین ترین هجوم های رسانه های بیگانه و گروه های ضدانقلاب به شورای نگهبان است و به آیت الله جنتی است چرا؟ چون او از موثرترینها در جلوگیری از استحاله نظام است.

شما ببینید در چند سال اخیر چه جنجال رسانه ای علیه سپاه به راه افتاده است و کار به جایی رسیده که کنگره آمریکا رسماً علیه سپاه قانون تصویب می کند. چرا؟ آیا آنطور که رسانه های غربی مطرح می کنند دل غربی ها به حال اقتصاد ایران سوخته است که مرتباً می گویند چرا سپاه در اقتصاد دخالت می کند و عرصه را بر بخش خصوصی ایران تنگ می کند یا شایع می کنند که بخش اعظم اقتصاد دست سپاه است و طوری القا می کنند که گویی علت ناکامی دولت در اقتصاد را نه دلبستگی دولت به خارج و نه کارشکنی ها و تحریم های خودشان بلکه دخالت سپاه در اقتصاد است یا سپاه را به فساد مالی متهم می کنند چرا؟ آیا واقعاً دلشان بحال اقتصاد ایران و بخش خصوصی ایران

سوخته است؟ آیا دلشان بحال اقتصاد دولت سوخته است؟ آیا از وجود فساد مالی در ایران نگران هستند؟ هر عاقلی می تواند فریب و تزویر آمریکا را در این مسأله بفهمد.

آمریکایی که با همه قوا علیه اقتصاد ایران تحریم بقول خودش فلج کننده وضع می کند هر راهی برای تخریب اقتصاد ایران استفاده می کند آیا دلسوزی اش در این زمینه باور کردنی است؟

اولاً کل تعاونی های نیروهای مسلح و همه ی نهادهای اقتصادی در حوزه ی رهبری مانند بنیاد مستضعفان و ستاد اجرای فرمان امام (ره) همه روی هم حتی به سه درصد ۳% اقتصاد ایران بله سه درصد را هم در اختیار ندارند تا بتوانند بخش خصوصی را با اقتصاد دولتی را گرفتار کنند ثانیاً بخش اعظم مداخلات آنها در کارهای عمرانی با اصرار و درخواست دولت برای انجام کارهای زمین مانده است. ثالثاً اگر در این میان فسادی اتفاق بیفتد که خود آمریکایی ها همیشه حامی مفسدان اقتصادی ایران بوده و هستند پناهگاه اصلی مفسدان اقتصادی ایران آمریکا و کانادا و دبی است. اگر مفسدان اقتصادی نیروهای اصیل انقلاب بودند باید به لبنان و عراق می گریختند نه آمریکا و کانادا مسأله نه فساد است نه بخش خصوصی نه دلسوزی برای مداخله سپاه در اقتصاد دولت پس مسأله چیست؟

مسأله اینست که مهندسان ورزیده سپاه با بهره گیری از تجارب دوران دفاع مقدس بزرگترین پروژه هایی را که تصور نمی شد بدون کمک گرفتن از خارجی ها بشود ساخت را می سازند و ایران را از در یوزگی نزد پیمانکاران خارجی نجات داده اند بلکه مسأله فراتر از اینهاست جوسازیهای سنگین علیه سپاه از آنجاست که آمریکا از هر راهی خواسته انقلاب اسلامی را درهم بشکند سپاه را مقابل خود مقتدرانه ایستاده است.

تروریست هایی را آمریکا، ناتو و متحدان آمریکا در مرزهای شرقی و غربی کشور جذب می کنند آموزش میدهند، سازماندهی و تجهیز می کنند غالباً در همان نقطه صفر مرزی توسط نیروی زمینی سپاه قلع و قمع می شوند. از هوا پهپاد می فرستند در تور نیروی هوایی سپاه می افتد، در منطقه داعش و تکفیری کشتار مسلمانان را راه می اندازند و نیروی قدس سپاه بساط آنها را جمع می کند و شکستشان می دهد. جاسوس در ریاست جمهوری نفوذ می دهند اطلاعات سپاه آنها را دستگیر می کند با فشارهای اقتصادی می خواهند محرومان را مأیوس و علیه نظام بشورانند بسیج سازندگی و گروههای جهادی با خدمت عاشقانه پیوندهای مردم با نظام را حفظ می کنند.

تهاجم فرهنگی راه می اندازند بسیجیان با انبوه یادواره ها و کنگره ها و راهیان نور و جشنواره های هنری و فرهنگی و ... تهاجمات را خنثی می کنند خب چرا نباید آمریکا از سپاه بدش بیاید چرا علیه سپاه جوسازی نکند.

وقتی سپاه از عوامل اصلی شکست آمریکا در همه ی عرصه ها و جبهه هاست و در مقابل همه توطئه ها سلاحی کارساز و مؤثر در دست رهبری و ملت ایران است این حجم شایعات و دروغها و اقدامات علیه آن طبیعی است فلذا این تجربه بزرگ را نباید از یاد ببریم که هر فرد و جریان یا تشکیلاتی که در خدمت به ملت ایران و پیشبرد اهداف کشور در راستای منافع ملی مؤثر است بیشتر مورد هجوم واقع می شود و این یکی از تجارب مهم انقلاب اسلامی است.

### درخشان ترین صفحات تاریخ

اما آیا این حجم سنگین تهاجمات مستمر و همه جانبه موفق شد انقلاب را منحرف یا به شکست بکشاند؟ انقلاب اسلامی که در ماه های اول رسانه های بیگانه و شبکه های شایعه پراکنی پایان آن را به صورت روزشمار پیش بینی می کردند. پیش بینی های سقوط آن توسط دشمنان به هفته شمار و ماه شمار و سال شمار کشید و امروز انقلاب اسلامی نه تنها از آن مراحل عبور کرده است بلکه بعد از سقوط دشمن کمونیستی و فروپاشی ابرقدرت شرق اینک شمارش معکوس برای نابودی دشمن کاپیتالیست و نظام سرمایه داری هم آغاز شده است و پس از چهل سال که همه منحنی های امنیت ملی و شاخص های اقتدار ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در شیب نزولی بوده و هست. اینک صدای شکسته شدن استخوان های لیبرال دموکراسی به وضوح شنیده می شود.

انقلاب اسلامی که قرار بود در مدت کوتاهی از بین برود یا از ارزش های اساسی خود دست بردارد، هم استقلال خود را به بهترین وجه حفظ کرده است و بدون شک امروز ایران اسلامی مستقل ترین کشور جهان است، هم آزادی در بالاترین سطح در آن جریان دارد و هم پایداری خود به ارزش های اساسی اسلام را استمرار بخشیده است و علاوه بر این امروز انقلاب اسلامی نماد و پرچم دار آزادی خواهان جهان شده است. نمادها و تصاویر رهبران انقلاب اسلامی بالای دست آزادی خواهان جهان می چرخد و زینت بخش سینه رزمندگان ضد استکباری در بسیاری از نقاط عالم در همه جبهه های مبارزه با سلطه جهانی است.

در این چهل سال درخشان ترین صفحات تاریخ ایران بلکه تاریخ بشری رقم خورد ملتی با کمتر از یک درصد از جمعیت عالم، در حساس ترین نقطه جغرافیایی جهان بدون تجارب مدیریتی با کمترین امکانات ممکن توانست در

مقابل همهٔ ابرقدرتها و زورگویان بین‌المللی نه یک روز و دو روز بلکه چهل سال بایستد و با دفاع از متعالی‌ترین آرمان‌های بشری و حفظ توأمان آزادی و استقلال نه تنها همهٔ متجاوزان و مهاجمان به حریم امنیت خود را شکست دهد بلکه امنیت مسلمانان انقلابی را در هزاران کیلومتر دورتر تأمین کند.

عرصه‌های حفظ انقلاب اسلامی در یک میدان نفس‌گیر و بی‌نظیر در طول تاریخ انقلاب برای پیشبرد اهداف خود نه هفت‌خوان که صدها خوان را عبور کرد و در این مسیر صدها تجربه‌های مهم و گران‌سنگ را برای تمام آزادی‌خواهان باقی گذاشت.

### پس از چهل سال همچنان سرافراز و روبه‌پیش

با هر معیار و شاخصی که بسنجیم انقلاب اسلامی توانسته است به شکل بسیار شایسته و فوق‌تصور باوجود انبوه بی‌شمار توطئه‌ها خود را حفظ کند و راه خود را بپیماید. و بر اساس مهم‌ترین شاخص‌های انقلاب اسلامی که از وصیت‌نامه امام خمینی (ره) نقل شد انقلاب و نظام را بر اساس اصول اساسی خود استمرار بخشید.

### ارزیابی شاخص اول

شاخص اولی که امام راحل (ره) بعنوان رکن انقلاب اسلامی فرمودند: موضع اسلامی و انگیزه و مقصد انقلاب بوده که کاملاً حفظ شده است.

برخلاف اکثر انقلاب‌های جهان که حداکثر بعد از یکی دو دهه همهٔ اصول و ارزش‌های اساسی خود را کنار می‌گذارند و مواضع مؤسسان و رهبران اولیه آنان سانسور می‌شود مواضع امروز انقلاب اسلامی که در بیانات و اقدامات رهبری معظم انقلاب متجلی است سرسوزنی با مواضع و اقدامات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی زاویه ندارد. در تبیین مواضع و تدوین کلیه اسناد نظام مواضع امام خمینی (ره) کماکان حجت است و باگذشت چهل سال هنوز هم رهبری معظم انقلاب مردم را به پیروی از راه امام (ره) و اجرای وصیت‌نامه او دعوت می‌کند.

انقلاب‌های بزرگ و مادر را که پیامها و آرمانهای جدیدی در یکی دو قرن اخیر مطرح کرده اند بررسی کنید با وجود اینکه هیچکدام حجم توطئه‌ها و دشمنی‌های بین‌المللی به قدر انقلاب اسلامی را نداشته اند همگی در همان ابتدا از آرمانهای اولیه خود رسماً فاصله گرفته و بعضاً به ضد خود تبدیل شده اند.

## انقلاب کمونیستی روسیه

در روسیه به یک اعتبار ۵ سال بعد از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ با مرگ لنین انقلاب بلشویکی شدت از اهداف و آرمانهای خود فاصله گرفت

پس از مرگ لنین در ژانویه ۱۹۲۴ استالین به همراه کامنف و زینوویف به رهبری عملی حزب پرداختند. آن‌ها از نظر ایدئولوژیکی بین تروتسکی در چپ و بوخارین در راست بودند. در این دوره استالین تأکید بلشویک‌ها بر انقلاب جهانی و انترناسیونالیسم را که از ارکان اصلی تفکر بلشویسم بود را کنار گذاشت و به جای آن به سیاست «سوسیالیسم در یک کشور» روی آورد که در تضاد با تئوری انقلاب مداوم لنین و چرخش در ارکان تفکر انقلاب محسوب می‌شد. اتفاق دیگر این بود که وصیتنامه لنین بنیانگذار انقلاب بلشویکی بطور کامل کنار گذاشته و نادیده گرفته شد چراکه در این وصیتنامه لنین به ضعف‌ها و قدرت‌های استالین و تروتسکی و سایرین پرداخته بود و پیشنهاد کرده بود که پس از او، گروهی کوچک به رهبری حزب گماشته شوند و از سپردن کارها به استالین پرهیز شود. عملکرد جانشینان لنین کاملاً خلاف وصیت او بود و عملاً عدم وفاداری خود به رهبر انقلاب را به نمایش گذاشتند. کشتارهای خونینی که استالین براه انداخت با مشی و مرام بنیانگذار انقلاب کاملاً در تضاد بود کشتارهایی که موجب فروپاشی بسیاری از احزاب کمونیستی دیگر کشورها که اتحاد شوروی را تکیه گاه قرار داده بودند گردید.

شاید بعضی صاحب‌نظران این تحلیل را نپذیرند و استالین را تداوم بخش واقعی راه لنین بدانند در اینصورت باز هم انقلاب بلشویکی به ۳۶ سالگی نمی‌رسد چرا که با مرگ استالین در ۱۹۵۳ و روی کار آمدن خروشچف همه چیز زیرورو شد. طرح استراتژی "همزیستی مسالمت آمیز" با جهان سرمایه داری رویگردانی کامل از انقلاب کمونیستی بود این چرخش بطور کامل در ابعاد جهانی خود را در کنگره بیستم حزب اشکار کرد.

پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ و آغاز جنگ دوم جهانی در ۱۹۳۹، گزارش محرمانه خروشچف [۱] در کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی از مهم‌ترین لحظات سرنوشت ساز قرن بیستم بود. کنگره مزبور ۱۴ فوریه ۱۹۵۶ افتتاح شده بود و می‌بایست ده روز ادامه داشته باشد. روز آخر (۲۴ فوریه ۱۹۵۶) که همه آماده رفتن می‌شدند خبر رسید بعد از رفتن خبرنگاران و عکاسان، نمایندگان در سالن بمانند. [۲] کمی بعد نیکیتا خروشچف اعلام نمود باید گزارش محرمانه ای را به اطلاع شما برسانم. کلمه‌ای از آن نباید به خارج درز کند. هیچ‌کس یادداشت بر ندارد و فقط سراپا گوش باشید.

آن گزارش طولانی از نیمه شب شروع شد و بیش از چهار ساعت طول کشید. سخنان خروشچف که به جاهای حساس رسید، سکوت سنگینی سالن را گرفت. بسیاری در خود فرورفتند و حدود ۳۰ نفر به حالت اغما افتادند. خروشچف هم حین قرائت گزارش چهار مرتبه گریست. فضای عجیبی بود. موضوع اصلی گزارش «کیش شخصیت و پیامدهای آن» [۳] با اشاره مستقیم به عملکرد استالین بود.

در این سخنرانی خروشچف به وصیت‌نامه لنین اشاره کرد که مدت سی سال توسط استالین پنهان نگهداشته شده بود. در این وصیت‌نامه لنین به اعضای کمیته مرکزی حزب توصیه اکید کرده بود از آنجایی که استالین فردی تندمزاج و خشن است بهتر است وی را از سمت دبیر اولی حزب برکنار و شخص دیگری را به این سمت منصوب کنند. وی همچنین به نامه‌ای اشاره کرد که در آن لنین به رفتار بد و توهین آمیز استالین نسبت به همسرش به شدت اعتراض نموده‌است و از وی خواست که یا به خاطر این رفتار بد از همسر وی پوزش بخواهد یا رابطه‌اش را با وی قطع خواهد کرد.

خروشچف در این سخنرانی (سخنرانی سری) در این کنگره با حمله به کیش شخصیت پرستی استالین آن را به دور از خردمندی و خیرخواهی خواند و از استالین با عناوینی چون جباری خون آشام و جنایتکار یاد کرد که اصول لنینیسم را زیر پا گذارده و ضوابط مشروعیت سوسیالیستی را سلب کرده و هزاران نفر از رفقای حزب را نابود کرده است. [۱]

جالب اینجاست که کنگره بیستم بر موضعگیری‌های مندرج در گزارش خروشچف صحّه گذاشت یعنی انحراف کامل استالین از مبانی اولیه انقلاب را پذیرفت. این سندی‌عینی تصویب انحراف انقلاب بعد از روی کار آمدن استالین توسط خود کنگره حزب سند محکمی بر تایید تحلیل ما مبنی بر پایان عمر انقلاب بلشویکی پس از ۵ سال از پیروزی است. در دوران استالین زدایی نام او از کتابهای درسی حذف شد، جسد او را از کنار لنین برداشته در نقطه دیگری دفن کردند و هیئت حاکمه شوروی به یک رشته بازدیدها از کشورهای کاپیتالیستی مبادرت ورزیدند، کاری که استالین هرگز انجام نداده بود. [۲]

گزارش خروشچف در جنبش کمونیستی جهان، ایجاد تردید و تزلزل کرد و خروج جمعی و توده وار از احزاب کمونیست را در سطح بین‌المللی شتاب بخشید. در بریتانیا تعداد بسیار زیادی از حزب کمونیست جدا شدند. در بین

آنان نه تنها کارگران، بلکه شماری از مورخان و امثال «دوارد تامپسون»، «کریستوفر هیل»، «دوروتی تامپسون» و «جان سویل» هم بودند. پیر «گزارش محرمانه خروشچف»، دامن مورخ و جامعه‌شناس فرانسوی «ماکسیم رودنسون» را نیز گرفت. او از حزب کمونیست فرانسه برید و خط دیگری رفت ... زمامداران چین، کره شمالی و آلبانی و... هم از آن استقبال نکردند «بولس لائو یهروت» [۴] رهبر حزب کمونیست لهستان یک ماه بعد از شرکت در کنگره بیستم دق کرد و مرد.

امام خمینی (ره) در مورد انحراف استالین از مشی و مرام بلشویکی اینگونه فرمودند:

آن وقتی که متفکین آمدند؛ یعنی رؤسای متفکین «استالین و روزولت و چرچیل» اینها آمدند به ایران، استالین، آن آدمی که این آقایان می‌گویند که خیر، آن آدم کمونیست بود، آن آدم توده‌ای بود، آن با مردم چطور بود، به او «قارداش» می‌گفتند، برادر بود؛ همه اینها، وقتی خودش آمد به ایران، باید حتی گاو شیرده برایش می‌آوردند که مبادا این آقا از شیر گاو ایران بخورد! این آقای کرملین نشین که قارداش این ارتش و توده‌های مردم بود، این وقتی که آمد، در همان جنگ عمومی برای یک مشورت آمد به ایران، آن وقت معروف بود در اینکه ایشان با یک گاو خاصی که عرض می‌کنم، همراهش آوردند که شیر آن گاو را بخورد، مبادا خدای نخواستہ این شیر گاو نباشد و مبتلا بشود به شیر گاو ایران! این زندگی اشرافی او بود.

من خودم این را دیگر دیدم که ما از تهران می‌رفتیم به مشهد با اتوبوس، برخوردیم به این لشکرهایی که از روسیه بودند، که عقیده شان این بود که ما و استالین هر دو برادریم و همه با هم مثل هم می‌مانیم! اینها می‌آمدند برای گدایی سیگار یا چیز دیگر؛ وقتی یک سیگار به آنها دادند، گرفت آن سیگار را، و آنقدر خوشحال شد که بنا کرد سوت زدن و راه رفتن! برای یک سیگار گدایی می‌کرد! او (۱) وقتی که آمد، با طیاره آمد و با چه وضعی و با چه اشخاصی و با کذا؛ گاو شیرده هم آوردند که آقا شیر بخورد از آن گاو!

### انقلاب سوسیالیستی چین

انقلاب چین به رهبری مائو در ۱۹۴۹ به پیروز رسید صرفنظر از درستی و نادرستی ایدئولوژی و تفکر رهبری این انقلاب و عملکرد وی میتوان گفت با مرگ رهبر اولیه انقلاب یعنی مائو انقلاب کمونیستی چین در سال ۱۹۷۶ یعنی

۲۶ سال بعد از پیروزی عملاً منتفی شد و کشور چین بدون اعتنا به آموزه های بنیادین او راه خود را ادامه داد هرچند این رهبر بخاطر تحولات بزرگی که در چین پدید آورده مورد احترام خیلی از مردم است و عکس او در میادین نصب بر روی اسکناسها چاپ می شود لکن سوسیالیسم و مبارزه ضد امپریالیستی دیگر مفهوم خاصی ندارد .

پس از مرگ مائو رهبری حزب بدست هواکوفنگ که از افراد محافظه کار و غیر انقلابی بود افتاد در دوران کوتاه دو ساله‌ی رهبری هوا گوفنگ بر حزب کمونیست چین، دنگ شیائوپینگ دوباره در هسته‌ی قدرت و تصمیم‌گیری وارد شد؛ دنگ ژیانوپینگ سیاست‌مدار و رهبر چینی که مغضوب مائو بود و در جریان انقلاب فرهنگی چین از حزب تصفیه شده بود بعد از مرگ مائو تا اوایل دهه ۹۰ عملاً حاکم چین بود او در دوران چوئن لای به عنوان معاون نخست وزیر برگزیده شد گرچه دوباره در سال ۱۹۷۶ برکنار شد. ولی با مرگ مائو کم‌کم جای خود را در مرکز قدرت دوباره بدست آورد و در ۱۹۷۹ به دبیرکلی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و رئیس کمیسیون مرکزی ارتش خلق برگزیده شد.

او برخلاف دوره مائو که در چارچوب انقلاب فرهنگی بنای مبارزه خیلی جدی و سخت گیرانه با غرب و تمامی مظاهر غرب گذاشته شد آن روند را بطور کامل کنار گذاشت و از لحاظ فرهنگی و سیاسی در جهت معکوس حرکت کرد.

با آغاز رهبری تنگ شیائوپنگ بر حزب کمونیست، سیاست‌های درهای باز در چین آغاز گشت. او در سال ۱۹۸۹ جنبش دانشجویان چین را در میدان تیان آن من به خاک و خون کشید و روابط گسترده ای را با غرب و تمامی کشورهای سرمایه داری پی ریخت . و مبارزه با امپریالیسم را بطور کامل تعطیل کرد .

اختلافات بنیادین بین اندیشه‌ی مائو و دنگ در زمان حیات مائو دو بار به تصفیه‌ی دنگ منجر شده بود ؛ تا حدی که مانند افراد دیگری که در جریان انقلاب فرهنگی دست‌خوش تنبیهات شدید حزبی میشدند ، دنگ نیز با عنوان ضد انقلابی‌گری به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شد و مورد بازجویی قرار گرفت. این اتفاق دو بار در زمان حیات مائو رقم خورد؛ اما یک بار در زمان حیات چوئن لای و بار دیگر بعد از مرگ وی . در مرتبه‌ی اول بعد از چند ماه دوری دنگ از قدرت وی با وساطت چوئن لای به مسئولیت باز گشت اما دفعه دوم بعد از مرگ چوئن لای بدون حامی شد و مجدداً از صحنه‌ی قدرت حذف و به دستور مائو دوباره تبعید شده بود .



در سال ۱۷۸۹ میلادی، در فرانسه، انقلابی روی داد که معروف به "انقلاب کبیر فرانسه" شده است. که وقتی منصفانه آن حادثه را با انقلاب اسلامی مقایسه می کنیم نام آنرا حتی نمی توان انقلاب صغیر گذاشت بلکه انقلاب اصغر است. این انقلاب را فراماسونرها و طرفداران بورژوازی برعلیه نظام فاسد و بسیار ناکارآمد لویی شانزدهم که بخاطر ضعف مفرط مدیریت بخودی خود در حال سقوط بود رهبری کردند وشعارشان آزادی(جمهوریت) برابری و برادری بود .  
(سایت پرسشکده - ۱۳۸۹/۱۲/۰۵)

مرحله اول انقلاب، با درگیری میان طبقات سه گانه مجلس طبقاتی آغاز شد افرادی مثل "میرابو"، "مارا"، "دانتون"، "رَبسپیر" و با نشر شایعه ای مبنی بر اینکه لویی در زندان باستیل توپخانه ای مستقر کرده و قصد گلوله باران شهر را دارد آغاز کردند و با مشارکت اندکی از شهر پاریس و در ۱۴ فوریه ۱۷۸۹ "زندان باستیل" را که نماد استبداد خاندان "بوربون" بود، ویران ساختند. ادامه عملیات منجر به عقب نشینی لویی شانزدهم، وتن دادن او به سلطنت مشروطه شد و عملاً از سال ۱۷۹۰ بورژوازی لیبرال، بخش عمده ای از قدرت را به دست گرفت. قدرت غالباً در دست کلوپ سیاسی "ژیروندن" ها یعنی نمایندگان سرمایه داری لیبرال خواهان سلطنت مشروطه بود. و توده های مردم نقش در فرایند انقلاب نداشتند شاکله کلوپ "ژیروندن" ها توسط فراماسونرها اداره می شد و رهبران معروف آن "میرابو" فراماسونر بودند. (سایت باشگاه اندیشه- شهریار زرشناس) اینان در مجلس ملی فرانسه، قوانین بسیاری به نفع سرمایه داران و به منظور بسط سکولاریسم به تصویب رساندند، اما فکر چندانانی به حال توده های فقیر مردم نکردند. از این رو دو سال بعد موج اعتراضات دوباره بالا گرفت و کاسه صبر مردم لبریز شد .

در مرحله دوم انقلاب در سال ۱۷۹۲ مبارزات انقلابی مجدداً بالا گرفت تا نهایتاً نمایندگان جناح تندرو و بورژوازی که "ژاکوبن" ها نامیده می شدند به قدرت رسیدند. ژاکوبن ها نیز اکثراً فراماسونر بودند و رهبر آنها "رَبسپیر"، سخت تحت تأثیر ایده های دموکراتیک "ژان ژاک رسو" قرار داشت. در قریب دو سال حکومت ژاکوبن ها در فرانسه، رژیم جمهوری اعلام شد و علی رغم شعارهای بسیار در خصوص "حقوق بشر" و "آزادی"، دوران "ترور و وحشت" حاکم شد وظرف کمتر از دو سال نزدیک چهل هزار نفر توسط جمهوری انقلابی مدافع حقوق بشر با گیوتین گردن زده شدند و ده ها هزار نفر بازداشت و روانه زندان ها شدند و جو اختناق شدیدی پدید آمد در دوران ژاکوبن ها اگرچه ظاهراً اصلاحات ارضی به

نفع روستاییان انجام شد اما عملاً قدرت و ثروت بین جناح‌های مختلف توانمند جابجاشد و فقط حاکمیت صاحبان سرمایه، جانشین حکومت فئودال‌ها و اشراف گردید. .

در مرحله سوم توده‌های فقیر روستایی و شهری چون روند اوضاع را به نفع خود ندیدند، از حکومت انقلابی ناامید شدند و دست از حمایت از آن کشیدند و جناحی از سرمایه‌داری فرانسه که از دست ژاکوبین‌ها ناراحت بود در ۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴ کودتایی علیه "رَبسپیر" و "ژاکوبین‌ها" صورت دادند و آنها را سرنگون و رِبسپیر را اعدام کردند و خود جایگزین آنها شدند.

هرچند فراماسونرها که با انگیزه هدف تضعیف کلیسا و تقویت جایگاه خود نقش مهمی در رهبری علمی و هدایت فکری انقلاب فرانسه داشته‌اند، بسیار سعی می‌کنند این انقلاب را سرآغاز "آزادی" بشر عنوان کنند اما همانطور که آقای توکویل، از اندیشمندان هم‌عصر انقلاب، معتقد است این تصور درستی نیست چرا که با وجود آن همه تلاش برای وقوع انقلاب، نتیجه کار دموکراسی نبود و ناپلئون بناپارت با برپایی سلطنت مطلقه در سال ۱۷۹۹ عملاً بر این ادعا خط بطلان کشید. (سایت پیام سمنان - ۱۳۹۲/۱۱/۱۹)

در سال ۱۷۹۹ هنگامی که ناپلئون بناپارت به قدرت رسید، مجدداً خود را کنسول اول (رییس مادام العمر) و همسرش ژوزفین را امپراتریس خواند و در کمتر از ۱۰ سال فرانسه ضمن فاصله گرفتن از آرمان اصلی انقلاب یعنی جمهوریت وارد مرحله جدیدی شد که تقریباً تمامی اروپا و نیمی از جهان را به جنگ و خاک و خون کشید و انقلاب به فراموشی سپرده شد. پس از ناپلئون سلطنت مشروطه به فرانسه بازگشت. سپس دوباره نظام جمهوری جایگزین شد تا این که ناپلئون سوم (برادرزاده ناپلئون)، کودتا نمود و امپراتوری دیگری به راه انداخت. پس از آن جمهوری‌های متعدد شکل گرفت. بدین ترتیب در کم‌تر از یک قرن، بر فرانسه به شکل‌های گوناگونی مانند جمهوری، دیکتاتوری، سلطنت مشروطه و دو امپراتوری متفاوت حکم‌فرمایی شد. [۶]

تقریباً تمام کتب عمده تاریخ انقلاب فرانسه از جمله "تاریخ انقلاب فرانسه نوشته" آلبر سوبول ترجمه نصرالله کسرائیان، "مروری بر تاریخ انقلاب فرانسه" نوشته آقای ایرج پزشکزاد و "کتاب تاریخ قرن هجدهم و انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون" اثر آلبرماله و ژوال لیزاک ترجمه شهید یاسمی بود معتقدند انقلاب فرانسه چندان جنبه مردمی نداشت و صرفاً ذر بعضی مراحل تعداد اندکی از مردم در آن مداخله کردند.

شکل این انقلاب اختلاف و درگیری بین طبقات سه گانه مجلس طبقاتی آن دوران و نقش این انقلاب صرفاً، جابجایی امتیازات فئودال‌ها و اشراف، به سرمایه‌داران بود و حتی منجر به برقراری حکومت جمهوری که میبایست حداقل دستاوردهای اینهمه خونریزی و مبارزه باشد نشد و وصول به یک حکومت دمکراسی پایدار یکصدسال پس از پایان دوره ی انقلاب طی فرایندهای دیگری حاصل شد که ارتباط مستقیمی با این انقلاب نداشت. را با حرکت توده‌ها ی عظیم میلیونی ملت ایران و مشارکت گسترده تمام اقشار و نتایج آن که بر هم زدن تمامی مناسبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی داخلی و جهانی --- نهم فقط ظرف ۲ سال بود مقایسه می کنیم عظمت انقلاب کبیر اسلامی خود را می نمایاند شکوه حضور همه جانبه مردم ایران جلوه دیگری می یابد حال چه کسی این حرکت را که حتی به ۱۰٪ تحولات در مناسبات اجتماعی و قدرت داخلی و روابط بین الملل دست نیافته است انقلاب کبیر نامید، این هم از عجایب تاریخ نگاری بدست طاغوت هاست.

مرور بر انقلابهای مهم صاحب پیام بین المللی همانطور که ذکر شد نشان میدهد انقلاب اسلامی یک استثناء در میان انقلابهای بزرگ قرنهای اخیر است که توانسته است در حفظ مواضع و اصول خود بدون کوچکترین انحراف در حرکت به سمت اهداف اولیه تعیین شده به چهل سالگی برسد.

## ارزیابی شاخص دوم

رکن دیگر انقلاب اسلامی را بنیانگذار آن وحدت مردم روی اصول و اهداف بیان فرمودند که شاخص دوم است. از لحاظ شاخص دوم که حضور مردم در صحنه است عظمت این حضور علاوه بر درخشش‌های پی‌درپی در سنوات مختلف و آخرین آن بزنگاه‌ها در حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶ برای بار دیگر بنمایش گذاشته شد و مردم نشان دادند باوجود فشارهای سنگین اقتصادی که از یکسو با تحریم‌ها و توطئه‌های اقتصادی دشمن و از سوی دیگر با کارشکنی و کم‌کاری نفوذی‌ها برای خسته کردن مردم از انقلاب جریان دارد هرگاه حتی پای انقلاب به میان می‌آید در صحنه هستند.

حضور میلیونی مردم در روزهای پی در پی در شهرهای مختلف کشور پس از آشوب تعدادی کم شمار از افرادی که کمبودها را بهانه ایجاد آشوب کرده بودند و پاسخ قاطع مردمی به آشوب گران و درخشش مردم ایران در ۲۲ بهمن تماشایی سال ۹۶ دلیل و حجت قاطعی بر تداوم همراهی آنان با انقلاب اسلامی است و این یعنی حفظ و استمرار دو رکن اصلی انقلاب اسلامی یعنی هم مردم و هم انگیزه و هم اهداف اسلامی در اوج خود.

پس رسالت اول که حفظ انقلاب کبیر اسلامی بوده است در این چهل سال بنحو شایسته ای انجام شده است و مردم مؤمن و ولایتمدار ایران اسلامی انصافاً خوش درخشیده اند. لذا از تجربه های بسیار مهم انقلاب اسلامی یعنی تجربه پنجم اینست که مردم ایران امروز لایق ترین و شایسته ترین مردم هستند این سطح از پایداری و ایستادگی در مقابل توطئه ها این حد از بصیرت و شناخت حق از باطل، این حد از گذشت و فداکاری و این حد ادب و احترام و وفاداری در کنار هم در یک ملت در تاریخ کمتر دیده شده است.

آن از فهم و شعور استثنایی در فتنه ۸۸ که بخش اعظم مسئولان تراز اول کشور و شخصیت های شناخته شده به شورش دعوت کردند و ملت نه تنها اجابت نکرد بلکه مخالفت جدی خود را در ۹ دی ۱۳۸۸ به جهان نشان داد و این هم از بیداری و پایداری سال ۹۶ که نفوذی های داخلی او را به شدت تحت فشار اقتصادی قرار دارند و رسانه های بیگانه با حداکثر بهره برداری از این شرایط و نسبت دادن صدها دروغ و شایعه و ناروا به نظام غوغا کردند ولی ملت اینطور به صحنه آمد و عظمت و بصیرت خود را به نمایش گذاشت و نشان داد سختی ها را برای حفظ اساس نظام خود تحمل می کند همانگونه که امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی الهی خویش فرمودند: " من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی کردند و با بهانه هایی به جبهه نمی رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است. و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل در منبر به آنان نفرین فرمودند. و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا - علیه السلام - آن شد که شد. و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه ها و مردم پشت جبهه ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاریها می کنند و چه حماسه ها می آفرینند. و می بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمکه های

ارزنده می‌کنند. و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند. و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - هستند، و نه در محضر امام معصوم - صلوات الله علیه - و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم".

علت جوسازیهای سنگین علیه ملت ایران همین است اگر می‌بینیم مرتباً نقطه ضعف‌های فرهنگ عمومی ما دهها برابر بزرگنمایی می‌شود و در رسانه‌های دوست و دشمن مرتب منعکس می‌شود و متأسفانه مجریان بعضی برنامه‌های پر بیننده تلویزیونی هم با یکدیگر برای بزرگنمایی ضعف‌های فرهنگ عمومی و تحقیر ملت ایران سابقه گذاشته‌اند و خود یا ناخودآگاه در مسیر تضعیف روحیه ملت ایران کار می‌کنند بهمین جهت است که این عظمت را درهم بشکنند.

ملتی که اعتماد بنفس دارد و تسلیم دشمن نمی‌شود همانطور که قرآن اقدام فرعون برای تسلیم و مطیع کردن قوم خودش را اینگونه توصیف می‌کند. فاستخف قومه فاطاعوه یعنی ملتش را تحقیر کرد تا مطیع او باشند یکی از جنگ‌های روانی رسانه‌های دشمن که متأسفانه با سوء عملکرد بعضی مجریان رسانه‌ای داخلی تقویت می‌شود این است که ضعف‌های رفتاری مردم ایران را بزرگنمایی کنند مرتب به رخ ملت بکشند. می‌گویند پزشکان کانادایی به افزایش حقوقشان اعتراض کرده‌اند (که خبر بی‌اساس است) و پزشکان ما زیر میزی می‌گیرند. ضعف بعضی پزشکان ما خوب ولی چند پزشک کانادایی آماده‌اند با هزاران پزشک ایرانی همراه شوند در صعب‌العبورترین و بد آب و هوا ترین مناطق ایران بیمارستان‌های صحرائی بزنند و مردم محروم را مجانی معالجه کنند کدام مردم در سیل و زلزله کشورشان مثل مردم ایران عاشقانه وارد عمل می‌شوند و سر از پا نمی‌شناسند. آنهايي که روی این تحقیرها اسم دلسوزانه اصلاح فرهنگ عمومی را می‌گذارند اگر واقعاً هدفشان بهبود فرهنگ عمومی است باید بدانند که تحقیر خلاف اصول تربیتی است و تربیت‌کننده بر اساس روش‌های علمی باید نقاط قوت متربی و مخاطب خود را به او یادآوری کند و از طریق برجسته

سازی نقاط قوت به او روحیه برخورد با عادات منفی اش را بدهد نه آنکه مرتباً به خاطر ضعف ها به فرد یا جمعی که قصد اصلاح آنها را دارد با یادآوری نقطه ضعف ها سر کوفت بزند.

## جهانی شدن انقلاب اسلامی

این انقلاب نه تنها در اوج خود حفظ شده است بلکه بخش بزرگی از ملت ها را به میدان آزادیخواهی و انقلابی گری کشیده است روح الهام بخش این انقلاب و پیروان مکتب ولایت در ۱۹۸۳ میلادی تفنگداران آمریکایی فرانسوی و ایتالیایی اشغالگر را از لبنان بیرون کردند. ارتش رژیم صهیونیستی را که تا بیروت پیشروی و نیمی از لبنان را اشغال کرده بود و ۱۸ سال آنجا را تحت کنترل خود داشت در سال ۲۰۰۰ با شکست مفتضحانه از لبنان اخراج کردند و برای اولین بار از تاریخ تشکیل رژیم صهیونیستی طعم شکست را به ارتش صهیونیستی چشاندند.

ارتش صهیونیستی که همیشه حملات دسته جمعی و عملیات مشترک ارتش چندین کشور عربی با صدها هزار نیرو را پاسخ داده و آنها را شکست داده بود و با دستان باز به هر جا که تصمیم می گرفت حمله می کرد و سرزمین های آنها را اشغال می کرد برای اولین بار از چند هزار رزمنده با کمترین سلاح شکست خورد و به دست مجاهدان اسلام فراری شد.

انقلاب اسلامی علاوه بر دوشکست مفتضحانه صهیونیست ها در لبنان و فراری دادن تفنگداران آمریکایی، فرانسوی و ایتالیایی اشغالگر از بیروت پس از ایجاد موج بیداری در ملت فلسطین خط سازش را کنار زد و علاوه بر آزادی نوار غزه و پاک سازی آن از صهیونیست ها به دست مجاهدان فلسطینی در این منطقه عملاً در سه جنگ متوالی ارتش رژیم صهیونیستی را شکست داد و به خاک مذلت کشاند.

بسیج همگانی استکبار غرب و ارتجاع منطقه با پول های بی انتها، سلاح های پیشرفته و مدیریت مستقیم تمام دستگاه های اطلاعاتی آنان در تجهیز تروریست ها برای اشغال سوریه و تسلیم حاکمیت آن به رژیم صهیونیستی توسط انقلاب اسلامی شکست خورد و اراده انقلاب اسلامی بر همه آنها غلبه کرد.

امروز موج بیداری در یمن، شمال آفریقا، بحرین یقه استکبار و صهیونیست ها را گرفته و آنها را مستأصل کرده است. بی شک همه این ها از برکات و دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

قیام‌های گسترده در مصر، الجزایر، تونس و نیجریه هر چند یا توطئه و خشونت سرکوب شده و مدیریت کشور کماکان تحت سلطه استکبار است اما وضعیت سلطه در این کشورها متزلزل موقتی است و زنجیره حوادث نشان می‌دهد که بیداری ملت‌ها برقرار است و برای نهایه کردن کار در انتظار فرصت هستند. بیداری بی نظیر در ملت فلسطین و راهپیمایی‌های بازگشت نفس رژیم صهیونیستی را گرفته است.

## در سال چهلم انقلاب اسلامی سرزنده تر و کارآمدتر از همیشه

نه تنها سازمان‌دهی سنگین دستگاه‌های جاسوسی غرب و ارتجاع منطقه در مرزهای شرقی و غربی کشور برای آموزش و گسیل گروه‌های تروریستی به ایران و ایجاد ناامنی با شکست قاطع مواجه شده است و تقریباً تمامی آن‌ها در همان نقطه صفر مرزی شناسایی و خنثی شد و حتی کادرهای آن در فضای عبور از جمهوری اسلامی دستگیر و به سزای عمل خود رسیده‌اند، بلکه در ورای مرزها جریان‌های بزرگ تروریستی دست‌پرورده غرب مفتضحانه شکست‌خورده و پس‌ازآنکه با توطئه آمریکا بیش از نیمی از خاک عراق را اشغال و تقریباً تمامی خاک سوریه را اشغال کردند، با شکست و فرار از تمامی مناطق تحت اشغال و آزاد شدن ده‌ها شهر و صدها روستا، جز رسوایی و شرمندگی برای آمریکا چیزی باقی نگذاشتند.

## استکبار در محاصره ی مستضعفین

این واقعیتهای غیر قابل انکار نشان می‌دهد برغم دشمن آنکه تلاش میکند انقلاب اسلامی را ضعیف و ناکارآمد و در استانه فروپاشی جلوه دهد انقلاب کبیر اسلامی نه تنها زنده و کارآمد است بلکه بسیار بالنده تر و کارآمدتر از گذشته در حال پیشروی است این حوادث و شکستهای پی در پی آمریکا از انقلاب اسلامی به آمریکا فهمانده است که نیروهای مسلح پرهزینه آمریکا که به‌تنهایی به‌اندازه کل کشورهای جهان هزینه نظامی برای ایالات متحده تراشیده اند است، نه تنها در مقابل این انقلاب بزرگ هیچ کار آبی ندارد. بلکه واسطه نشر آموزه‌های انقلاب اسلامی در هیچ کجای جهان اسلام هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

امروز نه فقط اشغالگران بلکه همه ی نیروهای آمریکا در منطقه در محاصره مجاهدان اسلام هستند و کابوس و وحشت زوال قریب الوقوع را می‌بینند علت اصلی دستپاچگی آمریکا و رژیم صهیونیستی و اقدامات عجولانه و غیر مدبرانه ای که پی در پی منجر به شکست آنها می‌شود همین واقعیت است.

این واقعیت‌های نظامی در کنار این واقعیت که تهاجم گسترده فرهنگی هم در کوتاه و میان مدت کارساز نیست و نمی‌تواند انقلاب را از بین ببرد آمریکا را واداشته است دیوانه‌وار به تحریم و سرمایه‌گذاری روی فشار اقتصادی روی آورد که آن‌هم برخلاف انتظار آن‌ها که از آن به‌عنوان «تحریم‌های فلج‌کننده» یاد می‌کردند، پس از ۷ سال هنوز خواسته‌های آن‌ها را برآورده نکرده که هیچ، ذره‌ای از پایداری انقلاب اسلامی نکاسته است.

همین ایستادگی بوده است که قدرت مردم را به رخ ابر قدرتها کشانده است آنها که قرن‌ها بی‌اعتنا به نظرات مردم هر غلط و جنایتی مرتکب می‌شدند امروز با قدرت نمایی توده‌ها مجبورند هزینه‌های بسیار سنگینی را خرج اقناع افکار عمومی کنند حتی شده با دروغ و دغل و تزویر واقعیت‌ها را طوری جلوه دهند که افکار عمومی برآنان نشورد اگر امروز در دنیا افکار عمومی اهمیت پیدا کرده و اگر رسانه حرف اول را می‌زند همه به برکت انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت قهرمان است که قدرت ملت‌ها را به نمایش گذاشت و کوچکی و ناتوانی قدرت طاغوت‌ها در مقابل بسیج یک ملت را بخوبی نمایان ساخت. بیداری امروز مدیون انقلاب کبیر اسلامی است انقلابی که نشان داد که در مقابله اراده‌ی ملت‌ها با انبوه تانک و توپ و ناوها و هواپیماها و بمب اتم و همه چیز، این اراده‌ی ملت‌هاست که غلبه می‌کند.

در ورای همه جنگ‌افروزی‌ها و توطئه‌های خبیثانه استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا برای نابودی انقلاب اسلامی به کوری چشم آن‌ها، امروز انقلاب اسلامی علاوه بر در اختیار داشتن قوی‌ترین نیروی نظامی و امنیتی منطقه و در اختیار داشتن یکی از قوی‌ترین نیروهای مسلح جهان نه تنها کارآمدی و توانایی خود را در جنگ‌های گسترده‌ای که ذکر شد به‌خوبی نشان داده است، بلکه در به اسارت گرفتن نظامیان انگلیسی و آمریکایی در برابر کمترین نفوذ به حریم کشور و شکستن هیمنه این قدرت‌های شیطانی برتری نظامی خود را در انظار جهانیان به‌خوبی به نمایش گذاشته است.

علاوه بر بسیج میلیونی جوانان ایرانی، شاهد شکل‌گیری نیروهای شکست‌ناپذیر مقاومت در عراق، پاکستان، سوریه، لبنان، فلسطین، یمن و افغانستان در قالب‌های مختلف ولی همه با الهام از بسیج مستضعفین هستیم که جرأت دشمن از هرگونه تجاوز به منطقه را سلب کرده و سایه مرگ را بالای سر رژیم روبه‌زوال صهیونیستی گسترانده است و به ابرقدرت‌ها فهمانده که این اسلام انقلابی است که آینده غرب آسیا (خاورمیانه) را طراحی می‌کند نه آمریکا؛ این ایران اسلامی است که به فضل الهی در میان منطقه‌ای پر از آتش و ناامنی، یکی از امن‌ترین کشورهای جهان است.



مرحوم حسین هیکل روزنامه‌نگار و استراتژیست شهیر مصری در این زمینه عبارت زیبایی دارد. او می‌گوید: "ایرانی‌ها دو بار به مدیترانه رسیدند بار اول دوره هخامنشیان با زور و اسلحه و توانایی نظامی بود. آن بار دوام چندانی نیاوردند چراکه فقط سرزمین‌ها را تسخیر کرده بودند و بار دوم در دوره انقلاب اسلامی، این بار ماندگارند زیرا بر دل‌ها حکومت می‌کنند."

### نتیجه مبارزات ملت ایران در جبهه اول انقلاب اسلامی (حفظ نظام)

نتیجه اینکه نه تنها انقلاب اسلامی با همه اصول و ارزش‌های اساسی‌اش حفظ شده بلکه بسیار پیش رفته و به توانایی‌های بزرگی در سطح بازدارندگی ابرقدرت‌ها رسیده است اگر فرمول‌های مقاومت در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی بکار گرفته شود و عزم و اراده کشور ایستادگی در مقابل قدرت‌ها در آن عرصه‌ها تحقق فرمان ولایت مبنی بر اقتصاد مقاومتی باشد اجرای اقتصاد ایران و فرهنگ کشور هم مثل عرصه‌های پیش‌گفته شکوفا می‌شود و در سطح بین‌المللی قابلیت رقابت می‌یابد

آنچه در جبهه اول یعنی دفاع از موجودیت انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است، درخششی بی‌نظیر و معجزه بزرگ الهی است که مرهون ارتباط مستقیم این جبهه با ولایت و فرماندهی بلا واسطه آن توسط امام المسلمین از یک سو و اعتماد و فداکاری و ایثار جوانان شهادت‌طلب و ملت بزرگوار و بصیر ایران اسلامی که واژه قهرمان برای توصیف آنان بسیار حقیر است.

از سوی دیگر حفظ مقتدرانه انقلاب اسلامی در مقابل این حجم از توطئه‌ها به روشنی بیانگر کارآمدی انقلاب اسلامی است. صف طولانی جوانان داوطلب شهادت و التماس و خواهش مصرانه آنان برای اعزام به جبهه‌های مقاومت منطقه و پیوستن انبوه صدها هزار نفری جوانان کشورهای اسلامی به این حرکت، جوانانی که عاشقانه در دیار غربت و افتخار می‌آفرینند و فتوحات بزرگ را رقم می‌زنند و بعضی به فتح الفتوح شهادت می‌رسند. زنده بودن، طراوت و استمرار مستحکم این انقلاب را فریاد می‌زند و آینده درخشان‌تر این جبهه را نشان می‌دهد.

برخوردهای دشمن با انقلاب اسلامی که هر روز نسبت به گذشته لحن خشن‌تری بخود می‌گیرد و نام بردن ایران در تمامی اسناد راهبردی آمریکا و اسرائیل و پادشاهی انگلستان بعنوان دشمن و خطر اصلی برای موجودیت آمریکا و رژیم صهیونیستی و انگلیس خود سند مهم دیگری بر کارآمدی و زندگی و شادابی انقلاب اسلامی است چرا که اگر به زعم

رسانه های استعماری و ایادی داخلی شان انقلاب ناتوان و ناکار آمد شده بود ارزش اینهمه سرمایه گذاری مقابله توسط آمریکا را نداشت.

توانایی رهبر انقلاب در مدیریت بحران های مختلف در طول بیست سال اخیر موجب شده تا بنی صدر هم با وجود مواضع خصمانه علیه نظام اسلامی و بنیان گذار کبیر آن، به این امر اعتراف کند.

به گزارش «فردا»، "ابوالحسن بنی صدر، اولین رئیس جمهور ایران که به حکم مجلس شورای اسلامی و تأیید امام خمینی از مقام خود عزل شد، در گفت و گو با آبرور گفت: اگر ایشان [امام خمینی(ره)] زنده بودند، صدها بار به آقای خامنه ای احسنت می گفت."

بنی صدر افزود: دلیل این تحسین این است که آقای خامنه ای به خوبی توانسته نظامی که آقای خمینی ایجاد کرد را حفظ کند.

اعتراف بنی صدر به توانایی رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در حالی صورت گرفته است که بحران های متعدد ۲۰ ساله اخیر با محوریت کشورهای متخاصم غربی بارها با درایت و بصیرت ایشان حل و بقای نظام را موجب شده است. بنی صدر در حالی این اعتراف را انجام داده که پیش از آن نیز وابستگان آمریکا و رژیم صهیونیستی بصورت مستقیم و غیرمستقیم بارها تأکید کرده اند که مدیریت آیت الله خامنه ای موجب شکست طرح های آنان شده است. وی پیش از برکناری، مواضع غیر آشکار مخالف امام(ره)، نظام و رهبر انقلاب داشت که با افشای خیانت های وی، آشکار گردید و علنا به دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری و میراث گرانقدر امام خمینی(ره) می پرداخت.

## مقاومت رمز پیروزی

یکی از تجارب راهبردی بزرگ در مقاومت برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی یعنی تجربه ششم این است که " یک ملت اگر صبر و استقامت پیشه کند و بر اهداف و آرمانهای خود پافشاری کند حتی اگر از زمین و آسمان

° . ابوالحسن بنی صدر، اولین رئیس جمهور ایران بود که از سوی مجلس و با تأیید امام خمینی(ره) به دلیل عدم کفایت، خیانت ها و تخلفات متعدد از کار برکنار شد. وی پس از برکناری، بصورت پنهانی از ایران فرار کرد.

توطئه ببارد و همه قدرت‌های شیطانی علیه آن ملت بسیج شوند." نصرت الهی مخصوص میدان نبرد و جنگ نظامی نیست بلکه این مبارزه به هر جا گسترش یابد پیروزی از آن صابران است. چرا که خدا فرمود: ان الله مع الصابرين و فرمود: ان الدين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا و لا تحزنوا خدا وعده ی خود را در حق ملتی که ایمان و عبودیت را سرلوحه کار خود قرار داده باشند و بر آن ایمان استقامت ورزند در سخت‌ترین و باورنکردنی‌ترین شرایط محقق می‌کند.

ماجرای بقای نوح (ع) در آن طوفان عظیم و داستان ابراهیم (ع) در آتش را اگر نسل‌ها و ملت‌های دیگر در کتاب‌های آسمانی و کتاب‌های تاریخ خواندند و شنیدند ملت ایران در این چهل سال بارها و بارها آن را بچشم دیده و در بیان آن واقع شدند. اگر خدای بزرگ ابراهیم (ع) را یک‌بار از میان آتش نجات داد ملت ایران را ده‌ها بار معجزه‌آسا از میان آتش‌ها نجات داد. اگر نوح (ع) را یک‌بار از طوفان سالم بدر برد ملت ایران را بارها از میان سیل و طوفان رهانید و اگر بنی‌اسرائیل یک‌بار با ضرب عصای موسی (ع) از دریا عبور کردند ملت ایران بارها و بارها در میان محاصره فرعون و دریا معبر زدند و گذشتند به‌حق باید گفت که امروز هم معجزه‌های خدا هست و آن نفوذ کلام ولایت در قلب‌ها و صبر و استقامت مخلصانه مردم و رهبری است که راه‌ها را می‌گشاید.

این تجربه در کلام امام خامنه‌ای عزیز خیلی گویا تر شده است آنجا که می‌فرمایند:

من به شما و همه جوانان عرض می‌کنم که وعده خدا را باور کنید. وعده الهی این است که اگر اهل حق پای حق خودشان بایستند، حق پیروز خواهد شد. در همه مراحل این‌طور است. در دوران انقلاب این را تجربه کردید، در دوران جنگ تجربه کردید، در دوران اسارت تجربه کردید، در دوران بعد از پایان جنگ - که ملت ایران در صدد بنای دوباره کشور خود برآمد - این را تجربه کردید؛ در آینده هم باید این را یقین داشته باشید که عملی است.

هر جا دیدید که دشمنی زورگویی می‌کند، در مقابل او بایستید. این، وظیفه آحاد مردم، دولتمردان، نمایندگان مردم و کسانی است که این مملکت مسؤولیتی را به آنها سپرده است. در مقابل دشمن متجاوز، در مقابل زورگوی ظالم، در مقابل استکباری که امروز بر ارزشهای الهی و معنوی طغیان کرده است - که مظهرش هم دولت طاغوت و طغیانگر امریکاست - کوتاه نیایید. قدرتهای مادی، هیچ غلطی نمی‌توانند

بکنند. با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. همه راهها به روی آنها بسته است.

اگر سختگیری کنند، آنها ضرر می‌کنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضرر می‌کنند. اگر حمله کنند، آنها ضرر می‌کنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گرانبگری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنافداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند".

همچنین می‌فرمایند:

"بعد تجربه‌ی انقلاب را، یعنی عینیت این نظریه را در طول این سالها بدانید؛ تاریخ انقلاب را بدانید. این انقلاب مثل خیلی از حرفهای دیگری که در دنیا معمول است، صرف ادعا نیست؛ یک دامنه‌ی وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است. این انقلاب آزموده است، تجربه‌شده است. این حرفها، حرفهایی است که در میدان عمل، صدق خود را ثابت کرده است. اگر امام عزیز ما به ما یاد میداد که به خدا توکل کنیم، اعتماد کنیم، حسن ظن داشته باشیم، تلاش کنیم، و میگفت اگر این کار را بکنید، پیروز خواهید شد، این اتفاق افتاد؛ همچنان که در صدر اسلام اتفاق افتاد؛ که امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) در نهج‌البلاغه فرمود: «فلما رأى الله صدقنا انزل بعدونا الكبت و انزل علينا النصر». این ملت صدق خود را نشان داد، راستگویی خود را نشان داد؛ وارد میدان شد و در میدان عمل، این فکر و این اندیشه و این مبانی نظری تجربه شد. این را باید شما در تاریخ انقلاب ببینید.

چرا رادیوهای بیگانه تلاش میکنند نقطه‌ضعفهای کوچک ما را در چشم خودمان - چه برسد در چشم دیگران - ده برابر بزرگ کنند؟ برای این است که همین تجربه را از یاد ما ببرند؛ برای اینکه فراموش کنیم که مبانی نظری ما تجربه‌شده است؛ در میدان عمل، خودش را ثابت کرده است. شما با آگاهی از تاریخ

انقلاب میتوانید این را به دست بیاورید. اینکه من توصیه میکنم بخوانید این خاطرات مربوط به جنگ را، مربوط به دوران دفاع را، همین عملیات بیت المقدس و آزاد کردن خرمشهر را، ببینید کی بودند، چه بودند، چه کار کردند، چه جور کردند، برای این است؛ این لازم است. آن وقت خدای متعال «انزل بعدوٰنا الکبت»، «انزل علينا النصر»؛ پیروزی را نازل کرد. (بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۲/۰۳/۰۶)

یک فایده‌ی دیگر این بود که ما این فکر و اندیشه‌ی دفاع از هویت ملی و هویت دینی و انقلابی را - که بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم و نقل کرده‌ایم که خدای متعال کمک میکند و انسانها را در [ابرا] عوائق و موانعی که در راه حق وجود دارد، پیروز میکند - یک بار دیگر خودمان تجربه کردیم؛ این خیلی مهم است. یک جامعه‌ای که در جهت پیشرفت به سمت اهداف والا دارد حرکت میکند، به‌طور طبیعی مواجهه میشود با موانع بسیاری؛ بخصوص در دنیای مادی امروز؛ و اگر آن آرمانها، آرمانهای معنوی و ضدّ قدرت‌طلبی و ضدّ دنیاطلبی و مانند اینها باشد، بدیهی است که موانعی به وجود می‌آید. اینکه یک ملّتی احساس بکند که میتواند بر موانع پیروز بشود، خیلی چیز مهمّی است. بله، در روایات و آیات، توکل به خدا و «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و مانند اینها را میخوانیم و میگوییم و عقیده هم داریم، لکن اینکه در عمل «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» را آدم ببیند، خیلی فرق میکند. حضرت ابراهیم با آن عظمت، به خدای متعال عرض میکند که میخواهم زنده شدن مرده‌ها را ببینم. خداوند میفرماید: أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ؛ مگر قبول نداری؟ جواب میدهد: قَالَ بَلَى؛ چرا، قبول دارم؛ وَ لَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي. این آرامش دل، این پذیرش از اعماق باور و جان انسان نسبت به یک حقیقت، خیلی چیز مهمّی است؛ این را جنگ - دفاع هشت‌ساله - به ما نشان داد. ما الان میتوانیم با همه‌ی توان ادّعا بکنیم که جمهوری اسلامی با همه‌ی چالشهایی که در مقابل او به وجود می‌آورد، میتواند پنجه بیندازد و بر همه‌ی آنها میتواند غالب بشود؛ چون این را تجربه کرده‌ایم. وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ اگر ایمان در دل و در عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها در مقابل یک جامعه، یک مجموعه، یک انسان قوی، هموار خواهد شد و قدرت مقاومت نخواهد داشت. یکی از فواید جنگ برای ما این بود. خب، اینها حقایقی است.

هشت سال همه‌ی دنیا متفق شدند علیه ما و با ما جنگیدند؛ این یک واقعیتی است، همه‌ی دنیا! یعنی آمریکا علیه ما بود در عمل، ناتو علیه ما بود در عمل، شوروی آن روز علیه ما بود در عمل، مرتجعین منطقه - همین سعودی و کویت و بقیه - همه علیه ما بودند در عمل! یعنی همه‌ی آنها علیه ما [در جنگ] شرکت داشتند؛ ما هم یک نهال تازه‌رویده با تجربه‌های کم، توانستیم بر همه‌ی اینها فائق بیاییم؛ این تجربه‌ی ما است؛ این برای «لِیَطْمَئِنَّ قَلْبِی» کافی نیست؟ این مثل همان زنده شدن مرغهایی است که جناب ابراهیم (علیه السلام) از خدای متعال خواست، خدا گفت این‌جوری عمل بکن برای اینکه قلبت آرامش پیدا کند. این آرامش قلبی را ما باید داشته باشیم؛ هر کسی ندارد، معیوب است؛ یعنی تعبیر بهترش این است که بگوییم معیوب است، اگر خوش‌بینانه نگاه کنیم باید بگوییم معیوب است؛ [اگر هم] بدبینانه نگاه کنیم، خب جور دیگری باید قضاوت کنیم. (بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس - ۱۳۹۶/۰۳/۰۳)

بله این حرف ما نیست، این حرف قرآن است؛ اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ «و لو قاتلکم الذین کفروا لوآوا الأذبار ثم لا یجدون ولیا و لا نصیرا. سنَّه الله الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا». این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که «و لو قاتلکم الذین کفروا لوآوا الأذبار»؛ سنَّه الله است.

بله، آن وقتی که ما حرف حساب خودمان را بلد نباشیم، ندانیم، یا بلد نباشیم بگوئیم و طرح کنیم، یا پای آن حرف نایستیم، یا وسط راه با وسوسه‌های شیطانی یا وسوسه‌های نفس یا تنبلی‌ها پا سست کنیم، مجاهدت به جایی نخواهد رسید؛ معلوم است. بحث بر سر آنجائی است که: «لینصرنَّ الله من ینصره». (۲) دیگر از این تأکید، بالاتر نمیشود. اگر نصرت خدا بکنیم - نصرت خدا با فکر کردن، اندوختن اندیشه‌های ناب، مطرح کردن درست آن در عالم، پای آن ایستادن، تدبیر برای پیشبرد آن به کار بردن، در مقابل خطرات آن سینه سپر کردن - «لینصرنَّ الله»؛ خدای متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد. معنای «لینصرنَّ» این است؛ یعنی خدا حتماً و قطعاً نصرت میکند. «و من اصدق من الله قیلا»؛ (۳) از خدا راستگوتر کیست؟

ملت ایران اینها را در عمل تجربه هم کرده است. اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوشرو حیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید میروید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد.

(سوره مبارکه الفتح آیه ۲۲) وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

ترجمه: و اگر کافران (در سرزمین حدیبیه) با شما پیکار می‌کردند بزودی فرار می‌کردند، سپس ولی و یآوری نمی‌یافتند!

امروز هم ملت ایران آرمانهایی دارد، داعیه‌هایی دارد، حرفهای بزرگی دارد؛ هم برای کشور خودش، هم برای دنیای اسلام، هم برای عالم بشریت. در مقابل ملت ایران هم گرگهای گرسنه، سببهای افسارگسیخته، این کمپانی‌های زر و زور، این مجموعه‌های دنیاطلب دنیاپرست صف کشیده‌اند؛ اسلحه میسازند، اسلحه صادر میکنند، جنگ می‌افروزند، سازمان ملل را با میل و اراده‌ی خودشان می‌چرخانند؛ هر جا میخواهند، افراد نظامی می‌برند؛ جنایت میکنند، از ظلم حمایت میکنند، از صهیونیستهای غاصب حمایت میکنند؛ ظلم میکنند در جامعه‌ی بشری، با قدرت ظاهری، با کبکبه و دبدبه‌ی ظاهری؛ از قبیل همانی که نمونه‌اش را در دوران طاغوت در ایران میدیدیم. امروز هم یک عده‌ای میگویند: آقا مگر میشود در مقابل این صفِ به‌هم‌پیوسته‌ی دشمنان مسلح به پول و زور و رسانه و اقتصاد و سیاست و همه چیز ایستاد؟ مگر میشود پیش برد؟ امروز هم همان حرف است. این یک تجربه است.

در طول این سی و یکی دو سال، ملت ایران با این تجربه توانسته است کارهای بزرگی بکند؛ هم توانسته خود را از لحاظ معیارهای مادی بالا بکشد - همین پیشرفتهای علمی، همین پیشرفتهای فناوری، همین اشتغال دائم به کار در سرتاسر کشور، نشانه‌های پیشرفت مادی است - هم از لحاظ معنوی توانسته است خود را به یک سطح عالی و راقی برساند. ما آیات الهی را دیدیم، نشانه‌های کمک خدا را دیدیم. قبلها کمک الهی و پشتیبانی دست قدرت خداوند را فقط در کتابها میخواندیم؛ امروز در صحنه حس میکنیم،

لمس میکنیم؛ همان طور که امام بزرگوار ما این را لمس کرده بود و به من فرمود. دل او قرص بود، چون دست قدرت الهی را میدید.

ملت ایران در میدانهای گوناگون، کمک الهی را، حمایت الهی را لمس کرده است، حس کرده است؛ وقتی توی صحنه است، وقتی آماده‌ی مجاهدت است؛ در جنگ تحمیلی یک جور، در قضایای گوناگون یک جور، در تحرکات سیاسی و در فتنه‌ها یک جور. در همین فتنه‌ی سال ۸۸ دست قدرت الهی بود؛ مردم بیدار شدند، مردم وارد صحنه شدند و یک حرکت عظیم را خنثی کردند. (بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۹۱/۱۰/۱۹)

انتقال این تجربه به آفریقای جنوبی و پیروزی بزرگ بر رژیم نژادپرست

«نلسون ماندلا» (۳) این جا آمد؛ قبل از این که رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی سقوط کند؛ تازه از زندان آزاد شده بود. البته من قضایای انقلاب در آن کشور را خبر داشتم. در زمان ریاست جمهوری، سفری به مناطق جنوب آفریقا کرده بودم؛ آن جا مطلع شدم که دوستان و نزدیکانش او قضایای انقلاب ایران را در زندان به او میدادند و او تحت تأثیر بود و از داخل زندان نسبت به امام اظهار ارادت کرده بود. البته این اظهار ارادت و تحت تأثیر قرار گرفتن مخصوص او هم نبود؛ من او را به خاطر مطلبی که میخواهم بگویم، مثال میزنم؛ وگرنه شخصیت‌های بسیار برجسته‌تر از او هم در دنیا بودند که همین‌طور تحت تأثیر بودند. راجع به انقلاب شنیده بود، آمد این جا. یک گره کوری در آفریقای جنوبی بود که این همه مبارزات - سی سال، چهل سال مبارزه کرده بودند - به جایی نمیرسید. این جا با من ملاقات کرد، به او گفتم که تجربه‌ی امام و انقلاب ایران این بود: تجربه‌ی حضور دلها و تن‌ها؛ بدون به کار بردن سلاح، با پشتوانه‌ی اعتقاد و عاطفه. به اعتقاد من وقتی خیابانهای شهرها از این مظهر حضور مردم مؤمن پر شدند - از هرکسی هم بر نمی‌آید؛ یک نوع ایمان لازم است - در مقابل این عظمت، همه‌ی نظامهای سیاسی فرو میریزند. او همان جا نکته را دریافت. بعد از اندکی، حرکت‌های عظیم خیابانی را در آن جا شنیدیم که به تغییر آن رژیم حقیقتاً قهار و سفاک منتهی شد؛ به طوری که بعضی از شخصیت‌های سفیدها آن جا مجبور شدند با اینها همکاری کنند! بنابراین یک نظام چندین ده ساله‌ی نژادپرستِ ظالمِ ستمگر، با این حرکتی که الهامش از



انقلاب اسلامی گرفته شده بود، از بین رفت. امروز هم در دنیا این روش کار، روشی مؤثر و مقبول شد است. قبلها معمول نبود.

عظمت این ایستادگی و مقاومت رازمانی می‌شود بهتر درک کرد که به تاریخ نظری بیفکنیم در دوره رضاخان که شاهپرستان این قدر از اقتدارش افسانه می‌بافند با این دوره مقایسه کنیم در آن دوره وقتی انگلیسی‌ها قصد اشغال کشور را کردند به جز همان سه نفر مرزبانی (سایت پارسینه - ۱۳۸۸/۱۲/۰۳) که برای ورود به مرز کشتند تا تهران و در حقیقت اشغال یکباره همه خاک ایران را هیچ مانعی وجود نداشت به راحتی شاه ایران را به اتهام اینکه رادیو آلمان را گوش می‌داد عزل و ذلیلانه از کشور اخراجش کردند و پس از آن با یک تصمیم انگلیسی بحرین این پاره تن ایران را از ایران جدا کردند و شیخ‌نشین تحت حمایت خود ساختند. اگر رضاخان و امثال او در مقابل اینهمه توطئه و شرایط بین‌المللی علیه ایران در کشور حاکم بودند دشمن خاک ایران را ده‌ها بار به توبره کشیده بود.

### **تولد یک نیروی جدید از دل هر مقاومت خداجویانه**

تجربه هفتم درس راهبردی دیگری که از این حوادث می‌توانیم بگیریم این است که هرگاه ملتی موحد و خداجو در مقابل هجوم دشمن قرار گیرد و تصمیم و اراده‌ی مقاومت و ایستادگی کند و این اراده را عملاً به اجرا گذارد. از درون آن مقاومت نیروی جدیدی بر نیروهای آن ملت افزوده خواهد شد.

در مقابل رژیم تادندان مسلح شاه خیلی‌ها بقول خودشان عقلانی توصیه می‌کردند که کنار بیایید می‌گفتند "حالا که شاه از طریق شورای سلطنت باب مذاکره را باز کرده تندروی را کنار بگذارید مذاکره کنید سهمی در حکومت بگیرید ادامه این مقاومت مثل جنبش‌های قبلی در کشور به جایی نخواهد رسید، مبارزه بی‌فایده است لاقلاً از طریق مذاکره بخشی از مشکل را حل کنید".

امام(ره) فرمود: سازش نمی‌کنم طاعت باید برود مردم هم مقاومت را پذیرفتند و در صحنه ماندند سختی‌هایی داشت اما از میان سختی‌های آن مقاومت یک نظام مقتدر متولد شد و نیرویی به ملت داده شد که چهل سال است مستمراً پیشرفته است و استکبار را به عقب رانده است و به ملت ایران عزت و کرامت بخشیده است.

## تولد نیروی امنیتی قدرتمند

وقتی با هدایت آمریکا و انگلیس و فرانسه امواج ترورهای گسترده و کشتارهای مردم و مسئولان کشور آغاز شد منافقین، فرقان، چریکها، کمونیست، دمکراتها و .. به جان مردم افتادند عده‌ای نصیحت کردند که با این‌ها کنار بیایید یک سهمی در حکومت به آن‌ها بدهید و غائله را ختم کنید طرفداران سازش می‌گفتند: قدرت‌های بزرگ هم نمی‌توانند بر گروه‌های چریکی فائق آیند چه برسد به شمایی که دستگاه اطلاعاتی مجرب و توانمند ندارید بحران درست نکنید عقلانی عمل کنید سازش کنید مشکل حل می‌شود.

ولی فقیه فرمود: می‌ایستیم و به این مزدوران غرب و شرق باج نمی‌دهیم. ملت هم‌پشت سر او ایستادند و درصحنه آمدند و خود بساط منافقین و دیگر تروریست‌ها را جمع کردند " از دل این مصاف بزرگ ضد تروریستی نیروی امنیتی و اطلاعاتی متولد شد " که بدون شک تواناترین نیروی امنیتی منطقه و یکی از قدرت‌های امنیتی جهان است که صدها طرح خرابکارانه، جاسوسی، براندازی، ترور و آشوب را خنثی کرده است. و کارهایی را که کشورهای در تراز ایران مطلقاً نمی‌توانند انجام دهند انجام می‌دهد. جاسوسان ابرقدرت‌ها و صهیونیست‌ها را دستگیر می‌کند، تروریست تحت مدیریت آمریکا را در آسمان ایران شکار می‌کند و ... اگر به پیشنهاد آن به اصطلاح عقلای محافظه کار عمل می‌کردیم بجای مقاومت راه سازش در پیش می‌گرفتیم و جرثومه‌ای مثل رجوی و قاسملو را در حکومت راه می‌دادیم الان اوضاع ایران چه بود؟ چیزی مثل افغانستان و یا بدتر.

## تولد نیروی دفاعی شکست ناپذیر

وقتی جنگ تحمیلی علیه ایران اسلامی آغاز شد؛ و ابرقدرت‌ها بعد از اشغال بخش‌هایی از خاک ایران توسط ارتش بعث هیئت صلح فرستادند و پیشنهادها کردند بیایید آتش بس دهید آقایان به اصطلاح اهل خرد ریش جنبانند و گفتند با این ارتش بهم ریخته که داریم و این سپاه نو پا چه می‌توانیم بکنیم؟ بهترین فرصت است که صلح کنیم امام فرمود تا دشمن سرزمین ما را در اشغال دارد آتش بس معنی ندارد چراکه اگر در این شرایط آتش بس دهیم مجبوریم درازای رفع اشغال خاکمان امتیاز به اشغالگران بدهیم. و یا مثل دولت‌های گذشته از قطعه‌ای از خاکمان صرف‌نظر کنیم او فرمان داد مقاومت می‌کنیم مردم پذیرفتند و به میدان آمدند و امام خود را در مقاومت تنها نگذاشتند. نتیجه علاوه بر پیروزی و آزادی تمامی زمینهای اشغالی دستاوردهای بی پایان دیگری هم حاصل شد.

این مقاومت سختی‌ها و تلخی‌های زیادی داشت اما شیرینی‌های بسیار بزرگ‌تری را برای ملت ایران به دنبال داشت تنها یکی از قدرت‌هایی که در دل این مقاومت متولد شد قوی‌ترین نیروی دفاعی بلامنازع منطقه است. ایران صاحب یکی از قوی‌ترین نیروهای مسلح جهان شد نیروهایی که امروز در مقابل ابرقدرت‌ها بازدارندگی ایجاد کرده اند این مقاومت در دفاع مقدس محصولات فراوان دیگری به ملت ارزانی داشت توانایی‌های بزرگ بومی سدسازی، جاده‌سازی، پل‌سازی بومی، توان پزشکی و اورژانس فوق‌العاده و استثنایی، توان فناوری و تسلیحاتی ... همه مولود همین مقاومت‌اند. این یعنی تولد قدرتهای جدید از دل مقاومت. توانهایی که در همه ی آنها قبل از جنگ ناتوان و وارد کننده آن خدمات بودیم امروز از صادر کنندگان پیشرو هستیم.

## تولد توانایی تسخیر فضا

وقتی جنگ شهرها شروع شد و دشمن شهرهای بزرگ ما از جمله تهران را با موشک‌های ۹ متری و ۱۲ متری هدف قرار می داد و یک تن مواد منفجره را در شهرهای بزرگ به زمین می‌زد و رعب و وحشت خیلی‌ها را فراگرفت هر قدر تلاش کردیم از صنعت و دانشگاه کمک گرفتیم که بتوانند موشکی با برد ۱۳۰ کیلومتر که از مرز ایران به بغداد برسد ولو با هیچ دقت خاصی نه با سر جنگی یک تنی بلکه حتی ۵ کیلوگرم مواد منفجره را به بغداد پرت کنیم تا شاید جواب حداقلی به موشکباران شهرهایمان بدهیم تمام توان فناوری آن روز ایران که روی هم ریخته شد تا آخر جنگ نتوانستیم که نتوانستیم ولی کار هوا فضا شکل گرفت و دانش پایه آن بدست آمد.

با وجود اینکه به سلاح متقابل دسترسی پیدا نکردیم امام فرمود می‌ایستیم و مردم از زیر بار سختی مقاومت فرار نکردند و درحالی‌که آژیرهای حمله هوایی قطعی است به صدا درآمده بود مردانه زیر موشک‌باران در خیابان‌ها راهپیمایی کردند فریاد زدند "جنگ جنگ تا پیروزی". "و موشک جواب موشک"

از دل این مقاومت نیروی موشکی متولد شد بدست آوردن چند فروند محدود موشک‌های قدیمی زمین به زمین از یکی از کشورها و تلاش علمی و فنی برای مهندسی معکوس آغازی بر راهی بود که ما را به فضا رساند و ایران در این مسیر به جایگاهی از فناوری رسید که می تواند هر قدر سر جنگی را بخواهید در هر نقطه از جهان که بخواهید و هر زمانی که فرماندهان اراده کنند با دقت بی‌نظیر فرود آورد. موشک‌هایی که در برد هزاران کیلومتر کمتر از ۵ متر خطا دارند. همان نیرویی که از پرتاب یک سر جنگی ۵ کیلویی به بغداد در فاصله ۱۳۰ کیلومتری مرز ایران عاجز بود

امروز ماهواره می سازد به هوا پرتاب می کند و در مدار قرار می دهد. این یعنی تولید قدرت جدید از دل هر مقاومت. اگر آن روز بجای ایستادگی و جمع آوری توانمندیها برای رسیدن به این فناوری راه سازش را پیش می گرفتیم از طرق معمولی رسیدن به این توان هوا فضایی که امروز داریم ۵۰ سال دیگر وقت می خواست.

## تولد قدرت تسلیحاتی پیشرفته و منحصر بفرد

دشمن تحریم شدید تسلیحاتی را علیه ایران وضع کرد با چراغ سبز عده‌ای شناخته شده، مک فارلین با کیک و کلید و هواپیمای پر از تسلیحات پیشرفته بلوکه شده ایران در آمریکا مخفیانه به ایران آمدند و بعضی‌ها توصیه کردند که حالا وقتش است با آمریکا که خودش دستش را برای دوستی دراز کرده پیمان بندیم و با آنها کنار بیاییم. امام فرمود: سازش با دشمن حيله گر ممنوع و ملت پشت سر او ایستادند نتیجه آن شد که نیروهای فنی خودمان به تمام رموز تسلیحات پیشرفته و پیچیده و قطعه سازی پیشرفته ترین بالگردها و جنگنده ها دست یافتند. در نگهداری و بهره برداری تسلیحات موجود کشور خودکفا شدیم.

تکرار این اتفاق در دهه ۸۰ پیروزی بزرگ تری را رقم زد. وقتی هم زمان با اشغال عراق و افغانستان توسط آمریکا و ناتو تحریم تسلیحاتی شدید شرق و غرب مجدداً با قطعنامه های شورای با اصطلاح امنیت سازمان ملل آغاز شد و کشور بار دیگر در محاصره ابرقدرت های جنایتکار قرار گرفت بشدت و تهدید می شدیم آمریکا از طرق مختلف پیام مخفی می فرستاد که امروز و فردا نوبت شماست و جرج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا طی نطقی که گفت: "کشورهای دنیا یا با ما هستید یا اگر با ما نیستند مقابل ما و در حال جنگ با ما محسوب می شوند" خیلی ها دلسوزانه اعتقاد داشتند که در مقابل این پیام باید دست دوستی دراز کنیم و کشور را از خطر حمله قریب الوقوع آمریکا می ترسانند یا ملت را با ترساندن نسبت به پیشرفت افغانستان و عراق تحقیر می کردند و می گفتند بزودی افغانستان و عراق اشغال شده زیر سایه آمریکا مثل ژاپن می شوند و ایرانی ها باید بروند در افغانستان کارگری کنند. بهترست خودمان داوطلبانه برویم با آمریکا رابطه برقرار کنیم که ضایع نشویم. همزمان یک تحریم بسیار سخت گیرانه نسبت به صادرات مواد اولیه و قطعات قابل بکارگیری در تسلیحات به جمهوری به تصویب رسید و صنعت دفاعی که برایش به صرفه نبود هزاران قطعه و آلیاژها و ترکیب های پیچیده مواد اولیه را خودش تولید کند در بحران جدی قرار گرفت.

انقلاب تحت تأثیر این تهدیدها و تحقیرها واقع نشد و رهبری معظم انقلاب اسلامی رسماً جواب این پیام را دادند و موضع خودشان را مبنی بر عدم پذیرش سلطه آمریکا اعلام کردند. فرماندهان صنعتگران و دانشگاهیان سنگ تمام گذاشتند و کشوری را که تا آن روز هیچ سلاح بومی برای پاسخ به این تراز از تهدیدات نداشت و تمام زرادخانه هایش هم خالی بود ظرف فقط یک دهه به طبقه اول دارندگان صنایع دفاعی جهان تقریباً در تمامی رشته‌های صنعتی رساندند. کفایت فهرست تسلیحات ساخت ایران در سال ۱۳۸۰ را با فهرست سال ۱۳۹۰ مقایسه کنید تا شگفت زده اعجاز خداوند را ببینید چطور ممکن است این حجم متنوع تسلیحاتی در سخت ترین شرایط تحریم در داخل ایران و بدون هیچ کمک خارجی طراحی شود و به تولید برسد. ای کاش روزی بتوانیم در این باره کتابی بنویسیم تا همه ی ملت ها اعجاز مقاومت و اوج توانایی انسان مظلوم مصمم در تحمیل اراده ی خود به دشمن ظالم مسلط به عینه ببینند.

در انسان ظرفیت های فراوانی نهفته است که در شرایط مادی قابل استحصال نیست ولی در شرایط تهدید و اضطرار شکوفا می شود آنکه از تهدید نترسد و خود را تسلیم نکند و درصدد راه چاره و مقاومت برآید این یک فرصت شگفتی ساز برای او خواهد بود و ظرفیت های نهان او را شکوفا می کند.

در عرصه علمی تحریم شدیم و راههای پژوهشگاهها و مراکز تحقیقاتی و دسترسی منابع علمی دنیا به روی دانشمندان و محققان ایرانی بسته شد فرمان مقاومت و جهاد علمی که از سوی رهبری صادر شد دانشجویان و دانشمندان ایران اسلامی هم کم نگذاشتند و با سرعت ایران را به پرشتابترین سرعت علمی جهان رساندند. سرعتی که شگفتی ساز شد و تصویر رهبری را روی جلد معتبرترین نشریات علمی جهان نشانده انهم با این تیتیر که "رهبران کشورها در تشویق علم از این مرد یاد بگیرید".

## **تولد توان هسته ای و رسیدن به ۸ کشور باشگاه اتمی جهان**

در انرژی هسته‌ای تحریم شدیم فرمان مقاومت آمد در جا نزدیم و ایستادیم. به فناوری هسته‌ای به حلقه چند کشور برتر جهان رسیدیم.

در تمامی این موارد اگر راه سازش را پیموده و از مقاومت ترسیده بودیم یا به طمع رفاه و آسایش با دشمن کنار آمده بودیم بدون شک این پیشرفت‌های درخشان و تولد قدرت‌های جدید حاصل نمی‌شد.

## تولد حزب الله شکست ناپذیر

خلاصه این قصه سر دراز دارد سری که به آن سوی مرزها می‌رسد وقتی مکتب مقاومت الگو شد و توسط دیگر ملت‌ها همین الگو پیاده شد نیروهای حیرت‌انگیزی متولد شدند که برق از سر استکبار جهان پرید. صهیونیست‌ها بارها و بارها به کشورهای عربی حمله کرده بودند و پیروز و مقتدرانه به نتیجه رسیده بودند اینبار با ظهور انقلاب اسلامی و آموزه‌های الهی آن جوانان لبنان تصمیم به مقاومت گرفتند.

با همین فرمول مقاومت حزب‌الله قهرمانی متولد شد که تنها با چند هزار نیرو بسیار قوی‌تر و کارآمدتر از ارتش صدها هزار نفری کشورهای عربی عمل کرد.

و برای اولین بار در سال ۲۰۰۰ صهیونیست‌ها از سرزمین‌هایی که از سال ۱۹۸۲ در اشغال خود داشتند بیرون کرد.

تجاوزات صهیونیست‌ها پس از فرار مفتضحانه از جنوب لبنان بصورت ترور، حملات هوایی و حملات موشکی ادامه یافت اما نیروهای حزب الله لبنان بجای کوتاه آمدن در مقابل نیروی برتر تصمیم به مقاومت گرفتند این مقاومت حزب الله لبنان که یک گروه کوچک چریکی بود تبدیل به یک قدرت موشکی باتوان پدافندی، دریایی، زمینی به زمین و پهپاد کرد. شش سال بعد از ۲۰۰۶ صهیونیست‌ها تهاجم نظامی جدیدی را پی ریختند و تمامی زیرساخت‌های لبنان از جمله کلیه اماکن متعلق به حزب الله در سراسر لبنان را با حملات هوایی و موشکی نابود کردند ولی حزب الله تصمیم به مقاومت گرفت و در مقاومتی شگفت‌انگیز ارتشی را که کل ارتش‌های کشورهای عربی هیچوقت نتوانسته بودند شکست دهند تنها با تقدیم ۱۰۰ شهید که بالاترین رده آن فرمانده گروهان بود ۳۳ روز بطور قاطع شکست داد و دشمن را وادار به پذیرش شرایط خود نمود.

این مقاومت حزب الله را به قدرتی شکست ناپذیر تبدیل کرده که پیشرفتهای سازماندهی، تسلیحات و تاکتیک‌های جدید آن برای دشمن غیر قابل تصور است این نیروی بظاهر کوچک با فرمول مقاومت و ایستادگی تا آزادی کامل فلسطین امروز توازن قوا را با دشمن برقرار کرده بطوریکه صهیونیست‌ها که هر روز در لبنان عملیات هوایی داشتند ۱۲ سال است جرأت کوچکترین تجاوزی نداشته‌اند. امتحان الهی مجدد حزب الله در مقابل داعش و انتخاب گزینه مقاومت بجای سازش در این معرکه هم نیروی جدیدی را خلق کرده است امروز توان حزب الله در مقابل ارتش

صهیونیستی که ۱۳ سال پیش شکست داد دهها برابر افزایش یافته و در جنگ زمینی قدرتی را پیدا کرده اند که براحتی می توانند در نبرد بعدی خود را به تل آویو برسانند و این ثمره ی مقاومت در مقابل داعش است.

نیروی مقاومت فلسطین در غزه از دل مقاومت به قابلیت بازدارندگی رسید و سه بار رژیم صهیونیستی را با قاطعیت شکست داد و فلسطینی که همیشه در مقابل تجاوزات صهیونیست ها عقب می نشست با اراده ی مقاومت بازدارندگی رسید مقاومت از فلسطین توسری خور نیرویی ساخت که امروز در محاصره ی همه جانبه دشمن خودش پهباد می سازد و می تواند پایتخت دشمن را هدف قرار دهد نیرویی که قوایش را همه کسی نمی دید.

وقتی ۲/۳ خاک عراق توسط داعش اشغال شد و پیشروی نیروی پیروز و درنده داعش بسوی مرزهای ایران و جنوب عراق آغاز شد هیچکس امیدی نداشت اما فرمول مقاومت همه ی معادله را بهم زد تصمیم به مقاومت از سوی مرجعیت و اجابت مردم نه تنها موجب نابودی داعش شد بلکه نیروی عظیمی را برای مردم عراق شکل داد که امروز نه تنها با حضور حشدالشعبی هیچ قدرتی حتی آمریکا جرأت تجاوز به عراق را ندارد بلکه این نیروی عظیم یک خطر جدی برای رژیم صهیونیستی محسوب می شود.

این همان حادثه ای بود که در سوریه افتاد و در آنجا نیز تصمیم به مقاومت علاوه بر پاکسازی بخش اعظم خاک سوریه که تقریباً بطور کامل در اختیار تکفیری ها تحت حمایت رژیم صهیونیستی بود نیروی مقتدر ارتش مردمی سوریه را برای دولت انقلابی آن کشور ایجاد کرد و یک خطر جدی برای صهیونیست ها شکل داد.

همه ی اینها اثبات می کند که اگر بجای نرمش راه مقاومت و ایستادگی در پیش گرفته شود علاوه بر پیروزی نیروی جدیدی هم به قوت موجود افزون خواهد کرد.

از این تجارب انباشته می توان نتیجه گرفت " **مقاومت مردمی + اخلاص در عمل برابر است با تولد نیروی جدید برای آن ملت مقاوم**". این همانا وعده خداست که فرمود: **و قل استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدراراً و یزدکم قوه الی قومکم سوره هود**. ترجمه: بگو در پیشگاه پروردگارتان طلب بخشش کنید و به سوی او باز گردید آسمان را بر شما می بارانم و نیرویی را به نیروی شما می افزایم.

و فرمود: **وان لوا استقاموا علی الطریقه لا سقیناهم ماءً غدقا سوره جن**. ترجمه: و اگر آنها بر راه حق مقاومت می کردند آنها را از آب زلال می نوشاندم.

از این تجارب ارزشمند می توان نتیجه گرفت اگر در اقتصاد هم بجای چشم داشتن به دشمن مثل این عرصه ها راه مقاومت را در پیش بگیریم در اقتصاد ملی ما هم همین معجزه ها بوقوع خواهد پیوست و به جایگاههای برتر جهانی در اقتصاد هم می رسیم.

تجربه دیگر راهبردی چهل ساله انقلاب اسلامی یعنی تجربه هشتم و درس دیگری که از این حوادث می گیریم این است که حفظ وحدت ملی و انسجام اسلامی ضرورت حیاتی برای موفقیت ملت ایران و پیشبرد اهداف است، استقلال آزادی و امنیت کشور، حفظ منافع ملی، عزت و اقتدار و وصول به زندگی بهتر فقط در سایه وحدت میسر می شود. چنانچه تا کنون همه پیشرفت ها در پرتو وحدت حاصل شده حملات تروریستی و حمله نظامی و کودتاها را با وحدت دفع کرده ایم و کشور خودمان را با وحدت بازسازی کرده ایم و هر جا که کوچکترین خدشه ای به وحدت و انسجام ملی وارد شده مانند سال های دهه ۶۰ و سال ۸۸ کشور خسارت های فراوانی را دیده است.

تجربه به ما نشان می دهد که اگر وحدت داشته باشیم، بزرگ ترین دشمنان هم نمی توانند بر ما غلبه کنند صدها توطئه که هیچ هزاران توطئه شوم خنثی خواهد شد. آنها که ملت ایران را از حمله مستقیم آمریکا می ترسانند و هراز گاهی بنا به دستور شایعات آن را بر سر زبان ها می اندازند، باید بدانند که تا وحدت داریم، یقیناً آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

ایران بزرگ اسلامی امروز با قدرت و وسعت و تسلط بر حساس ترین نقطه جهان که هیچ، ضعف و ناتوانی شدید امروز آمریکا در اعمال قدرت نظامی که هیچ اگر ایران هم ایران امروز نبود و آمریکا هم آمریکای مقتدر گذشته بود باز هم نمی توانست چنین غلطی را بکند چرا که رژیم آمریکا از آغاز دوره ابرقدرتی و استعمارگری خود تا امروز هیچ گاه جرأت حمله به یک کشور متحد را نداشته است.

هرچند آمریکا تا کنون به پنجاه کشور جهان لشکرکشی و تجاوز نظامی داشته است و از همین جهت ما این رژیم را وحشی و سلطه گر با خوی تجاوزکارانه غیرقابل اصلاح می شناسیم اما تمامی این تجاوزات به کشورهایی بوده که ابتدا در آنها شکافی ایجاد کرده است و تجاوز مداخله گرانه ای که انجام شده و در ظاهر به نفع یکی از طرف های درگیر داخلی بوده است تجاوز به ویتنام به بهانه حمایت از ویتنام جنوبی، حمله به افغانستان به بهانه مقابله با طالبان و دفاع



از دولت قانونی، حمله به عراق به بهانه حمایت از معارضة و انتفاضه و... بر اساس این تجربه تاریخی و سنت آمریکا باید به هرکسی که چنین شایعه را می پراکند، باید گفت که قرینه تجاوز نظامی آمریکا به ایران بروز شکاف و دودستگی گسترده در میان ملت ایران و ظهور یک نیروی قابل اتکای داخلی برای پیاده نظام آمریکاست. این موضوع علاوه بر ماهیت راهبردی به ویژه در سال های اخیر علت تاکتیکی هم دارد و آن اینکه اساساً آمریکا روی زمین رزمنده ای که بتواند بجنگد، ندارد و توان رزم زمینی آمریکا بیشتر یک توان نمایشی به ظاهر رعب انگیز اما به شدت ناتوان است که در هر معرکه ای معمولاً شکست می خورد و رمز ناتوانی آنها در برقراری امنیت افغانستان و عدم حضور در عراق همین است. آمریکا رزمنده ای که بخواهد روی زمین بجنگد و برای کشورش فداکاری کند ندارد و در تجاوزات چاره ای جز استفاده از مزدور ندارد مزدورانی که غالباً باید آنها را در قوای متعارض در یک کشور جستجو کرد.

آنچه می توان از مجموع مباحث این فصل نتیجه گرفت اینست که:

انقلاب اسلامی با تمامی خصوصیات خود در این چهل سال بخوبی پیش رفته است و نظام رسالت خود را که حفظ استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی بوده است بنحو شایسته انجام داده است و خللی در این مقوله های کلان نیست که هیچ بلکه امروز انقلاب و نظام اسلامی در اوج اقتدار و بالندگی رو به جلو در حال حرکت است.

# فصل پنجم

## اداره و پیشبرد کشور

## فصل پنجم: اداره و پیشبرد کشور

و اما در «جبهه دوم» یعنی «اداره کشور و پیشبرد آن به سوی اهداف»

رسالت اصلی انقلاب اسلامی ساخت و ساز و عمران و آبادی نیست. بلکه رسالت انقلاب اسلامی چیزی است که ساخت و ساز و عمران و آبادی باید از پیامدهای آن باشد رسالت انقلاب اسلامی ليقوم الناس بالقسط است یعنی ایجاد شرایطی و رفع موانع در راه حرکت آزاد مردم بسوی کمال. اجزای این رسالت همانهاست که در شعار اصل انقلاب اسلامی متبلور است یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. انقلاب آمده است که استقلال کشور را برقرار نگه دارد منابع و امکانات کشور در خدمت مطامع بیگانگان و قدرتهای سلطه گر قرار نگیرد بلکه در اختیار ایرانیان باشد و انقلاب آمده است تا آزادی را حفظ کند و نگذارد منابع و امکانات کشور در اختیار یک فرد یا گروه خاص خودرأی و مستبد نباشد بلکه مردم آزادانه در مورد خود و منابع کشورشان تصمیم بگیرند و انقلاب آمده است تا کشور بر اساس ضوابط و سنت های الهی تنظیم شود و کشور در مسیر عبودیت خدای متعال حرکت کند که اگر نکند یقیناً به یکی از دو دام سلطه جهانی یا دیکتاتوری داخلی و یا هر دو می افتد انقلاب اسلامی آمده است تا با دفع سلطه خارجی دیکتاتوری داخلی فرصت را برای اعمال اراده ی آزادانه مردم فراهم کند و آنها از مسیر انتخاب آزاد اداره ی کشور را در دست گیرند اگر منصفانه به تاریخ چهل ساله بنگریم انقلاب اسلامی توانسته بخوبی این رسالت های خود را عملی کند و ما که در سایه ی این انقلاب کبیر همیشه انتخاب آزادی داشته ایم و خود برای کشور قانونگذاری و برنامه ریزی کرده ایم اگر کم و کاستی در برنامه ها باشد باید خودمان و یا برگزیدگان خودمان را مؤاخذه کنیم و نه اینکه این کاستی ها را به گردن انقلاب اسلامی بیاندازیم.

در حالیکه متأسفانه با مغالطه گری دستگاه جنگ روانی دشمن این پدیده امروز در افکار عمومی جا افتاده است که هر مشکل کوچکی را که طبیعتاً محصول انتخابهای خود ماست به کل انقلاب نسبت می دهیم، که کاری کاملاً غلط است. انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن رسالت هایی که گفته شد را به نیکی محقق کرده اند و در عرصه های میدانی آنچه واقع می شود محصول انتخاب مردمی است که با انقلاب حق انتخاب آزاد را کسب کرده اند.

این نکته درست است که فرض انقلاب اسلامی این بوده که وقتی استقلال و آزادی و جهت گیری اسلامی را برای کشور به ارمغان آورد و از سلطه گری خارجی و دیکتاتوری داخلی خبری نباشد طبیعتاً باید استعدادهای مردم شکوفا

شود و پیشرفت های بیشتری حاصل شود حال می خواهیم ببینیم آیا چنین اتفاق افتاده است؟ آیا استقلال و آزادی و جهت گیری هایی که انقلاب اسلامی برای ایران به ارمغان آورده است توانسته فضای شکوفایی استعداد های مردم و پیشرفت بهتر از گذشته را حاصل کند یا اینکه بازگشت تحت سلطه بیگانه و دیکتاتوری مفیدتر است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که انقلاب اسلامی برای پیشرفت هم مانند عرصه دفاع و امنیت بیشتر الگوی دولتی منطبق بر همه ی ارزشهای اسلامی را دارد و شکوفایی و جهش بزرگ به سوی کمالات در دولت کریمه اسلامی و اجرای آن الگوست است که محقق خواهد شد اما هر چند انقلاب کبیر اسلامی هنوز به الگوی کامل دولت اسلامی نرسیده است و نتوانسته دولت مطلوب انقلاب را سر کار بیاورد اما قطعاً نمی توانسته کشور را تا رسیدن به این الگو متوقف نگهدارد بلکه می باید بموازات تلاش برای دسترسی به ساز و کارهای دولت اسلامی و آماده سازی کادرهای آن در حد توان کشور را پیش می برده و الگوهای کامل را از درون همین تلاشها و تجربهها بدست می آورد آیا چنین توفیقی حاصل شده است؟ آیا فرصتی که انقلاب اسلامی برای اعمال اراده ی مردم و تحقق مردم سالاری ایجاد کرد از لحاظ پیشرفت کشور و اداره صحیح امور مردم بنفع ایرانیان شده یا به ضرر آنها؟

### **شاخص های پیشرفت و عقب ماندگی**

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید شاخص های پیشرفت و عقب ماندگی را معین کنیم. سپس وضعیت موجود را با آن شاخصها بسنجیم. تعیین این شاخصها نکته ای بسیار چالش بر انگیز است. چرا که دشمنان با عملیات گسترده رسانه ای روش های عجیب و شاخص های غیر علمی فراوانی را بکار گرفته و مرتباً تکرار کرده اند که تا حدی در افکار بخشهایی از جامعه نفوذ کرده اند تعیین شاخص علمی و سنجیده برای ارزیابی عملکرد انقلاب اسلامی در اداره و پیشبرد کشور و نهادینه کردن آن کار آسانی نیست.

### **مغالطات و جنگ روانی**

جنگ روانی دشمن بقدری سنگین و پردامنه است که گاهی موجب می شود افراد آنچنان مسحور آن می شوند که واقعیت روشنی را که خودشان در آن قرار دارند را نمی بینند و واقعیت ملموسی که آنها را احاطه کرده را انکار می کنند شخصاً شاهد موارد زیادی از این قبیل بوده ام.

وقتی مسئول سازمان بسیج بودم هر هفته به یک مدرسه در مناطقی که تأثیر بیشتر از شبکه های ماهواره ای و پیام رسان های بیگانه می گرفتند می رفتم و بعد از یک سخنرانی تبیینی در مورد انقلاب اسلامی برای دانش آموزان به سؤالات آنها پاسخ می دادم گاهی پیش می آمد در پرسش و پاسخ دانش آموز یا دانش آموزانی سؤال می کردند چرا در کشور آزادی نیست و بعد که با استدلال برای آنها وجود آزادی در کشور را تبیین می کردم آنها منکر می شدند و با من بشدت وارد چالش می شدند وقتی می دیدم هیچ توضیحی آنها را قانع نمی کند و آنقدر این عبارات را از رسانه های جنگ روانی دشمن در طول سالها شنیده اند که باور قطعی آنها شده است و با استدلال حل نمی شود. وقتی به آنها می گفتم شما که می گوید آزادی نیست در همین یکساعت پرسش و پاسخ هر چه خواسته اید علیه انقلاب و نبود آزادی در کشور در جلوی روی یک فرمانده ارشد نظامی حرف زده اید یک اخم هم از بنده ندیده اید اگر قرار بود آزادی نباشد که باید حتماً تا بحال همین حرفها را بارها به دوستان خودمان گفته اید و این انتقادات را نسبت به نظام مطرح کرده اید اگر آزادی نبود که تا حالا باید چند بار دستگیر می شدید یا لاقبل تنبیه می شدید. وقتی این پاسخ را می شنوند تازه به فکر فرو می روند. و به آثار سوء رسانه هایی که اینطور آنها را تحت تأثیر قرار داده اند تأمل می کنند.

چند سال پیش که ایستگاه مترو هنوز تا محله ما نمی رسید در ایستگاه آخر مترو پیاده شدم و برای رفتن به منزل در تاریکی منتظر تاکسی ایستاده بودم تا به خانه بروم یک موتوری مسافرکش آمد جلوی من ترمز کرد و گفت سردار کجا می روی سوار شو برسانمت متعجب شدم که در تاریکی و با کلاهی که تا روی بینی کشیده بودم چطور مرا شناخت سوار شدم و بلافاصله سر درد و دل را باز کرد معلوم شد یک کارمند جزء با حقوق ناکافی است و بشدت از اوضاع گله مند بود و گله های خود را به اتهام زنی به همه ی مدیران و مقامات کشور تسری داد. در طول راه هر چقدر به ایشان توضیح می دادم اینطور که فکر می کنی نیست و درست است که مدیران متخلف و فاسدی هم هستند اما خیلی ها هم درست کارند و حلال و حرام می شناسند هر چه گفتم او قانع نشد که نشد دیدم داریم به منزل می رسیم و خوب نیست ایشان با این ذهنیت حرف خود را بزند قانع نشده برود. به او گفتم عزیزم شما که می گویی همه مسئولان فاسدند و می چایند اصلاً فکر کرده ای که چه کسی ترک موتور سیکلت شما نشسته است من مسئول کل لجستیک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستم همترازهای من در کشورهای دیگر میلیون ها دلار ثروت دارند و از پورسانت های تسلیحاتی زندگی های رویایی برای خود ساخته اند و برای رفت و آمد چند بنز ضد گلوله آخرین مدل با چندین محافظ آنها را جابجا می کند بنده هم نشسته ام ترک موتور شما، این وضعیت من تنها هم نیست.

منزل بسیاری از سرداران سپاه و امرای ارتش در همین محله است اگر می‌خواهی برویم منزل هر کدامشان را ببین و با دیدن وضع زندگی آنها خودت قضاوت کن که آیا وضع زندگی شان به چاییدن بیت المال می‌خورد؟ اینجا بود که دیگر ساکت شد و دست از غرغرها برداشت و به فکر فرو رفت.

یکی از نمونه‌های رایج جنگ روانی اتخاذ شاخص برتر تفکیکی است که امروز بعنوان بخشی از عملیات روانی بشدت در فضای رسانه‌ای جریان دارد تعیین شاخص برتر تفکیکی مقایسه ایران در هر موضوع با برترین کشور دنیا در همان موضوع است و تحقیر ملت به اینکه آنها کجا هستند، ما کجا هستیم؟ ایران را در صنعت با ژاپن در انضباط با آلمان، در بانکداری با سوئیس در تعداد زندانی با دانمارک در اشتغال با چین و ... مقایسه می‌کنند و پیشرفت آنها را به رخ می‌کشند مثل اینکه فردی را در نقاشی با کمال الملک در شعر با سعدی، در علم با ابن سینا در کشتی با سوربان و در وزنه برداری با رضازاده و ... مقایسه کنند و بعد او را تحقیر کنند که چرا چنین نیستی.

مغالطه مهمی در این شیوه وجود دارد و آن اینکه در پیشرفت می‌باید معدل را گرفت نه آنکه یک کشور را با بهترین در هر موضوع مقایسه کرد چه بسا کشوری که در موضوعی سرآمد است در موضوع دیگر در قعر جدول است یا مثلاً فرض کنید کشوری اروپایی که در موضوع خاص رتبه اول جهان است وقتی رشد جمعیتش منفی است یعنی نسل آن کشور رو به انقراض است قابل الگوبرداری نیست. کشوری که هر سال مجبور است جمعیت سیاه و آسیایی تبار از آفریقا و آسیا وارد کند و به جمعیت کشورش اضافه کند تا چراغ خیابانها و منازل و مدارس کشورش خاموش نشود و چرخ کارخانه‌ها متوقف نگردد و اساساً هویت آن کشور در مسیر نابودی قطعی قرار گرفته است. ولو در صنعت خیلی پیشرفته باشد قطعاً نمی‌تواند الگوی الهام بخش برای ما قرار گیرد. به جدول مقایسه زیر نگاه کنید.

جدول ۱- ضریب جینی ایران و چند کشور دیگر

کشور	نروژ	سوئد	دانمارک	هلند	انگلیس	ایران	آمریکا
ضریب جینی	۰/۲۶۸	۰/۲۷۲	۰/۲۸۵	۰/۲۸۶	۰/۳۴۱	۰/۳۸۸	۰/۴۱۰

اگر فکر می کنید یک دانشجوی ناشی چنین مقایسه ای را کرده است اشتباه می کنید این جدول جزئی از مقاله یک استاد دانشگاه است که در کنفرانس بین المللی مدیریت در ۹۶/۱۰/۲ ارائه نموده وضعیت ضریب جینی در ایران در یک منطقه بحران زده و پرتنش زیر رگبار توطئه و تحریم ها و خرابکاریهای اقتصادی که علیه کشور در جریان است را با ضریب جینی کشورهای اسکاندیناوی در منطقه یخ زده و بی دغدغه نزدیک قطب شمال مقایسه و نتیجه گیری می کند که ما موفق نبوده ایم. این استاد محترم اشاره ای هم نمی کند که آنها از چه سالی برنامه اصلاحات اقتصادی کشورشان را شروع کرده اند و جمهوری اسلامی از سال ۵۷ ضریب جینی کشور را نزدیک به ۵۴% تحویل گرفته و به ۳۸ رسانده است. بعد هم چنین اساتید محترم به روی خودشان نمی آورند عامل اصلی عقب ماندگی در بهبود ضریب جینی خودشان بوده اند در طی دهه های اخیر هر وقت دولت ها تحت فشار و مطالبات رهبری برای بهبود وضع عدالت خواسته اند انضباط اقتصادی برقرار کند همین اساتید محترم فریاد برآورده اند که اقتصاد دستوری نیست و با مصاحبه های مکرر و سخنرانی ها دولت را به عقب نشینی وا داشته اند. در این سالها هر قدر نیروهای حزب الهی تذکر دادند که لیبرالیسم اقتصادی و تجارت آزاد بی کنترل و واگذاری مدیریت اقتصاد و به عرضه و تقاضا آنطوری در کتابها نوشته اند در خود آمریکا هم عمل نمی شود و اینها تئوری است.

اقتصاد کنترل می خواهد این اساتید محترم اظهار فضل نمودند و مانع انضباط شدند حالا که نتایج و آثار دنباله روی کورکورانه از نظریه های غربی آشکار شد، آنرا نقد می کنند و نتیجه گیری می کنند که تقوا و پاکی رهبران اثری در بهبود وضعیت عدالت نگذاشته است و هر چند رهبران جمهوری اسلامی پاکدست هستند و قصد دارند این وضع را بهبود بخشند ولی ---- و تقوا اثری ندارد. بعد هم این استاد محترم بدون نقد سیاست های غلط اقتصادی دولتها که اجرای توصیه های امثال ایشان بوده است در یک روش کاملاً غیر علمی رأساً نتیجه گیری می فرمایند که مشکل از ساختار است. البته بخشی از نتیجه گیریهای ایشان مثل ضرورت کوچک سازی دولت یا ضرورت خلع وابستگی به فروش نفت خام درست است اما نسبت دادن این مسائل به ساختار سیاسی هیچ مبنای علمی ندارد و اساس این مقایسه هم به هر منظوری باشد غیر علمی است چرا که در مقایسه علمی وضعیت کشورها باید تناسبی برقرار باشد و نکته دیگر اینکه با یک مؤلفه نمی شود نتیجه گیری کرد همین کشورها که ضریب جینی خوب دارند منفی ترین رشد جمعیت جهان را دارند و تا چند دهه دیگر کاملاً نابود می شوند و سرزمینشان در دست آفریقایی ها و عرب ها خواهد بود.

نهی اینگونه مقایسه‌ها به معنی موفق دانستن دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در برقراری عدالت یا تقیق پیشرفت‌هایی مورد انتظار نیست بلکه نفی نتیجه‌گیری‌های غلط و مقدمه‌سازی برای پذیرش الگوهای نادرستی است که وضع را از آنچه هست بدتر می‌کند.

مغالطه دیگر اینکه بعضی از این کشورها که هیچ اهمیت ژئوپولیتیک ندارند فاقد منابع و ذخایر زیرزمینی مورد طمع ابر قدرتها هستند آرمان فرهنگی مهمی ندارند و در فرهنگ دیکته شده قدرتها هضم شده‌اند و صرفاً زندگی حیوانی خود را می‌گذرانند را نمی‌توان با کشوری که در قلب حساس‌ترین نقطه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک جهان واقع شده، بیشترین ذخائر زیرزمینی را دارد و بشدت مورد طمع متجاوزان است و بخاطر آزادیخواهی و اعتقادات عدالت‌طلبانه و کمال‌خواهانه و هویت مستقل ضد ظلم مهم‌ترین تهدید برای قدرتهای شیطانی می‌باشد مقایسه کرد. آیا این کشورها برای حفظ استقلالشان تحریم‌های شدید شده‌اند آیا سرمایه‌داران این کشورها با ترفندهای مختلف ترغیب به خروج سرمایه از کشور شده‌اند؟ آیا اخلاهای ارزی در آنها اجرا شده است؟

کشوری که بخاطر این شرایط تحت شدیدترین فشارها و توطئه‌ها بوده با کشوری بی‌خاصیت که تمام هویت او در اختیار سلطه‌گران جهانی است و حرفی برای گفتن ندارد قابل قیاس نیست.

مدل دیگر عملیات روانی ارزیابی ایران اسلامی بر اساس شاخص‌های کاملاً مردود و صد در صد غلط و سپس تحقیر ایران و ایرانی براساس یک نتیجه‌گیری غلط است مثلاً مرتباً می‌شنویم که ایران پنجمین کشور غمگین دنیاست وقتی به زندگی مردم خودمان که شب و روز حتی در وسط میدان جنگ و زیر آتش موشک در حال طنزگویی هستند و در وسط زلزله و سیل پیامک‌های شوخی برای هم ارسال می‌کنند و تا یک روز تعطیل می‌شود و میلیونها سفر به نقاط خوش آب و هوا دارند مراجعه می‌کنیم می‌بینیم این مسأله به مردم ایران نمی‌چسبد، پی‌جو می‌شویم که این آمار را از کجا آورده‌اید ایرانی‌ها را غمگین‌ترین و افسرده‌ترین می‌نامید؟ می‌بینیم شاخص آنها برای ارزیابی شاد یا غمگین بودن مردم یک کشور سرانه وجود کازینو و دانسینگ (رقاص‌خانه) و بار مشروب‌فروشی و نبودن مراسم عزاداری است و یا می‌گویند مردم ایران دومین مردم عصبانی جهان هستند خب به کشورهای مختلف سفر کرده‌ایم و می‌فهمیم که اینطور نیست پس چرا چنین نسبتی را می‌دهند چون تظاهرات و آتش‌زدن پرچم آمریکا و اسرائیل زیاد است. همان استاد محترم در مقاله‌شان به آمار سازمان خصوصی شفافیت بین‌المللی استناد می‌کند که در میان ۱۷۶ کشور جهان رتبه ایران را ۱۳۱ اعلام کرده است.



این استاد محترم بدون اینکه توضیح دهند چرا باید به یک سازمان غیر رسمی که به قرآن زیر سایه یکی از دولت های مخالف و دشمن جمهوری اسلامی ایران است اعتماد کنیم سازمانی که کره شمالی را در زمره فاسدترین کشورهای جهان معرفی می کند حال آنکه همه میدانیم کره شمالی کشور کمونیستی است که پولی در دست مردم و دستگاهها جریان ندارد که به فساد بیانجامد و اسرائیل را که هر روز در خیابانهایش تظاهرات بر علیه فساد است و نخست وزیر آن بخاطر فساد مالی مرتباً به دادگاه احضار می شود را این سازمان شفافیت رتبه اقتصاد می دهد و از جایگاه ۳۱ سلامت اقتصادی در جهان به جایگاه ۲۸ می رساند همزمان یمن و سوریه را که درگیر جنگ، صهیونیست بین الملل هستند را فاسدترین کشورهای منطقه اعلام می کند.

چرا باید چنین موسسه مشکوکی را یک استاد دانشگاه بپذیرد و بلافاصله نتیجه گیری کند این رتبه در شأن انقلاب اسلامی نیست وقتی به معیارهای سنجش این چنین موسساتی مراجعه می کنیم می بینیم مبنا اشکال دارد و غیر از مسأله سیاسی بودن این اعلام ها اساساً شاخص های آنها هم غلط و غیر قابل قبول است.

عدم پذیرش نظر این موسسات بمعنای رضایت ما از سطح و عمق مبارزه با فساد در کشور نیست قطعاً مبارزه با فساد در حد انتظارات نظام و رهبری نبوده است اما اینکه بر اساس عدد سازهایی یک موسسه مشکوک غیر رسمی در میان کشورهای جان بدترین رتبه های فساد را داریم مسأله دیگری و یا مسأله تصور مردم از میزان فساد در کشورها بیشتر موضوع رسانه ای است تا موضوع اقتصادی و بسادگی نمی توان از آن نتیجه گیریهای اقتصادی کرد.

یا رسانه مطالعه روزنامه در کشورهایی که بیشترین مطالعه مربوط به مطبوعات زرد و خزعبلات است و ما در قعر جدول واقع می شویم ولی وقتی اطلاعات سیاسی و بین المللی آنها را با مردم خودمان مقایسه می کنیم آنها به قعر جدول می روند و مردم ما بالا می ایستند.

و امثال این مقایسه های غلط و بی پایه بر اساس شاخص های غیرعلمی و غیرقابل قبول که متأسفانه در رسانه های رسمی کشور هم بدون هیچ ارزیابی درست بیان می شود و هر مجری رسانه ای هم برای اظهار فضل سعی می کند ایران را در این مقایسه ها پایین تر نشان دهد تا جلب توجه بیشتری کند.

همین استاد محترم در مقاله می نویسد نرخ متوسط تورم بین سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ در ایران ۱۸/۹ درصد بوده است این در حالی است که تورم در اکثر کشورها مهار شده و زیر ۵٪ رسیده است در حالی که هر متخصص اقتصادی می

داند که تورم کشور بیرون آمده از ۱۰ سال جنگ و ترور که باید برنامه بازسازی کشور را اجرا کند راباید با تورم کشورهای پس از جنگ مقایسه کرد و نه با سایر کشورها آنوقت خواهیم دید این ارقام خیلی هم کم است.

مدل دیگر ارزیابی غلط ایران اسلامی برای جنگ روانی و تحقیر ملت ایرانی اسلامی استفاده از معیارهای دوگانه است در بعضی مصارف ایرانی ها را با فقیرترین کشورهای دنیا مقایسه می کنند که مصرف ما نسبت به آنها نجومی است و گفته می شود که ملت ایران مسرف هستند چرا که در فلان موضوع چندین برابر فلان کشور مصرف می کنند و در بعضی مصارف با ثروتمندترین و این جمع بندی که ایرانی ها فقیرند چرا که فلان کالا را خیلی کمتر از دیگران مصرف می کنند. مصرف برق و گاز و مخابرات و بنزین برای کشورهای غربی شاخص رفاه محسوب می شود و برای ایران شاخص اسراف است. اگر در کره جنوبی رئیس جمهور بخاطر مفاسد اقتصادی چندین میلیارد دلاری به حبس طویل المدت محکوم می شود می گویند ایران باید مبارزه با فساد را از آنها یاد بگیرد وقتی مبارزه جدی با دانه درشت های فساد در ایران انجام می شود می گویند فساد همه جا را فرا گرفته است.

از حجت های مهم حقانیت انقلاب اسلامی تناقض های فاحش در رفتار و گفتار مخالفان آنست، تا حالا هیچ مخالفتی که گرفتار اینگونه تناقضات فاحش نباشد ندیده ام آنانکه انقلاب اسلامی را متهم به حمایت از تروریسم می کنند خودشان داعش وحشی ترین گروه تروریستی قرن را علیه ایران سازماندهی و حمایت می کنند، آنانکه انقلاب اسلامی را به دیکتاتوری متهم می کنند شکل دهنده استبدادی رژیم های بدون هر انتخابات در منطقه اند، کسانیکه جمهوری اسلامی را به سرکوب هنر متهم می کنند طی یک روند بی سابقه در سنوات پی در پی جوایز اول پر سر و صدای هنری جهان را به آثار هنری تولید شده با جواز و حمایت دولتی جمهوری اسلامی ایران می دهند.

آنها که انقلاب اسلامی را به خیانت به اهل بیت و باج دادن به اهل سنت متهم می کنند و از ممنوعیت توهین به مقدسات اهل سنت مینالند. تنها گروه بنام شیعه هستند که مجوز فعالیت در عربستان و بحرین را دارند و متحد اصلی آل سعود و رژیم ضد اهل بیت و رژیم ضد روضه و عزاداری محرم در انگلیس هستند. آنها که کورش را علم می کنند و روی دوش مجسمه آن پادشاه خونریز که با زور شمشیر و لشکر کشی و کشتار مردم مناطق مختلف آن مناطق را تحت زمامداری خود در آورد چفیه می اندازند و کشور گشایی بازور و سر نیزه را تحسین می کنند جمهوری اسلامی را که بنا به درخواست مظلومان جبهه مقاومت در مقابل سلطه جهانی نیروی کمکی و مستشار به آن کشورها فرستاده متهم به سلطه گری منطقه ای می کنند.

از یکسو از نبود آزادی در کشور دم می زنند همزمان از رضاخان قلدر که اگر کسی بخواهد مجسمه اختناق و خفقان و استبداد درست کند باید مجسمه او را بسازد تمجید و تحسین می کنند، فساد مفسدین بزرگ اقتصادی را به کل نظام نسبت می دهند ولی خودشان دریافت کنندگان اصلی مالی از مفسدین اقتصادی دارند، محکومان اقتصادی را در رأس احزاب خود می گذارند و هر وقت پرونده فساد بزرگ گشوده می شود در آن تشکیک و آنرا سیاسی می کنند از بی عدالتی می نالند و خود را عدلخواه می نامند ولی وقتی نزدیکان آنها جرم مبتن مرتکب می شوند برای جلوگیری از رسیدگی تا می توانند علیه قوه قضائیه جو سازی می کنند و ....

انواع این مدل های غلط که فقط برای تخریب ایران اسلامی و تضعیف روحیه مردم ابداع شده سال هاست که جریان دارد و فضای مجازی خصوصی و شبکه های اجتماعی هم که هر کس بی حساب و کتاب هر حرفی را بخواهد در ابعاد ملی منتشر می کند به این ارزیابی های غلط و غیرعلمی و بی حساب و کتاب دامن زده است.

شیوه دیگر، مقایسه وضعیت فعلی کشور با وضعیت کشور در رژیم گذشته است که چون اظهار نظرهای کاملاً بی پایه و دروغهای خیلی بزرگی در این رابطه مطرح می شود و بعضی افراد رکورد بی انصافی و شاید هم کند ذهنی را شکسته اند و با وقاحت تمام می گویند در آن دوره وضع مردم بهتر بوده است و در اینجا قدری به آمار ورود می کنیم تا بدانیم که بدون شک چنین مقایسه ای با یک شکاف عظیم میان وضع قبلی و وضع فعلی همراه است و نشان می دهد که در تمامی شاخص های پیشرفت و رفاه وضعیت مردم ایران در این چهل سال با سرعت حیرت انگیزی رشد کرده و جلو رفته است.

## مقایسه وضع مادی ایران امروز با ایران ۵۷

### ۱- تحصیل - انقلاب اسلامی کشوری با اکثریت بی سواد را به رتبه ۱۶ علمی جهان رساند

انقلاب اسلامی ایران با پیش بینی آموزش و پرورش برای همه در قانون اساسی و جدیت در پیاده سازی این قانون کشوری را که برابر آمارتنها ۴۲٪ باسواد داشت و اکثریت مردم آن بی سواد مطلق بودند یعنی بیشتر مردم ایران توانایی خواندن و نوشتن حتی اسم خودشان را نداشتند را به جایی رساند که امروزه با ۹۴٪ با سواد دارد و بالاتر اینکه پرشتاب ترین سرعت پیشرفت علمی جهان را دارد. بگونه ای که سرعت پیشرفت علم در ایران توسط موسسات بین المللی ارزیابی علمی ۱۳ برابر سرعت متوسط پیشرفت سایر کشورها برآورد شده است.

در کشور افراد اندکی امکان ادامه تحصیل داشتند و به تحصیلات عالیہ پیدا می‌کردند. تعداد دانشگاهها ۲۷ دانشگاه غالباً کوچک بود. الان بجز دانشگاه پیام نور و دانشگاه علمی کاربردی ۶۶۰ دانشگاه داریم. تعداد دانشجو ۱۵۰ هزار نفر بود با سی و دو برابر افزایش یعنی ۳۲۰۰ درصد افزایش به ۴/۸۰۰/۰۰۰ نفر رسیده است و همه ی جوانان بدون استثناء می‌توانند وارد دانشگاه شوند.

تا پیش از انقلاب به هیچ وجه رتبه المپیاد علمی نداشتیم اکنون جزء ده کشور اول دنیا در المپیادها هستیم از ابتدای ثبت بین المللی اسناد علمی تا سال ۵۷ ایران کلاً ۳۹۸ سند معتبر علمی را ثبت جهانی کرده بود امروز ما ۴۹ هزار یعنی ۱۲۳ برابر سند علمی ثبت شده بین المللی داریم. و این در حالیست که بخش اعظم علوم تولیدی ما در حوزه علوم انسانی بخاطر ماهیت دینی آن مورد پذیرش مرکز بین المللی نیست و ثبت بین المللی نمی‌شود.

• ۲۴ برابر شدن تعداد دانشجویان؛ افزایش تعداد دانشجویان از ۱۷۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به ۴/۳ میلیون در سال تحصیلی ۱۳۹۵

• ۳۳ برابر شدن اعضای هیئت علمی یعنی در ابتدای انقلاب ۴۰۰۰ هزار هیئت علمی داشتیم اینک ۹۰ هزار عضو هیئت علمی داریم.

• ۱۳ برابر شدن تعداد دانشجویان به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت؛ از ۴۲۸ نفر به ۵۴۸۶ نفر افزایش یافته

• ۱۶/۵ برابر شدن سهم ایران از تولید مقالات ISI؛ سهم ایران از تولید مقالات خارجی ISI از ۰/۱ درصد (۶۶۹ مقاله) در سال ۱۳۵۷ به ۱/۶۵ درصد (۲۳ هزار مقاله) در سال ۱۳۹۴

البته محدود کردن تحولات حوزه تعلیم و تربیت به این اعداد و ارقام نوعی ظلم به خدمات انقلاب به این عرصه است شما مقایسه کنید فضای تحقیر آموزش و پرورش کشور را که در آن تنبیه بدنی و کتک خوردن روزمره دانش آموزان جزء واجبات بود و روزی بدون آن پایان نمی‌رسید تا امروز که چنین برخوردی در حوزه ی چندین میلیونی دانش آموز بسیار نادر و تخلف جدی است. (انقلاب اسلامی به دانش آموزان چنان شخصیت والایی عطا فرمود که بسیاری از آنان رشادت های بی نظیری در جنگ داشتند و حتی به فرماندهی های مهم دست یافتند.

۳۶۰۰۰ دانش آموز شهید و ۵۰۰۰ معلم شهید گواه این واقعیت هستند دانش آموزی که دیروز در دوره ظلم عزت و اعتماد بنفس نداشت تا کار مهمی انجام دهد امروز اختراعات بسیار سخت و پیچیده ای دارد هزاران دانش آموز داریم که به شکل باور نکردنی نوشته ها و منطق های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در حد قابل دفاع بین المللی دارند هر

مقامی که در مجامع بزرگ دانش آموزی بویژه بسیج دانش آموزی شرکت می کند بعد از نشست عمق بینش و مواضع دانش آموزان شرکت کننده اظهار شگفتی می کند. اینگونه مسائل کم نیستند که باید گفته و نوشته شود و این همت دانش آموزان قدیمی را می طلبد که شرایط را دیده اند برای بقیه بیان کنند.

## ۲-سلامت- از معاینه بیماران ایرانی نزد پزشکان وارداتی بنگلادش، فیلیپین و هند تا قطب گردشگری سلامت منطقه

### انقلاب اسلامی متوسط عمر ایرانیان را ۳۱ سال افزایش داد

انقلاب اسلامی با پیش بینی بهداشت برای همه در قانون اساسی و جدیت در پیاده سازی آن کشوری که بشدت محتاج و وابسته به اعزام بیماران به خارج از کشور برای معالجه بود و در زمینه طبابت های اولیه هم از فقیرترین کشورهای جهان پزشک وارد می کرد و مردم ایران قبل از انقلاب برای درمان باید به پزشک بنگلادشی و هندی وارداتی مراجعه می کردند را به مرتبه ای از پزشکی رسانده که از ۵۳ کشور جهان برای درمان به ایران می آیند و گردشگری سلامت یکی از منابع درآمدی ماست. بطوریکه سالانه حدود ۳۰۰ هزار نفر گردشگر با هدف درمان به کشور وارد می شوند ایرانی که امروز در درمان ناباروری رتبه سوم جهان را دارد. در ارتوپدی و پیوند اعضا رتبه چهارم جهان بطوریکه تنها در سال ۱۳۹۵ تعداد ۹۰۰ نفر غیر ایرانی فقط در بیمارستان شیراز پیوند عضو شده اند رتبه چهارم در درمان ژنتیک، رتبه هفتم در تولید داروهای بیماریها خاص.

- جمهوری اسلامی ایران در مراقبت های اولیه بهداشتی در منطقه و دنیا پیشتاز بوده و الگو و سرمشق بسیاری از کشورهای جهان است.

- با اجرای طرح انقلابی واکسیناسیون ملی فلج اطفال به همت بسیجیان فلج اطفال از کشور ریشه کن شد و این در حالی است که این بیماری هنوز گریبانگیر بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای همسایه ای که شهروندان آنها مهمان کشور ما هستند می باشد.

- بیماری های عفونی مالاریا، سل، وبا در ایران مهار شده است.

- ایران در مبارزه با بیماریهای مشترک انسان و حیوان مانند هاری، تب مالت، لیشمانیوز و لپتوسپیروز در رتبه های برتر جهان است.

- دانشجویان گروه پزشکی در ایران بایستی برخی از بیماریها نظیر کزاز، سرخک، سرخجه، آبله و فلج اطفال را فقط در موزه تاریخ پزشکی و کتابهای مربوطه دنبال کنند و به ندرت با موارد بالینی آن روبرو می شوند.
- نظام سلامت نقش آفرین خط مقدم در ایجاد عدالت اجتماعی است. سطح دسترسی مردم به خدمات اولیه بهداشت عمومی دارد.
- پوشش ۱۰۰ درصدی بیمه روستاییان افتخار جمهوری اسلامی ایران در بعد عدالت اجتماعی در حوزه سلامت است.
- امروز پزشکان ایرانی مورد وثوق جامعه جهانی و مراکز اکادمیک دنیا هستند.
- جمهوری اسلامی جزو اولین انتخاب های مردم کشورهای همسایه خود در توریسم درمانی است.
- ایران جزو ۱۰ کشور برتر جراحی قلب دنیاست و جزو معدود کشورهایی است که عمل پیوند قلب در آن صورت می گیرد- ۱۴۰ عمل پیوند قلب در کشور کارنامه درخشان جراحی قلب در ایران و جهان است.
- تا سال ۱۳۵۷- در کشور فقط ۵۰ مورد پیوند کلیه انجام شده بود در حالیکه در طول سالهای پس از انقلاب، بیش از ۱۷ هزار مورد پیوند کلیه در کشور انجام شده است.
- با تصویب قانون مرگ مغزی و پیوند اعضا از جسد، امکان انجام تمامی شیوه های پیوند اعضا در کشور میسر گردیده است و بالغ بر ۲۰۰۰ پیوند در ایران انجام می شود.
- بانک قرینه در جمهوری اسلامی یکی از بهترین بانک های قرینه دنیا است و ظرف ۲۴ ساعت قرینه مورد نظر بیمار آماده می شود.
- کشور ما با راه اندازی مجتمع ملی تولید فرآورده های دارویی نو ترکیب در مقیاس صنعتی در کل منطقه غرب آسیا تولید کننده انحصاری داروهای نو ترکیب محسوب می شود.
- به گزارش سازمان بهداشت جهانی بین ۸۰ تا ۹۴ درصد جمعیت ایران دسترسی به داروهای ضروری دارند.
- خون مردم ایران سالمترین خون اهدایی در جهان محسوب می شود و جزو معدود کشورهایی هستیم که مردم خون را بصورت رایگان اهداء و دریافت می کنند.
- دستاوردهای تجهیزات پزشکی ایران کم نظیر است. خود کفایی نسبی با تولیدات داخلی و ممانعت از خروج ارز، دسترسی آسان بیماران، کاهش قیمت ملزومات پزشکی و امکان ارز آوری با صادرات محصولات جزو افتخارات صنعتگران، مخترعان و مبتکران مهندس پزشکی کشور است.

- نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، سلولهای بنیادین و روبات ها در تسخیر اندیشه و پنجه های طلایی پزشکان ایران است.
- مهارت و تجهیزات حرفه ای رشته پزشکی قانونی در ایران در کشف جرم، سم شناسی و ژنتیک می تواند با سیستم های کشف جرم کشورهای پیشرفته جهان و حتی FBI رقابت کند.
- بالاترین رکورد حضور رشته های تخصصی و فوق تخصصی در بهداری رزمی در نزدیک خط مقدم نبرد دوران دفاع مقدس باعث کاهش آمار درصد جانبازی ناشی از جراحات های مجروحین و کاهش آمار شهدای ناشی از مصدومیت های شدید منجر به شهادت و طی کردن مناسب مسیر بازتوانی و نوتوانی جانبازان شده است.
- ایران پیشتاز مراقبت، درمان و پیشگیری از صدمات مصدومین ناشی از آثار مخرب جسمی و روحی و روانی بکارگیری سلاح های شیمیایی توسط جنگ افروزان در دنیا است.
- با احداث بیمارستانهای صحرائی در مناطق نزدیک به نقاط درگیری عملیات های دوران دفاع مقدس زمان انتقال مجروحین تا زیر تیغ جراحی در اتاق عمل به ۲۰ دقیقه کاهش یافته است.
- قدرت بسیج کنندگی خیرین حوزه سلامت از افتخارات بی بدیل مدیریت بهداشت و درمان کشور است.
- در ایران آنقدر مرگ و میر مادران بر اثر زایمان کاهش یافته است که این اتفاق نادر یک پدیده و زبازد عام و خاص خواهد شد آمار قبل از انقلاب بالای ۲۰۰ مورد در ۱۰۰ هزار زایمان در سال ۲۰۱۵ کمتر از ۲۰ مورد در ۱۰۰ هزار زایمان می باشد.
- تولید علم در حوزه های مختلف علوم پزشکی به ۷۵ برابر زمان طاغوت رسیده است(اسکوپوس)
- تعداد مدارک نمایه شده از ایران نسبت به قبل از انقلاب ۱۲۹ برابر شده است.
- ایران در زمره ۳ کشور پیشرو در پیوند مغز استخوان در جهان است.
- ایران جزو ۵ کشور جهان در کاشت حلزون شنوایی است.
- ایران جزو ۱۰ کشور برتر دنیا در درمان ناباروری است.
- خانه بهداشت و مراکز درمانی که غالباً در روساها نبود از ۱۵۰۰ خانه بهداشت به ۱۹۷۳۹ خانه در سال ۹۵ رسیده یعنی ۱۳ برابر شده است و اغلب مردم دسترسی به بهداشت دارند.

ضریب نفوذ بیمه از نیم در صد به ۲/۲ در صد و از ۸/۶ میلیون نفر تقریباً ۸/۱۸٪ جمعیت به ۴۲ میلیون نفر یعنی ۵۲/۵٪ جمعیت نمودار هاس ۱۳۳ ۱۳۴

• در حالیکه تعداد شهرها سه برابر افزایش یافته است، شهرهای دارای بیمارستان از ۳۷٪ به ۹۷٪ رسیده است همچنین تعداد تخت بیمارستان با حدود سه برابر افزایش از ۵۵۰۰۰ به ۱۴۸۰۰۰ هزار رسیده است که البته از لحاظ کیفیت خدمات هر تخت قابل مقایسه با گذشته نیست و تفاوت از زمین تا آسمانست

تعداد دندانپزشکان به ۲۳۰۰۰ و دارو سازان به ۱۵۰۰۰ افزایش یافته که رشدی خیره کننده است سالی ۳۰۰۰ پیوند عضو در کشور انجام میشود

۵۰ مرکز تحقیقات پزشکی

• در سال ۵۷ صرفاً ۷ دانشکده پزشکی با ۷۰۰ دانشجو داشتیم که الان ۴۷ دانشگاه با ۱۱۰۰۰ عضو هیئت علمی رسیده یعنی اساتید موجود امروز حدود ۱۶ برابر دانشجویان آن روزند.

• مرگ و میر نوزادان زیر یکماه ۱۰۰ در هزار بوده است به ۹/۵ در هزار رسیده است.

• مرگ و میر کودکان از ۱۱۱ در هزار به ۱۳ در هزار موفق ترین کشور جهان در کاهش مرگ و میر کودکان از سوی بهداشت جهانی ریشه کنی فلج اطفال

• در کنترل تالاسمی بیماریهای ژنتیکی، کم کاری تیروئید مادر زاد ایران ۴ سال زودتر از (دستاوردهای ممتاز پزشکی ص ۱۴۶ کتاب دستاوردهای ایجابی اینجا اضافه شود)

تعداد پزشک ایرانی در حال خدمت کشور ۱۰ برابر قبل از سال ۵۷ شده است و از ۱۵۰۰۰ نفر به ۱۵۰/۰۰۰ هزار نفر رسیده و امروز فقط ۷۲۰۰۰ پزشک متخصص داریم یعنی پزشکان متخصص ده برابر شده اند و به تنهایی ۵ برابر کل پزشکان قبل از انقلاب هستند این در حالیست که ۱۸۰ هزار دانشجوی پزشکی هم در حال تحصیل در دانشگاهها می باشند یعنی این رتبه طی چند سال آینده دو برابر می شود.

امید به زندگی از ۵۴/۱ سال در سال ۱۳۵۷ به ۷۶/۲ در سال ۹۶ رسیده است. یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هر سال شش ماه امید امید به زندگی مردم ایران ارتقاء یافته است. و متوسط عمر ایرانیها ۲۱ سال نسبت به قبل از انقلاب



اسلامی بیشتر شده که این شاخص مهمترین شاخص سلامت است چرا که برآینده وضع بهداشت، درمان، امنیت، تغذیه، ورزش و خدمات است.

## ۲- سیاست - از انتصاب مدیران ارشد ایرانی توسط کارمندان سفارت آمریکا تا قدرت اصلی سیاسی منطقه

### ایران مستقل ترین کشور جهان

انقلاب اسلامی کشوری بی اختیار و تحت سیطره ی اجانب را که در امور داخلی خودش هم تصمیم گیرنده نبود و نه تنها سیاست داخلی و خارجی بلکه حتی عزل و نصب فرماندهان و مدیرانش توسط خارجی ها انجام می شد و برای این مداخله تجاوز کارانه هم باید حقوق بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی و غیر نظامی آمریکایی را از جیب ملت ایران می پرداخت را تبدیل به کشوری مستقل کرده که نه تنها تمامی سیاست های داخلی و خارجی خود را مستقلاً و براساس منافع و مصالح ملت خود تنظیم می کند بلکه حتی تأثیر گذارترین سیاست گزار منطقه است و تحولات مهم منطقه خارج از اراده ی جمهوری اسلامی رخ نمی دهد.

### ۴- بهره مندی مردم از زیر ساخت ها و امکانات رفاهی

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ۷۰٪ جمعیت کشور در روستاها زندگی می کردند. در آن دوران روستا عبارت بود از جایی که نه تنها هیچ خدمات عمومی مثل آب و برق و گاز و مخابرات و واحد درمانی و مدرسه وجود نداشت بلکه حتی اغلب روستاها حتی راه دسترسی ماشین رو نداشت.

این وضع روستاها بود یعنی ۷۰٪ مردم در چنین شرایطی زندگی می کردند و وضعیت شهرهای کوچک هم دستکمی از این نداشت حتی شهرهای بزرگ و پایتخت هم در محاصره کپر نشینان و حلبی آبادها بود. اغلب روستاها برق نداشت و به تبع آن هیچ وسیله برقی رفاهی در آن استفاده نمی شد. نه روستا بلکه بجز ۷ شهر کوچک واقع در مناطق نفتی هیچ خانه ای در کشور لوله کشی گاز نداشت و آن میزان اندک هم بعضاً گاز تصفیه نشده ی خروجی چاهای نفت بود که بشکل کوره ای در پشت خانه ها استفاده می شد در حالیکه لوله های گاز قطور گاز ایران را به ثمن بخش به شوروی می فرستاد.

امروز تمامی شهرها و روستاهای بالای ۵ خانوار برق دارند و همه ی روستاها راه دسترسی دارند، اغلب روستاها آب آشامیدنی سالم دارند، تعداد خط مخابرات از ۸۰۵ هزار به ۱۱۶ میلیون خط رسیده و نه تنها شهرها بلکه بخش عظیمی از روستاها به شبکه جهانی اطلاعات دسترسی دارند.

۵- دفاع از ناتوانی محض در مقابل تجاوزات بزرگ تا قدرت دول نظامی منطقه قدرت باز دارند در مقابل ابر قدرتها وقتی انقلاب به پیروزی رسید ایران با وجود دارا بودن پرخرجترین ارتش منطقه و در اختیار داشتن پیچیدهترین سلاحهایی که بعضاً نظامیان ایرانی حق دسترسی به آن را هم نداشتند توانایی ساخت حتی یک خمپاره انداز ۶۰ میلیمتری با برد یک کیلومتر را نداشت و یک آرپی چی ۷ را هم نمی توانست بسازد چه برسد به هواپیما و رادار و ناو جنگی و ... .

امروز جمهوری اسلامی یکی از چند کشور جهان است که در تمامی گروههای تسلیحاتی توان تولید بومی دارد از زیر دریایی تا ماهواره را طراحی می کند و خودش می سازد. انواع تفنگ، نارنجک انداز، انواع مین، تانک، نفربر، انواع توپ در کالیبرهای مختلف، انواع خودروهای تاکتیکی، انواع شناور از قایقهای تندرو تا ناو جنگی با طول ۱۱۰ متر، از خمپاره انداز تا موشکهای زمین به زمین با دقت نقطه زنی با برد چند هزار کیلومتر و هر برد دیگری که نظام اراده کند. انواع زیر دریایی و دهها مدل هواپیمای بدون سرنشین، جنگنده، بالگرد، انواع موشکهای کروز و کلیه تجهیزات مخابراتی و جنگ الکترونیک و ... را ایران خود طراحی می کند خود می سازد خود تولید انبوه می کند و خود بکار می گیرد.

مقایسه وضعیت فعلی کشور از جمیع جهات کارنامه ای افتخارآمیز و غیرقابل انکار را نشان می دهد که بوضوح بیانگر کارآمدی نظام است و نمونه هایی از آن در زیر می آید

#### ۶- زیرساختها و خدمات - روند نجومی توسعه زیر ساخت های کشور

- ۹۵ برابر شدن طول بزرگراهها از ۱۷۴ کیلومتر به ۱۶۶۲۷ کیلومتر افزایش یافته است
- ۱۲ برابر شدن طول آزاد راهها از ۲۰۰ کیلومتر به ۲۴۰۱ کیلومتر افزایش یافته است

- ۶ برابر شدن مجموع راه‌های کشور؛ اعم از راه‌های اصلی و فرعی کشور از ۳۶ هزار کیلومتر به بیش از ۲۱۰ هزار کیلومتر در سال ۱۳۹۴ این در حالیست که اگر مقایسه کیفی صورت گیرد پیشرفت بمراتب بیشتر است چرا که در آنوقت حتی بعضی جاده‌های ترانزیت بین‌المللی ایران خاکی بود
- ۲/۳ برابر شدن میزان راه آهن کشور؛ افزایش میزان راه آهن کشور از ۴/۵۶ هزار کیلومتر به نزدیک ۱۰/۴۷۵ هزار کیلومتر تعداد واگن از ۷۶۰ به ۲۲۱۴ افزایش یافته
- ۱۱۶ برابر شدن وزن بار صادراتی از طریق راه آهن از ۹۵ هزارتن به ۱۱/۰۹۸ میلیون تن
- ۲۰ برابر شدن ظرفیت بنادر کشور؛ ارتقای ظرفیت بنادر از ۱۰ میلیون تن به بیش از ۲۰۰ میلیون تن در سال ۱۳۹۴. یعنی هر دو سال یکبار ظرفیت بنادر کشور باندازه کل ظرفیت احداث شده در زمان قاجار و پهلوی اضافه شده است.
- ۳۰ برابر شدن سدهای مخزنی کشور؛ تعداد سدهای مخزنی کشور از ۱۳ سد به حدود ۴۰۰ سد بزرگ در سال ۱۳۹۵ یعنی حدوداً هر سال باندازه کل پنجاه سال پهلوی سد ساخته شده است.
- ۱۱ برابر شدن تعداد صندلی ناوگان هوایی از ۴۱۶۹ صندلی در سال ۵۷ به ۴۶۰۹۶ صندلی در سال ۹۵
- ۹ برابر شدن تعداد مسافران هوایی از ۳/۶ میلیون نفر در سال ۵۷ به ۳۳ میلیون نفر در سال ۹۵ که حدود ۱۱ میلیون نفر آن مسافر خارجی می باشد در حالیکه در سال ۵۷ فقط یک میلیون سفر هوایی خارجی صورت گرفته است
- ۱۴ برابر شدن تولید برق کشور؛ افزایش تولید برق کشور از ۲۰ به ۲۸۰ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۱۳۹۴ و برق دار شدن ۹۹/۹ درصد روستاها (۱۰۰ درصد روستاهای بالای ۲۰ خانوار و ۹۹/۳ درصد روستاهای زیر ۲۰ خانوار)
- افزایش دسترسی به آب تصفیه شده؛ در سال ۲۰۱۵ به ۹۶/۲ درصد رسیده است. در حالیکه پس از انقلاب اسلامی کمتر از ۵٪ بوده است و امروز ایران رتبه یکم دسترسی به آب تصفیه شده را در منطقه غرب آسیا دارد
- ۱۷ برابر شدن شبکه فاضلاب از ۲۸۰۰ کیلومتر در سال ۵۷ به ۴۸۹۴۱ کیلومتر

- توسعه صنعت گاز؛ افزایش سهم گاز در سبد انرژی کشور از ۱ درصد در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به ۷۲ درصد (قبل انقلاب تقریباً وجود نداشته است) ظرفیت پالایشگاه گاز در سال ۵۷ ۱۰۱ میلیارد متر مکعب بوده است که به ۷۷۷ میلیارد متر مکعب یعنی ۷/۷ بربر افزایش یافته است.
- ۲۱۱ برابر انشعاب گاز در کشور (۹۷ درصد شهرها و ۸۰ درصد از روستاها)؛ انشعاب گاز در اوایل انقلاب از ۵۰ هزار انشعاب (تنها ۹ شهر و یک روستا) به ۱۰ میلیون و ۵۷۰ هزار انشعاب در سال ۱۳۹۵ (یک هزار و ۸۳ شهر و ۲۳ هزار روستا) و شبکه انتقال گاز از ۴/۹ هزار کیلومتر در سال ۵۷ به حدود ۲۸۰ هزار کیلومتر متر رسیده است.
- ۳۵ برابر شدن تعداد مشترکین تلفنی ثابت؛ از ۸۵۰ هزار اشتراک در قبل از انقلاب به حدود ۳۰ میلیون اشتراک تعداد دفاتر خدمات ارتباطات و فناوری اطلاعات روستایی به ۱۶ هزار و ۴۴۳ دفتر در آذرماه ۱۳۹۶ رسیده است.
- پیش از انقلاب اسلامی ایران حتی یک کیلومتر خط مترو نداشت شرایط جنگی هم در ابتدای انقلاب اجازه پرداختن به این موضوع را نمی داد و عملاً متروسازی از دهه ۷۰ آغاز شد با این وجود امروز متوسط جابه جایی متروی ایران ۳ میلیون نفر در روز یعنی ۳ برابر متوسط جهانی است و با ۳۱۰ کیلومتر خط فعال رتبه ۱ جهان است در رتبه بندی پایتخت های دنیا تهران از لحاظ تعداد خطوط رتبه نهم تعداد ایستگاه رتبه ۱۱ و جابه جایی سالانه مسافر به کیلومتر رتبه هشتم جهان را داراست و از لحاظ سرعت احداث مترو رتبه دوم جهانی است و تمام این پیشرفت شگفت آور مدیون تجربه های مهندسی جنگ است.

## ۷- تولیدات صنعتی - از واردات ظرف و کاسه ملامین و مونتاژکاری خودرو تا طراحی ساخت توربین و موتور جت

سهم صنعت از تولید ناخالص ملی از ۱۵/۸۶۰ در سال ۵۷ به ۲۳/۶ افزایش یافته اگر این افزایش با رکود بخشهای دیگر مانند خدمات و کشاورزی همزمان بود یک گام بسوی صنعتی شدن محسوب می شد حال آنکه ۵ برابر شدن محصولات کشاورزی توسعه بسیار قوی همزمان در بخش خدمات به این رقم مفهوم دیگری می دهد و این بدان معناست که ایران در این سالها جهش بلند بسوی صنعتی شدن انجام داده است.

• ۵۷ برابر شدن صادرات غیرنفتی؛ افزایش صادرات غیرنفتی از ۵۴۳ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۳۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ یعنی هر سال ۱۴۰٪ دوران گذشته به صادرات افزوده شده است و این تازه در شرایطی است که در تمام طول این سالها ایران تحریم بوده است اگر نبود چه می‌شد؟ در صنایع مادر رشد چشمگیر و غیر قابل مقایسه با گذشته را داریم بگونه ای که:

• ۳۰ برابر شدن تولید محصولات پتروشیمی؛ افزایش تولید محصولات پتروشیمی از ۱/۶ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ به ۴۸/۱ میلیون تن در سال ۱۳۹۴

• ۵۰ برابر شدن تولید فولاد خام؛ افزایش میزان تولید فولاد خام ۳۶۰ هزار تن در سال ۱۳۵۷ به ۱۸ میلیون تن در سال ۱۳۹۵ و کسب رتبه چهاردهم تولید فولاد جهان در حالیکه اروپایی ها بشدت با ورود ایران به تولید فولاد مخالفت می کردند و حتی قبل از انقلاب برای اینکه از راه اندازی صنعت فولاد در ایران جلوگیری کنند انگلیسی ها کشتی آلمانی حامل اجزاء کارخانه فولاد را غرق کردند تا به ایران نرسد و ایران به صنعت فولاد ورود پیدا نکند این پیشرفت شگرف صنعتی در حالی بدست آمد که با پیروزی انقلاب اسلامی برای اینکه ایران اسلامی به این قسمت پایه دست پیدا نکند تمام کارشناسان خارجی صنعت کوچک فولاد آنوقت ایران را ترک کردند.

• ۱۵ برابر شدن تولید محصولات فولادی؛ و تولید ۱ میلیون تن محصولات فولادی در سال ۱۳۵۷ به ۱۵/۷

• ۲۰ برابر شدن تولید الومینیوم از ۱۸ هزار تن در ۵۷ به ۳۴۰ هزارتن در ۹۵ کسب رتبه ۱۸ جهانی در ظرفیت اسمی ورتبه ۱۴ تولید

• ۱۰ برابر شدن تولید سیمان از ۷ میلیون تن در سال ۵۷ به ۷۱ میلیون تن در سال ۹۲ و رستیابی به رتبه چهارم جهان ۹۲٪ ظرفیت تولید بعد انقلاب دایر شده در ۴۵ سال قبل از انقلاب کل تولید ۵۵ میلیون تن فقط در سال

۹۰ بیشتر از ۶۶ میلیون تن در دولت یازدهم با ۴ رتبه تنزل حال حاضر رتبه هشتم جهان هستیم

• ۳۲ برابر شدن تولید کاشی و سرامیک در سال ۵۷ میزان تولید ۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزار متر مربع به ۴۱۰

میلیون متر مربع تولید در ۱۳۹۲ رسیدیم هرچند به جهت رکود در ساخت و ساز مسکن در دولت یازدهم به ۲۹۲

میلیون متر کاهش یافت ولی با این حال در حال حاضر بعد از چین، اسپانیا، ایتالیا و هند پنجمین کشور تولید

کننده کاشی و سرامیک در جهان هستیم

- ۱۲ برابر شدن تولید خودرو از ۱۰۵ هزار تولید (۱۰۰٪/مونتاژ کاری) سال ۵۷ به تولید ۱/۲۵۵ میلیون (کمتر از ۱۵٪/مونتاژ) و حتی راه اندازی خطوط تولید در کشورهای دیگر که البته در دولت یازدهم با قدری کاهش به ۹۷۷ هزار تولید در سال رسیده با این وجود کماکان رتبه ۱۸ در تولید خودرو جهان هستیم
- ۵/۶ برابر شدن تولید تایر و افزایش از ۳۴ هزار تن در سال ۵۷ به ۲۲۴ هزار تن در سال ۱۳۹۵
- ۲۰ برابر شدن تولید فرش ماشینی از ۶/۴ میلیون متر در سال ۵۷ به ۷/۸۹ در سال ۹۵
- تولید مس از صفر تن در سال ۵۷ به ۲۱۰ هزار تن در ۸۸ رسیده اکنون ۱۹۰ هزار تن تولید میشود رده ۱۸ دنیا هستیم
- ۱۰۴ برابر شدن تولید سرب و روی از ۱۴۰۰۰ تن در سال ۵۷ به ۴۵۹/۱ میلیون تن در ۹۲ رسیده ایم که در دولت فعلی با قدری کاهش ۱۵۰/۱ میلیون تن رسیده است
- ۷۰ برابر شدن تولید سنگهای تزئینی از ۲۴۰ هزار تن در سال ۵۷ به ۱۷ میلیون تن در سال ۱۳۸۸ الان به ۲/۱۱ میلیون تن کاهش یافته که باز هم ۴۵ برابر سال ۵۷ است
- تنها صنعت مهمی که در سالهای اخیر با روند نزولی مواجه بوده است صنعت نساجی است که هر چند تا سالهای پیش روند صعودی داشته و از ۴۱۱ میلیون متر مربع به ۵۵۱ میلیون در ۱۳۸۰ رسیده لکن بدلیل افزایش گسترده قاچاق سازمانیافته مجدداً افت کرده به ۲۹۲ میلیون متر در سال ۱۳۹۴ رسیده است.
- امروزه ۹۵٪ داروی مورد نیاز کشور در داخل ایران تهیه می شود که این رقم پیش از انقلاب اسلامی ۲۵٪ بوده است.

## ۸- در تولیدات کشاورزی

میزان تولیدات کشاورزی و دامی از ۲۵ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ به ۱۱۸ میلیون تن رسیده است یعنی حدوداً ۵ برابر شده است. از نظر تنوع تولید باغی سومین کشور جهان هستیم و با وجود تحریمهای سنگین چه در فرایند تولید و چه در نخریدن کالای تولیدی ایران و با وجود حدود ۲۰ سال خشکسالی بسیار سخت که پشت سر گذاشته ایم میزان ارتقاء سطح تولید باور نکردنی است

- ۶ برابر شدن تولیدات زراعی از ۳۱/۱۳ میلیون تن در سال ۵۷ به میزان ۷/۸۲ میلیون تن در سال ۹۵

- کشور اول منطقه در تولید دام و طیور با ۱۲۲ میلیون دام و ۱۲۰۰۰ واحد پرورش طیور
- ۷ برابر شدن تولیدات باغی از ۳ میلیون تن در سال ۵۷ به ۵/۲۰ میلیون تن در سال ۹۵
- ۱۱ برابر شدن تولید پسته از ۲۷ هزار تن در سال ۵۷ به ۳۰۴ هزار تن در سال ۹۵
- ۴ برابر شدن تولید خرما از ۳۰۰ هزار تن در سال ۵۷ به میزان ۱/۱ میلیون تن در سال ۹۵ با وجود نابودی بخش عظم نخلستانهای خوزستان بر اثر تهاجم دشمن در جنگ تحمیلی
- ۴ برابر شدن تولید گندم از ۳/۸ میلیون تن به ۱۴/۶ میلیون تن در سال ۹۵
- ۳ برابر شدن تولید جو از ۱/۱ در سال ۵۷ به ۵/۳ میلیون تن در سال ۹۵
- ۱۵ برابر شدن تولید زعفران از ۲۲ تن به ۳۳۶ تن
- ۵ برابر شدن تولید مواد پروتئینی انواع گوشت تخم مرغ و عسل از ۸۸۱/۲ تن در سال ۵۷ به ۶۸۳/۱۳ تن در سال ۹۵
- ۵/۴ برابر شدن تولید شیر از ۲۰/۲ میلیون تن در سال ۵۷ به ۵۱۰/۹ میلیون تن در سال ۹۵
- ۵/۱۲ برابر شدن تولید گوشت مرغ از ۱۶۵ هزار تن در سال ۵۷ به ۰۹۲/۲ میلیون تن در سال ۹۵
- ۴ برابر شدن تولید تخم مرغ از ۲۱۹ در سال ۵۷ به ۹۴۰ هزار تن در سال ۹۵
- ۳/۲ برابر شدن تولید گوشت قرمز از ۳۵۹ هزار تن در سال ۵۷ به ۸۳۰ هزار تن در سال ۹۵
- ۵/۱۲ برابر شدن تولید عسل از ۵/۶ هزار تن در سال ۵۷ به ۵/۸۱ هزار تن در سال ۹۵
- ۲۶ برابر شدن تولید ابریان از ۴۰ هزار تن در سال ۵۷ به ۰۵/۱ میلیون تن در سال ۹۵

این آمارهای درخشان در بطن خود حاکی از پیشرفت‌های شگرف کیفی است که در آمار نمی‌گنجد.

پیشرفت‌های گسترده و چشمگیر کشور بعد از انقلاب اسلامی بقدری روشن و غیرقابل انکار است که آقای پروانده آبراهامیان مورخ ارضی ایرانی تبار مقیم آمریکا که از مخالفان انقلاب اسلامی است در این باره می‌نویسد: "ایران به لطف درآمدهای نفتی، سط زندگی قابل توجهی برای شهروندان ایجاد کرده است. نرخ پایین مرگ و میر نوزادان، افزایش طول عمر، نرخ بالای باسوادی، شمار قابل ملاحظه دانشجویان از جمله زنان و دسترسی بسیاری از مردم به برق، آب لوله کشی شده، حمل و نقل مدرن و همچنین کالاهای مصرفی نظیر یخچال، تلفن، رادیو، تلویزیون و خودرو. در این کشور هم اکنون یک طبقه بزرگ متوسط حقوق بگیر، یک طبقه کارگر تحصیل کرده و همچنین یک طبقه

سنتی کارافرین وجود دارد. ایران از جهات گوناگون دیگر در زمره کشورهای جهان سوم قرار نمی گیرد" آبراهامیان

پروانده ۱۳۸۹

## پیشرفت زیر آتش

اهمیت این پیشرفت ها زمانی روشن می شود که شرایط محیطی در نظر گرفته شود و اینکه این پیشرفت ها و جهش ها در همه ی شئون در شرایطی عادی و هموار بدست نیامده است بلکه علاوه بر توطئه های پرچمی که ---- خواهد شد موانع بزرگ دیگری را نیز فرا روی خود دولت بعضی از این موانع در جای دیگر ذکر نشده است:

۱- بر اساس برآورد های مختلف در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی پنجاه الی صد میلیارد دلار سرمایه و نقدینگی

از کشور فرار کرد تنها محمد رضا پهلوی لاقل ۳۵ میلیارد دلار ارز مستقیم بجز سهام و املاک خارجی با خود

برد (خبرگزاری فارس ۱۳۹۳/۰۹/۰۵)

۲- شوک نفتی ناشی از فرار کارشناسان خارجی و کاهش تولید نفت از ۶ میلیون در روز به ۸/ میلیون در دهه اول

و حفظ برداشت در سقف ۳ میلیون بشکه بخاطر حفظ منابع نفتی در سالهای بعد

۳- شوک های مختلف نفتی برای ضربه به اقتصاد ایران

۴- تحریمهای امریکا و بلوکه کردن ۱۲ میلیارد دلار دارایی های ایران و تحریم های مکرر و پی در پی قبل از

شروع بهانه هسته ای

۵- تحریمهای ژاپن و اتحادیه اروپا به بهانه های مختلف تروریسم جنگ قاچاق مواد مخدر و عدم اجرای کلیه

تعهدات و قراردادهای از جمله ممانعت از ساخت نیروگاه بوشهر توسط آلمان و نیمه کاره رها کردن طرحهای

پتروشیمی ژاپن و لغو همه همکاریهای فنی

۶- تحمیل جنگ ۸ ساله و مستهلک کردن توان مدیریت، بودجه و امکانات کشور در آن بطوریکه متوسط درآمد

نفتی در سالهای ۵۹ تا ۶۷ مبلغ ۱۱۲/۵ میلیارد تومان بود کل بودجه جنگ ۳۶۶ میلیارد تومان معادل ۵۲

میلیارد دلار بود

۷- تحمیل جنگ لاقل ۶۲۷ میلیارد دلار به اقتصاد کشور خسارت وارد کرد و این مبالغ بالاجبار بجای صرف در

پیشرفتهای مختلف صرف بر قراری امنیت شد



۸- تحریمهای جدید امریکا و اتحادیه اروپا از ۱۹۹۲ بعد از حمله اول امریکا به عراق تحریم ایلیسا ۱۹۹۵ تحریم

داماتو شامل سایر کشورهایی که با ایران همکاری کند

۹- تحریم کامل علمی و فنی ایران و ممانعت از دستیابی ایران به دستاوردهای علمی روز دنیا

۱۰- دهها هزار کارشناس فنی خارجی در پی تحریمهایی که گفته شد ایران را ترک کردند و این در حالی بود که

اغلب دانشگاههای کشور از لحاظ ظرفیت های عملی و فناوری کاملا پوک و توخالی و بر مبنای مسایل نظری

و دانشهای منسوخ بنا شده بودند بودند و نیروی بالفعلی برای جایگزینی انبوه کارشناسان فنی خارجی وجود

نداشت بطوریکه امریکاییها یقین داشتند و این یقین را بارها به زبان آوردند که ایران بدون ما نخواهد توانست

نفت خود را اداره کند و نه ارتش را راه بیاندازد نه صنایع بزرگی چون خودرو سازی را اداره کند و نه

میتواند طرحهای صنعتی نیمه کاره را با تمام رساند.

با این وجود نه تنها پیشرفتهای کمی خیره کننده ای که ذکر شد بوقوع پیوست بلکه پیشرفتهای کیفی

حاصل شد که پرداختن به آن وقت زیادی میطلبد \*

و دهها توطئه بزرگ و مخرب دیگری که به عنوان بعضی از آنها قبلا اشاره شد و خیلی از مواردی که اشاره نشد مثل

آتش زدن خرمنها در سال اول انقلاب ، خرابکاریهای صنعتی و از بین بردن گلوگاههای حساس، فناورانه و منحصر بفرد

صنایع توسط عوامل نفوذی ،نوذ علمی و ارائه نقشه های انحرافی که بعد از سرمایه گذاری آثار آن روشن میشد

و.....

و خلاصه اینکه تصور نشود اینهمه پیشرفت در شرایط امروزی و تسلط ایرانیان بر علوم و فناوریهای مختلف حاصل

شده بلکه این پیشرفتهای بدست آمده در سخت ترین شرایط و اوج ناداری هاست و این خود حجتی است که اگر آن

انگیزه ها در امروز که دارایی های عمیق و گسترده علمی و فنی پیدا کرده ایم حفظ شود چه معجزات بزرگتری بوقوع

خواهد پیوست و چه جهشی در ایران بوقوع خواهد پیوست \*

## دستاوردهای فراتر از آمار

در آن شرایط بسیار سخت حاصل مجاهدتها فقط آمار و ارقامی که مشاهده کردید نبود صدها دستاورد بزرگ و کوچک

در پرتو این مقاومتها نصیب ملت ما شد که فهرست آن کتابها خواهد شد \* بطور مثال صنعت سد سازی و ساخت

پل‌های بزرگ ، پالایشگاه سازی، طراحی و ساخت کارخانجات فولاد، مس، آلومینیوم و سیمان سازی و انواع کارخانه‌های دیگر طراحی و ساخت مجتمع‌های بزرگ پتروشیمی، ساخت نیروگاه اتمی که کاملاً متکی به بیگانگان بود و ایرانیان هیچ سر رشته علمی و فنی در آن نداشتند و توسط مهندسان خارجی طراحی و ساخته می‌شد امروز کاملاً بومی است و امروز ایران جزء صادرکنندگان خدمات فنی در این بخش‌هاست و شرکت‌های ایرانی در کشورهای مختلف در حال ساخت و ساز چنین تأسیساتی هستند.

تعداد اختراعات ثبت شده جهانی ایرانیان در سال ۱۹۷۸ میلادی ۶۴ عنوان و در ۲۰۱۵ تعداد اختراعات ثبت شده بین المللی ایرانیان ۱۳۶۸۳ یعنی ۲۱۳ برابر می باشد منبع (wd ۲۰۱۶)

در آن روزگار اغلب کالاهای مصرفی مهم کشور وارداتی بود حتی توانایی تولید یک لیتر بنزین را نداشتیم. امروز در آستانه صادرات آن هستیم. اهمیت بالای این پیشرفت‌ها از این جهت است که تمامی دستاوردها عمیق و بومی است و مانند پیشرفت‌های ظاهری و بادکنی خیلی از کشورها که با یک حرکت قدرتهای خارجی فرو می ریزد نیست از همین روست که ۷ سال است کلیه کشورهای غربی با رهبری آمریکا و رژیم صهیونیستی سخت گیرانه ترین تحریم‌ها و توطئه‌های ارزی و بانکی را نسبت به جمهوری اسلامی ایران روا داشته اند و همزمان عوامل نفوذی آنها و وابستگاه غرب در مصادر مسئولیتی کارها را کند کرده اند که اقتصاد ایران فرو پاشد و کار به تسلیم بکشد اما وضعیت مورد انتظار آنها ایجاد نمی شود.

## رفاه مردم قبل و بعد از انقلاب

شاید کسانی باشند که پیشرفت علمی و صنعتی و زیرساختی کشور برای آنها مهم نباشد و تنها مسائل رفاهی را مدنظر داشته باشند و آنطور که گاهی می شنویم بگویند همه اینها درست ولی در گذشته رفاه مردم بیشتر بوده بله ظلم و بی انصافی نسبت به نظام از طرف مخالفان و بعضی افراد جاهل در حدی است که موضوعات کاملاً بدیهی و آشکار برای همه را انکار می کنند. حجم عظیم گسترده ی رفاهیاتی که در پرتو پیشرفت های دهه های اخیر نصیب اکثر مردم ایران اسلامی شده را با گذشته مقایسه نمی کنیم. مثلاً بیشتر از ۷۰٪ مردم برق نداشتند طبیعتاً از داشتن یخچال، تلویزیون، اتو برقی، ماشین لباسشویی و ... مردم بودند اکثریت قاطع مردم تقریباً هیچکدام از مردم گاز لوله کشی نداشتند و خیلی رفاهیات دیگر در مورد بهبود وضع سلامتی هم که رکنی از رفاه محسوب می شود قدری آمار را ارائه

کردیم در اینجا فقط در مورد سرانه مصرف مواد غذایی و انرژی که از مهمترین شاخص های رفاه در جامعه است صحبت می کنیم. تمام کسانی که در پیش از انقلاب اسلامی در سن تمیز بوده اند و قدرت تشخیص داشته اند تفاوت فاحش وضعیت تغذیه مردم را به وضوح لمس می کنند اگر از آمار بین المللی که متوسط مصرف کالری ایرانیان در سال ۱۹۶۱ را ۱۷۴۷ کالری برای هر نفر در روز و در سال ۲۰۰۹ مصرف روزانه هر ایرانی را ۳۱۴۳ کالری یعنی رشد تقریباً دو برابری مصرف غذا که در ۲۰۱۸ تقریباً بیش از ۲/۵ برابر رسید عنوان می کنند که بگذریم.

از این واقعیت که در سال ۱۳۵۰ همزمان با برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله که شاه غذای میهمانان جشن را به رستوران ماکزیمم پاریس سفارش داده بود در حالی که برابر آمار ۵۲٪ مردم ایران کمتر از حداقل غذای موردنیاز را مصرف می کردند و ۴ میلیون نفر یعنی قریب ۱۳٪ مردم آن روزگار دچار سوءتغذیه حاد بودند که بگذریم جدول آماری زیر به وضوح بهبود خیره کننده وضع رفاه ایرانیان در طول سال های بعد از انقلاب اسلامی را روایت می کند و نیاز به هیچ توضیحی نیست چرا که فیزیک جسمی انسان ها در طول قرن ها همین بوده و خواهد بود و اینطور نیست که گفته شود با گذشت سنوات نیازهای جسمی بدن افزایش می یابد نیاز بدن یک ایرانی در سال ۹۵ همان نیاز سال ۵۷ و همان نیاز سال های قبل و بعد از آن است بلکه نیاز های غذایی امروز خیلی کمتر از سال ۵۷ است چرا که در آن روزگار فعالیت های بدنی مردم خیلی بیشتر بود و کسب و معاش غالباً بر اساس فعالیت های بدنی بود و خانم های خانه دار هم معمولاً وسیله برقی نداشتند و باید کارها را با دست انجام میدادند از لباسشویی و ظرفشویی تا پختن نان و ... فلذا با توجه به فعالیت جسمی خیلی بیشتر از امروز که همه ی کارها دیجیتالی شده است در سال ۵۷ بمراتب نیاز جسمی انسانها به غذا بیشتر بود با این اوصاف وقتی مصرف افزایش یافته باشد، علامت واضح افزایش سطح رفاه مردم کشور است.

مقایسه سرانه مصرف مردم ایران در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۹۵

منبع	نسبت تغییر	درصد تغییر	سرانه مصرف در ۱۳۹۵ پس از ۴۰ سال تحریم (۷ سال تحریم فلج کننده)	سرانه مصرف در ۱۳۵۶	واحد اندازه گیری	کالای مصرفی	ردیف
<p><a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a> بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی</p>	۱,۴۹ برابر	+۴۹,۱۲ %	۱۷۰	۱۱۴	کیلوگرم	انواع نان	۱
<p><a href="http://www.itsr.ir/">http://www.itsr.ir/</a> مجموعه گزارش های مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی وزارت صنعت</p>							
<p><a href="https://www.ers.usda.gov/webdocs/publications/84408/aes-100.pdf">https://www.ers.usda.gov/webdocs/publications/84408/aes-100.pdf</a> ۴۲۹۳۷=۱۰۰.۰۰۰۰۰۰ دپارتمان تحقیقاتی اقتصاد کشاورزی ایالات متحده آمریکا (USDA)</p>							
<p><a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a> بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی</p>	۳,۳۳ برابر	+۲۳۳,۳۳ %	۴۰	۱۲	کیلوگرم	برنج	۲
<p><a href="http://www.itsr.ir/">http://www.itsr.ir/</a> مجموعه گزارش های مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی وزارت صنعت</p>							
<p><a href="http://rc.majlis.ir/fa/news/show/۸۹۵۹۹۴">http://rc.majlis.ir/fa/news/show/۸۹۵۹۹۴</a> گزارش مرکز پژوهش ها مجلس</p>							
<p><a href="http://www.fao.org/۳/a-i۴۶۹۱e.pdf">http://www.fao.org/۳/a-i۴۶۹۱e.pdf</a> گزارش های سالانه سازمان جهانی خواربار (فائو)</p>							
<p><a href="https://www.ers.usda.gov/webdocs/publications/84408/aes-100.pdf?v=42937">https://www.ers.usda.gov/webdocs/publications/84408/aes-100.pdf?v=42937</a> دپارتمان تحقیقاتی اقتصاد کشاورزی ایالات متحده (USDA آمریکا)</p>							
<p><a href="http://ricepedia.org/index.php/iran">http://ricepedia.org/index.php/iran</a> موسسه بین المللی تحقیقات برنج</p>							

<a href="http://www.helgilibrary.com/indicators/rice-consumption-per-capita/iran/">http://www.helgilibrary.com/indicators/rice-consumption-per-capita/iran/</a> Helgi کتابخانه جامع اطلاعات							
<a href="http://dla.maj.ir/Dorsapax/userfiles/Sub5/masraf.pdf">http://dla.maj.ir/Dorsapax/userfiles/Sub5/masraf.pdf</a> آمار مصرف سرانه محصولات دامی وزارت جهاد کشاورزی						مجموعه	
<a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a> بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی	۱,۷۹ برابر	٪+۷۹,۲	۴۷,۵	۲۶,۵	کیلوگرم	گوشت سفید و گوشت	۳
<a href="http://www.itsr.ir/">http://www.itsr.ir/</a> مجموعه گزارش‌های مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت							
<a href="http://dla.maj.ir/Dorsapax/userfiles/Sub5/masraf.pdf">http://dla.maj.ir/Dorsapax/userfiles/Sub5/masraf.pdf</a> آمار مصرف سرانه محصولات دامی وزارت جهاد کشاورزی							
<a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a> بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی							
<a href="http://www.itsr.ir/">http://www.itsr.ir/</a> مجموعه گزارش‌های مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت	۰,۶ برابر	٪-۴۰,۴۷	۱۲,۵	۲۱	کیلوگرم	گوشت قرمز	۴
<a href="http://www.fao.org/neareast/news/view/en/c/430391">http://www.fao.org/neareast/news/view/en/c/430391</a> دفتر منطقه ای فائو برای خاور نزدیک و شمال آفریقا							
<a href="https://un.org.ir/index.php/all-stories/item/3611-24">https://un.org.ir/index.php/all-stories/item/3611-24</a> گزارش سازمان ملل متحد در ایران							
<a href="http://www.khzshilat.ir/Content/media/image/795/01/2016_orig.pdf">http://www.khzshilat.ir/Content/media/image/795/01/2016_orig.pdf</a> سالنامه آماری سازمان شیلات ایران	۶,۶۶	٪+۵۶۶,۶۶	۱۰	۱,۵	کیلوگرم	ماهی	۵

<p><a href="http://www.fao.org/fishery/facp/IRN/en">http://www.fao.org/fishery/facp/IRN/en</a>  دپارتمان شیلات و آبی پروری سازمان جهانی خواروبار(فائو)  <a href="http://www.helgilibrary.com/indicators/fish-consumption-per-capita/iran/">http://www.helgilibrary.com/indicators/fish-consumption-per-capita/iran/</a>  Helgi کتابخانه جامع اطلاعات</p>							
<p><a href="http://isfj.ir/article-1-1198-fa.html">http://isfj.ir/article-1-1198-fa.html</a>  مجله علمی شیلات ایران</p>							
<p><a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a>  بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی</p>							
<p><a href="http://www.itsr.ir/">http://www.itsr.ir/</a>  مجموعه گزارش های مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی وزارت صنعت</p>	۶,۲۵ برابر	+۵۲۵٪	۲۵	۴	کیلوگرم	مرغ	۶
<p><a href="https://un.org.ir/index.php/all-stories/item/3611-24-august-2016">https://un.org.ir/index.php/all-stories/item/3611-24-august-2016</a>  گزارش سازمان ملل متحد در ایران</p>							
<p><a href="http://www.iana.ir/fa/news/29639">http://www.iana.ir/fa/news/29639</a>  خبرگزاری کشاورزی ایران</p>							
<p><a href="http://nrcmushroom.org/book-cultivation-merged.pdf">http://nrcmushroom.org/book-cultivation-merged.pdf</a>  پایگاه تحقیقات قارچ هندوستان</p>	۱۲ برابر	+۱۱۰۰٪	۱,۲	۰,۱	کیلوگرم	قارچ	۷
<p><a href="https://financialtribune.com/articles/economy-business-and-markets/41167/mushrooms-in-hot-water-despite-potential-for-profits">https://financialtribune.com/articles/economy-business-and-markets/41167/mushrooms-in-hot-water-despite-potential-for-profits</a>  پایگاه فایننشیل تریبون</p>							
<p><a href="https://www.researchgate.net/publication/277571810">https://www.researchgate.net/publication/277571810</a>  گزارشات معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی</p>	۲,۸۱ برابر	+۱۸۱٪	۱۱,۲۴	۴	کیلوگرم	تخم مرغ	۸

<a href="http://www.iana.ir/fa/news/50847">http://www.iana.ir/fa/news/50847</a> خبرگزاری کشاورزی ایران							
<a href="http://www.itsr.ir/">http://www.itsr.ir/</a> مجموعه گزارش های مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی وزارت صنعت							
<a href="https://financialtribune.com/articles/economy-domestic-economy/69104">https://financialtribune.com/articles/economy-domestic-economy/69104</a> پایگاه فایننشیل تریبون							
<a href="http://www.helgilibrary.com/indicators/egg-consumption-per-capita/iran/">http://www.helgilibrary.com/indicators/egg-consumption-per-capita/iran/</a> کتابخانه جامع اطلاعات Helgi							
<a href="http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۸۹۷۶۷۶">http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۸۹۷۶۷۶</a> تولید، تجارت و مصرف روغن در ایران؛ مرکز پژوهش های مجلس							
<a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a> بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی	۲,۱۲۵ برابر	۱۱۲,۵٪	۱۷	۸	کیلوگرم	روغن و چربی	۹
<a href="http://www.iana.ir/fa/news/۲۲۸۲۲">http://www.iana.ir/fa/news/۲۲۸۲۲</a> <a href="http://www.iana.ir/fa/news/۵۰۳۲۱">http://www.iana.ir/fa/news/۵۰۳۲۱</a> خبرگزاری کشاورزی ایران							
<a href="http://www.indiansugar.com/PDFS/World_per_Capita_Consumption_of_Sugar.pdf">www.indiansugar.com/PDFS/World_per_Capita_Consumption_of_Sugar.pdf</a> گزارش انجمن شکر هندوستان							
<a href="http://www.iana.ir/fa/news/۴۹۱">http://www.iana.ir/fa/news/۴۹۱</a> <a href="http://www.iana.ir/fa/news/۳۲۹۹۸">http://www.iana.ir/fa/news/۳۲۹۹۸</a> خبرگزاری کشاورزی ایران	۱,۲ برابر	۲۰٪	۱۲	۱۰	کیلوگرم	حبوبات	۱۱
<a href="http://www.fao.org/documents/card/en/c/fd۸۷۹۸f۵-۸۷۰۶-۴۸۴۵-۸۲۳b-d۷b۹da۹dd/۱۸۱">http://www.fao.org/documents/card/en/c/fd۸۷۹۸f۵-۸۷۰۶-۴۸۴۵-۸۲۳b-d۷b۹da۹dd/۱۸۱</a> گزارش دو سالانه در بازارهای جهانی مواد غذایی فائو <a href="http://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۹۹۹۵۱">http://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۱۹۹۹۵۱</a>	۲,۳۳ برابر	۱۳۳,۳۳٪	۱۴۰	۶۰	کیلوگرم	میوه	۱۲

مقایسه تطبیقی معیشت و مصرف سرانه ایران و کشورهای منطقه؛ خبرگزاری ایلنا							
<a href="http://www.iana.ir/fa/news/26230">http://www.iana.ir/fa/news/26230</a> خبرگزاری کشاورزی ایران							
<a href="http://thritajournal.com/en/articles/18171.html">http://thritajournal.com/en/articles/18171.html</a> مجله علمی-پژوهشی تریتا زیر نظر وزارت بهداشت							
<a href="http://www.iana.ir/fa/news/27040">http://www.iana.ir/fa/news/27040</a> خبرگزاری کشاورزی ایران							
<a href="http://thritajournal.com/en/articles/18171.html">http://thritajournal.com/en/articles/18171.html</a> مجله علمی-پژوهشی تریتا زیر نظر وزارت بهداشت	۲۰۲ برابر	+۱۲۰٪	۲۲۰	۱۰۰	کیلوگرم	سبزیجات	۱۳
<a href="http://rc.majlis.ir/fa/report/show/731122">http://rc.majlis.ir/fa/report/show/731122</a> بررسی تطبیقی راهبردی از وضعیت فرآورده های لبنی در جهان و ایران؛ مرکز پژوهش های مجلس	۲,۳۳ برابر	+۱۳۳,۳۳٪	۷۰	۳۰	کیلوگرم	لبنیات	۱۴
<a href="http://www.iana.ir/fa/news/37145">http://www.iana.ir/fa/news/37145</a> خبرگزاری کشاورزی ایران							
<a href="http://www.iana.ir/fa/news/22323">http://www.iana.ir/fa/news/22323</a> خبرگزاری کشاورزی ایران							
<a href="http://www.bahonarbrokerage.com/Portals/20/%D9%85%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%AA/%DA%A9%D9%86%D8%AC%D8%A7%D9%84%D9%87%20%D8%B3%D9%88%DB%AC%D8%A7.pdf">http://www.bahonarbrokerage.com/Portals/20/%D9%85%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%AA/%DA%A9%D9%86%D8%AC%D8%A7%D9%84%D9%87%20%D8%B3%D9%88%DB%AC%D8%A7.pdf</a> گزارش شرکت بورس کالای ایران	۱۰ برابر	+۹۰۰٪	۱	۰,۱	کیلوگرم	سویا	۱۵
<a href="http://www.iana.ir/fa/news/27415">http://www.iana.ir/fa/news/27415</a> خبرگزاری کشاورزی ایران	۸۵ برابر	+۸۴۰۰٪	۸,۵	۰,۱	کیلوگرم	ماکارونی	۱۶



<a href="http://www.iana.ir/fa/news/27415">http://www.iana.ir/fa/news/27415</a> <a href="http://www.iana.ir/fa/news/21883">http://www.iana.ir/fa/news/21883</a> خبرگزاری کشاورزی ایران	۳,۳۳ برابر	+۲۳۳,۳۳ %	۵۰	۱۵	کیلوگرم	سیبزمه ینی	۱۷
<a href="http://amar.tavanir.org.ir/pages/report/stat95/tafsili/tozee/index.htm">http://amar.tavanir.org.ir/pages/report/stat95/tafsili/tozee/index.htm</a> آمار تفصیلی صنعت برق ایران در سال ۹۵ توسط توانیر							
<a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a> بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی							
<a href="http://www.iea.org/publications/freepublications/publication/KeyWorld2017.pdf">http://www.iea.org/publications/freepublications/publication/KeyWorld2017.pdf</a> گزارش آژانس بین‌المللی انرژی	۵,۲ برابر	+۴۲۰,۹۰ %	۲۸۶۵	۵۵۰	کیلووات ساعت	برق	۱۸
<a href="http://www.iea.org/statistics/statisticssearch?year=2015&amp;country=Iran&amp;product=ElectricityandHeat">http://www.iea.org/statistics/statisticssearch?year=2015&amp;country=Iran&amp;product=ElectricityandHeat</a> گزارش آژانس بین‌المللی انرژی							
<a href="http://www.iea.org/sankey/?c=Islamic%20Republic%20of%20Iran&amp;s=Balance">http://www.iea.org/sankey/?c=Islamic%20Republic%20of%20Iran&amp;s=Balance</a> گزارش آژانس بین‌المللی انرژی							
<a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a> بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی	۲,۸۷ برابر	+۱۸۷,۴۰ %	۳۶۵	۱۲۷	لیتر	بنزین	۱۹
<a href="http://www.saba.org.ir/fa/energyinfo/tashilat/taraz">http://www.saba.org.ir/fa/energyinfo/tashilat/taraz</a> ترازنامه های انرژی وزارت نیرو							
<a href="http://niordc.ir/uploads/amar_nameh_93.pdf">http://niordc.ir/uploads/amar_nameh_93.pdf</a> آمارنامه مصرف فرآورده‌های نفتی انرژی‌زا در سال ۱۳۹۳؛ مرکز پژوهش‌های مجلس							
<a href="https://www.cbi.ir/simplelist/17136.aspx">https://www.cbi.ir/simplelist/17136.aspx</a> گزارش های وضع اقتصادی بانک مرکزی							

<p><a href="http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۷۳۴۳۱۷">http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۷۳۴۳۱۷</a></p> <p>مطالعه تطبیقی سرانه مصرف در ایران و چند کشور جهان؛ مرکز پژوهش‌ها</p>							
<p><a href="http://amar.srtc.ac.ir/article-۱-۸۳-fa.pdf">http://amar.srtc.ac.ir/article-۱-۸۳-fa.pdf</a></p> <p>بررسی روند تغییرات مصرف فرآورده های نفتی و گاز؛ پژوهشکده مرکز آمار ایران</p>							
<p><a href="http://niordc.ir/uploads/amar_nameh_۹۳.pdf">http://niordc.ir/uploads/amar_nameh_۹۳.pdf</a></p> <p>آمارنامه مصرف فرآورده‌های نفتی انرژی‌زا در سال ۱۳۹۳؛ مرکز پژوهش‌های مجلس</p>							
<p><a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a></p> <p>بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی</p>							
<p><a href="http://www.energyconf.ir/pdf/۳.pdf">http://www.energyconf.ir/pdf/۳.pdf</a></p> <p>ترازنامه انرژی در سال ۱۳۹۱</p>							
<p><a href="https://www.mellatbroker.com/c/document_library/get_file?uuid=۱۲۸۱۱۴۲b-۰۵ee-۴ce۹-۹۷۶۱-c۵۵۴d۵c۱۶۱۸&amp;groupId=۱۰۲۶۴">https://www.mellatbroker.com/c/document_library/get_file?uuid=۱۲۸۱۱۴۲b-۰۵ee-۴ce۹-۹۷۶۱-c۵۵۴d۵c۱۶۱۸&amp;groupId=۱۰۲۶۴</a></p> <p>گزارش واحد بورس کالا و انرژی</p>	۱,۸۴ برابر	+۸۴٪	۴۶۰	۲۵۰	لیتر	گازوئیل	۲۰
<p><a href="http://www.saba.org.ir/fa/energyinfo/tashilat/taraz">http://www.saba.org.ir/fa/energyinfo/tashilat/taraz</a></p> <p>ترازنامه های انرژی وزارت نیرو</p>							
<p><a href="http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۷۳۴۳۱۷">http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۷۳۴۳۱۷</a></p> <p>مطالعه تطبیقی سرانه مصرف در ایران و چند کشور جهان؛ مرکز پژوهش‌های مجلس</p>							
<p><a href="http://behdashtnews.ir/fa/news-details/۵۰۷۱۲">http://behdashtnews.ir/fa/news-details/۵۰۷۱۲</a></p> <p>انتشار اینفوگرافیک سرانه مصرف بنزین و گازوئیل در ایران؛ مرکز پژوهش‌های مجلس</p>							

<p><a href="https://tsd.cbi.ir">https://tsd.cbi.ir</a> بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی</p>							
<p><a href="http://niordc.ir/uploads/amar_nameh_93.pdf">http://niordc.ir/uploads/amar_nameh_93.pdf</a> آمارنامه مصرف فراورده‌های نفتی انرژی‌زا در سال ۱۳۹۳؛ مرکز پژوهش‌های مجلس</p>							
<p><a href="http://www.energyconf.ir/pdf/3.pdf">http://www.energyconf.ir/pdf/3.pdf</a> ترازنامه انرژی در سال ۱۳۹۱</p>							
<p><a href="http://www.iea.org/publications/freepublications/publication/KeyWorld2017.pdf">http://www.iea.org/publications/freepublications/publication/KeyWorld2017.pdf</a> گزارش آژانس بین‌المللی انرژی</p>							
<p><a href="http://www.iea.org/statistics/statisticssearch/report/?country=Iran:20&amp;product=balances">http://www.iea.org/statistics/statisticssearch/report/?country=Iran:20&amp;product=balances</a> گزارش آژانس بین‌المللی انرژی</p>	۳۲,۴ برابر	۳۱۴۰٪	۲۲۶۸	۷۰	مترمکعب ب	گاز طبیعی	۲۱
<p><a href="http://energyatlas.iea.org/#!/profile/WORLD/IRN">http://energyatlas.iea.org/#!/profile/WORLD/IRN</a> اطلس انرژی آژانس بین‌المللی انرژی</p>							
<p><a href="http://www.irangi.org/res/Iranenergyreview/Iranenergyreview.pdf">http://www.irangi.org/res/Iranenergyreview/Iranenergyreview.pdf</a> گزارش انجمن مهندسی گاز ایران از مصرف انرژی در ایران</p>							
<p><a href="http://www.saba.org.ir/fa/energyinfo/tashilat/taraz">http://www.saba.org.ir/fa/energyinfo/tashilat/taraz</a> ترازنامه های انرژی وزارت نیرو</p>							
<p><a href="http://rc.majlis.ir/fa/report/show/734317">http://rc.majlis.ir/fa/report/show/734317</a> مطالعه تطبیقی سرانه مصرف در ایران و چند کشور جهان، توسط مرکز پژوهش‌های مجلس</p>							

حتي شكم پرست ها هم بايد از انقلاب اسلامي ممنون باشند

همانطور که در جدول کاملاً واضح است مصرف غذای مردم ایران نسبت به قبل از انقلاب اسلامی در بدترین شرایط اقتصادی سالهای اخیر و به دنبال ۴۰ سال تحریم و گذشت ۷ سال از تحریم های به قول آمریکا فلج کننده بین ۱/۲ تا ۱۲ برابر و بطور متوسط بیشتر از ۲/۵ برابر گذشته افزایش یافته است و تنها در مصرف گوشت قرمز کاهش داشته که علت آن هم سوق یافتن مردم به مصرف گوشت سفید است و همانطور که در جدول می بینید جمع گوشت قرمز و سفید از ۲۶/۵ کیلوگرم به ۴۷/۵ کیلوگرم افزایش داشته یعنی در مجموعه مصرف گوشت هم ۱/۸ برابر شده است. این جواب آنهایی است که موفقیت و سعادت را فقط در رفاه مادی و خوردن و پوشیدن بهتر جستجو می کنند. می دانیم که رسالت انقلاب اسلامی فراتر از اینهاست و نسبتی با این مسائل ندارد. می دانیم که انقلاب اسلامی برای تعالی انسان ها به بالاترین سطح انسانیت و کمال شکل گرفته است که جا دارد انسان ها برای رسیدن به آن مراتب گرسنگی و سختی های فراوان را هم تحمل کنند ولی این جواب آنهایی است که مرتب نق می زنند بدانند ولو اینکه رسالت انقلاب اسلامی بهبود معیشت نبوده است اما عملاً با وجود انبوه توطئه های عظیم و حجم حملات دشمن و تحریم ها و کارشکنی های همه جانبه آمریکا و علیرغم ۴۰ سال تحریم بدون وقفه دشمن و ۷ سال تحریم بقول خودشان فلج کننده انقلاب کبیر اسلامی توانسته است توانایی را در مردم ایران ایجاد کند که ضمن حفظ کرامت و عزت نفس خود و در عین حفظ استقلال و آزادی این حجم خیره کننده از بهبود سطح رفاه و معیشت را هم داشته باشد.

### **چرا پیشرفت‌ها را مدیون انقلابیم؟**

هرچند دروغ بسیار بزرگ یعنی اینکه وضع مردم در قبل انقلاب بهتر بود خیلی زیاد توسط رسانه‌های تحت نفوذ دشمن تکرار می‌شود و بقدری تکرار شده که به باور بعضی افراد نشسته است اما وقتی پاسخ آن داده می‌شود و با آمار و ارقام مستند اوضاع مقایسه می‌شود مدعیان می‌گویند چون چند دهه از انقلاب گذشته است این نوع مقایسه قابل قبول و قانع کننده نیست.

ممکن است بعضی هم مدعی شوند "اگر انقلاب هم نمی‌شد این پیشرفت‌ها حاصل می‌شد" و "اگر ما پیشرفت کرده‌ایم دیگر کشورها هم پیشرفت کرده‌اند و این به خاطر پیشرفت جهانی علم و فناوری بوده است، نه آثار انقلاب." و شاید حتی مدعی شوند "تفاقی اگر انقلاب نمی‌شد بیشتر پیشرفت می‌کردیم".

" این ادعاها را می‌شود در مقایسه منحنی رشد این پیشرفت‌ها در ۵۰ سال حکومت پهلوی با رشد آن در جمهوری اسلامی محک زد و به کلی ابطال کرد چرا که در تمامی این موارد شیب کند و بعضاً منفی منحنی های قبلی پس از انقلاب ناگهان بالا کشیده است و به وضوح تحولات مثبت ناشی از انقلاب را نشان می‌دهد. که در حوزه کشاورزی این مسأله و روند وابسته شدن غذای ایران به واردات در قبل از انقلاب کاملاً ملموس است. اگر آن روند ادامه پیدا می‌کرد امروز باید آب خوردن را هم از خارج وارد می‌کردیم. اما بنظر می‌رسد روش خیلی بهتر و غیر قابل مناقشه تری هم وجود دارد که با معیارهای جهانی هم انطباق دارد و آن مقایسه جایگاه جهانی ایران در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی با جایگاه جهانی ایران امروز است.

در دنیایی که همه ی کشورها پیشرفت کرده و در رقابت برای پیشرفت بوده‌اند اگر انقلاب اسلامی توانسته باشد در این رقابت رتبه ایران در میان سایر کشورها را بهبود بخشد این بدان معنی است که روندی که قبلاً وجود داشته تغییر کرده و بر اثر انقلاب اسلامی ایران در مسابقه با سایر کشورها جلو افتاده در نتیجه در اداره ی کشور موفقیت آمیز و رو به جلو عمل کرده است و این مقایسه ای است که مناقشه بردار نیست.

وقتی می‌گوییم کشور در عرصه علمی فتوحات بزرگی داشته و حوزه‌های مهم و حساس علمی را فتح کرده است ممکن است مدعی شوند که این پیشرفت‌ها مربوط به مرور زمان است در این مدت همه کشورها پیشرفت علمی کرده‌اند و طبعاً هر نظام دیگری هم بود ایران چنین پیشرفت‌هایی می‌کرد اما وقتی رتبه علمی ایران در گذشته را با امروز مقایسه کنیم و احراز شود که این جایگاه ارتقاء یافته است دیگر نمی‌توانند مدعی شوند این پیشرفت‌ها عادی و مربوط به مرور زمان است. بلکه نشان می‌دهد در شرایطی که همه کشورها در حال سرعت گرفتن برای پیشرفت بوده‌اند ایران توانسته موقعیت خود را بالاتر بکشد.

### **مقایسه جایگاه جهانی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی**

مثلاً رتبه علمی ایران در زمان رژیم گذشته رتبه ۵۳ در میان کل کشورهای جهان بوده است.

اگر پیشرفت علمی ما عادی و در حد پیشرفت سایر کشورها بوده باشد امروز هم حداکثر همان جایگاه ۵۳ را حفظ کرده باشیم در حالیکه امروز جایگاه علمی ایران به رتبه ۱۶ در میان ۲۰۰ کشور جهان ارتقاء پیدا کرده. یعنی اگر دیگران رشد کرده‌اند ما خیلی سریعتر از دیگران رشد کرده‌ایم و برابر آمار بین المللی رتبه اول از لحاظ شتاب پیشرفت

علمی جهان هستیم و ایران توانسته است در این مدت از لحاظ سطح علمی، ۳۷ کشور جهان را پشت سر گذارد چرا که شتاب رشد علمی جمهوری اسلامی ایران ۱۳ برابر متوسط شتاب رشد علمی جهان است. و اگر بتوانیم این شتاب را حفظ کنیم با روند موجود تا دهسال آینده جزء هفت کشور برتر علمی جهان خواهیم بود.

قدرت دفاعی ایران که در زمان رژیم گذشته بدون مستشاران خارجی و پشتیبانی‌های فنی و تعمیراتی خارج از کشور هیچ بود و ما جزئی از ارتش آمریکا محسوب می شدیم و جنگهای مختلف در دولت های گذشته ثابت کرد که در مقابل تجاوز بزرگ تحت حمایت قدرتهای جهان نیروی مسلح ایران صفر و تسلیم بود اما امروز جمهوری اسلامی بدون شک بزرگترین قدرت نظامی منطقه را دارد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سطح بازدارندگی آمریکاست.

اگر کسی بخواهد سطح قدرت نظامی ایران را مقایسه کند بنگرد ارتش بعثی که ۸ سال با نیروهای مسلح ما جنگید و مرتباً شکست خورد و عقب نشست در ظرف چند ساعت کل کشور کویت را تصرف کرد.

داعشی که کل سوریه را بلعید و بخش اعظم خاک عراق را تصرف کرد و آمریکا برآورد بیست ساله برای مقابله با آن را داشت ظرف کمتر از سه سال نابود شد. که آن سه سال هم بیشتر در گیر سیاسی کاری ها و کارشکنی های عوامل نفوذی بود وگرنه خیلی زودتر از آن کار تمام می شد.

وضعیت و جایگاه ایران در سایر جنبه‌های پیشرفت مادی در نسبت به جایگاه پیش از انقلاب در مواردی که آمار آنوقت در دسترس ما قرار داشت و توانستیم با دوران پس از انقلاب مقایسه کنیم اینگونه است.

سهم ایران در تولید علم جهان در پیش از انقلاب اسلامی تنها سه هزارم بود اینک این سهم هفت برابر شد، ۲٪ درصد از علم جهان در ایران تولید می شود در حالیکه جمعیت ایران ۱٪ جمعیت جهان و سهم طبیعی از تولید علم هم باید همین عدد باشد که دو برابر است.

• از لحاظ علمی بر اساس گزارش سایماگو مرکز معتبر بین المللی سنجش علمی طی سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵:

- رتبه جهانی تولید علم ایران طی سالهای ۱۹۹۶(۱۳۷۵) تا ۲۰۱۵(۱۳۹۴) از ۵۳ ام به ۱۶ ام در جهان ارتقاء یافته است.

- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته انرژی اتمی از ۸۳ به ۱۱ ام ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱ به ۴۱۸) و نکته بسیار مهم اینست که تقریباً صد در صد دانشمندان فعال هسته ای جمهوری اسلامی کل دوره ی تحصیل خود تا فوق تخصص رادر ایران گذرانده اند دانشی که صد در صد بومی است

- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته نانو و نانوتکنولوژی از ۵۷ ام جهان به ۱۶ ام ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱ به ۶۸۷) و امروزه جمهوری اسلامی در حلقه اول علم نانو در جهان هم پای قدرتهای بزرگ این دانش پیش می رود.

- رتبه جهانی تولید علم در رشته مهندسی هوافضا از ۴۳ به ۱۱ ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۴ به ۳۴۱)

- رتبه جهانی تولید علم در رشته پزشکی از ۵۴ ام به ۱۹ ام ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۶۴ به ۳ هزار)

- رتبه جهانی تولید علم در رشته شیمی از ۴۸ ام به ۱۱ ام ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۷۹ به ۳ هزار)

- رتبه جهانی تولید علم در رشته فیزیک و نجوم از ۶۴ به ۱۹ ارتقاء یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۲۱ به یک هزار)

- در تولید برق از رتبه ۲۹ جهان به رتبه ۱۴ ارتقاء یافته ایم

- در سلولهای بنیادین ایران پیش از انقلاب صفر بود اینک در گروه تراز یک جهان قرار داریم و در بعضی بخشها بعنوان مرجع در این دانش شناخته می شود.

- در تمام شخه های صنعتی مهم همانطور که در صفحات پیش به آن اشاره شده مورد به مورد ذکر گردید. ایران رتبه بالاتر از بیستم را در جهان داراست که بهیچوجه با جایگاه پیش از انقلاب قابل مقایسه نیست بلکه با توجه به اینکه کشورهای اروپایی و خاور دور بازسازی و نوسازی خود را حداقل ۴۰ سال قبل از شروع کرده اند جایگاهی بسیار تحسین برانگیز است.

## از لحاظ شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی

### بررسی آمارهای موسسات رسمی جهانی

- نمره ایران به لحاظ شاخص توسعه انسانی از رتبه ۹۲ جهانی به رتبه ۶۹ ارتقاء یافته و از ۰/۵۶۷ در سال (۱۳۶۹) ۱۹۹۰ به ۰/۷۶۶ در سال (۱۳۹۳) ۲۰۱۴ رسیده است.
- ایران از حیث میزان افزایش شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی از شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ پس از کشورهای رواندا و چین در رتبه سوم جهان قرار گرفته است.
- امید به زندگی مردم ایران با ۷۹ رتبه صعود سال ۵۷ به از جایگاه ۱۴۲ جهان به جایگاه ۶۳ رسیده است از ۵۴/۱ سال در (۱۳۵۹) ۱۹۸۰ به ۷۵/۴ سال در ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) افزایش یافتیم این حد از پیشرفت در اصلی‌ترین شاخص سلامتی که در معیارهای جهانی کاملاً شناخته شده است به یک افسانه و رویا شبیه است که حاصل بی‌چون و چرای تحولات پس از انقلاب اسلامی بخصوص در روستاها و مناطق محروم است.
- ایران از حیث میزان افزایش میانگین سال‌های تحصیل طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۸۰ در رتبه پنجم جهان قرار گرفته است.
- سال‌های مورد انتظار تحصیل در ایران از رتبه ۱۱۴ با ۶۹ رتبه صعود به رتبه ۴۵ رسیده است و از ۹/۲ سال در ۱۹۹۰ به ۱۵/۱ در ۲۰۱۴ افزایش یافته است. (بهبود رتبه از ۱۱۴ به ۴۵)
- ایران از حیث میزان افزایش سال‌های مورد انتظار تحصیل طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ در رتبه ششم جهان قرار گرفته است.
- نرخ مرگ و میر کودکان (در هر ۱۰۰۰ تولد) در ایران با ۱۷ رتبه صعود از رتبه ۱۰۹ به ۹۲ رسیده است از ۴۴/۱ در سال ۱۹۹۰ (۱۳۷۰) به ۱۴/۴ در سال (۱۳۹۲) ۲۰۱۳ است.
- ایران امروز با وجود شدت همه‌ی تحریم‌ها و بستن راه مبادلات ارزی از سوی آمریکای جهان‌خوار و توطئه‌های عظیمی که از داخل و خارج علیه اقتصاد کشوری شود از نظر اقتصادی در رتبه ۱۸ جهان از نظر تولید ناخالص ملی قرار دارد.



• بهبود توزیع درآمد؛ کاهش ضریب جینی که اصلی ترین شاخص بین المللی شناخته شده در ارزیابی عدالت اجتماعی محسوب می شود از ۰/۴۳۶۰ در سال ۱۳۵۷ به ۰/۵۱۳۰ در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته که این یکی از افتخارات بزرگ نظام اسلامی است.

• در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶ سازمان ملل ایران با نمره ۷۷ از صد جزء گروه کشورهای برتر در توسعه انسانی دسته بندی شده است و همه میدانند که آن سازمان نسبت مثبتی با جمهوری اسلامی ندارد که گزارشی را بخاطر اغراض خود بنفع ایران بدهد.

از لحاظ جنبه های فرهنگی و اخلاقی و معنوی که مسأله اظهر من الشمس است اگر انقلاب نمی شد آن روند استمرار می یافت ایران امروز یکی از اصلی ترین مراکز قمارخانه ها و کازینوها و فحشا و مرکز اصلی مبارزات مشروبات الکلی جهان بود و با آن سیر انحطاطی پیش از انقلاب اثری از دین و اخلاق نمانده بود اما در عرصه های مادی هم همین انحطاط رخ میداد.

جهش های بلند رتبه و جایگاه جهانی ایران در تمام عرصه های علمی، صنعتی، کشاورزی و پزشکی و ... بدون پدیده ای مانند انقلاب اساساً میسر نبود چرا که:

اول: همانطور که گفته شد منحنی های رشد ایران در این عرصه ها گویای این مسأله ایت و آنرا --- می کند

دوم: مبنای آمریکا و غرب این نبود که اجازه ی دسترسی کشورهای اسلامی به فناوریهای برتر را بدهد همانطور که دیدیم با وجود وابستگی شدید رژیم شاه به آمریکا و نوکری محض آنها حتی حاضر نشدند با وجود در خواستهای مکرر شاه فناوری ابتدایی و معمولی تولید فولاد را به ایران بدهند و شاه مجبور شد دست به دامان شوروی شود و از فناوری عقب افتاده تر و دست دوم شوروی آنها در حد خیلی محدود با تولید پایین بهره بگیرد چه برسد به فناوری های پیچیده تر.

سوم: با بروز انقلاب و آزادی و استقلال در ایران استعدادها شکوفا شد و بخاطر اعلام وابستگی و صاحب اختیار بدون کشور توانستیم به عرصه های ی از علم و فناوری و صنعت ورود کنیم که مطرح ابر قدرتی محسوب می شود و تا امروز هم ابر قدرتها اجازه ورود هیچ کشوری را به این عرصه ها نمی دهند فناوریهای تسلیحاتی، فناوریهای هوا فضا،

فناوریهای هسته ای و ... را هیچ کشور غیر ابر قدرتی در دنیا در سطح ایران در اختیار ندارد و قطعاً در صورت عدم تحقق انقلاب اسلامی دنیا اجازه ی ورود ما به این خطوط قرمز را نمی داد.

چهارم: دلیل دیگری که وجود دارد اگر انقلاب نمی شد ایران در عرصه های مادی به فلاکت می افتاد منحنی های رشد واردات است. روندهای اقتصادی رژیم سابق افزایش روز افزون صادرات نفت و افزایش روز افزون واردات کالای خارجی بود ما تقریباً در هیچ کالای صنعتی کشور صادراتی نبودیم و پیش پا افتاده ترین اقلام را وارد می کردیم روند فزاینده ی این واردات از یکسو و روند افزایش جمعیت اقتضا می کرد که روز به روز بر میزان فروش نفت بیافزاییم تا بتوانیم بودجه واردات را تأمین کنیم. کمالینکه دیگر کشورهای نفتی وابسته به آمریکا همین روند را داشته اند و امروز عربستان با  $\frac{1}{3}$  جمعیت ایران برای اداره کشور خود حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز صادر می کند با این وجود ۳۹٪ زیر خط فقر دارد و با بحران کسری بودجه شدید هم مواجه است.

حال اگر ما خوشبینانه فرض کنیم نه روند وابستگی واردات ایران بالا می رفت و فرض محال جمعیت هم هیچ افزایشی نداشت و نیازهای ایران در همان سطح سال ۵۷ باقی می ماند با انقلاب تی اگر اینهمه جهش فنی و علمی و صنعتی و کشاورزی و سلامت و ..... را هم به همراه نداشت و جایگاه جهان ایران را در همان سطح رژیم گذشته حفظ می کرد بازهم برای ملت ایران بسیار سودآور بود چرا که متوسط برداشت ایران از مخازن نفت در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی  $\frac{2}{5}$  میلیون بشکه در روز بوده است یعنی  $\frac{3}{5}$  میلیون بشکه کمتر از برداشت های نفت در رژیم گذشته به عبارت دیگر  $\frac{51}{100}$  میلیارد بشکه نفت =  $\frac{3}{5}$  بشکه  $\times$  ۴۰ سال در جیب ملت ایران مانده است یعنی با همه ی این فرض های بی جایی که گفتم جمعیت بالاتر نمی رفت و واردات بیشتر نمی شد و ...

با همه این فرض های بنفع رژیم گذشته بازهم ما  $51100$  میلیارد بشکه نفت را مدیون انقلاب اسلامی هستیم.

پنجم: این موضوع جزء مسلحات و واضحات است سیاست چهل ساله آمریکا بود و خواهد بود که رژیم غاصب اسرائیل باید دست برتر و بالاتر در همه ی مسائل در منطقه باشد. این بدان معناست که اگر انقلاب اسلامی رخ نمی داد و ایران پیرو سیاست های آمریکا باقی می ماند هر قدر هم که پیشرفت می کرد باید سطح خود را پایین تر از رژیم غاصب فلسطین نگه می داشت حال آنکه امروز در بسیاری از شاخه های علمی، فنی، صنعتی، کشاورزی و اقتصادی برتری قاطعی نسبت به رژیم صهیونیستی داریم.

لذا با تمام این دلایل و دلایل متعدد دیگر اینکه گفته شود اگر انقلاب هم نمی شد ما به این پیشرفت ها می رسیدیم حرف مفت است و حتی یک دلیل متزلزل و ضعیف هم برای چنین ادعایی وجود ندارد.

## دشمن از چه چیز وحشت زده است؟

مسائلی که گفتیم که ابر قدرتها را بشدت نگران کرده که هیچ بستر سازی ها و سرمایه گذاری های عظیمی که در حوزه های مختلف طی نزدیک ۴ دهه گذشته صورت پذیرفته و در بسیاری از موارد در آستانه شکوفایی است و هنوز آثار ملموس آن در زندگی مردم ظهور نیافته ولی به جهت عمق تأثیر و آینده سازی بسیار مهمتر از آمارهای خشنود کننده پیش گفته است. هر چند شاید عموم مردم نتایج آنرا بطور مستقیم لمس نکنند اما دشمنان و دستگاههای جاسوسی آنها شاید خیلی بیشتر از آن پیشرفت هایی که گفته شد روی این مسائل که در آینده نزدیک ایران را به یک ابر قدرت جهانی تبدیل خواهد کرد وحشترده هستند آنها به شدت از اثبات کارآمدی دین در اداره ی زندگی می ترسند و هر چند برای تحریم و کارشکنی و اذیت بهانه هایی همچون هسته ای و حقوق بشر و موشک را می آورند ولی بیشترین اصرارها بر تحریم برای جلوگیری از این روندهاست:

- توسعه زیر ساخت ها که همه چیز را برای یک جهش بزرگ محیا کرده است. زیرساخت های اقتصادی در حوزه هایی چون تأمین انرژی، حمل و نقل، ارتباطات، بهداشت و درمان، آموزش.
- باز شدن پنجره جمعیتی (بیش از ۵۵ درصد از جمعیت کشور در سن فعالیت ۱۵ تا ۶۵ سال قرار دارند).
- تربیت نیروی انسانی متخصص کارآمد، متعهد و عمدتاً جوان و دارای عزم پیشرفت.
- شکل گیری مراکز تحقیقاتی، پارک های علم و فناوری، شرکت های دانش بنیان که قبلاً وجود نداشت و روند توسعه غیر قابل مهار آنها.
- تجربیات موفق در حوزه های مختلف علمی و فناوری چون هسته ای، نانو، بیوتکنولوژی، موشکی، سلول های بنیادین، هوافضا، داروهای نو ترکیب و پزشکی که ثابت نمود در صورت اتکا به ظرفیت های داخلی و مدیریت مناسب آنها، دسترسی به قله های علم و فناوری امکان پذیر است.
- تسلط بر فناوری سلول های بنیادی قادر به ایجاد هر نوع سلولی در بدن هستند و می توانند به سلول هایی با عملکرد های اختصاصی مثل سلول های ماهیچه ای قلب یا سلول های تولید کننده انسولین در پانکراس و

بسیاری از بافت های دیگر تبدیل شوند. فناوری سلول های بنیادی بالاترین سطح از دانش و فناوری در حوزه سلامت و درمان در جهان است. و امروز جمهوری اسلامی با وجود امکانات محدود به عنوان یکی از قدرت های برتر علمی رشته سلول های بنیادی درآمده است و توانسته است با ایجاد مراکز درمان ناباروری، مرکز سلول درمانی رویان، بانک سلول های بنیادی رویان، بانک عمومی و خصوصی خون بندناف، شبیه سازی (کلونینگ)، تولید حیوانات تراریخته (ترنس ژن) و تولید پروتئین های نو ترکیب به عنوان یکی از مراجع جهانی این دانش مطرح شود.

در حوزه فناوری پزشکی تولید چهار داروی نو ترکیب، استفاده از لیزر در ساخت پوست مصنوعی، تولید نای مصنوعی، تولید قوی ترین چسب بافتی دنیا، تولید ۶۰ نوع فرآورده بیولوژیک، فرآوری سلول های جنینی، شکستن انحصار تولید داروی روماتیسم، رتبه اول تولید دارو در خاور میانه، ابداع روش جدید مدل سازی سه بعدی تصاویر پزشکی و استفاده از سلول های ماهی با روش آنزیمی برای اولین بار (برای تولید واکسن) به فناوری جهانی و در سطح اول این فناوری در جهان است و معمولاً فقط کشورهای بزرگ به آن دسترسی دارند. علاوه بر این ایران قدرت بلامنازع و رتبه اول تولید دارو در منطقه است.

ایرانی که هیچ سررشته ای در علوم فضایی نداشت و حتی توانایی تولید یک راکت ۳۰ کیلومتری را هم نداشت امروز از کشورهای مطرح در حوزه دانش فضایی است. ساخت ماهواره نوید، ماهواره ظفر، موشک پرتابگر سیمرغ، ماهواره ناهید، راکت های کاوش ۱ تا ۴، ماهواره امید، ماهواره سنجش پارس ۲، کاوشگر پیشگام و ساخت پایگاه پرتاب ماهواره یک تنی آن هم در شرایط تحریم به یک رویا بیشتر شبیه است واقعیت.

فناوری نانو با دسترسی به زیربنای ملکولی مواد، فناوری نو پا در جهان است که در این حوزه جمهوری اسلامی جزء ده کشور برتر قرار دارد و پایه پای پیشرفته ترین کشورهای جهان در این فناوری عمل می کند و صدها طرح این حوزه جزء افتخارات بزرگ کشور در عرصه ی علم و فناوری است و پدیده هایی همچون نانو ترانزیستورها، نانو کریستال ها، نانو حسگرها، نانو کامپوزیت ها، نانو لوله های کربنی، نانو رنگ دانه ها، نانو الیاف ها و نانو سیال های مغناطیسی زمینه ساز پیشرفت های جهشی کشور در تمامی عرصه های علم و فناوری و صنعت کشاورزی و سلامت است.

ورود ایران به فناوری های ویژه که در انحصار انگشت شمار کشورهای تراز اول صنعتی جهان است برای ملت ما نویدبخش شکل گیری تمدن جدید مستقل از قدرت های جهانی است و برای دشمنان خطر و تهدیدی بزرگ است. با شکستن انحصارات علمی و فنی عرصه یکه تازی را بر آنها تنگ می کند ورود مقتدرانه ایران به صنایع پیشرفته ای که حداکثر ۵-۶ کشور فناوری های آنرا در اختیار دارند و حتی صادرات به همان کشورها از جمله ساخت انواع توربین ها، ژنراتورها و کمپرسورهای سنگین موتورهای جت و توربینی، ساخت توربین های بادی، ساخت پیل های سوختی، ساخت انواع ابزار دقیق و حسگرهای پیشرفته، ساخت سکوهای نفتی و دستگاههای حفاری و قرارگرفتن در کنار دو کشور صاحب فناوری انحصاری حفاری در آبهای عمیق در جهان.

- حضور مقتدرانه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تبدیل ایران به قطب تأمین ثبات و امنیت در منطقه  
- ثبات و امنیت داخلی و خارجی قابل تحسین در منطقه و جهان در کنار برخورداری از ذخایر غنی نفت و گاز، معدنی، منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی، همگی گویای آن است که ظرفیت بالقوه جهش در حوزه اقتصاد و رسیدن به جایگاه اولی در منطقه جنوب غرب آسیا با شکوفاسازی این استعدادها و بکارگیری مطلوب ظرفیت های مادی و معنوی وجود دارد.

در مقطع کنونی سرمایه انسانی موجود در ایران، فرصت بی نظیری در اختیار کشور قرار داده تا بتواند به اتکای این سرمایه پتانسیل های بالقوه سرزمینی و معدنی اقتصاد ایران را شکوفا نموده و تحول تاریخی در اقتصاد کشور ایجاد نماید.

اگر چه ایران به لحاظ تولید ناخالص داخلی (پتانسیل های تحقق یافته) در رتبه ۱۸ اقتصاد جهانی قرار دارد ولی بر اساس پتانسیل های بالقوه سرزمینی (وسعت سرزمین، دسترسی به آب های آزاد بین المللی، تعداد همسایگان، بازار منطقه، کریدورهای حمل و نقل و ...) و نیروی انسانی (تعداد جمعیت در سن کار و میزان تحصیلات)، ایران می تواند در رتبه ۱۲ در جهان قرار گیرد و جزو اقتصادهای پیشرو در جهان به شمار آید.

از نکات خیلی مهم که معمولاً به حساب نمی آید اینکه همچنین ایران به لحاظ پتانسیل های انسانی و سرزمینی استفاده نشده در رتبه اول در سطح جهان است. به تعبیری دیگر ایران مخزنی از استعدادهای انسانی و سرزمینی بهره برداری نشده می باشد. موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ۶۰ در حال حاضر تبدیل به نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده آماده ورود به بازار کار گردیده است. افزایش جمعیت جوان تحصیل کرده و آماده ورود به بازار کار، فرصت

منحصر به فردی را در اختیار اقتصاد ایران برای جهش قرار داده است که در صورت بهره برداری از این پتانسیل درونی منحصر به فرد، اقتصاد ایران می‌تواند در جایگاه شایسته خود در اقتصاد جهانی قرار گرفته و نه تنها اقتصاد ایران را با تحرک و جهش اساسی مواجه نماید بلکه عامل تأثیرگذار و پیشرفت برای کشورهای حوزه چشم انداز (آسیای جنوب غربی) شده و با همکاری سایر کشورهای منطقه، قطب رشد و شکوفایی اقتصاد کشورهای منطقه گردد.

همانطور که نظام جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر با اقتدار بالا عامل ثبات و امنیت در منطقه به شمار می‌آید، این ظرفیت بالا در اقتصاد ایران وجود دارد که تبدیل به قطب رشد و توسعه کشورهای منطقه نیز گردد. بنابراین وحشت دشمن از این ظرفیت های عظیم رو به جلو و زمینه های آماده برای تبدیل شدن ایران به یک الگوی پیشرو و تراز اول جهانی است که در مخالفت با این موضوع همه ی ابرقدرتها متفقند چرا که می بینند با ادامه این روند ایران جای آنها را بزودی خواهد گرفت تحریم ها و کارشکنی های آنان نه بخاطر ترس از سلاح هسته ای است نه موشک و نه حقوق بشر بلکه ترس از ادامه رشد ایران اسلامی است فلذا در مقابل این توطئه ها یکی از مهمترین دغدغه های اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم انقلاب باید فعال نمودن این پتانسیل ها و توانمندسازی آنها باشد.

## خط شکنی در شکست انحصارات علمی و فناوری

از عمده ترین عوامل وحشت آمریکا از ایران خط شکنی در شکستن انحصارات علمی و فناوری است چرا؟ داشتن دست برتر در اقتصاد مولد نیازمند داشتن دست برتر اقتصادی مولد در جهان مستلزم دسترسی به شش مزیت است.

- ۱- مواد اولیه ارزان و در دسترس که اینرا آمریکا ندارد و قیمت تمام شده مواد اولیه برای آمریکا بالاست.
- ۲- انرژی ارزان و در دسترس که اینرا آمریکا ندارد برداشت های اصلی نفت و گاز آنها به نقاط پر هزینه دریایی رسیده است و آنچه وارد می کنند از ورای اقیانوس ارزان تمام نمی شود.
- ۳- نیروی کار ارزان که در آمریکا وجود ندارد. هر کسی از دنیا به آمریکا رفته به طمع درآمدهای کلان رفته است و نیروی کار آمریکا از گرانترین های دنیاست.
- ۴- بازارهای فروش در دسترس که اینهم وجود ندارد چرا که آمریکا در آنطرف اقیانوسها از اکثریت جمعیت مصرف کننده جهان دور است و حمل و نقل کالای آمریکایی به بازارهای اصلی جهان آنرا از مزیت رقابتی خارج می کند.

۵- نقدینگی که آمریکا با بیست هزار میلیارد دلار بدهی خارجی و کسری بودجه هزار میلیاردی و بدهی چند هزار میلیاردی داخلی یک کشور در آستانه ورشکستگی کامل است.

۶- فناوری که تنها مزیت امروز اقتصادی آمریکاست چرا که دست برتر در این زمینه را دارد

با عقب ماندگی آمریکا در ۵ مزیت از ۶ مزیت مؤثر در اقتصاد تولید موجب شد که با جهانی شدن اقتصاد تولید صنعتی از آمریکا کوچ کند و به چین و سایر کشورهای که مزیت بیشتری دارند برود و آمریکا را به بزرگترین وارد کننده کالای مصرفی و صنعتی تبدیل کند امروز آمریکا وارد کننده ی همه چیز است و مصرف کننده کالای خارجی است شهر ویترویت مهمترین شهر صنعتی آمریکا با یک میلیون مهاجرت به شهر ارواح تبدیل شده است جهانی شدن اقتصاد که آمریکا آنرا میدان داری می کرد و تصور می کرد موجب دست برتر او خواهد شد اول از همه آمریکا را به زیر کشیده دست آمریکا هیچ مزیت تولیدی ندارد. تنها مزیتی که برای اقتصاد آمریکا باقی مانده است علم و فناوریهای انحصاری است.

اقتصاد آمریکا امروز از دو منبع اصلی ارتزاق می کند یکی جاسوسی و زدو بند و نفوذ در دولتهای ثروتمند و غارت منابع کشورهای مستعمره، هیچکس نمی داند که آمریکا امروز چند بشکه نفت در روز از کویت مجاناً و به بهانه اینکه آنجا را از اشغال ارتش صدام آزاد کرده می برد و چند بشکه از عربستان که از خطر اشغال توسط صدام رهانیده شده است؟ کسی نمی داند در آشفته بازار بدون کومتی کشور تراز اول نفتی جهان یعنی لیبی که بی صاحب رها شده آمریکا و اروپا چقدر نفت می دزدند و یا آمریکا از نیجیریه بابت بالانس قدرت دولت با مخالفان چقدر باج نفتی می گیرد و .....

اما منبع اصلی درآمد آمریکا فناوریهای انحصاری است داروهای خاص شاید بعضی را تا هزار برابر قیمت تمام شده می فروشد، صنایع تسلیحاتی که دهها و بعضاً صدها برابر قیمت تمام شده فروش می روند، صنایع هوایی و هواپیماهای مسافری با قیمت های گزاف و بسیار بیش از قیمت تمام شده فناوریهای میکرو و نانو الکترونیک، فناوری های زیستی و سلولهای بنیادی و مهمتر از همه فناوری های نرم تنها نقطه اتکای ته مانده ی اقتصاد مولد در آمریکاست. اگر انحصارات علم و فنی آمریکاشکسته شود اقتصاد رو به نزول آمریکا با سرعت در دره سقوط می کند و منحنی را رو به پایین اقتصاد مولد آمریکا ناگهان سقوط آزاد عمودی خواهد داشت و امروز ایران اسلامی خطر جدی برای هر دو رکن اقتصاد آمریکاست ترویج روح بیداری و انقلابی گری در منطقه می رود که راه چپاول ها و درآمدهای دزدانه آمریکا را بطور کامل سد کند و خط شکنی های علمی و فنی بویژه ظرفیت های در حال شکوفایی صنایع

دانش بنیان انحصارات آمریکا را می شکند اگر به ایران اجازه دهند به بازارهای جهانی داروهای خاص و تسلیحات وارد شود همین حالا به ضربات غیر قابل جبران به اقتصاد آمریکا وارد خواهد شد خطر بزرگتر ظرفیت های در حال شکوفایی در فناوریهای زیستی، قطعات هوایی است شاید ایران بتواند به زودی به فناوریهای که این مزیت را از آمریکا می گیرد برسد اما همین که خط را می شکنند و به دیگر کشورها جرأت و جسارت عبور از مرزهای فنی انحصاری آمریکا را می دهد دردسر بزرگی برای آمریکا ایجاد می کند. آمریکایی هایی که امروز این انحصارات فنی برایشان حکم ناموس را دارد و حتی حاضر نیستند متحدان اصلی شان در این حوزه ها به جایی برسند چه رسد به مخالفانشان ببینید در عرصه صنعت هوایی تا ایرباس شکل می گیرد آمریکا چهل درصد سهام آنرا می خرد تا عرصه را از دست ندهد هر جا شرکت هایی دارویی پیشرفته و فناوری های زیستی سلولی شکل می گیرد بلافاصله شریک می شود و مدیریت آنرا در دست می گیرد حربه ای که امروز در ایران کار ساز نیست. شرکت های دانش بنیان آزاد و مستقل بی پروا که نمی شود آنها را با روابط دیپلماتیک و نفوذ مهار کرد وحشتناک ترین عوامل برای اقتصاد انحصار طلب فنی آمریکاست.

اینکه می بینید نفوذهای غرب در ایران اینقدر برای حفظ فناوریهای نرم افزاری و فضای مجازی بیگانه در کشور حرص و جوش می زنند و از همه ی ظرفیت خود برای بومی نشدن فناوری اطلاعات در ایران بهره می گیرند بخاطر اینست که استعداد عجیب ایرانیان در این عرصه اگر به شکوفایی برسد و دور بر دارد ظرف سالهای کوتاهی مایکرو سافت را بیچاره می کند و درآمدهای نجومی بادآورده را که گاه بخاطر انحصارات علمی ده هزار برابر قیمت تمام شده است را از آنها سلب می کند وحشت آنها را از این چیزهاست نه بمب هسته ای و نه موشکهای بالستیک و نه حقوق بشر.

## ایران الگوی بزرگ مردم سالاری

شاید تصور شود این موفقیت ها و پیشرفت ها محصول حرکت یک بعدی توجه به مسائل مادی و تلاش برای کسب آمار بالاتر بدون رعایت حقوق عمومی مردم است و شاید بعضی بگویند آمار پیشرفت ها را به زخ نکشید اصل نظام برای عدالت و آزادی و مداخله مردم در سرنوشت خویش بوده است و ملاک اصلی اینهاست که در جمهوری اسلامی محقق نشده است. همانگونه که رسانه های غربگرا بطور گسترده جمهوری اسلامی را بر آن متهم می کنند لکن یک



نگاه ساده به واقعیت‌ها نشان می‌دهد از لحاظ میزان مشارکت عمومی در مسائل سیاسی و اداری کشور هم ایران کشوری کم‌نظیر است.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در روستاها و بین عشایر، رئیس قبیله شناسنامه‌ها را جمع می‌کرد و در محل صندوق حاضر می‌شد و پس از پرسش از مسئولان صندوق در مورد اینکه نظر رژیم کدام نماینده است کل شناسنامه‌ها را برای رأی به آن فرد تحویل می‌داد در شهرها هم عده‌ی بسیار اندکی در انتخابات شرکت می‌جستند و صندوقهای رأی همیشه خالی بود<sup>۷</sup> اینک در هر دوره مردم به افرادی غالباً مخالف مسئولان دوره قبل رأی می‌دهند و نتیجه رأی‌گیری‌ها غالباً مخالف خواست کسانی است که انتخابات را مدیریت می‌کنند میزان مشارکت در انتخابات هم در جهان کم‌نظیر است.

انتخابات از ابزارهای تحقق مردم‌سالاری و از مولفه‌های مشارکت سیاسی است که یکی از معیارهای سنجش مردم‌سالاری هم به شمار می‌رود چراکه از طریق انتخابات است که مردم می‌توانند به صورت مستقیم نظرات خود را درباره تصمیمات مهم ابراز نمایند.

علاوه بر این، معمولاً میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رأی یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در هر کشور است که نمایانگر تعلق خاطر مردم به کشور و سرزمین‌شان است.

در بسیاری از کشورهای پیشرفته که داعیه پرچمداری مردم‌سالاری در جهان دارند، میزان مشارکت مردم در انتخابات با وجود سابقه طولانی در برگزاری آن چندان چشمگیر نیست.

علی‌رغم این در جمهوری اسلامی ایران، انتخابات عمدتاً با مشارکت وسیع مردمی برگزار می‌شود. اولین انتخابات جمهوری اسلامی تنها ۴۵ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی برگزار گردید که کوتاه‌ترین زمان برگزاری انتخابات در یک کشور، پس از به ثمر رسیدن انقلاب در آن کشور محسوب می‌شود. و تا امروز تقریباً بطور متوسط سالانه یک انتخابات مهم در جمهوری اسلامی برگزار شده است.

<sup>۷</sup> اسناد معتبر ساختگی بودن انتخابات در فصل اول کتاب آمده است.

جمهوری اسلامی ایران، مدل و ساختاری از حکومت مبتنی بر مردمسالاری دینی معرفی کرده که دو شاخص اصلی آن «مردم» و «دین» می‌باشد. این الگو امروز به عنوان رقیبی برای نظام‌های دموکراتیک غربی درآمده است و بی‌خاصیت بودن دموکراسی غربی و برتری مردم‌سالاری دینی را در محک تجربه اثبات کرده است.

در حالی که با گذشت ۴۰ سال از پیروزی انقلاب، نظام ایران بطور مستمر و بسیار گسترده هدف هجمه‌های رسانه‌ای و دسیسه‌های دشمنان و بیگانگان قرار داشته و جنگ رسانه‌ای علیه ایران اسلامی در تاریخ بی‌نظیر است. نگاه بی‌جدول میزان مشارکت مردمی در دوره‌های مختلف انتخابات و مقایسه آن با کشورهای داعیه‌دار دموکراسی نشان می‌دهد اشتیاق مردم برای شرکت در سرنوشت سیاسی، در ایران به مراتب از کشورهای دیگر بالاتر است.

### جدول: میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری یا پارلمانی کشورها

ردیف	نام کشور	سال	درصد مشارکت	نوع انتخابات
۱	افغانستان	۲۰۰۹	۳۸.۸	ریاست جمهوری
۲	الجزایر	۲۰۰۹	۷۴.۵۵	ریاست جمهوری
۳	اتریش	۲۰۱۰	۵۳.۵۶	ریاست جمهوری
۴	بلغارستان	۲۰۱۱	۴۸.۲۵	ریاست جمهوری
۵	جمهوری دموکراتیک کنگو	۲۰۱۱	۵۹.۰۵	ریاست جمهوری
۶	کروواسی	۲۰۱۰	۵۰.۱۲	ریاست جمهوری
۷	جمهوری چک	۲۰۱۳	۵۹.۰۸	ریاست جمهوری
۸	مصر	۲۰۱۲	۵۱.۸۵	ریاست جمهوری
۹	فنلاند	۲۰۱۲	۶۸.۸۶	ریاست جمهوری
۱۰	فرانسه	۲۰۱۲	۸۰.۳۵	ریاست جمهوری
۱۱	گواتمالا	۲۰۱۱	۶۰.۸۳	ریاست جمهوری
۱۲	هائیتی	۲۰۱۱	۲۲.۳۶	ریاست جمهوری
۱۳	هندوراس	۲۰۰۹	۴۹.۸۸	ریاست جمهوری
۱۴	ایسلند	۲۰۱۲	۶۹.۳۲	ریاست جمهوری

ریاست جمهوری	۵۶.۱۱	۲۰۱۱	ایرلند	۱۵
ریاست جمهوری	۶۱.۲۸	۲۰۱۱	قرقیزستان	۱۶
ریاست جمهوری	۵۷.۷۶	۲۰۰۹	لیتوانی	۱۷
ریاست جمهوری	۴۲.۳۶	۲۰۰۹	مقدونیه	۱۸
ریاست جمهوری	۶۳.۱۴	۲۰۱۲	مکزیک	۱۹
ریاست جمهوری	۴۸.۹۶	۲۰۱۱	نیجر	۲۰
ریاست جمهوری	۵۳.۶۸	۲۰۱۱	نیجریه	۲۱
ریاست جمهوری	۶۸.۰۲	۲۰۱۳	پاراگوئه	۲۲
ریاست جمهوری	۵۵.۳۱	۲۰۱۰	لهستان	۲۳
ریاست جمهوری	۴۶.۵۲	۲۰۱۱	پرتغال	۲۴
ریاست جمهوری	۵۸.۰۲	۲۰۰۹	رومانی	۲۵
ریاست جمهوری	۶۵.۲۷	۲۰۱۲	روسیه	۲۶
ریاست جمهوری	۵۷.۱۲	۲۰۱۲	سنگال	۲۷
ریاست جمهوری	۴۶.۲۶	۲۰۱۲	صربستان	۲۸
ریاست جمهوری	۵۱.۶۷	۲۰۰۹	اسلووکی	۲۹
ریاست جمهوری	۴۲.۴۱	۲۰۱۲	اسلوونی	۳۰
ریاست جمهوری	۴۲.۸۴	۲۰۱۰	تانزانیا	۳۱
ریاست جمهوری	۶۹.۷	۲۰۱۰	اوکراین	۳۲
ریاست جمهوری	۵۷.۵	۲۰۱۲	آمریکا	۳۳
ریاست جمهوری	۸۰.۲۸	۲۰۱۲	ونزوئلا	۳۴
ریاست جمهوری	۶۴.۷۸	۲۰۱۲	یمن	۳۵
پارلمانی	۶۲.۷۸	۲۰۱۲	ارمنستان	۳۶
پارلمانی	۴۹.۷۵	۲۰۱۰	آذربایجان	۳۷
پارلمانی	۶۷	۲۰۱۰	بحرین	۳۸

پارلمانی	۵۲.۴۹	۲۰۱۳	بلغارستان	۳۹
پارلمانی	۶۱.۴۰	۲۰۱۱	کانادا	۴۰
پارلمانی	۴۳.۷۵	۲۰۱۰	کلمبیا	۴۱
پارلمانی	۵۴.۱۷	۲۰۱۱	کرواسی	۴۲
پارلمانی	۶۳.۵۳	۲۰۱۱	استونی	۴۳
پارلمانی	۶۷.۳۷	۲۰۱۱	فنلاند	۴۴
پارلمانی	۵۵.۴	۲۰۱۲	فرانسه	۴۵
پارلمانی	۵۹.۷۶	۲۰۱۲	گرجستان	۴۶
پارلمانی	۷۰.۷۸	۲۰۰۹	آلمان	۴۷
پارلمانی	۶۲.۴۷	۲۰۱۲	یونان	۴۸
پارلمانی	۴۶.۶۶	۲۰۱۰	مجارستان	۴۹
پارلمانی	۵۸.۱۹	۲۰۰۹	هند	۵۰
پارلمانی	۶۴	۲۰۱۱	عراق	۵۱
پارلمانی	۷۵.۱۹	۲۰۱۳	ایتالیا	۵۲
پارلمانی	۵۹.۳۲	۲۰۱۲	ژاپن	۵۳
پارلمانی	۵۶.۵	۲۰۱۲	اردن	۵۴
پارلمانی	۵۹.۵۳	۲۰۱۲	کویت	۵۵
پارلمانی	۵۳.۹۸	۲۰۰۹	لبنان	۵۶
پارلمانی	۳۵.۹۱	۲۰۱۲	لیتوانی	۵۷
پارلمانی	۷۴.۵۶	۲۰۱۲	هلند	۵۸
پارلمانی	۶۸.۹۴	۲۰۱۱	اسپانیا	۵۹
پارلمانی	۴۹.۱	۲۰۱۱	سوئیس	۶۰
پارلمانی	۶۵.۷۷	۲۰۱۰	بریتانیا	۶۱
پارلمانی	۴۱.۵۹	۲۰۱۰	آمریکا	۶۲

نگاه آماری به میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری ایران نشان می‌دهد همواره مردم حضور گسترده‌ای در پای صندوق‌های رأی داشته‌اند و این حضور کمتر دچار نوسان شده است: در سه انتخابات اخیر که همزمان با نمونه‌های بالا انجام شده در سال ۲۰۰۹ یا ۱۳۸۸ میزان مشارکت ۸۵٪ در سال ۲۰۱۳ یا ۱۳۹۲ میزان مشارکت ۷۲/۸٪ و در سال ۲۰۱۷ یا ۱۳۹۶ میزان مشارکت ۷۳٪ بوده است یعنی از میان کشورهای جهان بجز ۵ کشور ایران بالاترین میزان مشارکت مردمی را داشته است در حالیکه مشارکت مردمی در کشورهایی که بزرگترین مدعیان دموکراسی در جهان هستند و بیشترین اعتراض و ادعا به عدم وجود آزادی و عدم رعایت حقوق بشر در ایران را دارند ۱۰٪ الی ۳۰٪ از جمهوری اسلامی ایران کمتر است ایالات متحده آمریکا با ۴۱٪ مشارکت در مشارکت مردمی و مردمسالاری حداقل ۳۰٪ و انگلیس با ۶۵٪ مشارکت حداقل ۷٪ و کانادا ۱۲٪ از ایران عقب‌تر هستند انتشار همین پیشرفت‌های خیره‌کننده در دنیا است که رفته‌رفته می‌رود تا ایران را به‌عنوان یک الگوی قابل قبول ملتها مطرح کند. الگویی که مطالبات ملتها را از دولت‌ها بالا می‌برد و مرتباً آن‌ها را با این سؤال مواجه می‌کند که چرا ایران توانسته بدون وابستگی به بیگانگان با حفظ استقلال و آزادی و عزت خود و وجود ایستادگی در برابر قدرت‌ها با حفظ آراء مردم و مشارکت بالاتر آنها و تصمیمات این قدر پیش‌برود و ما نمی‌توانیم؟

این الگویی است که مردم کشورها را برای آزادی و استقلال و پیشرفت خودشان در مقابل آمریکا به صحنه می‌آورد. چرا که به عینه می‌بینند کشوری که مقابل استکبار ایستاده پیشرفت بیشتری کرده است آزادی بیشتری دارد، توزیع عادلانه‌تری دارد.

امنیت بهتری دارد، فلسفه آشوبگری‌هایی که هرازگاهی آمریکا در ایران به راه می‌اندازد همین است که این تصویر زیبا را در چشم مردم دنیا بد جلو دهد. آمریکایی‌ها که از نفوذ و پیشروی سریع انقلاب اسلامی در منطقه به شدت وحشت‌زده و دست‌پاچه‌اند، تلاش کرده‌اند با روی کار آوردن نفوذی‌ها پیشرفت‌های ما را کند کنند و شتاب پیشرفت علمی و ورزشی و پیشرفت‌های فناوری را قدری کند کنند.

ولی پیشرفت‌ها در زیرپوست شهر ادامه دارد و عمق بیشتری می‌یابد اگر بعضی مجریان نفوذی جلوی کارها را می‌گیرند محققان و اساتید که بیکار نمی‌نشینند. آنها کار خود را می‌کنند و دانش و فناوری را تولید می‌کنند اگر چه انبار شود این فناوریها و با کارشکنی نفوذی‌ها به میدان راه پیدا نکند مثل آبی که پشت سد جمع می‌شود آماده بهره‌برداری است.

بطور مثال صنعت هوا فضا که برابر خواست دشمنان سرکوب و بسیاری از فعالیت هایش در حوزه ی غیر نظامی متوقف شده است در حال حاضر چند ماهواره طراحی و حتی ساخته شده دارد. در اتمی پیشرفت های خوب فنی ادامه دارد در سایر بخشهایی که در سالهای اخیر با کاهش بودجه وبی اعتنایی کنترل شده اند پیشرویهای تحقیقاتی عمیق بسیار بیشتری صورت گرفته است.

کافی است یک دولت اسلامی و درست کار روی کار بیاید و با حذف نفوذیها میدان را برای شکوفایی استعدادهای عظیم انباشته در جمهوری اسلامی باز کند. جهش بزرگی اتفاق افتاد که چشم دنیا را خیره می کند و سرعت و شتاب گرایش جهان به اسلام را دهها برابر می کند و آنها به دردسر جدی تری می افتند چرا که این ذخایر تحت فشار ناگهانی عمل می کند و درخشش بیشتر می خواهد داشت؛ فلذا اصرار دارند و دستپاچه اند تا فرصت هست و نفوذیها هستند کار انقلاب را به زعم خودشان یکسره کنند تا آن جهش خیره کننده و در شرف وقوع، محقق نشود و از انقلاب اسلامی شکست راهبردی دیگری را متحمل نشوند.

## **تلاش دشمنان برای وارونه جلوه دادن واقعیت ها**

فلسفه خشونت های بی نظیر داعش و انتشار خودخواسته آن جنایات در رسانه های بین المللی همین است که مردم جوامعی که دورترند و تفاوت میان داعش و جمهوری اسلامی را نمی دانند از اصل اسلام به وحشت بیفتند و از الهام گرفتن از ایران اسلامی منصرف شوند.

آنها برای نا امید کردن مردم ایران و منزوی کردن جمهوری اسلامی در افکار عمومی جهان ترفندهای مختلفی به کار می برند.

مثلاً جمهوری اسلامی را در هر موضوعی با بهترین همان موضوع در جهان مقایسه می کنند و بدون اینکه بگویند آن کشور فقط در همان موضوع برتر است و صد نقطه ضعف دیگر دارد. جمهوری اسلامی را عقب مانده معرفی می کنند. اگر یک فرودگاه منضبط و منظم در یک کشور هست با دیدن بی نظمی و ضعف در گوشه ای از فرودگاه تهران بلافاصله وضعیت با آن فرودگاه که احتمالاً یکی از بهترین فرودگاههای جهان است مقایسه و بعد نتیجه گیری مستقیم ایشان ناکارآمدی نظام است بدون اینکه به این نکته توجه شود آن کشور همه اش همان یک فرودگاه است و اینجا مجموعه

ای از پیشرفت‌ها در علم و فناوری و صنعت و کشاورزی و فرهنگ و ادب و نفوذ بین‌الملل و جهاد اسلامی و ... اینجا یک پیشرفت همه‌جانبه پایدار بومی رخ داده است و نه یک پیشرفت تک‌بعدی وابسته به بیگانه.

امام خامنه‌ای در این زمینه فرمودند: "پیشرفت این نیست که خارجی‌ها بیایند پول یک کشور را ببرند برایشان برج درست کنند اینها پیشرفت نیست، بعضی نگاه می‌کنند بعضی کشورهای دورو بر ما که ثروتشان نفت است و می‌بینند بله آنجا فرودگاه فلان جور یا برج فلان جور دارد! نه این پیشرفت نیست. اینکه خارجی‌ها بیایند پول یک کشور را بگیرند مردم آن کشور را تحقیر کنند و برایشان برج بسازند این پیشرفت نیست این عقب‌رفت است این خسارت است امروز بلندترین برج منطقه در بی‌عرضه‌ترین کشور منطقه است اینکه پیشرفت اینست که یک کشور یک ملت، با توان خود، با اراده‌ی خود، با تصمیم خود، با دانش خود، با ظرفیت خود، خودش را به صفوف مقدم برساند این پیشرفت است و این در کشور ما بحمدالله اتفاق افتاده است" ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

### پرونده‌های مفاسد بزرگ ننگ یا افتخار برای نظام

شگرد دیگر این است که مشکلات را تعمیم می‌دهند اگر در یک جایی کارمندی یا یک قاضی تخلف می‌کند، آن را به کل نظام تعمیم می‌دهند و می‌گویند فساد همه‌جا را فراگرفته است.

آن‌ها نقاط قوت نظام را به‌گونه‌ای طرح می‌کنند که تلقی نقطه‌ضعف از آن شود اگر پرونده مفاسد بزرگ اقتصادی رسیدگی می‌شود و متخلفان بزرگ مجازات و بعضاً حتی اعدام می‌شوند، این بیانگر استحکام نظام و سلامت قاضی رسیدگی‌کننده است که قطعاً با پیشنهاد رشوه‌های خیلی کلان از سوی صاحبان این پرونده‌های بزرگ مواجه می‌شود ولی دست از اجرای عدالت نمی‌کشد و قاطعانه کار خود را ادامه می‌دهد ولی آن‌ها وجود این پرونده‌ها را که قوت نظام و بیان عزم مبارزه با فساد است به‌عنوان ضعف نظام مطرح می‌کنند.

حال آنکه ضعف آن است که فساد وجود داشته باشد و رسیدگی نشود در بسیاری از کشورها مفاسدی بسیار بزرگ‌تر وجود دارد و اصلاً یک پرونده بزرگ هم رسیدگی نمی‌شود.

آن وضعیت ننگ آور است که در تمام طول پنجاه سال رژیم منحوس پهلوی که تحت حمایت کامل آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان بود، برای کل خانواده سلطنتی، وزرا و اطرافیان آن‌ها که موارد عدیده از قتل، تجاوز، زمینخواری اختلاس های میلیارد دلاری قمارهای مفتضح، رشوه، قاچاق مواد مخدر و... مرتکب می شدند و مستندات غیر قابل انکار آن‌ها وجود دارد، حتی یک پرونده بله در طول ۵۰ سال حتی یک پرونده فساد از این خاندان سراپا فساد و دوستانشان تشکیل نشد.

و اینکه در نظامی افراد برجسته‌ای خلاف کنند و بر خلاف آنها رسیدگی و مجازات شوند ننگ که نیست هیچ افتخار است. سرشکستگی این پرونده های کلان برای متخلفان است و نه نظام اسلامی کما اینکه در موارد عدیده مقامات حکومت امیرالمؤمنین(ع) فساد کردند ولی مجازات و تنبیه شدند و ما امروزه آن مجازات‌ها افتخار می‌کنیم. هیچکس حتی دشمنان امیرالمؤمنین(ع) را بخاطر وجود آن پرونده های مفاسد بزرگ که در دولت ایشان تشکیل شد نعوذ بالله سرزنش نمی کند بلکه همه از دوست و دشمن آنرا تحسین می کنیم. چرا که برخورد با فساد نشاندهنده سلامت و عدالت نظام و حاکمان است و مرتکب فساد و حامیان آن باید شرمنده باشند نه حاکمان پاکدست.

## روزنامه های زنجیره ای لشکریان مخلص آمریکا و انگلیس

شگرد دیگر دشمن در جنگ روانی علیه ملت ایران این است که مسائل را بزرگنمایی می‌کند. اگر هر هفته درگیری‌های مسلحانه منجر به کشتار در مدارس و دانشگاه‌های آمریکا اتفاق می‌افتد، در چند سطر خبر بسته مسأله رفع و رجوع می‌شود ولی خدا نکند درجایی نیروی انتظامی درگیری با اراذل داشته باشد و اتفاقی آنجا بیفتد، تا مدت‌ها آن اتفاق از صدر اخبارشان پایین نمی‌آید.

روزانه ۹۰ قتل مسلحانه در آمریکا برای رسانه امری کاملاً عادی است و اصلاً نباید تیترا خبر شود. اینکه در هر ۸۰ ثانیه یک تجاوز در آمریکا صورت می‌گیرد برای بعضی رسانه ها امری طبیعی است، ذکری از آن نمی‌شود ولی اگر سالی یک مورد یک معتاد و قربانی تهاجم فرهنگی غرب و آلوده به تأثیرات شبکه های ماهواره ای تحت حمایت غرب یا شبکه های اجتماعی آنان در ایران به یک دختر بچه تعرض کند، تا ماه‌ها به بهانه‌های مختلف روان‌شناسانه، جامعه‌شناسی از دید اقتصادی از دید شرعی و... در رسانه‌هایشان به آن می‌پردازند و روزنامه های تحت مدیریت سیا در



ایران هم این مسائل را تیتیر یک و صفحه یک می زنند تا خواست اربابانشان را که آشفته نشان دادن وضعیت ایران و مایوس کردن مردم از نظام است جامعه عمل بپوشند.

در ۵ بهمن ماه ۹۶ رسانه های آلمان خبر دادند که یک پرستار آلمانی برای خودنمایی، بیشتر از صد مریض بستری را کشته است و در بررسی ها ممکن است آمار کشتگان به دویست نفر برسد حتی یک روزنامه ایران این خبر را حتی با خط ریز در صفحه اول کار نکرد اما اگر یک جوان فاسد در فلان شهر کوچک یک تجاوزی کرده یکبار به مناسبت اصل خبر بار دیگر به بهانه شکایت پدر بار سوم به بهانه نظر قاضی بار چهارم به بهانه سؤال از دادستان کل در مورد پیشرفت پرونده باز کنیم به بهانه صدور قرار بار ششم انعکاس خبر تشکیل دادگاه بار هفتم صدور حکم بار هشتم حکم تجدید نظر و بار نهم اجرای حکم بار دهم تحلیل جامعه شناسی از حکم و ... این خبر مضمّن کننده صفحه اول روزنامه کاری می شود چرا؟ چون قرار است این تصور را برای ما بوجود آورند که غربیها کاملاً منظم و آرام و روی روال زندگی می کنند و ما آشفته ایم چرا؟ چون قرار است جامعه امن ما را که این مسائل در آن استثناست ناامن و کشورهای که این حوادث در آن ها قاعده ی روزمره است بهتر از ایران نشان دهند اینگونه پرونده ها را به نطق های نمایندگان مجلس و مصاحبه مقامات می کشند بقدری که همه ی ایران آن یکنفر مفسد و یا قربانی او را به اسم بشناسند من با اطلاع می گویم که دستور برای این رفتار توسط روزنامه ها از انگلیس می آید.

از شگردهای دیگر آنان، بالا بردن انتظارات مردم است. گاهی انتظارات آرمانی را دست آویز زیر سؤال بردن ها قرار می دهند و آنقدر این انتظارات وعده های ساختگی را تکرار می کنند که حتی به باور افراد متعهد جامعه می نشینند. گاهی وعدههایی را که مطلقاً امام(ره) ندادهاند، مثل آب و برق مجانی و ... را با قاطعیت به رخ می کشند. و آنقدر از این شگردها برای تخریب نظام، تحقیر ملت ایران و فرهنگ آداب بومی، مشوش نشان دادن اوضاع بکار می برند که امر بر مخاطبان مشتبه می شود و آزادی و امنیتی که دارند از آن بهره می برند را متفکر می شوند.

کسانی که با گردشگران و مسافران بویژه شخصیت های غیر ایرانی سروکار دارند می دانند تقریباً هیچ غیر ایرانی نیست که به ایران بیاید و از دیدن ایران به شدت متعجب نشود. اکثر قریب به اتفاق گردشگران به ویژه مسئولان غیر ایرانی که به ایران می آیند در ضمن دیدار بارها و بارها تعجب خود را اظهار می دارند و از اینکه ایرانی که دیده اند با آنچه در رسانه های جهان برای آن ها ساخته بودند، تفاوت خیلی فاحشی دارد .

گردشگران غیر ایرانی غالباً می گویند امنیت و آرامش و محبت و صمیمیت مردم ایران و روابط گرم خانوادگی و... که وجود دارد بی نظیر است و پیشرفتهای زندگی مردم نسبت به آنچه تصور می کردند غیر قابل باور است و مدیریت های شهری و اجتماعی موجود در ایران برایشان باور کردنی نیست.

## کلیت نظام مقصر هر نارسایی کوچک

یکی از مهمترین ترفندهای روانی دشمن این است که هر ضعف کوچکی در هر گوشه و کنار را بلافاصله به کلیت حاکمیت و نظام می کشاند و نظام را مقصر می داند. در یک نظام مردم سالار که مسئولان بطور مستقیم یا غیر مستقیم با آراء مردم انتخاب می شوند طبیعی است که وقتی ضعفی در هر حوزه بروز می کند آن حوزه را مخاطب قرار دهیم. مثلاً اگر در حوزه مدیریت شهری مشکلی هست شهردار و شورای شهر را مخاطب قرار دهیم و نقدکنیم و عملکرد او را با شهرداران قبلی مقایسه کنیم اگر نقصی در قوانین هست نمایندگان مجلس را مواخذه کنیم ولی می بینیم که در تحلیل و نقد کوچکترین مشکلات را به کل نظام و ناکارآمدی نظام ربط داده می شود و بجای مقایسه با عملکرد وزیر یا وزرای قبلی یا شهردار با مقام قبلی بلافاصله عملکرد آن حوزه با حوزه مشابه در بهترین کشورها در آن زمینه مقایسه می شود و بجای آن وزیر یا شهردار یا مقام مسئول دیگر بدون در نظر گرفتن اینکه این مسئولین با رأی خود مردم انتخاب شده اند کل نظام به ناکارآمدی متهم می شود.

رسالت نظام حفظ استقلال است که به خوبی انجام داده است، رسالت نظام مراقبت برای حفظ کشور در چارچوب اسلامی است که این رسالت به خوبی در حال انجام است، رسالت نظام حفظ حقوق و آزادی مردم برای مشارکت در تصمیم گیری و انتخاب نمایندگان برای قانونگذاری و قوه اجرایی است که این هم به خوبی انجام شده و مردم به طور مداوم در این چهل سال حتی در شرایط جنگی و بحران های بزرگ بدون حتی یک روز تأخیر در انتخابات آزاد شرکت کرده و نفرات موردنظر خود را به منصب نشانده اند نفراتی که در بسیاری از موارد افکار کاملاً متضادی با اندیشه امام (ره) و امام خامنه ای عزیز داشته اند. در مجلس و قوه مجریه فراوان بوده و هستند و نظام بدون هیچ سخت گیری فرصت داده که مردم انتخاب خودشان را داشته باشند. اگر به این مسائل اساسی ایرادی وارد بود و مردم فرصت انتخاب در فضای آزاد و مستقل نداشتند نباید آن را از چشم نظام ببینیم که خوشبختانه ایرادی به آن وارد نیست و نظام رسالت خود را به خوبی انجام داده تا ما بتوانیم با آزادی و مستقل از دخالت بیگانه انتخاب خودمان را بکنیم پس اگر

در عرصه های اجرایی یا قانون گذاری اشکالی هست آن را باید به انتخاب خودمان و به همان منتخبان نسبت بدهیم و نه به کلیت نظام مردم سالار دینی.

رسانه های بیگانه، شبکه های اجتماعی تحت مدیریت غرب، روزنامه های زنجیره ای و عواملشان شب و روز در تلاش اند تا با استفاده از رسوبات ذهنی مردم از نظام گذشته و این تصور که الآن هم مثل زمان شاه همه سررشته های امور دست پادشاه و حاکم است و او باید برای بهبود امور امر بدهد از این سابقه ذهنی سوء استفاده می کنند و هر ضعف کوچکی را به کلیت نظام و ناکارآمدی آن نسبت می دهند و آنقدر جدی این مسائل را تعقیب می کنند که دستگاه های کشور را به انفعال می کشند. مثلاً اگر ساختمانی آتش سوزی می شود عکس العمل به موقع آتش نشانی بر عهده سازمان آتش نشانی است وظیفه پیش گیری و تذکرات قبلی همینطور است و مربوط به شهرداری است و مربوط به شورای شهر است که مردم خودشان حتی بدون نظارت شورای نگهبان انتخاب کرده اند و اینها باید جوابگو باشند ولی طوری با هیجان کلیت نظام را در این مورد زیر سوال می برند که صدا و سیما مجبور شود به مدت ۲۰ روز شبانه روز دوربین زنده از محل حادثه وضعیت را به مردم گزارش دهد و لحظه به لحظه داغ مردم را تازه کند حال همین اتفاق در لندن می افتد و تعداد خیلی بیشتری هم کشته می شوند ولی شما حتی یک تصویر درست و حسابی از واقعه نمی بینید چرا که در مورد آنجا رسالت رسانه ها حفظ نظام و بازخواست از مسئولان مربوط است در اینجا این دسته از رسانه ها با کمک دشمن مأموریت شان زدن نظام و حفظ مسئولان متخلف است کما اینکه با وجود افتضاحات مدیریتی در حوزه وزارت راه آن را دیدیم نظام باید زده شود نظام باید به ناکارآمدی متهم شود ولی مدیر متخلف یا ناتوان دفاع شود.

## شنا بر خلاف جریان آب

آن‌ها که با استناد به بعضی نارسایی‌های کشور نظام را ناکارآمد و در آستانه فروپاشی می‌دانند، نمی‌توانند به این سؤال پاسخ دهند که اگر نظام ناکارآمد و در حال اضمحلال است چرا مقامات آمریکا هرروز علیه آن موضع می‌گیرند؟ چرا هر هفته برای مبارزه و محدودسازی جمهوری اسلامی قوانین و مقررات جدید در آمریکا وضع می‌کنند؟ آن‌قدر شدید و دستگاه اجرایی و قانونگذاری ایالات متحده آنقدر زیاد و پرتکرار به ایران می‌پردازند که گویی آن دستگاهها اساساً برای وضع قوانین در مورد ایران تشکیل شده است نه قانون گذاری بو اداره ی آمریکا.

همین واکنش‌ها در کنار آمار و ارقام واقعیت‌های غیر قابل انکاری که ارائه شد بهترین علائم حیات و نشان و کارآمدی نظام دارد در اداره‌ی کشور هستند پس انقلاب اسلامی بر اساس شاخص ارتقاء جایگاه پیشرفت ایران در جهان در مقایسه با سایر کشورها پیشرفت‌های قابل چشمگیری داشته و با وجود فراز و نشیب‌ها و با وجود آنکه هنوز دولت اسلامی بر اساس الگوی اسلامی پیشرفت نداریم اداره‌ی کشور هم موفقیت‌آمیز و رو به جلو بوده است. وقتی این پیشرفت‌های خیره‌کننده کشور را آنهم نه در شرایط متفاوت بلکه زیر آتش شدیدترین تهاجمات و توطئه‌ها و خرابکاری‌های دشمن را می‌بینیم نمره بالای کارآمدی نظام بخوبی دیده می‌شود.

این مسأله بسیار مهم را نباید نادیده گرفت که ملتی قیام کرده است در مقابل قدرتهای مسلط در جهان شوریده است و چهل سال بر خلاف جریان آب شنا کرده است جریان حاکم بر جهان جریان بی‌عدالتی، ظلم، فساد، تبعیض، آدم‌کشی، زورگویی به مستضعفان، اشغالگری، ستمگری و ستم‌پذیری بوده است و ملت ایران تصمیم گرفته بر خلاف این جریان حرکت کند. شناگری که خلاف جریان شنا می‌کند حتی اگر هیچ پیش‌نرود باز هم نسبت به آنها که موافق جریان آب حرکت می‌کنند برنده و پیروز محسوب می‌شود حال ملت ایران چهل سال خلاف جریان آب شنا کرده و اینقدر هم پیش‌رفته است چقدر کج‌فهمی و بی‌انصافی است که او را ناکارآمد و ناموفق جلوه دهیم. این آمار و ارقام و کیفیت‌هایی که از پیشرفت‌ها و قابلیت‌های ملت ایران در این چهل سال گذشته ارائه شد به سبب همین شنا بر خلاف جریان آب و حرکت در تعارض نظم حاکم بین‌المللی پیشرفت مضاعف محسوب می‌شود و به همین جهت این پیشرفت کاملاً بومی، عمیق، پایدار و ماندگار است.

اینجا این تجربه منحصر به فرد ملت ایران رخ می‌نماید و آن پیشرفت توأم با مبارزه است باید آن را به عنوان نهمین تجربه و یکی از تجارب مهم چهل‌ساله انقلاب اسلامی ثبت کرد و به دیگر ملت‌ها آموخت و آن اینکه می‌شود نه فقط با آمریکا بلکه همزمان با همه قدرت‌ها مبارزه کرد و همزمان پیشرفت کرد. می‌توان در دنیای ظلم و ستم و جور خلاف جریان آب شنا کرد و قهرمان هم شد. این دیگر یک شعار نیست. نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی صرفاً یک شعار نیست این در عمل ثابت شده است. امروز جمهوری اسلامی که بر خلاف جریان ظلم شنا کرده است، روی سکویی بسیار بالاتر از کشورهای هم‌ترازی که با ظلم مسلط جهان همراه شده‌اند، ایستاده است این تجربه راهبردی انقلاب اسلامی است. همانگونه که امام خامنه‌ای می‌فرمایند: "خب در این سی و چند سال ما از کجا به کجا رسیدیم؟! همه‌ی این حرکتی هم که ما در این سی و پنج سال کردیم، مواجهه با فشار طرف

مقابل بود، یعنی باد مخالف میوزید و ما توانستیم جلو برویم؛ جریان تند مخالف ما بر این بستری که ما در آن حرکت کردیم حضور داشت و ما توانستیم پیش برویم؛ این تجربه خوب نیست؟ کافی نیست؟ جریانهای مخالف و دشمنی‌ها نمیتواند ملتی را که متحد است و مصمم است و با ایمان است و میداند و میفهمد میخواد چه کار کند، گیج و گم نیست، متوقف کنند."

### **پیشرفت سایر کشورهای منطقه هم مرهون انقلاب اسلامی است**

پیش از انقلاب از را ترکیه به سوریه و لبنان و عربستان سفر کرده بودم. کشورهایی به شدت خراب و عقب مانده. بسیاری از جاده های ترانزیت ترکیه خاکی بود. امکانات شهرنشینی در حد روستاهای عقب مانده و مردمانی بسیار فقیر. در عربستان کف مسجد الحرام سنگ ریزه و شن بود بجز چند راه سنگفرش به سوی کعبه کف بقیه حرم شن و ماسه بود. مساجد مهم تاریخی ساختمانهایی در حال فرو ریختن داشتند. مسجد قبا ساختمانی بسیار کوچک و در حال ریزش با گچ های طبله کرده از سقف و دیوار مسجد قبلتین تا درب ورودی اش زمین های خاکی بود. مدینه بیشتر به یک روستای بزرگ شبیه بود تا یک شهر با کمترین امکانات. تا سالها بعد از انقلاب این وضعیت وجود داشت. زائران در ساختمان های فرسوده اسکان می یافتند و هر ۸-۱۰ نفر در یک اتاق روی تشکهای ابری نازک روی زمین یا فرش های پلاستیکی سفری می خوابیدند خودتان این وضعیت را تعمیم بدهید.

چندسالی که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشت و جریان بازسازی ایران آغاز شد و آوازه پیشرفت ما در منطقه پیچید، غربیها که منابع این کشورهای همسایه ایران را یکجا غارت می کردند و هیچ چیز به مردم آنجا نمی دادند، دیدند اگر این کشورها عقب مانده بماند و ایران با همان سرعت پیش رود موضوع مقایسه مردم این کشورها با ایران مردم آنجا را به گرایش و پیوستن به انقلاب اسلامی سوق می دهد. لذا مجبور شدند بخش زیادی از منابعی را که غارت می کردند منصرف شوند و اجازه دهند کشورهای اطراف ایران هم پیشرفت کنند تا پیشرفت ایران به چشم نیاید و مردم آن کشورها را به سوی انقلاب سوق ندهد.

### **مصادره ظرفیت دشمن بنفع اسلام**

در این زمینه انتخاب چشم انداز جمهوری اسلامی بسیار بسیار هوشمندانه و خیلی حکیمانه بود چرا که چشم انداز عرصه اصلی رقابت را علم و فناوری و جغرافیای رقابت را منطقه انتخاب کرده است و مستکبرین برای اینکه ثابت کنند

ایران در تحقق چشم انداز خود شکست خورده است و نتوانسته در علم و فناوری و صنعت رتبه اول منطقه شود سرمایه گذاری زیادی روی چند کشور منطقه کردند که آنها را در این زمینه ها از ایران پیش بیاندازند.

یکی از دلایل مهم بحران های مالی بسیار بزرگ غرب همین کند شدن روند چپاول و غارت منابع ملت های منطقه و اجبار به تخصیص منابع برای پیشرفت این کشورها در مقایسه با جمهوری اسلامی ایران است. آنها پیش از این منابع کشورهای اسلامی را یکسره غارت می کردند و به آنها کوفت هم نمی دادند و همه را در فقر و فلاکت نگه داشته بودند وقتی بخشی از این منابع در حال غارت نصیب کشورهای منطقه شد تا در عمران و پیشرفت در رقابت با ایران عقب نیفتند سهم استعمارگران غربی کم شد و الان همه ی آنها کم آورده اند.

ارقام بدهی های آمریکا و انگلیس و فرانسه همه نجومی و غیر قابل کنترل است و این مسأله یکی از ریشه های بحرانهای اقتصادی غرب است البته این نکته را هم نباید از منظر دور داشت که انقلاب اسلامی به مقامات کشورهای مستعمره جرأت هم داد و آنها هم در بخشیدن ثروتهایشان قدری تأمل کردند تا دیروز با اشاره کارمند سفارت آمریکا در عربستان پولها به آمریکا سرازیر می شد امروز رئیس جمهور آمریکا برای قرارداد مجبور است خودش راه بیافتد بیاید و رقص شمشیر عربی کند. بهرحال این مواضع مقتدرانه نظام و بویژه چشم انداز کار خودش را کرد و اقدام متقابل استکبار برای نرسیدن ایران به اهداف چشم انداز خود که همان تقویت کشورهای منطقه بود هم به ضرر مستکبران تمام شد آنها انتظار داشتند با این کار شکست ایران در تحقق چشم انداز و سقوط انقلاب را جشن بگیرند. غافل از اینکه هدف چشم انداز همین بود و جمهوری اسلامی پیشرفت علمی و صنعتی ترکیه و عربستان و امارات را پیشرفت خود می داند. اگر با فشار نفوذی ها به بهانه اینکه هوافضا ضرورت و اولویت ندارد کارهای هوافضایی غیر نظامی در جمهوری اسلامی محدود و تعلیق می شود و با هدایت آمریکا و انگلیس برای فروپاشیدن فناوری هوافضای ایران برنامه بیست میلیارد دلاری برای امارات می ریزند تا کادرها و ظرفیت های علمی و فنی هوافضای ایران را با رکود فعالیتهای داخل کشور دلسرد و به قطب هوافضای امارات سرازیر کنند غافل از آنند که اولاً این دانش نهادینه تر از آنست که با پروژه های اینچنین فرو بپاشد و عمیق تر از آنکه تعطیل شود و ثانیاً آنچه در امارات هم به وقوع می پیوندد مال خود ماست و نهایتاً به حکومت جهانی اسلام خواهد پیوست و مشکلی که برای آنها می ماند اینست که قبلاً این بیست میلیارد دلار را غارت می کردند و می بردند الان مجبورند آنرا صرف همین منطقه کنند.

## آیا جایگاهی که داریم شایسته ماست؟ اگر نیست چرا؟

انقلاب اسلامی نه تنها کشور را از سیر قهقرای سقوط و ذلت سلطه پذیری نجات داد بلکه بدون شک هم ایران و هم منطقه را در سیر پیشرفتی قرارداد که استمرار آن می‌تواند کشور را به اوج قله‌های جهان برساند.

اما در اینجا دو نکته مطرح است اول اینکه اگر می‌گوییم نظام در این چهل سال در اداره ی کشور موفق عمل کرده است آیا این بدان معناست که این جایگاهی که بعد از چهل سال مجاهدت مردمی به آن رسیده‌ایم متناسب با شأن ملت ایران و انقلاب اسلامی است؟ آیا با این ظرفیت‌های عظیم ملی که داریم باید در چنین جایگاهی باشیم؟ آیا نباید در جایگاه‌های بالاتری قرار بگیریم؟

درست است که با بیان این واقعیت و استدلال‌ها جواب یاره گویانی که انقلاب اسلامی را در اداره ی کشور ایران ناکارآمد جلوه می‌دهند داده شد و اثبات شد که انقلاب تحول بزرگی رو به جلو برای ایران و جهان به ارمغان آورده است اما آیا این کفایت‌های دیگری وجود ندارد؟ چرا صنعت نساجی ایران عقب مانده است؟ این چه صنعت خودرویی است که داریم؟ صنعت کشتی سازی چرا جایگاه خود را ندارد؟ آیا در علت یابی این عقب ماندگی‌ها همه تقصیرها را به گردن توطئه‌های دشمن می‌اندازیم؟

پاسخ واضح ما به این سؤال اینست که نه همه ی مشکلات را به گردن دشمن می‌اندازیم وضعیت خودمان را هم کاملاً مطلوب ارزیابی نمی‌کنیم اما باید مواظب باشیم در تحلیل و علت یابی این نارسایی‌ها و ارائه نسخه برای حل آنها هوشمند عمل کنیم به دام تحلیل‌های نابخردانه نفوذی‌های دشمن و تسلیم طلبان و سازشکاران نیفتیم تجربه‌های موفق خودمان را در ریشه یابی مشکلات و ارائه راه حل نادیده نگیریم و تحلیل‌های ظاهراً دوستانه و بظاهر علمی که مبنای آن عدم اعتماد بنفس و آنچه داریم زیگانه تمنا کردن نباشد.

روشن است که جایگاه فعلی اقتصادی و فنی و فرهنگی و اجتماعی بهیچ وجه در خور شأن انقلاب عظیم اسلامی و ملت ایران نیست. صاحبان اصلی این ثروت‌ها و ظرفیت‌ها مردم بوده‌اند و این مردم هستند که توانایی شکوفاسازی این استعداد‌های سرشار بهره برداری نشده در ایران را دارند و ارکان حاکمیت باید زمینه‌های فعال سازی این استعدادها را تسهیل نمایند و نقش تنظیم گری (نه مداخله کننده) و هدایت گری خود را به خوبی ایفا نمایند. تاکید فراوان بر اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و اقتصاد مقاومتی، توانمندسازی مردم، مشارکت آحاد جامعه، ایجاد صندوق

توسعه ملی در اقتصاد با چنین رویکرد می‌باشد. اگر طی ۴ دهه گذشته به اتکای مردم پیشرفت‌های مهمی حاصل و دستاوردهای اساسی و بزرگی بدست آمده است (انقلاب، جنگ، هسته‌ای، مقابله با تحریم و ...) باید با بسیج مردم در اقتصاد و نقش دهی به آنها در حوزه اقتصاد نیز تحول اساسی ایجاد گردد. اصلاح ساختارهای اقتصادی باید در راستای فراهم نمودن شرایط فعالیت همه مردم در حوزه اقتصاد و توانمندسازی آنها باشد.

ارزیابی عملکرد گذشته نشانگر آن است که اگر چه در برخی از حوزه‌های مورد تأکید در سند چشم انداز، دستاوردهای چشم گیری حاصل شده است به ویژه در حوزه علم و فناوری، نفوذ سیاسی در منطقه و ارتقای اقتدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان، لیکن:

- این دستاوردهای عظیم علمی و فناوری نتوانسته به طور شایسته به کل اقتصاد کشور سرایت یافته و تحول اساسی در اقتصاد و تولید ملی بر پایه دانش به وجود آورده و در خلق ثروت ملی نقش آفرینی اساسی داشته باشد.

- اگر چه نفوذ و اقتدار سیاسی و معنوی ایران در منطقه بسیار بالا بوده و جمهوری اسلامی ایران در برقراری امنیت و ثبات در کشورهای منطقه نقش غیرقابل انکاری دارد ولی این ظرفیت منجر به حضور فعالان اقتصادی کشور در بازارهای منطقه و مشارکت در بازسازی این کشورها، تأمین نیازهای زندگی آنها و شکل گیری همکاری‌های استراتژیک اقتصادی نگردیده و از این فرصت‌ها برای تبدیل ایران به مرکز فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه گذاری منطقه استفاده مطلوب به عمل نیامده است. بسیاری از نیازهای مردم این کشورها امکان تأمین توسط تولیدکنندگان کشور را دارد. لیکن چنین تمرکزی برای حضور فعالان اقتصادی در کشورهای منطقه وجود ندارد. ایجاد پیوندهای اقتصادی با کشورهای منطقه و حضور در بازار آنها نفوذ سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران را نیز تقویت و پایدار خواهد نمود.

بدیهی است در دهه پیش رو باید تمرکز بر بهره برداری از این دستاوردها در حوزه اقتصاد و به خدمت گرفتن آنها در ارتقای تولید و اقتصاد ملی باشد اما چگونه؟ نقد کردن ظرفیت های انباشته کشور در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پیشرفت سریع اقتصادی چگونه می تواند رخ دهد؟



## مقایسه های غلط از شخصیت های بزرگ

بعضی افراد پیشرفت‌های صنعتی ایران را با کره جنوبی مقایسه می‌کنند و می‌گویند آنها در این سالها نسبت به ما پیشرفت بیشتری کرده‌اند و بعد نتیجه‌گیری می‌کنند که این به سبب ارتباط خوب با آمریکا بوده است و اگر ما هم رابطه خودمان را با آمریکا خوب نگه می‌داشتیم پیشرفتی بیش از این داشتیم.

این یک مقدمه چینی درست و یک نتیجه‌گیری کاملاً غلط است کشورهای زیادی ارتباط صمیمی با آمریکا دارند که وضع اقتصادی و پیشرفت‌های فنی آنان بسیار خراب و بعضاً وخیم است. فهوی حسین روزنامه نگار مصری با گرایش ناسیونالیسم عربی که مشی ضد ایرانی هم دارد در این مورد چنین می‌نویسد: «ما و ایرانی‌ها سی سال پیش در فضای بین المللی در یک سطح بودیم. ایرانی‌ها راه مبارزه و مقاومت در مقابل ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا را انتخاب کردند و ما مسیر سازش را برگزیدیم. ما هر سال مزد خیانت به اعراب را در قالب ۴ میلیارد دلار کمک بلاعوض می‌گرفتیم و ایرانی‌ها از همان اول فشار سیاسی، اقتصادی و تحریم و جنگ داخلی را تجربه کردند.» (خبرگزاری افکارنیوز ۱۳۹۵/۱۲/۲۹)

امروز ایران از یک قدرت منطقه‌ای به قدرت جهانی تبدیل شده که هیچ مشکلی در سطح منطقه و جهان بدون جلب نظر ایران قابل حل نیست و کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا ۶۴ بار هر کدام عبارت ایران را در مناظره تلویزیونی خود بکار می‌برند گویی حریفی جز ایران در سطح جهان ندارند.

و دیگر اینکه ایرانی‌ها در تمام علوم استراتژیک از هسته‌ای تا فضایی و تا نانو و شبیه سازی پزشکی جزء ده کشور برتر دنیا هستند و در صنایع موشکی چهارمین قدرت دنیا و از نظر دقت و سرعت شاید موشک‌هایش اول دنیاست و در منطقه جزیره امن و ثبات است و ما علیرغم حمایت آمریکا و اخذ کمک‌های سالیانه دغدغه تهیه یک وعده قرص نان برای اکثر مردمان را داریم.»

این وضع مصر متحد شماره یک آمریکا است از زبان یک مصری ملی‌گرا و وضع دهها کشور دیگری هم که ارتباطات خیلی خوبی با غرب به ویژه آمریکا دارند بهتر از این نیست. فلذا نمی‌توان نتیجه گرفت که پیشرفت‌های کره جنوبی و

ژاپن نتیجه ارتباط خوب با آمریکا یا کنار گذاشتن فعالیت سیاسی است چرا که اکثر کشورهای مرتبط با آمریکا از لحاظ اقتصادی به ویژه از نظر فنی و صنعتی کشورهای عقب مانده‌اند.

یا تحلیل کاملاً غیرعلمی و غیرکارشناسانه ای که متاسفانه مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی در سخنرانی در یک مجمع بزرگ آموزش و پرورش گفت:

«اگر می بینید آلمان و ژاپن این روزها هنوز محکم ترین اقتصاد دنیا را داند اینها بعد از جنگ جهانی دوم محروم شدند از نیروی نظامی، منع شدند از اینکه نیروی نظامی داشته باشند. خب نیروهای نظامی بیشترین خرجهای نیروهای در حال جنگ را می بردند پول هایشان آزاد شد رفت دنبال کارهای علمی و تولیدی اقتصاد علمی و دانش بنیان برای خودشان درست کردند آسیب پذیر هم نیستند این راه باز شده در ایران شما مربیان شما معلمان شما دلسوزان کشور باید وارد این فضا بشوند مطمئنم که دوره دوم دولت آقای روحانی می تواند ما را به آنجا برساند.»

یا ایشان در همین راستا پیام توثیقی فرستاد که «دنیای فردا دنیای گفتمان است نه موشک ها»

که رهبر معظم انقلاب در اول فروردین ۹۵ در پاسخ فرمودند: «اینکه بعضی ها بیایند بگویند فردای دنیا فردای مذاکره است فردای موشک نیست، این حرف از روی ناآگاهی گفته شده باشد خب ناآگاهی است اگر از روی آگاهی گفته شده باشد خیانت است، چطور ممکن است؟ اگر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فناوری برود، دنبال مذاکره سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود که همه اینها لازم است اما قدرت دفاعی نداشته باشد و توانایی دفاع کردن نداشته باشد هر بی سروپایی هر دولت فزرتی کذایی او را تهدید می کند که اگر فلان کار را نکردید ما موشک می زنیم خب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب نشینی کنید.»

هر چند آن مرحوم بعد از این سخنان مقام معظم رهبری عقب نشینی کرد و ضمن تکذیب پیام توثیقی خود اعلام کرد که «تقویت قدرت موشکی کشور را لازم می دانم». ولی این تحلیل کاملاً غلط در اذهان بعضی افراد کم

اطلاع نشست و مبنای اظهار نظر نظرهای آنان شد. خیلی باید مراقب باشیم که وقتی نقاط ضعف خودمان در اداره کشور را مطرح می‌کنیم به دام تحلیل‌های غلط و احساسی و غیرعلمی نیفتیم.

وقتی فردی مثل مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی که در رأس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و دسترسی به اطلاعات برای ایشان بسیار آسان بود با آن همه تجربه مدیریتی به دام تحلیل‌های ساده لوحانه و با اغلاط فاحش می‌افتد، وای به حال دیگران.

اولاً همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند هیچ عقل سلیمی تأیید نمی‌کند که یک کشور بدون توان دفاعی باشد و نداشتن توان دفاعی نه تنها به پیشرفت اقتصادی کمک نمی‌کند بلکه عدم اطمینان از امنیت کشور و نبودن تضمین و پشتوانه دفاعی در حمایت از پول ملی سرمایه‌ها را فراری می‌دهد و اقتصاد را ورشکسته می‌کند. شاید به همین سبب خدای متعال هم وقتی در قرآن امر به هزینه برای بخش دفاع می‌کند در آخر آیه می‌فرماید آنچه برای این کار هزینه می‌کنید به شما برمی‌گردد و اعدولهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالم و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلقونهم الله بعلمهم و ما تنفقوا من شی فی سبیل الله یعرف الیکم و انتم لا تظلمون یعنی آنچه در این امر در راه خدا انفاق می‌کنید به شما برمی‌گردد و به شما ظلم نمی‌شود.

بودجه نظامی آمریکا یعنی صنعتی ترین کشور دنیا ۷۰۰ میلیارد دلار است یعنی حدوداً برابر بودجه دفاعی کل کشورهای جهان، بودجه نظامی چین اقتصاد اول جهان ۲۱۵ میلیارد دلار است.

هر چند بعید است مرحوم آقای رفسنجانی بی اطلاع و ناآگاهانه حرف زده باشد اما اگر واقعا اطلاع نداشت می‌توانست با یک کلیک ببیند بودجه دفاعی آلمان و ژاپن چقدر است. این درست است که این کشورها را به عنوان عامل جنگ افروزی و شکست خورده جنگ بر خلاف ارائه خودشان اجباراً با خواری و خفت از داشتن ارتش محروم کردند اما هزینه های نظامی آنها هیچ گاه صفر نشد چرا که هم باید هزینه تجهیزات دفاعی (غیرتهاجمی) خودشان را بپردازند و هم باید هزینه نیروهای اشغالگر را که به عنوان دفاع از سرزمین آنها در کشورشان مستقر هستند را بپردازند.

لذا بودجه امسال دفاعی آلمان ۳۷ میلیارد یورو یعنی ۴۵/۱۴ میلیارد دلار است.

بودجه دفاعی ژاپن امسال ۴۶ میلیارد دلار است. بودجه دفاعی کره جنوبی ۴۳ میلیارد دلار است حتی کانادا که واقعا هیچ تهدید نظامی ندارد، ۱۴ میلیارد دلار بودجه دفاعی دارد مگر بودجه نظامی ایران که در وسط این منطقه آشوب

زده با تهدیدهای مستقیم روزانه آمریکا و ناتو روبروست، چقدر است که آن را کم کنیم؟ حدود ۱۰ میلیارد دلار. اگر این کار اقدام عاقلانه ای برای پیشرفت اقتصادی بود چرا کشورهایی که همه آرمان شان اقتصاد است، این کار را نمی کنند؟ این مثال را قدری باز کردیم تا ببینیم با مطرح شدن ضعف ها و نارسایی های کشور افراد برای ریشه یابی و ارائه راه حل چقدر زود به خطا می افتند و به بیراهه می روند باید مراقب بود این درست که ما در جایگاه شایسته خودمان نیستیم این هم درست که کره جنوبی در صنعت پیشرفت بیشتری کرده اما دلیل آن چیست؟ راه حل ما کدام است؟

## علل واقعی پیشرفت ژاپن و کره

و باید دید وجه تمایز کره جنوبی یا ژاپن که پیشرفت های اقتصادی و صنعتی دارند در چه بوده است؟

بدون شک پیشرفت این کشورها نتیجه ی ویژگی های متمایزی است که از دیگر کشورهای مرتبط با آمریکا دارند و آن تمایز ۱۲ ساعت کار جدی در شبانه روز و جدی گرفتن کار و تلاش است و گرنه سایر کشورهایی که مرتبط با آمریکا هستند چنین پیشرفتی نکرده اند.

آنچه کارشناسان اقتصادی در مورد دلایل پیشرفت اقتصادی کره جنوبی نوشته اند رکن عمده ۱- کار و تلاش شبانه روزی و پشتکار ۲- استفاده از تکنولوژی ساده و حمایت از صنایع کاربردی کوچک برای خیز ۳- بهره گیری هوشمندانه از نظام مالیات ۴- تحقیق و توسعه در آموزش عالی و پیوند صنعت و دانشگاه ۵- اصلاح ساختار مالی است. در هیچ یک از تحلیل های اقتصادی رابطه سیاسی عامل این پیشرفت ها عنوان نشده است.

جمع بندی های مهم اقتصادی از علل پیشرفت ژاپن هم ۴ عامل شناخته شده است: ۱- اصلاح و تقویت تدریجی و مستمر فرهنگ کار ۲- شکل دادن به ساختارها و نهادهای لازم برای توسعه ۳- مدیریت صحیح منابع مالی ۴- آموزش همگانی کار

ژاپن برای گذار به مرحله صنعتی شدن علاوه بر اتخاذ شگردهایی مانند استفاده از ولتاژ برق اختصاصی برای قابل استفاده نبودن کالای برق خارجی در ژاپن بنا به تحقیقات صورت گرفته توسط اقدامات مهم دیگری را نیز انجام داد ۱- گسترش فرهنگ مصرف کالای داخلی و ارجحیت آن نسبت به کالای خارجی بنحوی که شعار دولت ها و شرکت ها عبارت بود از اینکه "ژاپنی کالای ژاپنی مصرف کند" ۲- تا سال ۱۹۶۰ یعنی تا قبل از توانایی مقابله با شرکت های

خارجی) ژاپن مانع از سرمایه گذاری خارجی در کشور می شد<sup>۳</sup>- تقویت مدیریت صنعتی با تربیت مدیران کار آمد(دکتر محمد نقی شهیدی) بررسی سیاست صنعتی ژاپن در ژاپن صادرات با تمام ابزار مورد حمایت واقع شد و از واردات کشورهای صنعتی برتر با برنامه ریزی جلوگیری بعمل آمد در ژاپن تا امروز سازمانهای دولتی مانند وزارت صنعت و تجارت بین الملل و وزارت دارایی از نفوذ بازارهای خارجی که ممکن است برای صنایع خطرساز باشد جلوگیری می کند. موفقیت این دخالت دولت غیرقابل انکار است.(گروپتر فرجام سرمایه داری ترجمه دکتر علی اکبر اقبال سمت ۱۳۸۶:۲۱)

"ژاپن و تایوان بازارهایشان را به روی خارج بسته اند تا اینکه کالای خارجی با فناوری پیشرفته نتواند برای صنایع نو پای آنها خطری ایجاد کند" ص ۱۲ فاطمه سرخه دهی، ریحانه نادری نژاد ۱۳۹۳. مقاله تجربه توسعه اقتصادی ژاپن و کره جنوبی)

"ژاپنیهها به حق از عواقب وابستگی به سرمایه گذاری خارجی واهمه داشتند چنین تصمیمی موجب شد که بازسازی کشور فقط با پس انداز داخلی تأمین شود" ص ۱۲ همان

کشورهایی که عقب ماندگی صنعتی را به سرعت پشت سر گذاشته اند مدیون این تصمیم هستند که الگوی آمریکایی را رو نموده اند. ص ۱۲ همان

استراتژی جانشین واردات در ژاپن از حمله سیاست های صنعتی در این کشور بوده است جانشینی واردات یعنی جانشینی تولیدات خارجی بوسیله محصولات خودی. این سیاست باید مانع واردات از کشورهای صنعتی و پیشرو باشد تا فرصت پیشرفت را به صنایع ملی بدهد. ۹۳ همان

چرا باید بعضی مسئولین محترم و افراد نامدار بجای تبیین این گزاره های علمی و واقعی در مورد علل پیشرفت ژاپن و کره به عبارتهای ژورنالیستی و بی پایه روی آورند؟ شاید منافع آنان به تداوم واردات و عدم پیشرفت صنعتی کشور گره خورده باشد.

اگر ژاپن در صنعت برق و الکترونیک پیشرفت می کند، چون با انتخاب ولتاژ متفاوت با ولتاژ مورد استفاده رایج در برق خانگی خود امکان اینکه کسی از خارج کشورش ابزار برق و الکترونیک وارد کند را به صفر می رساند و صد در صد مصرف تولید داخلی می کند.

چرا که ولتاژ تولیدات برقی جهان به برق موجود در خانه های ژاپن نمی خورد در کره تعصب بر مصرف کالای داخلی به حدی است که بارها برای اعلام مخالفت با واردات برنج و گوشت از آمریکا تظاهرات صدها هزار نفری شده است و حتی افرادی جلوی دستگاه های تصمیم گیر کشور خود را آتش زده و سوخته اند تا جلوی واردات را بگیرند. شما اگر آنجا بروید، می بینید که در خیابان ها حتی یک خودروی غیر کره ای پیدا نمی شود. آن وقت می بینیم جریانهایی که خود را دلسوز ملت می نامند، به جای ترویج این آموزه ها بجای ترویج کار و تلاش و تعصب به تولید ملی که دلیل اصلی پیشرفت آن کشورهاست، وابستگی در روابط خوب با آمریکا یا نداشتن هزینه نظامی که هر دو دروغ است به عنوان عامل پیشرفت معرفی و ترویج می کنند.

بعضی به جای اینکه فرهنگ کار و تلاش و جدیت و اهمیت دادن به تولید ملی که عامل اصلی پیشرفت چنین کشورهایی است را ترویج کنند وابستگی به آمریکا را که اتفاقاً نقطه ضعف و علت عقب ماندگی آن کشورها نسبت به جایگاه شایسته خودشان است را مبنا قرار می دهند.

اگر قرار است از تجربه های دیگران استفاده کنیم از این تجربه ها باید استفاده کنیم. از جدی بودن در کار از اینکه در چین کارخانه دارها بجای درست کردن خانه های اشرافی برای خد چند اتاق کنار کارخانه را خانه ی خود کرده اند و بخاطر کم کردن هزینه های تجملاتی قیمت تمام شده را بسیار کاهش می دهند از اینکه در کره استفاده از شبکه های اجتماعی در ساعت کار ممنوع است و جریمه دارد اینها نقاط قوت و مبنای پیشرفت آنهاست نه روابط خوب با آمریکا.

کدام شهروند کره جنوبی و ژاپن از اینکه در عالم سیاست تابع محض آمریکاست و نمی تواند اراده خودش را اعمال کند خوشحال است و احساس عزت می کند. قطعاً هیچکدام از شهروندان فهیم این کشورها از اینکه کشورشان در اشغال نظامیان آمریکاست و مجبورند در کشتارهای آمریکا در ویتنام و افغانستان و عراق و فلسطین آن رژیم مستکبر را کمک کنند و پیاده نظام آمریکا باشند راضی نیستند و اگر مالیات مردم این کشورها بهانه فقط امنیت صرف حضور نظامیان آمریکا در کشورشان نمی شد با اینهمه کار شبانه روزی که دارند قطعاً کره و ژاپن و آلمان هم جایگاههای بالاتری در علم و فناوری و اقتصاد کسب می کردند.

راستی آنها که کره و ژاپن و آلمان توسری خور را به رخ می کشند چرا به چین که معجزه اقتصادی قرن نامیده شده و سرعت پیشرفت اقتصادی اش خیلی بالاتر از آنها و امروز عملاً رتبه اول جهان در اقتصاد داشت نگاه نمی کنند مگر چین رودروی آمریکا نایستاده است مگر هواپیمای جاسوسی آمریکا را از آسمان نشانند و سر ماه برای کپی برداری از همه ی اجزاء نزد خود نگه نداشت؟ مگر بارها با آمریکا لشکر کشی رویا رو نکرده و تا مرز جنگ تمام عیار پیش نرفته است؟ همه می دانیم که این کره شمالی نیست که مقابل آمریکا ایستاده این چنین است همه میدانیم که فناوریهای موشکهای قاره پیما و بمب اتم را چه کسی به کره شمالی داده است و او را جلوی آمریکا علم کرده پس می توان در یمن مبارزه و رویارویی با آمریکا پیشرفت های معجزه آسای اقتصادی علمی، فنی و صنعتی داشت و پیشرفت هیچ کشوری مشروط به سازش با آمریکا نیست

## راه پیشرفت و رسیدن به جایگاه های برتر در عرصه های علم و صنعت و فناوری

روح کمال خواه و بلند همت ایرانیان اقتضاء می کند که بهیچوجه به وضعیت موجود رضایت ندهند و یا وجود پیشرفت های شگرفی که زیر شدیدترین فشارهای زورگویان بین المللی حاصل شده است بدنبال وصول به جایگاههای برتر باشند کشف راههای پیشرفت قطعاً نمی تواند با اینگونه مقایسه های نسنجیده و غیرعلمی بین کشورهای با شرایط بسیار متفاوت که نمونه آن گفته شد حاصل شود.

هر چند از استفاده ی تجربه های دیگران بی نیاز نیستیم البته به شرط بررسی علمی و نه تحلیل های آبکی نظیر آنچه ارائه شد. اما علمی ترین راه برای دستیابی به راههای پیشرفت بیشتر مقایسه عرصه های پیشرفته خودمان با عرصه های عقب مانده خودمان است چرا که در این روش تمام خصوصیات اختصاصی کشور لحاظ شده است و نمی توانیم بگوییم کشور دیگر است و شرایط متفاوتی داشته است. اگر در یک عرصه پیشرفت خیلی جدی داشته ایم و در عرصه دیگری عقب مانده ایم این دو عرصه را مقایسه کنیم تا تفاوت در دو عرصه روشن شود همان تفاوت می تواند رمز موفقیت را آشکار کند.

مثلاً در صنعت نساجی و خودروسازی ناموفق و در صنعت دفاعی و هسته ای خیلی موفق بوده ایم

آیا در صنعت دفاعی و هسته ای نسبت به نساجی و خودروسازی سرمایه گذاری بیشتری صورت گرفته است و علت موفقیت سرمایه گذاری بیشتر است؟

آیا در صنعت دفاعی و هسته ای راههای ارتباط با خارج و انتقال فناوری خارجی و دسترسی به منابع علمی و فنی خارج از کشور هموارتر از صنایع نساجی و خودرو بوده است؟

آیا در صنعت دفاعی سرمایه گذاری خارجی صورت گرفته است؟

آیا در صنعت دفاعی و هسته ای ارتباط صنعت با دانشگاه قویتر از صنعت نساجی و خودرو بوده است؟

در کدامیک از موارد فوق کادر سازی بومی بیشتر انجام گرفته است؟ در کدامیک از متخصصان خارجی بیشتر استفاده

شده است؟ تفاوت ها در شکل مدیریت، انتصاب مدیران، انتصاب کارکنان و ... در این دو عرصه چیست؟

این گونه مقایسه ها خیلی بهتر می تواند ما را به نتیجه سنجیده علمی برساند و مسیر را برای موفقیت های بیشتر هموار کند.

تفاوت های اساسی بخشهای بسیار موفق و بخشهای ناموفق کشور چیست؟

مقایسه عرصه های بسیار موفق مانند صنایع دفاعی، هسته ای و با صنایع نساجی و خودرو سازی که ناموفق هستند نشان می دهد که:

۱- صنایع موفق تر بهیچوجه از سرمایه گذاری نسبی بیشتری برخوردار نبوده اند بلکه به سرمایه گذاری ها و هزینه هایی که در عرصه صنایع ناموفق شده بیشتر بوده است.

۲- صنایع موفق تر مطلقاً از هر نوع سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی محروم بوده اند.

۳- صنایع موفقتر دسترسی آزاد به دانش و فناوری سایر کشورها را نداشته اند و صنایع ناموفقتر دسترسی نسبتاً کاملی به سرمایه، فناوری و دانش خارجی داشته اند.

پس علت موفقیت موفقترها چیست؟

## قطع امید از بیگانگان، عامل پیشرفت

از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون ما تحریم تسلیحاتی بوده ایم و بجز سال های اول بعد از پایان جنگ که اتحاد شوروی در تنگنای شدید مالی قرار گرفت و سلاح هایی را به ما فروخت راه دیگری برای تأمین سلاح از خارج نداشته ایم. این موجب شد که در صنعت تسلیحات به این نتیجه برسیم که راهی جز ایستادن روی پای خودمان نداریم. با وجود تحریم های تسلیحاتی یا باید تسلیم دشمن می شدیم یا خودمان سلاح مورد نیازمان را می ساختیم. لذا آمادگرا ن و



صنعتگران بخش تسلیحات ما اجباراً به جای خرید خارج به تحقیق و تولید بومی با کمک دانشگاهها و پژوهشگاههای داخلی رو آوردند.

بعد از آغاز تجاوزات مستقیم نظامی آمریکا به منطقه در افغانستان و عراق که خطر به طور جدی به سراغ ایران آمد و همزمان موج جدی‌ترین تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران آغاز شد و حتی در خرید مواد اولیه پیشرفته با کاربرد دوگانه و کاربرد تسلیحاتی تحریم شدیم این مسأله جدی تر شد نیروهای مسلح و صنایع دفاع برای دستیابی به تسلیحاتی که بتواند حمله احتمالی آمریکا را خنثی کند به دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی داخلی هجوم آوردند این رویکرد دستاوردهای شیرین فراوان داشت از جمله:

۱- رشد خیره کننده ی دانشگاههای فنی ایران ۲- تقویت بنیه دفاعی و تجهیز نیروهای مسلح با تسلیحات بومی و روز به روز نو شونده و با قابلیت بهینه سازی و به روز رسانی با دانش داخلی.

۳- حفظ اسرار نظامی بگونه ای که نه دشمن، نه رقبا و نه حتی کشور دولت فروشنده سلاح از اسرار و جزئیات تسلیحات ما خبر ندارند و این امتیاز بسیار مهم در دفاع است چرا که ارزش اصلی تسلیات در سری ماندن قابلیت ها و ویژگیهای آن است و اگر اسرار را بدانند براحتی آنرا خنثی می کنند.

۴- از لحاظ صرفه جویی و کاهش هزینه‌ها بومی شدن این فناوری علاوه بر مزیت‌های گفته شده این مزیت مهم را هم داشت که تسلیحات کشورمان را با قیمت‌های بسیار ارزانتر و اختلاف فاحش قیمت با خرید خارجی تأمین کنیم. اگر قرار باشد تسلیحاتی که سالانه برای نیروهای مسلح تأمین می‌شود از خارج کشور خریداری شود اگر کل بودجه کشور و پول سایر وزارتخانه‌ها را هم به وزارت دفاع بدهیم باز هم کفاف نمی‌دهد.

این خصوصیت تقریباً در تمام صنایع و شاخه‌هایی که پیشرفت کرده ایم مشترک است هر چقدر امید تأمین کالا و محصول از خارج کمتر و پیشرفت بیشتر فلذا این یکی از تجارب بزرگ انقلاب اسلامی است که قطع امید از بیگانه دستاوردهای بزرگی برای کشور به‌مراه می‌آورد.

در طول جنگ وقتی صدام شهرها و پایتخت ما را از فاصله ۹۰۰ کیلومتری هدف قرار می‌داد و سر جنگی موشک با یک تن با مواد منفجره را در تهران به زمین می‌کوبید ما برای پاسخ این تجاوزها به سراغ دانشگاهها رفتیم ولی آنها از لحاظ علمی و فنی خیلی ضعیف و ناتوان بودند حتی از اینکه بتوانند موشکی خیلی کوچکتر را طراحی کنند عاجز

بودند که خواسته با حمل یک تن سر جنگی نبود بلکه حتی اگر می توانستند چند کیلو گرم مواد منفجره سر جنگی را به بغداد رسانند راضی بودیم بودند حال آنکه فاصله راه هم مثل فاصله تهران تا عراق ۹۰۰ کیلومتر بود بلکه از مرز ایران تا بغداد فقط ۱۳۰ کیلومتر بود.

ناچاری کشور و فشار و اجبار نیروهای مسلح به استفاده از علم و فناوری داخلی و یأس کامل از اینکه از خارج چیزی به ما بدهند موجب پیشرفت خیره کننده‌ای در این زمینه شد بطوریکه امروز به پشتوانه علم و فناوری بومی همان دانشگاهها ما هیچ محدودیتی در طراحی و ساخت هیچ نوع موشکی با هر نوع بردی نداریم بلکه به دقتهایی در هدف گیری موشکها دست پیدا کرده‌ایم که در جهان کم نظیر و حتی بعضاً بی نظیر است.

در صنعت هسته‌ای هم مسأله به همین منوال بود تمام راهها برای بهره گیری از دانش و فناوری و سرمایه گذاری خارجی کاملاً بسته بود و راهی جز رویکرد توسعه بومی نداشتیم لذا با وجود قلت نفرات متخصص و طبقه بندی شدید اطلاعاتی این فناوری در کشورهای صنعتی با سرعت توانستیم به لبه‌های فناوری این حوزه برسیم و دانشمندان ایرانی دست به ابداعاتی زدند که در دنیا سابقه نداشته است.

امام خمینی (ره) در این زمینه فرمودند: " این محاصره اقتصادی را که خیلی از آن می ترسند من یک هدیه ای می دانم برای کشور خودمان. برای اینکه محاصره اقتصادی معنایش اینست که مایحتاج ما را به ما نمی دهند وقتی که مایحتاج را به ما ندادند خودمان می رویم دنبالش". صحیفه امام ج ۱۴ ص ۱۱۵.

وقتی فناوری نانو، سلولهای بنیادین و سایر بخشهای پیشرو و صنعتی ایران را با بخشهای عقب افتاده مقایسه می کنیم یکی از مهمترین دلایل پیشرفت قطع امید از بیگانگان و شناسایی و فعال سازی و اهمیت دادن به ظرفیت های بومی است و از مهمترین دلایل عقب ماندگی بخشهای عقب مانده امید بستن به سرمایه گذاری یا فناوری خارجی است.

پس تجربه دهم را اینگونه ثبت می کنیم قطع امید از بیگانگان زمینه ساز پیشرفت و امید به بیگانه موجب عقب ماندگی است.

امام خمینی(ره) در این زمینه در وصیت نامه نورانی خویش می فرماید: "بدانید مادام که در احتیاجات منابع پیشرفته دست خود را به پیش دیگران دراز کنید و به در یوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات شکوفا نخواهد شد"

در جای دیگر وصیت نامه می فرماید: اگر دولت و ارتش کالای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیافزایند امید است که کشور خود کفا شود و از در یوزگی دشمن نجات می یابند.

این تجربه را امام خامنه ای عزیز اینطور بیان فرمودند: "دیدید که در جنگ، به مجرد این که درهای سلاح و تجهیزات جنگی بر روی ما بسته شد، ما به درون خودمان برگشتیم که خودمان را تأمین کنیم. این پیشرفتهایی که ما امروزه در صنایع نظامی داریم، به همین خاطر پیش آمد، والا ایران نمی توانست سلاح سبک کوچک هم تولید کند. امروز ایران سلاحهای پیچیده را هم تولید می کند و می تواند تولید کند. این، به برکت همین بستن درها و قطع رابطه ها پیش آمد. به برکت این پیش آمد که ملت ایران و نیروهای سازنده و کارآمد، احساس کردند که باید به خودشان مراجعه کنند. اگر یک روز این احساس در جوانب دیگر هم پیش آید، روز عید ماست. ما از این هیچ نگرانی نداریم."

### **خودباوری و اعتماد بنفس عامل اصلی پیشرفت**

خصوصیت دیگر حوزه صنعت دفاعی ارتباط نسبتاً مستقیم آن با فرماندهی کل قوا است .

پژوهشگران و نیروهای تحقیقات و خودکفایی نیروهای مسلح چه از لحاظ مالی و امکانات از بخشهای دیگر صنعتی کشور اموال خیلی کمتری در اختیار دارند و مثلاً از لحاظ منابع مالی صنعت دفاعی در مقایسه با صنعت نفت یک صنعت شدیداً فقیر محسوب می شود اما این امتیاز را داشته است که در سلسله مراتب تحت فرماندهی رهبری معظم مرتباً روحیه خودباوری و اعتماد بنفس را دریافت کرده اند و مطالبه اصلی فرماندهی کل قوا از آنان حرکت به سوی خودکفایی بوده است. و نشست و ارتباط مهمی از مقامات نظامی با معظم له نبوده که در آن فرماندهی معظم کل قوا از آنان پیشرد خودکفایی را مطالبه نکرده باشند. همین القای روحیه و مطالبه گری خودکفایی این صنعت را از دیگران متمایز کرده است شاید اگر مسئولان اجرایی کشور هم اینگونه مصرانه از صنعت نساجی؛ خودرو و صنعت نفت

خودکفایی و بومی شدن فناوری را مطالبه می‌کردند و نسبت به آن حساس بودند اتفاق بزرگی هم در آن صنایع می‌افتاد.

مشکل صنعت ما عدم واردات فناوری نسبت چشم دوختن به واردات فناوری بجای توجه به خودکفایی است مشکل صناعی که عقب مانده اند اینست که نسخه انقلابی برای آن نپیچیده ایم و بروکراتیک و دیوانسالارانه آنرا اداره کرده ایم اگر روزی برای اقتصاد هم مثل دفاع و امنیت نسخه انقلابی پیچیده شود نتایج حیرت انگیزی خیلی زود آشکار خواهد شد.

## نوبت حمله نظامی به ایران

دهه ۸۰ وقتی آمریکا وارد جنگ منطقه شد و همه ی دنیا از نوبت حمله به ایران بعد از افغانستان و عراق حرف می‌زدند زرادخانه‌های کشور خالی بود. ۱۲ سال پر التهاب و سراسر درگیری نظامی و امنیتی از ۵۸ تا ۷۰ نیروهای مسلح را بشدت فرسوده کرده بود و نیروهایی که در آن سالها هیچ آرامشی ندیده بودند و شرایط سازندگی کشور هم بودجه‌ها و توجهات مدیریت اجرایی را روی توسعه زیر ساخت‌های مدنی متمرکز کرده بود و اعتبارات حتی در حدی که بتواند کمبودهای ناشی از ۱۲ سال حضور یگانها در خط مقدم و فرسایش های جنگ را جبران کند نبود چه رسد به پیشرفت.

همزمان با آن حوادث بهانه جویی هسته‌ای و موج تحریم‌های جدید بین المللی هم از راه رسید و راه را بر خرید تسلیحات جمهوری اسلامی بست یعنی اگر کل بودجه کشور را هم به نیروهای مسلح تخصیص می‌دادیم کسی به ما سلاح نمی‌فروخت آنهم سلاح پیشرفته‌ای که در مقابل ارتش آمریکا بکار آید.

اما با وجود آن شرایط بشدت بحرانی که جنگ در یک قدمی ما قرار داشت و متأسفانه اغلب زاغه‌ها هم بدنبال ۱۰ سال جنگ و درگیری داخلی در حد خالی بود و مرتباً توسط دولت رژیم ایالات متحده آمریکا تهدید نظامی می‌شدیم هیچکس کوچک‌ترین نقطه ضعفی از نیروهای دفاعی کشور ندید و نشنید و کوچکترین افولی در روحیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مشاهده نشد چرا که اینجا هم همان روحیه توکل به خدا و خودباوری و اعتماد بنفس و جهاد خودکفایی که سالها توسط رهبری معظم انقلاب در نیروهای مسلح نهادینه شده بود به داد کشور رسید و کشور را از خطر قرار گرفتن در این بن بست و تن دادن به تسلیم و یا شکست جنگی نجات داد.

آن روزها واقعاً هیچ سلاحی که بتواند از پس ارتش آمریکا برآید نداشتیم همان سلاحهای قدیمی هم که داشتیم مهمات کافی اش را نداشتیم ولی در مقابل پیامهای پی در پی تهدیدآمیز تسلیم نشدیم چرا که نیروهای مسلح خودباوری را در وجود خود نهادینه کرده بودند و به تجربه به آن رسیده بودند که "خواستن توانستن است"

همانگونه که امام خامنه ای عزیز فرمودند: "خودباوری و اعتماد بنفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است یک رکن امکانات مادی است اما امکانات مادی کافی نیست یک ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد. نتواند یک ملت عزیز و قدرتمند بشود خوب ما در دوران قبل از انقلاب هم همین نفت را داشتیم همین نیروهای انسانی با استعداد را هم داشتیم همین معادن عظیم فلزات ذیقیمت را هم داشتیم اما در عین حال یک ملت دست سوم گمنام در دنیا، تو سری خور قدرتهای بزرگ زیر یوغ یک حکومتی فاسد بود دست نشانده بود متصل به دشمنان ملت بود زندگی می کردیم پس امکانات مادی کافی نیست مولفه های دیگری لازم است مؤلفه های دیگری لازم است مؤلفه های معنوی را از مهمترین این مؤلفه ها همین خودباوری و اعتماد بنفس است." ۸۸/۳/۱۴

### **اگر عزم و اعتماد بنفس باشد تهدید هم فرصت است**

جنگهای پیرامون ما نشان داد که نقطه اتکاء اصلی ارتش آمریکا نیروی هوایی آن کشور است که بعبارتی پاشنه آشیل آن ارتش هم محسوب می شود یعنی اگر بتوانیم بر آن نیرو غلبه کنیم معادله جنگ برهم می خورد. با این وجود ما در آن موقع نه تنها توانایی ساخت سامانه کامل پدافند هوایی را نداشتیم بلکه حتی یک مدل رادار پدافند هوایی هم نمی توانستیم بسازیم چه رسد به موشک و سامانه کامل پدافندی.

در سطح فنی و علمی که داشتیم شاید اگر کسی از ساختن سامانه کامل پدافند صحبت می کرد بعضی به او پوزخند میزدند که ما کجا و سامانه پدافندی کجا؟

در آن زمان پیشرفته ترین سامانه های پدافند هوایی موجود در نیروهای مسلح مربوط به دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی بود یعنی فناوری پدافند هوایی موجود نیروهای مسلح چهل سال از فناوری روز دنیا عقب بود. ولی فشار تهدید جنگ و یأس از تأمین خارجی از یک سو و خودباوری و اعتماد بنفس و اراده ی ایستادگی و مقاومت و تصمیم به

تسلیم نشدن از سوی دیگر موجب شد برای دفع تجاوز دشمن که غالباً متکی به نیروی هوایی خودش است جوانان مومن و انقلابی دست بکار شدند همین روحیه و امدادهای الهی شرایطی را رقم زد که در خواب هم نمی‌دیدیم.

بطوریکه در حال حاضر نه تنها نزدیک به ۴۰ مدل رادار که بعضاً با فناوری‌های منحصر به فرد ایران ساخته شده و دنیا هیچ اطلاعاتی از فناوریهای آن ندارد را داریم بلکه چندین مدل سامانه پدافند هوایی برد کوتاه، متوسط و حتی بلند را با تمامی تجهیزات جانبی و موشکهای آن به صورت بومی تولید انبوه صنعتی شده است و در اختیار یگانها قرار گرفته است فرایندی که تنها خبرگان این عرصه می‌دانند یک معجزه است. معجزه ای که ظرف ده سال ایران را از اتکا به فناوری چهل سال پیش به لبه فناوری جهان رساند و امروز دانش و فناوری پدافند هوایی جمهوری اسلامی را به سطح بالای دنیا رسانده است.

امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام‌ظله) هر دو از جدی‌ترین شخصیت‌های انقلابی دنیا در تأکید بر خودباوری، اعتماد بنفس و تلاش برای خودکفایی هستند این تجربه مهم را خیلی زیبا بیان فرموده اند.

بیانات صریح امام (ره) در صحیفه نور در این زمینه فراوان است از جمله این عبارت زیبا که در وصیت نامه نورانی خویش می‌فرمایند: " و بدانید که نژاد آریا و عرب از اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیاید و یأس را از خود دور کند و چشم داشت به غیر خود نداشته باشند در دراز مدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد".

امام خامنه‌ای هم که خود در مقام نماینده امام (ره) در ارتش مؤسس حرکت خودکفایی دفاعی و تسلیحاتی کشور بوده‌اند و اولین دستاوردها و سازماندهی‌ها برای خودکفایی تسلیحاتی به فرمان معظم له صورت گرفته است.

**لذا یازدهمین تجربه راهبرد انقلاب اینست که خودباوری و اعتماد بنفس عامل اصلی پیشرفت است.**

همانطور که می‌دانید پدافند هوایی پیچیده‌ترین فناوری تسلیحاتی است چرا که مأموریت پدافند هوایی ۱-درگیری با کوچکترین هدف جنگی ۲- در دورترین فاصله ۳- بیشترین سرعت ۴- بیشترین امکان جابجایی در محیط سه بعدی است شناسایی رهگیری و منهدم کند.

سامانه پدافند هوایی باید بتواند که یک هدف کوچک ۱۲ متری و گاهی پهپادهای زیر یک متری را در محیط سه بعدی XYZ کشف و رهگیری کند و سپس موشکی را با دقت چند متر در طول و عرض و ارتفاع به این هدف کوچک که گاهی با سرعت چند برابر سرعت صوت در حال حرکت و در سه محور طول و عرض و ارتفاع در حال جابجایی است بفرستد و دقیقاً اصابت کند. می توان گفت طراحی ساخت این سامانه‌ها در صنعت دفاعی به معنی رسیدن به صد است که «چون که صد آید نود هم پیش ماست».

بقیه هدفهای نظامی چه در دریا ( بجز زیر دریایی) یا زمین در محیط دو بعدی حرکت می کند با سرعتی بسیار کمتر و قدرت مانوری خیلی کمتر و معمولاً فاصله‌ای نزدیکتر دارند نیروی مسلحی که به دقت‌ها و سرعت های پدافند هوایی برسد سایر فناوریها در دستش مثل موم می شود. لذا جمهوری اسلامی ایران امروز در فناوریهای تسلیحاتی مانند پهپادها، پدافند هوایی موشکهای زمین به زمین، موشکهای ضد کشتی، شناورهای ویژه جزء کشورهای صاحب سبک و در سطح مرجع فناوری در دنیاست.

ما در این فناوری های بسیار پیچیده از لحاظ علمی و فنی چندین دهه از سایر علوم و فناوری های دیگر در کشور جلو زده ایم و به لبه های فناوری جهان رسیده ایم و این یکی دیگر از تجارب بسیار مهم انقلاب اسلامی است که اگر تلاش های علمی و فنی بر اساس نیازها و ضرورت های واقعی شکل بگیرد، خیلی زود به آن دانش و فناوری دست خواهیم یافت و راه ها میانبر خواهد شد.

این کلام حکمت آمیز در این چهل سال برای ما به تجربه ثابت شد که "احتیاج ما در اختراع است" و خطر کردن و پذیرش عرصه هایی که نیازها را به شدت جلوی چشم مجسم می کنند تأثیر فراوانی در سرعت گرفتن پیشرفت علمی و فنی دارد و این تجربه دوازدهم راهبردی انقلاب اسلامی است که چالش های سخت بهترین فرصت ها برای پیشرفت های جهشی است از ورود به میدان های خطر و سختی که نیازهای واقعی را پیش روی ما مجسم می کند، نترسیم به شرط آنکه تلاش های علمی و فنی را روی این عرصه ها متمرکز کنیم.

برای باور بهتر این تجربه و از بین بردن توهم کسانی که هنوز هم تصور می کنند پیشرفت های فناورانه در بخش های دفاعی مربوط به توجه ویژه مسئولان کشور و امکانات بیشتر این بخش است به عنوان کسی که ده سال مسئول این

بخش در عالی ترین سطح نیروهای مسلح یعنی ستاد کل بوده ام، تجربه عینی دیگری را می گویم که این تجربه اساسی بهتر جا بیافتد و آن مقایسه شرایط پیشرفت علمی در درون خود صنایع دفاعی است.

در بین صنایع دفاعی کدام فناوری ها زودتر به نتیجه رسیدند. اینجا که دیگر هر چه بود یک دیدگاه بود و بحث دیدگاه میلیتاریستی و غیرمیلیتاریستی مطرح نیست وقتی بین صنایع دفاعی مقایسه کنیم کسی نمی تواند تهمت بزند که چون کشور سرمایه ها را به بخش نظامی برده است صنایع غیرنظامی عقب افتاده است موضوع مقایسه درون صنعت دفاع است و اینکه یک حوزه نظامی با مدیریت واحد کدام دانش و فناوری را زودتر توانست به دست آورد و به مرحله تولید برساند؟ فناوری ساده تر زودتر بدست آمده و یا فناوری سخت تر؟

شاید بگویید جواب روشن است فناوری ساده تر زودتر حاصل می شود، اما با قاطعیت به شما می گویم که خیر آنچه مطرح نبود ساده تر یا پیچیده تر بودن فناوری بود و آنچه مطرح بود احساس نیاز شدیدتر بود. ما در موارد متعدد فناوری های خیلی خیلی سخت تر را زودتر از فناوری های معمولی و دم دستی به دست آوردیم. موشک سوخت جامد نیروهای مسلح ما حداقل ۶ سال پیش از اولین خودروی تاکتیکی بومی طراحی و ساخته شد. چرا که نیاز موشک سوخت جامد را در جنگ شهرها با همه وجود حس کرده بودیم ولی خودروی تاکتیکی را به راحتی با خرید وانت کمک دار از این و آن کشور جبران می کردیم. فلذا ۶ سال بعد از حصول موشکی با آن فناوریهای پیچیده به فناوری ساخت خودروی تاکتیکی با فناوری خیلی ساده تر رسیدیم تازه اگر یک دعوی مفصل و جنگ شدید اداری تا یک مرحله مانده به کتک کاری بین مدیران نیروهای مسلح نبود، اصلاً خودروی تاکتیکی بومی بعد از شش سال هم تولید نمی شد؛ چرا که اکثراً می گفتند آنچه را می فروشند چرا خودمان را در دسر بدهیم و در داخل بسازیم. خریدنی را راحت پول می دهیم می خریم ولی ساختنی را باید خون دل بخوریم تا به کیفیت مورد انتظار برسد. در نهایت هم زورمان به طرفداران خرید خارجی نمی رسید اگر این اختلاف نظر به محضر فرمانده ی معظم کل قوا منعکس نمی شد و حضرت آقا امر به تولید داخل نمی فرمودند این کار شش سال بعد هم انجام نمی شد.

در مورد وسایل الکترونیک هم همینطور رمز کننده ها و ابزار بسیار پیچیده جنگ الکترونیک خیلی زودتر از بی سیم به تولید بومی رسید. با وجود آنکه فناوری ساخت بی سیم از رمز کننده و جنگ الکترونیک ساده ترست اما چون امکان خرید آنها وجود نداشت ولی امکان خرید بی سیم راحت بود.



فلذا تجربه دوازدهم چهل ساله به ما می گوید: "از چالش ها نترسید و با قراردادان توانایی ها و پژوهش و علم و فناوری خود در مسیر نیازهای جدی برای حل چالش ها علم و فناوری به طور جهشی رشد خواهد کرد و راه های میانبر پیش روی شما باز می شود".

## خواستن توانستن است

انسان استعدادهای فراوان و بزرگی دارد که در شرایط عادی ظرفیت ها برای اغلب انسانها این پنهان است و در شرایط اضطراری و بحران است که این ظرفیت های نهفته را به جنبش و می دارد.

ضرب المثلی بود که در جلسات صنعت دفاعی در آن سال ها بارها گفته می شد و هر بار مطرح می شد، چون همه آن را آزموده بودند، تصدیق می کردند و آن اینکه قهرمان دوی سرعت جهان صدمتر را در ده ثانیه می دود ولی گاهی ممکن است یک پیرزن هم رکورد او را بشکند! چه وقت؟ وقتی که گرگی او را دنبال کرده باشد. چالش ها و تهدیدها بهترین فرصت برای ایجاد این حس در همه بخش ها به ویژه حوزه علم و فناوری است و شکاف های ما از پیشرفت های رقبای جهانی را می تواند به سرعت پر کند.

تجربه سیزدهم حاصل از همین واقعیت ها عبارتی است که شاید تصور شعارگونگی از آن می رود و آن اینکه "ما می توانیم" این شعار نیست این یک واقعیت مسجل تجربه شده است ما در هیچ مقوله ای به بن بست نرسیدیم فرماندهان ما در حوزه تسلیحات و بخش دفاع بارها این جمله را شنیده اند که هر چه می خواهید سفارش دهید هزینه اش را تأمین کنید ساخته خواهد شد.

در طرحهایی که در بخش های عمرانی و نفت و پتروشیمی چه ابتدای پیروزی انقلاب چه در مراحل پس از آن بیگانگان کارها را رها کردند و با بهانه جویی رفتند، همه ی آن کارها توسط نیروهای بومی انجام شد و هیچ جایی به بن بست بر نخوردیم لذا و این درست است که نیروهای فنی ما در کارهای بزرگ خودشان ما می توانیم را با فعل ماضی صرف می کنند و بر پیشانی کارگاههای خود می نویسند "ما توانستیم"

انقلاب اسلامی تجربه عینی ضرب المثلی "خواستن توانستن است" را به نمایش گذاشت چرا که این فقط یک مثل عامیانه نیست فرموده ی رسول خدا است که فرمودند: من اراد شیئاً و جد وجد. هر که چیزی را بخواهد و برای

رسیدن به آن تلاش کند به آن می رسد و فرموده ی امیرالمؤمنین(ع) که فرمودند: "من طلب شیء ناله او بعضه" هر کس چیزی را بخواهد به آن یا بخشی از آن می رسد.

این تجربه را امام خامنه ای دام ظلّه اینگونه بیان فرموده اند: "ما وقتی وارد یک میدان نشده ایم احساس خوف می کنیم، هراس داریم، استعدادی هم اگر در ما هست سرپوشیده می ماند اما وقتی این هراس را شکستید، خطر کردید و وارد میدان شدید دین استعدادها شروع می کند به سر بر آوردن اینجوری می شد که ناممکن ممکن می شود".

## قدرت جوانی

این موفقیت‌ها محصول روح خودباوری و اعتماد بنفس ناشی از تأکیدات مقام معظم ولایت فقیه و فرماندهی کل نیروهای مسلح و نا چاری نیروهای مسلح به رجوع به دانشگاهها و پژوهشگاههای داخلی و راه اندازی پژوهشکده‌های صد در صد بومی در صنعت دفاعی از سوی دیگرست. یک مسأله مهم و خیره کننده که توجه را بخود جلب می کند این است که قریب به اتفاق طراحان و سازندگان همه ی این سامانه ها چه در حوزه دفاعی، چه هوا فضا، چه سلولهای بنیادی، چه نانو، چه هسته ای و ... همه متخصصان ایرانی هستند که کلیه دوره های تحصیلی را در دانشگاههای جمهوری اسلامی گذرانده اند و سن متوسط آنها در هنگام اجرای این طرحها کمتر از ۴۰ سال بوده است این واقعیت هاست که نتایج معجزه آسای انقلاب اسلامی را تا حدی روشن می کند و تجربه دیگری را که در این چهل ساله به آن رسیده ایم به ما یادآوری می کند و آن اینکه کار را به دست جوانان مومن خود ساخته بسپاریم و از سپردن کار به جوان های مومن نترسیم.

در حوزه علم این یک مسأله اثبات شده است که بیشترین اختراعات و ابداعات علمی جهانی توسط کسانی در سنین بین ۲۳ تا ۲۷ سال رخ می دهد و دانشمندی هم که ما آنها را با موهای سپید می شناسیم یا تصویر و نقاشی آنها را با محاسن و موهای سپید دیده ایم، مهم ترین اختراعات و کشف های خود را در همین سنین داشته اند. البته ما این در غیر حوزه های علم هم به وضوح دیده ایم. دفاع مقدس یکی از این عرصه هاست. در برجسته ترین پیروزی های درخشان دفاع مقدس ما به ندرت فرماندهی بالاتر از ۳۰ سال داشتیم. مهم ترین پیروزی ها توسط فرماندهانی کسب شد که کمتر از سی سال سن داشتند. در تشریف فرمایی امام خامنه ای دام ظلّه در بجنورد در ملاقات بسیجیان باید

به عنوان مسئول بسیج پیش از سخنرانی معظم له گزارشی تقدیم حضورشان می کردم؛ در آن گزارش عرض کردم که در دوران دفاع مقدس تمام فرماندهان بسیج جوانان مومن بودند و در مواردی فرمانده جوان مومن ما که ۲۵ سال بیشتر سن نداشت در مقابل لشکری که فرماندهش فقط ۲۵ سال فرماندهی کرده بود، ایستاد و جنگید و با تکیه بر ایمان و توکل بر خدا همین جوان کم تجربه آن فرمانده پرتجربه و نفرات فراوان او را اسیر و تانک و توپ او را غنیمت گرفت.

حضرت آقا این واقعیت را که نه یک بار و نه دوبار بلکه تمام سال های دفاع مقدس ما را در بر می گرفت، اینگونه تصدیق فرمودند:

«همینطور که سردار نقدی الآن اینجا گفتند یک جوان دانشجوی کم سال با آن مجموعه معدودی که خودش اسم آن را گذاشته تیپ - صد نفر آدم یک تیپ اند؟! صد و پنجاه نفر آدم یک تیپ اند؟! او خودش می گوید تیپ! - می رود به غرب کشور یا جنوب با این تیپ مومن و مخلص در مقابل جبهه دشمن با یک واحد رزمی مجهز و یک فرماندهی سابقه دار می جنگد. این ابزاری ندارد جز همین ابزار ابتدایی اما او به برترین ابزارها مجهز است. این تجربه فرماندهی ندارد او به قدر عمر این فرماندهی کرده اینها در مقابل هم قرار می گیرند، این بر او غلبه پیدا می کند. تانک او را مصادره می کند، امکانات او را مصادره می کند، پیروز می گردد. این با خودسازی به وجود می آید. بدون خودسازی نمی شود وارد این میدان ها شد.»

چه در دفاع، چه در صنعت، چه در علم و فناوری چه در سازندگی و محرومیت زدایی در طول این چهل سال برای ما مسلم شد که اگر کار را به جوان مومن خود ساخته و انقلابی بسپاریم موفق تر است.

همانطور که امام خامنه ای عزیز در سخنرانی اول سال ۹۷ در جوار حرم مطهر امام رضا(ع) فرمودند: جوانان ما در همه ی میدانها سرمایه ی امید کشورند؛ جوانان خیلی باارزشند. در صنایع برتر، جوانها هستند که مشغول فعالیتند؛ در مسائل فرهنگ و هنر، جوانها هستند که مشغول فعالیتند؛ در نظامیگری و فرماندهی، جوانها هستند که نقش آفرینی میکنند؛ در مدیریت هم هر جا جوانها باشند، مدیریت، مدیریت بانشاطتری خواهد بود و توصیه ی ما این است که در مدیریتهای مختلف، جوانها بیشتر به کار گرفته بشوند و بیشتر مورد استفاده قرار بگیرند.

نکته‌ی بعدی: دشمن امیدوار بود -این نکته مهم است- که نسل سوم انقلاب و نسل چهارم انقلاب از انقلاب روگردان بشوند، [ولی] امروز گرایش و پایبندی نسل سوم و چهارم انقلاب به انقلاب و علاقه‌مندی عمیق و پخته‌ی آنها به انقلاب، از نسل اول اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. دشمن سعی میکند مشکلات را بزرگ‌نمایی کند و بمراتب بزرگ‌تر و بیشتر از آن مقداری که هست نشان بدهد.

بنده در مقابل عرض میکنم همه‌ی این مشکلات، به توفیق الهی و به هدایت الهی، به دست جوانهای ما قابل حل است. دشمن از بالندگی نسل جوان ما بشدت نگران و عصبانی است. اینکه شما دیدید دشمنها -آمریکایی‌ها و غربی‌ها- این قدر با سانتریفیوژهای ما مخالفت کردند، فقط به خاطر این نبود که این سانتریفیوژها اورانیوم را غنی میکنند، بلکه بیشتر از آن به خاطر این بود که این حرکت علمی، ذهن جوانان ما را غنی میکند، آنها را آماده میکند برای کارهای بزرگ‌تر؛ بیشتر از این جهت که توانایی جمهوری اسلامی را در بالنده ساختن نسل جوان کشور نشان میدهد. من به شما عرض بکنم جوانهای عزیز ما این کشور را خواهند ساخت، بهتر از آن چیزی که در ذهن نسل قبلی -که نسل ما است- وجود داشته است؛ ان شاء الله بهتر خواهند ساخت و خواهند توانست پرچم استقلال و عظمت و شرافت این کشور را از آنچه تا امروز بوده است، بلندتر کنند.

این تجربه چهاردهم راهبردی چهل ساله انقلاب است. برای کسب موفقیت کارهای میدانی را به جوانان مومن خود ساخته بسپارید.

## عامل اصلی پیشرفت صنایع دفاعی

مشکل عدم پیشرفت صنعت خودرو و نساجی و سایر صنایع کمبود منابع مالی نیست هزینه‌های انجام شده و سرمایه گذاری‌های صورت گرفته در این صنایع به مراتب بیشتر از صنایع دفاعی بوده است حال آنکه فناوری‌های صنایع غیر دفاعی در مقایسه با صنعت تسلیحات آنها تسلیحاتی چون موشکی، پدافند هوایی، ماهواره و پهپاد بسیار پیش پا افتاده است. پس چرا در آن صنایع اینطور پیشرفت نکرده‌ایم؟ سبب اصلی همین دو علت یعنی چشم داشت به خارج و باز بودن راه واردات از یکسو و بی توجهی به ظرفیت‌های داخلی و عدم اعتماد بنفس و باور نداشتن خود از سوی دیگر است و عدم اعتماد به جوانان مومن و توانمند در این عرصه هاست.

سند واضح این است که آقای مهندس ترکان مشاور عالی رئیس جمهور می گوید " ما در هیچ صنعتی جز قورمه سبزی و آبگوشت بزباش توان رقابت با سایر کشورها را نداریم " جناب آقای نعمت زاده وزیر صنعت که باید روح خودباوری را در صنعت ایران بدمد، می گوید: « چه اشکالی دارد مدیر صنعتی از خارج کشور وارد کنیم، همانطور که مربی فوتبال وارد می کنیم» مشکل اساسی ما در اغلب عقب ماندگی ها همین حرفها و همین تفکر است که متأسفانه از ابتدا در دولت ها حاکم بوده است و برخلاف صنعت دفاعی که مرتباً روح خودباوری و قطع امید نسبت به بیگانه در او دمیده شده در سایر صنایع روح بیگانه پرستی و عدم اعتماد بنفس دمیده شده است.

همین حرفهاست که روح خودباوری را در صنعت می کشد و نابود می سازد و منابع تحت نظارت و مدیریت دولت را اینطور عقب می اندازد؛ نه توجه ویژه به صنایع دفاعی و بی توجهی به سایر صنایع.

### آیا میلیتاریسم عامل پیشرفت صنعت دفاعی کشور بوده است؟

سند روشن دیگر این واقعیت اینست که اگر در دانشگاههای صنعتی کشور جستجو کنید به ندرت و خیلی کم (در حد نبود) ممکن است به طرح های تحقیقاتی سفارش داده شده از سوی صنعت نساجی یا خودرو یا صنعت کشتی سازی برسید اما بدون استثنا به هر دانشگاه صنعتی مهم کشور وارد شوید دهها طرح تحقیقات صنعت دفاعی روی میز آنهاست. این در حالیست که دانشگاهها به کار تحقیقاتی برای بخش غیرنظامی بسیار مشتاق ترند چون کار با بخش های نظامی هم برای دانشگاهها و مراکز پژوهشی محدودیت های حفاظتی و سختی های ناشی و علاوه بر آن نگرانی از تحریم شدن آنها دارد و هم از سوی کشورهای غربی را هم دارد نگرانی از محدودیت در مراودات علمی با سایر کشورها را هم دارد با این وجود کار دانشگاهها با بخش دفاعی دهها برابر کار با صنایع غیرنظامی است.

چون صنایع دفاعی اعتماد بنفس داشته اند و راهی جز تولید بومی روبرویشان نبود دانشگاهها را باور کرده و سراغ آنها رفته اند ولی سایر صنایع که پیش نرفتند تهی از اعتماد بنفس بودند خودمان را باور نداشتند و به واردات وابسته و دلخوش هستند.

بعضی ها القاء می کنند که جمهوری اسلامی برای یک نظام میلیتاریسی است و در توسعه کشور دارد راه کره شمالی یا شوروی سابق را می رود و همه ی بودجه ها را خرج تسلیحات می کند و بخاطر این است که ایران در صنعت دفاعی

و تسلیحاتی پیشرفت خیره کننده ای داشته است این برداشت که اتفاقاً تبلیغات مستمر رسانه های غربی هم پشت سر آن است کاملاً نابخاست.

سند روشن اینست که کل هزینه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که امروز موازنه قوا را در تراز ابر قدرتی ایجاد کرده اند حدود از ۳٪ تولید ناخالص ملی کشور است که ۹۰٪ آنهم هم حقوق و مزایا و هزینه های جاری است و نه تسلیحاتی و سهم خیلی کمی به تسلیحات می رسد این در حالیست که هزینه نظامی همه ی کشورهای منطقه بالاتر از ۸٪ تولید ناخالص ملی آن کشورها و عربستان سعودی ۱۲٪ تولید ناخالص ملی آن کشور یعنی ۵۶ میلیارد دلار است در حالیکه بودجه دفاعی ایران کمتر از یک پنجم عربستان سعودی یعنی حدود ۱۰ میلیارد دلار است این در حالیست که جمهوری اسلامی خود را برای رفع یک تجاوز ابر قدرتی آماده می بیند و یقیناً عربستان یکساعت هم در مقابل چنین تهاجمی دوام نمی آورد و چرا که هیچ سلاح و ساز و کار بومی ندارد و هر چه هست وابستگی است.

با وجود این هزینه بشدت نابرابر تسلیحاتی همه ی عالم می دانند که اگر کل کشورهای منطقه همه قوای خود را جمع کنند از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شکست خواهند خورد و اینها همه بیانگر کارآمدی تفکر انقلاب اسلامی در ساخت نظام الگو برای اداره ی جامعه بشری است.

آنجا که کارها مستقیماً توسط ولی فقیه مدیریت و فرماندهی شده است و از بازیهای سیاسی و قدرت طلبی های حزبی بدور بوده و بجای وادادگی و سود جویی های شخصی و گروهی بنای ایستادگی و افتخار آفرینی در مقابل قدرتهای شیطانی در میان بوده با همان هزینه های اندک و حداقلی این پیشرفت های شگرف و معجزه آسا بوقوع پیوسته است و نکته در خور توجه اینجاست که نیروهای مسلح نه تنها چنین افتخارات بزرگی را در حوزه مأموریت مستقیم خود آفریدند بلکه بخش اعظم پیچیده ترین پیشرفت های خیره کننده در راه سازی، سد سازی و بخش غیر نظامی از جمله بخش اعظم متروی شهرهای کشور و اصلی ترین تونل های ملی احداث سلولهای نفتی دریایی، راه اندازی پروژه های نفتی بزرگ رها شده توسط دشمنان در اثر تحریم و ... دسترنج سپاهیان قهرمان و حاصل خودباوری و تجارب حاصله از جنگ است.

## ایمان، تفکر و روحیه مکتبی و انقلابی

ویژگی دیگر پروژه‌های پیشرو مانند دفاعی و هسته‌ای و ... اینست که تقریباً تمامی آنها توسط عناصر کاملاً ولایت‌مدار و معتقد به انقلاب اسلامی ساخته شده است. صنعت هوا فضا را چه کسی پیش برد؟ پاسدار شهید حسن طهرانی مقدم، سلول‌های بنیادین و موسسه رویان چگونه به قله‌های جهانی رسید؟ جهادگر انقلابی مرحوم کاظمی آشتیانی، دانش و فناوری هسته‌ای ایران چگونه جهان را شگفت زده کرد؟ شهید شهریاری، احمدی روشن، علیمحمدی و ... در همان مدت کوتاهی که مدیریت صنعت خودرویی به یک مهندس صنایع دفاعی و موشکی سپرده شده خودروی بومی سمند طراحی و ساخته شد و به تولید انبوه رسید و حتی خطوط تولید آن در کشورهای مختلف جهان راه افتاد ولی قبل و بعد آن در صنعت خودرو هیچ تولید با طراحی ایرانی در کار نیست چرا؟ آیا در آن مدت پول بیشتری داده شد؟ قطعاً نه بلکه ایمان جدی‌تر و عزم و اراده‌ی انقلابی‌تر به میدان آمد.

اگر به طرح‌های بزرگ ملی که در مقیاس‌های جهانی درخشیده نگاه کنیم همین خصوصیت را می‌بینیم. سد کرخه و سد کارون سه که از مهم‌ترین سدهای جهان هستند را چه کسی ساخت و به بهره‌برداری رساند؟ پالایشگاه ستاره‌ی خلیج فارس را؟ فازهای متعدد گاز عسلویه را؟ سکوه‌های عظیم نفتی در خلیج فارس را؟ خودکفا شدن در امر گندم را؟ و ... هر وقت فرد مومن‌تر و انقلابی‌تری در رأس وزارت جهاد قرار گرفت گندم کشور خود کفا شد وقتی کنار رفت به عقب برگشتیم.

آنها که القا می‌کنند که پیشرفت‌های صنعت دفاع به خاطر پول بیشتر است نمی‌توانند انکار کنند صنعت دفاعی یا صنعت هسته‌ای در پیش صنعت نفت فقرایی بیش نیستند. ۱۴٪ درآمد نفتی برابر قانون بودجه سالانه برای اداره بخش نفت مستقیم به حساب آن بخش ریخته می‌شود که برای صنعت دفاع یا صنعت هسته‌ای رسیدن به این رقم افسانه است.

چرا صنعت هسته‌ای بدون هیچ کمک خارجی سانتریفیوژهای دور بالا می‌سازد و جهان را متعجب می‌کند صنعت دفاعی زیردریایی و رادار و موشک و پدافند هوایی و ماهواره می‌سازد و دنیا را حیرت زده می‌کند ولی صنعت نفت از ساخت ابزار دم دستی و فناوری‌های در ابتدایی نسبت به این فناوری‌ها هم عاجز است و هنوز بخش اعظمی از نیازهای خود را از خارج تأمین می‌کند. راز مطلب نه در اعتبار مالی بیشتر است و نه در اهتمام بیشتر است جلساتی

که مقامات کشور با مسئولان وزارت نفت دارند به مراتب بیشتر است و اهتمام آنها به صنعت نفت به خاطر نقش آن در درآمد ملی به مراتب بیشتر از بخش دفاع و هسته ای است.

صنعت نفت صنعتی است که فرودگاه های اختصاصی برای خود ساخته است شبکه مخابرات، شبکه درمانی، شبکه های رفاهی گسترده شبکه حمل و نقل هوایی با هواپیماها و بالگردها مستقل برای خود دارد و برای خود یک دولت مستقلی محسوب می شود و هیچ سازمانی از لحاظ امکانات و آزادی عمل به آن نمی رسد. دهها برابر وزارت دفاع قدرت مانور دارد هم پژوهشگاههای بزرگ دارد و دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی هم به خاطر بودجه های سرشار و نداشتن دردسرهای امنیتی پیچیده، دانشگاهها و پژوهشگاههای کل کشور کار با آنها را به هر کار دیگری ترجیح می دهند نیروهای مومن و توانمند و متخصصین خوبی هم دارد چرا هنوز بخش عظیمی از ابزار کار و تجهیزات و امکانات خود را با فناوری های خیلی ساده تر از دفاع و هسته ای از خارج کشور وارد می کند؟

در همایش اقتصاد مقاومتی اتحادیه شرکت های سازنده تجهیزات نفتی شرکت کردند و رسماً اعلام نمودند که ما بالفعل و بدون تحقیقات قادریم ۶۰٪ آنچه را که وزارت نفت از خارج می آورد، صرفاً با عقد قرارداد برایش بسازیم. این کار یعنی اشتغال دهههازار نفر که نیاز شدید امروز کشور است پس چرا نمی شود؟ برای پاسخ به این سوال سه تجربه عینی و عملی خود را بازگو می کنم؛

مورد اول اینکه وقتی مسئول آماد و پشتیبانی و تحقیقات صنعتی ستاد کل نیروهای مسلح بودم ظرفیت های مهم فنی در صنایع دفاع ایجاد شده بود که با توجه به شمارگان کم سفارش تسلیحات وقت های بیکاری زیادی داشت من به معاون خود کفایی وقت وزارت نفت تماس گرفتم و گفتم من صنایع نفت را جاهای مختلف دیده ام و از این طرف ظرفیت های صنایع دفاع را می دانم تمام آنچه را که شما در صنعت نفت از خارج وارد می کنید، ما خیلی راحت می توانیم برای شما بسازیم چرا می روید از خارج می آورید؟ جوابی که ایشان به من داد این بود «من هرچه توانسته ام در خودکفایی پیش ببرم برده ام از این بیشتر بخواهم بروم مرا خواهند کشت تو که به مرگ من راضی نیستی.»

وقتی وزیری که آشنایی با او داشتم در وزارت نفت منصوب شد نزد او رفتم و چند پیشنهاد را با او مطرح کردم یکی از پیشنهاد راجع به قطعات بود ایشان گفت من مشکل را ریشه یابی کرده ام مشکل این است که در وزارت نفت هنوز



کدینگ کالاها براساس همان شیوه انگلیسی قبل از انقلاب است و هر بخش نیاز به قطعه پیدا می کند کد قطعه را نگاه می کند و سفارش می دهد و ما مجبوریم بر اساس کد کالا برایش جنس را تهیه کنیم و آن کالا با آن کد در انگلیس تولید می شود. من برنامه ریزی کرده ام که کدینگ را عوض کنم و ایرانی کنم تا به طور خودکار درخواست ها از داخل باشد و لازم نباشد اینقدر زور برای خودکفایی بزنیم. با وجود آنکه از موضع مسئول بسیج از این حمایت و هر جا که کارشکنی می کردند و دست انداز درست می کردند، مداخله می کردم این کار تمام نشد.

پیشنهاد دیگری که به ایشان کردم این بود که شما پولدار هستید و تشکیلات شما برای نخبگان علمی جذاب است از این فرصت استفاده کن به جای اینکه برای شاگرد اول های دانشگاه شریف در تهران و امیرکبیر از آمریکا و انگلیس دعوتنامه بفرستند شما نامه بفرست و اینها را جذب کن هم جذب این استعدادهای قوی به نفع تشکیلات شماست و هم به نفع آنهاست. بعد از آنکه دوره مسئولیت او پایان یافت از او پرسیدم روی آن پیشنهاد چه کردید؟ ایشان گفت «پیشنهاد را انجام دادم تشکیلاتی راه انداختم و افراد نخبه دانشگاه ها را جذب کردم ولی عوامل نادرست در تشکیلات همه آنها را پراندند».

از این خاطره ها باز هم دارم ولی تصور می کنم همین قدر برای روشن شدن این مطلب که علت پیشرفت بخش های پیشرو هسته ای و دفاعی تفکر میلیتاریستی نظام و اهتمام بیشتر به آن بخش ها نبوده است همین مثال ها کافی است مسأله اصلی مسأله مدیران مومن و انقلابی است و تجربه ۴۰ ساله انقلاب نشان می دهد.

هر جا پیشرفت شگرفی حاصل شده است مدیریت نیروهای مؤمن انقلابی برجسته و عیان است. نیروهایی که به جلب رضای خدا می اندیشیدند نه به پر کردن جیب خود، نیروهایی که بدنبال اعتلای کشورند نه تقویت شرکت خصوصی خود آنها که کمترین مفاسد در حوزه مدیریتشان اتفاق می افتد و مدیریتی ضد فساد دارند چون ایمان دارند که با پاکدامنی و درستکاری و عزم جهادی کار را پیش می رود انسانهایی که از در افتادن با عناصر فاسد و نفوذی در حوزه مسئولیت خود نمی ترسند و محافظه کاری نمی کنند مدیرانی که نیروها و ظرفیت های داخلی و بومی را باور دارند و هیچ امیدی به خارج کشور ندارند ولی تا بخواهید به ظرفیت های داخلی اعتقاد دارند.

نتیجه اینکه تجربه عملی پانزدهم نشان می دهد پیشرفت های اصلی و خیره کننده کشور در عرصه های مختلف آنجا که ایمان به خدا و تقوی و روحیه مکتبی و انقلابی بوده به ثمر نشست است و این یکی از

تجارب راهبردی انقلاب اسلامی در چهل سالگی انقلاب است که عامل اصلی پیشرفت نیروی انسانی مومن مکتبی و انقلابی است.

## اداره ی کشور در عرصه‌های سیاسی فرهنگی و اجتماعی

نوشتن در مورد دستاوردهای سیاسی- فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی در میان یک بحث کلی در مورد انقلاب شاید ظلم و قدر ناشناسی این نعمت بزرگ الهی باشد چرا که بیان این دستاوردها کتابهای قطوری می‌طلبد و باز هم پایان نمی‌یابد.

## احیاء دین

انقلاب اسلامی نه فقط اسلام بلکه تمامیت دین و خداپرستی را زنده کرد. انقلاب با پرچم دین در زمانی پیروز شد که دنیایی که تحت سلطه دو غول ماتریالیست و ضد دین کاپیتالیسم و سوسیالیسم قرار داشت از مرحله غفلت نسبت به دین عبور کرده و وارد مرحله دین زدایی شده بودند هزاران مسجد و کلیسا و کنیسه تعطیل به موزه و بعضاً حتی به دامداری و زباله دانی تبدیل شده بود. معابد و مساجد موجود روبه تعطیلی می‌رفت.

این ادعا نیست که ما مطرح کنیم بسیاری از اندیشمندان بزرگی که در متن جوامع دیگر زندگی می‌کنند به این مسأله اذعان داشته اند. شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی می‌گوید: «آنچه در ایران در سال ۱۹۷۹ رخ داد نه تنها برای ایرانیان بلکه برای تمام ادیان جهانی نقطه عطفی بود نقطه عطفی که از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دینا به اصول‌گرایی مذهبی خبر می‌دهد» به گفته این شبکه «در سراسر جهان پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت یهودیت و هندو نیز به اصول‌گرایی مذهبی روی آوردند؛ حتی در ترکیه نیز که هفتاد سال قبل با مذهب وارد جنگ شده بود روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفته است.

پروفسور برنارد لوئیس، سرشناس‌ترین یهودی تبار آمریکایی؛

پروفسور برنارد لوئیس، سرشناس‌ترین خاورشناس یهودی تبار آمریکایی که آثارش تاکنون بر ۲۳ زبان ترجمه شده است، در صفحه ۲۱۴ کتاب «نفس الله، جهان اسلام و غرب: نبرد فرهنگ‌ها؟» - می‌نویسد: «در سال‌های آغازین بر پایی جمهوری اسلامی، آیین اسلام، اساس اعلام شده هویت و وفاداری بود. هدف سیاست خارجی و همچنین

سیاست دولت را به صورت کلی، تجدید حیات اسلام، تثبیت مجدد قدرت و عظمت اسلامی به وسیله توسعه دامنه انقلاب اسلامی و احیای اعتقاد و حقوق اسلامی، تشکیل می‌داد. آمریکا به عنوان قدرتی که شاه و مزدورانش را حمایت و در امور داخلی ایران مداخله می‌کرد و مهمتر از آن، رهبری دشمن قدیم، غرب را به عهده داشت، نخستین و بزرگترین دشمن این برنامه می‌دانست.»

وی در ادامه، ضمن توضیحاتی که درباره صفت «شیطان بزرگ» برای آمریکا که از طرف امام راحل (ره) داده شد، می‌نویسد: «(امام) خمینی از موضع گیری‌های دشمنانه ابر قدرت آمریکایی نمی‌هراسید، ولی از آن چیزی که از ناحیه آمریکا هراس داشت، همراه کنندگی و فریبندگی شیوه زندگی آمریکایی بود. خطر همراهی غربی که در ایران غربزدگی خوانده می‌شود، از مدت‌ها قبل یکی از مورد توجه ترین موضوعات مورد بحث نویسندگان ایرانی شده است.»

پروفسور برنارد لوئیس در صفحه ۱۷۷ همین کتاب خود، ضمن مقایسه موفقیت‌های جنبش‌های نوین نهضت احیای تفکر دینی در کشورهای اسلامی می‌نویسد: «افراطیون مصری صرفاً موفق شدند حاکم خود را نابود کنند، اما رژیم مصر نجات یافت و سیاست خویش را ادامه می‌دهد، اما افراطیون ایرانی موفقیت بیشتر را از آن خود کردند، رژیم را نابود ساختند و در کشور خود چنان انقلاب فراگیری را به پیروزی رساندند که شهرت آن سر تا سر جهان اسلام را فرا گرفت.»

هیئت محققان و نویسندگان انجمن تحقیقاتی خدمات ارتشی وزارت دفاع ملی اتریش در کتابی با عنوان «نیروهای ارتشی در کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا» در سال ۱۹۹۵ (۱۵) در صفحات ۲۸۳ - ۲۸۲، می‌نویسند: «همزمان با سقوط رژیم شاه و آغاز حکومت (امام) خمینی در ایران، یک تجدید حیات اسلامی در پیمان‌ها وسیع و غیر قابل انتظاری آغاز شد که طی مدت زمان کوتاهی، تاثیرات بسیار مهم سیاسی و فرهنگی خویش را بر سر تا سر جهان اسلام به نحوی وارد کرد که هرگز قابل پیش بینی نبود. بدون تردید، این نهضت تجدید حیات اسلامی چنان با شخصیت (امام) خمینی گره خورد که (امام) خمینی به عنوان سمبل و مظهر «بیداری اسلامی» شناخته شدند. همزمان با طلوع سیاسی (امام) خمینی، دین اسلام به عنوان مهمترین نیروی موجد انگیزه برای رویدادهای سیاسی شد»

کلاوس برینگ، از نویسندگان برجسته مسائل اسلامی روزنامه «سالزبورگر نخریشتن» در شماره ۸ آوریل ۱۹۹۴ در تحلیلی که به مناسبت پیروزی حزب رفاه اسلامی ترکیه در انتخابات آن زمان شهرداریهای ترکیه تحت عنوان «سرمشق (امام) خمینی اسلام گرایان را در سر تا سر گیتی به حرکت در آورده است»، نوشت: "نه تنها کلیه محرومان جوامع اسلامی شنوندگان پر و پا قرص مبلغان بازگشت به تعالیم قرآن و شریعت اسلامی هستند، بلکه بسیاری از عقلا و نخبگان نیز از بازگشت به ارزشهای اصلی اسلامی جانبداری می کنند و مخالفت با شیوه زندگی نوع غربی را یک راه رهایی از قیمومیت سیاسی و تکنیکی غرب و راه سرنگونی رژیم‌های ظالم خویش می دانند. آنان به دولت اسلامی که در سال ۱۹۷۹ توسط آیت الله خمینی در ایران مستقر شد، اقتدا می کنند، در واقع، گرچه اکثریت سنی ها حاکمیت اسلامی نوع شیعی ایران را رد می کنند، با این وجود، مساعی (امام) خمینی و جانشینانش که می کوشند کشور خویش را به استقلال سیاسی و اقتصادی برسانند، می ستایند. (امام) خمینی از نظر بسیاری از مسلمانان، آخرین شخصیت از سلسله آموزگاران و داعیان بازگشت به خود آگاهی اسلامی در عصر جدید است". (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۲/۱۱/۱۶)

روزنامه انگلیسی ایندپندنت چاپ لندن در شماره ۱۳۶۸/۳/۱۵ نوشت: "به ندرت اتفاق می افتد که یک مرد به تنهایی مسیر تاریخ را عوض کند اما این درست همان کاری بود که آیت الله خمینی از عهده آن بر آمد"

دینداری مایه خفت و خواری افراد در جامعه و نماد عقب ماندگی علمی و فرهنگی محسوب می شد اگر در میان صد استاد دانشگاه یکی پیدا می شد که نماز بخواند مسأله ای عجیب و استثنایی بود در میان دانشجویان یک دانشگاه بزرگ تعداد نماز خوان ها در حد انگلستان دست بود. حتی در میان عوام جامعه وقتی در قطار پر از جمعیت به شهر زیارتی مشهد می رفتی توقف به اسم نماز که در برنامه قطار نبود در ایستگاهی که توقف کوتاهی برای سوار و پیاده شدن افراد انجام می شد وقتی برای نمازی که باید بصورت اضطراری می خواندی پیاده می شدی می دیدی خودت هستی و خودت و از این جمعیت بزرگ زائر کس دیگری برای نماز پیاده نمی شد اینها نمادهایی از واقعیت دینی جامعه انهم در جایگاه جنبه های فردی دین بود در عرصه های اجتماعی که اساساً نمی شد حرفی از دین به میان آورد این وضعیت مرکزیت جهان اسلام بود که با نگاه به آن می شود وضعیت سایر نقاط جهان را به همین نسبت تشخیص داد.

روزی که در پایتخت اسلامی حجاب بعنوان مظهر بی سواد و عقب ماندگی شناخته می‌شد و حضور با چادر در مجامع دانشگاهی و علمی تقریباً محال بود کجا تا امروز که رئیس جمهور کشور لائیک ترکیه و سایر کشورهای مشابه به حجاب زنان نشان افتخار می‌کنند.

از روزی که عراق را صدام، لبنان را امین جمایل فلسطینی را عرفات اداره می‌کرد کجا؟ تا عراق آیت الله سیستانی و شاگردان صدر و لبنان سید حسن نصراله و نیجیریه شیخ زکی زکی و ... کجا؟

از روزی که شعائر مذهبی حتی در کشورهای مذهبی ایران رو به افول گذاشته و روند تعطیلی را طی می‌کرد کجا؟ تا امروزی که در مرکز کفرخیابانهای نیویورک و لس آنجلس دستجات عزاداری چند هزار نفری امام حسین (ع) براه می‌افتد.

روزی که قرآن به فراموشی سپرده شده بود و جز در مراسم ختم مردگان راه نداشت کجا؟ تا امروز که میلیونها قاری و حافظ تراز اول و دهها مفسر بزرگ در حال تفسیر قرآنند.

روزی که در وزه علمیه ظرف غذای امام خمینی(ره) را بخاطر پرداختن به فلسفه و دخالت در سیاست آب می کشیدند کجا تا امروز که بخش اعظم حوزه های علمیه خود درگیر فلسفه و سیاست هستند کجا.

روزی که اساساً در تئاتر و سینما نمی‌شد حرفی از دین و اسلام زد و حتی برای درمان یک نویسنده یا کارگردان یا بازیگری که نماز بخواند نمی‌شد پیدا کرد کجا؟ تا امروز که بخاطر شکستن قدرت سبک و نفوذ سینمای اصیل ایران آمریکاییها و اروپاییها مجبورند سینماگران درجه ۲ و ۳ ایران را مرتب به اسکار و کن ببرند و دستشان را بخاطر آثار تضعیف کننده جریان اصیل سینمای ایران بالا ببرند تا شاید روند پر نفوذ سینمای هویت دار ایران را متوقف کنند.

روزی که اکثریت مردم در خانه‌هایشان تلویزیون را بخاطر مفاسد بی شماری که داشت راه نمی‌دادند کجا تا امروز شهرهای کشورهای اسلامی در ساعت نمایش فیلم یوسف بحال تعطیل در می‌آید.

روزی که یک تحصیل کرده مسلمان در میان هم کلاسی‌ها ایمان و پایبندی خود به نماز را پنهان می‌کرد تا متحجر و عقب مانده حساب نشود کجا تا امروز که امام نماینده خود را برای دعوت رهبر بزرگترین قدرت نظامی جهان به اسلام به کاخ کرملین می‌فرستد و طی نامه ای رهبر اتحاد جماهیر شوروی او را به اسلام دعوت می‌کند.

و این قیاس‌ها خود می‌تواند ادامه یابد و کتاب قطوری شود، کتابی که پایان ندارد.

جمعیت اندک حجاج و زائران خانه خدا و مساجد محقر و در حال فروپاشی مکه و مدینه، مسجدالحرامی که کف آن سنگریزه بود و مسجد قباد قبلتین و ... که کلبه‌ای محقر با گچهای ریخته و طبله کرده و محیطهای خلوت با شکوه و عظمت امروز جمعیت‌های میلیونی که در تمام سال این اماکن را رها نمی‌کنند.

دورانی که کاباره‌ها و قمارخانه‌ها و محلات فحشاء پاتوق جوانان این مملکت بود کجا تا دورانی با اعتکاف‌های میلیونی و شبهای قدر دهها میلیونی و تجمعات بزرگ مذهبی.

رادیو و تلویزیون‌های که از صبح تا شام و از شام تا صبح در رقص و آواز بودند کجا تا صدها کانال رادیویی و تلویزیون بین‌المللی که دائماً در حال بخش حدیث و قرآن و احکام هستند.

حرم اهل بیت و امامزادگان متروک کجا تا جمعیت چند میلیونی حرم امام رضا (ع) در تحویل سال نو بیشتر از ۲۵ میلیون زائر سالانه آن حضرت و راهپیمایی ۲۰ میلیون اربعین و تجمعات میلیونی جمکران و ....

انقلابی که با احیای روح خدمت و انساندوستی میلیونها جوان را از مجالس عیش و عشرت و لذت جویی‌های مادی فارغ ساخت و برای خدمت پس از محرومیت‌زدایی به دورترین و صعب‌العبورترین مناطق کشور فرستاد.

در عرصه‌های فرهنگی پیامد انقلاب اسلامی جهش‌های خیره‌کننده‌ی فرهنگی در همه‌ی شئون بوده است که چون محل‌منازعه و تمرکز دشمنان برای زیر سوال بردن انقلاب اسلامی نیست صرفاً به نمونه‌های اشاره می‌کنیم و می‌گذریم؛

از آنجا که دشمن برای تسلط بر افکار عمومی با همه‌ی قوا عملیات رسانه‌ای عوامفریبانه‌ای را دنبال می‌کند برای پاسخ‌خنی‌سازی آن عوامفریبی‌ها چاره‌ای نیست جز آنکه آمار پیشرفت‌های مادی بیان شود تا در سطح عموم مردم کارآمدی نظام مجسم گردد لکن اگر بخواهیم یک گزارش کار دانشمندان از انقلاب کبیر اسلامی بدهیم پرداختن به آن اعداد و ارقام شأن انقلاب اسلامی را تنزل می‌دهد بلکه باید اصلی‌ترین مسأله که بر همه چیز سایه می‌افکند بیان شود و اصلی‌ترین گزارش کار انقلاب که امام خمینی(ره) آنرا فتح الفتوح نامیدند و امام خامنه‌ای عزیز بر این عبارت امام(ره) تاکید فرمودند انسان‌سازی انقلاب کبیر اسلامی است. برون‌کشیدن انسانها از جهل و رساندن به قله‌های فهم و دانش، بیرون آوردن انبوه مردمان از بی‌خبری و رساندن آنها به قله‌های بصیرت، فارغ کردن جامعه از

ترس و ذلت پذیری و رساندن به اوج شجاعت، رهانیدن انسانها از اعماق فساد و تباهی اخلاقی و رساندن به اوج قله های کرامت و فضیلت های اخلاقی، شاید در شرایط سالهای اخیر که انحرافات در بعضی لایه ها پیش آمده این واقعیت ها برای بعضی ملموس نباشد اما همین حالا حجم اندیشمندان، مجاهدان، مصلحان و فرهیختگان موجود در کشور اصلاً قابل قیاس با سایر جوامع جهانی نیست امروز انسانها ی برجسته فراوانی در کنار ما زندگی می کنند که بخاطر کثرت برجستگی آنها دیده نمی شود تنها زمانی فاصله بصیرت، شجاعت، فهم و درک و فرهیختگی اینگونه مردم نمایان می شود که به یک کشور خارجی اعزام می شوند آنجا می بینید فردی که شما او را خیلی معمولی ارزیابی می کنید چگونه رهبری می کند اسطوره های بزرگ تاریخی که در انقلاب و دفاع مقدس درخشیدند پرده از این حقیقت بر می دارند بیان خاطرات و گزارشهایی می تواند این واقعیت را ملموس کند. رژیم شاه آنچنان رعب و وحشتی براه انداخته بود که کسی جرأت کوچکترین مخالفتی نداشت تصور عمومی این بود که از هر سه نفر یک نفر ساواکی است و این جور رعب انگیز موجب شده بود حتی پدر و پسر نظر سیاسی خود را از هم مخفی کنند همانطور که بارها امام(ره) می فرمودند: یک پاسبان منطقه ای را کنترل می کرد شاید بیان خاطره خودم که سال ۵۶ نوجوانی ۱۶ ساله بودم بتواند فضا را برای جوانان و نوجوانان نسل چهارم ملموس تر کند.

آبانماه ۱۳۵۶ تهران ختم مرحوم آقا مصطفی خمینی(ره) در مسجد ارک برقرار شد بعد از ختم ۱۵۰-۱۰۰ نفر از جوانان شرکت کننده دستجمعی بیرون آمدند مثل مراسم ختم خانوادگی که عزادار را تا محل منزل یا مغازه بدرقه می کنند راه افتادند به سمت میدان توپخانه، آن زمان هیچکس جرأت اینکه شعار بدهد نداشت فقط مثل مراسم سنتی محلی و خانوادگی یکنفر جمله ای می گفت و از جمع صلوات می گرفت تا دسته رسید به شمال میدان و وارد خیابان فردوسی شد گامها بلندتر و سریعتر شد و شعار شروع شد. **"استقلال، آزادی حکومت اسلامی"** (هنوز امام(ره) شکل حکومت جمهوری را اعلام نکرده بودند) فکر نکنم صد قدم جلو رفته بودیم و به سه راه خیابان وزارتخارجه رسیده و نرسیده یک پاسبان با موتور سیکلت از راه رسید با سرعت آمد توی دل جمعیت موتورش را پرت کرد زمین و کلت رولور را از غلاف بیرون کشید و به سمت جمعیت گرفت و فریاد زد **"ایست"** یکی دوبار دور خودش چرخید و ایست داد دور دوم نرسیده از آن جمعیت جوان که شجاعترین افراد سیاسی آن روزگار بودند که در آن خفقان عجیب سال ۵۶ جرأت تظاهرات کرده بودند یکنفر پیدا نبود ظرف ۳۰ ثانیه همه چیز تمام شد.

این فضای رعب وحشتی که حاکم بود آنهمه جوان اینطور از یک پاسبان می ترسیدند که حتی یک دقیقه جرأت ایستادگی نداشتند.

همیشه وقتی شجاعت مثال زدنی جوانهای انقلاب را می بینیم به امام(ره) درود می فرستیم که با هدایت خود معجزه کرد و آن جوانان ترسو و توسری خور نسلی ساخت که از هیچ چیز نمی ترسند نسلی پر از قدرت لبریز از شجاعت و عزت نفس یک سال بعد همان روزها در قم می دیدم در خیابان چارمردون و خیابان صفاییه جوانهایی را که جلوی گاردهای مسلح به زانو نشسته با ژ ۳۰ و آماده تیراندازی یقه خودشان را می شکافتند و با سینه باز فریاد می زدند "پول نفتمونه یکی دیگر درکن" خیابان چارمردون اسم های مختلفی پیدا کرده بود خیابان ویتنام- خیابان فلسطین، خیابان انقلاب و ..... هر وقت تظاهرات و درگیری می شد سر هر کوچه ای که می رسیدی خونهای زیادی ریخته بود. مغز متلاشی شده چسبیده به دیوار گوشت پوست افتاده وسط خونها چون گاردی های بی رحم با ژ س که سلاح جنگی است شلیک می کردند و بدنه بچه هایی که سرکوچه برای در امان ماندن پناه می گرفتند با آن گلوله ها گاهی هم گلوله تیربار کالیبره پنجاه متلاشی می شد در همان اوضاع خودم شاهد بودم مادری که دست نوجوان خودش را گرفته بود در خانه نیم باز او را با دست خود بیرون فرستاد و گفت: "برو تظاهرات" این انقلاب اسلامی بود که چنین عظمت روحی را به آن ملت توسری خور داد وقتی این صحنه ها وقتی ایستادگی جوانها زیر باران توپهای دشمن و موشکها و هواپیماها در شلمچه می دیدم به یاد آن روز آبان ۵۶ می افتادم جوانهایی که صدپنجاه نفرشان در مقابل یک فریاد ایست و یک کلت به چشم بهم زدنی فراری می شدند اینجا یک نفرشان تمام قد بلند می شد جلوی چندین تانک در حال تهاجم ایستاده شلیک می کرد. یا مثل شهید نادر مهدوی که ۲-۳ نفره روی یک قایق ماهیگیری معمولی در تاریکی شب به جنگ ناو هواپیما بر می رفتند اینهاست فتح الفتوح دختر ۱۶ ساله کرد سنندجی شهید ناهید فاتحی کرجو که ۱۱ ماه در حبس انفرادی گروهک کومه له در کردستان مقاومت می کند و برای اینکه حاضر نشد اعتراف کند یا برای تبرئه خود در بین مردم علیه امام خمینی سخنرانی کند زنده بگور می شود و تسلیم نمی شود.

حسین طباطبائی پسر ۵ ساله قمی که حافظ کل قرآن و مسلط بر معانی و تفاسیر آیات می شود و جهان اسلام را شگفت زده می کند انبوه دانش آموزان مولف، محقق و مخترع که وقتی پای سخنرانی آنها می نشینی قطعاً مفاهیمی بسیار عمیق تر، دقیق تر و علمی تر از نطق بسیاری از رؤسای جمهور در سازمان ملل را برای شما تبیین می کنند اگر می خواهیم بدانیم انقلاب در تعالی روحی و فکری و رشد ظرفیت های انسانی ایران چه کرد زندگی شهید مرحمت بالا



زاده را بخوا او یک نوجوان ۱۲ ساله است ولی نه نوجوانی با دسترسی های وسیع رسانه ای و ارتباط با شخصیت های برجسته انقلاب یک یک نوجوان روستایی مرز نشین در گرمی اردبیل مبلغ اعزام به جبهه می شود با موتور سیکلتی که برای سوار و پیاده شدن به آن باید کنار سکویی متوقف شود تا پایش به آن برسد وقت اعزام به جبهه او را نمی برند و او را که جلوی اتوبوس خوابیده بود تا جلوی حرکت کاروان را بگیرد و مسئولین را وادار به اعزام او کند توجیه می کنند که با توجه به سن و سال کم امکان اعزام به جبهه وجود ندارد و وقتی او اصرار می کند می گویند فقط شخص رئیس جمهور می تواند چنین دستوری بدهد در آن دوران که سفر یک مرزنشین محروم به تهران از سفر یک ایرانی به آنطرف دنیا بمراتب سخت تر بود با آن جاده ها و وسایل حمل و نقل خودش را به تهران می رساند و جلوی درب ریاست جمهوری می رود آنقدر منتظر می ماند که رئیس جمهور وقت (امام خامنه ای) بیرون بیایند. خود را جلو رئیس جمهور می رساند محافظان مانع می شوند ولی رئیس جمهور می گوید بگذارید بیاید ببینم چه می خواهد.

او جلو می آید و خود را معرفی می کند مرحمت بالا زاده هستم فرزند فلانی از گرمی حضرت آقا پس از تفقد می فرمایند خواسته ات چیست؟ او می گوید آمده ام تا از شما بخواهم دستور دهید دیگر روضه حضرت قاسم بن الحسن را روی منبرها نخوانند. چرا؟

چون در روضه حضرت قاسم(ع) می گویند او ۱۳ ساله بود جبهه رفت و شهید شد حالا من هم همان سن و سال را دارم می خواهم جبهه بروم می گویند سن تو کم است اگر رفتن حضرت قاسم(ع) به جبهه کار درستی بود خوب باید ما را هم اجازه بدهند و اگر کار غلطی بوده است نباید در منبرها بخوانند. حضرت آقا آنجا از همراهان می خواهند که با شهید باکری تماس بگیرند و از او بخواهند به مسأله این نوجوان رسیدگی کند او به جبهه می رود حماسه های شنیدنی را رقم می زند و در نهایت به شهادت می رسد.

مهرداد عزیزاللهی نوجوان ۱۳ ساله اصفهانی که امام خمینی(ره) با آنهمه عظمت عرفانی را شگفت زده می کند وقتی مصاحبه ی مهرداد از تلویزیون پخش می شود. امام (ره) می فرمایند این کیست او را بیاورید تا من ببینم او را نزد امام(ره) می برند امام بر بازوی او بوسه می زند و بعد آن عبارت بلند را که "چه بسیار جوانان ما که ره صد ساله را یک شبه رفتند" را بیان می فرمایند.

کافیست یک محقق وصیت نامه ی شهدای نوجوان را بخواند و آنرا با انشاء های مدرسه همان افراد یا هم سن و سال های آنها در سال قبل از انقلاب مقایسه کند تا اختلاف فاحش فهم و شعور و درک و آگاهی افراد در پیش از انقلاب و

پس از آنرا دریابد در این باب می توان هزار کتاب نوشت و هزاران مدرک اقامه کرد که به همین بسنده می کنم اما بازهم به این نکته یادآوری می کنم این واقعیت بزرگ و فت الفتوح انقلاب اسلامی چون در وسط آن واقع شده ایم خوب درک نمی شود مثل ماهی در آب.

این نمونه های فراوان مربوط به سالهای دفاع مقدس نیست جوانان امروز تعداد خیلی فراوان تری از این اسطوره را ساخته اند یک جوان عرب خرمشهری بنام علی عبیات که تازه ازدواج کرده بچه چند ماهه دارد و برای زیارت به کربلا رفته اعزام نیروی عراقی ها به جبهه جنگ علیه داعش را که می بیند با آنها همراه می شود و به همراه آنها به جبهه می رود و در مدت کوتاهی فرمانده می شود و قهرمانی هایی می کند که رزمندگان عراقی را شگفت زده می کند بعد از ۱۰ ماه حضور و رزم در آنجا به شهادت می رسد باید در مراسم ختم او بودید تا از زبان هیئت بلند پایه عراقی که برای تجلیل او به خرمشهر آمده بودند تا رشادت ها و عظمت روحی و فکری او را که آنان را شگفت زده کرده بود می شنیدید در همه ی عرصه ها این واقعیت مصداق دارد جوان بودن قالب دانشمندان تراز اول کشور و خط شکنان عرصه های فناوری که ایران را در فناوریهای برتر جهان به قله های جهانی نزدیک کرده انداز جمله آنهاست. و پدیده های بسیار عجیب آنهم در غلبه ی فضای دنیا طلبی که انسان را حیرت زده می کند فهمیده های نسل چهارم افرادی که در مقابل تروریست های انتحاری دشمن با عملیات استشهادی داوطلبانه آنها را خنثی می کنند که در هیچ جای جهان نمونه ندارد ۱۴ تیرماه ۱۳۸۹ تروریست تکفیری مسلح به جلیقه انفجاری قصد ورود به مراسم مذهبی در مسجد زاهدان را دارد بسیجی محمد گلدوی از محافظان مسجد از را شناسایی می کند و بلافاصله قبل از ورود او به مسجد او را در بغل می گیرد و تروریست انتحاری جلیقه را منفجر و ایشان برای دفاع از مومنین در این عملیات شهادت طلبانه شهید می شود آیا این تنها مورد است یک استثناء است؟ خیر در حادثه ای مشابه در زاهدان مسلم کیخا به شهادت می رسد و اگر شهید حسین فهمیده نوجوان است که عملیات شهادت طلبانه را می پذیرد این هر دو صاحب زن و اطفال صغیراند از این چنین عملیات شهادت طلبانه نه تنها در جبهه های سوریه و عراق کم نیست بلکه در برقراری امنیت داخلی مکرر اتفاق می افتد شهدایی که در برجک های تحت محاصره مرزی زیر باران شلیک سنگینی می ایستد و یا شهیدان حامد برزی و مرتضی آسوده دانش آموز دانشجوی بسیجی محافظ نماز جمعه چابهار که در ----

- ۲۸ در ۱۳۹۱ عملیات قهرمانانه علیه تروریست انتحاری را مانند شهید محمد گلدوی با شهادت خود بانجام می رسانند.

## توسعه های ابزاری فرهنگ

مقدار کتاب چاپ عنوان اولی سال ۵۷ فقط ۲۳۳ عنوان بود. در سال ۵۸ و با پیروزی انقلاب اسلامی این رقم با جهش غیرقابل باور به ۱۵۰۰ عنوان رسید و در سال ۱۳۹۵ ما با اختلاف نجومی ۲۰۶ برابر سال ۵۷ یعنی ۴۸۰۰۰ عنوان کتاب چاپ اول داشته ایم و از حدود ۵۰۰ عنوان کتاب چاپ شده در سال ۵۷ به نزدیک یکصد هفت هزار عنوان کتاب در سال ۱۳۹۶ رسیده ایم. شمارگان کتاب منتشره در سال ۵۷ فقط یک میلیون نسخه بوده است که در سال ۱۳۹۶ به ۱۳۶ میلیون نسخه رسیده یعنی ۱۳۶ برابر رسیده است. ضریب های جهش در عرصه های فرهنگی نجومی و فوق تصور است و این در حالی است که در آن دوران عمده ترین وسیله انتقال فرهنگی کتاب بود و نه فقط فضای مجازی و شبکه های اجتماعی وجود نداشت بلکه حتی رادیو تلویزیون هم به آن صورت مطرح نبود و بیش از ۸۵٪ مردم اساساً تلویزیون نداشتند و کتاب بعنوان اصلی ترین و مهم ترین وسیله تبادل فرهنگی رقیبی نداشت.

شاید کسی ادعا کند این رشدها طبیعی است و اگر انقلاب هم نمی شد اتفاق می افتاد این کاملاً غلط است چرا که این جهش های عظیم معلول اقداماتی است که اصلاً در رژیم گذشته بنای آن گذاشته نشد و حتی با چنین شکلی موافقتی ر کار نبوده است پدیده هایی همچون نمایشگاههای کتاب استانی، نمایشگاه کتاب ملی، نمایشگاههای سالانه بین المللی کتاب کلاً مربوط به انقلاب و اهمیتی است که انقلاب به آگاهی مردم و کتاب خوانی آنها می داد در آن فضای خفقان مگر می شد نمایشگاه کتاب دایر کرد؟ آنها هم نمایشگاهی استثنایی با حضور میلیونی بازدید کنندگان که اختصاص به ایران دارد و بس پدیده ی رهبری کتابخوانی حرفه ای، میلف برجسته، منتقد ممتاز کتاب مروج برانگزه کتاب که هزاران کتاب را خوانده است و در همین سالهای اخیر بر دهها کتاب تقریظ نوشته و خواندن آنرا توجیه کرده است که یک پدیده ی استثنایی در میان رهبران جهان است وقتی رهبر کشور رضاخان بی عرضه بی سواد باشد که نه تنها بدون سواد خواندن و نوشتن به سلطنت رسید بلکه حتی آنقدر همت نداشت که در دوره سلطنت سواد درستی یاد بگیرد و پسرش محمدرضا پهلوی که همه اش بدنبال شهوت و سکس بود و حتی خواندن یک کتاب را به مردم خودش توصیه نکرد کل عناوین کتب چاپ شده در طول دوره ی پهلوی ها می شود ۱۱۰۰۰ کتاب ثبتي در کتابخانه ملی و وقتی در کشوری شرط رهبری دانشمند بودن و فقاہت باشد و رهبران دانشمند و دانش پرور مثل امام خمینی(ره) و امام خامنه ای عزیز داشته باشیم که از هر فرصتی برای ترویج دانش و کتابخوانی استفاده می کنند و حتی کتابها را به نام مردم معرفی می کنند ان یازده هزارتای دوره ی پهلوی می شود یک میلیون و دویست بیست

هزار در دوره پس از انقلاب و کسانیکه تهمت سانسورگری و خفقان به جمهوری اسلامی می زنند باید به این سوال جواب دهند چطور می شود ۱۲۳۰۰۰۰ کتاب را سانسور کرد مگر آنکه چند برابر وزارت ارشاد سانسورچی استخدام شود. آنچه ممیزی کتاب است و به حق انجام می شود حدود ۱۲۰ کتاب را در سال متوقف می کند که ۸۰٪ این کتاب های متوقف شده شاکی خصوصی مبنی بر تقلب و روبرداری دارد و یا مراجع فنی و تخصصی قانونی آنها را فاقد استانداردهای لازم می داند مثل کتابهای پزشکی غیرعلمی که خطرات جانی برای مردم دارند و باقیمانده ۲۰٪ هم غالباً به جهت مطالب مستهجن و خلاف اخلاق انگیزه و یا توهین به مقدسات است با هجویات فرق ضاله و مدعیان نبوت و مهدویت و ... هیچ کتابی بخاطر بیان نظریه و فکر خاص توقیف نمی شود.

اگر انقلاب اسلامی نبود خبری از پدیده های مروج کتاب مثل سایت های مجازی ویژه کتاب ، خبرگزاری کتاب، برنامه های تلویزیون کتاب نبود هیچکدام از ۸ جایزه ملی مختلف برای کتاب در حال حاضر رایج است در گذشته رایج نبود.

اینهاست که ۱۱۰۰۰ عنوان کتاب کل دوره های پهلوی را به ۱/۲۸۲/۰۰۰ عنوان کتاب در عهد نظام اسلامی افزایش داده است و با وجود به میدان آمدن رقبایی مثل کانالهای تلویزیونی، سایت ها، کانالهای پیام رسان و .... و قرار گرفتن آنها در رأس وسایل تبادل ارتباط فرهنگی مصرف سالانه کتاب را ۱۳۶ برابر کرده و به ۱۳۶ میلیون نسخه در سال رسانده است.

از دو شبکه تلویزیونی که هرکدام فقط چند ساعت در روز برنامه داشتند و یکی از آن دو شبکه هم کارش فقط پخش فیلم های شبکه های آمریکا بود و دو شبکه رادیویی امروز به ۱۱۶ شبکه رادیو تلویزیونی غالباً شبانه روزی بومی رسیده ایم شامل ۵۴ شبکه رادیویی و ۵۲ شبکه تلویزیونی و ده شبکه ماهواره ای پرمخاطب با زبان های زنده دنیا.

تولیدات سینمایی از لحاظ کمی در سال های مختلف بین رتبه ۱۰ الی ۱۵ جهان قرار داریم و از لحاظ کیفی سینمای ایران به عنوان یک سبک مستقل خود شناخته شده است و اگر ابتذال رسوخ کرده در سال های اخیر را کنار بگذاریم، سینمای اصیل پس از انقلاب یکی از فاخرترین سبک های سینمایی دنیا محسوب می شود.

سال گذشته ۱۰۲۵۲۵ تئاتر در ۶۸۳۵ عنوان در کشور انجام شده است و در همه حوزه های فرهنگی نسبت به گذشته اساساً قابل مقایسه نیستیم.

انقلاب اسلامی در شعر و ادب فارسی تحولی شگرف را رقم زد این تحول از یکسو مرهون آزادی قلم و بیان و فراهم سازی فرصت شکوفایی برای استعدادهای مردم است و از سوی دیگر مدیون غنای محتوایی انقلاب اسلامی و از جهت سوم ادیب بودن هر دو رهبر انقلاب اسلامی که خود صاحب شعر و دیوان و صاحب سبک هستند و پر نفوذترین ادبیات را در بیانیه های فراوان خود بکار برده اند. این ارکان سه گانه آثار خیره کننده ای در شعر و ادب فارسی پدید آورد.

انقلاب اسلامی با پیام جهانی زبان پارسی را جهانی کرد، انقلاب اسلامی فارسی را زبان رایج انقلابیون جهان کرد. چهارهزار داستان نویس و شاعره زن سند افتخار بزرگ شعر و ادب انقلاب اسلامی است، انقلاب اسلامی با وارد کردن عدالت طلبی و آرمانخواهی شعر و ادب فارسی را غنا بخشید. انقلاب اسلامی با بنیانگذاری بیش از ده جایزه ی ملی ادبی و راه اندازی ۲۰۰ مرکز آموزش زبان فارسی در جهان جهش خیره کننده ای در فراگیری زبان فارسی در جهان ایجاد کرد. انقلاب اسلامی درهای بسته را بر روی ادب و آیین و اقوام کشور و محبت و لطف و ارتباط مستمر محبت آمیز بین رهبری و ادبا و شعرا را جایگزین قتل و حبس برجسته ترین شاعران همچون میزاده عشقی، فرخی یزدی و ملک الشعرای بهار در رژیم پهلوی نمود این مسأله که هر دو رهبر انقلاب خود را اهل ذوق و ادب، مؤلف و صاحب سبک و دارای دیوان اشعارند از سویی حمایت از ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی دارد و از سوی دیگر بر خلاف طبع متعارف انقلابهای جهان که غالباً با خشونت همراه است و رهبرانی اینگونه را دارد از طبع لطیف رهبران انقلاب و روح بلند انسانی آنها حکایت می کند و فرصت بزرگی برای پیشبرد ادب و هنرنمایی و بوده و هست حقاً امام خامنه ای را می توان پرچمدار خیزش ادبی ایران معاصر نامید.

## آزادی و کرامت انسانی

اگر از حوزه دین به حوزه ی آزادی و کرامت انسان و حق مشارکت مردم در سرنوشت خودشان هم برویم با چنین مقایسه هایی مواجه خواهیم شد انقلابی که ۲۵۰۰ سال اختناق و دیکتاتوری را درهم شکست، در چهل سال چهل انتخابات برگزار کرد و همه ی شئون کشورش را با رأی مردم پیش برد.

کشوری که با نظام تک حزبی اداره می شد، امروز ۲۵۱ حزب در آن رسماً مجوز فعالیت دارند و آزادانه درحال نشر اعتقادات و نظرات خود هستند.

کشوری که تعداد رسانه های چاپی آن به رقم ۱۰۰ نمی رسید، امروز ۷۹۳۲ عنوان نشریه در آن چاپ می شود که اگر هم نظارتی در کار باشد، با این تعداد قابل کنترل نیست.

امروز در ایران علاوه بر دهها هزار هیئت، موسسه خیریه و سازمان مردم نهاد ثبت نشده که با مشرب های مختلف مشغول کارند تنها ۱۷۰۰۰ سمن ثبت شده وجود دارد که حاکی از آزادی عمل بی نظیر فعالیت های مردمی است.

کشوری که آزادی در آن فوق تصور است و در آن هر کس می تواند آزادانه مواضع خود را در خصوص همه چیز بیان کند و عملاً هیچ محدودیتی در بیان مواضع و نظرات وجود ندارد. و اگر توهین و یا دین سازی دروغین در کار نباشد هیچکس او را مواخذه نمی کند.

کشوری که در آن مردم حرف اول و آخر را می زنند و در هر انتخابات افرادی کاملاً متفاوت و تفکراتی ناهمگون را آنطور که سلیقه و رأی شان هست انتخاب می کنند. انقلاب اسلامی مردمی را که در اداره کشور محلی از اعراب نداشتند به خیابانها کشید و روز به روز فضا را برای تحکیم موقعیت ملتها در سیاست جهانی بازتر کرد تا جائیکه این قرن به قرن حاکمیت اراده ملتها تبدیل شد.

انقلاب اسلامی جهان استکبار را وادار کرد رفته رفته اسلحه خود را غلاف کند و بجای تانک و توپ و جنگنده، فیلم و کتاب و اینترنت و ... را به میدان بیاورد چرا که در این چهاردهه ناکارآمدی تسلیحات خود در مقابل موج آزادی خواهی ملتها را بارها تجربه کرد. و هر چند استکبار تلاش کرد با تحمیل جنگهای متعدد به ایران و عراق و لبنان و فلسطین و افغانستان و پاکستان ... این موج را خاموش کند.

هر چند با راه اندازی امواج کشتار و ترور بزرگ مردانی چون شهیدان آیت الله مزاری احمد شاه مسعود و برهان الدین ربانی افغانستان، شهید آیت اله عارف حسینی پاکستان، شهید آیت اله سید محمد باقر صدر عراق، شهیدان حجت السلام سید عباس موسوی و شیخ راغب حرب و عماد مغنیه لبنان، شهید شیخ احمد یاسین، شهید فتحی شقاقی فلسطین، آمریکا و صهیونیست همه توان خود را برای توقف این موج آزادیخواهی بکار گرفتند اما به هیچ جایی نرسیدند.

## انقلاب الهام بخش

انقلاب اسلامی نظریه بر جدایی دین از سیاست را باطل کرد و با تشکیل و اداره ی حکومت اسلامی تحت شدیدترین فشارها جهانی قدرت اسلام را در تشکیل و اداره ی حکومت در عمل به جهان ثابت کرد. انقلاب اسلامی در عین احیاء تشیع علوی اصیل وحدت را به ملت اسلام برگرداند و برای اولین بار در تاریخ پس از اسلام مراودات گسترده جهانیان علمای مذاهب و مختلف اسلامی برقرار کرد.

انقلاب اسلامی ابهت استکبار جهانی را درهم شکست و با تحقیر آمریکا مبارزات آزادیبخش را جهانی کرد، انقلاب اسلامی آرمان آزادی قدس را احیاء کرد. انقلاب اسلامی یک کشور توسری خور درجه ۳ را به کشور تراز اول و بازیگر بسیار مؤثر معادلات بین المللی تبدیل کرد.

امواج آزادی نه تنها ایران را که بعنوان کشور مظهر تشیع متاسفانه پیش از انقلاب اسلامی مهمترین حامی رژیم صهیونیستی در جهان اسلام بود به طوفان ملی علیه صهیونیسم و استکبار تبدیل کرد و نه تنها اختناق شاه را درهم شکست و آزادترین کشور منطقه را معماری کرد بطوری که امروز مردمش با آزادی جدی ترین انتقادات و مخالفترین مواضع با دولت و حتی نظام را در سایت های مختلف و حتی روزنامه هایی که بودجه اش توسط دولت جمهوری اسلامی پرداخت می شود مطرح می کنند. بلکه ملت ها را برای دفاع از حقوق خود به صحنه آورد.

امروز نه فقط آموزه ها بلکه ساختارهای انقلابی جمهوری اسلامی الگوی عملی کشورهای آزادیخواه قرار گرفته است. بسیج مستضعفین اردوهای جهادی، حلقه های تربیتی صالحین، کمیته امداد امام و ... در کشورهای متعددی ایجاد شد.

مقاومت و پیروزی مردم افغانستان در مقابل شوروی متجاوز و شکست و بیرون راندن آنها از این کشور، ایستادگی و مقاومت و پیروزی مردم عراق در شکستن سلطه آمریکای متجاوز و برقراری دولت ملی، کنار زدن اتاتورکیست های ضد دین در ترکیه و روی کار آمدن جریانات با پرچم اسلام و آراء مردمی در آن کشور، شکست های مکرر تجاوز به لبنان و شکست تلاش های سیاسی غرب برای ایجاد دولت دست نشانده خود در انجا.

موج آزادیخواهی در شمال افریقا که جنبش های بیداری اسلامی را رقم زد و بیداری کشورهای آسیای میانه و شکستن اردوگاه ضد خدایی شرق و آزادی کشورهای این منطقه و شرق اروپا از سلطه کمونیزم.

قیام مردم کشورهای آسیای میانه و قفقاز، بوسنی و هرزگوین و مقدونیه و احیای اسلام در این کشورها و رهایی از سلطه یوگسلاوی، مقاومت ۶ ساله مردم سوریه و عدم تسلیم مردم این کشور به حاکمیت آمریکایی.

بیداری ملت فلسطین آزادی غزه و امواج توفنده ی انتفاضه‌ها که از بستن سفارت رژیم اشغالگر قدس در تهران و تبدیل آن به سفارت فلسطین آغاز شد.

قیام خستگی ناپذیر و رو به پیشرفت مردم بحرین، انقلاب عظیم مردم یمن و شکست و اخراج دولت دست نشانده اجانب و مقاومت سه ساله زیر بمباران، امواج عظیم بیداری اسلامی در شمال آفریقا از مصر تا مراکش و نیجیریه که هر روز عمق و وسعت بیشتری پیدا می‌کند.

پیروزی انقلاب عظیم مردم آفریقای جنوبی بر آپارتاید و پاک کردن این لکه ننگ از جامعه بشری بخشهایی از اثرات انقلاب مبارک اسلامی است.

نباید از یاد ببریم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی اروپایی‌ها که امروز ژست حقوق بشر می‌گیرند چه رفتاری با مردم آفریقا داشتند در زیمبابو، تانزانیا، آفریقای مرکزی و ... استعمار غرب به شکل قرون وسطایی‌اش استمرار داشت در آفریقای جنوبی رژیم آپارتاید حاکم بود. اقلیت کمتر از بیست درصدی سفید و نژادپرست اروپایی زمام امور آفریقای جنوبی را در دست داشتند و ضمن غارت معادن الماس و طلا ی آفریقای جنوبی با ظالمانه‌ترین روش‌ها و به شکل برده دارانه بر اکثریت بیش از ۸۰٪ سیاهان حکومت می‌کردند. سیاهان حق ورود به پیاده روهای مخصوص سفیدها را نداشتند. حق ورود به مغازه‌ها، سینماها و اماکن عمومی بهتر شهرشان را که فقط برای سفیدها آزاد بود را نداشتند. حق ورود به مدارس و دانشگاه‌های برتر که ویژه سفیدپوستان بود را نداشتند و رژیم منحوس پهلوی حامی اصلی چنین رژیم نژاد پرستی در آفریقای جنوبی بود. نفت اسرائیل و آفریقای جنوبی که توسط کشورهای دارنده نفت تحریم شده بودند توسط رژیم شاهنشاهی ایران تأمین می‌شد. و پول ملت ایران صرف آن می‌شد که اقلیت جنایتکار سفیدان اروپایی اکثریت سیاه این کشور را به بند کشند و منابع زیرزمینی آنها را غارت کنند.

این انقلاب اسلامی بود که با قطع ارسال نفت به آفریقای جنوبی و قطع ارتباطات دیپلماتیک با رژیم نژادپرست حاکم بر آن کشور فرا خواندن مردم آن کشور به قیام و از همه مهمتر ارائه الگوی الهام بخش قیام مردمی، انقلاب آنان را شدت بخشید و نابودی رژیم آپارتاید را پس از قرن‌ها سلطه بیگانگان رقم زد. آمریکا و اروپایی‌های مدعی حقوق بشر



از چنین رژیم ننگینی تا آخرین نفس دفاع کردند و تنها زمانی که نیروی مردمی بر آن رژیم غلبه پیدا کرد زبان انتقاد گشودند تا در دولت مردمی آنجا هم سهم پیدا کنند و بتوانند با فریب به غارت منابع ادامه دهند.

موج آزادی خواهی که انقلاب اسلامی به راه انداخت حیات خلوت رژیم ایالات متحده یعنی آمریکای لاتین را بر هم زد جنبش‌های آزادیخواهانه یکی پس از دیگری آمریکا را فرا گرفت، ونزوئلا و بولیوی پیروز شدند. پیروزی‌هایی که فضای کشورهای دیگر مانند آرژانتین و برزیل، شیلی و پرو را بشدت تحت تأثیر قرار داد و اختناق و کشتار در این کشورها را که مستقیماً توسط سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا CIA اداره می‌شدند مهار کرد رژیم‌های وابسته به آمریکا که برای استمرار اختناق دهها هزار نفر از مردم آزادیخواه این خطه را مخفیانه سر به نیست کرده بود که مردم کشورهای آمریکای لاتین هنوز داغدار دهها هزار مفقودالائرهاشان هستند.

از تأثیرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در جهان هر قدر بنویسیم قلم خسته می‌شود اما باز هم ابعاد آن ترسیم نمی‌شود. فهرست پیروزی‌های سیاسی انقلاب اسلامی پایان ندارد و تحمیل اراده‌ی انقلاب به استکبار جهانی در یک کشور یک کشورهای منطقه و پیشرفت سیاست انقلابی در کشورهای منطقه برخلاف میل استکبار که مسأله‌ای طبیعی و تکراری شده است و غربی‌ها هم پذیرفته‌اند که بدون اراده ایران در منطقه کاری از پیش نمی‌برند کسب کرسی ریاست سازمان کنفرانس اسلامی، کسب کرسی ریاست کشورهای غیر متعهد آنهم در شرایط رویارویی شدید با ابر قدرتهای شرقی و غربی نمونه‌هایی از آنست. قدرت عظیمی که برای مهار آن همه‌ی کشورهای قدرتمند جهانی تحت عنوان ۱+۵ با هم جمع شدند.

## عرصه سیاست داخلی

همانطور که پیش از این آمد در جبهه اداره داخلی کشور هم پیشرفت‌های مادی هر چند به سطح شایسته و تراز انقلاب اسلامی نرسیده است لکن دستاوردها خیره‌کننده و افتخار آمیز است اما مهمتر اداره و پیشبرد کشور در عرصه‌ی فرهنگی و عرصه‌های اجتماعی است علیرغم توطئه‌های سنگین دشمنان اجرای عدالت، مبارزه با فساد، اصلاح جامعه و پاکسازی آن از فسادهای اخلاقی، مواد مخدر، طلاق و توانایی تقویت کانون خانواده و کاستن از طلاق و حفظ روند ازدواج و فرزندآوری با گذشته کشور و وضعیت مقایسه‌ای با اکثر کشورهای جهان سطح خوبی دارد اما در مقایسه با آنچه باید باشد و عقب ماندگی در بعضی از این عرصه‌ها یک واقعیت است.

در این عرصه آنچه مربوط به کلیت و اساس نظام بوده بنحو شایسته و خیلی خوب بر اساس اسلام پیش رفته است به عنوان یک نمونه بی نظیر در جهان، رهبری کشور بر اساس صلاحیت برتری علمی و قدرت خویشنداری و اصالت اخلاقی و شجاعت برگزیده شده است و ملت ایران تنها مردمی از جهان هستند که به جز یک دانشمند را به رهبری نپذیرفته‌اند. وقتی مقایسه کنید با وضعیت رهبری در بزرگترین و قدرتمندترین کشورهای جهان که رهبرانشان غالباً آلوده به فساد مالی و فساد جنسی و اخیراً حتی عدم تعادل روانی هستند بخوبی می‌توانید جایگاه بالا و بدون رقابت ایران اسلامی را در این خصوص ببینید و به آن افتخار کنید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی کاخ‌های مجلل و متعدد رهبران جای خود را به خانه‌ی معمولی و مادون متوسط داده است. وقتی خواستیم برای چهلمین سالگرد انقلاب برای ملموس شدن خدمتی که انقلاب اسلامی به کشور کرد ماکتی از مجموعه قصرهای شاه ملعون درست کنیم و در کنار آن ماکت خانه امام (ره) و امام خامنه‌ای عزیز را قرار دهیم تا نسل نو خیلی ملموس یکی از تفاوت‌ها را ببینند دیدیم نه فقط نمی‌توانیم مجموعه قصرها را با خانه امام (ره) توسط ماکت مقایسه کنیم بلکه خانه رهبری را حتی با یکی از قصرها هم نمی‌توانیم مقایسه کنیم چرا؟

چون تنها یکی از کاخها (سعد آباد) مجموعه‌ای از ابنیه با محیط جنگلی و رودخانه‌ای که وسط کاخ می‌گذرد با چشم اندازه‌های کم نظیر ۱۱۰ هکتار مساحت دارد و خانه امام و رهبری حدود ۱۰۰ متر است، یعنی تنها یکی از ۸۳ کاخ شاه ده هزار برابر خانه‌ی رهبری انقلاب ماست و اگر بخواهیم ماکتی مقایسه‌ای درست کنیم که خانه رهبری را در ابعاد ده سانتی متر نشان بدهد ابعاد ماکت کاخ سعد آباد باید هزار متر باشد تا دو خانه با مقیاس واحد نمایش داده شوند و این اصلاً ممکن نیست چرا که ابعاد ماکت خیلی بزرگ می‌شود مگر آنکه خانه‌ی رهبری را در ابعاد ذره بین زیر میکروسکوپ الکترونیکی درست کنیم تا بشود سعدآباد را هم مقیاس آن در ابعاد چند متری ساخت.

با پیروزی انقلاب اسلامی دیگر از سرسراهای پرزرق و برق که محل استقبال از ثروتمندان بزرگ و اشراف و سفرای خارجی بود و تالارهای بزرگی که انواع غذاهای چرب و نرم را با کارد و چنگال‌های طلا می‌خوردند و هیچگاه مردم به آن راه نداشتند خبری نیست.

همه اینها جای خود را به حسینیه‌ای داده که هر هفته از مردم لبریز می‌شود تا با رهبرشان مستقیم ملاقات و گفتگو داشته باشند و در ایام عزاداری هم در کنار رهبرشان بعد از نماز و استماع معارف الهی قیمه‌ای بخورند.

ارتباط با رهبری کشور در انحصار اشراف یا سران مملکتی نیست هر هفته دهها نفر از اقشار مختلف از طبقات مختلف فقیر و غنی با مشرب‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و حتی گاهی مخالفان، چهره به چهره با رهبری دیدار می‌کنند و نظرات و حرف‌هایشان را می‌زنند. رهبری به خانه مردم محروم آمد و شد می‌کند و حرف‌های آن‌ها را می‌شنود و حتی در خطرناک‌ترین نقاط امنیتی مرزی رهبری به راحتی در میان مردم زلزله زده که ملتهب و داغ‌دیده اند حضور می‌یابد و جز ابراز عشق و لطف متقابل هیچ چیز در این روابط دیده نمی‌شود.

به حکم رهبری معظم انقلاب خانواده رهبری از فعالیت اقتصادی و حتی کسب درآمد مشروع از این راه منع شده‌اند و زندگی رهبری در حد ساده‌ترین مردم کشور است و دائماً مسئولان نظام را به خدمت بی منت به مردم و ساده زیستن و رعایت حال محرومان دعوت می‌کند. بخش اعظم فرماندهان نظامی و انتظامی و بسیاری از مسئولان و قضات و مدیران کشور زندگی عادی و متعارفی دارند و قابل مقایسه با سایر کشورها نیستند.

### پاشنه آشیل کشور، آسیب‌های کارگزاران

اما در کنار این زیبایی‌های درخشان که مربوط به رهبری معظم انقلاب اسلامی در هر دو دوره رهبری انقلاب است در حال حاضر آسیب‌های مهمی هم از این ناحیه پیش رو داریم. رئیس‌جمهور منتخب مردم در خانه دهها میلیارد تومانی زندگی می‌کند و برای استراحت به کاخ شاه در سد لتیان می‌رود رفتار و روابطی اشرافی دارد. به تبع تعدادی از مقامات و اعضای هیئت دولت که توسط ایشان انتخاب و با رأی اعتماد نمایندگان مردم در مجلس منصوب شده‌اند، ثروت‌های بسیار زیاد بیش از هزار میلیارد تومانی دارند و زندگی اشرافی برای خود به هم زده‌اند و داریم وزیری که خودروی شخصی اش ۱/۵ میلیارد تومان می‌ارزد.

از یک سو انقلابی‌گری در میل به ایثار و شهادت که در صف طولانی جوانان داوطلب اعزام به جبهه مقاومت متبلور است میل به معنویت که در پدیده‌های نوظهور مانند اعتکاف‌های میلیونی، راهپیمایی‌های میلیونی اربعین، جلسات پرشور و گسترده حسینی، شبهای احیاء و ... تجسم می‌یابد میل به خدمت و انفاق و از خود گذشتگی که در حرکت عظیم هزاران اردوهای جهادی و بسیجیانی که برای خدمت بی مزد و منت سراز پا نمی‌شناسند وقتی ایام نوروز خود را در محروم‌ترین مناطق داوطلبانه به خدمت مشغولند و با خدمت به زلزله زدگان و آسیب دیدگان، بیمارستان‌های صحرائی و خدمات پزشکی مجانی و هر روزه زنده بودن راه انقلاب و ایثار و فداکاری را به نمایش می‌گذارند ... و

مشارکت گسترده مردم در حرکت‌های فرهنگی انقلابی مثل یادواره‌های شهدا و راهیان نور و کنگره‌های شهدا و جشنواره‌های عظیم مردمی و ... که نشانگر آثار عظیم معنوی انقلاب اسلامی بر مردم ایران است.

از سوی دیگر غیر انقلابی بودن در بی بند و باری‌ها و مجالس فساد و آلودگی به مواد مخدر، و یا اشرافی‌گری گروههایی از مسئولان با خودروهای میلیاردی و خانه‌های دهها میلیاردی و اقامت در کاخ شاه ملعون در سد لتیان و اسکی روی آب در روز تاسوعا در آنجا و اقامت زنان و فرزندان آنان در خارج کشور و تابعیت‌های دوگانه و ... جدایی از مردم در حدی که حتی بازدید کارگران کارخانه هم بصورت عبور سواره از وسط خط تولید و حضور در میان زلزله زدگان غم زده هم سوار بر خودروهای ضد گلوله گرانبیامت و با کفش روی فرش چادرهای آسیب دیدگان صورت می‌گیرد.

اگر در عرصه پیشرفت مادی آثار ایمان، خودباوری و عدم تعلق خاطر به اجانب احراز شد. در اینجا یعنی عرصه اداره ی معنوی و اجتماعی کشور مسأله اظهرمن الشمس است.

این واقعیت در بررسی وضعیت زندگی مسئولان و مدیران بوضوح عیان است که هر جا ایمان دینی و تقوا و انقلابی‌گری مسئولین بیشتر بوده وضعیت به عدالت نزدیکتر است و این تجربه شانزدهم راهبردی انقلاب اسلامی است که هر چه مدیران ولایتمدارتر بوده‌اند به انصاف، عدالت و ساده زیستی و رعایت بیت المال و حقوق جامعه نزدیکترند و هر چه مسئولان از معیارهای دینی و انقلابی دورتر بوده‌اند مشکلات اجتماعی شدت بیشتری گرفته است چرا که مفاسد و ناهنجاری‌های مسئولان علاوه بر ظهور و بروز در رفتارهای خودشان جامعه را هم به تباهی می‌کشاند همانطور که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: الناس بامرائهم شبهه منهم بایائهم . مردم به حاکمان خود شبیه‌ترند از پدران خودشان.

تمامی منحنی‌های آماری نشان می‌دهد در کلیه مؤلفه‌های اجتماعی از ابتدای پیروزی انقلاب شیب تند رو به بالای منحنی معضلات اجتماعی ناگهان روند معکوس بخود می‌گیرد و با شیب تندی رو به پایین می‌آید در ۱۲ سال اول انقلاب کشور اوضاع اجتماعی رو به بهبود می‌رود ولی به تدریج با نفوذ فرهنگ غرب به کشور و جایگزین شدن آن بجای فرهنگ جهاد و شهادت در میان بخشهای از جامعه منحنی‌ها سیر منفی پیدا می‌کنند اعتیاد و طلاق رو به افزایش و ازدواج و فرزندآوری رو به کاهش می‌گذارد سیر عدالت اجتماعی و ضریب جینی که با سرعت رو به بهبود

بود و از ۵۴٪ قبل از انقلاب به ۳۶٪ رسید بعد از بروز گرایش لیبرال در دولت‌های هاشمی و خاتمی کند شد و شیب ملایم‌تری گرفت و بجز یک دوره در دولت نهم و دهم که بهبود قابل ملاحظه‌ای یافت و به رقم تاریخی ۳۶٪ رسید مجدداً شرایط معمول به خود را گرفت که هر چند نسبت به دوره قبل از انقلاب بسیار بهتر است اما نسبت به انقلاب اسلامی و انتظارات عدالت خواهانه ای که از آن داریم اصلاً مناسب نیست اما چرا؟

این یک دلیل داخلی دارد و آن اینکه هر قدر از فضای انقلابی و ارزشی عدالتخواهانه و ولایت‌مدارانه در مدیریت اجرایی و قضایی کشور فاصله گرفته‌ایم، معضلات به طور فزاینده‌ای بیشتر شده است. و ناهنجاری‌ها متناسب با افزایش دنیا طلبی برخی مسئولان و پیشروان جامعه افزایش یافته است و هر قدر فرهنگ غربی در میان اقشاری از جامعه جایگزین فرهنگ انقلابی شده است معضلات اجتماعی افزایش یافته است.

یک دلیل خارجی هم دارد که تحت عنوان عامل بیرونی (توطئه‌ها) بیان خواهد شد و آن بازسازی مجدد سازمان طاغوتیان در خارج کشور و عملیات هدایت شده آنان توسط آمریکا است. که یکی از تجربه‌های بسیار حائز اهمیت است.

تا وقتی دشمن ۱۲ سال اولیه انقلاب اسلامی به شکست انقلاب از طریق فیزیکی مثل حمله نظامی، کودتا، ترور و ... امید داشت و عملیات عمده ی دشمن در این حوزه‌ها متمرکز بود وضعیت فرهنگی اجتماعی کشور با آسیب‌های کمتری مواجه بود و از وقتی دشمن از حذف فیزیکی تا حد زیادی نا امید شد و تمرکز خود را روی تهاجم فرهنگی قرار داد در این حوزه‌ها آسیب‌های فراوان رخ نموده است.

دشمن تلاش می کند بی عدالتی‌ها و مفسد را به نیروهای اصیل انقلاب اسلامی ربط دهد و انقلاب و انقلابی‌گری را ریاکارانه معرفی کند حال آنکه واقعیت‌های مسلم و تجربه شده ای پیش روی ماست که ثابت می کند مفسدان و ظالمان و معترضان به حقوق مردم نه انقلابیون اصیل بلکه نفوذی‌های خودشان و یا فریب خوردگان توسط آنها هستند اغلب متهمان پرونده های مفسد بزرگ زندگی های دوگانه بین خارج (کشورهای غربی) و داخل دارند. اگر مفسدان اقتصادی حزب الهی بودند باید بعد از لو رفتن به عراق و لبنان و سوریه و نزولاً که نیروهای انقلاب در آنجا هستند پناهنده می شدند نه آمریکا و کانادا و امارات و فرانسه. این واقعیت‌های غیر قابل استتار پشت پرده واقعی اغلب مفسدان بزرگ اقتصادی را بر ملا می کند.

باید اذعان کنیم که با وجود پیشرفت‌های قابل قبول بسیار خیره کننده مادی و معنوی و ارتقاء جایگاه پیشرفت‌های ایران در میان کشورها جهان در چهل سال پس از انقلاب اسلامی هنوز به تحقق دولت اسلامی و جایگاهی که شایسته آن هستیم نرسیده‌ایم؟ و با بررسی هر دو عامل یعنی عامل بیرونی که حجم توطئه‌ها و خرابکاریها و تهاجمات فرهنگی و اقتصادی و کارشکنی‌های سنگین دشمن است و عامل داخلی که دنیا طلبی و لذت جویی انحراف پاره‌ای مدیران و مسئولان از معیارهای دولت اسلامی و تبعیت آنان از علوم انسانی غربی و دمکراسی غربی بجای مردم سالاری دینی و به حاشیه راندن اولویت ولایت، عدالت و انقلابی گری و جایگزین کردن الگوهای لیبرال دمکراسی بجای آن است تجربه های حاصل از این عوامل عقب ماندگی ها را استخراج و برای اصلاح آن این تجارت را چراغ فراروی خود قرار دهیم.

### توطئه ی توهم توطئه

با وجود حجم عظیم توطئه‌ها، کارشکنی‌ها و مداخلات خرابکارانه استکبار در مقابله با انقلاب اسلامی که غالباً غیرقابل انکار است عده‌ای این موضوع روشن را توهم توطئه می‌نامند و با تبرئه کردن استکبار تمام اشکالاتی که امروز فراروی جامعه است را به مدیریت انقلاب نسبت می‌دهند و بعضی پا را از این فراتر گذاشته مردم ایران را ناشایست و حقیر و گرفتار سوء عادت‌هایی که عامل عقب ماندگی‌هاست معرفی می‌کنند و یا حتی خیلی آزار دهنده‌تر از این همه نارسایی‌ها را بر اصل اسلام و عدم کفایت نظریه اکمیت دینی برای اداره جامعه نسبت می‌دهند.

حال آنکه واقعیت‌های غیرقابل انکاری وجود دارد که با نگاه به این واقعیت‌ها می‌توان دریافت، پیشرفت‌های خیره کننده حاصل انقلاب اسلامی معجزه است و بجز با نصرت الهی به عزم و اراده ی مردم مومن با هیچ محاسبه‌ی مادی نمی‌توان زیر فشار این حجم از نقشه‌های شیطانی و دشمنانه این همه پیشرفت حاصل کرد.

از نظر امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای عزیز توطئه و نقشه‌های خائنانه دشمن برای تخریب و نابودی نظام اسلامی و عدم تحقق آرمان‌های آن نه تنها توهم نیست، بلکه یکی از اصلی‌ترین عوامل عقب ماندگی‌های کشور از تحقق اهداف بلند انقلاب در بعضی عرصه‌هاست است.

امام خامنه‌ای در بیانات خود با اعضای شورای تبلیغات اسلامی در دیماه ۱۳۹۶ با برشماری توطئه‌های فراوان دشمن علیه ملت ایران فرمودند: "ملت ایران ۳۰ سال مقتدرانه ایستادگی کرده و توانسته بر همه این توطئه‌ها فائق آید و از هفت خوان عبور کند که دیگر ملت‌ها از یک خوان انهم نتوانستند عبور کنند."

امام خمینی(ره) در صدر وصیت نامه سیاسی الهی خویش می‌فرماید: «اینجانب که نفس‌های آخر عمر را می‌کشم به سبب وظیفه، شطری از آنچه در حفظ و بقای این ودیعه الهی (انقلاب اسلامی) دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آن را تهدید می‌کند برای نسل حاضر و نسل‌های آینده عرض می‌کنم.»

اگر وصیت نامه امام روشن بین و آینده نگر را مرور کنیم، می‌بینیم تقریباً تمام بندها و فصل‌های این وصیت نامه با چنین عبارت‌هایی شروع می‌شود «یکی از توطئه‌های دشمن» «از نقشه‌های دیگر دشمن» و از این قبیل.

همین خصوصیت در وصیت نامه امام (ره) کافی است که اهمیت و گستردگی توطئه‌های دشمن و جایگاه آن در جلوگیری از پیشرفت انقلاب اسلامی به سوی اهداف را پی ببریم. اما ما صرف‌نظر از بیانات امامین انقلاب اسلامی می‌خواهیم برابر وعده ای که از ابتدا داده ایم مباحث نظری را کنار بگذاریم و یک بررسی عینی و تجربی داشته باشیم و از طریق بررسی میدانی ببینیم آیا این برآورد صحیح است و توطئه‌های فراوانی علیه انقلاب اسلامی جریان داشته و دارد و یا اینکه توهم است؟

خوشبین باشیم باید بگوییم توهم دانستن توطئه خودش یک توهم است چرا که انکار واقعیت‌های بسیار واضح است اگر هم واقع بین باشیم باید بگوییم آنها که توطئه را توهم می‌دانند خودشان عوامل همراه با توطئه‌گران هستند کسانی که نظریه توهم توطئه را مطرح کردند، آگاهانه به مقابله با وصیت امام خمینی(ره) رفتند تا از اساس همه آن را رد کنند. برای اثبات درستی برآورد امام خمینی(ره) و ابطال مدعیان توهم توطئه کافی است به آنچه عملاً اتفاق افتاده و می‌افتد، نظری بیاندازیم و واقعیت‌های غیر قابل انکار را بهتر نگاه کنیم.

ما از همه ی توطئه‌های عظیمی که ابتدا از لانه جاسوسی آمریکا در ایران هدایت می‌شد و پس از فتح لانه جاسوسی از طریق کشورهای همجوار ادامه یافت می‌گذریم از جنگ و ترورها و شورش‌هایی که مستنداً هدایت آن توسط آمریکا و غربیها به اثبات رسیده است صرف‌نظر می‌کنیم و بقول معروف بر گذشته‌ها صلوات می‌فرستیم می‌خواهیم ببینیم امروز آیا توطئه‌ها علیه انقلاب اسلامی جریان دارند یا نه توهم هستند؟

آیا این توهم است که انقلاب اسلامی می‌خواهد امنیت مردم خود را برقرار کند. آمریکا در پادگان‌ها و قرارگاه‌های خودش در پشت مرزهای شرقی و غربی ایران دائماً مشغول آموزش تروریست‌ها و گسیل آنها به کشور است. آیا

اعترافات ریگی سرکرده یکی از این گروهها را که به ارتباط با آمریکا و ناتو اعتراف کرده سند نیست؟ ارتباطات مقامات تراز اول آمریکا با آشوبگران فتنه ۷۸ و ۸۸، روابط منظم سران کاخ سفید و کنگره آمریکا با گروه های تروریستی منافقین و سلطنت طلب ها و بمب گذاریها و ترورها توهم است؟

آیا این توهم است که انقلاب اسلامی می خواهد فرهنگ عمومی مردم خود را تعالی ببخشد و اصلاح کند. در یک اقدام بی سابقه در طول تاریخ بیشتر از ۲۷۰ شبکه رادیو تلویزیونی غالباً از خاک آمریکا یا انگلیس با زبان فارسی و گویش های محلی علیه معارف انقلاب اسلامی سمپاشی می کنند و تمام تلاش خودشان را برای تخریب اخلاق و تربیت اسلامی و تحمیل سبک زندگی فاسد و خانمان برانداز غربی به ملت ایران بکار گرفته اند. آیا آمریکا و غرب که ۲۷۰ شبکه رادیو و تلویزیونی را علیه ملت ایران راه انداخته اند حتی ۱۰ رسانه علیه چین که بزرگترین رقیب بین المللی آنها است به زبان چینی دارند؟ آیا رسانه هایی که هر روز از داخل خاک آمریکا به زبان فارسی آموزش درست کردن بمب و تهیه سلاح و نحوه حمله به مساجد و کشتن بسیجیان و حمله به نیروهای انتظامی را می دهند. آیا اینها توهم است؟

آیا این توهم است که انقلاب اسلامی می خواهد آرامش و وحدت کشور را تقویت کند. با سازماندهی آمریکا و هم پیمانانش دهها گروه و جریان ساخته می شوند تا آرامش و وحدت را به هم بریزند و جالب این است که همه این گروهها با ایده های متناقض و کاملاً ضد یکدیگر همه از سوی آمریکا حمایت و پشتیبانی مالی، اطلاعاتی، تشکیلاتی، لجستیکی و امنیتی می شوند. از پان ایرانیست های ضد عرب تا پان عرب های ضد فارس از سنی نماهای تکفیرکننده شیعه و سنی محب اهل بیت تا شیعه نماهای تکفیرکنندگان اهل سنت و منادیان وحدت، از سلطنت طلب های طرفدار پروپا قرص سرمایه داری تا کمونیست های دوآتشه طرفدار نابودی سرمایه داری، از منافقین طرفدار حاکمیت سانترالیزم دموکراتیک تا سروشی های پوپری و طرفدار پلورالیسم و... و همه گروه هایی که به جز مخالفت با اسلام ناب محمدی و انقلاب اسلامی هیچ وجه اشتراک اعتقادی و روشی ندارند همه توسط آمریکا سازمان یافته و تقویت می شوند. اگر این توطئه نیست پس چیست؟ واقعاً آمریکا اگر می خواهد تفکر خود یعنی لیبرال دمکراسی را در ایران ترویج کند چرا از منافقین و کمونیست ها حمایت می کند؟

آیا این توهم است که انقلاب اسلامی می خواهد نسل خود را بر اساس اخلاق دینی تربیت کند و رشد دهد و روابط اسلامی را در جامعه برقرار کند. آمریکایی ها می آیند در افغانستان مستقر می شوند، تولید مواد مخدر را دهها برابر



افزایش می‌دهند تا قاچاقچیان بزرگ تحت نظر آمریکا مواد مخدر تولیدی را که می‌توانند دهها برابر قیمت در کشورهای دیگر بفروشند را با قیمت بسیار نازل در ایران توزیع کنند. گزارش‌های مستند ستاد مبارزه با مواد مخدر و نیروی انتظامی در مورد نقش آمریکا در افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان که صحنه گذاری بین‌المللی شده است توهم است؟

اگر امام خمینی (ره) مواد مخدر را توطئه استعمار می‌دانند و می‌فرمایند: "یک باب دیگر معتادین است شما این را یک مسأله اتفاقی ندانید که من باب اتفاق یک دسته‌ای هروئین فروش شدند و یک دسته‌ای هم مبتلا شدند اینهم مسأله ای است که داریم ضربه‌اش را از همین قدرتهای بزرگ می‌خوریم توطئه است". اگر با دقت صحنه را نگاه کنیم توطئه بودن آن کاملاً محرز است.

چرا با وجود دردهای فراوانی که توزیع مواد مخدر در ایران دارد و با وجود مشکلاتی جدی که قاچاقچیان در مرزها با آن مواجه‌اند و با این وجود که ایران خطرناکترین کشور جهان برای قاچاقچیان مواد مخدر محسوب می‌شود و قاچاقچیان سالانه دهها کشته در مرز می‌دهند و با وجود اینکه قوانین ایران سخت گیرانه تر از سایر کشورهاست و مجازات اعدام در انتظار قاچاقچیان است و به طور طبیعی به خاطر این سختی‌های محیط عمل برای قاچاقچیان، آنها باید از این محیط گریزان باشند و یا با توجه به زیاد بودن هزینه‌های قاچاق می‌باید مواد مخدر در ایران از همه جای دنیا گران‌تر باشد، قاچاقچیان با صرف‌نظر کردن از منافع اقتصادی و درآمدی، با به خطر انداختن جان خود اصرار دارند مواد مخدر را در ایران ارزان‌تر از همه جای دنیا توزیع کنند. اگر هدف آنها سوداگری مالی بود بطور طبیعی این مواد باید به سمت جاهایی که گرانتر است سوق پیدا می‌کرد. چرا در ایران ارزانتر از همه جا به بازار فروش می‌رود؟ آیا این توطئه نیست؟

صهیونیست‌ها در اطراف ایران کارخانه مشروب سازی احداث کرده‌اند و مشروب را به عنوان تنها کالای قاچاق بیمه شده به قاچاقچیان می‌دهند. در میان تمام کالاهای قاچاق که وارد ایران می‌شود، تنها مشروب الکلی بیمه است، یعنی برخلاف تمام کالاهای قاچاق که قاچاقچی ابتدا باید پول آن را بپردازد سپس کالا را برای حمل به ایران تحویل بگیرد تولید کننده یا تاجر مشروب الکلی آنرا مجانی به قاچاقچی تحویل می‌دهد و می‌گوید اگر مشروبات را در ایران فروختی پول مرا برگردان و اگر نیروهای انتظامی آن را گرفتند، فدای سرت نمی‌خواهد پول آن را بیاوری. آیا اینها توهم است؟

انقلاب اسلامی می‌خواهد زنان را با حیا و عفت در عرصه‌های اجتماعی وارد کند و سلامت نسل و پاکدامنی جامعه را حفظ کند، کانون خانواده را مستحکم کند، یک روز با ویدئو، روز دیگر با شبکه‌های ماهواره ای لوح فشرده و امروز با فضای مجازی فیلم‌های فاسد جنسی را به نسل جوان ما پمپاژ می‌کنند با پرداخت هزینه‌های گزاف شبکه مدلینگ راه می‌اندازند زنان را بصورت مزدور استخدام می‌کنند تا برای قبح شکنی با بدترین وضع خود را آرایش کنند و در خیابان‌های اصلی شهرهای بزرگ رژه بروند و فساد را به نمایش بگذارند و حرمت حجاب را بشکنند، شبکه سازی می‌کنند و با به تور انداختن دختران جوان آنها را به فساد می‌کشند و توسط افرادی که در اسرائیل و آمریکا آموزش دیده‌اند خانه‌های فساد دایر می‌کنند. آیا این پروژه‌های فساد برانگیز که عوامل آن دستگیر و مفضلاً به اقدامات برنامه ریزی شده‌شان برای فساد اعتراف کرده‌اند توهم است؟ آیا راه اندازی تورهای مسافرتی ارزانقیمت تر از سفرهای داخلی به مقصد فاسدترین شهرهای جهان و تشویق روزانه ایرانیان به بهره برداری از این تورهای یارانه ای توهم است؟

### علل رشد منفی مولفه های اجتماعی بعد از ۱۲ سال روند مثبت

اما انقلاب اسلامی که به سبب ترور وسیع نظریه پردازان و کارگزاران اصلی انقلاب نه تنها نسخه کاملی از برنامه تخصصی بخش‌های مختلف منطبق بر آرمان‌های انقلاب را در دسترس نداشته بلکه آنچه را هم که در اختیار داشته برای پیاده سازی آن با مانع تراشی‌ها، مزاحمت‌ها و خرابکاری‌های دشمنان مواجه بوده است و غربگرایی پاره ای مسئولان هم به این مشکلات دامن زده است.

در ۱۲ سال ابتدای انقلاب منحنی های اجتماعی مانند ازدواج، طلاق، اعتیاد، پرونده های جزایی و ... روند کاملاً مثبتی را طی می کنند و هر سال از سال قبل بهتر می شوند اما پس از آن بتدریج مجدداً سیر صعودی می گیرد این واقعیت یک دلیل داخلی اصلی دارد که کاملاً روشن است یعنی روند حاکمیت تفکر لیبرال دمکراسی بر دولت ها و قرار گرفتن دولت ها در اختیار گرایشات غربزده ای است که توسعه را بر عدالت مقدم دانستند و دنیاگرایی مقامات و مسئولینی که می باید الگوی جامعه قرار می گرفتند و به آن خواهیم پرداخت اما بدون شک یک دلیل خارجی هم دارد و آن یأس آمریکا از حذف فیزیکی انقلاب اسلامی و آغاز عملیات گسترده ی تهاجم فرهنگی و اخلاقی غرب به ایران بعد از جنگ و نفوذ اثرگذاری این تهاجم فرهنگی روی بخشهایی از جامعه است.

غربیها بعد از شکست توطئه های نظامی و تروریستی با سازماندهی مجدد طاغوتیان و تروریست های فراری از کشور هجوم بسیار گسترده به بنیادهای فکری و اخلاقی ایران را آغاز کردند بعضی شاید تصور کنند که با پرداختن به اجزاء این تهاجم و مقابله جزء به جزء با عوامل و عناصر این تهاجم گسترده می توان آنرا خنثی کرد اما واقعیت غیر از این است و اگر ریشه این تهاجم از بین نرود احتمال موفقیت با شاخ و برگ تهاجم فرهنگی تقریباً صفر است.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی افراد و گروههای زیادی از مصلحان مبارزاتی را با ظواهر فساد انجام می دادند گروهها بر بر ضد بی حجابی، گروههایی ضد مشروب فروشی، گروههایی ضد بهایی و ... اما امام خمینی(ره) ریشه اصلی مفاسد را هدف قرار دادند و آن رژیم شاه بود.

امام (ره) اعتقاد داشتند اگر این ریشه فساد زده شود بقیه امور اصلاح می شود و همین طور شد وقتی رژیم شاهنشاهی فرو پاشید بهائیت حاکم به انزوای مطلق رفت مشروب خواری به حد صفر نزدیک شد حجاب درست شد آمار بزهکاریها یکباره فرو ریخت و روند نزولی بخود گرفت.

چه وقت مجدداً منحنی آمار این مفاسد رو به بالا گرفت از وقتی رژیم ایالات متحده آمریکا مفسدین و طاغوتی ها را در کشورهای همسایه ایران مستقر و با تجدید سازمان آنها جنگ فرهنگی را شروع کرد. فرماندهی توسعه فساد در ایران که پس از فروپاشی رژیم شان به آمریکا و اروپا فرار کرده بود و بازسازی و مجدداً سازماندهی شد و با استقرار در کشورهای اطراف ایران و ستادهایی در لس آنجلس با حمایت آمریکا توسعه فساد را از سر گرفت. آمریکا هم چنین با حضور مستقیم در افغانستان و کردستان عراق و استفاده جدی از امارات، ترکیه و آذربایجان سازماندهی گسترده ای برای گسترش مفاسد و بزهکاری ها در ایران صورت داد که ایجاد و گسترش شبکه های تولید و توزیع فیلم های فاسد ویدئویی و سپس لوح فشرده توزیع گسترده مواد مخدر و کارگاههای تولید صنعتی تولید و توزیع مشروبات الکلی، راه اندازی شبکه های موسیقی مبتذل ایجاد خانه های فساد، شبکه مدلینگ، شبکه گردشگری فاسد با عنوان کوچ سرفینگ، کمک به توسعه گردشگری فاسد جهانی و ترویج سفرهای ارزان قیمت به فاسدترین شهرهای جهان، کمک به توسعه شبکه های فساد مالی و حتی نفوذ در دستگاههای مختلف و منحرف کردن حرکت فرهنگی کشور از درون از جمله این اقدامات است که آن را با شبکه ای رسانه ای گسترده که هر روز بیشتر می شود تقویت کرده و این حرکت را با شدت ادامه می دهد. بهمین جهت به این ضرورت می رسیم که برای اصلاح جامعه خود علاوه بر اصلاح روندهای

داخلی مبارزه و تضعیف قدرت آمریکا و از بین بردن توان تأثیرگذاری آمریکا بر ایران یک ضرورت قطعی و اجتناب ناپذیر است.

برای آسودگی کشور از فساد و بهبود اساسی وضع اخلاقی جامعه حل مشکلات بزرگی مانند آلودگی به مفاسد اخلاقی شرابخواری، بی حجابی، طلاق، فرار دختران از منزل و ... علاوه بر توسعه قدرت فرهنگی مثبت اصلاحات اجتماعی راهی نداریم جز اینکه دست آمریکا را از منطقه قطع کنیم و قرارگاههای فساد پراکنی او در حاشیه ایران و داخل مرزها پاکسازی نماییم.

روزی که آمریکا چون اردوگاه شرق فرو بپاشد انشاءالله خواهید دید که تمام منحنی فساد در ایران واژگون می شود قچاق مشروب و مواد مخدر بشدت کاهش می یابد، حجاب بهتر می شود، بی بند و باری و طلاق کاهش می یابد و ... همانگونه که پس از سقوط شاه اینچنین شد. آنوقت برهمگان آشکار خواهد شد که اگر امام راحل(ره) بارها آمریکا را "الفساد قرن" نامیدند این یک واژه بدون حکمت نیست.

این نکته که نوشتم حتی انحراف های اساسی دستگاههای فرهنگی کشور و سوء عملکرد آنها از سوی آمریکا برنامه ریزی می شود یک تحلیل نیست بلکه یک واقعیت قطعی است نمونه ای از تجربه و اطلاعات شخصی خودم را مطرح می کنم تا بتوانیم با تعمیم آن بفهمیم که اگر بعضی انحرافات که هست با وجود تذکرات پی در پی رهبری اصلاح نمی شود و ... مشکل از کجاست.

فردی بنام کیان تاجبخش فرزند یکی از کارگزاران فراری رژیم شاه است که از پنج سالگی در آمریکا بزرگ شده و فارسی را قدری با مشکل صحبت می کند و سخت تر هم می نویسد. او یکی از عناصر اعزامی از آمریکا برای راه اندازی فتنه ۷۸ بود در آن فتنه دستگیر شد و معلوم نشد به چه ترتیب به آمریکا برگشت مجدداً در فتنه ۸۸ حضور یافت و به اتهام مشارکت در سازماندهی اغتشاشات پس از فتنه دستگیر شد.

بنده شخصاً با وی گفتگویی داشتم و شرح مأموریت های او را از زبان خودش شنیدم که آنها را کتباً هم نوشته است کیان تاجبخش گفت: "راه اندازی سرای محله در تهران طرح آمریکا برای تضعیف بسیج مساجد بود که من مأمور شدم آنرا در ایران عملیاتی کنم او گفت: " به بهانه تبیین کتابی به اسم سرمایه های اجتماعی که نوشته بودم و بعنوان نظریه جدید آنرا معرفی کرده بودم به ایران آمدم.

از طریق مسیری که در آمریکا بمن گفته شده بود با سعید حجاریان ارتباط گرفتم و در یک خانه در یوسف آباد تهران او را ملاقات کردم سعید حجاریان بلافاصله مرا به مصطفی تاجزاده که آنوقت معاون وزیر کشور بود وصل کرد و از او برایم وقت ملاقات گرفت تا طرح را برای او تبیین کنم.

روزی که برای ملاقات تاجزاده رفتم تصورم این بود که با او ملاقات شخصی خواهم داشت ولی متعجب شدم وقتی دیدم مرا آنقدر تحویل گرفتند که بدون هماهنگی قبلی مستقیم در اولین ملاقات وقتی وارد شدم دیدم تمام معاونین استانداری های کشور هم آنجا هستند و از من خواسته شد که نظریه سرمایه اجتماعی را برای آنها کنفرانس بدهم و من هم با تعجب از آن همه اعتمادی که به من کرده بودند این کار را کردم. این ملاقات شروع ارتباط من با وزارت کشور دولت اصلاحات بود که نهایتاً منجر به تدوین برنامه و دستورالعمل های لازم برای ایجاد سرای محله شد.

کیان تاجبخش گفت: "هدف و منظور ما از این کار ایجاد و شبکه موازی با بسیج مساجد و تضعیف بسیج بود ولی ما در کارمان موفق نشدیم چون بسیجیها با شرکت در انتخابات شورایاری ها عملاً سراهای محله را بدست گرفتند و مانع رسیدن ما به هدفمان شدند".

مدتی بعد من مسئول بسیج کشور شدم در نشست هایی که با بسیجیان تهران بزرگ داشتم می دیدم مفصلاً از سراهای محله گله مند هستند و می گویند که این سراها با امکانات دهها برابری نسبت به بسیج مساجد کار ما را به رکود کشیده اند ما در کانکس و زیر پله ها جا داریم آنها ساختمانهای بسیار مجلل با تمامی امکانات از سوی شهرداری را دارند و هزینه ها سنگینی برای کارها می کنند طبیعتاً جوانها به سمت آن کارها جذب می شوند توجیه جوانان هم اینست که می گویند آنها هم مربوط به نظام و دستگاههای مسئول است شما هم مربوط به نظام هستید. آنها پول و امکانات دارند شما ندارید پس ترجیح می دهیم با آنها کار کنیم.

من با سابقه ذهنی که از گفتگو با کیان تاجبخش داشتم به بسیجیهای گله مند از سرای محله می گفتم: مسئولان سراهای محله که بچه های بسیجی هستند و با رأی خودتان روی کار آمدند.

پاسخ آنها این بود که "بله وقتی رأی می دهیم بسیجی هستند ولی بعد از مدتی در سیستم شهرداری هضم می شوند و یادشان می رود که بسیجی بودند".

من نمی خواهم بگویم که این موضوع در مورد همه ی سراهای محله صدق می کند ولی در بازدیدهایی که بعداً از بعضی از این سراها داشتم این واقعیت را از نزدیک دیدم.

در بازدیدم از یکی از سراهای محله همه از سوابق بسیجی شان با من صحبت می کردند ولی وقتی از آنها پرسیدم که با آن سوابق بسیجی که می گوئید پس چرا تمام کارکنان خانم این سرای محله آرایش کرده هستند جوابی نداشتند بدهند یعنی طرح آمریکا که کیان تاجبخش مطرح کرد به نتیجه رسیده بود و اگر او از شکست آن بخاطر در دست گرفتن سراها توسط بسیج صحبت می کرد احتمالاً به این جهت بود که آنها انتظار خیلی بزرگتری از آن طرح داشتند. ولی با هوشیاری بچه های مؤمن طرح آنها به آن سطح از اهداف نرسیده بود اما عملاً مسجد و بسیج را در تهران تضعیف کرده بود. اگر به تاریخچه طرحهای مشابه مانند فرهنگسراها و مراکز اطلاعات جغرافیای شهرداری تهران مراجعه کنیم رد پای اینگونه نفوذهای استعماری کاملاً ملموس است بعضی از این مراکز با تباری بعضی مسئولان سابق شهرداری توسط فرزندان سرلشگرهای فراری زمان شاه راه اندازی شد.

چرا کتابهای درسی دبستان ها از بسیاری اطلاعات مهم که دانش آموزان را با پلیدی های رژیم پهلوی آشنا می کرد پاک شده است چرا مسایلی که دل دانش آموزان را با مسأله فلسطین پیوند اساسی می زد حذف شده آیا اینها اتفاقی است؟

چرا در کاخهای شاه آرایش و چینش واقع بینانه ی اشیاء و وسایل کاخ که رؤیت آن ماهیت فاسد و غارتگر رژیم پهلوی را کاملاً برای بیننده افشا می کرد به یک آرایش فانتزی تغییر شکل داده؟ چرا در دوره ای برای سفر کارمندان دولت به آنتالیا یارانه می دهند؟

لذا وقتی از تهاجم فرهنگی و ضد اخلاقی آمریکا صحبت می کنیم فقط ترویج مستقیم مفساد و حمایت از شبکه های فساد و مواد مخدر نیست بلکه نفوذ در سیستم های تصمیم گیری و ناکارآمد کردن نهادهای فرهنگی و حتی قراردادن آنها در مسیر سوء عملکرد را شامل می شود.

حجم توطئه‌ها و کارشکنی‌های دشمن علیه انقلاب اسلامی و تلاش‌های آنان برای ناکامی انقلاب در اداره‌ی کشور به قدری زیاد و گسترده است که اگر امروز از مرکزیت انقلاب اسلامی سؤال شود، کلیدی‌ترین تجارب چهل ساله را بازگو کنید یکی از اصلی‌ترین پاسخ‌هایی که داده خواهد شد، این است که "تا آمریکا را نابود نکنیم و لااقل در سطح قدرتی پایین‌تر از خود تنزل ندهیم، به هیچ وجه نخواهیم توانست جامعه‌ای اسلامی به معنای واقعی‌اش را بسازیم".

حجم اخلاگری‌های آمریکا و استکبار به اندازه‌ای است که امکان تحقق جامعه مطلوب اسلامی تا زمانی که این طاغوت وجود دارد، نیست و اگر می‌خواهیم به وضعیت مطلوب و جامعه اسلامی نزدیک شویم اگر می‌خواهیم عدالت اسلامی را در ایران پیاده کنیم قطعاً یکی از محورهای حرکت ملت می‌باید مبارزه با آمریکا و تلاش برای ضعیف کردن آمریکا باشد.

امروز مهمترین دلیل حجت‌ها برای بسط قدرت و توسعه حضور جمهوری اسلامی در منطقه و مبارزه با آمریکا بعد از وجوب حمایت از مظلومان و تکلیف دینی دفاع از مستضعفین و مسلمانان همین ضرورت است. برای رسیدن به عدالت اجتماعی برای پایان رسیدن مفسد بزرگ مالی برای برچیده شدن بساط مواد مخدر برای از بین رفتن تبعیض و فساد اداری و مفسد اخلاقی و آرامش خانواده‌ها و حذف هر بدی و بسط هر خوبی دیگری در جامعه ایرانی کوتاه کردن دست آمریکا از منطقه و دور کردن آن رژیم فاسد از امکان اعمال نفوذ در ایران اجتناب ناپذیر است.

انقلاب اسلامی پیشرفت علم و تقویت علمی کشور را در برنامه خود قرار می‌دهد و می‌خواهد کشور را به قله علمی جهان برساند. با ایجاد شبکه‌های مزدور در محیط‌های علمی نیروهای نخبه ایرانی را شناسایی می‌کنند و با پرداخت‌های مالی و سوسه برانگیز و خدمات فوق معمول آنها را فریب داده و به آمریکا و کانادا می‌برند تا ایران اسلامی از نخبگان خود تهی کنند و برای نخبگانی که فریب آنها را نمی‌خورند و در کشور می‌مانند هم نقشه‌های عدیده می‌ریزند، آنها را از سفر به کشورها و تبادل علمی با دانشگاه‌های دنیا محروم کنند. با نفوذ اطلاعاتی و آگاهی از نیازهای قطعات فنی پروژه‌های تحقیقاتی در شرکت‌های دانش بنیان قطعات یا مواد اولیه معیوب می‌فروشند تا آنها را در مسیر اجرای پروژه‌ها از وصول به نتیجه مأیوس کنند و تلاش‌های آنها را هدر بدهند و آنجایی هم که هیچ کاری

نمی‌توانند بکنند دانشمندان را رسماً ترور می‌کنند. آیا این واقعیت‌ها که صدها نمونه عینی و مصداق واقعی آن روبروی ماست توهم است؟

انقلاب اسلامی می‌خواهد معیشت مردم را بهینه و اقتصاد خود را سامان دهد و دهها توطئه بزرگ علیه اقتصاد ایران طراح و اجرایی می‌کنند که تحریم فقط یکی از آنهاست. آیا بستن راههای تبادل بانکی ایرانیان توهم است. آیا بستن راههای فروش نفت ایران توهم است؟ آیا اخلال در روابط تجاری ایران یا کشورها با سفرهای مستمر وزیر خزانه داری آمریکا به کشورها و باج دادن به دیگر کشورها برای قطع ارتباط تجاری با ایران یک توهم است؟

ای کاش اخلال در اقتصاد فقط به تحریم‌ها خلاصه می‌شد. خطوط موازی تولیدات انحصاری ایران راه می‌اندازند تا بازار بین‌المللی ایران از دست ما بگیرند. کارخانه‌هایی که در داخل به تولید جدیدی می‌رسند را با واردات قاچاق همان کالا و دامپینگ مخرب (پارانه دادن و ارزان فروشی غیرمنطقی) این کارخانجات نوپای داخلی را به تعطیلی می‌کشند. با اعزام گسترده و جاسوسان و نفوذ دادن آنها به داخل دفتر و خانه روسای جمهور مختلف حتی سرقت اسرار در روابط بین‌قوا اخلال می‌کنند.

و دهها توطئه از این قبیل که با وضوح مانع پیشرفت‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی ایران می‌شود. توطئه‌هایی که حتی از مرزهای حداقلی انسانیت هم خارج می‌شود و به تحریم دارو و توزیع داروی تقلبی و ... و باز گرفتن سلامت بیماران هم تسری پیدا می‌کند.

آیا مصوبات مسلسل وار دستگاههای قانون گذاری آمریکا علیه جمهوری اسلامی که در اخبار رسمی جهان هر روز منعکس می‌شود توهم است؟ آیا اینکه نزدیک به ۲۰ سال است هر سال در بودجه رسمی سالانه دولت ایالات متحده آمریکا رقمی را برای مبارزه با جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده اند توهم است؟ باید تجربه راهبردی هفدهم انقلاب اسلامی را اینگونه بیان کنیم که آمریکا دشمن آشتی ناپذیر ملت ایران است. ماهیت آمریکا ذاتاً یک ماهیت سلطه جو و تمامیت خواه و مستکبر است که به هیچ وجه با ملت ایران کنار نخواهد آمد و این دشمنی دو حالت بیشتر ندارد یا ملت تسلیم او شوند در آن صورت نحوه اعمال دشمنی با ملت و حق خوری از مردم ایران به آن گونه که در زمان شاه بود، اعمال می‌شود نفت ما را چپاول کنند، منابع مان را غارت کنند، ما را وادار به خرید تسلیحات بی مصرف برای پیشرفت صنعت خودشان بکنند، ارتش ما را



برای سرکوب ملت های آزاده به کار بگیرند مستشاران خودشان را به ما تحمیل و حقوق آنان را از بیت المال ایرانیان بپردازند اگر هم انتقاد کنیم به شکنجه گاه های ساواک بفرستند و یا قتل عام کنند. فساد و بی بند و باری را هم بین ملت رواج دهند و با ترویج آزادانه فساد کشور را تبدیل به بازار هالیوود کنند. درست همان کاری که امروز آمریکا دارد با عربستان و امارات می کند. اجبار به خرید تسلیحات غیرضروری، اجبار به جنگ با آزادی خواهان یمن و لبنان و فلسطین و سوریه، اجبار به تأمین نفت دولت های غربی با قیمت گذاری آنها و سرکوب ملت های این کشورها در صورت هر انتقاد و مخالفت و...

مدل دوم اعمال دشمنی همین است که در حال حاضر نسبت به ایران اعمال می شود و فهرست توطئه هایی که در بالا آمد نمونه های آن است اما این دشمنی در ذات رژیم آمریکاست و تمام شدنی نیست و خوی سلطه گری آمریکا که از آن رژیم قابل جدا شدن نیست هیچ ارتباطی با رفتار ما نداشته و نخواهد داشت.

همانطور که امام خامنه ای مدظله العالی هم فرمودند:

اولین حکومتی و دولتی که با این حرکت مردم بجد شروع کرد مخالفت کردن، آمریکا بود. [البته] دولتهای دیگری هم بودند، آنها هم ای بسا ناراضی بودند از وضعی که در ایران پیش آمد لکن عکس العمل آن چنانی نشان ندادند، بعضی از دولتها هم شاید خرسند بودند اما دولت آمریکا به نارضایی قلبی اکتفا نکرد؛ در اولین ماههای پیروزی انقلاب، مجلس سنای آمریکا یک مصوبه و قطعنامه‌ی شدیدالحنی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرد، دشمنی را به‌طور عملی شروع کرد؛ این در حالی بود که هنوز سفارت آمریکا در ایران باز بود! آن کسانی که خیال میکنند رابطه‌ی با آمریکا، دوستی با آمریکا موجب میشود که انسان از آسیب آمریکا محفوظ بماند، به این تجربه‌ی تاریخی مراجعه کنند؛ هنوز سفارت آمریکا در ایران بود، آمریکایی‌ها راحت در داخل کشور رفت‌وآمد میکردند، انقلاب موجب نشده بود که آمریکایی‌ها را از ایران بیرون کنند؛ مثل بقیه‌ی دولتها سفارت داشتند، مأمورین داشتند، در اینجا داشتند زندگی میکردند؛ در

همان هنگام دولت آمریکا دشمنی خودش را با انقلاب نشان داد. (بیانات در دیدار دانش آموزان و

دانشجویان ۱۳۹۴/۰۸/۱۲)

این تجربه را امام خامنه ای عزیز به شکل های مختلف بارها گفته اند. ای کاش آنها که غرب را برای خود بت کرده اند چشم بازی داشتند تا این تجربه های غیر قابل انکار را ببینند.

در کشور خود ما، برخورد غربی ها و دست اندرکاران تمدن کنونی غرب در طول این صدسال اخیر، هشتاد نود سال اخیر، با کشور ما چگونه بوده. ما این همه تجربه ی ضربه زدن از سوی غرب داریم. عده ای هستند در کشور - روشنفکران غرب گرا، غرب زده، دلباخته ی غرب - این تجربه ها در مقابل چشم آنها است، [اما] از این تجربه ها درس نمیگیرند. خب، آنها دیدند که غربی ها رضاخان را آوردند بر این کشور مسلط کردند و دیکتاتوری عجیب و غریب رضاخانی، به وسیله ی انگلیس ها در این کشور برپا شد - آمدند یک عنصرِ قدرِ بی منطقی بی اعتنای به اصالت های کشور را بر این کشور مسلط کردند - بعد هم در دهه ی ۲۰، همان قدرتها آمدند ایران را اشغال کردند، در واقع به یک معنا بین خودشان تقسیم کردند؛ همانها آمدند نفت را بردند و قراردادهای ظالمانه را بر این کشور تحمیل کردند؛ همانها کودتای بیست و هشتم مرداد را راه انداختند و یک دولت ملی را - که با همه ی عیوبی که داشت بالاخره برخاسته ی از آراء مردم بود - ساقط کردند و نابود کردند؛ همانها نهضت ملی نفت را به انحراف کشاندند و مجدداً سلطه ی بر منابع طبیعی و مادی ما را به دست گرفتند؛ همانها در یک مدت طولانی، دیکتاتوری محمدرضا را بر این کشور تثبیت کردند و از آن با همه ی وجود حمایت کردند؛ در دوران حکومت سی و چند ساله ی محمدرضا بر کشور، چوب حراج به ثروت مادی و معنوی ما زده شد، پدر این ملت را در آوردند، در فقر نگه داشتند، در جهل نگه داشتند، فساد عمومی در تمام ارکان این کشور به راه انداختند، فرهنگ کشور را، دین مردم را، همه چیز را در واقع از بین بردند، این با پشتیبانی و حمایت همین دولت های غربی بود؛ در مقابله ی با انقلاب ملت ایران و حرکت عظیم ملت ایران، هرچه توانستند کارشکنی کردند؛ از صدام حسین حمایت کردند، دفاع کردند - با اینکه خودشان صدام را هم قبول نداشتند، اما چون صدام در مقابل جمهوری اسلامی بود، هرچه توانستند به صدام کمک کردند - همین غربی ها، همین انگلیس، همین آمریکا، همین فرانسه: بمب شیمیایی دادند،

امکانات گوناگون نظامی در اختیارش گذاشتند؛ خب اینها تجربه‌های ما است. روشنفکر غرب‌زده، چون دستگاه محاسباتی‌اش دستگاه اختلال‌یافته‌ای است، از این تجربه‌ها استفاده نمی‌کند، بهره نمی‌برد، استنتاج درست نمی‌کند.

از انسان‌های فهیم و باتجربه بسیار بعید است که تجارب متراکم که اثبات می‌کند رژیم ایالات متحده ماهیتاً ضد بشریت است و این خوی وحشی‌گری و دشمنی قابل‌جداسازی از این رژیم نیست را درک نکنند مگر از روی لجبازی مانند کسی که خود را به خواب زده باشد و یا خودش همدست او باشد.

یک زمانی مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی اصرار داشت خاطراتی از امام (ره) نقل کند و به ایشان نسبت بدهد که طرفدار حذف مرگ بر آمریکا و کنار آمدن با آمریکا بوده اند من با کمک دوست و همکارم ابوذر که هر کجا هست خدا نگهدارش باشد، مروری بر آثار امام خمینی (ره) کردیم که ببینیم آیا هیچ نشانی از این موضوع هست و در آنجا دریافتیم که امام راحل (ره) صد لقب و صفت به آمریکا داده اند که جایی برای توضیح باقی نمی‌گذارد. خدا توفیق داد آن صد لقب را در قالب قطعه شعری در ۳۳ بیت منظوم کردم تا بماند و آنها که درصدد نسبت‌های ناروا به امام (ره) هستند همیشه موضع امام در مورد آمریکا جلوی چشمشان مجسم باشد. آن صد لقب و صفت به قرار زیر است:

۱- آمریکای ستمگر (ج ۱۲ ص ۴۳) ۲- این منازعه بین ما و آمریکا نیست، بین اسلام است و کفر (ج ۱۰ ص ۲۲۴)

۳- اشرار آمریکائی (ج ۱۵ ص ۲۵۲) ۴- شما اگر چنانچه فراندوم کنید بین ملت‌های دنیا که امروز وحشی‌ترین رژیم‌ها کی است، من گمانم این است که بین ملت‌ها اگر اتفاق آرا نباشد، اکثریت قاطع هست که آمریکا (ج ۲۰ ص ۸۹) ۵- آمریکا غارتگر (ج ۲ ص ۴۸۴) ۶- آمریکا مظهر استثمار جهانی (ج ۲ ص ۱۰) ۷- دولت استعمارگر آمریکا (ج ۵ ص ۲۰۸) ۸- آمریکا غارتگر بین‌المللی (ج ۲ ص ۶۲) + (ج ۳ ص ۳۷۹) ۹- آمریکای اشغالگر (ج ۱ ص ۱۰۴) ۱۰- آمریکا رأس جنایتکاران (ج ۱۶ ص ۲۱۲) ۱۱- آمریکای جانی (ج ۸ ص ۲۵۱) ۱۲- آمریکای گرگ (ج ۱۰ ص ۵۸) ۱۳- دشمن

اصلی ما، آمریکا (ج ۱۲ ص ۳۱) - شیطان بزرگ که آمریکا است (ج ۱۰ ص ۱۳۹) - ۱۵ - آمریکای راس  
متجاوزین (ج ۱۶ ص ۱۸۶) - ۱۶ - منویات شوم آمریکا و صهیونیسم جهانی (ج ۱۶ ص ۱۸۶) - ۱۷ - آمریکای  
خبیث (ج ۲ ص ۵۷) - ۱۸ - طاغوت های زمان که در راس آنان دولت آمریکا است (ج ۱۱ ص ۲۶۵) - ۱۹ -  
همه گرفتاری که ما داریم از دست آمریکا داریم (ج ۲ ص ۶۷) - ۲۰ - لعنت ابدی بر شیطان بزرگ  
آمریکای جنایتکار (ج ۱۵ ص ۱۵۴) - ۲۱ - آمریکا که در هر فساد دست دارد (ج ۱۳ ص ۱۴۹) - ۲۲ -  
آمریکای ستمگر و چپاولگر (ج ۱۲ ص ۴۳) - ۲۳ - ما که از اول آمریکا را ظالم می دانستیم و ستمگر  
می دانستیم (ج ۱۶ ص ۱۰۶) - ۲۴ - دژخیمان آمریکا (ج ۱۲ ص ۲۷۰) - ۲۵ - جنایات دولت جبار آمریکا  
(ج ۱۱ ص ۱۴۴) - ۲۶ - استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا (ج ۲۰ ص ۱۹) - ۲۷ -  
آمریکای خونخوار (ج ۱۰ ص ۲۵۸) - ۲۸ - آمریکای جهانخوار (ج ۱۱ ص ۲۵۹) - ۲۹ - آمریکا سلطه طلب  
(ج ۲۰ ص ۱۳۰) - ۳۰ - آمریکا نفتخور (ج ۲ ص ۱۲۰) - ۳۱ - آمریکای چپاولگر و متجاوز (ج ۱۰ ص ۲۲۲) -  
چپاولگران که در رأس آنها آمریکا است (ج ۱۰ ص ۱۹۶) - ۳۲ - آمریکا مفتخور (ج ۲ ص ۱۲۰) - ۳۳ -  
آمریکای دنیا خوار (ج ۱ ص ۲۳۹) - ۳۴ - دشمنان اسلام که در راس آنها آمریکا و اسرائیل است (ج ۸  
ص ۲۳۴) - ۳۵ - آمریکا معامله گر وحشی گری (ج ۱ ص ۱۱۱) - ۳۶ - رؤسای جمهور آمریکا معامله  
گران قرون وسطایی (ج ۱ ص ۲۴۳) - ۳۷ - آمریکائی ها که از همه بدترند (ج ۲ ص ۱۱۹) - ۳۸ - آمریکا هم  
همه جور دخالت می کند (ج ۱۷ ص ۱۴۳) - آمریکا هر جا بتواند خودش دخالت می کند  
(ج ۱۸ ص ۱۰۸) - ۳۹ - با چه موجودات کثیفی در آمریکا ما مواجه هستیم (ج ۱۰ ص ۷۶) - ۴۰ - آمریکا  
دشمن همه ادیان (ج ۱۷ ص ۱۹۵) - ۴۱ - آمریکا دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم  
الشان صلی الله علیه و آله و سلم (ج ۱۹ ص ۴۷) - ۴۲ - ام الفساد قرن آمریکا است (ج ۱۰ ص ۲۱۱) - ۴۳ -  
آمریکای زورگو (ج ۱۲ ص ۴۳) - ۴۴ - مقاصد پلید آمریکا و وابستگان آن (ج ۱۵ ص ۲۳۵) - ۴۵ - طرح

هائی که آمریکا می دهد که همه بر ضد خلق است (ج ۱۶ ص ۲۸۳) ۴۶- بر ضد اسلام است (ج ۱۶ ص ۲۸۳) ۴۷- آمریکایی که بشر را دارد به فضا می رساند (ج ۱۹ ص ۹۵) ۴۸- آمریکای فاسد (ج ۱۰ ص ۱۴۳) ۴۹- آمریکائیان منافق و منحرف (ج ۱۷ ص ۴۲) ۵۰- آمریکا یار و همقطار اسرائیل کافر (ج ۱۶ ص ۱۵۸) ۵۱- آمریکا متفرعن و سلطه طلب (ج ۲۰ ص ۱۳۰) ۵۲- آمریکای جهانخوار این دشمن کینه توز مستضعفین (ج ۱۵ ص ۱۷) در نهاد و سرشت آمریکا و شوروی کینه با اسلام ناب محمدی است (ج ۲۱ ص ۱۹۵) ۵۳- گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران آمریکایی (ج ۲ ص ۸۲) ۵۴- چهره قبیح آمریکائیان منافق و منحرف (ج ۱۷ ص ۴۲) ۵۵- آمریکای نقشه کش شیطنانی (ج ۱۵ ص ۱۴۲) ۵۶- وسواس خناس که در رأسشان آمریکاست (ج ۱۰ ص ۱۳۴) ۵۷- آمریکای تفرقه افکن (ج ۵ ص ۲۲۰) - تفرقه افکن آمریکاست (ج ۱۵ ص ۵۸) ۵۸- آمریکای خیانت کار (ج ۱۱ ص ۲۳۸) ۵۹- آمریکائیان منافق (ج ۱۷ ص ۴۲) ۶۰- آمریکای حيله گر (ج ۲۰ ص ۲۲۲) ۶۱- ایران باید تا قطع تمام وابستگی های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود از آمریکا به مبارزات قاطع خود علیه این جهانخوار بیرحم ادامه دهد (ج ۱۱ ص ۲۶۶) ۶۲- آمریکای غدار (ج ۱۵ ص ۱۶۳) ۶۳- سفارت آمریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است (ج ۱۰ ص ۱۵۸) - سفیران آمریکایی جاسوسان آمریکایی (ج ۱۷ ص ۲۵۹) ۶۴- آمریکا قدرت شیطنانی (ج ۶ ص ۳۸) - آمریکا یک قدرت شیطنانی (ج ۱۰ ص ۲۲۴) ۶۵- آمریکا توطئه گر (ج ۶ ص ۴۸) ۶۶- آمریکا سرچشمه مصائب بزرگ مسلمین (ج ۲ ص ۴۱) ۶۷- آمریکای جنایتکار که اکثر فتنه های منطقه به دست کثیف او تحقق می یابد (ج ۱۶ ص ۱۶۱) ۶۸- مستکبرین که در رأس آنها آمریکای جانی است (ج ۸ ص ۲۵۱) ۶۹- آمریکا منشأ کودتای ۳۲ (ج ۲ ص ۴۹) ۷۰- سلطه آمریکا تمام بدبختی های ملل مستضعف را به دنبال دارد (ج ۱۱ ص ۲۸۵) ۷۱- آمریکا جنایتکار

اصیل و توطئه گر دست اول (ج ۱۶ ص ۲۱۷) ۷۲- این دام را آمریکا درست کرد (ج ۱۶ ص ۲۱۲) ۷۳- اسرائیل و صدام این دو ولد نامشروع آمریکا (ج ۱۶ ص ۳۰۸) توطئه های آمریکای جهانخوار (۱۶ ص ۱۵۹) - آمریکا در ایران مشغول توطئه است (ج ۶ ص ۴۸) ۷۵- آمریکای ستمکار (ج ۱۲ ص ۳) ۷۶- مجرم دست اول عبارت از آمریکاست (ج ۲ ص ۶۷) ۷۷- دست آمریکا و سایر قدرت ها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده و مبارز جهان فرو رفته است (۱۲ ص ۱۴۷) ۷۸- آمریکا مجرم اصلی (ج ۲ ص ۶۷) ۷۹- آمریکا جنایتکار اصلی (ج ۱۶ ص ۲۲۸) ۸۰- مرکز فساد امریکا (ج ۱۰ ص ۱۵۰) ۸۱- کسانی که از اسرائیل حمایت می کنند (آمریکا) باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می کنند که در صورت فرصت خدای نخواسته حرث و نسل منطقه را به هلاکت می کشاند و باید به این افعی خزنده خطرناک مهلت ندهند. (ج ۱۸ ص ۹۳) - (ابر قدرت های شرق و غرب و وابستگان مرتجع آنها که حرث و نسل این ملت عدالت طلب اسلام جو را به آتش کشیده اند (ج ۱۸ ص ۱۴۷) ۸۲- آمریکایی که دنیا را به آتش کشیده است (ج ۱۹ ص ۹۵) ۸۳- هر دو ابر قدرت (شوروی و آمریکا) کمر به نابودی ملل مستضعف بسته اند (ج ۱۲ ص ۱۹) ۸۴- آمریکای آدمکش (ج ۷ ص ۸۲) ۸۵- آمریکا و تروریست های وابسته و پیوسته به آن (ج ۱۵ ص ۱۷۹) ۸۶- آمریکا این تروریست بالذات (ج ۲۱ ص ۱۷۲) ۸۷- آمریکا، دشمن بشریت (ج ۱۰ ص ۶۳) ۸۸- آمریکائیان منحرف (ج ۱۷ ص ۴۲) ۸۹- آمریکای سلطه جو (ج ۱۱ ص ۱۵۳) ۹۰- فشار ظلم آمریکا (ج ۸ ص ۲۳۴) ۹۱- آمریکای عربده کش (ج ۱۲ ص ۱۶۷) ۹۲- شیطان بزرگ که آمریکاست شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می کند و چه بچه شیطان هائی که در ایران هستند و چه شیطان هائی که در خارج هستند، جمع کرده است و هیاهو به راه انداخته است (ج ۱۰ ص ۱۳۹) ۹۳- آمریکا دشمن همه ادیان (ج ۱۷ ص ۱۹۵) ۹۴- آمریکای جهانخوار، این جنایتکار تاریخ (ج ۱۶ ص ۱۲۸) ۹۵- رسوایی که برای

رئیس جمهور آمریکا پیش آمد(ج ۲۰ ص ۴۹)۹۶- آمریکا، دشمن ملت (ج ۱۰ ص ۶۳)۹۷- آمریکا  
منفورترین دولت است(ج ۱ ص ۱۰۵)۹۸- کدام بت از شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار و کدام  
طاغوت و طاغوتچه از طاغوت های زمان ما بالاترند؟(ج ۲۰ ص ۱۹)۹۹- آمریکا قدرت پوشالی(ج ۱۸  
ص ۵۵)۱۰۰- آمریکای شکست خورده (ج ۱۲ ص ۶۴)

با اینهمه کارشکنی و توطئه و اخلال در بهبود شرایط کشور «از تجارب بزرگ انقلاب اسلامی و هجدهمین تجربه  
راهبردی چهل سالگی انقلاب اسلامی هم اینست که تا آمریکا و نظام استکباری را از میان برداریم یا لااقل  
خود را به سطحی بالاتر از قدرت او نرسانیم با این حجم توطئه ها و کارشکنی ها و نفوذی ها و اخلال ها  
دستیابی به جامعه عدل اسلامی امکانپذیر نیست» که در مورد این تجربه جداگانه در بخش دیگر بحث خواهیم  
کرد.

با این حجم انبوه توطئه ها و کارشکنی ها که تنها موارد محدودی از آن ذکر شد، آیا می شود گفت توطئه یک توهم  
است؟ هر انسان منصفی که حجم عظیم توطئه ها را بنگرد با خود می گوید انقلاب اسلامی زیر این رگبار توطئه ها حتی  
اگر هیچ کاری نکرده باشد و فقط خود را حفظ کرده باشد کار بزرگ و اعجاز انگیزی انجام داده است. لکن می بینیم با  
همین نقشه های رنگارنگ برای توقف ایران، نه تنها انقلاب محفوظ ماند بلکه بحمداله پیشرفت های خیره کننده ای در  
۴ دهه انقلاب اسلامی در کشور رخ داده است و انقلاب اسلامی توانسته است همزمان با ایستادگی و عدم سازش به  
اندازه ای کشور را پیش ببرد که تنها می توان آنرا یک معجزه دانست.

شاید کسی ادعا کند که توطئه ها را قبول داریم ولی تقصیر خودمان است اگر با آمریکا کنار بیاییم و با او مخالفت  
نکنیم توطئه ها متوقف می شود و ما می توانیم سیر پیشرفت خودمان را سریعتر کنیم. در این مورد باید گفت اگر توهم  
و قصور غلطی در این باره وجود داشت امروز دیگر برای همه مسلم و ثابت شده است که در صورت کنار آمدن با آمریکا  
و عقب نشینی در مقابل او بخاطر خصلت های استکباری که در رژیم آمریکا هست توطئه ها او تجاوزات کم نمی شود که  
هیچ بلکه شدت می گیرد.

ما نمی‌خواهیم بگوییم آمریکا با ما در معاهده الجزایر و قراردادی که در سال ۱۳۵۹ با ایران منعقد کرد چه کرد و چگونه صد در صد تعهدات خود را عمل نکرد و با وجود تعهد به تحویل اموال بلوکه شده ایران و آمریکا در ازای آزادی جاسوسان گروگان گرفته شده حتی یک دلار از آن اموال را هم آزاد نکرد و با وجود تعهد به عدم مداخله در امور داخلی ایران توطئه‌های خود را گسترش داد. و بارها رسماً در امور ایران دخالت کرد.

نمی‌خواهیم بگوییم آمریکا در رفتار با کره شمالی در فرایند هسته‌ای شدن این کشور پس از سازش اولیه چه کرد و چگونه پس از نابود سازی کل تأسیسات هسته‌ای کره شمالی زیر همه ی تعهدات خود زد و هیچکدام را عمل نکرد. نمی‌خواهیم به رفتار آمریکا با نوکر دست به سینه خودش صدام را یادآوری کنیم. که چگونه تمام تعهدات به او را کنار گذاشت و با متهم کردن دروغین او به تلاش برای ساخت سلاحهای هسته‌ای عراق را عرصه تاخت و تاز خود کرد و آنجا را اشغال کرد.

از تجربه قراردادی که آمریکا با لیبی بست و با حمله به آنجا هیچکدام را عمل نکرد که هیچ کاملاً بر خلاف تعهدات خود عمل کرد حرفی نمی‌زنیم آخرین تجربه زنده ی خودمان را نگاه کنید. ببینید آمریکا همین که کوچکترین نرمشی از ایران دید و تصور کرد که ایران ضعیف شده و آماده ی امتیاز دادن است چه کرد؟ می‌شود گفت پس از برجام که حجم توطئه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شاید تا ده برابر افزایش یافته است به فهرست موارد نگاه کنید.

## اقدامات آمریکا علیه ایران پس از برجام تا کنون

بعضی از موارد نقض، بدعهدی، تأخیر، تعلل و تخطی آمریکا از برجام بشرح زیر است

۱- قانون شفافیت تأمین مالی تروریسم ایران (The Iran Terror Finance Transparency Act) این

لایحه با ۲۴۶ رأی به تصویب رسید. (خبرگزاری فارس ۱۳۹۵/۰۷/۱۴)

۲- قانون بهبود برنامه لغو روادید (محدودیت صدور روادید برای مسافران ایران)

(The Visa Waiver Program Improvement and Terrorist Travel Prevention Act) مجلس

نمایندگان آمریکا طرحی را تصویب کرد اگر شهروندان ۳۸ کشور در پنج سال گذشته به ایران، سوریه، عراق یا سوئد

سفر کرده باشند، نمی‌توانند مانند گذشته بدون ویزا وارد آمریکا شوند (باشگاه خبرنگاران جوان ۱۳۹۵/۰۱/۱۹)



- ۳- قانون عدم تسامح در مقابل تروریسم (The Zero Tolerance for Terror Act) (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۴- یک روز بعد، قانون دیگری به نام «قانون منع و تحریم موشک های بالستیک ایران» و قانون نظارت بر لغو تحریم های ایران (Iran Sanctions Relief Oversight Act) (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۵- قانونی که رئیس جمهور آمریکا و آژانس بین المللی انرژی هسته ای را مجبور کرد متن پیوست ها و توافق های جانبی برجام را در اختیار کنگره قرار دهند. (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۶- قانون نظارت بر سیاست ایران (Iran Policy Oversight Act) (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۷- قانون پایان دادن به برنامه تسلیحات هسته ای ایران قبل از لغو تحریم ها
- ۸- (Ending Iran apostrophe s Nuclear Weapon Program Before Sanctions Relief Act): (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۹- قانون اجرا و نظارت بر تحریم های سپاه پاسداران انقلاب ایران
- ۱۰- (Iran apostrophe s Revolutionary Guard Corps Sanctions Implementation and Review) (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۱۱- قانون قرنطینه کردن تهاجم و جنگ طلبی دولتی مورد حمایت آیت الله
- ۱۲- (Quarantining the Ayatollah apostrophe s State-Sponsored Aggression and Militancy): (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۱۳- قانون تحریم های سپاه پاسداران انقلاب (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۱۴- قانون تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: (IRGC Terrorist Designation Act) (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)
- ۱۵- قانون عدالت برای قربانیان تروریسم ایران (Justice for Victims of Iranian Terrorism Act): (خبرگزاری رجانپوز ۹۵/۱۱/۲۵)

۱۶- قطعنامه بازتأیید حق آمریکا برای استفاده از گزینه‌های موجود، از جمله نیروی نظامی برای

جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای (خبرگزاری رجانیوز ۹۵/۱۱/۲۵)

۱۷- منع فروش بوئینگ به ایران (باشگاه خبرنگاران جوان ۱۳۹۵/۰۴/۱۸)

۱۸- قانون عدالت برای قربانیان تروریسم

مجلس نمایندگان آمریکا طرحی را تصویب کرد که طبق آن ایران باید ۴۶ میلیارد دلار به آنچه «قربانیان حملات تروریستی ایران در سراسر جهان» خوانده می‌شود، غرامت بدهد. این طرح که «قانون عدالت برای قربانیان تروریسم ایران» نام دارد، روز پنج‌شنبه ۹ مهر ۱۳۹۴ (اول اکتبر ۲۰۱۵) با ۲۵۱ رأی موافق در مقابل ۱۷۳ رأی مخالف تصویب شد (خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۵/۱۱/۳۰)

۱۶- غرامت (دستبرد) دو میلیارد دلاری دیوان عالی آمریکا از ایران و مصادره ۲/۸ میلیون دلاری:

دیوان عالی آمریکا اول اردیبهشت حکم داد که دو میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران باید به خانواده‌های قربانیان آمریکایی بمبگذاری‌های سال ۱۹۸۳ در مقر تفنگداران دریایی ایالات متحده در بیروت و سایر حملات مرتبط با ایران، پرداخت شود به دنبال این اقدام کانادا نیز با تبعیت از آمریکا حکم داد که ۱۳ میلیون دلار از محل دارایی‌ها غیر دیپلماتیک ایران در این کشور به خانواده قربانیان آمریکایی حملات «تروریستی» گروه‌های حزب‌الله و حماس پرداخت شد.

در اواخر فوریه ۲۰۱۶ دادگاه تجدیدنظر فدرال آمریکا اعلام کرد که ۱۰ فردی که به نظر این دادگاه قربانی حملات تروریستی هستند و در دادگاهی در برابر ایران رأی به نفع خود برای دریافت خسارت از ایران گرفته بودند می‌توانند از محل مطالبه ۲/۸ میلیون دلاری ایران از یک شرکت دفاعی آمریکایی غرامت دریافت کنند.

آقای روحانی در عکس العمل این دستبرد به اموال ایران گفت این را از حلقوم آمریکا بیرون می‌کشیم ولی عملاً هیچ کاری نشد علی‌الظاهر حتی طرح شکایت هم نشده است. (خبرگزاری فارس ۱۳۹۵/۰۸/۰۹)

۱۷- ممنوعیت خرید آب سنگین (خبرگزاری تابناک ۱۳۹۵/۰۴/۲۴)

۱۹- طرح تحریم همه افراد و مؤسسات وابسته به سپاه پاسداران (خبرگزاری اقتصاد نیوز ۱۳۹۶/۰۸/۱۰)

۲۰- طرح تحریم جدید علیه ایران به بهانه حملات سایبری (خبرگزاری اقتصاد نیوز ۱۳۹۷/۰۱/۰۳)

۲۱- لایحه ممانعت از دسترسی ایران به دلار آمریکا (خبرگزاری فارس ۱۳۹۵/۰۴/۲۵)

۲۲- تحریم‌های جدید علیه اشخاص و سازمانهای ایرانی به بهانه تست موشکی (خبرگزاری اقتصاد نیوز ۱۳۹۵/۱۲/۲۱)

۲۳- طرح افزایش تحریم سپاه

گروهی از سناتورهای حزب جمهوری خواه روز (۲۷ اسفند / ۱۷ مارس) طرحی را علیه ایران به مجلس سنای این کشور ارائه دادند که بر مبنای آن، تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران افزایش یابد؛ طرح مذکور از طرف ۶ سناتور وابسته به حزب جمهوری خواه مارک کرک، مارکو روبریو، کلی آیوت، دن کوتس، کوری گاردنر و میچ مکائل امضا شده بود. (خبرگزاری نسیم آنلاین ۱۳۹۵/۰۴/۲۳)

۲۴- اعلام رسمی ایران در صدر کشورهای حامی تروریسم توسط وزارت خارجه (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۶/۰۷/۱۸)

۲۵- گزارش سالانه آمریکا: ادامه نقض حقوق بشر در ایران (خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۷/۰۲/۰۱)

۲۶- آمریکا ماجرای آزمایش موشکی ایران را به شورای امنیت کشاند و پیشنهاد داد بعنوان نقض تحریم تصویب شود (خبرگزاری مشرق نیوز ۱۳۹۵/۰۴/۲۳)

۲۷- حمایت آمریکا از اقدام سخت گیرانه تر کارگروه مالی علیه ایران (خبرگزاری فارس ۱۳۹۵/۰۴/۰۸)

۲۸- تمدید ۱۰ ساله قانون ایسا (خبرگزاری مشرق نیوز ۱۳۹۵/۰۹/۱۱)

۲۹- وضع تحریم‌های جدید علیه شرکت‌ها و افراد مرتبط با ایران (خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۶/۱۲/۱۹)

تحریم یازده شخصیت حقیقی و حقوقی ایرانی در تاریخ ۲۷ دی ماه نود و چهار یعنی در روز دوم اجرایی شدن برجام؛

۳۰- مصادره دارایی‌های ایران در دادگاه لوکزامبورگ

در اسفندماه سال گذشته و در حالی که تنها یک سال از اجرای برجام زمان گذشته بود، به دنبال اعمال فشارهای آمریکا بر بانک‌ها و مؤسسات اروپایی، ۱۰۶ میلیارد دلار از دارایی‌های بانک مرکزی ایران در لوکزامبورگ مسدود شد.

این یک سرقت آشکار و رسمی از ثروت عمومی مردم ایران است که هیچ عکس العملی نسبت به آن نشان داده نشد. (خبرگزاری آخرین خبر ۱۳۹۶/۰۵/۰۵)

**۳۱- تحریم علیه افراد و شرکت‌های مرتبط با ایران، کره شمالی (باشگاه خبرنگاران جوان ۱۳۹۶/۰۱/۰۴)**

در فروردین ماه سال ۹۶ هم دولت آمریکا در راستای قانون منع گسترش تسلیحات خاص، تحریم‌های جدیدی را علیه ۳۰ شرکت و فرد از چند کشور جهان به اتهام همکاری با ایران، کره شمالی و سوریه وضع کرد که از این تعداد، ۱۱ فرد و شرکت (شامل ۳ فرد و ۸ شرکت) صرفاً به خاطر همکاری با برنامه موشکی ایران مورد تحریم قرار گرفته‌اند. این تحریم‌ها شامل چندین شرکت و فرد در چین و کره شمالی و امارات عربی متحده می‌شدند که به اعتقاد همه کارشناسان هسته‌ای نقض صریح برجام بودند.

**۳۲- امضای وضعیت اضطراری علیه ایران توسط اوباما: باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در روز چهارشنبه ۹ مارس ۲۰۱۶ (۱۳۹۴/۱۲/۱۹) وضعیت اضطراری در رابطه با ایران را یک سال دیگر تمدید کرد و این اقدام اوباما در شرایطی صورت گرفت که از تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) برنامه جامع اقدام مشترک میان ایران و ۵+۱ وارد فاز اجرایی شد. اوباما در زمان امضای استمرار وضعیت اضطراری علیه ایران با زبان تهدید اعلام کرد: برخی از اقدامات سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران هنوز تهدیدی فوق‌العاده و غیر معمول برای امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا می‌باشد. (خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۵/۰۸/۱۴)**

**۳۳- تحریم‌های ایران به واسطه توانمندی دفاعی:**

اول فروردین ماه سال جاری، آمریکا و متحدان این کشور در نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل آزمایش موشک‌های بالستیکی از سوی ایران را مخالف و غیر منطبق با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت دانسته و خواستار تحریم و مجازات ایران شدند. (خبرگزاری فارس ۱۳۹۵/۰۸/۰۹)

در ۱۴ آوریل ۲۰۱۶ دولت آمریکا چهلمین گزارش حقوق بشری خود را تسلیم کنگره این کشور کرد. گزارشی که طبق معمول حاوی اتهاماتی بی اساس علیه ایران بود و بندهایی از آن نیز به صورت مستقیم رویکردی مداخله گرایانه در امور داخلی کشورمان داشت. در همان زمان «جاش ارنست» سخنگوی کاخ سفید، بار دیگر ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرد و گفت: «ما می‌دانیم ایران از تروریسم حمایت می‌کند». وی همچنین اضافه کرد که دولت آمریکا در مواردی به تنهایی و در مواردی به همراه کنگره ایران را به عنوان حامی تروریسم مورد تحریم قرار داده است.

(خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۵/۰۸/۰۹)

۳۵- قانون مقابله با اقدامات بی ثبات ساز ایران و وضع تحریم‌های جدید (خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۶/۰۳/۲۷)

۳۶- قانون یا تحریم کاتسا قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم است که بر اساس آن ایران، کره

شمالی و روسیه هدف قرار گرفته شده است. این قانون یا تحریم کاتسا راهبرد زیر را دارد:

- راهبرد منطقه‌ای مقابله با تهدیدهای متعارف و غیر متوازن ایران در خاورمیانه و شمال آفریقا

اعمال تحریم‌های بیشتر در پاسخ به برنامه موشک‌های بالستیک ایران

اعمال تحریم‌های مرتبط با تروریسم در رابطه با سپاه پاسداران

اعمال تحریم‌های بیشتر در رابطه با اشخاص مسئول در نقض حقوق بشر

اعمال تحریم‌های تسلیحاتی

تداوم تأثیر تحریم‌های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم

گزارش درباره هماهنگی تحریم‌ها میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا

گزارش درباره شهروندان آمریکایی بازداشت شده در ایران

قانون کاتسا چهارم مرداد ۹۶ در مجلس نمایندگان آمریکا تصویب شد و ۱۱ مرداد ماه توسط ترامپ امضا شد.

بر اساس قانون کاتسا دولت آمریکا موظف است ظرف ۹۰ روز این‌ها را علیه ایران اعمال کند. (خبرگزاری الف

۱۳۹۶/۰۸/۰۹)

۳۷- تلاش آمریکا برای ایجاد فضایی منفی علیه جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد، برخلاف تعهد جمعی کشورهای ۵+۱ برای تحقق "تغییر بنیادین" در رویکرد و تعامل شورا با جمهوری اسلامی ایران؛ (خبرگزاری مشرق نیوز ۱۳۹۶/۰۸/۰۱)

۳۸- تلاش برای جلوگیری از عادی سازی تجارت سایر کشورها با ایران و بهره مند شدن جمهوری اسلامی ایران از منافع اقتصادی برجام، از طریق دامن زدن و گسترش شک و تردید نسبت به آینده روابط اقتصادی و همکاری با ایران؛ (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۶/۱۱/۲۵)

۳۹- ایجاد مقررات دست و پاگیر و موانع روانی در مسیر دسترسی آسان بانک مرکزی ایران به منابع مالی خود؛ (روزنامه وطن امروز ۱۳۹۶/۰۸/۰۳)

۴۰- پیچیده نمودن و مشروط ساختن مقررات رفع تحریم‌ها از سوی وزارت خزانه داری آمریکا به منظور ایجاد تردید در بانک‌های غیرآمریکایی و اکراه آنها از همکاری با ایران؛ (روزنامه جام جم ۱۳۹۶/۰۸/۱۰)

۴۱- طراحی و تبلیغ گسترده در مورد سیاست غیرقانونی "بازنگری برجام" از سوی دولت جدید آمریکا و اشارات مکرر (مستقیم و غیرمستقیم) به امکان عدم تمدید اسقاط قوانین تحریمی آمریکا علیه ایران، با هدف ایجاد تردید و نگرانی نامحدود در جامعه اقتصادی جهانی نسبت به آینده روابط اقتصادی با ایران؛ (خبرگزاری مهر ۱۳۹۶/۰۸/۰۱)

۴۲- تشدید و افزایش مقررات دست و پاگیر وزارت خزانه داری آمریکا جهت شرکت‌های غیرآمریکایی برای همکاری با ایران؛ (خبرگزاری مهر ۱۳۹۶/۰۸/۰۱)

۴۳- تمدید اسقاطیه های تحریم‌های ایران توسط دولت جدید آمریکا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۲۶)

۴۴- حمایت از تروریسم و داعش علیه ایران و محور مقاومت (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۹۶/۰۹/۰۵)

۴۵- حمایت آشکار و رسمی رئیس جمهور، دولت و کنگره آمریکا از آشوبگران و فتنه گران در ایجاد آشوب و ناآرامی در دی ماه ۹۶ و کشاندن موضوع اغتشاشات محدود سه روزه بعضی شهرهای ایران به

شورای امنیت سازمان ملل و درخواست از شورای امنیت سازمان ملل برای مداخله در امور داخلی

ایران (باشگاه خبرنگاران جوان ۱۳۹۶/۱۰/۱۵)

۴۶- پس از برجام لحن مقامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی بسیار شدیدتر شده و شاید اعراق نباشد اگر بگوئیم روزی بدون اعلام موضع شدید مقامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی به پایان نمی‌رسد و هفته‌ای بدون اعلام موضع رسمی رئیس جمهور یا سخنگوی کاخ سفید علیه جمهوری اسلامی تمام نمی‌شود از آنجا که فهرست کردن این مواضع خود یک کتاب قطور می‌شود.

### برداشت و آرونه از اقتصاد مقاومتی

امروزه بین موافقان و مخالفان برجام این اجماع وجود دارد که آمریکا به تعهدات خود عمل نکرده است و گشایشی که در روابط اقتصادی بین المللی جمهوری اسلامی وعده داده شده بود حاصل نشده است الان دو و نیم سال از اجرای برجام گذشت اما نه وضعیت تحریم های آمریکا و نه وضعیت اقتصادی مردم آن گونه که وعده داده شده بود بهبود پیدا نکرد. دولتمردان در روزهای اول دولت جدید بر این باور بودند که اگر مشکلات هسته‌ای ایران رفع و رجوع شود، اقتصاد نیز راه خود را پیدا خواهد کرد. بنابراین مشکل اصلی اقتصاد ایران را حل نشدن توافق هسته‌ای دانستند لذا تصمیم گرفتند ابتدا مشکل هسته‌ای را حل کنند و بعد برای اقتصاد ایران تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کنند.

بر این اساس نیز وقتی در سال ۹۳ از مسعود نیلی، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهوری و تئوریسین اصلی اقتصادی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در دانشکده اقتصاد دانشگاه شریف پرسیده شد «برنامه اقتصادی دولت یازدهم چیست»، پاسخ داد: «حل بحران هسته‌ای مهم‌ترین مناقشه ایران در شرایط کنونی است. بدون حل

مناقشات هسته‌ای، نمی‌توان به اقتصاد دست زد!» (روزنامه کیهان ۱۳۹۶/۱۲/۰۵)

بر همین اساس نیز دولت یازدهم تمام برنامه‌های اقتصادی خود را به حل بحران هسته‌ای و در ادامه ورود سرمایه‌گذار خارجی به ایران منوط کرد، موضوعی که با استناد به آمارهای جهانی نشان می‌دهد کاملاً رنگ باخته است. تیم اقتصادی دولت روحانی که جریان اقتصاددانان معتقد به بازار آزاد از جمله مسعود نیلی و محمد نهاوندیان هدایت آن را برعهده دارند، معتقدند با حل بحران هسته‌ای و توافق با غرب به راحتی می‌توانند زمینه ورود خارجی‌ها را در اقتصاد ایران فراهم کنند.

مصدق بارز این دیدگاه اظهارات محمد نهاوندیان در سخنرانی قبل از خطبه‌های نماز جمعه تهران بعد از برجام بود که یکباره برجام را در راستای اقتصاد مقاومتی تعریف و اظهار کرد «اقتصاد مقاومتی یعنی مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی با کشورهای خارجی». (روزنامه فرهیختگان ۱۳۹۶/۱۰/۲۷) او گفت: بعد از برجام سرعت اجرای اقتصاد مقاومتی نیز افزایش یافته است؛ چراکه خارجی‌ها برای سرمایه‌گذاری به ایران خواهند آمد. وقتی آنها برای سرمایه‌گذاری به ایران می‌آیند، منفعت مشترک با ما خواهند داشت و دیگر در اثر تحریم‌ها و شرایط مشابه، مانند دفعات قبل کشور ما را ترک نخواهند کرد و این یعنی اقتصاد مقاومتی!

### اقتصاد پس از برجام

اما آنچه عملاً اتفاق افتاد هیچ‌یک از نظرات دولت روحانی نبود الان را بیش از ۹۰۰ روز از اجرای برجام گذشته است، اما روند سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یک شاخص بسیار مهم در اقتصاد (نشان‌دهنده روند تعاملی اقتصاد ایران با جهان) تقریباً نا امیدکننده است. سرمایه‌گذاری خارجی که در اوج تحریم‌ها در دولت قبل عددی معادل ۴٫۶ میلیارد دلار بود دو سال بعد از اجرای برجام آن‌هم در حالی که به گفته دولتی‌ها بیش از ۴۰۰ هیات خارجی به ایران آمد و رفت کردند رقمی معادل ۳/۳ میلیارد را نشان می‌دهد (خبرگزاری عصر فرهنگ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰) که پیش‌بینی دولتیان و نیلی درباره رابطه برجام و حل شدن معضلات اقتصادی کشور را باطل می‌کند.

### اغلب پروژه‌ها آغاز نشده است!

شواهد حاکی از آن است که قراردادهای ایران و کشورهای اروپایی بعد از برجام غالباً پروژه‌ها کار را آغاز نکرده‌اند! در این گزارش فقط به دو نمونه کوچک اشاره می‌شود. در پروژه تولید خودروی پژو ۲۰۰۸ (ایران-فرانسه) هنوز کار تولید خودرو آغاز نشده<sup>۸</sup> است و اگر هم بشود عقب‌گرد صنعت خودرو سازی ایران از طراحی و تولید به مونتاژ کاری محسوب می‌شود و همچنین قرارداد ایران و توتال نیز که زنگنه، وزیر نفت آن را بی‌نظیر و موفقیت بزرگ نفتی در صنعت نفت جمهوری اسلامی توصیف کرده است، فعلاً به‌صورت رسمی آغاز نشده است.

<sup>۸</sup>. آنچه در خیابان‌های تهران مشاهده می‌شود خودروهای ۲۰۰۸ وارداتی از فرانسه است.



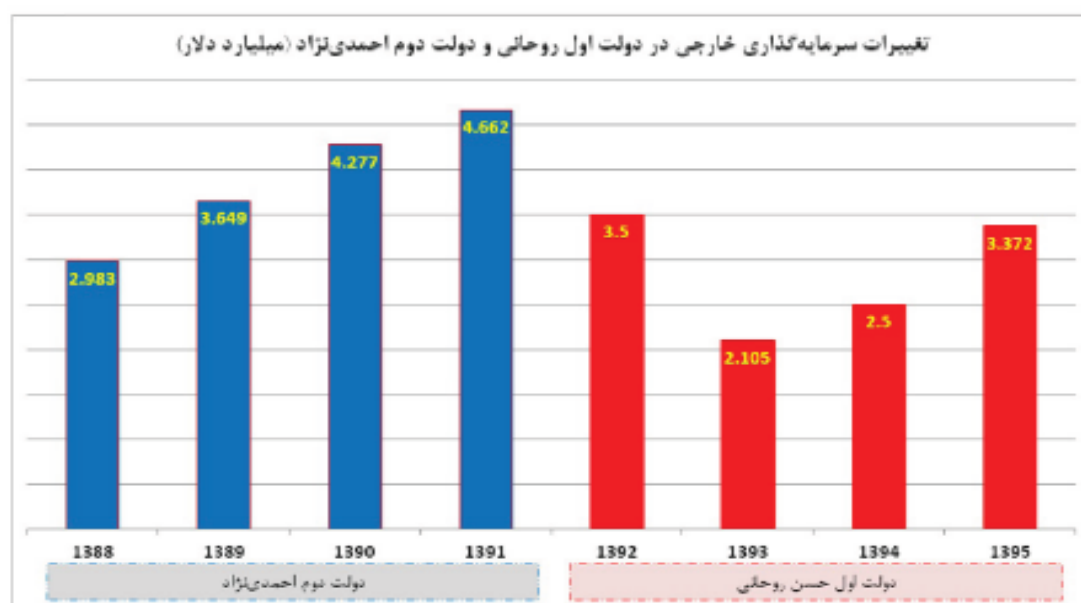
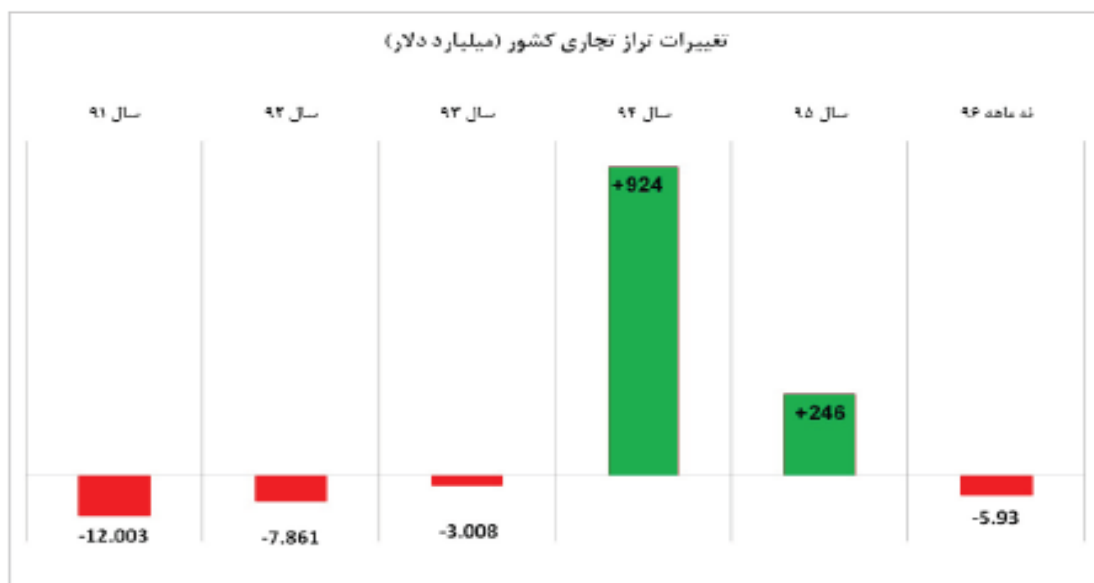
## نقل و انتقال بانکی کماکان مانند سابق!

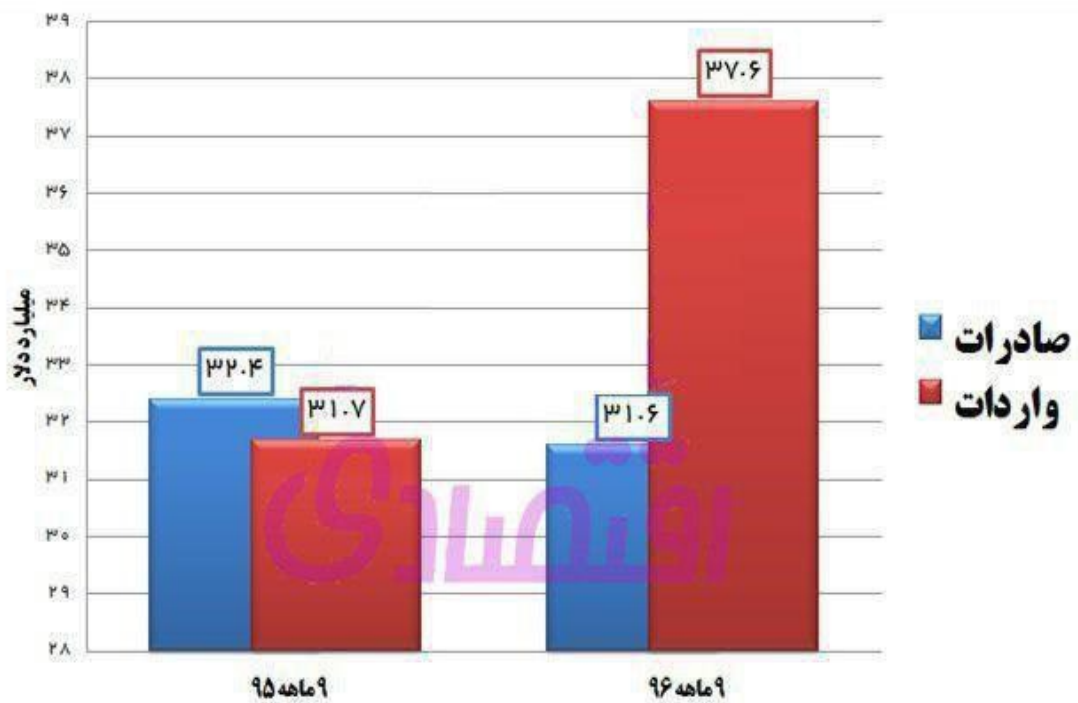
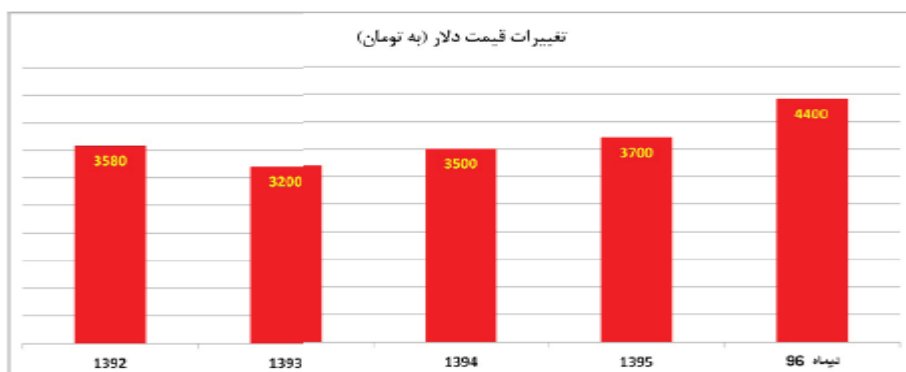
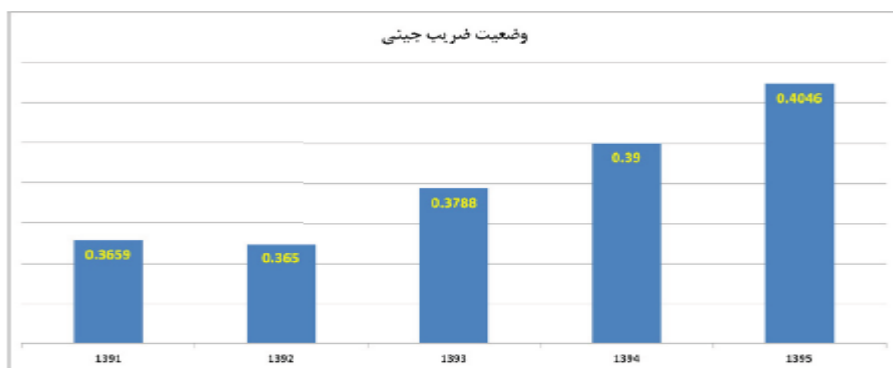
نقل و انتقال پول همچنان با مشکل مواجه است. هنوز بانک‌های خارجی بزرگ بعد از گذشت ۸۰۰ روز با ما کار نمی‌کنند و نگرانند تا نکند از سوی آمریکا جریمه شوند. برجام که قرار بود مشکل آب خوردن ایرانی‌ها را هم حل کند، چرا نتوانسته مشکل روابط کارگزاری ایران با بانک‌های متوسط به بالا را با ایران حل کند؟ این موضوع چندین نوبت توسط مدیر عامل بانک مرکزی و همچنین دست اندرکاران برجام در رسانه‌های عمومی مطرح شده است.

### نمودارها

## بدتر شدن برخی شاخص‌های کلان اقتصادی بعد از برجام

نگاهی به برخی آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد اوضاع اقتصادی و برخی شاخص‌های آن نه تنها بعد از برجام بهبود نیافته که حتی بدتر نیز شده است. به عنوان مثال ضریب جینی که بیانگر شکاف طبقاتی در جامعه است در حالی که قبل از برجام ۳۷٪ بود در پایان سال ۹۵ از ۰,۴۰ نیز عبور کرده است و نشان از بدتر شدن وضعیت عدالت و اقتصادی مردم کوچه و بازار دارد. نرخ بیکاری نیز که تا قبل از اجرای برجام در محدوده ۱۰ درصد بود، بعد از اجرای برجام یعنی در پایان سال ۹۵ به محدوده ۱۲,۴ درصد رسیده است! همچنین قیمت دلار که قبل از اجرای برجام در محدوده قیمتی ۳۲۰۰ تومان رفت و آمد داشت امروز بعد از گذشت برجام از محدوده قیمتی ۷۰۰۰ تومان عبور کرده که با دخالت دولتی بصورت عرضه محدود به قیمت ۴۲۰۰ تومان رسیده است تراز تجاری نیز اوضاع مناسبی ندارد و بعد از چندین ماه مثبت شدن، امروز به منفی ۶ میلیارد دلار رسیده است. (خبرگزاری ۱۳۹۶/۱۰/۲۷) و با توجه به این واقعیت‌ها همه ی صاحب‌نظران اذعان دارند که دستاوردهای اقتصادی برجام و با وجود امتیازات بسیار بزرگی که در حوزه‌های هسته‌ای، فنی و علمی به طرف مقابل داده شد آنگونه که انتظار می‌رفت، توانسته مشکلات اقتصادی کشور و مردم را برطرف کند؟





## فایده مذاکره با آمریکا

تجربه دیگری که با نگاه به این واقعیت ها به تجربه به مردم ایران اضافه می شود و میتوان آنرا تجربه نوزدهم اینست که مذاکره با آمریکا نه تنها نفعی برای ملت ایران ندارد بلکه کاملاً مضراست در این زمینه امام خامنه ای عزیز در دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب - ۲۲/۰۵/۱۳۹۳ می فرمایند:

"رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور به جز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه تنها هیچ نفعی ندارد بلکه ضرر هم دارد و کدام عاقلی است که دنبال کار بی منفعت برود!؟"

عده ای اینجور وانمود می کردند که اگر با آمریکایی ها دور میز مذاکره بنشینیم بسیاری از مشکلات حل می شود، البته ما می دانستیم اینجور نیست اما قضایای یک سال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد.

در گذشته میان مسئولان ما و مسئولان آمریکا هیچ ارتباطی نبود اما در یک سال اخیر بخاطر مسائل حساس هسته ای و تجربه ای که مطرح شد انجام بشود، بنا شد مسئولان تا سطح وزارت خارجه تماس ها، نشست ها و مذاکراتی داشته باشند اما از این ارتباطات نه تنها فایده ای عاید نشد بلکه لحن آمریکایی ها تندتر و اهانت آمیزتر شد و توقعات طلبکارانه ی بیشتری را در جلسات مذاکرات و در تریبون های عمومی بیان کردند.

البته مسئولان ما در نشست ها در جواب طلبکاری آنها، جواب های قوی تر و گاهی گزنده تر دادند، اما در مجموع معلوم شد مذاکره برخلاف تصورات برخی ها، به هیچ چیز کمک نمی کند.

آمریکایی ها نه تنها دشمنی ها را کم نکردند بلکه تحریم ها را هم افزایش دادند! البته می گویند این تحریم ها، جدید نیست اما در واقع جدید است و مذاکره در زمینه ی تحریم هم، فایده ای نداشته است.

البته در زمینه‌ی ادامه‌ی مذاکرات هسته‌ای، منع نمی‌کنیم و کاری که دکتر ظریف و دوستانشان شروع کردند و تا امروز هم خوب پیش رفتند دنبال می‌شود اما این، یک تجربه‌ی ذیقیمت دیگر برای همه بود که متوجه شویم نشست و برخاست و حرف زدن با آمریکایی‌ها، مطلقاً تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد و بدون فایده است.

این کار ما را در افکار عمومی ملت‌ها و دولت‌ها به تذبذب متهم می‌کند و غربی‌ها با تبلیغات عظیم خودشان، جمهوری اسلامی را دچار انفعال و دوگانگی جلوه می‌دهند.

تا وقتی وضع کنونی یعنی دشمنی آمریکا و اظهارات خصمانه دولت و کنگره آمریکا درباره ایران ادامه دارد تعامل با آنها نیز هیچ وجهی ندارد".

و همینطور می‌فرمایند: "هیچ‌وقت نسبت به مذاکره‌ی با آمریکا خوش‌بین نبودم. نه از باب یک توهم بلکه از باب تجربه؛ تجربه کردیم. نه از باب یک حالا اگر یک روزی — ما که در آن روز قاعدتاً نخواهیم بود — شماها ان شاء الله در جریان حوادث و جزئیات و یادداشت‌ها و نوشته‌های این روزها قرار بگیرید، خواهید دید که این تجربه‌ی ما از کجا حاصل شده؛ تجربه کردیم".

با این اوصاف تجربه نوزدهم که کمی متفاوت تر از تجربه‌های قبلی است و نه یک تجربه نخبگانی بلکه امروز یک تجربه عمومی ملت ایران است و اگر در کوچه و بازار از هر کسی سوال کنید این تجربه را به صراحت می‌شنوید، این است که رژیم ایالات متحده آمریکا رژیم‌ی عهدشکن و غیرقابل اعتماد است مذاکره با آمریکا بی فایده است و در هیچ مطلبی نمی‌توان با او به توافق پایدار رسید.

این تجربه بسیار مهم که در سابق بارها در روابط ایران و آمریکا و همچنین روابط سایر کشورها با آمریکا به اثبات رسیده بود با عملکرد ایالات متحده در موضوع برجام یک مهر تأیید محکم خورد البته همانطور که گفته شد این موضوع قبلاً هم بارها تجربه شده بود و بر اساس آموزه‌های بزرگ ملی و مذهبی که به ما می‌گوید آزموده را آزمودن خطاست و "لا یلدغ المؤمن من جحر واحد مرتین" که رسول خدا (ص) نقل شده که می‌فرمایند "مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود".

نباید تن به این آزمون مجدد می دادیم اما از آنجا که برای بسیاری از افراد تحت تأثیر تبلیغات نادرست این تصور ایجاد شده بود که با مذاکره و قدری نرمش در مقابل آمریکا می شود کارشکنی های اقتصادی توسط آنها را منتفی کرد رهبری معظم انقلاب با اعلام صریح و مکرر اینکه من به آینده این کار خوشبین نیستم برای اینکه این دسته از افراد از کاروان انقلاب اسلامی و توده های مردم جدا نشوند تحت عنوان نرمش قهرمانانه به این مذاکرات رضایت دادند و از ابتدا هم گفتند این را رضایت می دهم تا تجربه جدیدی برای ملت ایران اضافه شود و بدانند که آمریکا بدعهد است و همینطور هم شد و امروز می بینیم که آمریکا نه تنها به تعهدات خود در برجام پایبند نیست، حتی بحث خروج از برجام را مطرح می کنند.

در زمینه این تجربه امام خامنه ای عزیز می فرمایند:

"این مذاکراتی که دارد انجام میگیرد — که بخشی از آن هم مذاکره‌ی با طرفهای آمریکایی است — فقط در موضوع هسته‌ای است؛ فقط. ما در هیچ موضوع دیگری فعلاً با آمریکا مذاکره نداریم؛ هیچ؛ این را همه بدانند؛ نه در مسائل منطقه، نه در مسائل گوناگون داخلی، نه در مسائل بین‌المللی؛ امروز فقط موضوع مورد بحث و مورد مذاکره، مسائل هسته‌ای است. حالا، این تجربه‌ای خواهد شد؛ اگر طرف مقابل از کج‌تابی‌های معمولی خودش دست برداشت، این یک تجربه‌ای برای ما میشود که خیلی خوب، پس میشود در یک موضوع دیگر هم با اینها مذاکره کرد؛ اما اگر دیدیم نه، این کج‌تابی‌هایی که همیشه از اینها دیده‌ایم باز هم وجود دارد و کج‌راهه دارند میروند، خوب طبعاً تجربه‌ی گذشته‌ی ما تقویت خواهد شد". (بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت ۲۰ فروردین ۱۳۹۴)

"یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است — که حالا من مختصراً عرض خواهم کرد — این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه‌ی تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت، که آن وقت تعلیق غنی‌سازی را در مذاکرات با همین اروپایی‌ها، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت. خوب ما دو سال عقب افتادیم، لکن به نفع ما تمام شد. چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. اگر ما آن تعلیق اختیاری را — که البته به نحوی تحمیل شده بود، لکن ما قبول کردیم، مسئولین ما قبول کردند — آن روز قبول نکرده بودیم،

ممکن بود کسانی بگویند خب یک ذره شما عقب‌نشینی میکردید، همه‌ی مشکلات حل میشد، پرونده‌ی هسته‌ای ایران عادی میشد. آن تعلیق غنی‌سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب‌نشینی، با تعلیق غنی‌سازی، با عقب افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمیشود؛ طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است؛ این را ما فهمیدیم، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی‌سازی را آغاز کردن. امروز وضعیت جمهوری اسلامی با سال ۸۲، زمین تا آسمان فرق کرده؛ آن روز ما چانه میزدیم سر دو، سه سانتریفیوژ، [در حالی که] امروز چندین هزار سانتریفیوژ مشغول کارند." (بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۹۲/۰۸/۱۲)

رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور به جز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه تنها هیچ نفعی ندارد بلکه ضرر هم دارد و کدام عاقلی است که دنبال کار بی‌منفعت برود!؟

عده‌ای اینجور وانمود می‌کردند که اگر با آمریکایی‌ها دور میز مذاکره بنشینیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود، البته ما می‌دانستیم اینجور نیست اما قضایای یک سال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد.

### **یک قدم عقب بروی چند قدم پیشروی می‌کنند**

از تجربه‌های تاریخی فراوانی که ذکر شد و از جمله برخوردهای آمریکا بعد از برجام یک تجربه خیلی بزرگ دیگر حاصل می‌شود که شاید بتوان گفت که آن هم با توجه به تکرار قرائن و شواهد جنبه تجربه عمومی مردمی پیدا کرده است این است که هر قدمی ما در مقابل دشمن عقب برویم و او جلو می‌آید و هر نرمشی در مقابل استکبار نشان دهیم آتش او تندتر می‌شود این تجربه عینی و غیرقابل انکار که بارها و بارها اتفاق افتاده بود در مسأله برجام به طور کامل نه فقط برای خوشبین ترین افراد به آمریکا بلکه برای ساده لوح ترین افراد هم احراز شد. همه دیدیم که از همان هفته امضای برجام تحریم‌های گسترده تر آغاز شد همه دیدند که اگر قبل از برجام قطعنامه‌ها و قوانین و مقررات ضدایرانی در آمریکا هر ۲-۳ ماه یک بار مطرح می‌شد، بعد از برجام فاصله اقدامات عملی علیه ایرانی به ۲-۳ هفته و سپس به اقدامات هفتگی رسید و اکنون روزی نمی‌گذرد که مواضع یا

اقداماتی علیه ایرانی اسلامی از سوی مقامات آمریکایی نداشته باشیم. عوامل داخلی دشمن که می خواهند چهره آمریکا را بزرگ کنند می گویند اینها به خاطر "مرگ بر آمریکا" گفتن ماست شما مرگ بر آمریکا نگویید تا آنها اینطور عمل نکنند به آقایان باید پاسخ داد که اولاً در این اواخر که "مرگ بر آمریکای" ما زیاد نشده که آتش آنها را تند کرده باشد چیزی که در دو سه سال اخیر زیاد شده مرگ بر آمریکا نبوده بلکه نرمش با آمریکا بوده و این چیزی است که آتش آنها را تند کرده است و گر نه مقدار مرگ بر آمریکای ما همان مقدار سابق است.

## ضعیف ترین دیپلماسی تاریخ جمهوری اسلامی آنچه موجب جری تر شدن دشمن شده

آنچه موجب شد در برجام امتیازات بنفع دشمن تمام شود و محصول کار از سوی رهبری خسارت محض نامیده شود و آنچه موجب جری تر شدن دشمن شد تداوم حرکت انقلابی مردم ایران نیست بلکه ارائه ی ضعیف ترین دیپلماسی بعد از انقلاب اسلامی در روابط خارجی بود که اینطور دشمن را جری کرد کاملاً برخلاف آنچه برخی رسانه ها در آن دمیدند و رسانه های خارجی هم بشدت به آن دامن زدند که آقای ظریف را یک دیپلمات کارگشته و استثنائی معرفی کنند و شاید این مسأله در افکار عمومی هم جا افتاده باشد برخلاف اینکه دولت یازدهم تلاش کرد برای پوشش دادن به ناتوانی های شدید در اداره ی امور کشور و سامان دادن به اقتصاد تولید دیپلماسی را نقطه قوت خود معرفی کند و با دعوت مسلسل وار نمایندگان دولتمردان اروپایی به ایران و انداختن عکس یادگاری شاید این مسأله را در افکار عمومی هم جا انداخته باشد بطور قطع تمام اینها یک فضا سازی پوچ رسانه ای بیشتر نیست و با قاطعیت می توان گفت دولت یازدهم ضعیف ترین دیپلماسی خارجی را به اجرا گذاشت این حرف یک شعار یا قضاوت یک طرفه نیست در اینجا بعضی دلایل را در حد ظرفیت این بحث ارائه می کنم تا شما خود قضاوت کنید.

هر دیپلمات معمولی که نه حتی دانشجوی روابط خارجی بلکه نه عوام الناس هم این اصل دیپلماسی را می فهمند که وقتی در حال مذاکره با دشمن هستید باید خود را قوی نشان دهید و حتی اگر ضعفی دارید و حتی اگر در حال مرگ هستید با سیلی صورت خود را سرخ نگه دارند چون اگر برای طرف مقابل روشن شود که ما در ضعف هستیم بی شک امتیازات بیشتری خواهد گرفت حالا ببینیم عملکرد آقای ظریف و دولت یازدهم در رعایت بدیهی ترین دیپلماسی خارجی چگونه بود.



آقای دکتر ظریف وزیر خارجه دولت یازدهم در سخنرانی خود در آذر ماه ۱۳۹۲ بمناسبت روز دانشجو در دانشگاه تهران گفت: " آیا فکر کردید آمریکا که می تواند با یک بمب تمام سیستم دفاعی ما را از کار بیاندازد از سیستم دفاعی ما می ترسد؟" (خبرگزاری رجانیوز ۱۳۹۳/۰۲/۱۷) اولاً این حرف صد در صد غلط است و چنین بمبی در جهان ساخته نشده و اگر منظور بمب اتم هم باشد یک منطقه را از بین می برد نه تمام سیستم دفاعی را و قطعاً مسئولان نظامی برای چنین شرایط هم برای استمرار دفاعی پیش بینی های لازم را کرده اند. درثانی اگر چنین بمبی وجود دارد پس چرا علیه حزب اله لبنان بکار نمی گیرند کارش را تمام کنند؟ چرا در غزه استفاده نمی کنند و این مشکل حاد را از سر راه اسرائیل بر دارند.

مسئول دیپلماسی در اوج مذاکره ای که باید خودش را قوی نشان دهد قدرت نداشته ی دشمنش را به رخ ملت خود می کشد. از این ضعیف تر چه دیپلماسی در دنیا سراغ دارید؟ بر فرض که دشمن چنین توانایی داشته باشد در حین مذاکره که نباید آنرا علم کنی آیا این فقط یک جمله خطا بود که از دهانشان در رفت خیر این مسأله با قوت تمام در طول مذاکرات برجام ادامه یافت. آقای ظریف بارها در سخنرانی ها و مصاحبه ها همزمان با اوج مذاکرات می گوید: " امنیت کشور محصول مذاکرات برجام است " معنی این جمله چیست؟ یعنی اگر مذاکره نمی کردیم آمریکا حمله می کرد و امنیت ما را بهم می ریخت این حرف ها بدترین عباراتی است که می توان در وسط مذاکره گفت چرا که شرایط را بشدت بنفع حریف و به ضرر ما تغییر می دهد مسأله هم فقط آقای ظریف نیست بلکه دولت یازدهم تمامی توان و استعداد خودش را بکار گرفت تا در حین مذاکرات ایران را در نهایت ضعف و ناتوانی و محتاج به نتایج مذاکره نشان دهد و شاید بتوان گفت د. لتمردان دولت یازدهم در کاربرد دیپلماسی علیه ملت ایران از خود نبوغ نشان دادند به بعضی از عبارات توجه بفرمایید.

آقای روحانی رئیس جمهور در اوج مذاکرات برجام طی سخنرانی در کسب رأی اعتماد برای بعضی اعضای کابینه خود گفت: " خزانه خالیست و من یک وقتی گفته خزانه خالی را تحویل گرفتم الان می بینیم صندوق ها هم خالیست " (خبرگزاری اعتماد آنلاین ۱۳۹۶/۰۵/۲۹) اولاً این حرف خلاف واقع بود و آقای دکتر احمدی نژاد طی نامه ای مستند و مستدل با عدد و رقم این ادعا را پاسخ گفت. ثانیاً حتی اگر این حرف صحت داشت آیا آقای روحانی این بدیهیات دیپلماسی را نمی داند یا می داند و می خواهد موضع ایران را در مذاکرات ضعیف و دشمن را جری کند؟

آیا در چنان موقعیت های حساس وقت گفتن چنین حرفی بود؟

سخنگوی همین دولت معنی این اظهارات را گرا دادن برای جری تر کردن دشمن می داند.

اظهارات آقای نوبخت سخنگوی دولت در ۲۵ مهرماه ۱۳۹۶ در واکنش به چنین اظهاراتی که ظاهراً اینبار بعد از پایان

مذاکرات توسط مخالفان دولت بیان شد، چنین است:

محمد باقر نوبخت سخنگوی دولت:

" من از کسانی که با دولت مخالفت هایی دارند تقاضا می کنم در حال حاضر وحدت را در کشور به نمایش

بگذارند و مدام نگویند منابع مالی ما برای اداره کشور کم است. کسانی که بیرون از مرزها نشسته اند اگر

بینند که ما وضعیت اقتصادی خوبی نداریم و منابع مالی در اختیارمان کافی نیست در اقداماتشان جری تر

می شوند..... چرا عده ای در داخل کشور می خواهند گرا بدهند که منابع مالی کم داریم؟ ما منابع مالی

داریم و با همان هم می توانیم به توسعه کشور پردازیم" (خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۶/۰۷/۲۵)

اولاً جواب خزانه خالی را خود آقای نوبخت داد و ثانیاً وقتی از نظر نزدیکترین همکار آقای روحانی مسأله واضح است

که حتی در شرایط پس از اتمام مذاکرات در سال ۹۶ کسی از کم بودن خزانه صحبت کند گرا دادن به دشمن است

کسی که نه بعد از مذاکرات در حین مذاکرات و نه از کمبود منابع بلکه از خالی بودن خزانه حرف می زند نسبت

حرفش با دشمن چیست؟ گرا دادن به دشمن نمی دانم رئیس جمهور محترم آیا این الفبای دیپلماسی را که آقای

نوبخت هم به آن اذعان دارد نمی دانست یا میدانست و عمداً چنین حرفی را زد در هر دو صورت .....

نظایر این حرفها در طول مذاکرات بارها تکرار شد "آب خوردن ما هم به برجام وابسته است" سخن طنز گونه

رئیس جمهور محترم: "دغدغه رئیس جمهور فرانسه دغدغه اشتغال جوانان ایرانی را دارد" در موقعیت

مذاکرات موضع ایران را به نهایت ضعف کشاند روشن است نتیجه چنین مذاکراتی چه می شود.

۲- از دیگر اصول خیلی روشن در دیپلماسی ضرورت در دست داشتن ابتکار عمل در تمامی شرایط در مذاکره با دشمن

است اگر سالهای طولانی در مقابل یک کشور قرار داشته اید و روابط کاملاً خصمانه بوده است و این روابط خصمانه

نهادینه شده در پیشنهادهای طرف مقابل قطعاً خیرخواهی برای شما نیست لذا پذیرفتن پیشنهاد طرف مقابل بدون

بررسی عوارض پیش بینی مضرات و مهار و خنثی سازی آن ضررها سپردن فرمان سیاست به دشمن است واگذاری مدیریت صحنه به طرف مقابل است از وزیر خارجه می پرسید برای چه با وزیر خارجه آمریکا قدم زدی و اجازه دادی تصویر آن رسانه ای شود؟ او در پاسخ روزنامه اعتماد می گوید: "من به آقای کری گفتم نیاز به هواخوری و پیاده روی دارم ایشان هم پیشنهاد کردند با من همراهی کنند" پذیرش بلادرنگ پیشنهاد مضر حریف در مذاکره؟! زیر پا گذاشتن بدیهی ترین اصول دیپلماتیک مذاکره با حریف بهانه اینکه می خواستیم حرفهای ما شنود نشود مضحک نیست؟ دشمن اصلی خودش طرف مذاکره است چه کسی قرار است شنود کند؟!!

سفر به فرانسه در بدترین شرایط یکی دو روز بعد از آنکه نخست وزیر فرانسه از انتشار کاریکاتور توهین آمیز به پیامبر اسلام (ص) حمایت می کند و یک روز قبل از تشکیل اجلاس سران منافقین در پاریس سفری که به پیشنهاد جان کری انجام شد و جز تحقیر رسمی ایران چیزی در پی نداشت.

بدتر از همه سندی است که اخیراً منتشر شد که اثبات می کند متن برجام بر اساس پیشنهاد طرف متخاصم تنظیم شده و تغییرات محدودی در آن اعمال شده که اینرا می شود یک افتضاح نامید.

۳- معمولاً وقتی دو طرف متخاصم به مذاکره تن می دهند معنا منطقی آن اینست که تقریباً به توازن قوا رسیده اند و کسی نتوانسته و به سادگی نمی تواند طرف مقابل را در میدان کارزار شکست دهد: این مسأله در مذاکرات هسته ای ایران و آمریکا کاملاً صدق می کند اگر آمریکا می توانست انقلاب اسلامی را از میان بردارد مذاکره نمی کرد و سالهای طولانی اصرار و التماس برای مذاکره نداشت. پس در حین مذاکره نوعی توازن قوا برقرار است. در این توازن پشتوانه قوه ی آمریکا روشن است که چیست؟ ناوگانش، نفوذش بر دلار معاملات بانکی، رسانه های انبوهش، امکان تحریم، دستگاه جاسوسی و خرابکاری اش و .... پشتوانه قوه ی ما در توازن قوا چیست؟ ناو هواپیما بر؟ دستگاه جاسوسی مسلط؟ امکان اخلال در اقتصاد آمریکا؟ همه میدانیم مؤلفه اصلی قدرت ما اول ایمان و وحدت و انسجام ملی و صلابت ملت ایران در دفاع از آرمانهایشان است و مؤلفه ی دوم نفوذ انقلاب اسلامی بر قلبهای مسلمانان و آزادیخواهان که نیروهای عظیم مقاومت در مقابل استکبار را در منطقه جهان شکل داده اند.

هر دیپلمات توانمندی باید مراقب باشد در حین مذاکره با حریف مولفه های قدرتش تضعیف نشود آیا انتشار پی در پی عکسهای خندان و صمیمی، قدم زدن، در گوشی صحبت کردن پیامش برای نفوذ منطقه ای ایران در ملتها چیست؟ تضعیف درجه آنان برای مقاومت یا تقویت این مولفه و شکستن صلابت ایران اسلامی.

در شرایطی که جهان اسلام یکپارچه علیه فرانسه بخاطر توهین به پیامبر برانگیخته شده همان روز سفر کردن به فرانسه با پیشنهاد دشمن اصلی آمریکا چه پیامی برای مؤلفه ی قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی دارد در آن روزها حسب اتفاق چند تن از فرماندهان ارشد مجاهدان مسلمان منطقه را دیدم بشدت از این مسائل گله مند بودند و احساس خطر می کردند و اگر اتفاقاتی مثل اسارت تفنگداران آمریکایی که خدا آنها ترتیب داد نبود واقعاً قافیه را در جهان اسلام باخته بودیم و مولفه اصلی قدرت در موازنه با آمریکا را بشدت تضعیف کرده بودیم.

۴- از بدیهیات دیگر دیپلماسی تلاش برای افزودن برگ های بازی است لازمه ی گرفتن امتیازات کافی در یک مذاکره موفق با طرف متخاصم حریف باید بداند که شما گزینه های مختلفی دارید اگر بخواهند زور بگویند و در کسب امتیازات مذاکره زیاده خواهی کند شما بازی را عوض می کنید.

در تمام طول مذاکره ارتباط جمهوری اسلامی با جهان تقریباً قطع شده بود. تمام روابط بسیار گسترده و صمیمی که با آمریکای لاتین داشتیم به حال تعلیق درآمده بود بجز رفت و آمدهای بسیار اندک همه ی دیپلماسی ایران و آمریکا و اروپا خلاصه شد دیپلماسی ایران تمام برگهای بازی را کنار گذاشت وقتی ترکیه هواپیمای روسی را در مرز سوریه سرنگون کرد. روسیه تمام روابط تجاری خود را با ترکیه قطع کرد. این بمعنای امکان جایگزین شدن ایران بجای صادرات چند میلیارد دلاری میوه و مواد غذایی ترکیه به روسیه بود دولت ما چه کرد؟ بجای گرفتن این بازار روسیه روابط با ترکیه را تقویت کرد.

وقتی روسیه و اروپا بجان هم افتادند اروپا روسیه را تحریم غذایی و روسیه اروپا را تحریم نفتی کرد بجای فعال سازی دیپلماسی اقتصادی و گرفتن بازار مواد غذایی روسیه و پر کردن جای خالی اروپا در روسیه که هم توان آنها داشتیم و هم نیاز به آن برای اشتغال در کشور شدیداً وجود داشت چه کردیم؟ همزمان وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را برای صادرات به اروپا جایگزین روسیه اعلام کرد. دیپلماسی از این شرم آورتر و حقارت آمیز تر هم می شود؟ از این ضعیف تر هم در دیپلماسی امکان پذیر است؟ بله امکان پذیر است اینکه برویم کفش سران اروپا را واکس

بزنیم و بگوییم بخدا قسم ما بشدت به شما نیاز داریم. همین رفتارها موجب شد که وزیر خارجه اسبق فرانسه در جلسه شام با حضور تجار فرانسوی گفت: "دولت ایران به این سفرها احتیاج دارد."

این جور چین است که کنار هم قرار می گیرد و از ایران مقتدر و رو به جلو یک تصویر غلط و وهم آلود شکست خورده و ناتوان در ذهن حریف ایجاد می کند و او را در پی گیری اخلال هایش مصمم تر می کند.

سخن در این باب طولانی و قرائن و مدارکی که دال بر ضعف مفرط دولت روحانی در دیپلماسی است فراوان و جای کتابهای متعدد تحت عنوان درسهای دیپلماسی سازش دارد و در این مقال مجال بیش از این نیست.

پس مسأله بر خلاف ادعای ایشان مسأله مرگ بر آمریکای مردم مظلوم ایران نیست که آنها را جری کرده است بلکه نشان دادن ضعف های مفرط در مذاکرات، ناتوانی دیپلماتیک و عقب نشینی است که به آنها جرأت پیشروی داده است.

در ثانی شما آقایان که ۴۰ سال است دارید تبلیغ می کنید "مرگ بر آمریکا یک حرف است و فایده ای ندارد و آمریکا به جای خودش است و با این شعارها به او آسیبی نمی رسد" چطور شد که امروز مدعی شده اید مرگ بر آمریکای ملت ایران اینقدر اثر دارد که آنها را به چنین واکنش هایی می اندازد.

لذا قبل از آنکه دلیل دوم در رد این ادعاها را بیاوریم اجازه دهید یک تجربه مهم دیگر انقلاب اسلامی را بر اساس همین واقعیت ثبت کنیم و تجربه بیستم انقلاب اسلامی این است که شعار اثر دارد و خیلی هم اثر دارد.

سال هاست که دشمن با کار رسانه ای و در شبکه شایعه پراکنان داخلی تلاش می کند به مردم ایران القاء کند که شعار اثر ندارد. می گویند از این همه شعار مرگ بر آمریکا چه نتیجه ای گرفتید؟ در پاسخ آنها باید گفت اولاً تجربه به ما نشان می دهد که شعارهای ملت مومن ایران دعاهای مستجاب است و یک به یک به نتیجه رسیده است. ملت ایران گفتند «مرگ بر شاه» و شاه ملعون فرار و سپس سقوط کرد. گفتند «مرگ بر بختیار» او هم سقوط کرد. گفتند «مرگ بر بنی صدر» او هم سقوط کرد. گفتند «مرگ بر منافق» آنها فراری و آواره شدند و پس از شکست زندگی ذلت بارتر از مرگ را زیر امر دشمنان و متجاوزان به ایران می گذرانند. مردم ایران شعار «مرگ بر شوروی» دادند، شوروی هم ساقط شد. شعار «مرگ بر صدام» دادند، او هم ساقط و فراری شد و با ذلت و خفت در بدترین بدنامی با حقارت مرد. اگر از شعارهای مهم ملت ما مرگ بر آمریکا هنوز مستجاب نشده همه مقدماتش آماده شده و امروز جهان شاهد

فروپاشی تدریجی آمریکا است و همچنین رژیم غاصب اسرائیل که مرگ او خیلی زود فرا خواهد رسید و الآن در مسلخ برای یکی دو روز عمر بیشتر دست و پا می زند.

ثانیاً اگر شعارهای ملت ایران نتیجه ای ندارد، چرا این همه عکس العمل نسبت به آن نشان می دهند نه فقط دولت ایران و حلقه به گوشان داخلی آمریکا هراز گاهی مردم را به قطع شعارها دعوت می کنند، بلکه اهمیت شعارهای مردم ایران در حدی است که رئیس جمهور آمریکا شخصاً نسبت به آن واکنش نشان می دهد آن هم در سخنرانی سالانه مجمع عمومی سازمان ملل که همه متفکران رژیم آمریکا فکرشان را روی هم می گذارند که مهم ترین و ضروری ترین سخنان رئیس جمهورشان گفته شود. نطق اواما در هفتادمین اجلاس سران کشورها در سازمان ملل به این جمله خطاب به مردم ایران اختصاص پیدا می کند که: «سر دادن شعار مرگ بر آمریکا برای ایرانیان اشتغال ایجاد نمی کند و ایران را امن تر نمی کند.» (روزنامه کیهان ۱۳۹۴/۰۷/۱۲)

که البته حرف کاملاً غلطی است چون مردم ایران هم پیشرفت و اشتغال واقعی مردم کشورشان را در طرد و مبارزه با آمریکا دیده اند و هم امنیت خودشان از ظلم و شکنجه و تجاوزات بیش از حد شاهان و طاغوت هایی مثل صدام را در مبارزه با آمریکا به دست آورده اند.

شعار مرگ بر آمریکا از این حرف ها هم مهم تر است تا جایی که رئیس جمهور بعدی آمریکا یعنی ترامپ در سخنرانی رسمی در نشست کمیته محافظه کاران آمریکا در اسفند ماه ۱۳۹۶ می گوید: «ایران مرگ بر آمریکا می گوید من چطور پایبندی آنها به توافقات را تأیید کنم؟» (خبرگزاری فارس ۱۳۹۶/۱۲/۰۴)

ترامپ بار دیگر در اردیبهشت ۱۳۹۷ در مصاحبه با برنامه فاکس اند فرندز این چنین ادعا می کند: "ایرانی ها عادت داشتند که فریاد مرگ بر آمریکا سر بدهند آنها دادن این شعار را سر نمی دهند آنها علیه اواما این فریاد را سر می دادند اما نه علیه من" که این خود اثر بخش بودن شعارها را می رساند.

بله شعارها اهمیت دارد ما این را کاملاً در این چهل سال تجربه کرده ایم آنها که می گویند شعار مرگ بر آمریکا اثر ندارد به قرن گذشته تعلق دارند قرنیه که در آن سلاح و پول حرف اول را می زد. آن دوران گذشت.

گذشت آن دورانی که قدرت های سلطه گر با جابجا کردن ناوهای هواپیمابر نظام را براندازی می کردند و با کودتاها مسیر حرکت ملت ها را عوض می کردند.

این قرن، قرن امام خمینی(ره) است. قرن غلبه ارائه ملت هاست و در دوره حاکمیت اراده ملت ها شعارها و پیام هاست که افکار را می سازد و جهت قدرت مرکزی را تعیین می کند و این از تجارب بزرگ انقلاب اسلامی است که از شعارهای اساسی مان دست برداریم و به ویژه دو شعار راهبردی که در آستانه تحقق آن هستیم را با قوت تکرار کنیم و در عالم نشر دهیم «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» که مرگ هر دو بسیار نزدیک است.

همانگونه که امام خمینی(ره) در پیام برائت فرمودند:

«این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و مرگ بر آمریکا و شوروی و اسرائیل گفت.»(امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۸۴)

«از خدا می خواهیم که این قدرت به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلیمن که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ بر آمریکا و شوروی را به صدا در آوریم.»(امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۸۲)

و در منشور روحانیت فرمودند: ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده ایم. ما شعار مرگ بر آمریکا را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده ایم تا همه شعارهای مان را با عمل محک زده ایم.

و همچنین در منشور برادری فرمودند: "هدف گیری های ما باید به گونه ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه داری غرب و در رأس آن آمریکای جهانخوار و کمونیزم و سوسیالیزم بین المللی و در رأس آن شوروی متجاوز باشند".

فلذا این تجربه محرز است که شعارهای مردم و تظاهرات مردم بسیار مؤثر است و آنطور که دشمن القاء می کند بی تأثیر نیست و درست است که این شعارها کار را پیش برده اما این ادعا که این شعارها دلیل عهد شکنی دشمن است ادعای باطل است.

۳۶-۷ سال بود که شعار مرگ بر آمریکا می دادیم ولی آنها هیچ وقت جرأت نکرده بودند اموال ملت ایران را مصادره کنند و دقیقاً بعد از اینکه مرگ بر آمریکا را شل کردیم و مذاکره کردیم و نرمش نشان دادیم و رئیس جمهور کشور با رئیس جمهور جنایتکار آمریکا تلفنی صحبت کرد و وزیر خارجه مان با آنها در خیابان قدم زد، همین ها به آنها جرأت داد که دستشان را روی رگبار تصویب قانون علیه ایران بگذارند و بالاتر از آن رسماً به اموال ملت ایران دستبرد بزنند و ۲ میلیارد دلار پول ایران را زدند و آقای روحانی هم که فرمودند از حلقومتان بیرون می کشیم با گذشت ۲ سال یک سنت آن را هم نتوانستند پس بگیرند و ظاهراً اصلاً شکایتی هم به هیچ مرجع قانونی نکرده اند. چه رسد به اینکه از حلقومش بیرون بکشند.

در مقابل این کوتاه آمدن ها دشمن فقط جری تر شده است و بس. آنها امتیازات برجام را گرفتند و امتیازاتی را که وعده داده بودند، ندادند و حالا مسائل جدید را مطرح می کنند و انتظار دارند امتیازات جدید هم بدهیم و موشکی و قدرت منطقه ای را به دست خودمان منحل کنیم.

بله با قاطعیت می شود گفت که از تجارب ۴۰ ساله مقاومت ملت ایران در مقابل استکبار یکی همین مسأله است که تنها راه پیشبرد اهداف و حفظ منافع ملی کشورها در مقابل استکبار، ایستادگی محکم روی مواضع و کوتاه نیامدن است و به تجربه ثابت شده که اگر یک قدم عقب بگذاریم آنها چند قدم پیشروی خواهند کرد و منافع ما را به تاراج خواهند برد. و این را بعنوان تجربه بیست و یکم در خاطر می سپاریم. همانطور که امام خامنه ای می فرمایند: "کشور ما دشمن دارد، معارض دارد. در عرصه‌ی بین‌المللی، دشمن بین‌المللی دشمنی نیست که با رودربایستی و با من بمیرم، تو بمیری کنار بکشد؛ در دنیا سیاست این‌جوری نیست که با رودربایستی بگوییم: طرف را خجالت‌زده کنیم، مثلاً عقب بکشد؛ نخیر، هرچه شما ضعف نشان بدهید، او می‌آید جلو؛ هرچه شما عقب بکشید، او جری‌تر می‌شود. این را ما تجربه کردیم؛ یک جاهایی عقب کشیدیم، دشمن ما جری‌تر شد؛ یک چیزی او گفت، ما به خیال یک مصلحتی حرف او را قبول کردیم، دیدیم پایش را گذاشت روی آن حرف، یک قدم آمد جلو؛ دشمن این‌جوری است". (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۰۳/۲۲)



اینجاست که ضرورت حضور منطقه ای جمهوری اسلامی به عنوان اهرم اقتدار خودنمایی می کند. اینجاست که ضرورت قدرت موشکی جمهوری اسلامی خود را می نمایاند اینجاست که ضرورت صلابت و ایستادگی و استمرار مرگ بر آمریکا خودش را نشان می دهد اگر اینها نباشد، ما را خواهند بلعید.

حضور نیروهای مستشاری جمهوری اسلامی ایران در کنار مجاهدان منطقه موجب اقتدار کشور در مقابل استکبار و به یأس کشاندن آنها از استمرار اخلال و ضربه زدن به جمهوری اسلامی می شود و امنیت جمهوری اسلامی در مقابل تروریست های تحت حمایت آمریکا و اروپا را بدنبال دارد اما انگیزه اصلی نیروهای انقلاب اسلامی از این حضور اینهنایست انگیزه و هدف اصلی تحقق رسالت الهی یک موحد است، نفی حاکمیت طاغوت مبارزه با ظلم و ستم و تجاوز.

کسی که شیعه است باید وصیت امام اول خود را عملی کند که خطاب به فرزندان بزرگوارشان فرمودند: **کونا الظالم خصماً و للمظلوم عوناً**، دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید آنکه شیعه نیست و لاقبل مسلمان است به این بیان رسول خدا(ص) باید پایبند باشد که فرمودند: **"من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم"**. آنکه صدای استغاثه و کمک طلبیدن کسی مسلمانان را به کمک فرا می خواند بشنود و کمک نکند مسلمان نیست. و قرآن که می فرماید: و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرمنا من هذه القریه الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً(۷۵ سوره نساء)

قرآن مسلمانان را مواخذه می کند و می پرسد شما را چه شده که در راه خدا و آزادی مستضعفین از مردان و زنان و بچه ها مبارزه و جنگ نمی کنید، در راه کسانی که می گویند پروردگارا ما را از این جامعه و نظامی که ستمگرند نجات ده و برای ما از جانب خود یار و یاور و سرپرستی قرار ده.

شرط پیوند ناگسستی با خدا و توحید واقعی مبارزه با طاغوت ها و کمک به ستمدیدگان در مقابل ظالمان است در آیه

الکرسی هر روز چه می خوانیم فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لانقسام لها

پس آنکس که به رویارویی با طاغوت برخاسته و به خدا ایمان آورد هم او به ریسمان محکمی ناگسستی چنگ زده است اینها انگیزه حضور داوطلبانه جوانان و پیشکسوتان پر شور ایرانی در جبهه مقاومت است. دفاع از مظلومان، دفاع از مسلمانان، دفاع از حرم، مبارزه با ظلم و ستم.

اینکه با این حضور مدافعان حرم در جبهه مقاومت امنیت ما برقرار می شود این از تبعات اقدام الهی نیروهای مومن است نه انگیزه اصلی آنها اینکه این حضور امت اسلام را با انقلاب اسلامی همراه می کند و برای جمهوری اسلامی پشتوانه و اقتداری می آفرینند که توازن قوا را با قدرتهای سلطه گر جهانی برقرار و خطر آنها را از ایران دفع می کند این پیامد کار است و نه هدف کار. هدف اصلی انجام تکلیف یک انسان مسلمان موحد در دفاع از مظلوم است.

اگر مسلمان هم نبودیم وظیفه انسانی ما همین بود بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار/ تو کز محنت دیگران بی غمی/ نشاید که نامت نهند آدمی. بله حتی اگر ما مسلمان و متعهد به تکلیف دفاع از مظلومی نباشیم فقط یک ایرانی باشرف و یک انسان آزاده باشیم کافیسست که خودمان را در غم دیگران شریک بدانیم و در حد استطاعت به آنها کمک کنیم.

بعضی ها می پرسند وقتی ما در کشور خودمان فقیر داریم چرا باید به دیگران کمک کنیم؟ این پولها اید صرف فقرای خودمان بشود پاسخ آنها را اینگونه میدهم که با این منطق، شما باید همه ی کسانی را که از روستاها، شهرها و استانهای مختلف به زلزله زدگان سر پل ذهاب تخطئه کنید چرا که همه ی آنها در روستا و شهر و استان خودشان محرومان فراوانی دارند چرا به سر پل ذهاب کمک کردند؟

پاسخ روشن است درست است که هر کسی در محل خودش محرومانی دارد اما وقتی بخشی از جامعه انسانی ولو در سرزمینهای دور گرفتار مصیبت و مشکلات بسیار حاد و شدیدی می شوند کمک رسانی ویژه کاملاً منطقی است کما اینکه وقتی زلزله یا سیل بزرگی در کشور ما رخ میدهد گاهی کشورهای دیگر هم از راههای بسیار دور امکانات و نیروهای انسانی را برای کمک می فرستند.

فلذا کمک به جبهه های مقاومت یک امر منطقی و ضروری است ما با انگیزه الهی مبارزه با طاغوت و حمایت از ستمدیدگان در این جبهه باید حضور پیدا کنیم که این نصرت یاری خداست خدا هم به وعده خود عمل می کند که فرمود اگر مرا یاری کنید شما را یاری می کنم. به برکت این حضور خدا قدرت منطقه ای و جهانی برای انقلاب اسلامی می آفریند تا بتوانیم با عزت راه خود را دنبال کنیم و اراده خودمان را به دشمن تحمیل کنیم.

## تبیین تجربه بزرگ راهبردی انقلاب اسلامی

پیش از طرح مسأله برجام تجربه هفدهم را پس از برشماری مستدل توطئه‌ها اینگونه مطرح کردیم که: از تجارب بزرگ انقلاب اسلامی اینست که تا آمریکا و نظام استکباری را از میان براندازیم یا لاقل خودمان را به سطحی بالاتر از قدرت روز نرسانیم با این سطح توطئه‌ها و کارشکنی‌ها و نفوذها و اخلاص‌ها هر چند می‌شود پیشرفت کرد ولی دستیابی به جامعه عدل اسلامی امکان‌پذیر نیست اما در مورد این تجربه چون به مقدماتی که بعد از ذکر آن بیان شد نیاز داشتیم شرح ندادیم و گفتیم بعد از این شرح می‌دهیم و اینک آن مقدمات مطرح شد و می‌خواهیم همان وعده را عمل کنیم و این تجربه را تبیین نماییم.

همانطور که گفتیم و می‌دانید اقدامات آمریکا علیه ایران که قبل از برجام فواصل چندماه یکبار داشت پس از برجام تشدید شد. فهرست بلند بالای توطئه‌هایی که نمی‌گذارند کشور در مسیر اهدافش حرکت کند را هم دیدیم این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که اگر وارد مذاکره و امتیاز دهی به آمریکا شویم توطئه‌های آمریکا کم نمی‌شود که هیچ براتب افزایش می‌یابد و با هر مذاکره آمریکا به شکست ما امیدوارتر و به اعمال دشمنی‌ها و توطئه‌های بیشتر حریص‌تر می‌شود. پس چه باید کرد؟ پاسخ به این سؤال یکی از کلیدی‌ترین تجارب چهل ساله انقلاب اسلامی است. و آن تجربه اینست که استکبار فقط و فقط زبان زور می‌فهمد و برای پایان دادن به توطئه‌های آمریکا تنها راه ممکن رسیدن به مرز قدرت‌های جهانی یا توسعه جمهوری اسلامی و کاستن از قدرت رژیم آمریکاست.

این دقیقاً همان عبارتی است که امام خمینی در پیام استقامت به مناسبت پذیرش قطعنامه فرمودند: «مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنها برقرار نشود همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لاقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند آسوده خواهند بود؟» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۸۳)

همین طور امام خامنه ای در این باره می فرماید: "این دشمنی‌ها تا وقتی ادامه پیدا خواهد کرد که دشمن بکلی مأیوس بشود؛ باید کاری کنید که دشمن مأیوس بشود" ..

(بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۶/۰۲/۰۵)

و در جای دیگر می فرمایند: "تجربه‌ی ۳۷ ساله‌ی جمهوری اسلامی نشان میدهد که ما باید خودمان را تقویت کنیم، قوی کنیم؛ از لحاظ فکری قوی کنیم، از لحاظ سیاسی قوی کنیم، از لحاظ اقتصادی قوی کنیم، از لحاظ فرهنگی قوی کنیم، از لحاظ علمی قوی کنیم. وقتی قوی شدیم، طبعاً عزت پیدا خواهیم کرد؛ امروز عزت یک ملت در دنیا به اینها است". (بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

همچنین ایشان فرمودند: "اشتباه دولت ایالات متحده آمریکا این است که از خطاهای گذشته‌شان درس نگرفتند، لذا امیدوارند بتوانند با تحریم و فشار و امثال اینها، این ملت را به زانو در بیاورند؛ البته اشتباه میکنند. آنچه برای نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تجربه‌ی دائمی در طول این ۳۵ سال وجود دارد، این است که تنها عامل برطرف کردن مزاحمت دشمن عبارت است از اقتدار ملت و ایستادگی ملت؛ این تنها عاملی است که میتواند دشمن را عقب بزند".

(بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

امام خامنه ای در دیدار مردم مازندران در بهمن ماه ۱۳۸۸ فرمودند:

"ما یک حرف حقی داریم، پای آن حرف حق ایستاده‌ایم؛ ما گناهی نکرده‌ایم. ما میخواهیم ملتی باشیم که قدرتمندان دنیا بر ما مسلط نباشند؛ خودمان اداره‌ی امور خودمان را به عهده بگیریم. ما میخواهیم ملتی باشیم پویا، حرکت کننده‌ی به جلو. ما میخواهیم ملتی باشیم که مسلمانی را در عمل - نه فقط در ادعا - ثابت کنیم؛ به احکام الهی عمل کنیم. ما میخواهیم جامعه‌ی ما جامعه‌ی مسلمان باشد، جامعه‌ی اسلامی

باشد. ما نمیخواهیم بافته‌ها و پندارهای متفکرین مادی را، سیاستمداران غربی را در زندگی خودمان به عنوان دستورالعمل بپذیریم؛ ما میخواهیم حکم خدا را بپذیریم. این جرم است؟"

این را هم فهمیده‌ایم که اگر بخواهیم مسلمان زندگی کنیم، باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از خودمان و از هدفمان و از عقایدمان در مقابل دشمن دفاع کنیم. باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از حقوق کشورمان، از حقوق ملتمان - به عنوان یک ملت - از حقوق خودمان دفاع کنیم؛ ما دنبال این هستیم. اینها جرم است برای یک ملت؟ پس حرف ما حق است. پای این حق هم ایستاده‌ایم. این را هم معتقدیم که آن وقتی که حق با باطل درگیر و روبه‌رو شود، اگر اصحاب حق راست بگویند پای حق بایستند، قطعاً باطل شکست خواهد خورد. تجربه هم کرده‌ایم همین جور است. ما در طول این سی سال تجربه کرده‌ایم: ایستادیم، پیش رفتیم. هر جا که می‌بینید یک عقب‌نشینی‌ای انجام گرفته است، یک ناکامی‌ای پیش آمده است، به خاطر این است که در استقامت ما سستی پیدا شده بود. هر جا استقامت کردیم، پیش رفتیم. بعد از این هم همین جور خواهد بود. (دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶)

لازمه‌ی پیشرفت کشور، لازمه‌ی حفظ استقلال و آزادی، لازمه‌ی اسلامی ماندن نظام بدون شک قدرتمند بودن در حد مایوس کردن دشمن از اثر بخشی توطئه‌ها و نقشه‌های اوست لذا آنکه عدالت و آزادی و استقلال و مردم‌سالاری در ایران و اسلامی ماندن نظام را دوست دارد باید طرفدار تقویت جمهوری اسلامی در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و ... باشد و آنکه زمزمه کاهش قدرت را سر دهد و به ترک منطقه با کنار گذاشتن موشک و ... را سر دهد خواسته یا ناخواسته عامل دشمن مردم ایران است.



## فصل ششم

# دولت ها و ارزش ها

## آیا تقصیرها همه گردن آمریکاست و ما معصومیم؟

بحث که به اینجا رسید شاید با خود بگویید: خب مثل همیشه همه گناهان را گردن آمریکا انداختیم و خیال خودمان را راحت کردیم و تمام. نه خیر اینطور نیست اتفاقاً اصل بحث ما از همین جا می خواهد شروع شود.

تمام آنچه را که تا بحال مطرح کرده این بدیهیات و واضحات بوده است که همه می دانیم اما باید تکرار کرد و دائم یادآور شد چرا که دشمن دروغهای خود علیه نظام را مرتب تکرار می کند و چه بسا اگر غفلت کنیم و این حقایق را مرتباً تکرار نکنیم توهمات دشمنان علیه انقلاب کبیر مظلوم اسلامی در باورمان بنشیند و ما در ادامه این راه نورانی سراسر پیروزی و سعادت سست کند و یا مثل خیلی ریزش ها خدای ناکرده بکلی بی توفیق و خسرال دنیا و الاخره شویم همه ی آنچه را که در این مسیر اندوخته ایم را یکسره ضایع کنیم و مصداق این آیات قرآنی حبط اعمال قرار گیریم که فرمود "لئن اشرکت لیحبطن عملک" و من یکفر باایمان فقد حبط عمله. (سوره زمر، آیه ۶۵)

با وجود پیشرفت های غیرقابل انتظار در بسیاری عرصه های مهم حیات امروزه در کشور مشکلاتی داریم که رهبری معظم نظام بارها آنرا صادقانه مطرح فرموده اند و هیچکس نمی خواهد آنرا انکار کند.

تحقق عدالت و قسط هدف اصلی تشکیل نظام اسلامی است در این زمینه تحولات بنیادین صورت گرفته است پیشرفت های چشمگیری داشته ایم و با گذشته قابل مقایسه نیستیم اما باید اذعان کنیم که در این عرصه عقب هستیم و این بعد از زندگی در کشور نتوانسته همپای عرصه هایی مثل پیشرفت علم و فناوری رشد کند.

در مبارزه با فساد پس از گذشت چهل سال از انقلاب و نهادینه شدن بسیاری از افراد در جایگاههای قدرت اینکه نظام سرزنده پرونده های بزرگ فساد را می گشاید و مبارزه می کند افتخار آمیز و نشان دهنده نشاط و سرزنده بودن نظام و انقلاب اسلامی است اما باید اذعان کنیم که وجود مفاصد آزار دهنده بویژه فساد اداری و تبعیض در مراکز ادارات بهیچوجه در خور نام نظام اسلامی و این انقلاب بزرگ نیست.

در مؤلفه های اجتماعی که رهبری معظم انقلاب در سفر به بجنورد صریحاً تحت عنوان عقب ماندگی کشور در عرصه نرم افزاری تمدن یعنی سبک زندگی مفصل مواردی را فرمودند، نمی خواهیم تکرار کنیم در انضباط اجتماعی، در اعتیاد، طلاق، بیکاری و .... از آنچه باید تحقق می یافت عقب هستیم تا اینجا تا حدی سهم دشمن در بروز این مشکلات را بیان کردیم باید سهم خودمان در بروز این اشکالات را هم بپذیریم و به آن ترتیب اثر بدهیم.



ناکامی‌ها و عقب ماندگی‌هایی که امروز کشور با آن مواجه است دلایل و ریشه‌های خارجی و توطئه‌های سازمان یافته‌ای دارد که برخی از آنها را در حد قابل طرح ذکر کردیم. اما آیا می‌شود گناه را یکسره به گردن دشمن خارجی بیاندازیم؟ آیا ما خودمان معصوم هستیم؟ آیا این عقب ماندگی‌ها عامل داخلی ندارد؟ در جواب به این سؤال بسیاری راه و افراط و تفریط را می‌روند پیش از این تفریط رایج بود یعنی مبری دانستن عوامل داخلی از کاستی‌ها و غلط‌ها و انحرافات و انداختن کل بار تقصیرات بر دشمنان خارجی بود و افراط که در سالهای اخیر رایج شده یعنی توهم دانستن توطئه‌ها و انداختن کل تقصیر عقب ماندگی‌ها یکسره برگردن عوامل و قوای داخلی که هر دو غلط است. بدون شک حل این مسائل با موانع داخلی هم روبروست که نمی‌توانیم انرا نادیده بگیریم و اشکال را یکسره به گردن توطئه‌های خارجی بیاندازیم.

در خصوص توطئه‌های خارجی مطالبی که بیان شد غیر قابل انکار است و نفی آن جز از انسانهای مریضی که می‌خواهند چشم خود را روی واقعیت‌ها ببندند و یا عامل حقوق بگیر دشمن هستند ساخته نیست. اما چشم بستن بر روی معایب و اشکالات درونی هم کاری بس غلط است چرا که اگر خواهان پیشبرد انقلاب هستیم میدان اصلی تأثیر گذاری ما حل اشکالات درونی است که جهات مختلف آن در دسترس خودمان است.

توطئه‌های خارجی اقتضای دشمنی دشمنان است و جز رسیدن به مرزهای قدرت برتر و توان بازدارندگی عاملی نمی‌تواند آنرا متوقف کند اما پرداختن به معایب و ضعف‌های داخلی نه تنها مستقیماً راه را برای انقلاب هموار می‌کند بلکه زمینه‌های اقتداری که می‌تواند توطئه‌ها را هم جدی‌تر خنثی کند فراهم می‌آورد. فلذا باید واقع بین باشیم و توطئه‌های خارجی و ضعف‌ها و مشکلات داخلی را همزمان و توأمان بر آورد کنیم تا به نتیجه برسیم. اما منشأ اشکالات داخلی چیست و از کجاست؟

## آیا عقب ماندگی‌های اجتماعی ناشی از پیاده سازی اسلام است؟

سؤال اصلی این است که آیا با وجود اینکه ما دولت اسلامی را دایر کرده‌ایم و فرمولها و نسخه‌های اسلام را پیاده کرده‌ایم، و نسخه‌های اسلامی ناموفق بوده است؟

آیا فرمولهای اسلامی نادرست از آب درآمده یا اینکه بخاطر ضعف‌های خصلتی و شخصیتی و گروهی و جناحی در جاهایی اسلام را کنار گذاشته ایم و بی توجهی به اسلام موجب بروز ناهنجاری‌ها شده است.

هر عقل سلیم و هر انسان منصفی می تواند پاسخ روشن به این سؤال بدهد. شاید اگر عدم پیشرفت در عرصه های مادی و سخت افزاری بود ذهن ها می توانست به سراغ اسلام برود و نعوذ بالله تصور کند مشکل از رویکرد اسلامی نظام است. مثلاً اسلام به معنویت و اخلاق و قیامت بها داده و مردم را از رسیدگی به دنیا و پیشرفت های مادی باز داشته است، که البته اسلام اینچنین نیست اما چنین ظن و گمانی در آن صورت می توانست یک ظن و گمان قابل بحث باشد اما عرصه هایی که از آن یاد کرده ایم چگونه؟ اسلام که سراسر توجه به عدل و انصاف است، چگونه می تواند موجب ضعف در پیشرفت تحقق عدالت شده باشد؟

اسلام که وصیت امیرالمومنینش نظم است و این مسأله در حدی در پیشوایان اسلامی و انقلابی جدی است که بعضی ساعت های خود را با اعمال روزانه امام خمینی و بعضی مجتهدین تنظیم می کردند، چگونه می تواند سبب عدم پیشرفت در نظم اجتماعی شده باشد؟

اسلام که ازدواج را تکمیل دین فرد و طلاق را مکروه ترین و مذموم ترین حلال های خدا می داند، چگونه می شود موجب کاهش ازدواج و افزایش طلاق باشد.

اسلام که سراسر توجه به ذکر و عدم غفلت است، چگونه می تواند سبب رواج مواد مخدر و افزایش اعتیاد شده باشد؟ اسلام که توصیه اش به کار و کوشش است و چه در مباحث نظری و چه الگوهای عملی کار و تلاش را ترویج می کند، چگونه می تواند عامل بیکاری باشد؟

اسلام که کارگزاران نظام را خدمتگزار و نوکر مردم و نه آقا و سرور آنها می داند، چگونه می تواند عامل دیوانسالاری و کارشکنی ها و تبعیض های اداری باشد؟

اگر عدم پیشرفت در عرصه های مادی می توانست به ظن غلط انگشت اتهام را به سوی اسلام ببرد در این موارد حتی ظن غلط هم به اسلام نمی توان داشت و ساحت اسلام عزیز به وضوح از چنین اتهامی مبرا است.

اما ممکن است افرادی اینطور نظام را متهم کنند که در این زمینه ها سخت گیری کرده و آنجا که طبع انسان ها اینطور است که به آنچه منع می شوند، حریص می شوند، عملکرد افراطی نظام در عرصه دینی موجب رویگردانی عده ای شده است. با یک نگاه اجمالی به واقعیت ها می توان دریافت این ظن و گمان هم غلط است؛ چرا که آمار این

ناهنجاری ها در شهرها و مناطقی که سخت گیری بیشتری در مطالبه احکام اسلامی از مردم وجود دارد، به مراتب کمتر است و اتفاقاً این ناهنجاری ها در مناطقی که سخت گیری دینی کمتر است، شایع تر است و یا متهمان به اینگونه جرائم و تخلفات کسانی هستند که کمتر مذهبی هستند. اگر زندان ها را واریسی کنیم صرفنظر از متهمان تصادف و چک برگشتی و امثال این مشکلات آنها دستشان به بی انضباطی های اجتماعی آلوده و پرونده های جزایی دارند، غالباً افراد غیرمذهبی و ناآشنا با احکام دین هستند و اتفاقاً از وقتی با دین آشنا می شوند، به راه می آیند. اگر به خصوصیات متهمان اصلی پرونده های مفاسد بزرگ مالی هم نگاه کنیم کمتر اثری از دیانت در مسائل فردی آنها می بینیم. بیشتر خانواده هایی که نیمی خارج و نیمی داخلند و در خارج کشور برای خود زندگی آنچنانی با سبک زندگی غربی دارند.

لذا مسأله دقیقاً برعکس است و یکی از تجارب مهم دیگر ما در چهل سال انقلاب اسلامی اینست که هر جا به نسخه های اسلامی عمل کرده ایم کشور پیش رفته است و هر جا عقب مانده ایم بلا شک از نسخه های غیر اسلامی پیروی شده است و اینرا می توان بعنوان بیست و دومین تجربه چهل سالگی انقلاب اسلامی ثبت کرد؟

شاید بعضی متهم کنند که چون انقلاب دین را سیاسی کرده، موجب بروز این آفات شده و اگر دین از ساحت زندگی فردی تجاوز نمی کرد، این ناهنجاری ها پدید نمی آمد. این افراد را به فصل های اول این کتاب ارجاع می دهیم و عمق و گستردگی مفاسد در دورانی که دین فردی بود که به هیچ وجه قابل قیاس با امروز نیست و اگر با همان روال پیش می آمدیم، امروز دیگر از دین و اخلاق و معنویت و ناموس چیزی نمانده بود.

### **مشکل کجاست؟**

پس مشکل کجاست؟ باید پذیرفت که همه لنگی ها و عقب ماندگی های ما از ضعف ما در اجرای اسلام است. اینطور نیست که اسلام را پیاده کرده باشیم و به چنین مشکلاتی برسد بلکه هر جا اشکالی هست علت این است که در تحقق اسلام کوتاهی شده است. ما در کلیت نظام و انقلاب اسلامی و موفقیت آمیز عمل کرده ایم اما در سطح عملیاتی مشکلات جدی داریم و در خیلی موارد اسلام هنوز پیاده نشده است.

چرا در اجرای اسلام کوتاهی شده است؟ دو علت اصلی می تواند در کار باشد یا اسلام را می شناسیم و به خاطر غلبه نفس و شیطان نخواستیم ایم آن را پیاده کنیم و مشکل جنبه عملی دارد یا مشکل عدم شناخت از اسلام یا عدم باور به آن است و جنبه فکری و نظری دارد.

اولین عامل دوری از تقوا و دنیاگرایی بعضی مسئولان و پیشکسوتان و عناصر منسوب به انقلاب و اسلام و نظام است. افرادی که بسیاری از آنان با رأی خود ما صاحب منصب شده اند، ولی التزامی به تقوا و رعایت احکام دین و عدالت ندارند. شهوت و مال پرستی بر آنها غلبه کرده است و الگو و جهت گروهی از مردم برای بی انضباطی و بی انصافی و گرایش به فساد و زیاده خواهی دنیایی شده اند و دلیل بدبینی و رویگردانی عده ای دیگر از اسلام و انقلاب اسلامی. و عامل دوم اینکه مشکل فکری وجود دارد و افرادی که در مصادر قرار گرفته اند اسلام را نمی شناسند و یا به احکام آن باور ندارند یا آن را در حیطه مسائل فردی می بینند و تصور درستی از احکام سیاسی و اجتماعی اسلام ندارند و فکر می کنند الگوهای برنامه اجتماعی موجود در کشورهای پیشرفته صنعتی مبتنی بر علم و است و برای سعادت‌مندی جامعه باید همانها را پیاده کرد.

با کمال تأسف باید گفت از این جهت علوم انسانی دانشگاه های ما کماکان وارداتی و غربی است و دانشگاه ها ما افراد را مبتنی بر این تفکر تربیت می کنند، این افراد کم نیستند. از میان تربیت یافتگان دانشگاهی تنها کسانی که مطالعات غیردرسی داشته یا بنیه فکری دینی قوام یافته مستقلی داشته اند، توانسته اند از دام این علوم انسانی برهند.

هر دو گروه چه آنها که از حیث نظری به احکام اجتماعی و سیاسی اسلام اعتقاد دارند ولی از حیث عملی به خاطر بی تقوایی و غلبه نفسانیات آن را کنار گذاشته اند و چه آنها که مشکل نظری دارند و غربی می اندیشند به یک نقطه رسیده اند و آن پیروی مدل لیبرال دمکراسی غربی است.

گروه دوم که از لحاظ فکری تکلیفشان روشن است اما گروه اول برای اینکه بتوانند دنیاطلبی خود را تئوریزه کنند و توجیه علمی برای آن بیابند به راهی جز انکار الگوهای دینی و ضرورت پیروی از لیبرال دمکراسی غربی به عنوان شیوه علمی اداره بشر نرسیده اند. چرا که خیلی محدودیتهایی که اسلام برای کارگزاران و مدیران قائل است در لیبرال دمکراسی نیست لذا برای فرار از ضوابط جدی که اسلام برای کارگزاران و مدیران قائل است.

وجود علوم انسانی اسلامی را انکار می کنند؛ یعنی می گویند چیزی به اسم سیاست اسلامی نداریم، اقتصاد اسلامی نداریم، تربیت اسلامی نداریم و... اینها علم است و باید ببینیم دنیا چه می کند همانطور عمل کنیم. این ادعاها را بارها از گروه اول شنیده ایم. چرا؟ چون اگر بپذیرند که الگوی دولت اسلامی داریم، مدیریت اسلامی داریم، اقتصاد اسلامی داریم و... این با منافع آنها سازگار نیست و رفتار آنها را توجیه نمی کند.

مدیریت اسلامی ساده زیستی را تجویز می کند و آنها نمی توانند ساده زندگی کنند.

اقتصاد اسلامی مواسات و توزیع عادلانه ثروت را تجویز می کند و آنها تمرکز ثروت نزد خود را می خواهند؛ تربیت اسلامی ارزش ها را ثابت و پایبندی به آن را لازم می شمارد و آنها دنبال کسی هستند که بگوید ارزش ها و اخلاق نسبی است و تا بتوانند دروغ بگویند، وعده های پوشالی به مردم بدهند و سر مردم را کلاه بگذارند و... فلذا بهتر است کلاً منکر وجود علوم انسانی اسلامی برای اداره بشر شوند و الگوهای اسلامی برای تمدن سازی را به رسمیت نشناسند. در پیشرفت های سخت افزاری که احراز شد تمام پیشرفت های مهم مدیون نیروهای مومن تر به اسلام و پایبندتر به ارزش های انقلاب اسلامی بوده است. در این حوزه این مسأله مضاعف است نیکی ها و فضائل و محو انحرافات و تبعیض ها و بی عدالتی ها هر جا رخ داده است، مربوط به پیاده سازی اسلام است و ناهنجاری های اجتماعی باقیمانده یا در حال توسعه ناشی از بی اعتقادی به اسلام و اعتقاد به پیروی از لیبرالیسم غرب است.

در این چهل ساله انقلاب در بخش هایی به اسلام عمل شده و در بخش هایی تفکر لیبرالی دنبال شده هر دوی اینها که نمی توانند در راه درستی باشند. چرا که در تعارض با یکدیگر هستند. با این تجربه عظیم چهل ساله باید بتوانیم مقایسه کنیم و تکلیف خودمان را برای اداره کشور در ادامه راه روشن کنیم.

واقعیت این است که ما هنوز نتوانسته ایم دولت اسلامی درست کنیم. آنچه نظام توانسته از اسلام اعمال کند، جلوگیری از خروج دولت ها از خطوط قرمز اساسی اسلام بوده است، اما اینکه آنها به صحنه آمده باشند تا اسلام و برنامه های اسلام را در عرصه های فرهنگی و اجتماعی پیاده کنند چنین چیزی نبوده است و در عمل دولت اسلامی هنوز پیاده نشده است.

## الان دولت اسلامی نداریم؟

برای پرداختن به این بحث ابتدا باید دید تعریف ما از دولت اسلامی چیست؟

امام خامنه ای (دام ظلّه) در مورد فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی می فرمایند: "یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است."

منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و آلاً به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل میشود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون میکند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده میکند. حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب میکنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزشهای اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم. منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛

نهادهای و بنیانهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور. بخش بعد از آن، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در

آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه‌ی ما.

چرا میگوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجنّ و الانس اّلا ليعبدون»؛ (۳) انسانها به عبودیت برسند. «لِيعْبُدُونَ» را معنا کردند به «لِيعْرِفُونَ». این معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق الله پیدا میکند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والائی است. خب، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد؛ که حالا آن مقوله‌ی دیگری و بحث دیگری است.

این چیزی که به عنوان هدف ذکر شد، یک امر بسیار والاست. ۲۴/۰۷/۱۳۹۰

معظم له در بیانات خود در دیدار طلاب حوزه های علمیه در برآورد خود از وضعیت انقلاب اسلامی و مرحله ای که در آن قرار داریم فرمودند :

ما جامعه ی اسلامی نداریم ، ما دولت اسلامی هم نداریم از آن مراحل چندگانه که مطرح کردیم هنوز در دولت اسلامی اش مانده ایم . بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه اسلامی است ، ما این مراحل را در پیش

داریم ما توانستیم یک انقلاب اسلامی یعنی حرکت انقلابی بوجود بیاوریم ، توانستیم بر اساس آن یک نظام اسلامی بوجود بیاوریم ، خیلی خوب تا اینجا توفیق حاصل شده که خوب خیلی هم مهم است . لکن بعد از این ، ایجاد یک دولت اسلامی است یهنی ایجاد تشکیلات مدیریتی برای کشور ، ما در این قضیه هنوز فاصله داریم تا به مقصود برسیم . البته معنایش این است که کسی احساس ناامیدی کند ابداً، داریم پیش می رویم ؛ با همه ی مخالفت ها با همه ی کارشکنی ها ، با همه ی دهن کجی هایی که می شود حرکت می کنیم و داریم پیش می رویم بلاشک ، دلایل زیادی وجود دارد لکن [هنوز] اکارداریم هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی را بوجود آوریم بعد که دولت اسلامی بوجود آمد آن وقت تازه نوبت [ایجاد] جامعه ی اسلامی است خوب بنابراین باید مبارزه کرد عزیزان من. شهریور ۱۳۹۶

### دولت عدل اسلامی یا دولت مردم سالاری دینی چیست؟

معنای دولت اسلامی همانگونه مقام معظم ولایت هم فرمودند: «این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، رفتار با نظام های بین المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک تر کنیم».

آیا دولت موجود چنین رفتاری را دارد؟ آیا دولت برای نزدیک شدن به معیارهای اسلامی تلاش می کند؟ برای قضاوت در این زمینه باید معیارهای اصلی دولت عدل اسلامی یا به عبارتی دولت مردم سالاری دینی را بیان کنیم در اینجا تلاش می کنیم چند شاخص مهم دولت اسلامی را مطرح کنیم و عملکرد دولت های خودمان را با آن مقایسه کنیم.

### حکومت از آن خداست

اولین شاخص دولت اسلامی اعتقاد و التزام به این اصل است که حاکمیت از آن خداست همانگونه که قرآن می فرماید "ان الحكم الا الله" در تفکر لیبرال دمکراسی خدا و احکام دین امر خصوصی است و هیچ دخالتی در امور اجتماعی ندارد، از نظر آنها دین از سیاست جداست.



اما امام خمینی (ره) در این زمینه فرمودند: " ما باید بدون توجه به شرق متجاوز و غرب حيله گر و فارغ از ديپلماسی حاکم بر جهان درصدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم" (امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۲۹۲)

امام راحل (ره) همچنین فرمود " حکومت در منظر مجتهد و واقعی فلسفه عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است حکومت نشان دهنده ی جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه تئوری کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می خواهیم اصول محکم فقه رادر عمل خود و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسأله است" (امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۲۸۹)

معنی کاملاً روشن این مسأله این است که آنجا که خدای متعال حکمی را تعیین کرده است آن حکم قطعاً عادلانه و بنفع مردم است و ما حق نداریم به بهانه رعایت منفعت مردم حکم عقل کل یعنی خدا را نادیده بگیریم و به آنچه عقل ناقص ما تصور می کند منفعت انسان هاست حکم کنیم این تعارض با منافع انسانها و اراده مردم هم ندارد.

در زمینه سازگاری حاکمیت خدا با اراده مردم امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرمایند:

"در جامعه‌ای که مردم آن جامعه اعتقاد به خدا دارند، حکومت آن جامعه باید حکومت مکتب باشد؛ یعنی حکومت اسلام و شریعت اسلامی. احکام و مقررات اسلامی باید بر زندگی مردم حکومت کند و به‌عنوان اجراکننده این احکام در جامعه، آن کسی از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر است که دارای دو صفت بارز واصلی است فقاقت و عدالت"

جمهوری اسلامی بر دوپایه استوار است. یکی جمهور؛ یعنی آحاد مردم و جمعیت کشور. آن‌ها هستند که امر اداره کشور و تشکیلات دولتی و مدیریت کشور را تعیین می‌کنند و دیگری اسلام؛ یعنی این حرکت مردم بر پایه تفکر اسلام و شریعت اسلامی است. این یک امر طبیعی است. در کشوری که اکثریت قریب به اتفاق آن مسلمان هستند، آن‌هم مسلمان معتقد و مؤمن و عامل که در طول زمان، ایمان عمیق خودشان را به اسلام ثابت کرده‌اند و نشان داده‌اند، در چنین کشوری اگر حکومتی مردمی است،

پس اسلامی هم هست. مردم اسلام را می‌خواهند. این از روز اول گفته شد و در طول سال‌های متمادی نیز تجربه گردید. امروز هم واضح‌ترین حقیقت در نظام ما این است که آحاد و توده مردم از نظام حاکم بر کشور می‌خواهند که مسلمان باشد و مسلمانی عمل کند و اسلام را در جامعه تحقق بخشد...

مجلس و دستگاه قانون‌گذاری این مملکت [به خواست مردم] موظف‌اند که قوانین را بر اساس شریعت اسلام وضع کنند. رؤسای این کشور موظف‌اند که اسلام را ترویج کنند و مردم از این دولت توقع اجرای احکام اسلامی را دارند.

آیا دولت‌های ما به این تفکر پایبند بوده‌اند؟ اگر مستلزم بودند باید به حذف بعضی جنبه‌های ربوی در بانک‌ها که مکرراً مورد تذکر مراجع معظم تقلید قرار گرفته‌تن می‌دادند.

اگر دولت ملتزم به احکام اسلام باشد، هیچ‌گاه مروج کنسرت‌های افتضاح که دختر و پسر نامحرم با هم می‌رقصند و همدیگر را در مقابل دیدگان نامحرم در آغوش می‌گیرند، نمی‌شود بلکه برای کنترل این عرصه‌ها و قراردادن موسیقی در جایگاه و منزلت تعالی بخش خودش برنامه‌ریزی می‌کند.

اگر دولت به احکام اسلامی ملتزم باشد مدافع تسلط بیگانگان بر فضای مجازی کشور نمی‌شود و با وجود همه امکانات گسترده‌ای که در کشور داریم، تن به بردگی ملت خود برای بیگانگان در فضای مجازی نمی‌دهد.

اگر دولت به احکام اسلامی پایبند باشد، هیچ‌گاه توسعه را مقدم بر عدالت نمی‌داند و همیشه و همه‌جا عدالت را تقدم می‌دهد. اگر دولت به حاکمیت خدا پایبند باشد، اصل ولایت فقیه را که امروزه علاوه بر جنبه شرعی صدر قانون اساسی و میثاق ملی ایرانیان هم هست، جدی می‌گیرد و آن را محدود در خطوط قرمز و مداخله‌ی ولی فقیه در جاهای خطرناک نمی‌کند. همانطور که قانون اساسی معین کرده است و سیاست‌گذاری را از اختیارات ولی فقیه دانسته آن را رعایت می‌کند نه اینکه سیاست‌های کلان مصوب نظام را که بعد از مشورت‌های گسترده و زمان‌گیر با نخبگان و برجستگان به تصویب شورای تشخیص مصلحت رسیده و با حکم ولی فقیه تأیید شده را کنار بگذارد و هر دولت برای خودش سیاست‌های سلیقه‌ای خودش را وضع کند و کشور را دنبال آن بکشاند.

حکم خدای متعال می گوید در کانون خانواده و زندگی مشترک تأمین هزینه های خانوار و نفقه بر گردن مرد و پدر خانواده است. این به معنی ممنوعیت مشارکت سایر اعضای خانواده در تأمین هزینه نیست اما مسئولیت با مرد است. رئیس دولت اسلامی بر خلاف صریح اسلام می گوید: «اولویت با اشتغال بانوان است».

اگر مشکل اجتماعی داریم، اگر معضلات پیچیده داریم از همین جاها ناشی می شود که به خاطر هوای نفس حکم خدا را کنار می گذاریم. به خاطر جلب نظر زنان و کسب رأی آنها در انتخابات بر خلاف تدبیر خدا برای اداره زندگی بشر را اقدام می کنیم شاید این را در فضای رسانه ای به حساب محبت و احترام به بانوان و مترقی بودن تبلیغ کنند اما واقعیت جز ظلم و خیانت به بانوان نیست. خدایی که ما داریم یقیناً محبتش و لطف و فضلش به زنان از هر کسی بیشتر است.

و این تصمیم بی شک بزرگترین ظلم به زنان ایران است؛ چراکه هم بر اساس شرع، هم بر اساس قانون و هم بر اساس فرهنگ عمومی ملت ایران نفقه و تأمین هزینه خانوار با مرد است. به همین سبب در اکثر قریب به اتفاق موارد دختران حاضر به ازدواج با مردی که شغل و درآمد مشخصی ندارند نیستند. وقتی ما مردان را از اولویت اشتغال خارج می کنیم، یعنی مردان بیشتری بیکار می مانند نتیجه مرد مناسب برای ازدواج کم می شود و دخترانی که به اصطلاح از روی دلسوزی در اولویت نسبت به مردان به آنها شغل داده ایم بخاطر کمبود خواستگاری که شاغل باشد مجرد می مانند و این آغاز بحران های اخلاقی و روانی و پریشان اجتماعی جامعه زنان است که با مواضع عوام فریبانه برای جمع آوری آرای زنان به آنها ارزانی داشته ایم. و در پوشش خدمت به زنان به آنان خیانت شده است.

### یک خاطره از ترجیح قانون خود ساخته بر قانون الهی

برای مأموریتی باتفاق وزیر دفاع وقت به یکی از کشورها رفته بودم. صبح های زود که بیرون می آمدیم می دیدیم که زنان زیادی برای رفتن به سر کار در صف اتوبوس ایستاده اند و در مسیر مکرر می دیدم که زنان سالخورده در حال جابجایی سطل های زباله هستند. یکبار از راننده سفارتخانه خودمان که بومی بود و فارسی می دانست پرسیدم چرا اینجا این قدر زنها به کارهای سخت و طاقت فرسا مشغول هستند؟ پاسخ داد: چون خرج خانه به عهده آنهاست. پرسیدم چرا؟ پاسخ داد: چون دولت در اینجا برای دفاع از حقوق زنان قانونی وضع کرده که هر مردی بخواهد زنش را طلاق دهد باید نصف اموالش را به زنش ببخشد. از وقتی این قانون وضع شده، ۸۰٪ مردها دیگر حاضر نیستند ازدواج

رسمی کنند و ازدواجشان را ثبت کنند چون می‌ترسند منجر به طلاق شود و مجبور شوند اموالشان را ببخشند. به خاطر همین در اینجا ازدواج‌ها غالباً ثبت نشده و توافقی است و چون سند ازدواج جایی ثبت نمی‌شود، با کوچک‌ترین اختلاف از هم جدا می‌شوند و بچه‌ها می‌مانند روی دست زن که باید آن‌ها را نگه دارد و خرجشان را بدهد. هر زنی بچه‌های متعددی از مردان مختلفی که با او زندگی کرده‌اند، نگه می‌دارد. مرد هم سراغ زن دیگری می‌رود. پرسیدم: آقای راننده شما تا حالا چند زن گرفته‌ای؟ گفت: حدود ۴۰ زن. پرسیدم از آن‌ها بچه نداری؟ گفت: از پنج تایشان بچه دارم. پرسیدم: اصلاً با آن‌ها ارتباط داری؟ گفت: به آن پنج بچه‌ام سر می‌زنم و هرماه به هرکدام ۱۰۰ دلار هم می‌دهم ولی نگهداری و مخارج اصلی با مادرانشان است.

ببینید در این کشور فکر کرده‌اند می‌خواهند به زنان خدمت کنند و فکر کرده‌اند نعوذبالله عقل و خردی بیشتر از خدا دارند یا دلسوزتر از خدا برای زن‌ها هستند برای خودشان قانونی گذاشته‌اند که کانون خانواده را پاشید و زحمات طاقت‌فرسا را بر دوش ظریف زنان گذاشته است.

## اعجاز تطبیق قانون با فطرت و دین در رشد زنان

در دوره‌ی پهلوی پیشرفت علمی و تخصصی و نقش‌آفرینی اجتماعی زنان را با بی‌حجابی قرین کرده بودند و هر کسی را که با بی‌حجابی و بی‌بند و باری زنان مخالف بود، را مخالف پیشرفت زنان می‌خواندند ولی انقلاب اسلامی ثابت کرد که مسأله کاملاً برعکس است این رژیم پهلوی بوده که با ملازم کردن تحصیلات و پیشرفت علمی با بی‌حجابی زنان را از این عرصه دور نگه داشته و همین که زنان دیدند میتوانند با حفظ دین و ارزشهای اخلاقی در پیشرفت‌های علمی و فنی و سایر جهات کشور خود سهیم باشند ناگاه آمار نقش‌آفرینی زنان بصورت معجزه‌وار صعود کرد نگاهی به این آمار بیان‌دازیم. یکی از معجزات انقلاب کبیر اسلامی تحولات شگرف در بهره‌مندی زنان از کمالات انسانی شخصیت یافتن اجتماعی و رشد فضائل در میان آنان بوده است.

ترسیم جایگاه رفیع زن در قانون اساسی، تصویب فهرست بلند بالایی از سیاست‌ها برای تعالی و رشد زنان در مجامع عالی نظام همچون مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگی اجتماعی زنان تصویب ۱۷ قانون در مجلس اول، ۲۳ قانون در مجلس دوم، ۲۰ قانون در مجلس سوم، ۳۱ قانون در مجلس چهارم، ۳۲ قانون در مجلس نهم، ۲۰ قانون در مجلس ششم و ۱۶ قانون در مجلس هفتم جمعاً ۱۵۹ قانون در حمایت از زنان و ارتقای

منزلت اجتماعی آنان نمونه ای از اهتمام نظام به مسائل بانوان که است تحولات خیره کننده ای در وضعیت بانوان کشور پدید آورد.

برابر آمار رسمی رژیم شاه در سال ۵۵ تنها ۱۸٪ از افراد با سواد کشور زن بودند و نسبت زنان با سواد بالای ۶ سال ۳۵/۳۹ درصد بوده یعنی ۶۵٪ زنان کشور بی سواد بودند و حتی توانایی نوشتن نام خود را نداشتند. امروز بیشتر از ۹۰٪ زنان باسواد هستند. (خبرگزاری دانا ۱۳۹۳/۱۱/۰۶)

در کنکور سراسری سال ۵۶-۵۵ سهم دختران پذیرش شده دانشگاه ها ۳۴٪ بوده است که این رقم در سال ۸۶-۸۵ به ۶۳٪ رسیده است یعنی نه فقط برابر پسران بلکه ۲۶٪ بیشتر از پسران. (خبرگزاری جام جم آنلاین ۱۳۹۰/۱۱/۱۸)

در همان سال ها تعداد دانش آموختگان دختر دانشگاه ها ۲۸/۶٪ بوده است که در سال ۸۶-۸۵ به ۵۲/۷٪ رسیده است. (خبرگزاری جام جم آنلاین ۱۳۹۰/۱۱/۱۸)

در همان سال ها دانشجویان دختر دانشگاه ها ۲۹/۸٪ دانشجویان بوده است که در اخیر به ۵۷/۸٪ یعنی ۱۴٪ بیشتر از پسران رسیده است.

در سال ۵۶ از ۱۳۹۵۲ استاد دانشگاه تنها ۲۰۵۸ نفر یعنی حدود ۱۷٪ آنها زن بوده اند. امروز حدود ۴۰٪ اساتید زن هستند. (همشهری آنلاین ۱۳۸۶/۱۱/۲۰)

برابر آمار سال ۵۵ تنها ۲۵/۲٪ پزشکان عمومی زن و الباقی یعنی ۷۴/۸٪ پزشکان مرد بوده اند. امروز بیشتر از ۴۰٪ پزشکان عمومی زن و کمتر از ۶۰٪ آنها مرد هستند. (سلامت آنلاین ۱۳۹۶/۱۱/۲۲)

برابر همان آمار در سال ۵۵ تنها ۱۴/۶٪ پزشکان متخصص زن بوده اند و ۸۵/۴٪ مرد بوده اند که در حال حاضر نسبت پزشکان متخصص زن به آقایان به ۴۲٪ به ۵۸٪ رسیده است. (سلامت آنلاین ۱۳۹۶/۱۱/۲۲)

در فوق تخصص تنها ۹٪ پزشکان زن بوده و ۹۱٪ مرد بوده اند که امروز نسبت زنان به ۳۰٪ رسیده است. اداره مطالعات زنان و خانواده ۱۳۸۷. (سلامت آنلاین ۱۳۹۶/۱۱/۲۲)

این تجربه روشن در کنار دهها نمونه دیگر از آمار و تفصیلات قابل ارائه یک تجربه بزرگ و راهبردی دیگر را به تجارب چهل سالگی انقلاب اسلامی می افزاید و آنرا بعنوان تجربه بیست و دوم ثبت می کنیم آن اینکه اگر به جای گریز از

احکام و فرامین الهی و حکم خدا برای زندگی بشر به آن رو بیاوریم و حکم خدا را به جای سلايق خودمان و آنچه علم روز می نامیم پیاده کنیم به آن جهت که تدابیر الهی منطبق بر فطرت الهی انسان ها تنظیم شده و با مولفه های درونی انسانها سازگار است و رشد و تعالی بسیار بیشتر خواهد بود و این بیست و سومین تجربه راهبردی انقلاب اسلامی است.

امروز هم کسانی که طرفدار بی بند و باری در فضای مجازی هستند با همان منطق شاه و انگلیس که مخالفان فساد را مخالف پیشرفت کشور خطاب می کردند مخالفان فساد را متهم به مخالفت با رسانه و فضای مجازی می کنند حال آنکه آنها هستند که عملاً با اجازه ی توسعه فساد در این فضا بسیاری از مردم را از پرداختن به آن منصرف کرده اند و اگر شبکه ی اطلاعات و شبکه های اجتماعی و پیام رسان های بومی دایر شود خواهیم دید که آمار حضور در این فضا تصاعدی بالا خواهد رفت و این افزایش بهره برداری هم بجای به قهقرا بردن مردم تعالی علمی و عملی آنها را در پی خواهد داشت.

## اعجاز بزرگتر تطبیق نظام با فطرت و دین

### پایداری نظام مبتنی بر فطرت (خاطره ای شیرین)

جمهوری اسلامی آمپولی دارد که متهمان را به حرف می آورد و وادار به توبه و ابراز ندامت می کند این عبارت گرچه خنده دار است اما آن را در دهه اول انقلاب مکرر از رسانه های مهم بیگانه مثل صدای آمریکا و بی بی سی شنیده ایم. اما اصل مسئله چیست؟

چه بسا افراد و جریاناتی که ورود دین در سیاست را نادرست و آن را موجب ناکارآمدی یک نظام تلقی می کنند حال آنکه تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی نه در یک موضع و موضوع بلکه در مواضع مختلف نشان می دهد که دینی بودن نظام عامل اساسی در افزایش کارآمدی آن است. در مورد اینکه موفقیت های کشور مرهون افراد مومن تر و انقلابی تر است مصادیق و تجربه ها ذکر شد در مورد اینکه هرگاه دستورات اسلامی را پیاده کرده ایم

موفق و هرگاه آن را نادیده گرفته ایم ناکام شده ایم همینطور، اینکه که بحث تبلور آثار تطبیق دین با فطرت در رشد به نجومی حضور اجتماعی زنان طرح شد. خوب است مصداق دیگری از این واقعیت مطرح شود.

در بحث توطئه ها علیه نظام و قابلیت حیرت انگیز نظام در خنثی سازی توطئه ها بعضی از توطئه ها را برشمردیم اما در مورد چگونگی خنثی شدن آن حجم بی نظیر از توطئه فقط به اجمال از عوامل امداد الهی و حفظ وحدت سخن گفتیم. باید بدانیم یکی از بسترهای امداد الهی انطباق نظام دینی با فطرت الهی انسان هاست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با هدایت سازمان های اطلاعاتی کشورهای بیگانه به ویژه ابرقدرت ها و با استفاده از ظرفیت باقیمانده های رژیم شاه و ساواک ده ها گروه برانداز هر کدام با تکیه بر پشتیبانی های گسترده مادی و معنوی یک، دو و بعضاً چندین کشور خارجی با نام های مختلف و شعارهای متنوع علیه نظام نوپای اسلامی هم زمان وارد عمل شدند. اهل تجربه در امور امنیتی می دانند که در دیگر کشورها تنها یکی از این دهها گروه می تواند چندین دهه یک کشور را در حال جنگ داخلی نگه دارد و در بسیاری از موارد موجب سرنگونی نظام حاکم شود چه برسد به اینکه در ایران این گروه های با آن حمایت های سنگین خارجی هم زمان وارد عمل شدند حزب دمکرات، کومله، سازمان منافقین، حزب خلق مسلمان، حزب توده، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، راه کارگر، حزب رنجبران، اتحادیه کمونیست های ایران، چریک های فدایی خلق اکثریت، چریک های ندای خلق اقلیت و... شما نگاه کنید در ترکیه چند دهه است که در استان های کردنشین به خاطر درگیری با یک گروه پ.ک.ک حکومت نظامی برقرار است و استانداران بعضاً باید با بالگرد به مقر حکومتی خود رفت و آمد کنند چرا که راه ها امن نیست.

در عراق فقط یک گروه داعش چه کرد؟ با اشتغال دو سوم زمین های عراق و محاصره پایتخت نزدیک بود کار را تمام کند و گروه های کردی که عملاً زیر بار حکومت مرکزی آنجا نمی روند. افغانستان چه خبر است؟ در عربستان برای مقابله با نیروهای شورشی همین در زمستان ۱۳۹۶ رژیم آل سعود مجبور شد محلات مسکونی

خودش در منطقه شرقیه را با هواپیمای بمب افکن بمباران کند. در پاکستان که بروید از سنگربندی نیروهای مسلح با گونی و تیربار در وسط خیابانهای بعضی شهرهای مهم می توانید بفهمید چه خبر است. در بحرین چه می گذرد؟ حدود ده سال است که حاکمان آنجا برای برقراری نظم در کشورشان از نیروهای ارتش بیگانه کمک می گیرند و باز هم آرامش ندارند و روزی بی حادثه نیست. حال آنکه گروه های انقلابی در آنجا حامیان متعدد خارجی هم ندارند رسانه های بزرگ بین المللی هم آنها را حمایت نمی کنند سازمان ملل هم برای حمایت آنها به دولت فشار نمی آورد و... عواملی که همه شان در شورش گروه های برانداز ضدانقلاب ایران پشتیبان محکم شورشی ها بودند اینجا همه حامی رژیم ها هستند با این وجود در ایران بساط آن شورش ها را با وجود حمایت های گسترده بین المللی از شورشگران به سادگی جمع کرد ولی این کشورها با وجود پشتوانه های بین المللی از رژیم هایشان نمی توانند نظم و آرامش را برقرار کنند.

اگر کسی از انقلاب اسلامی هیچ چیز نداند و فقط محققانه به همین یک سوال جواب دهد به خوبی هم به حقانیت و هم به کارآمدی انقلاب کبیر اسلامی مان پی می برد.

راز این مسأله در امداد الهی است اما بستر تحقق این امداد ، انطباق ماهیت نظام با فطرت الهی انسان ها و اسلامی بودن نظام است برای این ادعا دلایل زیادی داریم بعضی نمونه ها را ذکر می کنم.

پروفسور احسان طبری نویسنده، شاعر، نظریه پرداز برجسته مارکسیست لنینیست مولف ۲۲ عنوان کتاب فلسفی، اجتماعی و ادبی متولد ۱۲۹۵ شمسی جامعه شناس و استاد رهبران مارکسیسک لنینیسم کشورهای مختلف جهان در اتحاد جماهیر شوروی و آلمان شرقی مسلط به ۷ زبان فارسی، عربی، روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، آذری و ترکی استانبولی وی در جوانی به دنبال سوءقصد به شاه پهلوی به اتهام مشارکت در این ترور غیباً به دو بار اعدام محکوم و با فرار از کشور به اتحاد جماهیر شوروی پناهنده شده بود.



او ضمن ادامه تحصیل و اخذ مقام علمی «دکتر هابیل» از فلسفه از آلمان استاد آکادمی تربیت کادرهای برجسته کمونیزم جهانی برای کشورهای مختلف بود. او استاد روژه گارودی فیلسوف برجسته فرانسوی، بیرک کارمل رئیس جمهور سوسیالیستی افغانستان بود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بعنوان رهبری معنوی و نظریه پرداز حزب توده ایران به کشور بازگشت و به اتفاق نورالدین کیانوری حزب را بازسازی کردند و در اردیبهشت ۶۲ به اتفاق سایر رهبران حزب به اتهام تدارک کودتا علیه جمهوری اسلامی بازداشت شد. بر اساس کتابهایی که خود به رشته تحریر درآورد با مطالعه کتب شهید مطهری و مرحوم علامه طباطبایی و گفتگوهایی که بعضی متفکران داشت توبه کرد و اسلام آورد و پس از چندی از زندان آزاد شد وی پس از توبه علاوه بر مصاحبه های تلویزیونی در رد مارکسیسم سه کتاب «نقد و سنجشی بر مارکسیسم»، «کژراهه» و مجموعه شعر «لابه» را به رشته تحریر درآورد که کتاب شعر او با مقدمه مرحوم حمید سبزواری شاعر برجسته انقلاب اسلامی منتشر شد. این کتاب ها عمق گرویدن وی به اسلام و توانمندی او در نفی مارکسیسم لنینسم و نظریه های ماتریالیستی را نشان می دهد.

نورالدین کیانوری رهبر سیاسی این حزب هم اندکی پس از دستگیری در رسانه های جمعی صریحاً اظهار داشت حزب توده ابزار جاسوسی و خیانت برای اتحاد جماهیر شوروی بوده است و او به خاطر این جرم مستحق هر مجازاتی است که جمهوری اسلامی برای چنین جرائمی وضع نموده است. او پس از آزادی از زندان تا سال ۱۳۷۸ در قید حیات بود. پس از انتشار این انحرافات رادیو آمریکا و به پیروی از آن سایر رسانه های استعماری مدعی شدند جمهوری اسلامی به فرمول آمپولی دست پیدا کرده است که متهمان را به حرف آورده و وادار به ابراز ندامت می کند.

محمد مهدی پرتوی مسئول شاخه سری حزب و عضو مرکزیت آن هم که جزء دستگیر شدگان همان سال و نادمان از حزب توده بود پس از تحمل چندین سال زندان آزاد شد و در مصاحبه با خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۳ در مورد آن حوادث می گوید: «احزاب مخفی زیادی در دنیا وجود داشتند که در مقطعی تشکیلات

شان لو رفت و شکست خوردند ولی افرادی بر سر موضع باقی ماندند تا در فرصتی دیگر به حیات خود ادامه دهند ولی آنچه در مورد حزب توده اتفاق افتاد به نظرم یک فروپاشی کامل بود اعتبار حزب از بین رفت این فراتر از یک شکست سازمانی بود.»

«من شنیدم آقای طبری در زندان گفته بود که امروز اسلام پرچم مبارزه با امپریالیسم را بلند کرده است یعنی ما باید زیر این پرچم باشیم.»

وی ادامه می دهد:

"دیگران خیلی چیزها را پنهان می کردند ولی طبری اینگونه نبود ما همیشه مواظبش بودیم حرفی ضد مواضع حزب نزنند. اهل شیشه پیله و دروغ گفتن نبود و تصور می کنم به آن چیزی که اعلام کرد (ابراز توبه) رسیده بود". او در پاسخ به اینکه می گویند این اعترافات تحت فشار شکنجه بوده است، می گوید: "در مقطعی (دوره شاه) در زندان ساواک اعضای حزب زیر شکنجه تا آخر دوام آوردند اما در دوره بعد (جمهوری اسلامی) زیر کمترین فشار هم مقاومت نکردند... در بازجویی های اولیه به همه چیز اعتراف کردند و از آن آرمان تبری جستند".

آیا این فروپاشی و تمکین در مقابل اسلام و نظام اسلامی مختص حزب توده است؟ خیر

بسیاری از رهبران گروه های سیاسی معارض انقلاب اسلامی از ارتشبد حسین فردوست سلطنت طلب و یار ۵۰ ساله و همیشگی محمدرضا پهلوی که در تمامی حوادث و وقایع از کودکی و دوره دبستان تا روز فرار از ایران او را همراهی کرد تا چریک کم نظیر مثل حسین احمدی روحانی رهبر گروه کمونیستی پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که از معدود عواملی بود که توانست در دوره رژیم پهلوی با وجود خفقان و تسلط عجیب و غریب ساواک در عین مشارکت در عملیات مسلحانه علیه رژیم ۱۳ سال زندگی مخفی داشته باشد و تا سال ۱۳۶۰ که به دنبال امواج ترور گروهکها توسط نوجوان اطلاعاتی سپاه دستگیر شد هیچکس از محل اختفاء او خبر نداشت همه

در اولین گفتگوها با بازجوی خود از خط و فکر و وابستگی های سازمانی می بریدند و به افشاگری در مورد جریان خود می پرداختند و همکاری های گسترده ای در کشف مخفی گاهها و دستگیری سایر عوامل گروه خودشان داشتند.

احمدی روحانی کسی بود که با خروج مخفیانه از کشور در سال ۵۰ به نجف رفت و پس از ۷ جلسه ۱/۵ ساعته با امام خمینی (ره) و تشریح مبانی اعتقادی سازمان با عرضه کتب سازمان به امام خمینی (ره) از ایشان درخواست فتوای حمایت از سازمان را نموده بود و از اصلی ترین عوامل فکری سازمان بود. او که بعد از کودتای ایدئولوژیک در سازمان مجاهدین خلق شاخه کمونیستی این سازمان یعنی سازندگان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را تشکیل داد. او که ساواک با آنهمه ابزار و امکانات پیشرفته اطلاعاتی هیچ وقت موفق به یافتن و دستگیری اش نشده بود بعد از دستگیری در سال ۱۳۶۰ وقتی مأمور تعقیب و مراقبت خودش را که یک سپاهی نوجوانی تازه کار بود را دید ناگهان فرو ریخت با وجود این سوابق طولانی فکری و مبارزاتی حسین روحانی در همان ایام اولیه بازداشت خود توبه کرد و به محور برنامه های فرهنگی زندان و نوحه خوانی برنامه زندان اوین تبدیل شد.

گروه فرقان یک گروه بشدت افراطی و متعصب با خط مشی انحرافی که خود را منسوب به فکر مرحوم دکتر شریعتی می کردند، اولین ترورهای بسیار مهم عناصر انقلابی مانند شهید آیت اله مطهری، شهید سپهبد قرنی، شهید آیت اله مفتاح، شهید عراقی و شهید آیت اله قاضی انجام دادند اکثرأدر همان ساعات اولیه دستگیری همکاری برای شناسایی و دستگیری سایر اعضا را آغاز کردند.

شاهد مثال از این نوع در دهه ۶۰ فراوان و پس از آنهم مکرر اتفاق افتاده است اغلب ساواکی ها و عوامل وابسته به رژیم سلطنتی اکثریت منافقین و کمونیست ها با گفتگو هایی که با آنها صورت می گرفت توبه می کردند توبه ای که حداقل آن همکاری صمیمانه برای شناسایی و دستگیری بقیه اعضا گروه و در اغلب موارد با تحول کامل

اعتقادی و روی آوردن به اجرای احکام نماز و روزه و ... و در مواردی افراد فکری و نظریه پرداز گروهها به نوشتن کتاب رویه بر نظریات قبلی خود ختم می شد.

در عملیات مرصاد سعید شاهشوندی عضو شورای مرکزی منافقین مجروح و دستگیر شد. او یک نیروی با سابقه عضویت در منافقین از پیش از انقلاب بود نامزد انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی از استان فارس و سپس کاندیدای نمایندگی مجلس از شهر سیراز بود. او بلافاصله بعد از دستگیری همکاری را آغاز کرد.

این واقعیت آنقدر گسترده و فراگیر بود که دشمنان بدون آنکه بتوانند منطقی در رد آن ارائه دهند گاهی با عنوان وجود آمپول اعتراف و توبه گاهی با عنوان وادار سازی به توبه زیر شکنجه و گاهی بعنوان پروژه تواب سازی از آن یاد کرده و می کنند و بدون آنکه بتوانند منطقی علیه آن ارائه کنند آنرا با واژه سازی های منفی می کوبند.

این پدیده استثنایی انقلاب اسلامی هم محدود به دهه ۶۰ نیست. در اواخر دهه ۸۰ در فتنه ۸۸ آنچه جبهه نفاق و فتنه را پاشید همین نوع اعترافات و ابراز ندامت ها بود. اعترافات صریح و ابراز ندامت ابطی رئیس دفتر محمد خاتمی و رئیس جمهور اسبق و عضو شورای مرکزی روحانیون مبارز، آنهم در دادگاه علنی در حضور دهها خبرنگار بدون هیچ شرایط اجباری تیر اول روزنامه ها شد. نظریه پردازان اصلی فتنه مانند حجاریان و محمدعطریانفر که مغزهای ایدئولوژیک گروههایشان محسوب می شدند با مصاحبه های مکرر و ابراز ندامت و افشای نکات ظریف و دقیقی که نمی توان با اجبار و اکراه کسی را به بیان آنهمه جزئیات و ظرایف وادار کرد حقانیت نظام را برای بار دیگر احراز کرد.

نامه ی دکتر سعید حجاریان در رد فلسفی تفکر سابق حزبی خود شاهی بر این مدعا است.

این حجم از توبه و ندامت معارضان یک نظام از طیف های کاملاً متنوع ایدئولوژیک از ماتریالیست غرب گرا تا کمونیست دو آتشف و مدعی آئین اسلام انقلابی و ... یک پدیده استثنایی است که در هیچ جای دنیا با این وسعت

و فراگیری اتفاق نیافتاده است و آنچه این پدیده را شدنی کرده است چیزی جز حاکمیت اسلام و انطباق ایده‌ی نظام حاکم با فطرت انسانها نیست.

ادعای آمریکایی‌ها، انگلیس‌ها و سامانه‌های صهیونیستی مجازی مانند ویکی‌پدیا در مورد این واقعیت‌های غیرقابل انکار اینست که اینها از ترس اعدام انقلابی توبه‌ظاهری کرده‌اند که این ادعا قطعاً غلط است چون خیلی از این افراد بخاطر جنایاتی که کرده بودند اعدام شدند و تا پای چوبه‌دار هم دست از توبه برنداشتند و یا می‌گویند تحت شکنجه مجبور به توبه شده‌اند که باید پرسید اگر شکنجه چنین نتایجی دارد چرا شکنجه‌های شما در زمان شاه این خصوصیت را نداشت؟ چرا شکنجه‌گاههای گوانتاناما و ابوغریب و ۱۷۰ شکنجه‌گاه آمریکا در کشورهای مختلف جهان که از پیچیده‌ترین فناوری‌ها برای شکنجه افراد استفاده می‌کنند چنین خاصیتی ندارد؟ چرا شکنجه‌گاههای اسرائیل و لبنان اشغالی و امروز در فلسطین اشغالی چنین دستاوردی نداشته است؟ شاید زیر شکنجه توانسته باشند افرادی را تسلیم کنند و از آنها اطلاعات بگیرند ولی کجا توانسته‌اند افراد را با شکنجه وادار به تغییر اعتقاداتشان بکنند در حدی که در رد اعتقادات سابق مقاله و نامه بنویسند و شعر بسرایند و بالاتر اینکه در تثبیت اعتقادات جدید کتاب تالیف کنند. فراوان بودند تروریست‌های منافق و کمونیست که در سالهای ۶۰ و ۶۱ بعد از توبه سلاح می‌گرفتند نارنجک می‌بستند و همراه تیم عملیاتی در عمل روی خانه‌های تیمی خطرناک شرکت می‌کردند چنین پدیده‌هایی کجای دنیا اتفاق افتاده است؟

گیریم حرف آنها درست باشد البته شکنجه‌ای که در کار نبوده فرض کنیم این افراد تحت فشار شرایط زندان بریده باشند و یا توبه‌ظاهری کرده باشند افراد غیر زندانی چطور؟ صدها هزار نفر که بدون رفتن به زندان از گروههای ضد انقلاب جدا شدند آنها چرا این کار را کردند؟

حس کنجکاوای جوانانه، روح حماسی و فضای پرشور ماههای آغازین پیروزی انقلاب کبیر اسلامی، اسطوره شدن زندانیان سیاسی دوران شاه در اذهان عمومی بویژه جوانان از یکسو و تبلیغات اغواگرانه گروههای ضد انقلابی غالباً با پوشش ظاهری طرفدار امام خمینی و انقلاب اسلامی و شعارهای ضد امپریالیستی صدها هزار جوان یا شاید بیشتر را جذب گروههای مختلف ضد انقلاب کرده بود کفایت تصاویر تجمعات بزرگ چند ده هزار نفری هواداران بعضی

گروهها در سال ۵۹ و ۶۰ را مرور کنید آن جمعیت های بزرگ غالباً جوان و پرشور در آن اجتماعات گروهها شرکت می کردند چه شدند؟ آیا جمهوری اسلامی همه ی آن صدها و هزار یا بیش از میلیون را کشت؟ یا آنها را زندانی کرد؟ می دانیم که همیشه گروههای تروریستی و مخفی تلفات خیلی پایینی نسبت به نیروهای دولتی که در معرض دید و تیر هستند دارند بویژه اگر مردم عادی و غیرمسلح بعنوان هدف گروههای تروریستی قرار گیرد نسبت کشته های تروریست از قربانیان آنها خیلی کمتر است کل شهدای ترور در ایران ۱۷۰۰۰ نفر است پس برابر یک قاعده ی علمی و مشخص تعداد معدومین ضد انقلاب رقمی خیلی کمتر از این است در زندانها هم که تعداد خیلی خیلی کمی از گروهک ها باقی هستند پس آن صدها هزار نفر هواداران و اعضای گروهک ها در سال ۶۰-۵۹ چه شدند؟ کجا رفتند جواب روشن است اغلب اعضاء و هواداران گروههای ضد انقلاب با شنیدن مواضع بر حق انقلاب اسلامی و دیدن رفتار باطل گروهها از آنها جدا کردند و با ریزش از صف ضد انقلاب به انقلاب پیوسته یا لااقل ساکت شدند خیلی از آنها بعد از توبه به جبهه رفته و شهید شدند و در این زمینه واقعیت های غیرقابل انکارتری هم وجود دارد.

### خاطرات شیرین امنیتی

از ابتدای ناامنی ها و شورش گروهک ها در کردستان در اثر پیام های مکرر امام خمینی و فعالیت های تبلیغی و بیشتر از همه تحت تأثیر رفتار علمی پاسداران و نیروهای مسلح با مردم تعداد زیادی از عناصر مسلح ضد انقلاب از آنها جدا شده و سلاح را زمین گذاشتند تعداد زیادی از این افراد بعد از بریدن از ضد انقلاب اسلحه جمهوری اسلامی را گرفتند و به جنگ ضد انقلاب رفتند. برای ساماندهی این امر در راستای راهبرد نظام که جداسازی صف مردم از ضد انقلاب، سرکوب شدید ضد انقلاب و صحبت فراوان به مردم بود ستاد تائبین تشکیل شد تا سایر ضد انقلابهای مسلح را هم به بازگشت دعوت کند. با فعالیت های تبلیغی و دعوتنامه هایی که برای ضد انقلاب مسلح فرستاده شد بیش از شش هزار نفر مسلح غالباً با سلاحهای خود برگشتند و با ابراز ندامت و توبه و حضور در نمازهای جمعه و تحویل دادن سلاحهای خود به پاسداران جلوی روی مردم، احزاب خود را کنار گذاشتند در این فرایند تعداد زیادی فرماندهان گردانها و مسئولان ارشد ستادی ضد انقلاب نیز خود را تسلیم جمهوری اسلامی کردند و از جمله، موستا هیمن شاعر بسیار پر آوازه کرد که بعنوان عضو افتخاری کمیته مرکزی حزب دمکرات سالها با آنها زندگی کرده بود از آنها جدا شد و به جمهوری اسلامی پیوست از ایشان خواستم اشعاری در راستای حمایت از خط انقلاب اسلامی بسراید او هم اشعار متعددی در این رابطه سرود تا آنجا که بخاطر دارم شعر بلند و پر تأثیری در مورد آزادی بیت المقدس سرود. شعری

علیه صدام و نوکری صدام در مورد بمباران بانه توسط نیروی هوایی عراق سرود که یادم هست با این مطلع آغاز می شد که (بانه وی رانه      جه گریه بریانه) این شعرها را ما به سپاه شهرستانهای تابع قرارگاه حمزه که من مسئول اطلاعات آن بودم می فرستاد، و آنها در تابلو اعلانات درب سپاه نصب می کردند مسئولان سپاه شهرستانها می گفتند مردم آنقدر به شعر ماموستا هیمن علاقه دارند که وقتی این شعرها را نصب می کنیم می آیند درب سپاه از سرو کله هم بالا می روند تا از روی تابلو این شعرها را بنویسند من باورم نمی شد و فکر می کردم غلو می کنند تا آنکه ما در مهاباد همایش برگزار و از روحانیون سراسر کردستان دعوت کردیم برای شنیدن سخنان آیت اله مقتدایی دادستان کل آنوقت بودند به مهاباد تشریف بیاورند و در مورد همان روند دعوت از ضد انقلاب برای زمین گذاشتن سلاح با آنها گفتگو شود خوشبختانه روحانیون استقبال کردند و ۹۰۰ روحانی کرد در همایش حضور یافتند من که از ارومیه می خواستم به همایش بروم از ما ماموستا همین خواستیم همراه ما بیاید و در همایش شعرهایی بخواند ایشان قبول کرد و آمد و اشعار خود را در تأیید راه انقلاب اسلامی خواند آنجا من متوجه شدم که گزارش همکارانم در مورد نفوذ شعر ماموستا هیمن راست بوده است چون بعد از اتمام همایش بیشتر از صد نفر روحانیون حاضر در همایش صف بستند یکی یکی می آمدند با استاد هیمن که کنار من ایستاده بود مسافحه می کردند بعضی ها اشک می ریختند و بعضی دست او را می بوسیدند آیا می شود با زور از چنین شاعری شعر نافذ در حمایت از آرمانهای انقلاب اسلامی گرفت؟ آنهم شاعری که سالها در مرکزیت حزب دمکرات کردستان اقامت داشت؟ بعد از موج تسلیم مسلّحین ضد انقلاب خیلی از آنها اصرار داشتند اسلحه جمهوری اسلامی را بگیرند و به رزمندگان ما بپیوندند در یک مرحله حداقل هزار نفر از آنها به نیروهای بسیج پیوستند و یگانهای ویژه ای تشکیل دادند آن یگانها کارآمدترین نیروها بودند و تحت عنوان یگانهای حزب الله کاری ترین ضربات را به مراکز ضد انقلاب در عمق کوهها و غارها می زدند چون مکان های مخفی و استراحتگاههای شبانه آنها را کاملاً می دانستند و از قواعد نگهبان و نظامات امنیتی آنها آگاه بودند چرا جمهوری اسلامی توانست ظرف مدت کوتاهی افرادی را که علیه نظام سلاح برداشته بودند ابتدا تسلیم کند و سپس با اسلحه نظام به جنگ همان دشمنی که عضو تشکیلاتی بودند بفرستد؟ صدها شهید از جمله بعضی از برجسته ترین و پرآوازه ترین شهدای کردستان همین تسلیم شده ها و تائبین هستند که شاید خانواده مکرّم آنها راضی به بیان نام آنها نباشند وقتی از قطعه شهدای ارومیه زیارتی کنید سرمزار شهید عبدالله مین گل مسکن بروید شهیدی که بین بازگشت او از ضد انقلاب و تواب شدن او و شهادتش چند روز بیشتر فاصله نبود. در یکی از صدها تواب شهید است که عاشقانه جنگیدند تا گذشته خود را جبران کنند.

چه چیزی جز اسلام می توانست چنین پدیده ای را در این حد از گستردگی شکل بدهد بلکه ممکن است در جاهای دیگر استثنائاً در مواردی خیلی محدود تغییر مواضع و یا با چرخش رئیس یک عشیره به پیروی عشیرتی تغییر جبهه داده باشند در یک فرایند غیر عشیرتی و کاملاً اعتقادی رخ داده باشد اما بیش از ده هزار تواب مسلح بیش از ده هزار مسلح تواب دشند بیش از هزارتای آنها در یگانهای خودی گزینش شوند و صدها نفر از آنها به شهادت برسند پدیده ای استثنایی است.

یک تجربه بزرگ راهبردی به سادگی از دل این واقعیات قابل استنتاج است و آن اینکه بنا کردن نظام بر پایه فطرت بهترین راه کاستن از منازغات و خونریزی ها و تبدیل مخالف و معاند به دوست و همراه پایدار و قابل اعتماد است این می شود تجربه بیست و چهارم.

## ۲- حکومت بر مبنای خواست، اراده و رأی مردم (مردم‌سالاری)

دومین شاخص دولت اسلامی و خصوصیت دیگر احترام به آراء عموم مردم است امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این خصوص می‌فرمایند:

مردمی بودن حکومت؛ یعنی نقش دادن به مردم در حکومت. یعنی مردم در اداره حکومت و تشکیل حکومت و تعیین حاکم و شاید در تعیین رژیم حکومتی و سیاسی نقش دارند [مردم‌سالاری]. یک معنای دیگر برای مردمی بودن حکومت اسلامی این است که، حکومت اسلامی در خدمت مردم است. آنچه برای حاکم مطرح است، منافع عامه مردم است نه اشخاص معین و یا قشر معین یا طبقه معین [مردم‌داری]. اسلام به هر دو معنا، دارای حکومت مردمی است... اگر یک حکومتی ادعا کند که مردمی است، باید به معنای اول هم مردمی باشد؛ یعنی مردم در این حکومت دارای نقش باشند. اول در تعیین حاکم. در حکومت اسلام مردم در تعیین شخص حاکم دارای نقش و تأثیرند. البته در حکومت‌های دینی و حکومت‌های اسلامی، یک مقطعی از زمان و یک برهه‌ای از زمان، حکومت [شخص حاکم] یک حکومت تعیین‌شده خدایی است. این را همه مسلمین قبول دارند. در آنجا مردم در تعیین حاکم نقشی ندارند [دوران رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع)]



"تأکید نظام به آراء مردم است. تکیه نظام به آراء مردم یکی از میدان‌هایی است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آن‌ها باید در اینجا خود را نشان بدهد. در قانون اساسی ما، در تعالیم و راهنمایی‌های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم در حقیقت هیچ است. باید با اتکا به رأی مردم کسی بر سرکار بیاید. باید با اتکا به اراده مردم نظام حرکت کند". (بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۸۰)

اینکه بعضی تصور می‌کنند مردم‌سالاری با حاکمیت خدا ناسازگار است و مرتباً از حاکمیت دوگانه دم می‌زنند و جمهوری اسلامی را دچار تناقض منطقی می‌دانند. مغایر اندیشه مردم‌سالاری دینی است  
امام خامنه‌ای (دام‌ظله) در پاسخ این شبهه می‌فرماید:

«مسأله منافات میان حکومت اسلامی و حکومت مردمی دارای، یک سابقه تاریخی است. در طول تاریخ غالب حکومت‌هایی که به نام حکومت دین وجود پیدا کرده‌اند، تا آنجایی که در تاریخ از آن نشانی هست، حکومت استبدادی بوده‌اند که مردم و افکار مردم را در آن راهی نبوده است. اگر از حکومت چندساله کوتاه صدر اسلام بگذریم که در آن حضور مردم و رأی مردم کاملاً محسوس است، حکومت‌های مسلمان نام دوران چند صدساله خلافت اسلامی از همین حکومت‌هایند. حکومت‌های مسیحی دوران قرون وسطی که در آن حاکمیت روحانیون مسیحی و حاکمیت مسیحیت مشهود و محسوس بوده است، جزو استبدادی‌ترین حکومت‌هایی هستند که تاریخ به یاد دارد. همیشه حکومت الهی بهانه‌ای بوده است برای این که حاکمان رأی مردم را نادیده بگیرند و به آن اعتنا نکنند... نتیجه این شد که در ذهن بسیاری از اندیشمندان و نویسندگان و هوشمندان حتی این فکر مسجّل شد که حکومت دینی با حکومت مردمی دوتاست و این دو با یکدیگر قابل جمع نیستند. این یک فکر خطاست".

حکومت الهی به طبیعت و ذات خود با حکومت مردمی و دخالت آرای مردم در حکومت، نه تنها منافاتی ندارد بلکه حکومت‌های الهی بهترین و شیواترین وسیله هستند برای این که دخالت مردم در اداره امور تأمین بشود. امیرالمؤمنین مردمی‌ترین حاکمی است که عالم اسلامی و تاریخ اسلام به خود دیده است.

امیرالمؤمنین آن حاکمی است در اسلام که برای اولین بار عامه مردم جمع شدند و از او تقاضا کردند، التماس کردند و خواستند که زمامداری آن‌ها را به دست بگیرد... بارأی مردم، با میل مردم و طلب و خواست قلبی مردم به حکومت می‌رسد.

وقتی ما می‌گوییم حکومت اسلام یک حکومت مردمی است، معنای این حرف این نیست که حکومت اسلامی حکومت خدا نیست. در اسلام حکومت الله با حاکمیت مردم در سرنوشت خود منافاتی ندارد. حکومت مردم به معنای حکومت مردم، آن‌چنان‌که در دموکراسی‌های غربی بیان شده، نیست. حکومت مردم به همان اندازه‌ای است که بر طبق فرمان خدا برای مردم اجازه و امکان تصمیم‌گیری و اقدام داده شده است و لذا قرآن درباره بنی اسرائیل می‌فرماید: «و نريد أن نمَنَّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمةً...» یعنی حکومت [از آن] مستضعفان است و این منافاتی ندارد که حکومت مستضعفان به معنای حکومت خدا و در چارچوب احکام الهی باشد.

متأسفانه بعضی از انسان‌های دین‌دار در این شعار با مخالفان دین همراه شده و هر دو خدای سالاری و مردم‌سالاری را جمع ناشدنی معرفی می‌کنند و می‌گویند که نمی‌توان حکومت دینی مردم‌سالار داشت!

دو جریان - جریان معتقدان به دین و جریان مخالفان دین - هر دو یک مطلب را به عنوان حقیقت بیان می‌کردند. هم معتقدان به دین وانمود می‌کردند که حکومت دین یک حکومت استبدادی است هم مخالفان دین و غیر معتقدان به دین با گرایش حکومت مردمی در حقیقت می‌خواستند ثابت کنند که حکومت دینی نمی‌تواند مردمی باشد و اگر جایی حکومت مردمی هست دیگر جایی برای حکومت دینی نیست!"

امام خامنه‌ای عزیز در تبیین دیدگاه امام خمینی (ره) در زمینه نقش مردم می‌فرمایند: "عنصر دوّمی که امام به آن حداکثر توجه را کرد [در کنار عنصر اسلام‌گرایی]، عنصر «مردم» بود. ادعای «مردم‌گرایی» در همه نظام‌ها - حتی استبدادی‌ها - وجود دارد اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شأن و

منزلت و حق و نقش قائل می‌شوند. امام به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود. (بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۸۰)

## تفاوت اهمیت به مردم در دموکراسی غربی و مردمسالاری دینی

مسئله دقیقاً همین جاست که همه از مردم و رأی آنها دم می‌زنند در کجا این احترام به آرای مردم اصالت دارد و کجا ساختگی است؟

آنچه مسلم است در دموکراسی لیبرال مردم فی‌ذاته اهمیتی ندارند ارزش آنها فقط در حد یک رأی آنهاست کرامت انسان اصالتی ندارد. اصالت با در دست گرفتن افکار عمومی است آمریکا در همه جای دنیا کشتار می‌کند در گوانتانامو شکنجه‌گاه قرون وسطایی راه می‌اندازد و انسان‌ها را بدون محاکمه و کیفرخواست بعضاً ۱۷ سال است که در زندان نگه‌داشته است

آمریکا در ۱۷۰ زندان مخفی در سراسر دنیا افراد را می‌برد و سر به نیست می‌کند وقتی می‌پرسید به چه مناسبت این شکنجه‌ها که خلاف قانون خودتان است اعمال می‌کنید پاسخ آنها چیست؟ می‌گویند چون گوانتانامو جزء خاک آمریکا نیست شامل قوانین آمریکا نمی‌شود این بدان معنی است که انسان کرامت و شرافتی ندارد اگر افکار عمومی آمریکایی‌ها را از دست ندهیم مجازیم همه‌ی مردم عالم را نابود کنیم.

مسئله مسئله کرامت انسان‌ها و حقوق انسانی نیست مسئله در دست داشتن افکار عمومی است فلذا در کشور اگر به هزار محفل حزبی سر بزنید حتی یک محفل در مورد اینکه فلان مشکل مردم را چگونه می‌شود حل کرد بحث نمی‌کنند. همه‌ی فکر و ذکرشان این است که چه باید بگوییم و چه باید بکنیم که رأی مردم را برای خودمان جمع کنیم.

طرف مشاوره نشست‌ها و کمیسیونهای حزبی مسئولان بخش‌های خدمت به مردم نیستند بلکه مشاوران عملیات روانی و رسانه‌ای جامعه‌شناسان هستند در محافل حزبی معمولاً کارشناسان اقتصادی دعوت نمی‌شوند کارشناسان تربیتی مطلقاً به این محافل راه ندارند سؤال اینگونه محافل این نیست که چگونه می‌توانیم فلان مشکل اقتصادی و تربیتی را حل کنیم؟ بحث اینست که چگونه می‌توانیم بر افکار عمومی مردم مسلط شویم و رأی آنها را برای خود جمع کنیم.

اگر مردم به نوار جلساتی که منجر به تولید شعارهای عوام‌پسند و تیترو روزنامه‌ها و چکیده‌واژه‌های بعضی شخصیت‌های سیاسی می‌شود بصورت توییت و امثال آن می‌شود دست پیدا کنند و ببینند فرایند رسیدن به شعارهایی مثل حضور زنان در ورزشگاه‌ها و یا کنسرت مشهد و ... چیست از بی‌حرمتی‌هایی که در این بحث‌ها نسبت به عموم مردم می‌شود حالت تهوع به آنها دست می‌دهد.

اگر برداشتی که مبدعان این شعارها از مردم‌دارند و الفاظ تحقیرآمیزی که نسبت به مردم و برنامه‌ریزی برای تحمیق و سرگرم‌نگه‌داشتن مردم در جلسات خود بکار می‌برند. علنی شود مردم یک روز هم به آنها اجازه فعالیت نخواهند داد اما واژه‌ای که تیترو روزنامه‌ها محور سخنرانی‌ها می‌شود خیلی حساب شده است گویی پدید آورندگان این تیتروها و شعارها مباحث جلسات حزبی اینست که چگونه مردم را به این مسائل سرگرم‌نگه‌داریم خودمان در خصوصی‌سازی‌ها شرکت‌ها را مفت از آن باند خودمان کنیم؟ چگونه سر مردم را شیره بمالیم و آنها را به این مسائل فرعی مشغول کنیم و غنائم رابین هم‌حزبی‌های خودمان تقسیم کنیم؟

اینگونه جریان‌ها از اینکه آلوده شدن مردم به شبکه‌های مجازی فاسد خانواده‌ها را فرو می‌پاشند دغدغه‌ای به خود راه نمی‌دهند. همیشه از وجود شبکه‌های ماهواره‌ای بیگانه‌خشنودند و هیچ‌نگرانی نسبت به تضعیف فرهنگ ملی و دینی و اخلاق و شخصیت اجتماعی آنها ندارند. ترویج آزادی شهوترانی و برگزاری مجلس رقص و چشم‌چرانی از سوی آنان کاری پسندیده است چون تا زمانیکه بتوانند مردم را با آزادی شهوت رانی به شهوات مشغول کنند مردم کمتر مزاحم آنها خواهند شد و سراغ آزادی بیان و عدالت و سلامت و درستکاری را خواهند گرفت برای این جریان‌ها هیچ‌نگران‌کننده نیست که از طریق شبکه‌های اجتماعی افسار گسیخته تحت مدیریت بیگانگان دختران را ببرند و نثار قدوم شیوخ فاسد امارات کنند. این برای آنها ایده آل است که مردم سرگرم همین مسائل باشند و کمتر از سیاست بپرسند و کمتر از قراردادهای ننگین کشور بر باد ده و استقلال بر باد ده از آنها سوال و مواخذه کنند.

### **تسلط بر افکار عمومی یا مردم دوستی و مردم‌سالاری**

این یک تجربه جهانی است که نظام سرمایه‌داری و چپاولگران ثروت‌های مردم مرتباً در مسائل فرعی مثل حاشیه‌های ورزش و یا مسائل انحرافی مثل شهوات و آزادی‌های جنسی و بی‌بندوباری اخلاقی می‌دمند و آنرا تیترو رسانه‌ها و مشغله ذهنی مردم و افکار عمومی می‌کنند تا به قبول خودشان انرژی مردم و جوانان را تخلیه کنند و مردم دیگر حالی برای پرداختن به مسائل احساسی و مزاحمت برای آنها نداشته باشند. در جلسات این افراد کراراً با این عبارات را

می شنویم "بگذاریم انرژی جوانها تخلیه شود" ما چه کاری با مردم داریم بگذاریم سرگرم باشند" همان کاری که الگوهای الهام بخش آنان در غرب می کنند و مردم را چنان سرگرم مسائل شهواتی و فیلم ها و موسیقی های مستهجن و حاشیه های ورزشی می کنند که اساساً فرصتی برای با خبر شدن از چپاولها و غارت ها و کشتارهای آنان پیدا نکنند نمونه بارز و برجسته آن همزمانی کشتارهای بزرگ با بازیهای ورزشی مهم بین المللی است.

مهمتر از مسابقات المپیک و برندگان آن، این است که همیشه هم زمان با آغاز مسابقات، تحولی بزرگ در عرصه سیاست که با جنایات هولناک و کشتار بی رحمانه به ویژه علیه مسلمانان بود، رخ داده است!

المپیک ۱۹۴۸: اولین تحول، همزمان با از سرگیری مسابقات المپیک در سال ۱۹۴۸ در لندن بود. در حالی که همه اذهان عمومی متوجه لندن و المپیک بود، صهیونیستها در فلسطین اشغالی با به راه انداختن حمام خون در خیابانها موجودیت اسرائیل را اعلام کردند. (انقلاب نیوز ۱۳۹۳/۰۵/۰۵)

المپیک ۱۹۶۰: کشتار بی رحمانه رژیم آپارتاید با حمایت گسترده امریکا و انگلیس در آفریقای جنوبی شکل گرفت. (انقلاب نیوز ۱۳۹۳/۰۵/۰۵)

المپیک ۱۹۷۲: مسابقات المپیک ۱۹۷۲ در مونیخ جنجال دیگری به راه انداخت. در این مسابقات، چند فلسطینی که معلوم نشد چگونه از لایه های امنیتی شدید عبور کرده بودند، چند ورزشکار اسرائیلی را ترور کردند و ۵ تن از گروگانگیرها نیز در حمله پلیس کشته شدند. سر و صدای عجیبی به راه افتاد که پلیس آلمان با توجه به امکانات و تسلیحاتی که در اختیار دارد، می توانست مانع از این اقدام گردد، اما هیچ نتیجه ای حاصل نگردید به جز آن که فلسطینی ها در افکار عمومی جهان و به ویژه غرب به عنوان «تروریست» و اسرائیل به عنوان قربانیان مظلوم عملیات تروریستی معرفی شدند تا هر گونه جنایات و نسل کشی آنها توجیه شده و مقبول اذهان عمومی قرار گیرد. این ماجرا به «سپتامبر سیاه» معروف شد. (انقلاب نیوز ۱۳۹۳/۰۵/۰۵)

المپیک ۱۹۸۲: همزمان با آغاز مسابقات، اسرائیل حمله ددمنشانه ای به لبنان را آغاز نمود و تعداد کثیری از مردم بی دفاع و از جمله زنان و کودکان لبنانی را قتل عام کرد. (انقلاب نیوز ۱۳۹۳/۰۵/۰۵)

المپیک ۱۹۸۶: با آغاز مسابقات، اسرائیل کشتار بی رحمانه ای علیه فلسطینی ها به راه انداخت. (انقلاب نیوز ۱۳۹۳/۰۵/۰۵)

جام ملتهای اروپا ۱۹۹۲: همزمان با شروع مسابقات، قتل عام مسلمانان مظلوم بوسنی هرزگوین به اوج خود رسید.

جام ملتهای اروپا ۲۰۰۰ اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد که با مقاومت شدید مواجه و مجبور به فرار شد، اما این شکست بزرگ تحت الشعاع اخبار مسابقات قرار گرفت. (انقلاب نیوز ۱۳۹۳/۰۵/۰۵)

جام جهانی ۲۰۰۶ اسرائیل به غزه یورش برد و مجبور به عقب نشینی گردید (انقلاب نیوز ۱۳۹۳/۰۵/۰۵)

المپیک ۲۰۱۲ - لندن کشتار بی رحمانه و بی سابقه‌ی مسلمانان توسط بودایی‌ها و سکوت غریب به اتفاق دولت‌ها و مجامع بین‌المللی، به راه می‌افتد. بهانه، تجاوز و قتل یک زن بودایی بود. اما به هزاران زن مسلمان تجاوز می‌شد، و ده‌ها هزار مسلمان قتل عام می‌شدند و جنایات هولناکی که حتی با جنایات اسرائیلی‌ها و صرب‌ها قابل قیاس نیست، صورت پذیرفت. مردم به صورت گروهی به رگبار بسته شده و یا به آتش کشیده شدند، کودکان مسلمان را وسط خیابان‌ها به سیخ کشیده و کباب کردند، جوانان را با قمه مثله کرده و گردن می‌زند ... (۲) و در مقابل فقط انگلیس به نیرو، تجهیزات و آرایش نظامی خود افزود. (انقلاب نیوز ۱۳۹۳/۰۵/۰۵)

مسابقات المپیک و یا جام ملت‌های اروپا، همیشه حامل پیامی دردناک برای مظلومین و به ویژه مسلمانان بوده است هشدار برای یک جنایت هولناک، یک نسل‌کشی و یک حادثه‌ی ددمنشانه و دردآور دیگر علیه مسلمانان تلقی می‌شود.

در قاموس دمکراسی غربی اگر بتوانی میلیون‌ها بی گناه را بکشی و شکنجه کنی ولی افکار عمومی را نسبت به آن کار قانع کنی یا فریب دهی آن کار مجاز است و اشکالی بر آن مترتب نیست. ادعای واهی وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق و تمرکز تبلیغاتی روی آن تجاوز به عراق برای تسلط بر چاههای نفت آن کشور و کشتار دهها هزار بی گناه را مجاز کرد و امروز کسی نیست که بپرسد آن سلاحهای کشتار جمعی کجاست. حمله ۱۱ سپتامر به برج های دو قلو و نسبت دادن مرکزیت تروریسم به افغانستان کشتار صدها هزار نفر مردم را مباح کرد و امروز کسی نیست که مواخذه کند اگر آنجا مرکز تروریست ها بود چرا با اشغال آن داعش درست شد و تروریسم چند برابر در جهان توسعه پیدا کرد؟ چرا با اثبات سعودی بودن اکثر عوامل حمله به برجها هیچ برخوردی با عربستان نشد؟ ولی افغانستان کماکان در اشغال است چون آمریکا برای اشراف بر ایران، چین و روسیه به آن کشور نیاز دارد مسأله واضح است آنچه در دمکراسی غربی اصالت دارد و مدیریت افکار عمومی و در اختیار گرفتن قضای رسانه ای است و آنچه اهمیتی ندارد

کرامت انسانی و اراده‌ی مردم است آنها برای پیاده‌سازی دموکراسی نیازی به ارتقاء اخلاق و انسانیت مدیران عالی خود ندارد بلکه نیازمند افزایش روز افزون رسانه‌ها و اثر گذارتر کردن رسانه‌ها و تفریحات سرگرم‌کننده هستند.

لذا تجربه بیست و پنجم انقلاب اسلامی اینست که برای لیبرالها تسلط بر افکار عمومی و کسب آراء مردم مهم است و نه اعمال اراده مردم و پیگیری اولویت‌های در آنان مهمترین راه منحرف کردن افکار عمومی هم برای پرداختن به حاشیه‌سازی‌ها و مشغول‌سازی افکار عمومی و سرگرم ساختن آنها به مسائل شهوانی و فعال‌سازی غرایز حیوانی برای تعطیل کردن خرد انسانی و پر و بال دادن به مسائل فرعی برای فراموشی سپردن مسائل اصلی است.

همانگونه که امام خمینی در وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش می‌فرماید "سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوانها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرتکده‌ها، و دهها از این مصائب حساب شده، برای عقب‌نگهداشتن کشورهاست."

در همین سالها شاهد هستیم که مسأله اصلی مردم در تمام نظرسنجی‌ها حل مسائل اقتصادی است اما اتفاقی در این عرصه نمی‌افتد بلکه تلاش می‌شود با حاشیه‌سازی‌ها و دو قطبی‌سازی‌ها فضا برای رسیدن به مطامع اقتصادی آنان محیا شود مردم باید به کنسرت موسیقی فاسد و غیرمتعهد و حاشیه‌های فوتبال سرگرم باشند تا هیچوقت از خود نپرسند که انحصارات واردات گوشت کره و برنج در اختیار کیست؟ یا طرف اصلی واردات از چین چه کسی است و چه سهمی از هر دلار واردات به او می‌رسد تا نگذارد تولید داخلی پا بگیرد؟ انحصارات واردات از کشور کره در اختیار کیست؟ چه کسی با زد و بند ایتالیا و فرانسه نمی‌گذارد صنعت لوازم خانگی ایران اوج بگیرد.

مدل تفکر لیبرال دموکراسی برخلاف تفکر مردم‌سالاری اسلامی این چنین است.

مردم‌سالاری اسلامی همان است که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: *واشعر قلبک الرحمة الرعیه و للطف بهم.* ترجمه: یعنی مهربانی و محبت و لطف به مردم را قلباً درک کن عشق به مردم را به دل خودت حالی کن. (سید رضی، نهج

البلاغه، نامه ۵۳)

مردم سالاری دینی مردم را این‌گونه می‌بیند اما اخ لک فی الدین و نظیر لک فی الخلق. ترجمه: یعنی به مردم محبت کن و عشق بورز چون آنها یا برادر دینی تو هستند و یا در انسان بودن همانند تو هستند. (سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳)

مردم‌سالاری یعنی بجای شب‌نشینی با کارشناسان عملیات روانی و طراحی عبارتها و واژه‌هایی که در مصاحبه یا سخنرانی فردا باید بیاید تا به اصطلاح خودشان مخ مردم را بکار بگیرد. در تاریکی شب دور از دوربین‌ها علی وار آذوقه روی دوش گرفتن به منزل فقرا و محرومان رفتن و درد دل آنها را شنیدن نه پشت دوربین ژست آن را گرفتن.

## یک خاطره‌ی تلخ

چندی پیش توفیق شد به منزل یک مادر چند شهید رفتیم. گفتند ظهر نهار میهمان ما هستید خیلی خوشحال شدیم و بر اساس روال معمول با اعضای خانواده مشغول خوش‌وبش شدیم وقتی سفره نهار و ظرف‌ها را آوردند بلند شدم سفره را گرفتم با کمک همراهان پهن کردیم و غذا را که قورمه‌سبزی خوشمزه‌ای هم بود را چیدیم. مادر شهیدان با تعجب گفت شما چقدر خودمانی و راحت هستید؟! پرسیدم "مگر جای تعجب است باید هم همینطور باشیم؟"

گفتند: "وقتی با دیگران مقایسه می‌کنیم تعجب می‌کنیم" پرسیدم: چطور؟

گفتند: چندی پیش یکی از مسئولان می‌خواست خانه ما بیاید محافظان کلی بیابرو راه انداختند بعد هم آمدند دماسنج گذاشتند گفتند اینجا گرم است باید دمای خانه ۱۸ درجه باشد ما کولر را روشن کردیم بازهم به درجه دلخواهشان نرسید باوجوداینکه هوا سرد بود مجبورمان کردند پنجره‌ها را بازکنیم پدر شهید مریض بود و می‌لرزید (مدتی بعد پدر شهید از دنیا رفت) پتو آوردیم انداختیم روی ایشان روی ویلچر که سرما نخورد. بالاخره آن آقای مسئول آمد و فقط ۷-۸ دقیقه فقط در همان حدی که فیلم بگیرند و چند کلمه جلوی دوربین بگویند نشست روی صندلی و صحبتی کرد و رفت هرقدر هم تعارف کردیم چیزی بخورد نخورد و همراهان می‌گفتند چون از لحاظ امنیتی غذاها چک نشده آقای رئیس نمی‌توانند چیزی بخورند."



مادر شهدا گفت: درحالی که حضرت آقا که منزلمان چند سال پیش آمده بودند سه ربع ساعت نشستند درد دل های ما را گوش کردند هر چه تعارف کردیم خیلی صمیمی خوردند و شمارا هم امروز می بینیم این طور با ما راحت هستید لذت می بریم و تعجب می کنیم از این تفاوت برخورد".

بله این تفاوت فقط در برخورد نیست ریشه در بینش و طرز تلقی افراد از مردم و انگیزه ملاقات با آنها دارد برای بعضی ها حقوق مردم و حقوق شهروندی مستملکی برای سخنرانی ها و جلب آراء است و بعضی ها واقعاً مردم را از عمق دل دوست دارند و خدمت به آنها را برای خود فضیلت و شرف می دانند. مسأله ما مردم اینست که در غوغای انتخابات تفاوت این دو را تشخیص بدهیم.

### تشخیص مردمسالاری از مردم فریبی

در مردمسالاری دینی حکومت و دولت انسان ها را راهنمایی می کند مانند امام (ره) در وصیت نامه سیاسی و الهی خود خطاب به مردم می فرماید:

" در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل کرده متعهد روشنفکر بااطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتهار به تقوا و متعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده. و با علما و روحانیون باتقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند نه از سرمایه داران و زمین خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی توانند بفهمند" (گزیده ای از وصیت نامه سیاسی - الهی امام، مجله معارف، خرداد ۸۴، شماره ۲۶)

ما باید بدانیم اگر دولت اسلامی می خواهیم اگر دولت خدمتگزار و نه منت گذار می خواهیم و اگر دولتی می خواهیم که بجای سرگرم کردن ما با مسائل فرعی و ایجاد حاشیه و فضاهای رسانه ای برای جلب توجه و به فراموشی سپردن مسایل اساسی برای مردم واقعاً دل می سوزاند و وقت می گذارد به اصل مشکلات مردم مثل اشتغال و ازدواج و رفع اعتیاد و کاهش طلاق و ... بپردازد و کابینه ۸۰ میلیونی تشکیل دهد باید در انتخابات دولت و مجلس و شورای شهر و خبرگان به وصیت امام (ره) عمل کنیم.

اگر بجای عمل به وصیت امام (ره) بر اساس آموزه‌های لیبرالیستی عمل کردیم و بجای روشنفکران و متعهد مشهور به تقوا و روحانیون متعهد به جمهوری اسلامی خوانندگان و بازیگران مشهور هنری و ورزشی را مبنای تصمیم قراردادیم قطعاً نباید توقع خدمت و حل مشکلات را داشته باشیم.

در آن صورت ما با رأی مان آن بازیگران را به کام می‌رسانیم آنها پول و دستمزد خودشان را از کاندیدای موردنظر می‌گیرند و لذتش را می‌برند نصیبی هم که به ما می‌رسد انتشار ژست‌های بیشتر و فیگورهای آن بازیگر در فضای مجازی و رسانه‌ای است و نمی‌باید انتظار رفع مشکل مردم و اشتغال و ازدواج و مسکن و .. داشته باشیم.

ریاست طلبانی که آنچه برایشان مهم نیست مصالح مردم است و فقط به نشستن بر صدفی قدرت و تضمین منافع شرکت‌های خصوصی خودشان می‌اندیشند با هجوم گسترده در فضای مجازی به عملیات روانی متوسل می‌شوند و در مقابل تکلیفی که اسلام برای هر مسلمان تعیین کرده و بر خلاف رهنمود امام خمینی (ره) که باید در انتخابات به جز فرد اصلح که باتقوا و خدا ترس و ساده زیست تر است رأی بدهید اینگونه تبلیغ می‌کنند که بیاید به افرادی که اشرافی تر هستند رأی بدهید چرا که آنها بقدر کافی از بیت المال خورده اند و سیر هستند اگر به آنها رأی بدهید بهترست تا به فرد ساده زیست، چرا که فرد ساده زیست و پاک، فرد ساده زیست هنوز مال مردم را نخورده و وقتی روی کار می‌آید تازه می‌خواهد این کار را شروع بکند و بقول معروف تازه می‌خواهد خودش را ببندد و من و شما هم غافل از اینکه آنکه احیاناً بیت المال را خورده حریص تر می‌شود و به آن زندگی اشرافی قناعت نمی‌کند. و ایمان را تحت تأثیر همین نوع القائات می‌دهیم. نتیجه اش می‌شود شورای شهری که یکسال است همه ی طرحهای عمرانی را خوابانده است و معلوم نیست درآمدها را کجا می‌برند.

وقتی ما این معیارهای غلط را در انتخاب نماینده مجلس یا شورای شهر یا رئیس جمهور می‌پذیریم باید تبعات آن را هم بپذیریم.

ما باید دقیقاً منظور و عمق مواضع کسانی که روی ما اثر می‌گذارند را درک کنیم کسی که دم از آزادی بیان می‌زند واقعاً طرفدار آزادی است یا این فقط شعاری برای رأی جمع کردن است. این را از کجا می‌شود تشخیص داد؟ اگر کسی رسانه ملی را به خاطر انتقاد کردن محترمانه و مستدل از عملکرد خودش یا همکارانش تخطئه می‌کند، اگر کسی روزنامه‌ها و سایت‌هایی را که با احترام با عدد و رقم بدون توهین و دروغ، عملکرد او را نقد کرده‌اند یا امثال برنامه انتقادی ثریا را به شدت تحت فشار می‌گذارد و از طریق مطالبه از مسئولان بالاتر و یا دادگاه‌ها آنها را تعقیب می‌کند،

و به تعطیلی می کشد چنین فردی در دفاع از آزادی بیان و حقوق شهروندی صادق نیست و آن شعارها جز برای کلاه گذاشتن بر سر مردم و تسلط بر افکار عمومی کاربردی ندارد.

## آزادی بیان یا آزادی شهوت

بعضی‌ها آزادی بیان را با آزادی شهوت اشتباه گرفته‌اند. اگر فیلمی صحنه‌های فاسد داشته باشد، کتابی ادبیات مستهجن و غیراخلاقی به کاربرده باشد و... حرف از ممیزی و حذف این موارد بیاید، خلاف اصول شهروندی محسوب می‌کنند، ولی اگر در فلان سایت بسیجی‌ها انتقادات علمی، محترمانه و بدون توهین بدون خلاف می‌آید، با تلفن‌های پی‌درپی و تذکرات به مسئولین بسیج و تذکرات تند به مسئولین بالاتر در جلسات امنیتی و شماتت در جلسات مکرراً از آن‌ها می‌خواهند که این مسائل را حذف کنید و این نقدها را کنار بگذارید.

از نظر آنان انتقاد به پیامبر(ص) و امام عصر(عج) جایز است ولی کسی نباید به کار خودشان کوچک‌ترین انتقادی کند. در قاموس دمکراسی سخن از آزادی بیان زدن فقط برای پشت تریبون‌هاست، جلوی مردم گفته می‌شود آزادی بیان ولی لیبرالها در عمل از تمام اهرم‌های حزبی و روابط اداری برای حذف انتقاد استفاده می‌کنند.

در مدل لیبرال دمکراسی آنچه بازار داغی در محافل حزبی دارد، نظرسنجی‌هاست. همه سعی می‌کنند سخنان خود را با نظرسنجی‌ها هماهنگ کنند. مؤسسات نظرسنجی روزبه‌روز افزون می‌گردد و رونق بیشتری دارد. کسی دنبال پیدا کردن مشکلات و گره‌های اصلی مردم در نظر سنجی‌ها نیست.

اگر مدیران بر اساس دستور دولت اسلامی بین مردم زندگی کنند نیاز چندانی به مؤسسات نظر سنجی ندارند چرا که خودشان مؤسسه‌ی نظر سنجی بی‌غل و غش و بدون خطا هستند که همه‌ی دردهای مردم را می‌دانند مسأله اینست که اولاً مدیران لیبرال علاقه‌ای به حضور در میان مردم ندارند ثانیاً دغدغه‌شان هم مشکل اصلی مردم نیست بلکه هدف شناسایی نقاط ضعف روانی جامعه و نفوذ از آن طریق برای دست گرفتن افکار عمومی است. آنها دنبال آن هستند که بدانند مردم کدام شخص را بیشتر دوست دارند تا برای رأی آوردن خودشان را به او بچسبانند، کدام جریان را بیشتر می‌پسندند تا شعارشان را مثل آنها تنظیم کنند چه تصویری راجع به مسایل روز شایع تر است که تا صرف‌نظر از درست یا غلط بودن آن‌طور تحلیل کنند.

مردم سالاری دینی حقیقی از دو سو تحت فشار و هجوم است از یکسو طرفداران سنتی حکومت دینی متحجر می‌گویند در نظر گرفتن آراء مردم در اداره ی کشور حد زدن به دستورات خدا و احکام الهی است و باطل است و از سوی دیگر دموکراسی خواهان غربی هم معتقدند که رعایت احکام دین توسط حکومت محدود سازی آزادی و آراء مردم است و هیچ چیز از جمله دین حق ندارد به آزادی حد بزند.

اولاً در نظر گرفتن آراء مردم حدی به دین نمی زند و این حکم قرآن است که فرمود "و شاورهم فی الامر" مشورت و اخذ نظر مردم تکلیف قرآنی است ثانیاً در یک جامعه دینی رعایت احکام دین حدی به آزادی مردم نمی زند چون خود مردم قبلاً آزادانه دین و احکام آنرا پذیرفته اند و این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که مرامی نیست که حدی برای آزادی قائل نباشد و آنرا بی حد و حصر بداند.

محدوده برای آزادی در همه جا وجود دارد در اسلام و دولت اسلامی می‌گوییم آزادی کامل در چارچوب اوامر و نواهی خدا در لیبرال دموکراسی حد آزادی سلایق حاکمان و منافع آنهاست آنها شهوات حیوانی افراد را آزاد می‌گذارند اما اگر کسی به صهیونیست ها انتقاد کند یا واقعیت های تاریخی مثل دروغ بودن هولوکاست را بیان کند مجازات می‌شود آنها هم آزادی را محدود می‌کنند ولی محورهای محدودیتشان با ما فرق دارد.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این زمینه می‌فرمایند:

"دموکراسی‌های غربی [لیبرال دموکراسی] بر مبنای فرهنگ کشاندن آحاد مردم به غفلت و رها کردن زمام شهوات و هواهای نفسانی است.

در غرب و فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی یک امر مباح و مجاز و بی‌قید و شرط است. غرب، جمهوری اسلامی را به‌عنوان کشوری که در آن لباس زنان شکل الزامی دارد، مورد انتقاد قرار می‌دهد، اما آن دولت‌هایی که برهنگی و نبودن حجاب میان زن و مرد را الزامی می‌کنند، آن‌ها را مورد انتقاد قرار نمی‌دهند. این برای چیست؟ برای همین است که این برخلاف فرهنگ پذیرفته شده غرب است. غرب روی رواج مشروبات الکلی حساس است و آن را به‌عنوان یک نکته مثبت در ملت‌ها و در عادات و آداب آن‌ها می‌شمارد. اگر در یک کشور، مشروبات الکلی ممنوع بود و مصرف کردن آن مجازات داشت، غربی‌ها

حساسیت نشان می‌دهند و این را ارتجاع به حساب می‌آورند، اما اگر در کشوری مشروبات الکلی آزاد و مجاز و رایج باشد و حکومت نسبت به آن حساسیتی نشان ندهد، بلکه ترویج بکند، این را مستحسن می‌شمارند. [حتی] الزام و اجبار مردم به روش‌های گوناگون تا آنجا که با فرهنگ غربی منافات نداشته باشد، برای غربی‌ها مجاز است و هیچ ایرادی ندارد و لذا با کشورهایی که از ابتدایی‌ترین روش‌های دموکراسی هم محروم و دورند، رابطه حسنه دارند.

آزادی در مفهوم غربی؛ یعنی مخالفت با هر چیزی که جلوی هوس و کام انسان را بگیرد، یعنی رهایی از هر قیدوبندی. البته قیدوبند قانونی را که پذیرفته‌اند قبول می‌کنند، اما همان قانون هم با توجه و باملاحظه به اینکه «اخلاق قید نیست»، «مذهب قید نیست» و «حفظ حقوق ملت‌ها قید نیست» تدوین می‌شود... مثلاً در آمریکا همه آزادند که فساد کنند. همه آزادند که زندگی خود را طبق هوس و شهوت خود بگذرانند اما این آزادی معنایش این است که میلیون‌ها انسان در آن سوی جهان آزاد نیستند خود را از شر آمریکا رها کنند.

از آنجاکه ملت الجزایر اسلام و نظام اسلامی را انتخاب کرده است [و به فرهنگ غربی روی خوش نشان نداده است]، محافل سیاسی وابسته به استکبار و رسانه‌های خبری صهیونیستی با وقاحت تمام فریاد پایمال شدن دموکراسی در الجزایر را سر داده‌اند و این در حالی است که مردم مسلمان آن کشور در واضح‌ترین نوع دموکراسی به اسلام رأی داده‌اند.

از نظر لیبرال دموکراسی، قید زدن به خواسته‌های انسانی خلاف است. لذا اگر مردم و اکثریت افراد جامعه‌ای قریب به اتفاق و آزادانه حجاب، حاکمیت دین خدا، حرمت مشروبات الکلی و... را بپذیرند، خلاف دموکراسی عمل کرده‌اند" (مکتب جمعه، ح ۶، ص ۳۶۲).

مغایرت این فکر لیبرالی با دولت اسلامی امری بدیهی است اما ظاهر فریبنده شعار آزادی ممکن است ما را فریب دهد و این مدل را بر دولت اسلامی ترجیح دهیم این مسأله ای است که بدور از مسائل نظری باید با ذکر تجربه‌های

عینی و عملی برای مردم شکافته شود و مهمترین وظیفه تبیین گران اینست که نه فقط با استناد به مسائل اعتقادی و فلسفی بلکه بر اساس تجربیات عینی و عملی برای همگان روشن کنند دولت مقید به تقوی و احکام اسلامی برای آنها مفیدتر است یا دولتی که برای آزادی مردم بظاهر دلسوزی می کند و برای جلب آراء مردم، رأی مردم را در جایگاهی بالاتر از حکم خدا می نشاند کدام دولت منافع اقتصادی و اجتماعی و سعادت دنیا و آخرت ما را تضمین می کند دولتی که به تقوا پایبند است و معتقد است. آزادی ناهنجاری ها و خلاف اخلاق بضرر جامعه است و باید جلوی بی بند و باری ها را گرفت یا دولتی که برای خوشامد مردم و کسب آراء بیشتر می گوید باید هرزگی را آزاد گذاشت تا مردم خودشان انتخاب کنند کدامیک دولت مردمی واقعی و دلسوز مردم هستند و می توانند جامعه را سعادت مند کنند.

باید تجربه های واقعی و میدانی را صرفنظر از مباحث نظری مد نظر قرار داد و دولتهایی که به غرب و استکبار جهانی نزدیک ترند احترام به آراء مردم و آزادی در آنها بیشتر است یا دولتهایی در حال مبارزه با اردوگاه استکبار هستند. این تجربه علمی و انکارناپذیر چهل ساله انقلاب اسلامی است که آزادی و احترام به آرای مردم و نقش مردم در اداره کشور با زمانی که رژیم شاه دولت و همکار لیبرال دمکراتهای آمریکایی بر سر کار بود قابل قیاس نیست در دوره ای که دولت ایران با آمریکا و اروپا دوست صمیمی و در ایران خبر از آزادی و رأی مردم در اداره کشور نبود بلکه هم اختناق بود و فشار و استبداد رأی شاه بر خلاف بسیاری از مصالح مردم البته آزادی شهوترانی بود و حتی تشویق به آزادی شهوات جنسی خیلی هم زیاد بود اما آنچه مردم به خاطر آن قیام کردند و با فریاد و شعار "آزادی" شهید و جانباز تقدیم کردند آزادی اندیشه بود آزادی فکر و اعتقادات بود آزادی برای اظهار نظر و نقش آفرینی در اداره کشور بود نه آزادی شهوات.

علت این واقعیت ها چیست؟ چرا لیبرال دمکراسی آزادی های واقعی را سلب و جوامع را به سوی آزادی شهوانی سوق می دهد چون اساساً بنیادی که برای لیبرال دمکراسی نهاده شده اعمال اراده مردم بر سرنوشت خود نیست بلکه اعمال اراده ی احزاب و خواص است.

بر خلاف مردم سالاری دینی که در چارچوب دین به رأی و خواسته های توده های مردم اصالت می دهد و خود را پایبند به اجرای نظرات مردم می داند در دمکراسی رأی مردم برای به حکومت رسیدن گرفته می شود ولی عملکرد

دولت الزامی به تحقق خواست مردم ندارد بلکه مبتنی بر رأی احزاب است. غالباً مردم مخیرند بین یکی دو سه حزب یکی را انتخاب کنند و چاره دیگری ندارند.

امام خامنه ای می فرماید: عرصه دیگر "عرصه تکلیف مسئولان نظام در قبال مردم است. وقتی ما می گوئیم مردم، معنایش این نیست که مردم بیایند رأی بدهند و مسئول یا نماینده ای را انتخاب کنند، بعد دیگر برای آن مردم هیچ مسؤولیتی وجود نداشته باشد. صرفاً همین باشد که اگر کسی می خواهد برای مردم کاری کند، به این خاطر باشد که مردم بار دیگر به او رأی دهند. مسأله این نیست. در اسلام و نظام جمهوری اسلامی فلسفه مسؤولیت پیدا کردن مسئولان در کشور، این است که برای مردم کار کنند. مسئولان برای مردم اند و خدمتگزار و مدیون و امانت دار آن ها هستند. مردم محورند. در دموکراسی حکومت در مرتبه اول در خدمت سرمایه داران و صاحبان احزاب است" (بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه الله علیه، ۸۰/۰۳/۱۴).

### یک مثال زنده در تفاوت دموکراسی با مردم سالاری دینی

دو مرجع رسمی ذیصلاح در تأیید صلاحیت یک شهردار هر دو مرجع قانونی به استناد مدارک قطعی و غیرقابل خدشه صلاحیت فردی را به جهت تخلفات عدیده برای انتصاب به سمت شهرداری رد می کنند ولی مافوق به آنها دستور می دهد سوابق و مدارک را نادیده بگیرید و او را تأیید صلاحیت کنید؛ چرا؟ آیا این تصمیم به خاطر مصالح جامعه است؟ آیا فرد رد صلاحیت شده شخص توانمندی است که حیف است مردم از مدیریت او محروم شوند؟ و یا فردی فوق العاده ضعیف و به جای کار کردن اهل عیش و عشرت است؟ استدلال این آقای رئیس برای صدور دستور غیر قانونی و تأیید صلاحیت این فرد صد در صد بی صلاحیت چیست؟ می گوید "چرا ما هزینه سیاسی آن را پرداخت کنیم؟! شما تأیید کنید بگذارید دیگران هزینه عدم انتصاب آنرا بپردازند!!!"

یعنی این آقا برای اینکه جناح های سیاسی حامی انتخاباتی او ناراحت نشوند و از او قهر نکنند رسماً به مردم خود جفا می کند و شهردار فاقد صلاحیت را که دستگاه های امنیتی زیر نظر و طرفدار خودش با صرف وقت و هزینه بیت المال بی صلاحیتی اش را تشخیص داده اند و اتفاقاً علاوه بر بی صلاحیت بی کفایت هم هست. بر مردم آن شهر مسلط می کند.

وقتی به جای خدمت به مردم ریاست بر مردم و حفظ صندلی قدرت اصالت می‌یابد و لیبرال دموکراسی جای مردم سالاری دینی را می‌گیرد نتیجه بهتر از این نیست چرا که اهرم‌هایی که در لیبرال دموکراسی برای تضمین حفظ حقوق مردم آمده است کافی نیست و ناکارآمد است

## نزدیک شدن به آمریکا و غرب همان و بازگشت دیکتاتوری همان

نقش مردم ایران در اداره کشور از زمانی آغاز شد که با آمریکا و اروپای متکبر به ستیز برخاستند. آیا این تجربه مختص مردم ایران است؟ نخیر به کل کشورهای اسلامی نگاه کنید هر کشوری که به آمریکا نزدیک تر است و با اروپا دوست تر است استبدادی تر و دیکتاتوری تر است.

صمیمی ترین دوست آمریکا در منطقه امروز کجاست عربستان سعودی کشوری که نه انتخابات دارد نه مجلس دارد نه رسانه های آزاد دارد و مردم هیچ نقشی در اداره کشور ندارند.

نزدیک ترین رژیم به آمریکا و انگلیس کجاست؟ بحرین کشوری که اکثریت مردم حق رأی ندارند و یک اقلیت کوچک بی دین ولی ظاهراً به اسم اهل سنت با زور سرنیزه خود را به اکثریت شیعه تحمیل کرده است و آمریکا و انگلیس هم به شدت حمایت می‌کنند. در آمریکای لاتین و آفریقا هم همینطور است دولت‌ها هر چه به آمریکا و اروپا نزدیک ترند دیکتاتورترند.

در طول چهل سال گذشته آمریکا و اروپا با نتایج کلیه ی انتخابات آزاد در کشورهای اسلامی مخالفت کرده اند و با حمایت کودتا انتخابات آزاد در این کشورها را باطل و نتایج آنرا بنفع دیکتاتورها پامال کرده اند این واقعیت غیرقابل انکاری است که در ترکیه، مصر، بحرین، الجزایر و فلسطین بعضاً دوبار اتفاق افتاد چرا؟ به دو دلیل:

دلیل اول اینکه اگر مردم این کشورها آزاد باشند و در سرنوشت خویش دخیل باشند قطعاً مخالف چپاول ثروت های خودشان توسط استکبار هستند پس حاکمیت اراده ملت‌ها مخالف منافع آمریکا و اروپا است آنها می‌خواهند دولتی روی کار باشد که منافع غرب را ولو به ضرر ملت خودش تأمین کند.

دلیل دوم اینکه وقتی یک کشور در موقعیت مبارزه با آمریکا و اروپا قرار می‌گیرد آنها برای تضعیف موقعیت دولت آن کشور به شدت اعمال و رفتار کشور مبارز و استقلال طلب را زیر نظر می‌گیرند و با توجه به اینکه بخش اعظم رسانه



های جهان و نهادهای بین‌المللی در دست آنهاست با کوچکترین اقدامی که بویی از محدودسازی آزادی‌های مردم بدهد جنجال‌های عظیم رسانه‌ای به راه می‌اندازند و از طریق مجامع بین‌المللی فشار می‌آورند و زیاد و آزادی و خطر برای حقوق بشر سر می‌دهند مثلاً در مورد جمهوری اسلامی ایران با وجود آزادی‌های بیش از اندازه و در حد افراط که در آن هست، با متوسط هر سال یک انتخابات، با وجود بیش از ۲۵۰ حزب سیاسی، با وجود هزاران نشریه خصوصی و .... از سوی رئیس‌سازمان ملل نماینده ویژه حقوق بشر گمارده می‌شود که اوضاع را بپایند و گزارش دهد مبدا حقوق بشر مخدوش شود. آن آقای نماینده ویژه هم مرتب گزارش منفی که توسط منافقین و سلطنت طلب‌ها و قاقاچقیان فراری برای او می‌نویسند را قرائت می‌کند و ایران آزاد را برای آزادی‌های بیشتر تحت فشار می‌گذارد ولی رژیم عربستان که هیچ انتخاباتی ندارد زندان‌هایش مملو از مخالفان سیاسی است رهبر مذهبی مردم آیت‌الله شیخ محمدباقر النمر را فقط به جرم اینکه اظهاراتی در مخالفت با رژیم آل سعود داشته به همراه دهها و صدها تن از این جنس اعدام می‌کند از سوی سازمان ملل نماینده ویژه‌ای برای دیدبانی حقوق بشر ندارد و وقتی به خاطر کشتار بی‌رحمانه هزاران کودک یمنی در بمباران گزارش علیه او تهیه می‌شود کاملاً رسمی و علنی با دادن رشوه آن گزارش را منتفی می‌کنند و دهها شاهد مثال دیگر که قابل نقل است (دنیای اقتصاد، ۹۶/۰۸/۰۸). اگر در جمهوری اسلامی مأمور نیروی انتظامی احیاناً کوچکترین برخورد ناشایستی با یک متهم داشته باشد آنرا تیتراژ اخبار جهانی می‌کنند اما اگر رژیم آل سعود محله مسکونی شهری خودش و شهروندان تحت حکومت خود در منطقه شرقیه داخل خاک سعودی را با هواپیمای بمب افکن بمباران کند هیچ خبر و جریان سازی نمی‌شود و هیچ فشاری بر در آنجا نمی‌آید! صدام ملعون یکی از مستبدترین و دیکتاتورترین حکام تاریخ شکنجه‌گاه‌های عظیمی به راه انداخت صدها هزار نفر بی‌گناه را در کشتارهای دسته‌جمعی کشت‌گورستان‌های دسته‌جمعی بسیار بزرگی درست کرد خانه‌ای که غذا به مخالفان او می‌داد روی سر اهل منزل تخریب می‌کرد اما تا زمانی که در راستای اهداف آمریکا حرکت می‌کرد گزارش حقوق بشر و جنجال رسانه‌ای که نبود هیچ آنقدر روی جنایات او سرپوش گذاشته شد که حتی ما که در آن موقع در اطلاعات بودیم از خیلی از این جنایات‌ها بی‌خبر می‌ماندیم آنها حتی دست او را باز گذاشتند تا مردم شهرها و روستاهای عراق را بمباران شیمیایی کند.

آن وقت همین دولتهایی که اینطور دست دولت هم پیمان خودشان را برای کشتار بی‌گناهان باز می‌گذارند روی کشته شدن یک نفر چنان جنجالی در جهان راه می‌اندازند که بیا و ببین چرا چون اینبار متهم قتل نه

صدام جنایتکار بلکه نظام اسلامی ایران است. اگر آن یک نفر را جمهوری اسلامی کشته بود حرفی نبود اینقدر هم جنجال شود در در فتنه ۸۸ یک نفر را از انگلیس می فرستند یک خانم را در خیابان جنب محل تظاهرات معترضان می کشد و قاتل بلافاصله هم فرار می کند به انگلیس آن قتل را به گردن نظام می اندازند و صدها ساختمان و خیابان و اماکن مختلف را در دنیا به اسم آن مقتول نامگذاری می کنند. هیچکس هم از خود نمی پرسد که چرا جمهوری اسلامی باید یک خانم معمولی و بی اثر در مسائل سیاسی اجتماعی را بکشد اینهمه مخالف موثر آزادانه می گردند قتل این خانم معمولی چه فایده ای برای جمهوری اسلامی دارد؟ و حتی اگر هم کشته باشد چطور رسانه های جهان این خانم خیلی معمولی را در حد بزرگترین رهبران سیاسی انقلابها بالا می برند و آنقدر روی آن جنجال می کنند.

اینجاست که می توانیم بگوییم یکی از تجارب مسلم و قطعی چهل سال انقلاب اسلامی یعنی تجربه بیست و ششم که در این مجموعه مطرح می کنیم، این است که کشورهای غربی بشدت مخالفت دمکراسی و آزادی در کشورهای اسلامی هستند هر ملتی که می خواهد آزاد باشد هر ملتی که می خواهد آرای او در سرنوشت و اداره کشورش دخیل باشد و هر کشوری که می خواهد گرفتار دیکتاتورها نشود به هیچ وجه اجازه ندهد که دولت و حاکمان کشور از غرب گراها و دوستان صمیمی آمریکا و اروپا باشند چرا که هر چه دولتها به غرب نزدیک می شوند دستشان در ظلم و جنایت بازتر خواهد بود و بدون مزاحمت موسسات جهانی و فارغ از جوسازی رسانه های مسلط در جهان می توانند هر جنایتی را در حق ملت خود مرتکب شوند.

علت این واقعیت ها چیست؟ چرا لیبرال دمکراسی آزادی های واقعی را سلب و جوامع را به سوی آزادی شهوانی سوق می دهد چون اساسا بنیادی که برای لیبرال دمکراسی نهاده شده کاملا غلط است.

### **گرایش لیبرال دمکراسی ریشه اصلی ناکامی ها و ناکار آمدی ها**

نظریه پردازان لیبرال دمکراسی اهرم های تضمین کننده آزادی و حاکمیت اراده عمومی او نظام دلخواه خود را بر چهار رکن استوار کرده اند: ۱- قانون اساسی ۲- نظام پارلمانی ۳- احزاب سیاسی و ۴- مطبوعات آزاد. آیا این ارکان کارآمدی لازم را برای تحقق سعادت بشر و تضمین حاکمیت مردم به سرنوشت خود را دارد. آیا این ارکان می تواند ضامن مردم سالاری و تحقق عدالت اجتماعی باشد؟ صرفنظر از مباحث نظری تجارب چه می گویند؟

### **آیا وجود قانون اساسی صیانت از حقوق مردم را تضمین می کند**

در دمکراسی لیبرال بر خلاف تفکر دولت اسلامی تحقق عدالت، حاکم شدن اخلاق و انسانیت و روابط انسانی اهمیتی ندارد. مهم این است که در رقابت برای کسب قدرت بتوانی آرای مردم را جلب کنی. جلب آرا هم غالباً از طریق ژست‌های تبلیغاتی، بکارگیری گسترده ترفندهای رسانه‌ای و صرف پول‌های سنگین برای جلب حمایت سلبریتی هاست و مسابقه عجیبی برای کسب قدرت شکل می‌گیرد.

رایج‌ترین رفتار در فضای لیبرالی انتخابات اتهام زنی‌ها و شایعه پراکنی‌های طرفین علیه یکدیگر و توسل به دروغ و تهمت و ترفندهای رسانه‌ای برای تخریب حریف است. بازار وعده‌های غیرعملی و بکار گرفتن متخصصان اجیر شده برای تأیید امکان پذیری آن وعده‌های دروغ داغ است. برای جلب هر چه بیشتر طرفداران و رأی دهندگان وقاحت تا حد متهم کردن نظام به جنایت و دیکتاتوری و تبلیغ رسمیت دادن به روسپیگری پیش می‌رود.

ای کاش این آسیب‌های لیبرال دموکراسی فقط به دوران انتخابات خلاصه می‌شد. مشکلات در دوران تصدی ریاست بیشتر می‌شود؛ روسا و مدیران برنامه‌ها را نه بر اساس مصالح اساسی کشور بلکه بر اساس زمینه سازی رأی آوری در دور بعد تنظیم می‌کنند و اقدامات عوام‌فریبانه برای در دست گرفتن افکار عمومی کاملاً بر حل مشکلات اساسی مردم ارجحیت پیدا می‌کند.

کارهای اساسی و درازمدت که منافع ملی و پیشرفت اساسی کشور را به دنبال دارد چون قابل تبلیغ و فریب افکار عمومی نیست، به حاشیه می‌رود و اقدامات روزمره و دهان پرکن جایگزین آن می‌شود.

آیا رهبران آمریکا نمی‌دانند آزادی حمل سلاح گرم که سالانه جان دهها هزار انسان بی گناه را در آمریکا می‌گیرد و بدتر از آن رعب و وحشت را بر جامعه آمریکا مستولی کرده است به مصلحت مردم کشورشان نیست؟

اگر می‌دانند چرا با تصویب قانونی جلوی آن را نمی‌گیرند؟ چرا همهٔ روسای جمهور آمریکا از این مشکل می‌نالند ولی نمی‌توانند آن را حل کنند. فقط به خاطر اینکه چنین تصمیمی "رأی خراب کن" است از یک سو صاحبان کارخانه‌های تولید سلاح و از سوی دیگر قاچاقچیان مواد مخدر که تأمین کننده‌های اصلی بودجه‌های انتخاباتی هستند از هر کس چنین ایده‌ای داشته باشد دوری می‌کنند. و از سوی دیگر رقیب او را به محدود کردن آزادی‌های مردم متهم می‌کند لذا همه ی مشاوران تبلیغاتی و رسانه ای به رئیس جمهور آمریکا توصیه می‌کنند که وارد این موضوع نشود.

آیا رهبران اروپا نمی‌دانند که گسترش فساد جنسی به ویژه لواط‌گری و زندگی جنسی با حیوانات حرث و نسل آنها را به نابودی کشیده و آنها را در مسیر انقراض کامل نسل اروپایی قرار داده است.

دو حیوان همجنس را هم اگر سالها از جنس مخالف محروم کنید مرتکب همجنس‌بازی نمی‌شوند یعنی این کار قبیح از مصادیق پست‌تر شدن انسان از حیوان است که قرآن می‌فرماید: اولئک کالانعام بل هم اضل چنین افرادی مثل حیوانات بلکه بدتر از حیوانند (اعراف ۱۷۹).

آیا آنها نمی‌دانند بخاطر همین مشکل گرفتار رشد منفی جمعیت و در حال تسلیم تدریجی کشورهایشان به پناهندگان نژاد آسیا و آفریقا هستند؟ چرا جلوی آن را نمی‌گیرند و به چرخه زندگی انسانی بر نمی‌گردند؟ فقط بخاطر اینکه این تصمیم و ایستادن آنها جلوی شهوترانی بی‌حد و حصر جوانان ریزش‌رأی دارد.

موارد عدید و مشابه این که رهبران جوامع غربی را از اصلاح جوامعشان بازداشته و مسیر انحطاط و نابودی تمدن غرب را قطعی کرده است همه ناشی از حاکمیت همین تفکر است.

در لیبرال دموکراسی غرب "افکار عمومی" نه فقط جایگزین قانون اساسی شده است بلکه باید گفت برای آنها حفظ منافع قدرتمندان با ملاحظه جلب افکار عمومی خداست. هیچ حقیقتی که دولت مکلف باشد جامعه را به آن سمت سوق دهد و هیچ ارزشی که جامعه را بر اساس آن اصلاح کند وجود ندارد. ارزش اصلی تأمین منافع کمپانی‌های بزرگ است و چارچوب آن افکار عمومی است و رسانه‌ها ابزار ثروتمندان بزرگ برای شکل دادن به افکار عمومی بر اساس منافع خودشان است.

لذا نه تنها بعضی مدعیان تراز اول دموکراسی مثل انگلیس و اسرائیل اصلاً قانون اساسی ندارند بلکه بسیاری از آنها که دارند هم به آن ملتزم نیستند.

قانون اساسی چه کشوری اجازه می‌دهد که دولت از مردم مالیات بگیرد و آنرا صرف کمک به جنایت و آدم‌کشی در جاهای مختلف دنیا کند؟ کاری که اغلب کشورهای لیبرال دموکرات به آن مشغولند. قانون اساسی کدام کشور اجازه می‌دهد دولت سیاست‌هایی را که روند نابودی تمدن آن کشور را بدنبال دارد پیاده کند و منافع ملی عمیق و اساسی کشور را فدای هواهای نفسانی و مطامع زودگذر نماید آنچه امروز در کشور ما هم آفت و بلای جان اصلاحات اجتماعی

در ایران شده نفوذ همین تفکر است. تفکری که بجای پایبندی به اصول و اهمیت دادن به مصالح عمومی و منافع ملی و اهداف دراز مدت اصلی ترین دغدغه اش اقتناع لحظه ای افکار عمومی برای در دست داشتن کرسی قدرت است.

چرا به جای حفر کانال‌های زیرزمینی برای انتقال آب و برق و مخابرات و گاز و... در شهرهای بزرگ هر روز خیابان را می‌کنند؟ چون کار زیرزمینی پر هزینه طولانی مدت است. هر چند کار دائمی است و یکبار که انجام شود دیگر کندن خیابانها در کار نخواهد بود اما مشکل اینست که شاید این شهردار کار کند تا دوره شهردار بعدی دیده نشود برای آنها مهم این است که بتوانیم آمار بدهیم و رأی بیشتری برای باقی ماندن در ریاست داشته باشیم.

چرا مقامات اصلی دولتی در مسائل حیاتی که جنبه سلبی دارد و ممکن است موجب ریزش آراء باشد مانند مبارزه با مواد مخدر ورود جدی نمی‌کنند و ستاد عریض و طویلی که به ریاست رئیس جمهور برای این کار تأسیس شده را جدی نمی‌گیرند و بجز سالی یکی دو جلسه صوری و تحت فشار و اصرار رده های پایین تر آقایان روسا هیچ اقدامی در این زمینه نمی‌کنند؟ چون به زعم آنان ریزش رأی دارد.

چرا طرح‌های زیربنایی و حیاتی برای اقتصاد کشور مانند کاداستر (شناسنامه دار کردن زمین‌های کشاورزی و برنامه ریزی آن) ۴۰ سال است روی زمین مانده است یا طرح آمایش سرزمینی که در مجلس اول تصویب شد، هنوز به نتیجه نرسیده است؟ چون اینها طرح‌های وقت گیر و پر دردسری هستند که کلنگی برای تبلیغات به زمین زده نمی‌شود و نواری برای افتتاح آن پاره نمی‌شود. نتایج آن در کوتاه مدت آشکار نمی‌شود و رأی مردم را به دنبال ندارد.

چرا مبارزه قاچاق کالا که از نان شب برای اقتصاد کشور واجب‌تر است جدی گرفته نمی‌شود؟ چون ریزش شدید حامیان ستادهای انتخاباتی را به دنبال دارد و یا چرا شفاف سازی اقتصاد همیشه با مخالفت دولت و مجلس مواجه است؟ چرا طرح‌هایی که می‌خواهند لاقفل برای دستگاه نظارتی کشور معلوم باشد هر کس در کشور چقدر ثروت دارد و آن را از کجا آورده است، عقیم می‌ماند و به تصویب نمی‌رسد؟

در اتخاذ هر تصمیم آنچه مهم و سرنوشت ساز است رأی آوری در دور بعدی است و اینکه صاحبان ثروت و امکانات پشت نماینده یا رئیس جمهور را خالی نکنند خیلی مهم‌تر از مصلحت مردم است. به خاطر همین با وجود آنکه روسا می‌دانند که بی بند و باری در شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و عدم کنترل مفاسد در آنها منجر به افزایش قتل، فروپاشی خانواده‌ها و ازدیاد طلاق، کاهش فرزندآوری، خطر فروپاشی اجتماعی و... می‌شود، اما

همه از آزادی افسار گسیخته در این حوزه حمایت می‌کنند. چون حرف زدن از کنترل فضای افسار گسیخته و خانمان برانداز مجازی مستمسک تبلیغات رقیب مبنی بر محدود سازی آزادی مردم می شود و ریزش رأی دارد.

هر چند دولتها قسم می خوردند براساس احکام اسلام و دفاع از مصالح ملت عمل کنند اما به خاطر ماندن در ریاست با عوامفریبی خلاف مصالح ملت عمل می‌کنند. حال آنکه اگر در دین احکام و محدودیت‌هایی وجود دارد یا جهت‌گیری‌هایی که به‌ظاهر محدودکننده آزادی یا نفی‌کننده مزیت‌ها برای یک قشر یا طبقه یا جنسیت محسوب می‌شود و مستمسک دشمن برای مقابله با مردم‌سالاری دینی و جا انداختن دموکراسی غربی قرار می‌گیرد.

این ماییم که باید عمیق‌تر فکر کنیم؛ ماییم که باید به خدا اعتماد داشته باشیم و بدانیم که اگر حکمی از سوی خدا آمده مصلحت و خیر ما در آن است؛ بدانیم که خدا عادل است و در حق هیچ‌کس ظلم روا نمی‌دارد. آن‌هایی که به بهانه دلسوزی برای انسان‌ها حکم خدا را زیر پا می‌گذارند، دلسوزی برای آدم‌ها نمی‌کنند، بلکه دلسوزی آنها اگر صادقانه باشد مصداق دوستی خاله خرسه است و یا معمولاً برای شیره مالیدن بر سر مردم و عوام‌فریبی برای کسب آراء است.

تجربه بیست و هفتم انقلاب اسلامی اینست که اگر تقوا و تعهدی در کار نباشد قانون اساسی ضمانتی برای اعمال اراده‌ی مردم نخواهد بود انسانهای بی تقوا به منافع خود می‌اندیشند و بجای اعمال قانون و در نظر گرفتن منافع و اولویت‌های مردم به آنچه که آنها را به منافع خود برساند اولویت می‌دهند، خدمت آنها به مردم صرفاً در حد و حوزه‌هایی است که فضای افکار عمومی را پر کند و به قدرت رسیدن مجدد آنها و جریان‌اتشان را در دور بعد انتخابات تضمین کند.

### **ثانیاً آیا وجود احزاب تضمین معتبر برای صیانت از آراء مردم است؟**

دموکراسی غربی وجود احزاب را رکن مردم‌سالاری و ضامن حفظ منافع مردم و مردمی بودن نظام می‌دانند حال آنکه تجربه نشان می‌دهد تکیه به احزاب برای حفظ حقوق مردم فرق چندانی با انتظار از شاهان خودمحمور برای رعایت حقوق مردم ندارد. چراکه همچنان که شاهان غالباً منافع خود و خانواده سلطنتی را بر منافع مردم مرجح می‌دانند احزاب هم غالباً منافع خود و خانواده‌ی مرکزیت حزب را بر منافع مردم ترجیح می‌دهند چراکه هیچ دلیلی ندارد خلاف این عمل کنند.

نگاهی به اشخاصی که از سوی احزاب برجسته جهان لیبرال برای تسلط بر جان و مال و آبروی مردم کشورشان معرفی شده‌اند بیان‌دازیم.

- دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا فحاش، ۱۳ زن بخاطر تجاوز جنسی از او شاکی هستند، متهم به عدم تعادل روانی و کمبود عقلی است

- برلوسکنی ایتالیا محکوم قاچاق و ارتباط با مافیا و رسوایی اخلاقی تجاوز به زن متأهل

- سارکوزی رئیس جمهور فرانسه با آن ماجراهای رسوایی اخلاقی و فرار همسر و ...

- دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس انحراف به فساد و مصرف مواد مخدر

- خانم پارک گون رئیس جمهور فاسد کره جنوبی منجر به استعفا و محاکمه و محکوم به حبس طویل‌المدت بخاطر فساد مالی

معرفی این افراد از سوی احزاب برای تصدی ریاست کشور و سپردن اختیار جنگ صلح و جان و مال و آبروی مردم یک کشور غالباً با سلاحهای اتمی واقعاً بر اساس مصالح عمومی مردم بوده یا منافع حزبی؟ هر انسان منصفی می‌تواند این را تشخیص دهد. اینکه در مرکزیت دمکراسی یعنی آمریکا ۲۰۰ سال است انتخابات مردم بین دو حزب زندانی شده و هیچ گزینه سومی در میان نیست دلیل کافی بر بی‌اثر بودن رأی مردم نیست؟

نفوذ این تفکر در ایران هم چنین آثاری را از خود به نمایش گذاشته است.

فردی که به خاطر اختلاس‌های کلان و خوردن اموال مردم در دادگاه محاکمه شده مجازات نقدی و زندان محکوم شده پس پرداخت جریمه او طی دوران محکومیت زندان امروز به مرکزیت حزب برگشته و رهبر یکی از مهم‌ترین احزاب کشور و بزرگترین حزب حامی دولت فعلی است. در دوران محاکمه این مفسد تمامی احزاب هم‌گروه او بدون استثناء شبانه‌روز علیه قضات و ضابطین مجری عدالت تبلیغ و از او تمام‌قد حمایت می‌کردند.

حتی یک نفر از کادرهای برجسته این حزب بخاطر رسوایی مالی و محکومیت رهبرشان به مجازات چند ساله زندان جدا نشد این است احترام احزاب به حقوق مردم؟ کسی را که اموال مردم را خورده و در دادگاه بخاطر مال مردم خوری محکوم به زندان و جریمه و رد مال مردم شده است جریمه هایش را پرداخته و سالها حبس بوده را کماکان رهبر خود قرار می‌دهند.

فرد دیگری که به خاطر مفاسد شنیع اخلاقی با اخطار دستگاه‌های اطلاعاتی و ارائه اسناد غیرقابل انکار به مقام مافوق از سمت خود عزل و کنار گذاشته شده و کماکان در مرکزیت حزبی که همان مقام مسئول آن را رهبری می‌کند فعال است و هیچ تغییر در موقعیت حزبی این فاسد ایجاد نشده است.

رهبر یکی از مهم‌ترین احزاب کشور کسی است که رسماً از شاهان کشورهای عربی برای فعالیت سیاسی پول گرفته و مراودات سوء خود با بعضی پادشاهان را علناً در شورای مرکزی حزب خود مطرح کرده اعضای شورای مرکزی گزارشی تحقیرآمیز را شنیده اند و حتی یکفتر اعتراض نکرده است و این فرد کماکان رهبر حزب است.

حزب دیگر رهبر خود را که با ادعای دروغین تقلب در انتخابات ۸۸ ( که دروغ بودن آن بر همه‌ی جهان ثابت شد) زمین‌های ناامن و آشوب در کشور کشته شدن بی‌گناهان را فراهم کرد کماکان به رهبری می‌پذیرد و صدها دلیل و مدرک این چنین وجود دارد که ثابت می‌کند احزاب بیشتر جایگاهی برای تصاحب قدرت و تقسیم غنیمت است تا جایگاه دلسوزی مردم.

به گفته قرآن کل حزب بمالدهم فیهون

به همین دلیل هیچ‌گاه در تاریخ احزاب دیده نشده در یک انتخابات حزبی کاندیدای حزب رقیب را به خاطر توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بیشتری که برای خدمت به مردم دارد ترجیح دهند و کنار بکشند.

فلسفه احزاب عموماً تلاش برای کسب قدرت و ریاست است نه خدمت و در عمل ثابت شد که نمی‌توانند رکن مردم سالاری و تضمین حفاظت از حقوق مردم باشند.

در سال ۸۸ وقتی کاندیدای بعضی احزاب رأی نیاورد و با اختلاف فاحش نتیجه بنفع رقیب او تمام شد با وجود آنکه احزاب ناکام در آن انتخابات ۳۰ سال زمام امور کشور را در دست داشتند و کاملاً می‌دانستند چنین تقلبی ممکن نیست چرا که هر کدام از افراد سرشناس این احزاب منابع اطلاعاتی شخصی کاملاً مطمئنی در ستادهای انتخاباتی مرکز و استان‌ها داشتند و از طریق این منابع اطلاعاتی یقین داشتند تقلبی نبوده، با این وجود راضی شدند کشور را به آتش بکشند تن کشور را مجروح کنند و اعتبار بین المللی نظام را مخدوش کنند و هر قدر به آنان اصرار شد اعتراض خود را از طریق قانونی انجام دهند نکردند حال آنکه اگر قدری تقوی داشتند حتی اگر تقلب شده بود چهار سال برای حفظ وحدت تحمل می‌کردند، نوبت انتخابات بعدی برسد و راضی نمی‌شدند امنیت ملی کشور و آرامش



دها میلیون مردم را به خاطر منافع حزبی به هم بزنند و شأن منزلت بین‌المللی کشورشان را به خاطر ادعای دروغین تنزل دهند.

آن‌ها حتی حاضر نشدند از حمایت منافقین و بهائیان و سلطنت‌طلب‌ها و سران آمریکا و اسرائیل و اروپا تبری جویند و به خاطر منافع حزبی آن‌قدر ماجرا را ادامه دادند که به ریختن خون بی‌گناهان و هتک حرمت عاشورای حسینی انجامید.

در آستانه انتخابات مجلس هفتم بعضی احزاب در مجلس ششم از موضع فراقانونی بدون توجه به آثار بین‌المللی رفتار حزبی شان دست به تحسن زدند تا انتخاباتی را که حق مردم بود به تعویق اندازند.

در تمامی موارد چهل سال تجربه به ما می‌گوید که هر دولتی روی کار آمد حزب یا احزاب رقیب بدون احترام به آراء اکثریت مردم یکسره سر ناسازگاری با دولت رقیب را داشته‌اند و غالباً در مسیر مقابله دولت حاکم قرار گرفته‌اند.

این نمونه‌ها و شواهد فراوان دیگر تجربه تاریخی ملت ایران از احزابی است که در مدل لیبرال دموکراسی تضمین اصلی مردم‌سالاری و دفاع از حقوق مردم محسوب می‌شوند. ولی اما تجربه تاریخی مردم ایران می‌گوید احزاب در عمل بیشتر منافع جناحی خود را در نظر می‌گیرند و منافع حزبی خود را بر منافع مردم ترجیح می‌دهند. این تجربه فقط هم مربوط به این چهل سال نیست بلکه از آغاز تأسیس احزاب در ایران در تمام آزمایشهای بزرگ احزاب رفوزه شده اند مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت در قیام مردمی ۱۳۴۲ در سالهای اول انقلاب اسلامی و چه در دوره سازندگی تا امروز در انتخاب میان منافع حزبی با مصالح عمومی تقریباً همیشه احزاب با اتخاذ جانب منافع حزبی نهضت‌ها را به شکست کشانده اند مگر وقتی که مردم ولی فقیه داشته‌اند که هر چند کشور را تا لبه پرتگاه سقوط برده اند ولی فقیه نگذاشته کار به شکست بکشد.

تجربه عملی مقابل دموکراسی مردم‌سالاری عدالتخواهانه اسلامی است که مشاهده می‌کنم که ولی فقیه با سعه‌صدر اصلی‌ترین عامل دفاع از آراء مردم بوده است چه در مقابل تلاشها به تغییر زمان یا نتایج انتخابات و چه در اصرار بعضی احزاب برای مادام‌العمر کردن ریاست جمهوری در پایان دو دوره ریاست مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی که نمونه دیگری از عملکرد احزاب است اگر ولی فقیه نبود قطعاً بر نظام استبدادی تبدیل می‌شدیم.

برخلاف تبلیغات دشمنان که با فراقانونی خواندن ولی فقیه آن قصد تضعیف موقعیت آن را دارند ولی فقیه نه تنها مصرا نه بر اجرای هر انتخابات در موعد مقرر خود پای فشرده، بلکه هر دولتی با هر مشربتی که آراء اکثریت مردم را

کسب کرده موردحمایت خود قرار داده است باوجود زاویه‌های جدی دولت موسوی با مراد امام راحل (ره) و باوجود زاویه‌های جدی دولت‌های بعدی باسیاست‌های امام خامنه‌ای دام‌ظله و قهرهای مکرر و حتی خانه‌نشینی و اعتصاب بعضی روسای دولت‌ها ولایت با وجود اینکه امکان آنرا داشته که روند کنار گذاشتن آنها را طی کند. احترام آراء مردم را نگاه داشته و دولت‌ها را نه فقط تحمل بلکه حمایت کرده است.

لذا تجربه بیست و هشتم چهل سال انقلاب اسلامی اینست که احزاب نمی‌توانند بعنوان تضمین حفظ حقوق مردم محسوب گردند و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود و حفظ منافع آنان از این طریق تضمین نمی‌شود و اگر برای مردم سالاری تکیه‌گاه خود را احزاب قرار دهیم پیوسته منافع حزبی بر منافع مردم ترجیح خواهد داشت.

### **ثالثاً رسانه‌ها رکن چهارم دموکراسی در خدمت حقوق مردم است یا در خدمت جریانهای پر قدرت؟**

تضمین دیگر لیبرال دموکراسی برای صیانت از اعمال اراده‌ی دولت رکن چهارم دموکراسی یعنی رسانه‌ها هستند.

تجربه چهل‌ساله آزادی به ما چه می‌گوید؟ آیا رسانه‌ها حافظ حقوق مردم و ضامن مردم‌سالاری و عدالت هستند؟

در این زمینه نمی‌خواهیم به پرونده سیاه بعضی رسانه‌ها که با پول‌های حرام مفسدان اقتصادی راه‌اندازی شده و با حمایت آن‌ها اداره می‌شوند و اتفاقاً هم به بهانه خصوصی بودن بیشتر یارانه دولتی را هم دریافت می‌کنند استناد کنیم. و تصاویر چک‌های دریافتی آنها را که قبلاً در نشریات چاپ شده را مجدداً رونمایی کنیم. هرچند تبیین این واقعیت به‌خوبی جایگاه این‌گونه رسانه‌ها را که تحت مدیریت متمرکز مفسدان اقتصادی بزرگ تیتراهای هماهنگ و واحد می‌زنند را در حمایت از مفسدان و ضایع کردن حقوق مردم نشان می‌دهد اما از هر اطلاعاتی که می‌تواند مورد مناقشه و رد و تکذیب قرار گیرد صرف‌نظر می‌کنیم و فقط نمونه‌هایی از تیتراهای درشت و مقالات مفصل بعضی رسانه‌ها در حمایت از مفسدین مسلّم اقتصادی که تزییع آشکار حقوق مردم است را عیناً ارائه می‌کنیم. تا روشن شود آیا رسانه بدون تقوا می‌تواند تضمین حفاظت از آراء مردم باشد؟

مه‌آفرید خسروی متهم اصلی اختلاس سه هزار میلیارد تومانی بانک صادرات در ۲۵ مرداد ۱۳۹۰ بازداشت و پس از سه سال بازجویی و محاکمه مجرم‌اخلال در نظام اقتصادی کشور در خرداد ۱۳۹۳ اعلام شد. بعضی نشریات و

روزنامه‌ها اعلام این مفسد اقتصادی را بعضی نشریات نخبه‌کشی نامیدند. (خبرگزاری فارس ۱۳۹۳/۰۳/۰۳)

آیا روزنامه‌ای که اعدام چنین مفسد بزرگی را نخبه‌کشی می‌داند حافظ حقوق مردم است؟

شهرام جزایری مفسد اقتصادی که در ۲۲ آبان ۱۳۸۰ به اتهام رشوه و فشار مالی دستگیر می‌شود پس از محاکمه و گذراندن دوره محکومیت ۱۳ سال حبس و پرداخت بیشتر از ۱۴۰ میلیون دلار جزای نقدی در ۱۱ مهر ۱۳۹۳ آزاد می‌شود صرف‌نظر از اینکه در پرونده‌ی وی پرداخت چک‌های کمک به بعضی رسانه‌ها وجود داشت و متهم یک‌بار فرار به خارج کشور با فریب مأمورین در طول دوره دادرسی و دستگیری از طریق پلیس کشورهای همسایه را در پرونده داشت و علاوه بر جرائم مالی با فرار خود موجب خدشه‌دار شدن اعتبار دستگاه قضایی هم شده بود. (خبرگزاری تابناک ۲۷ دی ۱۳۹۴، ویکی‌پدیا شهرام جزایری)

نگاهی به بعضی روزنامه‌ها در اعتباربخشی به این مجرم مالی جایگاه رکن چهارم دموکراسی را در ضایع کردن حقوق مردم نشان می‌دهد.



روزنامه انقلاب در سراسر کشور

# انقلاب

آمراها پس از توافق هسته‌ای نشان می‌دهد

## افزایش محبوبیت حسن روحانی

دیروز وزیر ارتباطات و فناوری کشور اعلام کرد که در نظرسنجی صورت گرفته ۸۸ درصد مردم از توافق هسته‌ای حمایت کرده‌اند و تنها ۲ درصد با آن مخالفت. آنگاه نبرد من آغاز شد که هر دو طرف این موضوع می‌پردازند که آیا این توافق باعث افزایش محبوبیت حسن روحانی نسبت به دو سال پیش شده است؟ کارشناسان ضمن تأیید این موضوع معتقدند که اکنون محبوبیت روحانی در پیروزی انتخابات سال ۹۶ ششصد شده است. فیض زاهد در گفتگو با انقلاب بریز معتقد است که تا ده سال آینده احمدی نژادی جای این تجربه سیاست کشور چای شوق افند داشت.

صفحه ۳

رهبر معظم انقلاب

### نهضت بیداری اسلامی سرکوب شدنی نیست

سید علی خامنه‌ای در بیانیه‌ای مبنی بر سرکوب شدن نهضت بیداری اسلامی در ایران و جهان، تأکید کرد که این نهضت سرکوب شدنی نیست.

کشتو ما شهرام جزایری

### دل‌م می‌خواهد به مردم بخندم!

کارکنان شخصیتی من اینگونه است. من هر فردی پر انرژی و همسپوخته ساختمان هشتم

صفحه ۱۲

مکان روحانی در انتخابات ۹۶

مکان روحانی در انتخابات ۹۶

مکان روحانی در انتخابات ۹۶

مکان روحانی در انتخابات ۹۶

مکان روحانی در انتخابات ۹۶

مدیران فرهنگی فکری به حال صدا و سیما کنند

مدیران فرهنگی فکری به حال صدا و سیما کنند

مدیران فرهنگی فکری به حال صدا و سیما کنند

الفبای اقتصاد را نمی‌دانند اما دولت را به چالش می‌کشاند

الفبای اقتصاد را نمی‌دانند اما دولت را به چالش می‌کشاند

الفبای اقتصاد را نمی‌دانند اما دولت را به چالش می‌کشاند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

نوبت دیگران است که به نفع عارف کنار بروند

# ارکان امروز

شماره ۲ مرداد ۱۳۹۶ شماره ۱۸۱۲۱۳

وزیر کشور با عارف

## بازداشت ۴۰ نفر در کشف تونل تروریستی

پیش به سوی پاستور از ایستگاه ولنجک

### فصل عذرخواهی دلوپاسان!

تیراندازی در یک مرکز خرید در مونیخ

شهرام جزایری در گفت‌وگو با آرمان

### اگر تمام احمدی‌نژادی‌ها مصلح‌اند به مفسد بودنم افتخار می‌کنم

برخی وزرای احمدی‌نژاد در پرونده زنجانی متهم‌اند دولت قبل به بایگ زنجانی اطلاعات داده بود ماهی ۵۰۰ میلیون تومان خرج می‌کنم دولت قبل دارایی مردم را یک‌صدم کرد

سیار ششستیم ۲۰ مقاله بنویسم نوبل می‌گیرم بول‌سازی مکتب اقتصادی من است از کیهان ممنونم که مرا مشهور کرد یارانه نقدی به این سبک من فرارودی است

صورت اصلاح طلبان از روحانی رویای مخالفان است

بزرگ‌سایب‌ها هم فرودان نیست

آرمان ملی منتشر شد

سفر همدل عارف گشوده شد

شماره هفتاد و یکم - ۱۳۹۸

نعمان شده است!

کتابخانه‌ها در خدمت مردمی است

روزنامه‌های ایران

# آفتاب

نشان بر همان چاقب صادق خرازی  
به پیشین شرح و تفصیل از در چاقب صادق

## آزایمرو سیاسی یک روز نامه‌نگار

کتابخانه‌ها در خدمت مردمی است

نشان بر همان چاقب صادق خرازی

روزنامه‌های ایران

شهرام امیری

# روزنامه‌نگاری

نعمان شده است!

کتابخانه‌ها در خدمت مردمی است

نشان بر همان چاقب صادق خرازی

## معضل خود زشت پنداری!

وکیلین و معلمان مثل امیری زشت پنداری در فرد

شهرام امیری

کتابخانه‌ها در خدمت مردمی است

نشان بر همان چاقب صادق خرازی

شهرام امیری

# شهرام امیری اعدام شد

به آمریکارودست زدیم

حفاظت فراکسیون امید از کاندیدای اصلاح طلبان!

باکو در آستانه پیمانی سه گانه

فسادی یز زنگرا از قیض های حقوقی

دولت در حوزه زنان  
نمره قبولی نمی گیرد

بخش از نمایندگان جزایری، آلتکی صدر کشید

## جزایریات بازداشت شهرام جزایری

علائم اذیت طلبانه برای وکالت یافتن گرفته شد

روحانی وارن دولتی  
پرواز فساد اناری بود

رشد موالید  
منفی شد

احتمال بازگشت نمایندگان  
بازگشت نمایندگان

روحانی وارن دولتی  
پرواز فساد اناری بود

رشد موالید  
منفی شد

احتمال بازگشت نمایندگان  
بازگشت نمایندگان



آقای مهدی هاشمی رفسنجانی اختلاس ۱۰ سال به دلیل ارتشاء ۱۰ سال به دلیل جرم امنیتی ۵ سال زندان و پرداخت --- جزای نقدی و رد مال --- محکوم شد. (سایت وطن امروز)

واکنش رکن چهارم دموکراسی و مدافع حقوق مردم به محکومیت این مال مردم خور چیست؟

گزارش آفتاب: پرونده به برآمد آفتاب  
توسیع نظریه دادرسی تا برای شود

**خودروسازان داخلی در «آمیاس»**

گزارش آفتاب: پرونده از تمام توکن  
برای توسعه روند اقتصادی با تکرار

**غول های ژاپنی در تهران**

خبرگزاری آفتاب: سید محمد هاشمی

**توهین به هاشمی خط آمریکایی است**

سرتاج محمدی هاشمی

**فکر کردیم تکنولوژی می آورند ولی مک دونالد آوردند!**

زنگنه

**هنوز در خواستی از شرکت های آمریکایی دریافت نکرده ایم**

گزارش آفتاب: ویژه

**پادرو قسروشی توسط شهرداری؟!**

سرمایه

**عراق و بحران فساد اداری**

حسن علیزاده: با کارشناس خبره

ظلمات خبر مردم  
حسرتان در اعتراض  
به گسترش فساد  
اناری وزارت خوزستان  
که منجر به برگزاری  
تعداد زیادی از مقامات کنونی



هر نامه در سراسر کشور

سلام و عشق به ملت محبتی و عاشق ملت  
انتخاب

دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۷  
شماره ۲۳۹۷

گزارش آفتاب: ویژه از تلاش های وزارت کشور برای تغییر نحوه برگزاری انتخابات

**طلسم صندوق شیشه ای شکسته می شود؟**

وزیر کشور چندی است که در باره مشکلات انتخابات و ادعای همچون اکثر و تکیه کردن انتخابات - شیشه ای شکن صدفی رای و مشخص شدن منبع درآمد کاندیداهای انتخاباتی سخن می گوید. اما در راستای اجرایی کردن آن با چالش هایی روبرو است. در همین راستا فرار است. وزیر کشور جلسه مشترکی با شورای نگهبان داشته باشد. **آفتاب** ویژه در گفتگو با **حاج آیدامی** مدیرکل دفتر امور انتخاباتی قوه قضائیه گفت: اصولاً در به بررسی این موضوع پرداخته است. خود زیرساخت ها و قاعه کردن شورای نگهبان از جمله این چالشهاست. حال باید دید که آیا آنچه که وزیر کشور از آن سخن می گوید در انتخابات سراسری رقم می خورد یا نه؟

سید محمد هاشمی

**نمی توانیم با برندهای اصلی در انتخابات شرکت کنیم**

سید محمد هاشمی: در انتخابات سراسری تا زمانی که نتوانیم که مسائل کشور را به فرسختی درک...

تعداد ۱۰۰۰۰ نسخه از آفتاب

و گفتار سید محمد هاشمی  
به همه های ایران به آیت الله  
**می خواهند خاطر شکستان به هاشمی ضربه بزنند**

مناصب معاونان رئیس جمهور  
و مستوزیر عراق حذف شد  
**اصلاحات گسترده حیدر العبادی**

دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۷، ۲۲ خرداد ۱۳۹۷، ۱۰ آگوست ۲۰۱۵، شماره ۲۳۹۷، صفحه ۱-۱۰۰۰۰ تهران

مهدی هاشمی به اوین رفت

**دعا و بوسه آیت الله... هاشمی بدرقه پسر**

در لحظه جدا شدن  
**هاشمی در گوش مهدی چه خواند؟**

بیانیه مهدی هاشمی  
**امیدوارم جلسات محاکمه ام از صدا و سیما پخش شوند**



با دعای پدر و بدرقه مادر:

# مهدی هاشمی خودش به زندان رفت

مهدی



آبادشاهی امروز  
عرواز  
عالم حیاتی یک زن  
بد اخلاقی  
آرایش سیاسی برای انتخابات  
پارک خنک به مخالفت مجلس خود کرده است

وزیر اقتصاد کازارت در سوم راز مجلس در ریخت کرد:

# روز عصبانیت یک وزیر آرام

گروه سیاسی - ظیرو تو این که بسیاری از نمایندگان و نمایندگان مجلس اقتصادی که در یک کابینه قرار گرفته اند می گویند روزی که وزیر اقتصاد را در مجلس دیدیم با سول های یک نماینده خود چیه بازاری در نهایت به علی طیبسیا - وزیر اقتصاد دولت ولایتی - برای سومین بار کازارت در مجلس دیده بودیم چه شهادت من علی مجلس و چه کسلی که انتخابات من را از طریق رای گیری من می کند و رفتار و گفتار مهربانانه من چیه شده بود که وی با این توجه به هر یک تصمیم خود را برای تمام شدن و تصمیم کازارت در سوم به طیبسیا گرفته است بر اقتصاد در شرایط برای سومین بار از مجلس کازارت زید می گوید که در هنگام جلسات رای اعتماد به کلیه دولت از جمله کسب و کار را به خود داد و از کار خود چیه چیه که در کسب رای اعتماد از مجلس من می برد جای گفتار که ای کسبه که با کسب و کار می برد

# تلاش های دولت و حمایت های رهبری جلوی تندروی ها را گرفت



دوشنبه ۹ خرداد ۱۳۹۷ - سال چهارم - شماره ۲۲۴ - ۱۵ صفحه - قیمت: ۳۰۰۰ تومان

جو منصبی معاون رئیس جمهور و نخست وزیر خلف شد  
**عراق اصلاح طلب می شود**

گزارش ابتکار از هجوم خودروی ریزگردها به جنوب غرب کشور:  
**غباری که از چهره خوزستان شسته نمی شود**

حیثیت در پاسخ به سوال ابتکار به در مورد پذیرش مسئولیت عملکرد دقایق اخیر در حمایت ناموفق  
**حمایت مازافر ادانمی نیست**

ما و تاربخمان: جهان جدید و واژگانی  
مجموعه مقالاتی در مورد کشور رخ نام اگر چه ممکن است برای برخی عیبها یا تکرارها داشته و در سراسر سالی و ماهی این دسته از تاریخ بعد از آن را می بینیم و می توانیم آن را با یکدیگر مقایسه کنیم و به این ترتیب می توانیم به این نتیجه برسیم که در هر دو دوره مشابه هم چندانی شک نیست اما در هر دو دوره مشابه هم چندانی شک نیست اما در هر دو دوره مشابه هم چندانی شک نیست





# جزئیات قتل پزشک اردبیلی

حضور ۸ وزیر در مجلس

مسیر پاستور به بهارستان شلوغ است

دروازه‌های هوایی ایران به روی جهان کشورده شد

فابیوس و موگرینی در راه تهران

رئیس سازمان انرژی اتمی خبر داد

ساخت بزرگ‌ترین بیمارستان هسته‌ای

جان کری تسلیم ایران رویای خام و فانتزی است

بخش مستقیم کنگره آمریکادر ایران

تندروهای آمریکایی به در بسته خوردند



## تخریب سخفان آیتا - دربار فرزندش جواب نداد

### ناگفته‌های هاشمی از پرونده مهدی

دکتر داوود جرمیاس باوند در گفت‌وگو با «آرمان»

#### توافق هسته‌ای دلوایسان را متلاشی می‌کند



آرمان - احسان سعیدی، هورانی، اسوری و جاده پاره سیاسی بر فرستادگی بود که ایران توانست به حور و آنا استیضاح کند. دولت شاک فرستادگی بود و توافق هسته‌ای بر زمین است. باید از گذشته درس گرفت و ایران را از فرستادگی...

دکتر احمد مکیبدر از در گفت‌وگو با «آرمان»

#### زمان تصمیمات سخت و بزرگ فرا رسیده است



آرمان - آرش کاکلی، صریح و بریده سرگرد، دران تصمیمات سخت و بزرگ فرا رسیده است. باید از گذشته درس گرفت و ایران را از فرستادگی...

دکتر احمد مکیبدر از در گفت‌وگو با «آرمان»

#### حرف حساب مسئولان توافق



آرمان - احسان سعیدی، هورانی، اسوری و جاده پاره سیاسی بر فرستادگی بود که ایران توانست به حور و آنا استیضاح کند. دولت شاک فرستادگی بود و توافق هسته‌ای بر زمین است. باید از گذشته درس گرفت و ایران را از فرستادگی...

# حمله به کامیون‌های ایرانی در ترکیه

معاون حقوقی وزارت آموزش و پرورش

۱۰۰۰ معلم زندانی در کشور داریم

حمایت سید حسن نصرانی از توافق هسته‌ای

ضیافت دیپلماسی از بیروت تا دهلی

حکام تخریب یک طبقه دیگر تأیید شد

علاءالدین بدون طبقه ۲



توافق شورای نگهبان با وزارت کشور

صندوق‌های رای شفاف می‌شود



انتظار برخورد با همه‌گرن را داریم

## سکوت هاشمی‌ها به تاسی از پدر



رئیس مجلس

#### کشور را به دست خودمان نماند

آرمان - احسان سعیدی، هورانی، اسوری و جاده پاره سیاسی بر فرستادگی بود که ایران توانست به حور و آنا استیضاح کند. دولت شاک فرستادگی بود و توافق هسته‌ای بر زمین است. باید از گذشته درس گرفت و ایران را از فرستادگی...



پیرامون مسئولان در گفت‌وگو با «آرمان»

#### سفرهای اقتصادی زست سیاسی است

آرمان - احسان سعیدی، هورانی، اسوری و جاده پاره سیاسی بر فرستادگی بود که ایران توانست به حور و آنا استیضاح کند. دولت شاک فرستادگی بود و توافق هسته‌ای بر زمین است. باید از گذشته درس گرفت و ایران را از فرستادگی...

دکتر احمد مکیبدر از در گفت‌وگو با «آرمان»

#### نظر باب با باری از نهاد در مسئله



آرمان - احسان سعیدی، هورانی، اسوری و جاده پاره سیاسی بر فرستادگی بود که ایران توانست به حور و آنا استیضاح کند. دولت شاک فرستادگی بود و توافق هسته‌ای بر زمین است. باید از گذشته درس گرفت و ایران را از فرستادگی...





فریب در نشست بررسی توافق هسته‌ای  
ساکتان دیروز  
امروزه «وا اسلام» می‌گویند

گروه میانساز روی گذشته نسبتی با حضور اعضای  
از سید امیر مازندرانی استانی استانی استانی  
روزی به اطلاعان بود که هر چه می‌توانستند در  
شان روزنامه اطلاعات بود پالی‌های آن، خبرنگار  
گرافی بود به هم می‌نشانند «خبرگزاری»  
۱۹ صفحه

دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۲ - ۲۲ شوال ۱۴۱۴ - ۱۵ اگوست ۲۰۱۵

# روزنامه شرق

شدت عزت هم بزمیدن در اقلیت می‌گویم



وزیر اقتصاد دولت با ۳ فقره شد  
دنه «طبیب»  
به پاریس

گروه میانساز روی گذشته نسبتی با حضور اعضای  
از سید امیر مازندرانی استانی استانی استانی  
روزی به اطلاعان بود که هر چه می‌توانستند در  
شان روزنامه اطلاعات بود پالی‌های آن، خبرنگار  
گرافی بود به هم می‌نشانند «خبرگزاری»  
۱۹ صفحه

سال دوازدهم شماره ۲۲۴۸ - هفته ۱۱ - ۱۰ تیرماه

### شهادت شه‌شرک

شهادت شه‌شرک

## رئیس کمیته تفحص خبر داد ردپای «سلطان شکر» در پرونده بنیاد شهید



مهدی به درخواست بخش تلویزیونی دادگاهش به اوین رفت

مهدی با درخواست بخش تلویزیونی دادگاهش به اوین رفت

آغاز حبس هاشمی

### گزارش‌های بانک مرکزی سند تخلفات دولت احمدی‌نژاد

گزارش‌های بانک مرکزی

### نخستین سفیر زن ایران به زودی معرفی می‌شود

نخستین سفیر زن ایران

### کریس قدری، آقای هاشمی خود را خانه نشین کند

کریس قدری، آقای هاشمی

## ماکسیم

فقط تا شنبه ۳۱ مرداد ماه

### نشد که خلبان بشوم، ماشین ساختم!

فرانسوا استیک خودرو ساز ایرانی در آمریکاست که توانسته است با خلاقیت در ساخت اتومبیل‌های سواری برای خود اسم و رسمی در این صنعت دست و پا کند و اولین اتومبیل تولید شرکتش را با نام «هویلا» وارد بازار کند. سنه ۹۹

## منتظر صبح

شهادت امام جعفر صادق (ع) را تسلیت می‌گویم

## باشگاه نامداران اوین تکمیل شد

مهدی هاشمی برای تحمل محکومیت ده‌ساله خود دیر روز راهی اوین شد

بابک زنجانی در نامه‌ای به رئیس جمهور از خدمات اقتصادی خود سخن گفته است

### پاداش صبوری

نگاهی به ۹ خودروی تازه که می‌توانند جان دوبره‌ای به بازار را آید این روزها بدهند.

### اعترافات قاتل جوان به قتل پیرزن صاحب‌خانه

مستاجر که برای تصاحب تعدادی التکو اقدام به قتل کرده بود. توسط پلیس دستگیر شد.

### جادوی اتاقک‌های شیشه‌ای

گفت و گو با صابر ابر در مورد تجربیات نمایشی اش

### پاپاراتزی‌ها و دلگشا

به جای ستون دوشنبه



آقای غلامحسین کرباسچی شهردار اسبق تهران پس از یک محاکمه جنجالی درحالی که به خاطر شرایط جنجال‌های شدید صرفاً به بخش اندکی از پرونده‌اش رسیدگی شد و بخش اعظم پرونده مجرمانه‌اش مفتوح ماند به خاطر اتهامات همان بخش اندک پرونده به خاطر جرائم و و و و و جمعاً جنس و پرداخت جزای نقدی و رد مال بیت‌المال محکوم شد. (خبرگزاری فارس ۱۳۹۴/۱۱/۲۶)

اگر باز حمایت‌های شدید اکثر مطبوعات در طول دوره‌ی دادرسی صرف‌نظر کنیم و بگوییم چون هنوز جرم او ثابت نشده بود حمایت‌های بعد از محکومیت و بعد از اجرای مجازات را چطور توجیه کنیم؟

چهره‌سازی در صفحه اول مطبوعات و سایت‌ها چه توجیهی دارد؟

آیا برای یک بار هم که شده این مطبوعات که وظیفه اطلاع‌رسانی به مردم و شفاف‌سازی را دارند جلوی مجل کرباسچی در گرانیقیمت‌ترین نقطه تهران رفتند تصویری از آن منتشر کردند آیا از او پرسیدند تو که یک کارمند حقوق بگیر بودی و تجارتی نداشتی چطور ظرف چند سال به چنین ثروتی رسیدی؟







مجلس شورای اسلامی  
انتخابات از نظر بین‌المللی  
میراث‌دار است

# روزنامه

پاسخ‌گویی  
و شی نورمان در مورد  
مدارس غیردولتی در تهران



پاسخ‌گویی  
و شی نورمان در مورد  
مدارس غیردولتی در تهران

شماره ۱۰۰۰ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۴

## نیروهای امنیتی

### نیروهای امنیتی



نیروهای امنیتی

نیروهای امنیتی  
نیروهای امنیتی  
نیروهای امنیتی

## کشور داری یا اداره

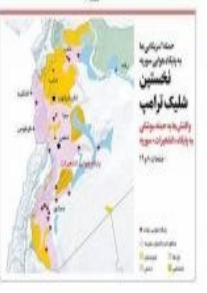
### آستان قدس فرق دارد



## شوگ رئیس

### به انتخابات

انتخابات ریاست‌جمهوری آستان قدس رضوی منتهی شده  
مدیر اجرایی آستان قدس رضوی گفت: آستان قدس رضوی با روحانی است



## «جهاد»

### به سبک «فاسمی»

۲۲ ماهه بر سر کار است  
مصائب زلزله زدگان  
۱۳۹۴ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۴

## کامیون مرگ

### در استکهلم

رئیس تاجیک‌ها  
با مسافر کشتی‌های آلبان

## حزب یک درخت

### گیلاس را به عباس

روزا نداشتند

# اعتقاد

پوشته ۱۶ تیر ۱۳۹۴ | ۹ رمضان ۱۳۹۳ | ۷ صفری ۱۳۹۲ | سال دوازدهم شماره ۳۰۰۴ | صفحه ۱۰۰۰ تومان  
ETEMAD Mon 7 Jul 2014 vol 12 No 3003 16 Pages 10000 Riats

## فلاحتیجین کربلا سچی در کتک و کوبه با...

### رای روحانی در یک سال گذشته اغراضش بافتنه است



# استخدام به شرط استعلام

## مجلس با کلیات طرحی موافقت کرد که استعلام از وزارت اطلاعات برای انتصاب افراد در مشاغل حساس الزامی می‌کند

گروه سیاسی - جلسه هفتاد و یکمین جلسه هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی در روز شنبه ۱۳ شهریورماه در محل کار خود در تهران برگزار شد. در این جلسه، طرح استعلام از وزارت اطلاعات برای انتصاب افراد در مشاغل حساس مورد بحث قرار گرفت. این طرح در جلسه هیأت رئیسه مجلس به تصویب رسید و مجلس با کلیات آن موافقت کرد. بر اساس این طرح، برای انتصاب افراد در مشاغل حساس، باید ابتدا از وزارت اطلاعات استعلام گرفته شود و پس از تایید آن وزارت، می‌تواند در مشاغل حساس به کار رود. این طرح در جلسه هیأت رئیسه مجلس به تصویب رسید و مجلس با کلیات آن موافقت کرد.

روحانی خطاب به زور و معاونان دولت:  
**اگر به وعده‌ها عمل  
نکرده‌ایم باید از مردم  
پوزش بخواهیم**

گزارش اعتماد از تأیید مذاکرات  
بر مازار لوز  
**آیا منتظر دلار  
زیر ۳۰۰۰ تومان باشیم؟**

نوجوان فلسطینی  
آماج ضرب و شتم پلیس  
صهیونیستی  
**پر وانه نمایش فیلم  
«دستخیز» صادر می‌شود**



مدافعان این مفسدان اقتصادی در توجیه این عملکرد رسانه‌ای خود می‌گویند برخورد با این مفسدین قضایی نبوده بلکه سیاسی بوده است.

اولاً محکوم کردن بدون دلیل دستگاه قضاء به اینکه بی‌گناه را تهمت فساد مالی بزند و بعد آن بی‌گناه را محکوم کند خود جرم بزرگی است.

ثانیاً فرض کنیم که برخورد با این‌ها جناحی بود و جناح مقابل تحت حمایت دستگاه قضایی بوده است.

تمام ارکان اصلی کشف جرائم مالی به‌طور کامل در دست دولت است گمرک برای کشف قاچاق، سازمان تعزیرات برای کشف قاچاق و گران‌فروشی و احتکار و ... و تعیین مجازات آن وزارت اطلاعات برای کشف تمامی جرائم اقتصادی، بانک مرکزی برای کشف جرائم بزرگ مالی، سازمان مالیات برای کشف فرارهای مالیاتی و نیروی انتظامی برای کشف انواع جرائم مالی و... همه و همه زیر نظر دولت هستند و دولت بدون نیاز به دستگاه قضایی می‌تواند بخش اعظم جرائم بزرگ را با این دستگاه‌ها کشف کند و به دادگاه بدهد و بیاری از آنها را در سازمان تعزیرات که زیر نظر دولت است حکم مجازات صادر کند.

در اکثر این سال‌ها و به عبارتی در تمام سال‌های چند دهه اخیر که دولت در اختیار منتقدین دستگاه قضایی و متهم کنندگان دستگاه قضا به برخورد جناحی بوده است اگر راست می‌گویند چرا یک پرونده از جناح مخالف خودشان به دستگاه قضایی نداده‌اند تا صحت اظهارات خودشان را بیازمایند. چرا از ظرفیت بی‌ظنیر سازمان تعزیرات برای مقابله استفاده نکردند تا قوه قضاییه به زعم ایشان سیاسی و جناحی را رسوا کنند؟

چون برای آنها عدالت اصالت ندارد افکار عمومی و جلب آراء انتخاباتی اصالت دارد و چون هر برخوردی با حامیان قدرت و ثروت ریزش آراء دارد و ممکن نیست مطبوعات بی‌تقوا وارد آن شوند دفاع و حمایت مطبوعات بی‌تقوا از سایر افراد و دستگاه‌هایی که به شیوه‌های مختلف در مسائل امنیتی، فرهنگ، سیاسی و ... حقوق مردم را تضییع کرده‌اند و باید توسط رکن چهارم مدعی دموکراسی و حافظ حقوق مورد شماتت قرار می‌گرفتند را هم اگر نادیده بگیریم به چهره‌سازی از بعضی از دشمنان قسم‌خورده ملت ایران و حتی ورود به حمایت از آنان در عرصه انتخاباتی را چگونه توجیه کنیم؟

امام خمینی (ره) حکیم و دانشمند بی‌ظنیر دوران آمریکا را ابر جنایتکار تاریخ و ام الفساد قرن و رئیس جمهور آمریکا را منفورترین فرد در نزد ملت‌های جهان معرفی می‌کند روزنامه ای که با پول ملت ایران بصورت رگباری برای کاندیدای همین پست نفرت‌انگیز بشری در صفحه اول خود پرتاژ تبلیغاتی چاپ می‌کند گویی قرار است مردم

تهران در انتخابات آمریکا رأی بدهند. آیا این روزنامه های حامی منفورترین شخصیت ضد بشری جهان می خواهند رکن اصلی اعمال اراده ی مردم ایران باشند؟!



**فرهاد حسن خوی** معاونان دادستانی تهران  
**توضیحات دادستان تهران درباره پرونده پانزهار سلطانی**

فرهاد حسن خوی معاونان دادستانی تهران در خصوص پرونده پانزهار سلطانی توضیحات دادستانی تهران در خصوص پرونده پانزهار سلطانی

# سرتق

## روزنامه



در سرتق به نشان صورت گرفته  
**دیدار طرفیها**  
**سید حسن نصرالله و سعد حریری**

دیدار طرفیها در خصوص پرونده پانزهار سلطانی

**مرکز بازنویسی کتاب کودک و نوجوان در گفت**  
**یاد توران ماندگار**

**بازگشت به روزنامه نگاری**  
**شلیک به روزنامه نگار**

**بررسی شایعات پانین و دانی**  
**اجرای حکم کوری**  
**۳ چشم شوهر عمه معناد**

**پیشگیری از بهران صندوق های بازنشستگی**



**تلاقی پکن و پاریس**  
**در پاریس جنوبی**

تلاقی پکن و پاریس در پاریس جنوبی

**تشنج در شورا**

تشنج در شورا در شورا

**پس از اواما**

پس از اواما در اواما

**تلاقی پکن و پاریس**  
**در پاریس جنوبی**

تلاقی پکن و پاریس در پاریس جنوبی

**تشنج در شورا**

تشنج در شورا در شورا



**فرهاد حسن خوی** معاونان دادستانی تهران  
**گزارش احمد توکلی درباره املاک نجومی**

فرهاد حسن خوی معاونان دادستانی تهران در خصوص پرونده پانزهار سلطانی

# سرتق

## روزنامه



آینده اشکی از پانینی  
**دلگیریها را تشنگیم و دهان هارا**  
**بندیدیم، توین و انتراست**

دلگیریها را تشنگیم و دهان هارا بندیدیم، توین و انتراست

**روزنامه نگاری**  
**استعفا بزرگان را**  
**به دفتر امام دادم**



**۴ بامداد**  
**به وقت تهران**

۴ بامداد به وقت تهران

**آرای الکترونال پیشتاز است**

آرای الکترونال پیشتاز است

**دلگیریها را تشنگیم و دهان هارا**  
**بندیدیم، توین و انتراست**

دلگیریها را تشنگیم و دهان هارا بندیدیم، توین و انتراست

مواضع مطبوعات رسانه ها در مواردی که ممکن است مسئله سیاسی در سلیقه های مختلف در کار باشد را نادیده می گیریم اما در مواردی که مسأله جرائم مالی و دست اندازی عده ای به حقوق مسلم مردم در جریان است چرا تعداد زیادی عوامل رکن چهارم دموکراسی دفاع از مفسدان را بر دفاع از حقوق مردم ترجیح می دهند.

مسأله روشن است تا وقتی چک ها و کمک های مفسدان اقتصادی هست حقوق مردم چه معنی می دهد؟

لذا وقتی تقوا نباشد رکن چهارم دموکراسی هم به ضرر مردم عمل می کند کما اینکه اکثریت رسانه های جهان امروز در استخدام جنایتکارترین و ضد مردمی ترین رژیم های جهانی هستند.

اگر هم روزنامه ای واقعاً روبروی مفسدین اقتصادی ایستاده و از حقوق مردم بی رودربایستی دفاع کرد و آن روزنامه ای است که مدیرمسئولش نماینده ولی فقیه است یعنی کیهان.

رسانه هایی که دستگاه قضایی را در این پرونده ها متهم و افکار عمومی را نسبت به قضات بدبین می کنند اگر واقعاً رکن مردم سالاری بودند و در پرونده های فساد اقتصادی و اداری قاطعانه از قضات حمایت و به مفسدین اقتصادی و مالی حمله می کردند مفسدین اقتصادی و اداری این قدر جرأت آرامش روانی پیدا نمی کردند. جرأت به فساد اقتصادی در کشور افزایش نمی یافت.

متأسفانه بسیاری از رسانه های مدعی دموکراسی نه تنها رکن مدافع حقوق مردم نیستند بلکه تشجیع کننده مفسدان اقتصادی و محافظ اعتبار و شخصیت مفسدان هستند.

با این فضای رسانه ای شیادان چرا نباید مردم را بچاپند وقتی با سیاسی جلوه دادن موضوع توسط بعضی مطبوعات اعتبار اجتماعی غارتگران و دزدان بیت المال بیشتر هم می شود.

بدون شک این گونه رسانه ها نه تنها رکن دموکراسی نیستند بلکه باروحیه دادن و تشجیع متخلفان اداری و محکومان اقتصادی محاکم از عوامل ضایع کردن حقوق مردم و رکن مقابله با مردم سالاری محسوب می شوند. پس لیبرال دموکراسی که بدون احتساب تقوی رسانه را رکن مردم سالاری محسوب کرده اشتباه فاحشی مرتکب شده و این ناکارآمدی لیبرال دموکراسی را نشان می دهد.

پس تجربه بیست و نهم چهل سال انقلاب اسلامی نشان می دهد که نشریات و رسانه ها ضامن معتبر و قابل تکیه ای برای حقوق و آزادیهای مردم نیستند غالباً منافع خود و نه منافع مردم را در نظر می گیرند.

رابعاً: اساسی ترین رکن دمکراسی پارلمان یا مجلس است هر چند این رکن تا حدی کارآمد ظهور کرده و تا حدی توانسته تضمین کننده حفظ منافع و مصالح مردم باشد اما به همان نسبتی که این رکن از تقوی و عدالت خالی باشد ضررهای هم به منافع و مصالح مردم می رساند چرا قانون شفافیت مالی در مجلس تصویب نمی شود؟ چرا وزیری که ضعف مدیریت و بی کفایتی اش موجب حادثه قطار و جان باختن جمعی از شهروندان شده بعد از استیضاح با رأیی بالاتر از رأی اعتماد اولیه می آورد؟ آیا واقعاً با آن حادثه کفایت بالاتری را در او احساس کرده اند یا اتفاق دیگری افتاده است.

چرا بعد از تصویب برجام در مجلس مقام معظم ولایت ۹ بند بر شروط مجلس می افزایند؟ اگر آن شروط مصلحت مردم و منافع ملی نبود قطعاً رهبری آنها اضافه نمی کردند و اگر مصلحت مردم بوده که بوده چرا نمایندگان با غفلت نسبت به آن و غفلت نسبت به گزارش کمیته ویژه ی خود مجلس آن نظارت را نادیده گرفتند. لذا با وجود آنکه مجلس بسیار مؤثرتر از سایر ارکان دمکراسی توانسته است تضمین مردم سالاری و حفظ حقوق و مصالح و آراء مردم باشد بدلیل همین نوع ضعف هایی که کم هم نیستند اگر تقوا نباشد نمی تواند تکیه گاه اصلی مردم سالاری باشد و تجربه ۴۰ ساله به ما نشان می دهد که باید بدنبال تکیه گاه محکم تری باشیم.

### **تکیه گاه اصلی مردم سالاری عدالتخواه و ضامن واقعی مصالح و حقوق مردم**

برخلاف اتهامات و پیشداوری های غلطی که در سالهای اولیه انقلاب اسلامی ولایت فقیه را موجب دیکتاتوری خواندند چهل سال تجربه عملی و عینی نشان داد از قدرت ولایت فقیه حتی یک مورد در راستای منافع فردی و خانوادگی استفاده نشد و هر جا ولایت فقیه وارد عمل شده و حکم کرده است در راستای مبارزه با فساد و دفاع حقوق مردم بوده و بس.

از ابتدای وضع قانونی ولایت فقیه بوقهای شرقی و غربی تبلیغاتی مرتباً بر ضد آن تبلیغ می کردند و مهمترین استدلال آنها این بود که گفتند ولایت فقیه دیکتاتوری فردی است. امام خمینی (ره) هم مرتباً نه یک بار و دوبار بلکه بارها پاسخ به این شبهه را مطرح فرمودند که: " در اسلام قانون حکومت می کند پیغمبر اکرم (ص) هم تابع قانون بود. قانون الهی ... ولایت فقیه بر امور است که نگذارد امور از مجاری خودش بیرون برود نظارت کند بر رئیس جمهور ... ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است نه طرفدار دیکتاتوری (امام خمینی، ص ۲۹)



اگر در گذشته امام خمینی(ره) بارها با استدلال منطقی و استناد به مبانی نظری و عقلی می فرمودند که ولایت فقیه دیکتاتوری نیست، ضد دیکتاتوری است این منطق نظری چهل سال در آزمایشگاه عملی آنهم آزمایشگاهی بسیار سخت و طاقت فرسا تجربه شده و بر همگان محرز شد. چهل سال رهبری با نفوذ فوق العاده و قدرت عظیم توده های طرفدار و عاشق ولایت، با بسیج عظیم و نیروهای مسلح مقتدری که می توانند کوهها را جابجا کنند در اختیار ولی فقیه بود اما در تمام این چهل سال ولی فقیه نه تنها یک حکم بنفع خود و خانواده اش صادر نکرده از دنیا به ساده ترین لباس و فقیرانه ترین غذا و منزل کوچک و امکانات محقر بسنده کرده همه جا در مقابل باندهای قدرت و احزاب خانوادگی قدرت طلب از حقوق مردم دفاع کرد.

امام خمینی (ره) فرمودند: "اگر چنانچه ولایت فقیه در کار نباشد ... طاغوت است یا خداست و یا طاغوت. اگر به امر خدا نباشد رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد غیر مشروع است وقتی غیر مشروع شد طاغوت است. اطاعت او طاغوت طاغوت است" (صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۲۲۱). این فرمایش امام (ره) بارها ثابت شد که وقتی رؤسا با اتکاء به آراء مردم می خواستند طغیان کنند بگونه ای مادام العمر در رأس بمانند و یا انتخابات را لغو کنند و این ولی فقیه بود که جلوی این طغیان ها را گرفت.

طبقه جدیدی که بعد از انقلاب به تدریج شکل گرفت و قدرت و ثروت را در انحصار خود می خواست همیشه با سد ولایت فقیه مواجه شد این ولایت بود که به حاکمیت های بانندی و فامیلی مجال عرض اندام نداد.

بارها اتفاق افتاده که نتایج انتخابات و رأی مردم با خط مشی و سیاست های آن دوره ی ولایت فقیه سازگار نبود ولی با وجود اهرم های متعدد قانونی که در اختیار ولی فقیه است و قدرت نظامی که تحت فرمان اوست حتی یک بار از این قدرت ها برای کنار گذاشتن افراد منتخب مردم استفاده نکرده بلکه همه ی آنها را تحت پوشش حمایت های خود قرار داده است. صیانت از آراء مردم در سال ۱۳۸۸ مسأله کوچکی نبود چرا که اکثر سردمداران کشور خواهان ابطال انتخابات و آراء مردم بودند و اگر کمترین هوای نفس در کار بود یا با قلدرهایی که امکانات اصلی کشور را داشتند و طرفدار ابطال انتخابات بودند سازش می شد و یا از قدرت نظامی برای سرکوب آنها استفاده می شد که هیچکدام نشد خود مردم بودند که ۹ دی ۸۸ به میدان آمدند و مسأله را فیصله دادند اگر ذره ای هوای نفس در کار بود روز ۱۰ دی ۸۸ بعد از آن نمایش قدرت بزرگ مردمی عوامل اصلی فتنه را می شد دستگیر و اعدام کرد و با توجه به فضای افکار

عمومی در آن موقع هیچ اتفاقی هم نمی افتاد و غائله پایان می یافت لکن باز هم یک سال و دو ماه تحمل شد و به فتنه گران برای بازگشت به صراط مستقیم فرصت داده شد وقتی آنها مراتب عناد و دشمنی و عدم تحمل قانون را به نهایت رساندند و رسماً با اصرار بر نفی فرایندهای قانونی در ۲۵ بهمن ۸۹ باز هم دعوت به اغتشاش خیابانی کردند که به شهادت یک دانشجوی بیگانه انجامید صرفاً دو نفر از عوامل فتنه محترمانه در خانه ی خود حصر شدند که این سعه صدر و صداقت در حفظ آراء مردم حتی به قیمت بدنامی ها و مشکلاتی که برای فقیه دارد اوج تقوا و جوانمردی ولی فقیه است که نمونه دیگری از اینگونه برخورد در جهان سراغ نداریم.

انعطاف ولایت فقیه و نادیده گرفتن خود با وجود داشتن قدرت و اقتدار در کشور باور نکردنی است امام خمینی(ره) در اوج قدرت و اقتدار تنها چند روز بعد از مواضع بسیار قاطع خود در مورد ضرورت تداوم جنگ با دشمن در ماههای آخر دفاع مقدس وقتی مصلحت مردم را در پذیرش قطعنامه می بینند بلادرنگ تصمیم خود را بطور کامل عوض می کنند و با پذیرش مسئولیت این تغییر موضع اصرر کسانی را که مسبب اصلی این تغییر تلخ بودند را برای بر عهده گرفتن مسئولیت توسط آنان نمی پذیرد آیا از این انعطاف بالاتر؟ امام خامنه ای عزیز در حالیکه به صراحت می فرماید: من مذاکره را قبول ندارم، مذاکره بی نتیجه خواهد بود، قطعاً دشمن به عهد خود وفا نخواهد کرد، از مذاکره با آمریکا به نتیجه ای نمی رسیم بخاطر فقط یکپارچگی ملی با مذاکره ای که خودشان قبول نداشتند موافقت فرمودند و اجازه دادند مذاکره انجام شود مبادا بخشی از جامعه بخاطر تصور غلطی که از ماهیت آمریکا پیدا کرده و پیش بینی موفقیت در مذاکره را می کند از بدنه انقلاب اسلامی جدا شود هدایت صحیح این عملیات بزرگ که دستاورد ان یکی از بزرگترین تجارب تاریخی ملت ایران در محک زدن ماهیت استکبار است و برای کند ذهن ترین افراد کشور هم ماهیت آشتی ناپذیر آمریکا با حق و عدل و صلح را اثبات کرد یک روی دیگر سکه هم دارد. درخشش رهبری که برای حفظ یکپارچگی ملت از حق خود گذشت و با درایت عزتمندانه ی این عملیات بزرگ مردم را برای دور دیگر مقاومت که انشالله آخرین دور قبل از قیام امام عصر(ع) باشد آماده کرد.

برای لیبرال دمکرات ها آنها خدایشان نفس و معیارشان تسلط بر "افکار عمومی" است هر کس زرنگ بود و با زبان چرب و نرم و ابزار رسانه توانست بر افکار عمومی مسلط شود برانزنده حکومت است ولو یک فرد فاسدالاخلاق و کم سواد، برای حفظ حکومت هم هیچ ملاحظه ای جز حفظ آراء به هر قیمتی که هست وجود ندارد. اما این در تجربه ۴۰

سال به ما اثبات شد که عدالت و رعایت کامل حقوق مردم فقط و فقط با حاکمیت تقوی حاصل می شود و تنها جایگاهی که حقاً نگهبان آزادی و اعمال اراده ی مردم بر سرنوشت خویش است ولایت فقیه است.

این تجربه سی ام راهبردی چهل ساله انقلاب است که بهترین حاصل مردم سالاری و قوی ترین جایگاه برای حفظ حقوق مردم و جلوگیری از به تاراج رفتن استقلال، آزادی و جمهوریت نظام، ولی فقیه است.

حال که این بحث مطرح شد خوبست به تجارب دیگری که از ۴۰ سال نظام ولایت فقیه کسب کرده ایم اشاره کنیم. یکی از مسائلی که از رهبری ولی فقیه در کشور برای همه ملت ما تجربتاً اثبات شد این است که تمام برآوردها و پیش بینی های راهبردی ولی فقیه درست بوده است.

### **بعضی برآوردها و پیش بینی های امام خمینی(ره)**

اگر امام فرمود شاه رفتنی است، اگر فرمود صدام رفتنی است اگر فروپاشی اتحاد شوروی و رسوایی سوسیالیسم را سالها پیش از وقوع پیش بینی کرد، اگر شکست شوروی در افغانستان را پیش بینی کرد، پیروزی جمهوری اسلامی در دفاع مقدس را، اگر فرمود: آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند و .... همه اینها درست از آب در آمد شاید امروز که در ورای این حوادث ایستاده ایم این پیش بینی ها ساده بنظر برسد اما اگر خود را در شرایطی که این پیش بینی ها در آن انجام شد قرار دهیم و فضایی که هیچکس نمی توانست چنین پیش بینی داشته باشد و همه از چنین نتایجی مأیوس بودند و نظراتی کاملاً مخالف این پیس بینی ها داشتند را بنگریم مسأله بسیار مهم است.

### **بعضی از برآوردها پیش بینی های راهبردی امام خامنه ای که بوقوع پیوست.**

در بیانات امام خامنه ای پیش بینیهای صحیح که عملاً شاهد درستی آن بودیم فراوان است اما برجستگی این پیشبینی های درست در جایی نمایان میشود که اکثر تحلیلگران و صاحبنظران در آن مورد نظر متفاوتی دارند حتی مواردی هست که صاحبنظران روی موردی اجماع داشته اند و خلاف آن همانطور که حضرت آقا پیش بینی میکردند بوقوع پیوسته و افراد صاحبنظر و متفکر در آن موضوع را شگفت زده و متحیر کرده است اینجا چند نمونه را اشاره میکنیم:

در حالیکه اغلب سیاستمداران حدس میزدند برجام منجر به رفع تحریم ها د گشایش روابط ایران با غرب شود و حتی مخالفان برجام تصور میکردند امریکا برای تثبیت خط طرفداران سازش با غرب در ایران هم که شده امتیازاتی خواهد داد وشرایطی را فراهم خواهد آورد که مثلا با کاهش قیمت ارز یا بهبود مرادوات مالی مردم ایران شیرینی برجام را حس کنند و به برجامهای بعدی تن در دهند. درست است که مخالفان برجام در ظاهر سخنان رهبری مبنی بر قابل اعتماد نبودن امریکا و به نتیجه نرسیون برجام را تکرار میکردند اما در جلسات داخلی شان پیش بینی امتاز دادن امریکا و توسعه خط نفوذ درایران را داشتند و ماتم گرفته بودند که اگر این اتفاق بیفتد چطور مردم را نسبت به این طرح استعماری که منافعشان را نشان گرفته توجیه و از خط سازش دور کنند. پیش بینی رهبری خلاف همه تحلیلهای موافقان و مخالفان برجام بود ایشان بارها و بارها فرمودند که خواهیم دید آمریکا بدعهدی میکند بارها فرمودند من به آینده این مذاکرات خوشبین نیستم بارها فرمودند که هسته ای بهانه است و غربیها پس از برجام مسایل توان موشکی ایران پس از آن نفوذ منطقه ای و سپس ادعای نقض حقوق بشر و نهایتا اصل اسلامی بودن نظام را پیش خواهند کشید پیش بینی هایی که برخلاف تحلیل متمم موافقان و مخالفان برجام کاملا درست از آب در آمد و صد در صدانچه پیش بینی شده بود بوقوع پیوست.

جان کول، استاد سرشناس دانشگاه میشیگان امریکا در یادداشتی با عنوان «آیا پیش‌بینی آیت‌الله خامنه‌ای درباره واشنگتن درست بود؟ ترامپ عهدشکن» نوشت با اقدامات امریکا علیه برجام حالا مشخص شده است که رهبر ایران پیش‌بینی «پیامبرگونه‌ای» از رفتار واشنگتن کرده است.

استاد دانشگاه میشیگان با اشاره به تلاش رئیس‌جمهور امریکا برای از بین بردن برجام نوشت: «ترامپ ایران را در زمینه برنامه موشکی و حمایت از حزب‌الله تحت فشار قرار خواهد داد.» کول در ادامه خاطرنشان می‌کند: «امریکا ایران را متهم به حمایت از تروریسم در رابطه با حزب‌الله در لبنان می‌کند حزب‌الله بخشی از کابینه لبنان است که به منظور دفاع ملی در جنوب طراحی شده اما هیچ‌گاه تروریسم اسرائیلی را برای تهاجم و اشغال غیرقانونی، بیرون راندن خانواده‌ها از خانه‌های‌شان و ترساندن فلسطینی‌ها متهم نمی‌کند... برجام تمام راه‌هایی را که ایران می‌تواند به بمب اتم دست یابد بسته است، چیزی که قبلاً (آیت‌الله)خامنه‌ای آن را حرام اعلام کرده... ایالات متحده همه چیز را در این معامله به دست آورد اما چیزی دست ایران را نگرفت. تهران در هر صورت هیچ‌گاه به دنبال ساخت یک بمب نبوده.

(آیت‌الله) خامنه‌ای بارها فتوا داده که تسلیحات اتمی مخالف قوانین و ارزش‌های اسلامی است چرا که باعث کشتار انبوه غیرنظامیان می‌شود.»

این استاد سرشناس امریکایی می‌نویسد: (آیت‌الله) خامنه‌ای در ابتدای شروع مذاکرات گفت من قبلاً هم گفتم... خوش‌بین نسبت به مذاکرات نیستم این به جایی راه نخواهد برد اما من مخالف هم نیستم... چیزی که وزیر خارجه و مقامات ما شروع کرده‌اند ادامه خواهد یافت و ایران تعهدات خود را نقض نخواهد کرد اما باز می‌گوییم بی‌فایده خواهد بود و راه به جایی نخواهد برد...

موضوع هسته‌ای بهانه‌ای برای امریکا است تا به تخاصم خود ادامه دهد. حالا سخنگوی امریکا درباره مذاکره با حقوق بشر و موشک‌ها حرف می‌زند.»

نویسنده در ادامه خاطرنشان می‌کند: «به یاد بیاورید این سخنرانی در تبریز و در آستانه مذاکرات جدی در اوایل ۲۰۱۴ بود حالا این اظهارات پیامبرگونه به نظر می‌زند.»

منبع: جهان نیوز

۰۲- پیش بینی مرگ حافظ اسد و تغییر قدرت در سوریه به نفع حزب الله

حجه الاسلام سیدحسن نصرالله:

مساله سوریه بود. به خاطر سیستم امنیتی بسیار بسته فردی نمی دانست در داخل سوریه چه می‌گذرد و ما نیز نمی‌دانستیم که بعد از مرگ حافظ اسد چه می‌شود. لذا همیشه نگران بودیم که یک مخالف سر کار بیاید. یک بار که حافظ اسد مریض شد، خدمت آقا رسیدیم و گفتیم برایش دعا کنید، فرمودند دعا می‌کنم. بعد از مدتی خوب شد. گذشت تا این که بار دیگر حافظ مریض شد. دوباره خدمت آقا رسیدیم که دعا کنید، فرمودند: «البته من دعا می‌کنم ولی ناراحت نباشید. چون فردی که بعد از او می‌آید برای شما خیلی بهتر خواهد بود.»

وزارت خارجه و اطلاعات ایران که هیچ ، CIA هم نمی دانست چه می‌شود. به هر حال حافظ فوت کرد و بشار آمد. و جداً وضع ما بعد از فوت حافظ اسد خیلی بهتر شد. به طوری که اسرائیلی‌ها می‌گویند، نمی‌دانیم کدام از یک از این

ها از دیگری اطاعت می‌کنند؟ صمیمیت ما با سوریه، اکنون به صورتی است که هر زمان بخواهم با بشار دیدار و تبادل نظر می‌کنم. [۱]

۳- پیش بینی شکست مذاکرات صلح خاورمیانه در اوج توافقات بین‌المللی

با شروع انتفاضه اول فلسطینیان در پاییز سال ۱۹۸۷ آمریکا به تکاپو افتاد تا با توسل به راه حل دیپلماتیک قیام فلسطینیان را که اسرائیل را به وحشت انداخته بود فرو بنشانند. یکی از تدابیر واشنگتن به راه انداختن کنفرانس سازش مادرید بود. آقای سید حسن نصرالله میگوید

یک روز بعد از جنگ دوم خلیج فارس در کنفرانس مادرید، عرب‌ها و اسرائیلی‌ها را جمع کردند برای صلح خاورمیانه که آقا هم یک پیام مهم علیه آن داد. همه رفته بودند، رئیس‌جمهور سوریه، لبنان و ... پشتیبان بین‌المللی هم داشتند، مثل آمریکا و شوروی. صلح به نظر ما و همه صاحب‌نظران قطعی بود.

رسیدیم خدمت آقا و گفتیم که ما تنها ماندیم. فرمودند: «درست است که همه دنیا جمع شده‌اند ولی من به شما می‌گویم صلح نخواهد شد و کنفرانس موفق نخواهد بود.» در شرایطی بود که تحلیل‌گران می‌گفتند کار تمام شد. حتی بعضی آقایان در ایران هم این نظر را داشتند. اسحاق رابین و حافظ اسد با واسطه مذاکره می‌کردند و نزدیک به توافق بودند. بعد از حدود یک ماه انتفاضه اول آغاز شد و در کمال ناباوری همگان؛ روند صلح شکست خورد. [۱]

۴- پیش بینی افول آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر و گرفتاری در باتلاق عراق

حجه الاسلام سیدحسن نصرالله:

آمریکا به گونه‌ای به خاورمیانه لشکر کشید که همه بر این باور بودند که منطقه وارد عصر آمریکایی خود شده است و از این پس، ملت‌های منطقه باید شاهد سیطره و حاکمیت آمریکا بر خاورمیانه باشند و خود را برای یکصد یا دویست سال حاکمیت آمریکا در منطقه و جنگ‌های جدیدش که آن را به جنگ‌های صلیبی تشبیه کرده بودند، آماده می‌کردند.

در آن زمان من سفری به ایران داشتم و طی این سفر به دیدار آیت‌الله خامنه‌ای رفتم و نظر ایشان را درباره حوادث منطقه‌ای و ورود آمریکا به آن جوینا شدم، در آن زمان اوضاع به قدری بحرانی بود که برخی از مسئولان و مقامات

ایرانی نزد آن حضرت می آمدند و با ایشان درباره برقراری رابطه با آمریکا مشورت می کردند و می گفتند، باید به دنبال سازش و آشتی با آمریکا باشیم؛ در حالی که ایشان با توجه به دیدگاه استراتژیک و راهبردی خودشان این خواسته ها را رد و تاکید می کردند، اوضاع آنگونه که ملاحظه می کنید بر وفق مراد آمریکایی ها نیست؛ نگران نباشید آمریکا هم اکنون به اوج خود رسیده و از هم اکنون به بعد باید در انتظار فرود و افول این کشور و به ویژه ناکامی طرح هایش در منطقه باشیم و باید بر این پایه و دیدگاه با موضع گیری ها و سیاست های آمریکا در منطقه برخورد کنید و تعامل داشته باشید

امام خامنه ای مد ظلّه العالی تاکید کردند که این سخنانشان بر پایه داده های صحیح و درست س و بدانید آمریکا پس از این که نتوانست از منافع خود در منطقه حمایت کند، اقدام به اشغال عراق و افغانستان خواهد کرد و با تمام نیروی نظامی خود به منطقه لشکر کشی خواهد کرد که این دلیل بر ضعف و ناتوانی این کشور است نه اقتدار و توانمندی و نتیجه گیری های این گونه ای که صورت می گیرد، ناشی از جهل و نادانی ملل منطقه از یک سو و حاکمان آنها از سوی دیگر است. [۱]

امام خامنه ای در بیانات عمومی در آن دوران همچنین فرمودند: اقدامات سیاه و فراموش نشدنی اشغالگران در عراق و به ویژه نجف اشرف نشان دهنده سیاست امریکایی ها مبنی بر کاربرد زور و سرکوب است اما این سیاست کاملاً اشتباه است؛ بدون تردید، شکست خواهد خورد .... [۲]

۵- پیش بینی عاقبت فلاکت بار سران مزدور

امام خامنه ای در اوج ثبات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا فرمودند :

تجربه های حول و حوش ما در دنیای اسلام، پُر از ناکامی کسانی است که نوکر و معاون و همراه شیطان شدند. اینها تا وقتی برای آنها و سرمایه داران و شرکت هایی که پشتوانه ی آن سیاست ها هستند، مفیدند، مورد استفاده قرار می گیرند؛ بعد مثل سنگ استنجاج شیطان - به قول مولوی - دورشان می اندازند. [۳]

حتی حکومت های سلطنتی بی که امروز در خاورمیانه وجود دارد، آمریکا این ها را دوست نمی دارد؛ چون می داند این ها برای او مایه ی دردسر است. دولت های اسلامی و عربی باید به این نکته توجه کنند. امریکا برای مصر هم برنامه دارد؛ برای سعودی هم برنامه دارد؛ برای اردن هم برنامه دارد؛ برای کشورهای خلیج فارس هم برنامه دارد. برنامه ی او

فقط برای لبنان و سوریه و عراق نیست که دیگر کشورهای عربی بنشینند تماشا کنند که امریکا به خیال خود حساب سوریه و لبنان را برسد؛ بعد نوبت آنهاست. [۴]

• سقوط و نابودی حاکمان مستبد تونس و مصر و لیبی و یمن و ... و متزلزل شدن قدرت سایر حکام مزدور در فاصله کمی از این بیانات صحت این پیش بینی هارا ثابت کرد

• ۶- پیش بینی وقوع انقلاب در مصر با روحیه اسلامی - انقلابی ملت مصر

در حالی که پیش بینی آتشفشان خشم ملت انقلابی مصر تا همین اواخر برای بسیاری از کارشناسان ممکن نبود، ولی امر مسلمین با شناخت صحیح از روحیه انقلابی ملت مصر و استعداد و توان آنان برای به زیر کشیدن فرعون های حاکم بر این کشور، در اوج آرامش و سکون در مصر ایشان حرکت مردمی را پیش بینی کردند.

ملت مصر، ملت مسلمانی است. ملت مصر، دارای سابقه در اسلام است. ملت مصر، افتخارات بزرگی در راه افکار نو اسلامی و مبارزات اسلامی دارد. این ملت، ملت غیوری است. یقین است که این ملت، حاضر نیست خیانت سران خودش را تحمل کند و با آنها درگیری پیدا می کند. [۵]

۷- پیش بینی عقب نشینی اسرائیل و پیروزی مقاومت در سال ۲۰۰۰

درستی پیش بینی های الهی امام خامنه ای مدظله العالی در بیان رهبر حزب الله لبنان :

اواخر سال ۱۹۹۹ انتخابات نخست وزیری در رژیم صهیونیستی برگزار شد و دیدیم که باراک چگونه با شکست دادن نتانیاهو در انتخابات به نخست وزیری این رژیم رسید و تصمیم گرفت در ژوئیه از لبنان عقب نشینی کند. فضای حاکم بر لبنان و سوریه به گونه ای بود که کسی تصور نمی کرد، این گفته باراک حقیقت داشته باشد، بعد از مدتی دیدیم که باراک تلاش کرد، در برابر عقب نشینی از لبنان بر امتیازات یا ضمانت هایی امنیتی از دولت لبنان یا سوریه دست یابد. باور همه ما در این خصوص بر این بود که اگر این ضمانت ها به رژیم صهیونیستی داده نشود، این رژیم از جنوب لبنان عقب نشینی نخواهد کرد و مقاومت باید در اندیشه راهبردهای دیگر باشد، اما در دیداری که با آیت الله خامنه ای داشتیم و دیدگاه های خود را به ایشان عرضه کردیم، ایشان نظر دیگری داشتند و به ما تاکید کردند که ؛ پیروزی شما در لبنان بسیار نزدیک است آنقدر نزدیک که خودتان هم تصورش را نمی توانید بکنید.



این سخنان آیت الله خامنه ای بر خلاف تمام تحلیل ها و اطلاعات ارائه شده از فضای حاکم بر جنوب لبنان بود و هیچ نشانه ای دال بر عقب نشینی رژیم صهیونیستی یا آمادگی این رژیم برای این عقب نشینی وجود نداشت؛ اما ایشان به برادران حزب الله تاکید کردند که خود را برای موفقیتی بزرگ آماده کنند و بهتر است موضع گیری و سخنرانی ها و اظهار نظرهای سیاسی تان این گونه و آن گونه باشد. پس از آن، عقب نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان روی داد و این برای ما غافلگیر کننده نبود، چون خود را برای چنین عقب نشینی و پیروزی آماده کرده بودیم. [۱]

۸- پیش بینی جنگ ۳۳ روزه توسط امام خامنه ای مدظله العالی و پیروزی مقاومت در آن

جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان که آن را به حق می توان از معجزات الهی در عصر حاضر به شمار آورد پیش بینی حضرت آقا همکم از معجزه نیست

در جنگ تموز (جنگ ۳۳ روزه)، تحلیل ها حاکی از یک جنگ محدود بود. فکر می کردند چند تا ساختمان را می زنند، حملات محدودی برای آزادی اسرا انجام می دهند و تمام می شود، لکن از روز دوم تهاجم وسیعی را آغاز کردند و تقریباً همه جا را زدند. در اتاق عملیات بودیم و مقابله می کردیم. وضعیت مان خوب بود، ولی چند نفر از دوستان از نظر روحی و عاطفی ناراحت بودند. آیا اسیر گرفتن (جنبش) امل باعث این تهاجم و جنگ شده است؟

این سؤال ذهنمان را آزار می داد و بچه ها را در فشار روحی قرار می داد. هرچند این مسئله در اصل اداره جنگ و مقاومت تأثیری نداشت. در این شرایط حساس بود که پیام الهام بخش آقا، رسید: «این حمله از قبل تدارک دیده شده است. می خواستند در غفلت حزب الله تهاجم وسیع داشته باشند. همه جا را بزنند و بعد حمله زمینی بکنند و مسلط بشوند و شروط خود را تحمیل کنند. این هایی که رفتند اسیر گرفتند، لطف خدا بود، این جنگ احزاب است «ستبلغ القلوب الحناجر» اگر به خدا توکل کنند و مقاومت کنند پیروزند به آقای سید حسن نصر... بگویید پیروزید و اگر در این جنگ پیروز شوید قدرتی می شوید که هیچ قدرتی در مقابلتان نمی ایستد. این را هم بگویید که آن ها می خواستند حمله کنند. اسیر گرفتیم جنگ را جلو انداختند و آخرین سفارششان هم این بود که به امام زمان علیه السلام توسل کنید.»

آقا در جلسه ای گفتند که به احتمال زیاد رژیم صهیونیستی در این تابستان یک عملیاتی برای اشغال نظامی قسمت هایی از لبنان و حذف حزب الله کلید بزند و شما باید آمادگی آن را داشته باشید. این در حالی بود که بررسی های

نظامی و اطلاعاتی ما چنین چیزی را نشان نمی‌داد بعد از چند روزی ما دقت خود را افزایش دادیم تا اینکه دو افسر صهیونیستی دستگیر شدند و بعد از بررسی‌های متعدد توطئه آنها کشف شد و رژیم صهیونیستی برای اینکه طرحش زیاد لو نرود عملیات خود را جلو کشید و زودتر از موقع اولیه به لبنان حمله کرد و به این طریق خیلی از طرح‌های نیمه تمام آنها شناسایی و اطلاعات آنها ناقص ماند و ما به پیروزی بزرگی رسیدیم.

در سخنرانی‌ها هم گفتیم که دشمن از قبل برنامه‌ریزی برای حمله داشته و می‌خواستند در پاییز حمله کنند و لکن بعد از حادثه اسیرگیری حمله را به تابستان آوردند، وقتی ما این حرف را زدیم، خیلی از تحلیل‌گران سیاسی جهان عرب آمدند آن را تأیید کردند. آقای حسنین هیکل در حمایت از این حرف مصاحبه کرد و گفت من هم اطلاع داشتم و در تحلیل به آن رسیده بودم. روزنامه‌های معروف جهان عرب هم این تحلیل را واقع بینانه معرفی کردند. از سیاسیون لبنان افرادی مثل میشل عون هم آن را تأیید کردند. اما یک چیز برای خود من سؤال بود که آقا، این حرف را از کجا می‌دانسته و با چه دلیلی گفته است؟ بعد از جنگ، از طریق یکی از دوستان آن را از آقا پرسیدم. آیت الله خامنه‌ای فرموده بودند اطلاعات خاصی در این باره نداشتم. به ذهنم خطور کرد.

در این شرایط یکی از دوستان پیامی شفاهی از آیت الله خامنه‌ای برای من آورد که ایشان در آن گفته بودند، جنگ شما با رژیم صهیونیستی بی‌شبهت به جنگ احزاب نیست که طی آن تمام قبایل علیه پیامبر به جنگ برخاسته بودند اما سرانجامشان ناکامی و شکست بود، شما نیز بر خدا توکل کنید و بدانید بی‌شک شما پیروز این میدان خواهید بود و پس از این پیروزی، بزرگی و قدرت بسیار خواهید یافت. و هیچ کس در آن زمان باور نمی‌کرد، این گفته آیت الله خامنه‌ای به حقیقت پیوندد، اما دیدیم که چگونه حزب الله در این جنگ پیروز شد [۱]

۹ - پیش بینی مخالفت آقای آذری قمی با رهبری

سال ۱۳۶۸ در مجلس خبرگان و در جلسه انتخاب رهبر پس از رحلت امام خمینی(ره)، زمانی که آقای خامنه‌ای به عنوان کاندیدای اصلی مطرح شدند، ۶ نفر با رهبری ایشان مخالفت کردند که یکی از آنها خود ایشان بود.

در آنجا و در بین صحبت‌هایی که می‌شد، آقای آذری قمی خیلی آقای خامنه‌ای را به قبول این مسئولیت سنگین تشویق می‌کردند به حدی که آقای خامنه‌ای از این حرکت آقای آذری قمی عصبانی می‌شوند و به ایشان می‌فرمایند:

"آقای آذری قمی بفرمایید بشینید. ما شما را می شناسیم. در دوره های مختلف شما را امتحان کرده ایم. این که شما الان می گوئید، ۱۰ سال دیگر هم شما این را می گوئید؟ ۱۰ سال دیگر این را نخواهید گفت. هر جا مقابل شما مطلبی علم بشود که شما نپذیرید، مقابلش می ایستید".

و عین عبارت ۱۰ سال مقام معظم رهبری تعبیر شد. ۱۰ سال بعد آقای آذری قمی به قم رفت و مخالفت کرد.

۱۰-پیش بینی آغاز بیداری اسلامی و تحقق خاورمیانه اسلامی

بیداری اسلامی که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد، در نگاه بسیاری از برجستگان مذهبی و غیرمذهبی عاقبتی نداشت و به سرعت توسط دنیای مادی مهار می گردید اما بزرگانی چون امام خمینی رحمت الله علیه و امام خامنه ای مدظله العالی پیش بینی می کردند که با فراگیر شدن این بیداری در منطقه خاورمیانه و جهان، زمینه حکومت جهانی اسلام فراهم خواهد شد:

امروز جهان و به ویژه جهان اسلام دوران حساسی را می گذراند. از سوئی امواج بیداری سراسر دنیای اسلام را فرا گرفته، و از سوئی چهره ی غدار امریکا و دیگر مستکبران از پرده ی تزویر و ریا، بیرون افتاده است. از سوئی حرکت به سمت بازیابی هویت و اقتدار در بخشهایی از جهان اسلام آغاز شده و در کشوری به عظمت ایران اسلامی، نهال های دانش و فناوری مستقل و بومی به بار نشسته و اعتماد به نفسی که محیط سیاسی و اجتماعی را متحول کرده بود به محیط علم و سازندگی کشیده شده است.. [۱۰]

امروز ما در دنیا شاهد بیداری ملت ها هم هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید و تلویزیون و رادیو و تبلیغات و پول و امکانات صنعتی و غیره، تسلط قدرتهای استکباری بر ملت ها و بر شوون آنها روزبه روز بیشتر شده است؛ اما سنت الهی بر این قرار گرفته که ملتها هم بیدار بشوند و ما امروز می بینیم که ملت ها هم روزبه روز بیدار می شوند و این به خاطر امیدی است که آنها به آینده پیدا کرده اند [۱۱]

امت اسلامی در راهی که مسلمین صدر اسلام را به اوج عظمت و عزت رسانید، پی در پی به پیش خواهد رفت و ملتهای مسلمان از عقب ماندگی حقاتباری که در قرنهای اخیر بر آنان تحمیل شده نجات خواهند یافت. طلیعه ی این حرکت بزرگ آغاز شده و امواج بیداری در همه جای دنیای اسلام کمابیش به حرکت درآمده است. رسانه ها و تبلیغات دشمن و عواملش میکوشند هر جنبش آزادیخواهانه و عدالت طلب را در هر نقطه ی جهان اسلام به ایران یا به

شیعی‌گری نسبت دهند، و ایران اسلامی را که نخستین پرچمدار پیروز بیداری اسلامی است، مسول ضرباتی بدانند که از سوی غیرتمندان کشورهای مسلمان در عرصه‌ی سیاست یا فرهنگ بر آنان وارد می‌شود. [۱۲]

وضع دنیا عوض شده است؛ ملت‌ها بیدار شده‌اند؛ خوشبختانه این بیداری در ملت‌های مسلمان بیشتر است؛ ملت‌های مسلمان، حکومت‌های مسلمان، اهمیت اسلام و عظمت اسلام و عظمت این تکیه‌گاه مورد اعتماد و قابل اطمینان را دارند درک می‌کنند. امروز بیداری اسلامی در دنیای اسلام موجب شده است که قدرت‌ها، دیگر آن توانائی گذشته را نداشته باشند. وضع آمریکا امروز با گذشته فرق کرده است. قدرت‌های بعد از آمریکا هم وضعشان همین جور است؛ معلوم است. ملت‌های مسلمان باید راه توحید را مغتنم بشمرند و وعده‌ی الهی را صادق بدانند. امروز سعادت مسلمان‌ها در این است که بر محور اسلام با یکدیگر متحد شوند [۱۳]

اینک با وقوع و استمرار بسیار عجیب انقلاب‌های مردمی و بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، جهان به روشنی شاهد تحقق پیش‌بینی امام عزیز و مقام معظم رهبری (مدظله) می‌باشد.

همچنین در حالی که استکبار جهانی با نقشه‌ای حساب شده با بهره‌گیری از تمام امکانات مادی و غیرمادی خود در تلاش بود تا خاورمیانه‌ای جدید با مختصات دلخواه خود که در آن اسلام انقلابی نابود شده باشد ایجاد کند اما همانگونه که ولی امر مسلمین به صراحت پیش‌بینی کرده بودند، در میان بهت و حیرت جهانیان، با بیداری اسلامی، سناریوهای دشمن نقش بر آب شده و خاورمیانه اسلامی در حال شکل‌گیری می‌باشد.

شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه‌ی جدید شکل خواهد گرفت و این خاورمیانه، خاورمیانه‌ی اسلام خواهد بود [۱۴]

۱۱ پیش‌بینی گسترش بیداری ملت‌های خاورمیانه به قلب اروپا

در حالی که چندماهه‌ی از آغاز بیداری اسلامی در خاورمیانه نمی‌گذشت و کشورهای استکباری تمام تلاش خود را بر انحراف این انقلابها و آغاز دوره سلطه تاریک درگیری به کار بسته و رایزنیهای دیپلماتیک و غیردیپلماتیک بسیاری در حال انجام بود، ولی امر مسلمین در اردیبهشت سال جاری پیش‌بینی کردند که این بیداری اسلامی تا قلب اروپا پیش خواهد رفت، معظم له این بشارت بزرگ را حتمی و قطعی عنوان فرمودند:

"من به شما عرض بکنم؛ فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست؛ حرکت عظیمی است." [۱۵]

این پیش‌بینی چند ماه بعد به وقوع پیوست و شاهد تظاهرات دامنه‌دار و سپس عکس‌العمل‌های جدی مردمی در اروپا علیه فعالیت‌های استعماری هستیم که با وجود فروکش کردن ظاهری امواج بیداری در کشورهای اسلامی واکنشها در اروپا کماکان ادامه دارد.

حوادث چهل ساله نشان می‌دهد برآوردها و پیش‌بینی‌های ولایت فقیه از وضعیت‌ها و مسائل راهبردی ولی فقیه درست و منطبق بر واقعیت است و این تجربه سی و یکم انقلاب ماست.

و یک پیش‌بینی در حال وقوع سقوط غرب و آمریکا

سال‌هاست که امام خامنه‌ای در بیانات روشن‌گر خود صراحتاً به آغاز نابودی تمدن غرب و علی‌الخصوص آمریکا اشاره می‌فرمایند و به سران این ابرقدرت‌های در حال زوال نسبت به ادامه روند کنونی هشدار می‌دهند، اما تا همین اواخر بسیاری از کارشناسان مادی‌نگر، با شک و تردید و گاه با تمسخر و طعنه با این حقایق روبرو شده و آن را باور نمی‌کردند، اما با فروریختن مهمترین پایه تمدن غرب یعنی اقتصاد، بروز بحران‌های متعدد اجتماعی - سیاسی و آغاز اعتراضات گسترده‌ی مردمی، اینک بسیاری از دیرباوران وادار به تایید صحت فرمایشات ولی امر مسلمین شده‌اند.

فوکویاما که بعنوان یکی از اندیشمندان برجسته غربی مطرح است و زمانی تمدن غرب و آمریکا را بعنوان آرمانشهر بشریت معرفی می‌کرد در آخرین اظهارنظر خود به اشتباه خود اعتراف کرده و بیان داشته است که قطار تمدن غرب در حال سقوط در دره نابودیست!

مقام معظم رهبری در دیدار جوانان مدرسه مجتهدی خطاب به آنان فرمودند :

"شما شاهد سقوط غرب خواهید بود."

امپراتوری نظامی و مالی و تبلیغاتی و سیاسی مسلط بر دنیا - یعنی شیطان بزرگ، آمریکا - با همه‌ی توان، با همه‌ی آنچه که در چنته داشت، به میدان نظام جمهوری اسلامی آمد، به میدان انقلاب آمد و خاطر جمع بود که انقلاب را به زانو در می‌آورد. امروز بعد از سی سال، شما نگاه کنید ببینید چه اتفاقی در دنیا افتاده؛ آنها به زانو درآمدند. سیاست بسیار حساس تعیین‌کننده‌ی خاورمیانه‌ای آمریکا بکلی شکست خورده است؛ این را همه دارند می‌بینند و همه به آن اعتراف میکنند. در فلسطین شکست خوردند. مزدوران و یاران و همپیمانان نزدیک خود را از دست دادند.....[۱۷]

شیطان بزرگ آمریکا از اول انقلاب، امپراطوری نظامی - مالی - تبلیغاتی و سیاسی خود را با همه توان به میدان شکست انقلاب اسلامی و ملت ایران آورد اما واقعیات عرصه سیاسی ایران و منطقه، نشان می‌دهد که آمریکا، امروز خود در مقابل انقلاب اسلامی به زانو درآمده است.

این تازه اول کارشان است؛ این دنیای متمدن غربی از نبود معنویت، دچار هلاکت و نابودی خواهد شد؛ از اوج توانایی‌ها و اقتداری که امروز از آن برخوردار است، به حسیض ذلت و ناتوانی خواهد افتاد. نتایج فعل و انفعالات تاریخی، سریع و زودرس نیست. روزی این نتایج دیده خواهد شد که دیگر علاج‌پذیر نیست؛ و آن‌روز برای تمدن غربی فراخواهد رسید؛ هشدارش را هم همین امروز خود روشن‌بینان غربی دارند می‌دهند.[۱۹]

نفوذ آمریکا رو به افول است. بعد از دوران جنگ سرد، بعد از افول و انحلال شوروی، آنها ادعا کردند که ما باید رئیس امپراتوری بزرگ دنیا باشیم؛ اما دنیا حتی به عنوان یک ابرقدرت نافذالکلمه هم دیگر از آنها حرف شنوی ندارد.[۲۰]

آیا منطقی نیست منصبی که در طول این چهل سال هر چه را صریحاً پیش بینی کرده درست از آب درآمده به پیش بینی‌های بعدی‌اش اعتماد کنیم و اگر می‌گویند رژیم صهیونیستی بزودی از بین خواهد رفت و آمریکا شکست خواهد خورد این پیش‌بینی‌ها را جدی بگیریم.

تجربه دیگر از رهبری و ولایت فقیه صداقت و صراحت ولی فقیه با مردم است بارها و بارها در طول این چهل سال برای همه‌ی مردم کشور احراز شده است که ولی فقیه بر هوای نفس خود غالب و با مردم خودش کاملاً صادق بوده و اگر در جایی اشتباهی صورت گرفته حتی اگر مسئول این اشتباه او نبوده است آنرا بر عهده گرفته است و این تجربه سی و دوم انقلاب ماست.

همه میدانیم که انتصاب بازرگان بعنوان نخست وزیر موقت پیشنهاد و اصرار شورای انقلاب بود ولی امام مسئولیت آنرا پذیرفتند و از مردم عذر خواستند پایان دادن به جنگ و پذیرش آتش بس درست چند هفته پس از آنکه امام خمینی(ره) آتشین ترین پیامها را در خصوص ضرورت استمرار دفاع مقدس داده بودند بخوبی غلبه امام (ره) بر هوای نفس خویش را نشان داد. هر کس بجای امام(ره) بود ممکن نبود بعد از آن اعلام مواضع پر شور در مورد دفاع مقدس بسادگی به آتش بس تن داده شود یا لاقلاً کسانی را بعنوان مسبب مجازات می کرد اما کسانیکه واقعاً هم مسبب این شدند که کار جنگ آنطور که امام می خواستند پیش نرود به محضر امام(ره) رسیدند و از ایشان خواستند اجازه دهد آنها مسئولیت را بپذیرند و از مردم عذر خواهی کنند ولی امام(ره) اجازه چنین کاری را ندادند و خودشان شخصاً مسئولیت را بر گردن گرفتند و با مردم صادقانه موارد را بازگو می کنند و از افرادی که بنا حق مسبب آن اوضاع شده بودند حتی گله هم نمی کنند همین برخوردها را از سوی امام خامنه ای دام ظلله شاهد هستیم تصمیم گیری نادرست در خصوص جمعیت و زاد و ولد را می دانیم چه کسی دنبال کرد و به کرسی نشاند ولی وقتی اشتباه بودن آن احراز شد امام خامنه ای عزیز شخصاً مسئولیت این اشتباه را پذیرفتند و یا در خصوص عقب ماندگی در مسیر پیشرفت عدالت همینطور دیدیم که امام خامنه ای عزیز فرمودند: باید از مردم عذر خواهی کنیم و چه کسی است که نداند اگر پیشرفت ما در حوزه ی عدالت به اندازه مورد انتظار نبوده تقصیر کیست و چه کسی باید عذر خواهی کند. (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۹۶/۱۱/۲۹)

انقلاب اسلامی ایران آغازی بود بر پایان بی عدالتی و استبداد و اشرافیت رژیم فاسد و وابسته پهلوی که در ظلم و بیداد حکومت می کرد. انقلاب اسلامی بر ظلم و بی عدالتی پیروز شد تا ندای عدالت را بر گوش مستضعفان و مظلومان جهان برساند و زمینه ساز حکومت عدل مهدوی شود.

امروز در عدالت هرچند به نسبت گذشته غیر قابل مقایسه و در قیاس با سایر کشورها مطابق با شاخصهای شناخته شده جهانی بهبودهای چشمگیری داشته‌ایم اما برقراری عدالت در حد و شان ولایت و در تراز نام اسلام و انقلاب اسلامی نبوده است که لازمه آن تلاش ما برای تحقق دولت اسلامی است.

پس از گذشت چهار دهه از انقلاب بزرگ اسلامی ایران از مولایمان امام خامنه ای عزیز شنیدیم که فرمودند:

"خب، نتیجه‌ی مردم‌سالاری، پیشرفت کشور است؛ پیشرفت‌ها هم واقعاً خارق‌العاده است. ما دهه‌ی چهارم انقلاب را دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامگذاری کردیم و پیشرفت به معنای واقعی کلمه در کشور اتفاق افتاده است؛ عدالت را نمی‌گوییم؛ در مورد عدالت ما عقب‌مانده هستیم؛ در این تردیدی نیست؛ خودمان اعتراف می‌کنیم، اقرار می‌کنیم. در دهه‌ی پیشرفت و عدالت بایستی هم در پیشرفت موقّق میشدیم، هم در عدالت؛ در پیشرفت به معنای واقعی کلمه موقّق شدیم، واقعاً پیشرفت کردیم و در همه‌ی زمینه‌ها پیشرفت اتفاق افتاده است؛ [اما] در زمینه‌ی عدالت، باید تلاش کنیم، باید کار کنیم، باید از خدای متعال و از مردم عزیز عذرخواهی کنیم. در مورد عدالت مشکل داریم و ان‌شاءالله با همت مردان و زنان کارآمد و مؤمن، در این ناحیه هم پیشرفت خواهیم کرد اما در زمینه‌ی پیشرفت مادی انصافاً کارهای بسیار زیاد و بسیار مهمّی انجام گرفته است."

این بیانات نورانی یک هشیار باش به همه ملت و هشدار و بیدارباشی به وجدانهای مسولان فعلی و قبلی کشور بود ولی بعضی‌ها آن را اشتباه فهمیده اند و به جای اصلاح خود و توبه از عملکردهای خلاف عدالت خود رهنمود هم می دهند. این درست است که حضرت آقا فرمودند به خاطر عقب ماندگی در اجرای عدالت درخور نام اسلام و انقلاب اسلامی باید عذر خواهی کنیم. اگر قدری انصاف داشته باشیم خودمان باید بفهمیم که چه کسی باید عذر خواهی کند؟

رهبری که به خاطر دغدغه عدالت و پایبندی به احکام الهی و اعتقاد راسخ به سیره پیامبر(ص) و علی(ع) دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامیدند. او که در شان ولایت دغدغه داشته و مطالبه کرد. نباید عذر بخواهید، بلکه جریانی باید عذرخواهی کند که برای باز گذاشتن دست خود و یارانشان در غارت بیت المال، توسعه را مقدم بر عدالت دانستند و اجرای پیشرفت توأم با عدالت را تخطئه کردند و آن را " توزیع عادلانه فقر " نامیدند و اینگونه بی عدالتی را تئوریزه کردند.

واقعاً چه کسی باید از خدا و مردم عذر خواهی کند؟ کسی که سال ۷۲ را سال عدالت اجتماعی، سال ۷۳ را سال صرفه جویی، سال ۷۴ را سال انضباط اقتصادی، سال ۷۵ را سال پرهیز از اسراف و حفظ ثروت عمومی، نامگذاری کرد و در هر دیدار مهم با مسولان، عدالت را مطالبه کرد یا کسی که در همان سالها پاداش سی میلیون تومانی (به قیمت امروز یک میلیارد تومان) به هر یک از اعضای هیئت دولت خود داد ؟



آن رئیس جمهوری که وجدان را زیر پا گذاشت و سوگندی را که به رعایت قانون و عدالت خورده بود زیر پا گذاشت و برای اولین بار جلسه پنج ساعته هیئت دولت را نه برای رسیدگی به کار و مشکلات مردم، بلکه برای بررسی راههای نجات یک شهردار قانون شکن و مفسد اقتصادی از دست قانون و عدالت، سپری کرد باید عذرخواهی کند. آن آقای محترم که ادعای رهبری اصلاحات را دارد و از مفسد اقتصادی حمایت می کند باید از خدا و ملت عذرخواهی کند. پایگاههای اطلاع رسانی، مطبوعات و نشریاتی که برای حمایت از پرونده های فساد بزرگ اقتصادی جوسازی کردند و با سیاسی خواندن پرونده ها، عرصه را بر قضاوت و ضابطین قضایی تنگ کردند و حتی گاهی اعدام مفسد اقتصادی را تحت عنوان نخبه کشی تخطئه کردند باید عذر خواهی کنند. نشریات و مطبوعاتی که چکهای دهها میلیونی از مفسدین اقتصادی گرفتند و با حمله به مردان عدالت، تیغ آنها را کند کردند باید عذرخواهی کنند. آنان که حتی برای یکبار هم از اجرای عدالت در مورد مفسدان اقتصادی که شریک سیاسی شان بودند حمایت نکردند بلکه بر همراهی مفسدان رژه رفتند.

آن احزاب سیاسی که مفسد اقتصادی محکوم شده در دادگاههای صالحه را پس از طی چند سال حبس و طی دوره محکومیت در رهبری حزب و جبهه سیاسی خود قرار دادند و هر روز عکس او را بر صفحه اول سایت ها و نشریات خود میزنند تا قبح ظلم و تبعیض و فساد اقتصادی شان را بشکنند باید عذر خواهی کنند.

آن شخصیت برجسته ای که دفاع از مفسدین اقتصادی را به خطبه های نماز جمعه کشید و با هشیاری مردم و شعار مرگ بر غارتگر بیت المال، خطبه اش قطع شد باید از خدا و مردم عذر خواهی کند. هرچند برای او شاید دیر شده باشد.

رهبری که در رفیع ترین جایگاه نظام، اعضای خانواده خود را از ورود به کوچکترین فعالیت تجاری و اقتصادی منع می کند و خود و خانواده و فرزندانش ساده ترین زیست و زندگی را دارند چرا به خاطر ضعف اجرای عدالت توسط دیگران عذر بخواهد؟ بلکه آن مقام بلند مرتبه ای که از اعمال قانون روی برادر متخلفش ممانعت می کند باید عذر بخواهد. آن کسی که در بدو ورود به ریاست جمهوری، ۷ میلیارد تومان خرج تجملات دفترش می کند و برخلاف دستورات صریح اسلام در خانه دهها میلیارد تومانی زندگی می کند باید عذر خواهی کند.

امام خامنه ای که اعتقادشان عدالت است ، عملشان عدالت است در گفتار خود هم می فرمایند اشرافیگری مسئولان، امتیازطلبی مسئولان، بی‌مبالاتی به بیت‌المال، بی‌اعتنائی به طبقه‌ی مستضعف و... حرکت‌های ضد انقلابی است و همه تشکیلات نظام بایستی با نگاه به اهداف انقلاب حرکت بکنند و این کارها را ضد انقلابی می دانند برای چه عذر بخواهند؟

آن آقایی که با شعار عدالت سر کار آمد و نیمه راه عهد شکنی کرد و خلاف عدالت عمل کرد و مسئولان معلوم الحال را بر خلاف تذکراتی که به او داده شد سر کار آورد و آن افتضاحات چند هزار میلیاردی را ببار آورد و مبارزه با قاچاق کالا را در نقطه حساس رها کرد باید عذرخواهی کند. کسی که رسیدگی به مفسد اطرافیانش را خط قرمز خود قرارداد و کشور را بین دو راهی اجرای عدالت و بروز تشنج، ناامنی و از هم گسیختگی و یا صرفنظر کردن موقت از رسیدگی به پرونده فلان دولتمرد قرار داد باید عذرخواهی کند.

همه ما انصاف داریم، فهم داریم و می فهمیم. اگر آنها نمی فهمند و خود را اصلاح نمی کنند در محضر خدا و ملت شریف ایران باید پاسخگو باشند. اما ما می فهمیم که رهبری در تمام این چهل سال انقلاب، اولاً؛ از ابتدا عزم و نیت عدالت داشته اند. ثانیاً؛ اراده عدالت داشته و همیشه به عدالت امر و راهنمایی فرموده و همه را از غفلت در این زمینه بر حذر داشته اند. ثالثاً؛ عدالت را به طور مستمر و پیگیر از همه دستگاهها و مسئولین مطالبه کرده اند. رابعاً؛ مهمتر از همه اینکه عدالت را در مورد خود و نزدیکان سختگیرانه رعایت کرده اند. بر فرض مثال، اگر رهبری کوچکترین ضعفی در این ارتباط داشتند دشمنان خارجی که با همه قدرت اطلاعاتی شان در این زمینه جاسوسی دارند آن را پیراهن عثمان کرده و منافقان داخلی که بسیاری مسئولیتها را داشته و از همه چیز باخبرند امان مملکت را می بریدند. این در حالی است که هم دشمنان مستکبر و منافقان ترسو به عدالت آقا اذعان داشته و از آن بیمناکند.

برای دنیا خواهان و ریاست طلبان و لیبرالها و غرب و شرق زده ها باور کردنی نیست اما واقعیت دارد که در روزهای اوج فتنه سال ۸۸ که طرفداران فتنه خیابانها را صحنه آشوب کرده بودند بدستور امام خامنه ای تمام رسانه ها و مطبوعات انقلابی و ارزشی که مخالف فتنه بودند به دفتر رهبری دعوت شدند و در آنجا به آنها از جانب رهبری تذکر داده شد که با وجود تخلفاتی که فتنه گران دارند شما شرعاً حق ندارید کوچکترین نسبت ناروا و دور از واقعیت به آنها بدهید و در مقابل ظلم آنها شما حق ندارید به آنها تهمت بزنید که واقعیت ندارد. این نوع موضعگیری عدالتخواهانه که هیچکس جز خدا از ولی فقیه مطالبه نکرده و نمی کند فقط ریشه در تقوا دارد و در هیچ حاکمیت دیگری نمونه ندارد.

اگر امروز رهبری می فرمایند به خاطر عقب ماندگی در اجرای عدالت باید از خدا و مردم عذر بخواهیم این عذر خواهی از جنس عذر خواهی پدری است که فرزندش خلافی کرده باشد یا معلمی که شاگردانش مرتکب خلافی شده اند. بنابراین او عذر می خواهد تا همگان عذر خواهی کردن را یاد بگیرند این سومین تجربه راهبردی از ولایت فقیه است.

تجربه دیگر از حاکمیت ولایت فقیه اینکه هر جا تدابیر ولایت فقیه را پیاده کرده ایم موفق و سر بلند و آنجا که توفیق اجرای آنرا نداشته ایم ناکام مانده ایم و این سی و سومین تجربه ی چهل ساله ماست. پیشرفت های خیره کننده علمی کشور، شکوفایی نخبگان، دستیابی به فناوریهای پیشرفته خودکفایی تسلیحاتی و حفظ وحدت و حضور دشمن شکن در مقاطع مختلف و در انتخابات، کمک به جبهه های مقاومت و ... فهرست بلند بالایی از مواردی است که ملت و دولت با هدایت و تأکید رهبری به میدان آن پا گذاشته و با موفقیت های فراتر از حد انتظار مواجه شده است اما در مبارزه با فساد که فرمانهای صریح رهبری را اجرا نکرده ایم با مشکل روبرو هستیم.

به آخرین موارد نگاه کنید همه میدانیم که دولت بهیچوجه در اجرای اقتصاد مقاومتی موفق عمل نکرده و اساساً این تدابیر را درست درک نکرد مشکلات حاد اقتصادی معلول همین مسأله است اگر از اواسط دولت دهم که تحریم ها تشدید شد دولت آقای احمدی نژاد و پس از آن دولت آقای روحانی بجای دل بستن به مذاکرات اقتصاد مقاومتی شروع کرده بودند امروز اقتصاد ایران در مرز شکنی و پیشرفت ۷ سال جلو افتاده بود. و این مشکلات بیکاری و تورم را نداشتیم. اگر آنطور که رهبری فرمودند بجای توهم دولت ها در جیب سرمایه های بزرگ از خارج کشور و پیشبرد اقتصاد ایران با کمک قدرتهای جهانی خیالپردازی نمی کردیم و واقع بینی رهبری را داشتیم را فعال سازی ظرفیت های عظیم داخلی را مبنای پیشرفت اقتصاد قرار می دادیم اگر حذف دلار از اقتصاد را که فرمودند مبنای کار قرار می دادیم و در اقتصاد هم همانطور که در دفاع مقدس وارد می شدیم امروز به مرزهای یک اقتصاد شکوفای جهانی نزدیک شده بودیم در هر عرصه ای وارد شویم بوضوح ارجحیت نظرات ولی فقیه کاملاً مشهود است چه آنجا که عمل کرده ایم و پیروزیهای درخشان کسب شده و چه آنجا که توفیق عمل نداشته ایم.

اگر تدابیری که امام خامنه ای در خصوص نحوه پیشبرد مذاکرات برجام فرمودند رعایت کافی می شد کار اینقدر ضعیف و غیر قابل دفاع به پایان نمی رسید.

بعد از پایان مذاکرات اگر در تصویب نهایی آن ۹ شرط و ضابطه ای که امام خامنه ای عزیز قرار دادند رعایت می شد امروز با این حجم مشکلات مواجه نبودیم. در هر عرصه ای که وارد شویم بوضوح ارجحیت نظرات ولی فقیه کاملاً مشهود است چه آنجا که عمل کرده ایم و پیروزیهای درخشان کسب شده و چه آنجا که توفیق عمل نداشته ایم ناکام شده و به مشکل خورده ایم.

علت آنهم کاملاً روشن است ولایت فقیه یعنی یک دانشمند حکیم، ملت ایران با هوشمندی یک دانشمند برای رأس کشور برگزیده است ممکن است کسی علم داشته باشد دانشمند هم باشد ولی وقتی منافعش اقتضا کند بجای وفاداری به علم خود از علم خودش برای وارونه جلوه دادن حقایق استفاده کند ولی این دانشمند ما تقوی هم دارد یعنی علم خودش را کتمان نمی کند و منفعت خودش را بر چیزی که با علم به آن رسیده هیچوقت ترجیح نمی دهد خصوصیت دیگر ولی فقیه چیست؟ شجاعت دارد یعنی چیزی را که با علم به آن رسده را بخاطر ترس رأی خودش را عوض نمی کند خصوصیت چهارم ولایت فقیه آنست که برجسته ترین دانشمندان و متخصصان کشور و حتی جهان اسلام بطور مستمر دارند به ایشان مشورت می دهند و با ارتباطات گسترده مستقیمی که با حکما، دانشمندان و متخصصان برجسته کشور و جهان اسلام دارد از عقل آنها هم بهره می گیرد و خصوصیت پنجم با خبر بودن و اشراف است بگونه ای که بالاترین اطلاعات کشور در جهان بطور مرتب از کانالهای متعدد، متنوع به ایشان می رسد یعنی ما با جایگاهی که علم و حکمت، تقوی، شجاعت، اشراف و اطلاعات و فرصت مشورت و کسب نظر عقلای قوم را دارد مواجه هستیم. حتی اگر معتقد نباشیم که خدا هم عنایت ویژه دارد و رهبر پیروان خود را تنها نمی گذارد که تنها نمی گذارد. باز هم عقل و تدبیر اقتضا می کند تصمیم چنین جایگاهی را فوق تشخیص خودمان بدانیم و آن تسلیحات را یک ثروت و فرصت برای کشور بدانیم و به آن جامه ی عمل ببوشیم. بحث نظری فوق عقلاً به ما ثابت می کند که هر جا از فرمان ولایت اطاعت کنیم به موفقیت می رسیم و آنجا که اینطور عمل نکنیم شکست می خوریم که البته ما قبل از این بحث نظری در تجربه های متعدد به این رسیده ایم بعضی موارد خیلی واضح مربوط به دفاع مقدس است که امروز مصلحت نیست آنرا مطرح کنم ولی انشاءالله روزی مطرح خواهیم کرد تا مستند شود که تفاوت اطاعت از ولایت و عدم اطاعت چه چیز است.

تجربه سی و چهارم از چهل سال رهبری ولایت فقیه که برای ما اثبات شد این است که مشی ولایت فقیه با وجود صلابت و آشتی ناپذیری با ظلم مشی انقلابی ولی معتدل بوده است نه آرمانخواهی خیال پردازانه

ای که چشم را بر روی واقعیت های اجتماعی ببندد و نه واقعگرایی محافظه کارانه ای که بخاطر واقعیت های تلخ و شرایط سخت از آرمانهای خود دست بکشد بلکه ولایت فقیه در این چهل سال همیشه یک آرمانگرایی واقع بینانه را بمرحله اجرا گذاشته است و با در نظر گرفتن همه ی واقعیت ها مسیر درست بسوی آرمانها را تعیین کرده است.

تحلیل گران دشمنان غربی و شرقی جمع شده اند و در طول این چهل سال همه ی توان فکری خود را بکار گرفته اند تا حجتی علیه مواضع ولایت فقیه اقامه کنند و لاقلاً یکی از تصمیمات راهبردی ولایت فقیه را مخدوش کنند اما تاکنون نتوانسته اند یک حرف محکمه پسند ارائه دهند. جوسازی رسانه ای زیاد کرده اند شبهه پراکنی کم نبوده است شاید القائات رسانه ای آنها تأثیراتی هم روی بعضی اقشار و ضعفای فکری داشته است اما این شبهات پاسخ مستدل داده شده است و علیه مواضع راهبردی ولایت فقیه هیچ حرفی که بتوانند در یک محکمه علمی مستدل دور از هیاهو به کرسی بنشانند وجود ندارد.

در این سالها اگر تدبیر آرمانگرایان غیر واقع بین و خیالی را پیاده کرده بودیم چه فجایعی برای کشور اتفاق می افتاد؟ بعد از پذیرش قطعنامه مجدداً با بهانه ای جنگ را آغاز می کردیم.

بعد از حمله آمریکا به عراق با عنوان اینکه صدام خالدبن ولید دوران است و توبه کرده به حمایت او می رفتیم.

با طالبان و القاعده علیه آمریکا هم پیمان می شدیم

بعد از شدت گرفتن تحریم ها به هر ایرانی دو هزار متر زمین می دادیم تا خودش مواد غذایی خودش را تولید کند.

تصور غلطی که جامعه را فرا گرفته بود و می پنداشتند با مذاکره با آمریکا تحریم ها رفع و مشکلات اقتصادی اصلاح می شود را نادیده می گرفتیم و تن به مذاکره هسته ای نمی دادیم.

این تفکرات و نظایر آن بارها در عالی ترین سطوح کشور تفکر غالب بود ولی ولایت فقیه بود که این آرمانگرایی های خیالی را تعدیل کرد.

و اگر حرف واقع گرایان بی آرمان و وا داده را پیاده کرده بودیم از انقلاب اسلامی و استقلال و آزادی چه مانده بود؟

بعد از اشغال ایران توسط صدام صلح تحمیلی را می پذیرفتیم.

بعد از اعلام مخالفت های منافقین به آنها سهمی در حاکمیت می دادیم.

در کردستان به گروههای وابسته به غرب امتیاز خود مختاری می دادیم

بعد از موشکباران شهرها با صدام کنار می آمدیم.

بعد از حمله آمریکا با افغانستان و عراق با او کنار می آمدیم و تسلیم شرایط می شدیم.

صنعت هسته ای را بطور کامل جمع می کردیم و کل فناوری هسته ای را برای رفع سوء ظن غربی ها در کشور تعطیل می کردیم

امثال این آرمانگرایی های غیر واقع بینانه تخیلی و این واقعگرایی های سازشکارانه و ذبونانه در این چهل سال هر روز به ازای هر تصمیم راهبردی که پیش روی ما قرار می گرفته است وجود داشته و گاهی به فکر مسلط بر جامعه ی نخبگی کشور تبدیل شده است در مقابل از لحاظ افراط و تفریط های مسلط این ولی فقیه بوده است که مواضعی حکیمانه، مدبرانه و راهگشا اتخاذ کرده مواضعی که نه خدشه ای بر آرمانخواهی و انقلابی گری کشور وارد کند و نه کشور را بی جهت به دام هلاک بیفکند.

لذا ولایت فقیه در این ۴۰ سال بزرگترین تضمین آزادی و اعمال اراده مردم بوده است و به کرات برای همه ی مردم اثبات شد که سرنوشت ما بدست خود ماست و آنرا با آراء و انتخاب های خودمان رقم می زنیم.

چهل سال تداوم انقلاب اسلامی نه فقط به ملت ایران بلکه به جهان ثابت کرد که مردم سالاری در نظام ولایت فقیه یک مردم سالاری کاملاً واقعی است و بر خلاف دمکراسی غربی که زد و بند جناحهای قدرت و احزاب کلیشه ای سرنوشت دولت را تعیین می کنند در اینجا واقعاً حرف مردم و رأی رأی آنهاست.

ولایت فقیه نه تنها نظامی است که در آن رهبری با وجود در دست داشتن قدرت نظامی با سعه صدر همیشه آراء به آراء مردم احترام می گذارد و مکرراً وقتی مردم به افرادی رأی داده اند که با تفکر رهبری زاویه های جدی داشته اند آنها را تحمل نموده است و همه ی دولت ها با مشرب های مختلف و حتی غالباً با مواضعی متمایز از حمایت جدی رهبری برخوردار بوده اند.

ما این را مکرراً تجربه کرده ایم که در نظام ولایت فقیه تصمیم گیرنده مردم هستند البته در چارچوب شرع. بجز جایی که حکم خدا تکلیفی را روشن کرده است و طبیعتاً مردم را به آن حدود راهی نیست ولی فقیه ممکن نیست حکمی خلاف مصالح عمومی بدهد لذا تصمیم گیرنده و اصلی کشور در چارچوب احکام اسلام خود ما مردم هستیم باید قدر این نعمت را بدانیم و از آن خوب استفاده کنیم مهمترین صحنه ای که اعمال اراده مردم شکل می گیرد انتخابات است اگر در انتخابات بی دقتی کنیم عوارض آن زندگی خودمان را تحت تأثیر مستقیم قرار می دهد. نباید به انتخابات به چشم رقابت تیم های ورزشی بنگریم و تحت تأثیر شعارها و احساسات قرار بگیریم، نباید به صرف مشهور بودن یا حتی محبوب بودن فلان ورزشکار یا هنر پیشه یا مجری تلویزیونی از نظر آنها پیروی کنیم باید مسأله را خیلی جدی تر از این بگیریم با انتخابات سرنوشت خودمان را رقم می زنیم پیشرفت یا عقب گرد، استقلال یا تضعیف آن عزت و سربلندی یا ضعف و سر شکستگی کشور با انتخاب ما رقم می خورد اگر کسی را انتخاب کنیم که هم راستای اهداف نظام باشد و از ظرفیت نیروهای انقلابی بهره گیرد میتوانیم با حرکت های جهشی مشکلات را حل کنیم و کشور را به پیش ببریم و اگر مسأله را سرسری بگیریم و سطح انتخاب خودمان را در حد شعارها و هشتک ها و کرکری خوانی ها و تأثیر پذیری از شایعات بی اساس تنزل دهیم بدون شک مشکلاتی را که امروز داریم استمرار خواهد داشت و از کسی جز خودمان نمی توانیم گله کنیم چون انتخاب با خود ما بوده است.

خیلی ها در خیابان و مترو نماز جمعه و جماعت یا مناسبت ها وقتی ما را می بینند جلو می آیند و با اشاره به بعضی ناهنجاری های اجتماعی یا تخلفات و انحرافات بعضی مسئولان بما می گویند شما که دسترسی دارید به حضرت آقا بگوئید کاری بکنند یا بگوئید فکری بکنند پاسخ بنده هم به آنها این است که این کار و فکری را باید خود ما بکنیم کشور که استبدادی نیست. سر رشته همه کارها دست یک نفر باشد اگر او به مسأله ای متقاعد شد امر کند بقیه هم مجبور به اطاعت باشند. رهبری پاسدار رأی من و توست این من و شما هستیم که با انتخاب خود وضعیت کشور را تعیین می کنیم و هر چه هست خوب یا بد آثار آراء خود ماست اگر خدای نکرده ما نماینده مجلس یا شورای شهر خودمان را از افراد اهل زد و بند انتخاب کنیم نباید انتظار داشته باشیم مجلس و شورای شهر ما جلوی تبعیض و بی عدالتی بایستد و نمی توانیم از بی عدالتی گله کنیم.

خیلی واضح است اگر خدای ناکرده بجای آن فرد پاکدست و صادق و دلسوزی که پول هم برای تبلیغات و ریخت و پاش ندارد کسی را که پذیرایی ها را آنچنان می کند اموال زیاد برای خود انباشته و ... به نمایندگی از خود می

فرستادیم او هم در هنگام رأی دادن امتیازاتی از وزیر متخلف برای خودش یا برای شهر یا محله اش می گیرد و به آن وزیر رأی می دهد و در نتیجه آن نابسامانی که از آن می نالید ادامه می یابد.

اگر ما مخیر بودیم کاندیدایی را که در یک آپارتمان ۱۲۰ متری ساده سکونت دارد برگزینیم و یا کاندیدای دیگری را که در ویلای ۹۰۰ متری چند ده میلیاردی تومانی می نشیند خودمان دومی را انتخاب کردیم نمی توانیم انتظار داشته باشیم آن مسئول درد محرومان را بفهمد ضرت آقا که نمی توانند معجزه کنند. امام عصر(ع) هم مأمور به معجزه نیستند. ولایت آزادی و اعمال اراده ی مردم بر سرنوشت خویش در چارچوب احکام الهی را تضمین می کند و بعد هدایت راهنمایی می کند که ما از این آزادی چگونه استفاده کنیم به ما معیار می دهد، شاخص می دهد که درست انتخاب کنیم و همه ی اینکارها را بخوبی انجام داده است اگر احساس می کنیم اوضاع بسامان نیست یا نارسایی هایی هست باید حواسمان را جمع کنیم از این آزادی که انقلاب اسلامی برای ما به ارمغان آورده است درست استفاده کنیم و انقلابی را که خودمان با خون دل و تقدیم خونهای پاک محقق ساخته ایم بی جهت متهم نکنیم.

### ۳- مشارکت مردم در اداره کشور

شاخص سوم در نافذ بودن اراده مردم در سرنوشت خود در الگوی مردم سالاری دینی مشارکت آنها در اداره ی کشور است.

خصوصیت دیگر مردم سالاری دینی مشارکت مردم در حکومت است. دولت اسلامی آن دولتی است که مردم بخشی از آن محسوب می شوند و فاصله ای بین مردم و دولت وجود ندارد.

در دمکراسی لیبرال مشارکت مردم در حد شرکت در انتخابات و رأی دادن است بعد از رأی دادن مردم باید بروند خانه و میدان را به حکام بسپرنند این دیوان سالاری تحت کنترل دولت لیبرال و شرکت های خصوصی هستند که اداره ی امور را بدست خواهند گرفت اما در مردم سالاری دینی مردم خودشان دولت هستند اگر شهید رجایی دولت خود را کابینه ۳۶ میلیونی ( کل جمعیت آن روز ایران را خطاب می کند این شعار نیست بلکه واقعیت کاملاً روشن است که از اصلی ترین وجوه تمایز لیبرال دمکراسی با دولت اسلامی و مردم سالاری دینی محسوب می شود.

شیوه رایج اداره ی کشورها هزینه های بسیار سنگین دیوانسالاری چه در قالب دولت یا بخش خصوصی است که با پرداخت مستقیم هزینه های دولتی و یا تحمیل سودهای سنگین بخش خصوصی به مردم تأمین می شود متأسفانه شیوه دولت های ما هم همین است بروکراسی سنگینی و پرهزینه چه در قالب دولت چه در قالب بخش خصوصی



خود را به اقتصاد مردم تحمیل می‌کند حال آنکه در مدل مردم‌سالاری دینی مشارکت مردم در اداره‌ی کشور هزینه‌ها را بشدت کاهش داده کارها را سریع و روان می‌کند کار فرهنگی و اصلاحات اجتماعی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر، خدمات اجتماعی مانند کمک به محرومین، رسیدگی به ایتام و فقرا، کار امنیتی و دفاع از سرزمین اسلامی نمونه تکالیف اجتماعی مصرح اسلام است که وظیفه همه‌ی مسلمانان است و فقط وظیفه دستگاه اداری و دیوانسالاری نیست توزیع این وظایف سنگین میان همه‌ی مردم در حد وسیع و تمکن هر فرد و مجموعه بار سنگین دولت را سبک، دولت را کوچک و کم هزینه می‌کند. نمونه آن را می‌شود در نیروهای مسلح دید که مشارکت مردم در قالب بسیج متجلی شد و چه نتایج شگفت آوری را بدنبال داشت و امروز هم شاهد برکات فراوان آن در بخشهای مختلف هستیم مقایسه هزینه‌های دفاعی می‌تواند قدری این مسأله را روشن تر کند.

بودجه عربستان بدون احتساب هزینه‌های جنگ یمن بیشتر از ۵۶ میلیارد دلار (سایت جار میزمن، ۹۶/۹/۲۹)، بودجه اسرائیل کوچک‌تر از کوچک‌ترین استان‌های ایران ۱۷ میلیارد دلار (radis.org، ۹۶/۱۲/۲۴)، بودجه امارات متحده عربی با مساحت در حد یک شهرستان ایران و بدون هیچ تهدید جدی خارجی ۱۴ میلیارد دلار (خبرگزاری میز نفت، ۹۴/۰۸/۰۴)، جمهوری اسلامی حداکثر ۱۰ میلیارد دلار است (پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، ۹۶/۰۹/۱۹).

چطور جمهوری اسلامی ایران توانسته با سرزمین بسیار پهناورتر با وجود ۱۶ کشور همسایه با وجود تهدیدات ابر قدرتی با بودجه‌ای به مراتب کمتر از سایر کشورها در منطقه با ابرقدرت آمریکا توازن نظامی برقرار کند و این کشورها قادر نیستند با این هزینه‌های سرسام‌آور با ایران توازن نظامی برقرار کنند و برتری مطلق ایران در این عرصه را اعتراف می‌کنند؟

تحقق این حجم قدرت با این هزینه بدون مشارکت جدی و تمام‌عیار مردم (بسیج) چه در مرحله صنعت و تولید داخلی تسلیحات و چه در مرحله جنگ و عملیات محال است.

گروه‌های بزرگ امنیت ملی با همین مشارکت مردمی باز شده است پایه چگونه از سقوط نجات یافت؟ یک فرمان امام (ره) و حضور مردم. کردستان چگونه از اشراک پاک‌سازی شد؟ حضور گسترده بسیج و پیش‌مرگان مسلمان کرده دفاع مقدس چگونه با آن هزینه‌های بسیار اندک و باورنکردنی چه از لحاظ نیروی انسانی و چه از لحاظ تدارکات تأمین شد؟ مشارکت و بسیج مردم. گروه‌های تروریستی که از جانب همه‌ی ابرقدرت‌ها پشتیبانی جدی می‌شدند با تجربه‌های طولانی در زندگی و سازمان‌دهی مخفی و پیچیده‌ترین تجهیزات آن‌هم در شرایطی که کل دستگاه‌های اطلاعاتی کشور منحل شده بود و اطلاعات نوپای سپاه هنوز الفبای کار را هم به‌طور کامل بلد نبود چگونه متلاشی شدند؟

در آن ماجرا امام خمینی (ره) خطاب به عموم مردم فرمودند: " امروز باید همه‌ی شما سازمان اطلاعاتی باشید از اجزای سازمان اطلاعات باشید. همه ماها مکلفیم که اگر از این خرابکارها کسی را یافتیم و باید همه دنبال این باشیم که بیابیم " اینها را - معرفی کنیم تا قوای انتظامی و نظامی بگیرند و تحویل دادگاهها بدهند و محاکمه بشوند. محاکمه ها هم باید محاکمات عادلانه باشد، بر طبق موازین شرعی باشد، ننشینید تا اینکه اینها خرابکاری را توسعه بدهند. اینها اجیرند که این خرابکاریها را هرچه می توانند توسعه بدهند و در هر جای از کشور یک شلوغی به کار بیاورند، یک خسارت‌هایی وارد کنند به خیال اینکه ملت کم کم خوف پیدا بکند و این مسیر خودش را رها کند، حالا که مسیر رها شد و ملت دیگر ترسید و کنار نشست، آنها وارد میدان بشوند، حکومت را از بین ببرند و مجلس را از بین ببرند و یک مجلس و یک حکومت به صورت اسلامی و در باطن آن نحوی که خود آنها می خواهند و امریکا می خواهد. ما نباید بنشینیم و تماشاچی باشیم. ما باید فعالانه عمل بکنیم. اگر شهید دادیم فعالیتمان بیشتر بشود. آنهایی که شهید دادند فعالیتشان بیشتر بشود؛ برای اینکه از دست دادند یک افراد با ارزشی را و باید دنبال کنند تا پیدا بکنند آن اشخاصی که این جنایتها را کردند و می کنند." (امام خمینی، ص ۲۵ و

(۲۶)

این سخنان مبنای مشارکت عمومی مردم در شناسایی منافقین سایر گروه‌های تروریستی و کودتاگر شد. مرکزیت سازمان جهنمی منافقین را یک رفتگر از روی زیادی میزان زباله نسبت به جمعیت منزل شناسایی و زمینه عملیات اطلاعاتی و نابودی آنها را فراهم کرد.

یادم هست در سال ۱۳۶۰ در آمل یک پدر شهید سالخورده و ناتوان شبانه یک گونی پر از سلاح را از منافقین غنیمت گرفت و آنها را فراری داد چطور؟ او در حال بازگشت به خانه در کوچه ای تروریست ها را در حال جابجایی سلاح دید پشت تیر چراغ برق سنگر گرفت و عصایش را بطرف آنها نشانه رفت و فریاد زد و ایست داد آنها سایه عصار رادیدند به تصور اینکه واقعاً تفنگ است گونی را انداختند و فرار کردند تاریخ نابودی منافقین و گروههای تروریستی

در ایران پر است از هزاران قصه ی اینچنین که نقش پر رنگ مردم را در سرکوب این جنایتکاران مزدور بیگانه نشان می دهد.

اگر مشارکت مردم نبود با صدها برابر هزینه‌هایی که شد و دهها برابر زمان مشکل حل نمی‌شد.

این تجربه کاملاً موفق فقط مخصوص نظام مردم‌سالاری دینی است که با الگوگیری سایر کشورهای اسلامی و انقلابی کارآمدی خود را نشان داد درحزب الله لبنان، حشدالشعبی عراق، ارتش ملی سوریه و انصارالله یمن هم کارآمدی خود را نشان داده. برنامه دولت اسلامی تکیه به این نیرو در تمام عرصه‌هاست اما مدل لیبرال دموکراسی کاملاً متکی به بروکراسی و دیوانسالاری اداری چه در قالب دولت یا شرکت‌های خصوصی بسیار پرهزینه است. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ساختارهایی را برای شکل‌گیری این‌چنینی دولت مردمی کم هزینه و پربازده بنا نهادند که نمونه آن جهاد سازندگی بود.

حکم امام تشکیل جهاد سازندگی این بود .

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت. ملتی که - بحمدالله - مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند. با فداکاری ملت - بحمدالله - مراحلی را که بسیار اهمیت داشت پشت سر گذاشتیم، موانع مرتفع شد، خائنین رفتند، و اگر تتمه ای هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست، پشت آن دیوار خرابیهای زیاد هست؛ و ما باید به همت ملت آن خرابیها را ترمیم کنیم. ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای سازندگی؛ برای اینکه ترمیم کنیم این خرابیها که در طول مدت حکومت جائر پهلوی در مملکت ما حاصل شده است. و - بحمدالله - ملت ما راجع به سازندگی، این مهیا بودن خودشان را اعلام کرده اند. دانشجویهای عزیز، متخصصین، مهندسین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی» که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند. و البته آن جاهایی که بیشتر

خرابی هست؛ مثل آنجاهایی که روستاها، جاهایی که مسکن عشایر هست، دهات دورافتاده که تقریباً هر کدام از گروهها می آیند، شکایت از وضعشان دارند، می گویند برق نداریم، خانه نداریم، آب نداریم، اسفالت نداریم، بهداشتی نداریم؛ و همه هم صحیح می گویند. بنا، بر این بوده است که اینطور ایران را خراب کنند. و الآن که - بحمدالله - آن سد شکسته شد، برای مرحله ثانی، که مرحله سازندگی است، ما دستمان را پیش ملت دراز می کنیم، و از ملت می خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند. و البته مأمورین دولت در هر جا - آنها هم - مردم با آنها تشریک مساعی کنند. در تحت نظر اشخاص کارشناس، مأمورین دولت کارها را انجام بدهند. و روحانیونی که در همه جا در بلاد - بحمدالله - هستند، در این امر آنها هم تشریک مساعی کنند، نظارت کنند.

و من به همه ملت، به همه اشخاص که در این روستاها و دهات به سر می برند، پس از اینکه به همه شان دعا می کنم و عرض ارادت، یک سفارش دارم. و آن اینکه توجه کنند کسانی که برای ساختن و برای سازندگی و برای جهاد سازندگی در دهات می آیند، در روستاها می آیند، توجه کنند که مبدا خدای خواسته در بین آنها یک اشخاصی نباشد که بر خلاف رویه ملت، بر خلاف اسلام، مسائلی داشته باشند. اگر یک همچو اشخاص دیدند، فوراً آنها را از ده کنار بگذارند، و نگذارند در بین جوانهای ما، در بین روستاییان ما، تبلیغات سوئی بکنند.

ان شاءالله خداوند به همه ملت و به همه کسانی که در این راه تشریک مساعی می کنند و این وظیفه اخلاقی - شرعی را ادا می کنند، به همه توفیق عنایت کند. همه موفق باشند که در این جهاد شرکت کنند و آن خرابه ها را بسازند، و برادران خودشان را کمک کنند؛ که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد. بلکه من می خواهم از اشخاص که برای زیارتها، برای مکه معظمه، برای مدینه منوره می خواهند بروند لکن به طور استحباب می خواهند بروند، من می خواهم از آنها هم تقاضا کنم که شما برای ثواب می خواهید بروید مکه مشرف بشوید، می خواهید بروید مدینه منوره، عتبات عالیات مشرف بشوید؛ امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید [نیست] و این سازندگی را همه با هم

شروع کنید که ایران خودتان درست ساخته بشود، و برادرهای خودتان نجات پیدا بکنند. خداوند به همه شما اجر عنایت می کند، و همان ثوابی را که شما از زیارتها می خواهید خداوند به شما در این جهاد خواهد داد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. (صحیفه امام جلد ۸ ص ۱۸۰)

با همین پیام صدها هزار جوان داوطلبانه راهی روستاها شدند و با شکل دهی به یک نهاد خدمتگذار مردمی انقلاب عظیم تحول آفرین را در روستاها رقم زدند ولی برخورد تکنوکرات ها و لیبرال با این حرکت چگونه بود.

### مقابله عملی لیبرالها با منطق مشارکت جوی مردم سالاری دینی

"ما باید در مشکلات متوسل شویم به ملت" (صحیفه امام، جلد ۸ ص ۱۷۹) این تفکر جمله امام خمینی (ره) بخوبی بیانگر برجستگی مردم سالاری دینی است. نظام مردم سالار دینی دیوار که نه حتی پرده ای میان خود و ملت نمی بیند در اداره ی مسایل به سادگی سراغ ملت می رود و از آنها کمک می خواهد مردم هم سخاوتمندانه مشارکت می کنند و با کمترین هزینه بزرگترین مشکلات را حل می کنند و کشورشان را پیش می برند.

آمار عملکرد جهاد سازندگی که به دنبال این پیام تشکیل شد و صدها هزار جوان را بدون مزد و منت به خدمت در محروم ترین روستاها کشاند آماری معجزه آسا و باورنکردنی است نهادی که در دهه اول انقلاب چهره روستاهای بشدت محروم ایران را شدیداً متحول کرد و می رفت که کشور را در زمره پیشرفته ترین کشورهای جهان در عرصه کشاورزی و دامداری تبدیل کند که ناگهان با دخالت تکنوکرات های لیبرال منحل شد. این نهاد مردمی و انقلابی که مثل بسیج می درخشید و علاوه بر خدمات پایان ناپذیر به روستاهای کشور در جبهه های جنگ و کردستان هم خدماتی بی بدیل تقدیم امنیت کشور کرد چه شد؟ به بهانه کاهش هزینه های دولتی با تصمیم رئیس جمهور وقت آقای هاشمی رفسنجانی آقای عبدالله نوری و تقدیم لایحه به مجلس این نهاد مردمی در شبکه بروکراسی دولتی وزارت کشاورزی ادغام شد و به کلی از خاصیت مردمی خود افتاد. و منحنی های درخشان توسعه و پیشرفت روستایی که به صورت تقریباً عمودی در حال صعود بود شیبی ملایم تر پیدا کرد این تصمیم زایده ی یک تفکر بود تفکری متفاوت با خط ولایت و مخالف دولت مردمی که همان دولت اسلامی است تفکری معتقد به بروکراسی غربی و الهام گرفته از لیبرال دمکراسی غرب چراکه مسأله فقط در این عرصه نبود.

آن ها می خواستند همین کار را با سپاه و بسیج هم انجام دهند و با ادغام ارتش و سپاه عرصه دفاعی را هم به همین مشکل مبتلا کنند که با دخالت امام خامنه ای مدظله با استفاده از اختیارات فرماندهی کل قوا و مخالفت جدی معظم

له منتفی شد. هرچند امام خامنه‌ای بعد از مدتی برای پر کردن خلأ جهاد سازندگی تدبیر تشکیل بسیج سازندگی را به سازمان بسیج مستضعفین صادر فرمودند و این تشکل مردمی بحمدالله طی ۱۵ سال اخیر برکات فراوانی برای کشور به همراه داشته اما هیچ‌گاه جای آن تشکل تخصصی و پرفایده که صرفاً روی مسائل روستاها متمرکز شده بود پر نشده است.

تجربه مسلمی که بعنوان سی و پنجمین تجربه راهبردی انقلاب اسلامی در این مجموعه می‌توانیم از آن یاد کنیم اینکه هر حرف بزرگی با کمک مردم قابل تحقق است و هیچ مشکل بزرگی با حضور و مشارکت عموم مردم حل نشدنی نیست مشارکت همه ی مردم همه ی بن بست ها را حل می کند.

تفکر مردم‌سالاری دینی اقتضا می‌کرد که نیروی جوان کشور را با همان انگیزه‌های الهی که در جبهه داشتند و بدون مزد و منت با کمترین هزینه‌ها جبهه را اداره می‌کردند به عرصه سازندگی و بازسازی کشور بیاوریم همان‌گونه که امام ره در پیام خود برای بازسازی کشور فرمودند:

"بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست این کشور متعلق به اسلام و همه‌ی ملت ایران است و همان‌گونه که در جنگ همه در کنار هم بودند در صلح و سازندگی هم باید کنار هم باشند".

همچنین در بند ۷ این پیام فرمودند: "استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی و بها دادن به مؤمنین انقلاب خصوصاً جبهه رفته‌ها و توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب‌شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص و متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های جامعه "

هر اندیشمندی به این عبارات نگاه کند می‌تواند یک کتاب در شرح و دفاع از مدل اقتصادی امام خمینی(ره) بنویسد مدل نجات بخش منحصر به نظام اسلامی همان چیزی که امروز برای رسیدن به آن ستاد الگوی پیشرفت درست شده بسط فعالیت ها اقتصادی به توده ها.

اما تفکر لیبرالی ۱۸۰ درجه خلاف رهنمود امام خمینی (ره) را تجویز کرد نگاه کنید به تبیین راهبرد موردنظر رئیس‌جمهور وقت در مورد فضای بازسازی پس از جنگ در نماز جمعه تهران (سخنرانی مانور تحمل های هاشمی)

که متأسفانه بخاطر غیرقابل دفاع بودن از تمام سایت ها و منابع حذف شده است سخنرانی مشهوری که ایشان به کنار گذاشتن لباسهای خاکی جنگ و مانور تجمل توصیه نمود.

## باز هم مخالفت با مشارکت مردم

بعد از شکست فتنه ۸۸ حامیان فتنه با مکاتبه و آمدوشد با غربی‌ها آن‌ها را متقاعد کردند که زمینه برای ادامه شورش‌ها و تغییر نظام ایران از طریق فعالیت خیابانی فراهم نیست و تنها راه این است که با اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه اقتصاد ایران را فلج و مردم را از نظام ناراضی کنند تا نظام از خوف شورش بزرگ مردم، خودش راه سازش با غرب را در پیش گیرد و منش و مرام و آیین خودش را عوض کند و یا زمینه به میدان آمدن مردم علیه نظام فراهم شود آمدوشدها و پیگیری‌های تحلیل گران فتنه و همکاران جاسوس آن‌ها که پل‌های رابط مذاکرات بعدی هم بودند کارساز افتاد و پس از تصویب تحریم‌های جدید وزیر خزانه‌داری آمریکا را به سفرهای دوره‌ای به کشورهای جهان برای متقاعد کردن آن‌ها به جدی گرفتن تحریم‌ها ترغیب کرد و هر جا هم‌سخن وعده‌های فریبنده و طعمه‌های او برای تطمیع کشورها کافی نبود مقامات بالاتر آمریکا مداخله کردند تا به قول خودشان تحریم‌های فلج‌کننده را علیه جمهوری اسلامی راه بی اندازند.

وقتی دور جدید از تحریم‌های جهانی علیه جمهوری اسلامی آغاز شد متأسفانه برای اولین بار دولتمردان ادبیاتی خلاف گذشته برگزیدند و بجای اینکه مثل واکنش‌های ایران به چند دهه تحریم‌هایی که انجام می‌شد بگویند: "تحریم‌ها اثری بر کشور ندارد" و بگویند ما با همبستگی همه‌ی تحریم‌ها را خنثی می‌کنیم" گفتند "تحریم‌ها بسیار خطرناک است و ما در شعب ابیطالب هستیم" این اولین بار بود که مسئولان کشور در مقابل تحریم‌ها از خود نقطه‌ضعف نشان می‌دادند و با بیانات خود دشمن را به جدی‌تر گرفتن تحریم‌ها مصمم‌تر و به مردم القاء کردند که برای حل مشکل تحریم هیچ راهی به‌جز مذاکره و سازش با آمریکا وجود ندارد. کلید این کار را دولت آقای احمدی نژاد زد.

این مواضع غلط که بیش از همه توسط همفکران مرحوم هاشمی رفسنجانی که معلوم نبود با چه انگیزه‌ای در دولت دوم احمدی‌نژاد در بالاترین مناصب به‌کارگیری شده بودند تکرار می‌شد فضای دلسردکننده‌ای را ایجاد کرد که واکنش امام خامنه‌ای مدظله را هم به دنبال داشت تا جائیکه معظم له در بیانات ۱۹ دی ۱۳۹۰ فرمودند:

" برخلاف تصور و تحلیل‌های غلط جبهه استکبار، نظام جمهوری اسلامی امروز نه تنها در شعب ایطالب

نیست بلکه در شرایط بدر و خیبر قرار دارد"

در این بیانات نکته ظریفی بود که این تحلیل‌هایی را که بعضی عناصر دولتی ارائه می‌کردند به‌عنوان تحلیل و تصور جبهه استکبار آمده است.

در مقابل این مواضع ذبوانه لیبرالها، رهبری معظم انقلاب تفکر اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان چاره کار مطرح فرمودند و ابعاد آن را تفصیلاً بارها بیان کردند و آن را به‌عنوان راه برون‌رفت از آثار تحریم پیش روی دولت گذاشتند. باوجود این تأکیدات تحلیل آقایان عوض نشد و آیه یأس خواندن ادامه یافت لذا در کسوت مسئول سازمان بسیج پس از مشورت با اқشار مختلف متخصص بر آن شدیم طرحی بسیجی را تهیه کنیم و راه‌کارهای عملی عبور از تحریم‌ها و شکوفاسازی اقتصاد کشور در شرایط تحریم را با دولت در میان بگذاریم تا شاید این مواضع غلط آنان تعدیل شود لذا با فرصتی که رئیس‌جمهور وقت در اختیار ما گذاشت به همراه سردار جعفری فرمانده کل سپاه طی سه جلسه مفصل طرح‌ها را در حضور ۵ عضو اقتصادی کابینه دولت به رئیس‌جمهور ارائه کردیم. باوجود اینکه قریب به ائتفاق اعضای اقتصادی کابینه به طرح‌ها را مثبت و عملی خواندند رئیس‌جمهور وقت با بیان اینکه "این‌ها چیزی نیست و این‌ها را انجام می‌دهیم کاری ندارد". طرح دیگری را که اساساً عملی نبود پیش کشید و از ما خواست بجای اصرار روی طرح‌هایی که داده بودیم آن طرح غیرعملی را حمایت کنیم و به ایشان برای متقاعد کردن سایر مقامات کشور روی طرح خودشان کمک کنیم.

هرچند دولت وقت هیچ کمکی نکرد بسیج این طرح‌ها را در حد بضاعت خود به‌صورت پایلوت اجرا کرد که موفقیت کامل بعضی از آن طرح‌ها که بدون مداخله دولت در ابعاد کوچک قابل اجرا بود در عمل ثابت شد بسیج توانست با همان بضاعت سازمانی اندک و بدون استفاده از اختیارات عظیم دولت ظرف سه سال ۲۳۰ هزار شغل از این طریق ایجاد و بخش زیادی از مواد غذایی را تأمین کند که آمار زیر گویای آن است. **آمار اینجا بیاید**

وقتی دولت جدید روی کارآمد بازار القاء ضرورت سازش با دشمن برای بهبود وضع اقتصادی داغ‌تر شد از همان ماه‌های آغازین دولت جدید طی مکاتباتی با رئیس‌جمهور آقای روحانی و بعضی وزرای دیگر طرح‌هایی را برای حل مشکلات اقتصادی بدون ضرورت کنار آمدن با دشمن به ایشان فرستادیم و باوجود مکاتبه‌های مکرر ایشان برخلاف دولت قبلی که لااقل برای استماع طرح‌ها وقت گذاشته بود هیچ عکس‌العملی نشان نداد.



از آنجاکه عناصر مؤثری از کارشناسان برجسته اقتصادی دفتر مقام معظم رهبری بدون اطلاع ما از طرح‌های اقتصاد مقاومتی بسیج بازدید کرده و گزارش مثبتی به معظم له داده بودند ایشان در سخنرانی مورخ ۶ آذر ۱۳۹۳ در جمع مجمع عالی بسیج فرمودند " باید اقتصاد مقاومتی تقویت تولید داخلی است که مسئولان دولتی در این زمینه از بسیج کمک بگیرند "

ولی باوجود پیگیری‌های بعدی سازمان بسیج از سوی دولت هیچ قدمی برای بهره‌گیری از بسیج برداشته نشد ده ماه بعد مجدداً رهبری معظم انقلاب در ۲۶ شهریور ۱۳۹۴ در دیدار اعضای هیئت دولت فرمودند: " اگر دقت کنند آقای رئیس‌جمهور یا لاقل آقای جهانگیری که بخواهید و ببینید مجموعه بسیج در مورد اقتصاد مقاومتی چه کارهایی می‌توانند انجام دهند و ظرفیتش را دارند. ظرفیت خیلی خوبی است ". بسیج چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست. بسیج یک مجموعه عظیم و آماده‌به‌کاری است این‌ها را بخواهید ببینید چه کار می‌توانند بکنند این‌ها می‌آیند امکانات خودشان را عرضه می‌کنند و می‌گویند این کارها را کرده‌ایم به نظر من امکانات خوبی هست "

بازهم مسأله حل نشد و با پیگیری‌های زیاد بالاخره توانستیم با آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور ملاقات کنیم طرح مکتوب خواستند طرح‌های مهم‌تر را کتباً و حضوراً ارائه کردیم ایشان گفتند: " از نظر من این طرح‌ها شدنی است باید بدهیم دستگاه‌های مربوط هم بررسی کنند " ولی بازهم کار به نتیجه نرسید.

### **علل ناکامی لیبرال دمکراسی در بهره‌گیری از مشارکت مردمی در پیشبرد کشور:**

علت اصلی بی‌نتیجه بودن پیشرفت کار این است که آقایان تفکر تکنوکرات و لیبرال دارند و نگاه آن‌ها به تجربه‌های جهانی است تجربه‌های جهانی هم برای اداره امور کشورها همین روش تجربه تکنوکراتی و بروکراسی حاکم بر دنیا مبتنی برسد رکن کارفرما، پیمانکار ناظر است و بس. فلذا موضوع مشارکت مردم برای آقایان قابل‌درک نیست.

یکی از بزرگترین تجارب چهل ساله انقلاب اسلامی که بعنوان بیست و هفتمین تجربه راهبردی از آن یاد می‌کنیم اینست که هر جا ملت بصورت سازمان یافته وارد عمل شدند و از ظرفیت‌های عظیم مردمی برای پیشبرد امور و حل مشکلات استفاده شد مردم توانستند بزرگترین و پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین مشکلات را حل کنند دفاع مقدس، مقابله با ترور، برقراری امنیت شرق و غرب کشور نمونه‌هایی از آنست.

ولی با تفکر لیبرالی نمی‌شود از این مزیت مهم انقلاب اسلامی برای پیشبرد کشور بهره گرفت.

آقایان مشارکت مردم در پیشرفت کشور را فقط و فقط واگذاری کارها به بخش خصوصی یعنی صاحبان سرمایه می‌دانند و مردمی را که سرمایه بزرگی ندارند و می‌توانند با همان سرمایه‌های کوچک و یا با نیروی کار کشور را پیش ببرند به هیچ می‌انگارند چرا؟

هیچکدام از دولت‌های ما مثل امام خامنه‌ای عزیز که می‌فرمایند "بهره برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور" (بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله علیه ۱۴/۰۳/۱۳۸۰) یا مثل امام (ره) که

آنطور صادقانه می‌گوید "متوسل می‌شویم به مردم" چیزی را نخواستند، اگر خواستند اجابت نشد چرا؟

اولاً چون مشارکت دادن مردم در امور و مطالبه تلاش از آنها مقبولیت می‌خواهد که آنها ندارند باید بدانیم مقبولیت برای رأی آوردن با ایجاد جنجال و بسیج سلبریتی‌ها شاید باشد، مقبولیت در حد توقع ریختن در خیابان‌ها برای شادی و رقص و پای‌کوبی شاید باشد ولی نمی‌توانند از مردم بخواهند آستین‌ها را بالا بزنید و سخت کار کنید. چرا؟ چون مردم به از آنها خواهند رسید که "ما کارکنیم تا شما در خانه‌های اشرافی‌تان راحت‌تر باشید". درست است که الگویی مثل مقام معظم رهبری با آن زندگی زاهدانه شخصی و خانوادگی و با آن همه تلاش شبانه‌روزی در این سن و سال پیش روی همه‌ی مردم است اما تا وقتی موضوع منحصر در رهبری است مردم آن را یک استثناء می‌شمارند.

برای کارهای مردمی چه در عرصه جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک مردمی برای کارهای بزرگ چه در استفاده از نیروی کار آنها قدرت بسیج‌کنندگی لازم است و دولتی که اشرافی‌زندگی می‌کند توان بسیج‌کنندگی ندارد و مردم دعوت او را لبیک نمی‌گویند. کما اینکه وقتی دولت از مردم خواست اگر دستشان به دهانشان می‌رسد یارانه نگیرند هیچ‌یک از مردم اجابت نکردند چرا؟ اصلی‌ترین عامل این است که مردم از خود می‌پرسند چرا درحالی‌که آقایان استفاده حداکثری از بیت‌المال می‌کنند و در ناز و نعمت غرقند، وقتی آنها سفره‌های آن‌چنانی پهن می‌کنند از ویلاهای چند ده میلیارد تومانی زندگی می‌کنند، بچه‌های آنها خارج تحصیل می‌کنند و ... برای چه ما باید فداکاری کنیم؟ اینجاست که یکی از فلسفه‌های ضرورت اجرای حکم خدا ساده زیستی مسئولان روشن می‌شود.

همانگونه که امام خامنه ای عزیز می فرمایند: جمهوری اسلامی دو جزء دارد: "جمهوری است، یعنی مردمی است؛ اسلامی است، یعنی بر پایه‌ی ارزشهای الهی و شریعت الهی است" (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۰۷/۱۵).

مردمی است، یعنی مردم در تشکیل این نظام، در بر روی کار آوردن مسئولان این نظام نقش دارند، پس مردم احساس مسئولیت میکنند؛ مردم برکنار نیستند. مردمی است، یعنی مسئولان نظام از مردم و نزدیک به مردم باشند، خوی اشرافیگری، خوی جدائی از مردم، خوی بی‌اعتنائی و تحقیر مردم در آنها نباشد. ملت ما قرنهای متمادی خوی اشرافیگری را، استبداد و دیکتاتوری را در حاکمان نابحق این کشور تجربه کرده و دوران جمهوری اسلامی دیگر نمیتواند اینجور باشد. دوران جمهوری اسلامی یعنی دوران حاکمیت آن کسانی که از مردمند، با مردمند، منتخب مردمند، در کنار مردمند، رفتارشان شبیه رفتار مردم است. این، معنای مردمی است. مردمی است، یعنی باید به عقاید مردم، به حیثیت مردم، به هویت مردم، به شخصیت مردم، به کرامت مردم اهمیت گذاشته بشود. اینها مردمی است.

ثانیاً مردم برای نظامی فداکاری می کنند و حاضرند ایثار کنند که آن نظام مقدس باشد و در مقابل ایثارهایشان به پاداشی الهی دلخوش می دارند و گرنه چرا باید از وقت و مال و امکانات خود هزینه کنند و مجانی خدمت کنند؟ آقایان لیبرالها هم که با همه ی توان همه ی رسانه های خود را بکار گرفته اند تا از نظام قداست زدایی کنند طبیعی است که نتوانند جامعه را برای فداکاری در جهت اهداف نظامی که از آن قداست زدایی کرده اند بسیج کنند.

ثالثاً شاید خیلی از این طرح‌ها نیاز به بسیج کنندگی هم نداشته باشد و صرفاً با دعوت سازمانی بسیج حل شود مثل طرح واکسیناسیون طیور خانگی که در همین دولت آقای روحانی وقتی از سوی وزارت جهاد از بسیج درخواست شد ظرف ۳ روز با هزینه‌ای در حد صفر (بجز هزینه ها مواد و تجهیزات) بیش از ۱۵ میلیون قطعه طیور در سراسر روستاهای ایران توسط بسیجیان واکسینه شدند. در این مدل‌ها چرا دولت‌ها پا پیش نمی‌گذارند چون بسیج انقلابی و بشدت ضدآمریکایی است اگر در کارهای پی‌درپی مدیون بسیج شوند مواضع خود در عرصه بین‌الملل را باید اصلاح و تعدیل کنند.

## نمونه ای از پرهیز تفکر لیبرالی از مشارکت عمومی

مردم با تشکل در بسیج توانستند در مرحله سخت و پر از مشکل جنگ و ترور با بسیج عمومی گره های ناگشودنی را باز کنند. در سازندگی پیشرفت کشور که می توانند شیرین کاریهای بزرگ و بی نظیری انجام دهند خانه نشین شده اند. به بعضی از نمونه ها بعد از این می پردازیم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی اکثریت مردم ایران بی سواد مطلق بودند یعنی حتی اسم خودشان را هم نمی توانستند بنویسند امام خمینی برای حل این معضل در هفتم دی ماه ۱۳۵۸ فرمانی به این شرح صادر کردند:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْقَلَمِ وَ مَا یَسْطُرُونَ مَلَّتْ شَرِیْفِ اِیْران، شما می دانید که در رژیم گذشته آنچه بر ملت مبارز ایران سایه افکنده بود، علاوه بر دیکتاتوری و ظلم، تبلیغات بی محتوا و هیچ را همه چیز جلوه دادن بود. ملتی که در همه ابعاد از حوایج اولیه محروم بود و انمود می شد که در اوج ترقی است. از جمله حوایج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن بلکه مهمتر از آنهاست آموزش برای همگان است. مع الأسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم؛ و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند، چه رسد به آموزش عالی. مایه بسی خجالت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد. ما باید در برنامه دراز مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم. و اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده، برای مبارزه با بیسوادی به طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم تا ان شاء الله در آینده نزدیک هر کس نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد. برای این امر، لازم است تمام بی سوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران با سواد برای یاد دادن بیابخیزند، و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات بیابخیزد و از قرطاس بازی و تشریفات اداری بپرهیزد. برادران و خواهران ایمانی، برای رفع این نقیصه دردآور بسیج شوید و ریشه این نقص را از بُن بر کنید. تعلیم و تعلم، عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. ائمه جماعات شهرستان ها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، با سوادان نوشتن و خواندن را به

خواهران و برادران خود یاد بدهند و منتظر اقدامات دولت نباشند، و در منازل شخصی، اعضای بی سواد را تعلیم کنند و بی سوادان از این امر سرپیچی نکنند. من از ملت عزیز امید دارم که با همت والای خود، بدون فوت وقت، ایران را به صورت مدرسه ای درآورند، و در هر شب و روز و در اوقات بیکاری یکی - دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند.

بپاخیزید که خداوند متعال با شماست. از خداوند تعالی سعادت و سلامت و رفاه ملت شریف را خواستارم. والسلام علیکم و رحمۃ اللّٰه و برکاته. روح اللّٰه الموسوی الخمینی (امام خمینی، ۴۴۶ و ۴۴۷)

لطفاً این پیام را دوباره بخوانید از جمله جمله اش کار مردمی و انقلابی گری می جوشد. همان طور که می بینید امام در این پیام دوبار واژه بسیج عمومی را استفاده کرده اند و از بروکراسی و قرار گرفتن کارها در روندهای اداری با عنوان قرطاس بازی پرهیز داده اند کار شبانه روزی و نهضتی خواسته اند هر چند ابتدا مجدانه باهمت نیروهای انقلابی این معضل به صورت جهشی حل شد ولی تفکر لیبرالی برخلاف اصرار امام در آن پیام به این کار شکل اداری داد و کار به خاطر خارج شدن از حالت مردمی و نهادی و شکل اداری گرفتن روند حل مسأله کند و شتاب آن متوقف شد.

سال ۹۰ سازمان بسیج سراغ دولت رفت و در جلسات مفصل احراز کرد که در صورت واگذاری کار به بسیج می تواند ظرف ۲-۳ سال بی سوادی را به طور صد در صد ریشه کن کند و ضمن کسب یک موفقیت بزرگ برای دولت در عرصه بین الملل افتخار بزرگی به افتخارات ایران بیافزاید آیا این کار انجام شد؟ نه چرا؟

پاسخ این بود که ما سازمان اداری درست کرده ایم عده ای برای این کارها حقوق می گیرند این را بسپاریم به بسیج سرنوشت کادر اداری ما چه می شود؟ فلذا بعد از جلسات متعدد با هیئت دولت و وعده هایی که داده شد در نهایت کار را به بسیج واگذار نکردند.

فلذا تجربه سی و ششم ما در این چهل سال اینست که لیبرالها نه می خواهند و نه می توانند از مشارکت مردمی برای حل مسائل و پیشبرد اهداف کشور بهره بگیرند.

## راه حل قاطع مشکلات اقتصادی

امروز هم باقی ماندن مشکلات اقتصادی به آن سبب است که دولتمردان بنا ندارند از این مزیت عظیم مشارکت مردمی استفاده کنند و به مدلهای کلیشه ای دیکته شده از غرب دل بسته اند.

برای بهبود وضع اقتصادی کشور تمام امید دولت به بیگانه و سرمایه گذاری خارجی دوخته شد. حرف اصلی شان این است که ایجاد اشتغال سرمایه می خواهد. سرمایه هم باید از خارج وارد شود پس باید با غربی ها حرف بزنیم و از آرمان هایمان کوتاه بیاییم و به آن ها باج بدهیم تا بر ما منت گذارند و سرمایه شان را به ایران بیاورند تا اقتصاد ما راه بیفتد.

با وجود جو سازی های رسانه ای و متهم سازی نیروهای انقلاب به مخالفت با سرمایه گذاری خارجی خیلی روشن است که هیچ کس مخالف سرمایه گذاری خارجی نیست ولی هر عاقلی می داند که سرمایه دار خارجی به دنبال سود می گردد و هیچ وقت در یک بازار زیان ده سرمایه گذاری نمی کند.

با مذاکره سیاسی و باج دادن سیاسی به آنها، ممکن است آنها هم یک حال سیاسی به شما بدهند و در فلان اجلاس سیاسی شان شمارا دعوت کنند که همین کار را هم نکردند و نمی کنند با هر باج سیاسی مدعی تر شده و می شوند. فرض که در مقابل باج سیاسی حال سیاسی به شما بدهند ولی نمی توانند به بهانه امتیاز سیاسی که گرفته اند سرمایه گذار خارجی را متقاعد کنند به کشور شما برای سرمایه گذاری بیاید سرمایه گذار خارجی وقتی به ایران می آید که ببیند شما توانسته اید سرمایه های داخلی ایران را جذب کنید و مشاغل سودآور ایجاد کنید مثل چین که توانسته خطوط تولید سودآور در کشور ایجاد کند و به طمع همین سود بدون اینکه باج سیاسی بدهد منابع مالی عالم را به سوی خود سرازیر کرده است و همه طالب سرمایه گذاری در آنجا هستند.

وقتی مدیران اقتصادی ما نتوانسته اند اعتماد مردم خودمان را جلب کنند و ۱۴۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی آن ها را به سوی تولید بکشند چطور می توانند سرمایه خارجی جذب کنند؟ خود مدیران هم در امور اداری و شخصی بطور گسترده هنوز مصرف کننده کالای خارجی هستند و به کالای ایران اعتماد ندارند چگونه می خواهند آنرا جهانی کنند؟ وقتی هزاران کارخانه را با مدیریت ناصحیح به تعطیلی کشانده اند به چه انگیزه و مشوقی می خواهند سرمایه خارجی را جذب کنند.

مگر آنکه مدل های ننگین قراردادهای نفتی را پیش بکشند و با دادن امتیازات استعماری و واگذاری درازمدت چاه های نفت به اجانب آن قدر باج بدهند که آن ها نتوانند جلوی خودشان را بگیرند و از چنین سود بادآورده ای چشم پوشی کنند. تا به هر قیمتی که شده گزارشی از موفقیت در جلب سرمایه گذاری خارجی روی آنتن برود.

یا کالاهای غیرضروری مثل هواپیماهای لوکس با فاینانس بخریم که بگوییم خارجی ها سرمایه گذاری کرده اند و یا پس از سالها پیشرفت در صنایع خودرویی مجدداً به صنعت استعماری مونتاژ کاری تولیدات غربی برگردیم و اسم آنرا سرمایه گذاری خارجی بگذاریم.

نارسایی های اقتصادی دقیقاً در شرایط حاکمیت فضای نگاه به خارج رخ میدهد بحران قیمت اندر سال ۹۱ چه وقت به وقوع پیوست دقیقاً زمانی که دولت آقای احمدی نژاد بحث مذاکرات با آمریکا را مفتوح کرد. موج اخیر گرانی ارز هم در شرایط مشابه روی داد اگر بجای چشم داشت به بیگانه اقتصاد مقاومتی را پیشه می کردیم اقتصاد کشور ۷ سال پیش افتاده بودی و امروز در آستانه شکوفایی بزرگ قرار داشتیم.

#### ۴- حکومت مسئول آگاهی دهی و هدایت مردم است

شاخصه دیگر در حفظ حقوق مردم، حفظ آزادیهای آنان و تضمین مداخله ی آنان در سرنوشت خویش اینست که دولت با امکانات گسترده ای که در اختیار دارد بر دانش و آگاهیهای مردم بیافزاید. آنگونه که امام خامنه ای عزیز می فرماید:

عرصه دیگر عبارت است از لزوم آگاهسازی دائمی مردم. خود امام در سنین بالای عمر - باحال پیرمردی - از هر فرصتی استفاده کرد برای این که حقایق را برای مردم بیان کند (بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه الله ۱۳۸۰/۰۳/۱۴). اما در دمکراسی حکومت مسئولیتی در قبال خیر و شر مردم ندارد. طلاق زیاد شود، فرار از خانه جوانان زیاد شود، اعتیاد کم و زیاد شود مربوط به دولت نیست دولت مراکز ترک اعتیاد را کمک می کند ولی به او مربوط نیست دولت مسئول دلسوزی برای به بهشت رفتن مردم نیست. هر پدیده ناهنجار تا وقتی به یک بحران تبدیل نشده و اساس نظام را در خطر قرار نداده موضوع دخالت دولت نیست، آزادی غرایز و شهوات مردم را نمی شود حد زد و حتی به آنها تذکر داد.

مبنای تفکر دولت اسلامی یا به عبارت دیگر دولت مردم سالاری دینی این است که خدا انسان را آزاد آفریده و او را آزاد خواسته و او را در اطاعت هیچ کس و هیچ قیدوبندی جز قانونی که خود وضع کرده نمی پسندد. هیچ کس حق حکومت و امرونهی به دیگران را ندارد. کمال انسانی در آزادی او از همه قیدوبندهاست و تنها راه تضمین آزادی اطاعت از خداست.

امیر المومنین (ع) می‌فرماید: لا تکن عبد غیر و قد جعلک الله حراً (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ هرکسی از عبودیت خدا خارج شود به آزادی خود حد زده است و هر قدر که از بندگی و اطاعت خدا دور می‌شود، همان قدر به آزادی خود حد زده است. اما اطاعت خدا امری انتزاعی و تصویری نمی‌تواند باشد بلکه باید عینیت خارجی پیدا کند لا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ تَعِينُ أَنْ حُكْمَتِ اسْلَامِي اسْت. فلسفه ولایت فقیه و حکومت اسلامی این است که انسان خود را در تابعیت حکمرانی قرار می‌دهد که حکم و قانون خدا را تبیین و پیاده کند. نه حکم خود را.

حکمرانی که فارغ از هرگونه منفعت‌گرایی و اعمال‌نظر شخصی قانونمندی خدا را در جامعه پیاده کند. چنین حکمرانی باید اولاً دانشمند فقیه باشد و بتواند احکام خدا برای زندگی انسان در تمام شرایط را استنباط و استخراج کند.

ثانیاً باتقوا و به دور از نفسانیت باشد. یعنی حکم واقعی خدا را امانت دارانه بازگو کند و به خاطر طمع و حرص و منافع شخصی و گروهی آن را منحرف نکند و آن‌طور که هست بیان کند.

ثالثاً باید شجاع باشد و به خاطر ترس از بیان مواضع حقیقی الهی صرف‌نظر نکند.

رابعاً بصیر باشد و زمانه شناس تا در تشخیص شرایط به اشتباه نیفتد.

خامساً عامل‌تر از همه و خود به احکام الهی عمل کند. تا مردم را در عمل به اطاعت از خدا و دوری از تجاوز به حقوق دیگران ترغیب کند.

دولت اسلامی هم دولتی است که با این خصوصیات قرابت داشته باشد نه آنکه به خاطر ریزش رأی از بیان این حقایق بگریزد.

آنچه ما داریم صرفاً یک دولت دارای مشروعیت در چارچوب یک نظام اسلامی است. و نارسایی‌های موجود در کشور نتیجه همین نگاه حداقلی به مردم سالاری اسلامی و تن دادن به معیارهای دموکراسی غربی است.



اگر برای ولایت‌فقیه آن مقررات سخت‌گیرانه اعمال می‌شود و باید دانشمندترین، باتقواترین و شجاع‌ترین‌های روزگار باشد، نمی‌شود شخص دوم کشور ناگهان در این معیارها سقوط کند؛ دانشمند که نیست هیچ، از بسیاری از واقعیت‌های مسلم دین بی‌اطلاع باشد.

باتقواترین که نیست هیچ، به بی‌تقواترین‌ها نزدیک باشد. دروغ بگوید، هتاکی کند، از جاسوس و مفسد و غارتگر بیت‌المال دفاع کند و به‌راحتی قسم‌ها و تعهدات خود را زیر پا بگذارد. این مشکل ماست که در شورای نگهبان کاندیدای ریاست جمهوری را بر اساس صلاحیت‌های حداقلی مثلاً به‌صرف این‌که پرونده مجرمانه ندارد، تأیید صلاحیت می‌کنند درحالی‌که مشخصات رئیس‌جمهور اگر در حد ولی‌فقیه نیست، باید بجز نفاخت خصوصیات نزدیک به رهبری لااقل در سایر خصوصیات مثل تقوا، دنیا‌گریزی و اهتمام به دین داشته باشد.

در مردم‌سالاری دینی رعایت این خصوصیات در رهبری و کارگزاران تضمین و حفظ حقوق مردم و ضمانت شکل‌گیری حاکمیت بر اساس خواست و اراده‌ی مردم و رعایت مصالح عامه است.

اما در لیبرال دموکراسی هیچ پیش‌شرط شخصیتی و خصوصیات فکری و اخلاقی برای کسانی که خود را در معرض انتخاب مردم قرار می‌دهند مطرح نمی‌کند. این خود مردمند که تصمیم می‌گیرند چه کسانی شایسته حکومت بر آنان و تدبیر امورشان باشند. این در حقیقت به آن معناست که احزاب قدرتمند و باندهای قدرت صلاحیت‌ها را تعیین می‌کند.

تهاجمات سنگینی که غرب‌زدگان ایرانی علیه شورای نگهبان دارند و تا نفی کامل مداخله شورای نگهبان در انتخابات پیش می‌روند ریشه در همین تفکر دارد. فشارهایی که بی‌تأثیر نبوده و شورای نگهبان را در حد اکتفا به خصوصیات حداقلی برای تأیید صلاحیت کاندیداها عقب رانده است.

اولاً این تفکر از لحاظ منطقی غلط است چراکه در این صورت هر یک از آحاد مردم باید برای خود دستگاه اطلاعاتی و امنیتی داشته باشد تا شخصاً صلاحیت کاندیداها را بر اساس معیارهای خودش بسنجد و دلایل منطقی متعدد دیگر که چون این نوشتار قرار است بر تجربه‌ها و (نه مباحث نظری) متمرکز شود از بحث پیرامون صرف‌نظر می‌کنیم و این تفکر را در محک تجربه ارزیابی می‌کنیم.

مردم‌سالاری دینی تقوا و زهد و صلاحیت علمی و عملی حاکمان را ضمانت اجرای مردمی بودن نظام می‌داند و این فکر لاقل در مورد شخص ولی‌فقیه و تجربه کفایت خود را نشان داده است.

## تفاوت دولت‌هایی که داشته ایم با دولت اسلامی

دولت اسلامی دولتی با چهار ویژگی بر شمرده شده است حکومت را از آن خدا، فقه و تئوری کامل اداره‌ی انسان از گهواره تا گور و مسیر اعمال این حاکمیت را ولی‌فقیه بداند و به آن ملتزم باشد برای اعمال اراده مردم در چارچوب احکام دین اصالت قائل باشد و خود را محدود به اطرافیان و احزاب نکند و هدایت مردم و بهشت و جهنم آنها را حوزه‌ی مأموریت خود بداند و از مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور بهره بگیرد و بجز دولتی کردن کار از محدود به واگذاری بخش خصوصی بمعنای صاحبان سرمایه نداند بلکه آنرا به کل توده‌های مردم تعمیم دهد.

اما دولت‌هایی که ما با رأی خودمان حاکم کردیم هیچکدام پایبندی کامل به این اصول مردم‌سالاری دینی نداشته‌اند. حتی به قانون اساسی که آنها را ملزم می‌کرد در مسئولیت خود از سیاست‌های کلان نظام تبعیت کنند. پایبند نبودند بعضاً در تبلیغات رسانه‌ای و نطق‌های مجلسی هواداران روسای جمهور، رئیس‌جمهوری را که بخواهد از سیاست‌های نظام پیروی کند را تخطئه می‌کردند و او را نوعی تدارک‌اتچی می‌نامیدند.

به تبع روسای جمهور هم و هر کدام با دخالت در جایگاه و حیطه اختیارات نظام، سیاست کلان وضع می‌کردند. سیاست‌هایی که متأسفانه تحت تأثیر جو حاکم جهان بود در زمان دولت آقای موسوی فضای غالب انقلابی جهان سوسیالیزم بود و دولت موسوی متأثر از همان فضا اصلاً به نظریه اقتصادی امام که مردمی کردن اقتصاد را پیگیری می‌کردند نزدیک هم نشد و با الهام از سوسیالیست‌ها شکل اقتصاد تمرکز گرای دولتی را پیاده کرد.

پس از فروپاشی بلوک شرق و شکست اردوگاه سوسیالیزم تفکر لیبرالیسم که خود را برنده جنگ سرد در مصاف دو اردوگاه می‌پنداشت در جهان رونق گرفت و دولت‌های حداقلی ما هم متأثر از همین تفکر بودند بجای طی کردن مسیر سیاست‌های کلی نظام و منویات ولایت سیاست‌های لیبرالیستی را سرمشق خود قرار دادند.

البته رهبری هرگاه کار به خطوط قرمز نزدیک و مسأله ساز می‌شد با مداخله جلوی انحرافات اساسی را گرفته‌اند اما این که بر دولت تفکر لیبرالیستی حاکم باشد و وقتی اجرای آن تفکرات به عبور از خط قرمز اسلامیت نظام می‌رسد

جلوی آن گرفته شود با اینکه دولتی خود را ملزم به تحقق فقه اسلام و سیاست‌های اسلامی در اقتصاد و فرهنگ و هنر و ... ولایت بداند تفاوت فاحش دارد.

انقلاب اسلامی نظام اسلامی را به بپا کرده است و برای تحقق "دولت اسلامی" تلاش کرده ولی این تلاش هنوز به نتیجه نرسیده است.

دولت‌های پس از انقلاب اسلامی به سبب اینکه با رأی مردم انتخاب شده و این رأی توسط ولایت فقیه تنفیذ شده مشروعیت داشته‌اند و تا حدی هم که با سلیقه شان موافق بوده و یا خطوط قرمز آنها را محدود کرده از سیاست‌های نظام تبعیت کرده اند و انصافاً زحمات طاقت فرسایی هم برای پیشبرد کشور زیر باران توطئه‌های جنایت‌ها و خیانت‌های دشمنان کشید و هر یک به سهم خود قدم‌های بلندی کشور را پیش برده اند، اما هیچ کدام دولت اسلامی به معنای اتم کلمه نبوده‌اند، بلکه هر کدام به اندازه‌ای که به ارزشهای اسلامی پایبند بوده و بر اساس اطاعت از ولایت عمل کرده‌اند موفق بوده‌اند و در همان ابعادی که غیر اسلامی عمل کرده‌اند ناموفق بوده‌اند پیوسته در داخل دولت‌ها دو گروه مسئولان داشته ایم، گروهی که تلاش می‌کردند خط اسلام و منویات ولایت را پیاده کنند و گروهی که نظریات رایج لیبرالیستی و غیر اسلامی را مبنای خود قرار می‌دادند و می‌دهند و میزان موفقیت و ناکامی هر دولت با غلبه تعداد وزیران ارزش مدار مستقیم وارد و موفقیت هر دولت متناسب با نسبت دور یا نزدیک شدن آنان به معیارهای اسلامی بوده است. در داخل هر دولت هم وزارتخانه‌ها و بخشهایی که مدیران معتقدتر به مبانی اسلامی و انقلابی و پایبندتر به اجرای نظرات ولایت فقیه بوده اند، خیلی بیشتر از دیگران در خدمت به مردم و پیشرفت کشور نقش داشته اند.

## واقعیت دولت‌های منتخب خودمان

واقعیت اینست که کشتار گسترده نظریه پردازان و کادرهای برتر انقلاب اسلامی در سالهای ترور و درگیر کردن و شهید کردن تعداد بیشتری از آنها در شورشهای مرزی و جنگ از یک سو و نبود نظریه و برنامه شده بعنوان نسخه‌ای پیش نویس برای تربیت کادر مدیریت کشور بر اساس نظریه اسلامی از سوی دیگر انقلاب را به پذیرش تشکیل دولتهایی با مشروعیت حداقلی سوق داد دولتهایی که مسلمان بودند ولی مثل امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای دام ظلّه حکومت دینی فکر نمی‌کردند.

آیا دولتی که رئیس آن مکرراً بخاطر اظهارات خلاف مبانی اسلامی روزی در مورد اصالت دولت امیرالمؤمنین (ع) روزی در مورد قابل انتقاد بودن دولت کریمه امام مهدی (ع) و ... از مراجع دینی تذکر دریافت می کند و نسبت به بدیهی ترین معارف اسلامی انحراف فکری دارد دولت اسلامی است؟ قطعاً اینطور نیست.

دولتی که اعتقاد دارد علوم انسانی اسلامی و غیر اسلامی نداریم و رئیس آن در مراسم تجلیل از اساتید نمونه در ۱۴ اردیبهشت ۹۳ می گوید: "چطور دانشجوی ما در یک دانشگاه مهم و بنام دوران علمی و تحصیلی اش حتی در رشته علوم انسانی می گذراند اما دیده می شود که اطلاعاتش کامل نیست بعد می گویند اینها باید اسلامی شود. پایه ها و مبانی علم اسلامی، مسیحی، یهودی ندارد. پایه های علم جهانی است" (حسن روحانی در مراسم تقدیر و تجلیل از اساتید نمونه و برتر کشور ۱۳۹۳/۰۲/۱۴). آیا ایندولت اسلامی است؟ معنی این حرف اینست که سیاست اسلامی نداریم، مدیریت اسلامی نداریم قهراً در این تفکر دولت اسلامی هم پدیده متفاوتی نیست. بر اساس همان علوم رایج دولت داری دنیاست که امروز لیبرال دمکراسی است. مسأله فقط در جنبه نظری و فکری هم نیست از جهت عملی هم التزامی به معیارهای شناخته شده دولت اسلامی وجود ندارد.

یکی از معیارهای اسلامی این است که امام علی (ع) می فرمایند: «ان الله تعالى فرض على ائمه العدل ان لقدروا انفسهم بضعفه الناس كي لا يتبغ بالفقر فقره و يا يطغى الغنى غناه» خدای تعالی بر پیشوایان عادل واجب گردانیده است که زندگی خود را مانند ضعیف ترین مردم قرار دهند تا فقیر از فقر شورش نکند و ثروتمند به خاطر ثروتش طغیان ننماید. (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹)

این معیار هم از لحاظ اینکه حکم خداست باید مد نظر باشد و هم از نظر اینکه دولت اسلامی خدمتگذار مردم است اهمیت زیادی دارد.

امام خمینی (ره) در این زمینه می فرمایند: «اساس ادامه یک پیروزی و ادامه یک انقلاب در یک امری است که به نظر می رسد در رأس امور واقع است و او اینکه دولت، مجلس، کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه اینها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند» (صحیفه امام، جلد ۱۶، صفحه ۱۹).

امام خامنه ای در دیدار کارگزاران نظام در تاریخ ۸۵/۳/۲۹ فرمودند: "فلسفه وجودی ما (نظام اسلامی) عدالت است و ادامه دادند: عدالت با تعارف درست نمی شود اولاً قاطعیت می خواهد ثانیاً ارتباط با مردم می خواهد ثالثاً ساده زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه خودسازی و تهذیب می خواهد".

به استناد فرمایش امام علی (ع) و معیاری که امام خمینی(ره) فرمودند و با این وصف و تعریفی که امام خامنه‌ای مدظله العالی از دولت اسلامی و از فلسفه نظام اسلامی فرمودند، بدیهی است دولتی که رئیس جمهورش در خانه دهها میلیاردی می‌نشیند و وزرایش بعضاً ثروت‌های هزار میلیارد تومانی دارند و سایر اوصافی که ذکر شد این دولت هر چند بخاطر اینکه با رأی مردم روی کار آمده و حکم او هم توسط ولایت تنفیذ شده مشروعیت حداقلی دارد اما به هیچ وجه دولت اسلامی محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند ارکان مردم سالاری دینی را که ذکر شد پیاده کند. مردم می‌توانند به صحنه بیایند و بزرگترین معضلات مثل بیکاری، اعتیاد به مواد مخدر، تولید ملی و ... را بسادگی حل کنند و همانطور که در دفاع مقدس در برقراری امنیت کشور مقابل گروهکها معجزه کردند معجزه بیافرینند اما رجایی‌ها و باهنرها را می‌خواهد که مثل خود مردم زندگی کنند حتی گاهی با موتور سیکلت به خانه بروند. تا از این ظرفیت بسیج سازندگی مردم برای ل معضلات و پیشبرد امور استفاده کنند این دولت‌ها با این خصوصیات دولت اسلامی محسوب نمی‌شوند.

کما اینکه مقام معظم ولایت امام خامنه ای عزیز در سخنان خود با روحانیون فرمودند:

آیا این مشکلات فقط مربوط به دولت آقای روحانی است؟

## دولت موسوی

مهم‌ترین معیار اجتماعی اسلام حسب شرع، اطاعت از ولایت است. برابر قانون اساسی هم لازمه دولت اسلامی پیروی سیاست‌های کلی نظام است که قانوناً باید به تصویب ولی فقیه برسد آیا دولت‌های قبلی در نزدیک کردن خود به این ضابطه موفق بوده‌اند.

یکی از اساسی‌ترین سیاست‌های کلی نظام در زمان امام راحل (ره) مردمی کردن اقتصاد بود. آیا دولت آقای موسوی ولایت را اطاعت و این سیاست را پیاده کرد؟ همه میدانیم که خیر. دولت موسوی روز به روز اقتصاد را دولتی‌تر کرد و یک اقتصاد کاملاً دولتی را تحویل رؤسای بعد از خود داد.

نامه رئیس جمهور وقت در رد استعفای موسوی بخوبی گویای مخالفت وی با نظرات اقتصادی امام راحل (ره) است آنجا که رئیس جمهور آیت اله خامنه‌ای می‌نویسد: "اینجانب با وجود اختلاف نظرهای چندی که با شما در نحوه اداره کشور و اعتراض به روشهای شما بویژه در مسائل اقتصادی دارم همان طور که میدانید در همه مراحل به شما کمک کرده‌ام و اکنون هم استعفای شما را به مصلحت ندانسته و اصرار بر آن را ضربه به نظام و حتی با کمال معذرت خیانت - البته خیانت غیرعمدی می‌دانم و معتقدم خوبست جنابعالی امروز نظرات حضرت امام در امور اقتصادی را بطور در بست بپذیرید. استعفا را نمی‌پذیرم و خواهش می‌کنم اصرار نکنید" (سید علی خامنه‌ای رئیس جمهور ۱۳/۰۶/۱۵).

این رفتار نشان می‌دهد که دولت موسوی نه تنها در اصل اول دولت اسلامی که اجرای حکم خداست ناموفق بوده است و حاضر نبوده سیاست اقتصادی امام خمینی(ره) را که مردمی کردن اقتصاد بوده پیاده کند. بلکه به اصل مشارکت مردم در اداره کشور نیز اهمیتی قائل نیست و دولت متمرکز را بر مشارکت مردم ترجیح می‌دهد.

یکی دیگر از اساسی‌ترین سیاست‌های کلی نظام در زمان امام (ره) اولویت دادن به مسأله جنگ بود. آیا دولت موسوی توانست این اولویت را پیاده کند؟

اینکه نخست وزیر یک کشور در حال جنگ هیچوقت در جبهه‌ها و حتی پشت جبهه‌ها دیده نشد. شاید یکی دوبار ایشان در حد عکس گرفتن به پشت جبهه‌ها سری زده باشد ولی برای همه فرماندهانی که در جبهه بودند کاملاً روشن است که ایشان ارتباطی با جبهه نداشت، آنچه ما از دولت در جلسات فرماندهی جنگ می‌شنیدیم گلایه‌های مستمر وزیر سپاه وقت حاج محسن رفیق دوست از اولویت نبودن جنگ برای دولت بود.

واقعیت هم همینطور بود. استقبال مردم برای اعزام به جبهه فراوان بود و امکانات خیلی زیادی را هم خود مردم به جبهه می‌فرستادند با این وجود جبهه‌ها با کمبود ابتدایی‌ترین امکانات مواجه بود این در حالی بود که در کشور زندگی جریان عادی خود را داشت.

وقتی وزیر صنایع دولت موسوی یعنی بهزاد نبوی استیضاح شد پاسخ او به نمایندگان این بود که کدامیک از شما از ما خودرو نگرفته‌اید( در آنوقت توزیع خودرو سهمیه‌ای بود) که این خود نوعی اعتراف به فساد و تبعیض بود.

از سیاست‌های کلی بگذریم حتی در بسیاری از مسائل خیلی پیش پا افتاده دولت در اجرای فرمان ولایت ناتوان بود مثلاً طاغوت زدایی از سفارتخانه‌ها که یک کار اجرایی پیش پا افتاده است آنقدر پشت گوش انداخته می‌شود که امام (ره) برای اطمینان از انجام آن آنرا در وصیتنامه سیاسی الهی خویش که در سال ۶۳ یعنی پنج سال بعد از پیروزی انقلاب به مجلس خبرگان سپرده شد، می‌آورند. " اینجانب از ابتدای پیروزی به وزرای خارجه راجع به طاغوت زدگی سفارتخانه‌ها و تحول آنها به سفارتخانه‌های مناسب جمهوری اسلامی توصیه‌هایی نمودم لکن بعضی از آنان یا توانستند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام دهند و اکنون که سه سال از پیروزی می‌گذرد گرچه وزیر خارجه کنونی اقدام به این امر نموده است. امید است با پشتکار و صرف دقت این امر مهم انجام گیرد" (وصیتنامه سیاسی الهی امام، ۱۳۶۱/۱۱/۲۶)

نافرمانی مستقیم موسوی نسبت به امام که او را از استعفا منع کرده بودند و مخفی شدن بعد از انتشار استعفا خود در آن شرایط حساس امنیت ملی و مذاکرات آتش بس و دامن زدن به اختلافات که مرتباً مورد نهی امام راحل (ره) قرار داشت نمونه ای از ناتوانی دولت موسوی در اجرای منویات ولایت است. که مهمترین شاخص اسلامی بودن یک دولت محسوب می‌شود.

## دولت هاشمی

در دو دوره دولت آقای رفسنجانی تذکرات فراوان و مکرر رهبری در مورد ساده زیستی، پرهیز از اشرافی گری مبارزه با فساد و ضرورت انضباط اقتصادی که در اکثر دیدارهای ایشان با معظم له مطرح می‌شد عملاً پیاده نشد. نامگذاری سال‌ها از سال ۷۲ تا ۷۶ یعنی دور دوم دولت آقای رفسنجانی به وضوح مقابله رهبری با انحرافات و مفسد مالی در حال توسعه در دولت هاشمی و مخالفت معظم له با جهت گیری توسعه لیبرالیستی آن دولت را نشان می‌دهد. به نام گذاری سالها دقت کنید، سال ۷۲ سال عدالت اجتماعی، سال ۷۳ صرفه جویی، سال ۷۴ وجدان کاری، انضباط اجتماعی و انضباط اقتصادی، سال ۷۵ ضرورت پرهیز از اسراف و حفظ ثروت و منابع عمومی کشور.

رفتار عملی آن مرحوم به آنهمه توصیه این بود که عملاً رفتار لیبرالیستی خود را پی گرفت دولت خود را با تداوم سیاست های تعدیل و تورم ۵۲ درصدی به آخر برد و در پایان دولت به هر یک از اعضای هیئت دولت ۳۰ میلیون

تومان که به ارزش امروز صدها میلیون تومان می‌ارزد پاداش داد. که همین رفتارها حجت پاداش دادن نجومی شهرداران متخلف در پخش بی پروای سکه های طلا و بخشش املاک در دفاعیه های دادگاهها بود.

بیانات فراوان و مطالبات رهبری از دولت برای رعایت انضباط اقتصادی و جلوگیری از شکل دادن به طبقه اشراف شاهد مبارزات جدی معظم له با این روند است. محاکم و مجازات بعضی عوامل فساد در آن مقطع کار را به مقابله رسانه‌ای و سپس آشوب خیابانی (فتنه ۷۸) کشاند. اما در این مبارزه پیشتر رفتن مصلحت نبود؛ چرا که مهم‌ترین رسالت رهبری در همه شرایط حفظ وحدت در میان مردم کشور است و شاید درگیر شدن با جریان هاشمی در سال‌های نخستین رهبری تعبیر به جنگ قدرت و منتج به شکستن وحدت مردم و ایجاد شکاف اجتماعی در کشور می‌شد. شکافی که خطرات و مفسده آن بیش از خطر و مفسده‌های اقتصادی آقایان بود.

سوء استفاده از موقعیت‌های شغلی برای ثروت اندوزی و بخشش‌های گسترده از بیت المال رفته رفته طبقه جدید مرفه را شکل داد و کسانی که با اهرم مدیریت و سیاست به ثروت‌های باد آورده رسیدند وارد مرحله نهادینه سازی قدرت طبقه جدید با راه اندازی حزب و روزنامه شدند. کسی که با یک ژیان از اصفهان به تهران آمده و مسئولیتی به او سپرده شده بود، بدون اینکه ارث و میراثی به او رسیده باشد، یا کار اقتصادی و تجاری انجام داده باشد، ظرف مدت کوتاه از قبل زدوبند با پیمانکاران مالک خانه شش طبقه با استخر و سونا و جکوزی در نیاوران یعنی اعیان نشین ترین نقطه تهران شد و خود و مدیرانش دست به فسادهای مالی گسترده زدند و وقتی کار به دادگاه و محاکمه کشید مرحوم آقای رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه درصدد دفاع از متخلفان اقتصادی برآمد که با شعار "مرگ بر غارتگر بیت المال" از سوی مردم نمازگزار مجبور شد مسیر بحث خطبه خود را عوض کند.

این صاحبان ثروت‌های بادآورده که با پول‌های سرشار، شبکه‌ای از رسانه‌های زنجیره‌ای را برای در دست گرفتن افکار عمومی برای خود ایجاد کردند به تدریج روند لیبرالیزه کردن معیارها و جایگزین کردن دمکراسی غربی بر مردم سالاری دینی در انتخابات را کلید زدند ادبیات "کسب قدرت" را جایگزین ادبیات اسلامی "خدمت" کردند و فضا به سوی رقابت برای کسب قدرت سوق داده شد.

**دولت خاتمی**



دولت بعدی هم با سیاستهای متمایز از سیاست کلی نظام سکان را در دست گرفت دولتی که اساساً وجود تهاجم فرهنگی که و در وصیت امام خمینی (ره) نسبت به آن هشدار داده شده بود و بارها از سوی امام خامنه‌ای مطرح گردیده بودرا انکار می‌کرد و برای تحقق شعارهای سال که خنثی کردن همین تهاجم مطرح شده بود کاری نمی‌کرد و همان جریانات دولت قبلی را مردم بخاطر نارضایتی از آنها به او رو آورده بودند زیر پوشش خود قرار داده بود و عملاً همان مناسبات اقتصادی استمرار می‌یافت.

لذا در دولت خاتمی کار از ایجاد شکاف طبقاتی و مفسد اقتصادی که در دولت رفسنجانی رایج شده بود، فراتر رفت و برای اولین بار دولت رسماً و علناً در انظار عموم از مفسد اقتصادی بزرگ حمایت کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی جلسات طولانی هیئت دولت سابقه داشته است، اما نه برای رسیدگی فقط به یک دستور جلسه. تنها جلسه پنج ساعته هیئت دولت فقط برای رسیدگی به یک دستور جلسه، شاید در کل تاریخ دولت‌های ایران جلسه هیئت دولت خاتمی در تاریخ یکشنبه، ۱۶ فروردین ماه ۱۳۷۷ است.

آیا این جلسه ۵ ساعته برای حل مشکلات مردم بود؟ خیر. چرا؟ چون برای خاتمی این ریاست بود که اصالت داشت و نه خدمت. و باقی ماندن بر کرسی ریاست و حفظ آن برای دوره بعدی مستلزم حمایت از حامیان حزبی و سیاسی بود؛ اگرچه مفسد اقتصادی یعنی شهردار متخلف تهران در دادگاه به جزای نقدی و حبس محکوم شده باشد.

دولتی که رسماً از مفسد اقتصادی حمایت می‌کند و بدتر از آن در سال ۷۸ بعضی مسئولان یک دوره شورش علیه تمامیت نظام را که به آشوب‌های خیابان و تضعیف اعتبار ایران در افکار عمومی جهان منجر می‌شود را هدایت کردند و با واکنش مردمی ۲۳ تیرماه سر جای خودشان نشستند. قطعاً چنین دولتهایی که آشکارا منافع حزبی و گروهی و باندی خود را بر منافع و مصالح مردم ترجیح می‌دهند دولت اسلامی نیستند.

دولت خاتمی با سوار شدن بر موج نارضایتی مردم از اشرافی‌گری و مفسد دولت رفسنجانی با ظاهری متفاوت و عدالتخواه و آزادی خواه خود را مخالف مدیریت حاکم معرفی کرد و با سیاسی کردن نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی را پیشه کرده و همه میدانیم که تبدیل نارضایتی از اشرافی‌گری و تبعیض و سوءاستفاده‌های اقتصادی منفعت طلبان ضد ارزشی به نارضایتی سیاسی کلیت نظام و حاکمیت دینی را هدف قرار می‌دهد و نه فقط زمینه اصلاح را فراهم نمی‌کند، بلکه اساس عدالتخواهی را در کشور که همان ولایت است تضعیف می‌کند.

در آن زمان نمایش‌هایی مثل فضاسازی قتل‌های زنجیره‌ای اجرا شد و چند نفر از مخالفان سیاسی و اعتقادی نظام توسط عوامل مشکوک کشته شدند. سناریوی حمله به کوی دانشگاه پیاده شد تا با نمایش نوعی مظلومیت برای مخالفان سیاسی اعتقادی نظام نارضایتی افکار عمومی از اشرافی‌گری و مفساد اقتصادی به انحراف کشیده شود و با سالم به در کردن عوامل فساد اقتصادی و تضعیف نظام عدالتخواه دینی و تضعیف ولایت که مرتباً مبارزه با فساد را مطالبه می‌کردند، راه را برای ادامه غارتگری بیت المال باز کنند.

اما پافشاری رهبری به مبارزه با فساد اقتصادی که با صدور فرمان ۸ ماده در ۸۰/۰۲/۱۰ به اوج رسید و صدور فرمان تشکیل ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز توسط معظم له در ۱۲ تیرماه ۱۳۸۱ در محکومیت مفسدان اقتصادی آن فرمان را تکمیل و مردم را هشیار کرد. به همین جهت مردم به دنبال منجی می‌گشتند تا آنها را از اشرافیت جدید و ظلم و تبعیضی که خود را در پوشش دفاع از آزادی و حقوق مردم جازده بود نجات دهند. لذا در یک چرخش آشکار مردم در انتخابات ۱۳۸۴ به خاتمی و هاشمی نه گفتند و کسی را که پرچم عدالتخواهی و مبارزه با ظلم و تبعیض را برداشته بود، به امید تحقق عدالت برگزیدند.

هر چند او هم دچار آفت ذکر شده بود نه به مبانی گفته شده امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای مدظله در خصوص دولت اسلامی معتقد بود و نه از ریاست طلبی که آفت خدمت است مبری چرا که و بدون مطالبه شخصیت‌های برجسته دینی و انقلابی خود را اصلح و مقدم بر دیگران تشخیص داده و به میدان ریاست افکنده بود، اما به خاطر وعده‌های سنگینی که در تحقق عدالت و اجرای اسلام به مردم داده بود، سعی کرد خود را به معیارهای اسلامی نزدیک کند بویژه از آنجا که حزب و تشکیلاتی نداشت در انتخابات مدیران اصلی به نسبت گذشته نیروهای انقلابی تری را به کار گمارد. به دلیل وجود همین افراد انقلابی و پاک در تعداد بیشتری از وزارتخانه‌ها و سازمانها در ارائه خدمت به مردم بسیار موفق‌تر از دولت‌های قبل عمل کرد و خدمات دوره او نسبت به دوره‌های قبل و بعدی بی سابقه است. لکن نتوانست یک برنامه اسلامی برای پیشبرد کشور ارائه کند و به خاطر همان آسیب‌های پیش گفته و بی توجهی‌ها به تدابیر ولایت در مورد عدالت و قانونمداری، در عمل مبارزه با فساد را جدی نگرفت و در این زمینه به شعار بسنده کرد.

آن دولت مبارزه به قاچاق کار و ارز را که در آن زمان جدی‌ترین مطالبات رهبری بود با رسیدن پرونده‌ها به افراد هم‌گرایش نیمه‌کاره گذاشت و در سپردن اقتصاد به مردم توفیق چندانی نیافت. البته در این دولت به نسبت دولت‌های

پیش از آن موفقیت‌های بیشتری کسب شد و به جهت کنار گذاشتن رفتارهای اشرافی دولت‌های قبل و رعایت بهتر بعضی معیارهای دولت اسلامی یعنی محبت ورزی به مردم و ارتباط دولت با مردم، مواضع ضد استکباری، تلاش برای کاهش فاصله طبقاتی، مطرح کردن شعارهای ارزشی و انتصاب بعضی وزرای پایبندتر به اسلام و مطیع‌تر نسبت به ولایت. به همین سبب مردم هم که به ارزش‌های اسلامی علاقه مند بودند، واکنش مثبت نشان دادند.

بر خلاف تمام دوره‌های قبلی که رئیس‌جمهور در دوره دوم نسبت به دور اول خود رأی کمتری کسب می‌کرد، رئیس‌دولت نهم موفق شد در دور دوم در یک رقابت خیلی فشرده که در یک طرف آن اکثریت مقامات برجسته نظام و مسئولان اصلی سابق و لاحق کشور و همه رسانه‌های بیگانه از کاندیدای طرف مقابل او حمایت می‌کردند، با وجود کودتای ضد مردمی و مخملی سبز که از سوی بیگانگان سازماندهی شده بود، با اختلاف آراء خیلی زیاد و با درصد آراء خیلی بیشتر از درصد دوره قبل دولت دهم را تشکیل دهد.

اما با تأسف رئیس‌جمهور ظرفیت چنین استقبال و حمایت مردمی را نداشت خود ساخته نبودن امر را بر او مشتبه کرد و با مشاهده این حمایت خودش را گم کرد و تصور کرد ارادتی که مردم به ارزش‌ها و مواضع ارزشی اعلامی او نشان می‌دهند و به همین سبب او را در آغوش می‌گیرند، ارادت به شخص اوست در نتیجه دچار مصیبتی شد که امام (ره) فرموده بودند "خدا نکند انسان به جایی برسد، قبل از آنکه خود را ساخته باشد." (علق، ۶ و ۷)

عجب و غرور و قاعده «...إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» دامن او را گرفت و به توهم اینکه حال که رأی مردم ارزش مدار را دارم، خوب است رأی مخالفان را هم جمع کنم و نفوذ صد در صدی در مردم داشته باشم؛ بجای تأکید بر اسلام مکتب ایرانی را پیش کشید و گردن مجسمه کوروش چفیه انداخت (مراسم افتتاح نمایشگاه منشور کوروش، ۱۳۸۹/۰۶/۲۲) و جذب ملی‌گرایان و رفت و آمد با جاسوس انگلیسی و چراغ سبز به مذاکرات با آمریکا و فشار برای آغاز مذاکرات با آمریکا برای جلب آرای مخالفان نظام از یک سو و نزدیک شدن به دولتمردانی که همیشه آنها را فاسد می‌دانست و یارگیری از میان آنها از معاون اول گرفته تا مسئولین بانکی و.. از میان همان جناح از سوی دیگر، ناشی از توهم امکان دسترسی به نفوذ کامل و در دست گرفتن کل افکار عمومی بود و استمرار دوران ریاست بود. همان سودای ریاست مادام‌العمر که در دوره ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی دنبال می‌شد اما این بار با ظاهر موافق با قانون اساسی.

<sup>۱</sup> - آیه‌های شریفه ۶ و ۷ سوره مبارکه علق: «حقا که انسان سرکشی می‌کند \* همین که خود را بی‌نیاز پندارد»

توهم دیگر استمرار آرای مردم و تلاش برای مادام العمر شدن ریاست جمهوری با رئیس کردن مسئول دفتر خودش در دور بعدی و برگشت مجدد به قدرت، دولت را به وادی قدرت طلبی کشید و به کلی از مدار نزدیک شدن به تحقق دولت اسلامی دور کرد نتیجه این انحراف دولت دهم از معیارهای خدمتگزاری اسلامی، بروز مفسد بزرگ و بی سابقه اقتصادی، تورم افسار گسیخته و سه برابر شدن قیمت ارز بود که در مجموع این رفتار بسیاری از مردم را نسبت به موفقیت زیر لوای شعارهای ارزشی مردد کرد. ضربه ای که رئیس دولت دهم به ارزشهای انقلاب اسلامی زد از ضربه دولت های پیش از آن قطعاً کمتر نبود چرا که رؤسای قبلی تکلیفشان با ارزشها لاقبل برای خواص روشن بود و نسبت خوبی با ارزشها نداشتند تا عملکرد سوء آنان به حساب اصل انقلاب و ارزشها گذاشته شود. اما ایشان پرچم ارزشها را بالا برد و در دولت نهم تا حدی به آن عمل کرد اما در دولت دهم بر خلاف آن عمل کرد و مردم را به اصالت و کار آمدی آن ارزشها در تردید فرو برد.

در واکنش به این رفتار غیر اسلامی قدرت طلبانه و عوارض ناکارآمدی و فساد ناشی از آن، با رأی مردم دولتی فاصله دارتر با معیارهای اسلامی روی کار آمد و همان جریان اشرافی و سوء استفاده گری که مردم برای رهایی از آنها به احمدی نژاد رأی داده بودند مجدداً به قدرت رسید. دولتی که بی اعتنا به ظرفیت داخلی و بدون باور قدرت مردم و چشم دوختن به روابط با بیگانگان برای بهبود شرایط کشور رکود و بیکاری و مشکلات امروز کشور را شکل داده است.

آنچه در عملکرد دولت ها می توان دید اینست که آنها ملزم اصول مردم سالاری دینی نبوده اند و آنچه از درون آنها جوشید و متأثر از فضای حاکم بر دولتهای جهان یعنی لیبرال دمکراسی بوده است وزارتخانه ها و سازمانها هر کدام متناسب با خصوصیات فردی وزیر و رئیس سازمان یا متخصصان ارشد و نسبتی که از لحاظ فکری با اسلام و ولایت داشته اند کارهای خود را با ارزشهای انقلاب و ولایت وفق داده اند ولی اینطور نبوده است که بطور نظام یافته حاکمیت ارزشها و اجرای منویات ولایت از آنها پیگیری شود. مشکل از آنجا آغاز شد که در حوزه انتخابات مدلی لیبرال دمکراسی جایگزین مردم سالاری دینی شد و اصالت خدمت و عدالت که فلسفه دولت اسلامی است جای خود را به اصالت قدرت و ریاست داد.

بر خلاف گذشته که عناصر توانمند کشور از ریاست گریزان بودند و با اصرار موجهین و شخصیت های دینی مسئولیتها به آنان تکلیف می شد و پس از انتصاب خود را خدمتگذار می دانستند، در این فضای جدید افراد برای مسئولیت و ریاست سر از پا نمی شناسند چرا که در دموکراسی غربی احزاب و گروه های قدرت شکل می گیرند و تمام تلاش برای

نشستن بر کرسی قدرت به هر قیمت است اصالت با جلب افکار عمومی به هر نحو ممکن حتی با فریب و خدعه با مردم است و تعهدی نسبت به یک هدف متعالی وجود ندارد.

## چرا رؤسای جمهور با نظام زاویه پیدا می‌کنند؟

در سال‌های اخیر مکرر شاهد هستیم که رسانه‌های بیگانه برای تضعیف جایگاه و شخص رهبری این مسأله را پیش می‌کشند که چرا روسای جمهوری متعددی با نظام زاویه پیدا کرده و مخالف ایشان شده‌اند و بعد هم نتیجه می‌گیرند که چون آنها چند نفر با گرایش‌های مختلف هستند و رهبری یک نفر، پس حتماً عیب در رهبری است. حال آنکه ریشه مشکل دقیقاً همین جا و در تفاوت دمکراسی با مردم سالاری دینی است.

## مشکل یک ریشه خارجی دارد و دو ریشه درونی و اما ریشه های درونی

کسی با عشق ریاست به میدان می‌آید و ریاست طلبی را پیشه می‌کند از روز اول نه فقط با رهبری بلکه با اصل اسلام زاویه پیدا می‌کند. خدا حکم و ملک را فقط از آن خود می‌داند و بارها و بارها تکرار می‌کند که الحکم لله و الملك لله کسی که من خود را شایسته‌ترین برای حکمرانی می‌داند از روز اول در تعارض با خدا قرار می‌گیرد.

نگاه کنید به احادیث اسلامی در باب ریاست طلبی: امام صادق (ع) می‌فرمایند: من طلب الرئاسة هلك. «آنکه دنبال ریاست باشد، هلاک می‌شود.» (علامه مجلسی، ص ۲۴۶)

امام صادق (ع) به نقل از پیامبر خدا (ص) می‌فرمایند: ملعون من ترأس "ملعون من هم بها ملعون من حدث بها نفسه". «کسی که ریاست طلبی کند ملعون است، کسی که به ریاست طلبی همت گمارد ملعون است و کسی که در فکر ریاست طلبی باشد ملعون است.» (علامه مجلسی، ص ۱۵۱)

معمر بن خلاد عن ابی الحسن (ع): انه ذکر رجلا فقال انه یحب الرئاسة فقال ما ذئبان ضاریان فی غنم قد تفرق رعائهما باضربی فی دین المسلم من الرئاسة. «امام رضا (ع) فرمودند: دو گرگ درنده در میان گله‌ای که چوپانش حاضر نباشد، از ریاست نسبت به دین مسلمان که ریاست را می‌طلبد ضررش بیشتر نیست.» (کلینی، ص ۲۸۷)

با این اوصاف شاید گفته شود کسی برای ریاست پا پیش نمی‌گذارد. بلکه همینطور باید باشد. آن مدیر و رئیسی موفق می‌شود و می‌تواند تا آخر با ولایت و اسلام هماهنگ بماند که خودش را برای ریاست جلو نیاندازد بلکه بنا به تکلیف از سوی بزرگان دین یا مسئولان برجسته کشور مسئولیت را بپذیرد و به میدان نامزدی انتخابات پا بگذارد.

اگر نخست وزیری و ریاست جمهوری شهید رجایی و آیت الله خامنه‌ای عاقبت به خیر بود، از همین جهت است. اگر حدود ۳۰ سال رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بدون کوچک‌ترین انحراف از اسلام ادامه دارد، از این روست که معظم له در مجلس خبرگان نه فقط با رهبری خود مخالف بودند و رأی منفی دادند بلکه برای جلوگیری از رأی دیگران به خودشان در نطق مجلس خبرگان فرمودند "باید عزا گرفت برای کشوری که من رهبرش بشوم".

همین دید نسبت به خود و نفی منیت فردی است که بیانگر صلاحیت بالای فرد برای تصدی مسئولیت‌هاست اینکه با اصرار درخواست می‌کردند کسی به ایشان رأی ندهد بالاترین ملاکهای صلاحیت و احساس مسئولیت نسبت به جامعه است. چنین انسان‌هایی می‌توانند با آمد و رفت در ریاست با فضیلت باقی بمانند و با اسلام و ولایت زاویه نگیرند.

عاقبت لیبرال دمکراسی و عطش قدرت و به آب و آتش زدن برای تصدی ریاست هم این است که جرثومه ای مثل ترامپ سرنوشت و حرث و نسل یک کشور را در دست گیرد یا سارکوزی برلوسکنی و ... آنجا که قدرت طلبان برای رسیدن به قدرت و در دست گرفتن افکار عمومی خود را به آب و آتش می‌زنند نفعی نصیب مردم نمی‌شود.

کسانی که خود را جلو می‌اندازند در رقابت‌های انتخاباتی به هر دروغ و وعده غیر ممکن برای جلب آرای عمومی متشبث می‌شوند، از همان ابتدا نه فقط ولایت فقیه بلکه با خود خدازاویه پیدا می‌کنند و خود را از رحمت او دور و مستحق لعن خدا کرده اند. زاویه ای که کم کم خود را نشان می‌دهد، و بعضی تصور می‌کنند این ایراد نظام است حال آنکه ایراد از آن افرادو انگیزه و نحوه تقرب آنها به مسئولیت است.

کسی که با انگیزه های قدرت طلبانه و ریاست طلبانه سرکار می‌آید اولویت برای او حفظ این ریاستی است که به آن عشق می‌ورزد و حاضر نیست وارد خطر پذیریهایی شود که موقعیت ریاست او را بخطر اندازد لذا برای مردم هیچ خطری را متحمل نمی‌شود و آسان ترین راه برای سازش با دشمنان و کنار آمدن با آنها برای در امان ماندن تاج و تخت خود انتخاب می‌کند عامل اصلی درونی دیگر ظرفیت افراد است. وقتی ظرفیت روحی افراد کم باشد و وضعیت

اجتماعی پیدا کنند خود را گم می کنند. این موضوع منحصر به روسای جمهور نیست. واقعیتی است که خیلی افراد که با شهرت و اقبال اجتماعی مواجه می شوند را گرفتار می کند.

بسیاری از هنرمندان یا قهرمانان ورزشی یا مجریان برنامه های تلویزیونی هم همین گرفتاری را دارند. ابتدا آدم های خیلی خوب سر به راهی هستند ولی همین که شهرت پیدا می کنند و مردم برای عکس انداختن با آنها صف می بندند و هر جا که می روند مردم دور آنها حلقه می زنند و امضاء می گیرند. آنها که ظرف روحی شان کوچکتر از این اقبال های مردمی و شهرت هاست لبریز می کنند و موجب سرکشی و تعدی آنها به هنجارها و ارزش ها می شود.

این قانون مندی را خدای متعال در سوره علق اینگونه بیان می فرماید:

کلا ان الانسان یطغی. ان راه الستغنی

آری قطعاً انسان آنگاه که احساس بی نیازی کند طغیان می کند.

امام خمینی(ره) بارها این مضمون را اینگونه می فرمودند: "بروید پیش از آنکه وارد جامعه شوید خود را بسازید. خدا نکند انسان پیش از آنکه خود را بسازد جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند که خود را می بازد، خود را گم می کند". کتاب جهاد اکبر ص ۲۴۴

همچنین در همان کتاب معظم له فرمودند: "بکشید پیش از آنکه وارد جامعه گردید خود را اصلاح کنید و .. بسازید. آن روز که جامعه به شما روی آورد دیگر نمی توانید خود را اصلاح کنید"

لذا تجربه دیگر یعنی سی و هفتمین تجربه این است که آنها که شوق ریاست دارند برای رسیدن به آن سر از پا نمی شناسند افراد با کفایتی برای مسئولیت ها محسوب نمی شوند و نه تنها موفق به جلب رضایت قلبی مردم نمی شوند بلکه کار آنها به ایستادگی مقابل مردم و نظام مردمی ختم می شود. و باید افراد با تقوا و خود ساخته را برای نمایندگی و ریاست جمهوری و شورای شهر و مجلس برگزینیم تجربه اثبات می کند اگر نمی توان خصوصیات ولایت فقیه را از کاندیدای رئیس جمهور انتظار داشت و نمی توان فردی همه جانبه با مراتب کمال فقاقت و تقوی و معنویت ولی فقیه را برای آن انتظار داشت ولی نمی توان هم به خصوصیات حداقلی وجود صلاحیت

امنیتی و اعلام نظر شورای نگهبان بسنده کرد و باید بالاترین مراتب تقوی و صیانت از نفس و دوری از دنیا طلبی را مدنظر داشته باشیم.

این واقعیت های درونی علاوه بر تأثیر مستقیم راه برا برای مداخله گر بیرونی هم هموار می کند و واقعیت بیرونی این است که استعمارگران با تجربه که سابقه ۷۰۰۰ سال حکومت طواغیت را در اختیار دارند خیلی خوب می دانند از چه راهی برای تجدید سلطه از دست رفته باید وارد شوند. آنها غالباً نمی توانند بطور مستقیم شخصیت های برجسته را در اختیار خود بگیرند ( البته این موضوع استثنائاتی دارد که شاهد آن هستیم) توانایی ندارند که مستقیم با شخصیت های برجسته اسلامی و انقلابی تماس بگیرند و آنها را از آن خود کنند ولی در خصوص اطرافیان این شخصیت ها بسیار حرفه ای عمل می کنند سرویس های جاسوسی بزرگ بویژه انگلیس تمام افرادی را که در مظان قرار گرفتن در مقامات تراز اول کشور هستند را شناسایی می کنند و در زمانیکه این افراد هنوز به آن مناصب نرسیده اند و دسترسی به آنها خیلی آسانتر است افرادی را به آنها نزدیک می کنند و این افراد با عمل به دلخواه سوژه و تملق گویی خود آنها را جذب شخصیت خود می کنند با به منصب رسیدن سوژه فرد نفوذ داده شده هم یاران منحرفی را به دایره نزدیک سوژه هدایت می کند و هم با القائات غلط و گزارش های ناصواب سوژه صاحب منصب شده را به قهقرا می برند متأسفانه سازمانهای جاسوسی موفق شده اند عناصر مرتبط با خود را تحت عنوان کسی که مرتبط با اجنه است و اخبار پشت پرده را می داند از طریق همان عناصر نفوذی به چندین نفر از مقامات نزدیک کنند و آن فرد با گرفتن اطلاعات پشت پرده از سازمان جاسوسی مربوط و اظهار اینکه این اخبار را از جنیان گرفته است هر روز خود را مقرب تر ساخته و در بزنگاهها انحراف مورد نظر خود را ایجاد کرده است. بستر این نوع نفوذهای خطرناک را چه چیزی بوجود آورده است؟ همان ریاست طلبی و شهرت طلبی و گرنه کسی که برای خدا کار می کند چه نیازی به ارتباط به جن گیرها و کسب اخبار پشت پرده دارد؟

منشأ پذیرش دوستان متملق نفوذی و پناه بردن به جن گیرها( عوامل جاسوسی تحت عنوان جن گیر) جاه طلبی و ریاست طلبی است که باید کاری کرد جلوی رسیدن اینگونه افراد به مناصب اصلی گرفته شود.



## براندازی با استراتژی نفوذ یا استراتژی قیچی

امروز ما علاوه بر فاصله با ایده دولت اسلامی که نماد آن عدم پذیرش زحمت و خطر در مدیریت و بی‌اعتنایی به ظرفیت داخلی و عدم باور قدرت مردم و عدم ورود به راهکارهای استفاده از ظرفیت های بزرگ مردم برای حل مشکلات و پیشبرد کشور از یکسو و چشم دوختن به روابط با بیگانگان و کنار آمدن با آنها برای بهبود شرایط کشور از سوی دیگر است و علاوه بر تضعیف حرکت به سمت دولت اسلامی، با پدیده نفوذ هم مواجه هستیم.

این واقعیت نباید تصور ضعف و سستی را برای ما بوجود آورد روی آوردن دشمنان به نفوذ و استحاله از درون بیانگر قدرت و کارآمدی نظام است و از این واقعیت خبر می‌دهد که آن‌ها هر غلطی کرده‌اند نتوانسته‌اند و به در بسته خورده‌اند در تمامی تهاجمات رو در رو و شکست خورده‌اند مجبورند اینک از در نفوذ درآیند چرا که هیچ امیدی به پیروزی در مقابله رودررو ندارند.

نفوذی که از آن سخن می‌گوییم به معنی نفوذ چندجاسوس در دستگاه‌ها و جمع آوری اطلاعات برای دشمن یا خرابکاری نیست که این نوع نفوذ همیشه بوده خواهد بود بلکه منظور نفوذ به عنوان یک استراتژی و یکی از مدل‌های شناخته شده براندازی در جهان است. بر اساس این مدل براندازی، بعضی با زدوبند و تبلیغات فریبنده و روابط خاص با منتقدین به شیوه ظاهراً قانونی موقعیت های تصمیم‌گیری را تصرف می‌کنند و مأموریت‌شان این است که با تضعیف روند خدمت به مردم و سخت کردن اوضاع معیشت مردم این طور وانمود کنند که برای بهبود معیشت مردم و قرار گرفتن مجدد کشور بر روی ریل پیشرفت راهی جز سازش با قدرت‌های جهانی و تسلیم شدن در مقابل فشارهای آنان و هضم در نظام ظالمانه بین‌المللی وجود ندارد.

آن‌ها کار را خراب می‌کنند و سعی می‌کنند انقلاب اسلامی و نیروهای اصیل را مقصر آن خرابی‌ها نشان دهند. همان کاری که در دیگر کودتاهای رنگین در دنیا شاهد بوده و هستیم. ناراضی کردن مردم توسط عوامل نفوذی در دستگاه‌های کشور و سپس یارگیری و سازماندهی همان ناراضیان با متهم کردن ایده حاکمیت و مقصر جلوه دادن اصل نظام و بعد کنار گذاشتن آرمان‌های ملی با مداخله خارجی و نهایتاً به حاکمیت رسیدن همان ناراضی‌ترانشان برای اجرای اهداف قدرت‌های سلطه‌گر است. اینرا باید استراتژی قیچی نام گذاشت قیچی که یک تیغه دیگر آن بهره

گیری قدرتهای خارجی برای شکل سازی ناراضیان تولید شده اساس نظام است. از یکسو میدان دادن به موسسات مالی و اعتباری برای اجحاف به مردم و بعد سوق دادن مردم مورد ظلم واقع شده بسوی اساس نظام و امثال آن.

امروز پدیده‌ای که علاوه بر آفت دموکراسی غربی که در دولت‌های قبل رسوخ کرده بود، در حال حاضر مانع اساسی در راه پیشرفت انقلاب شده است. علاوه بر مشکلات تبعیض و بی عدالتی که در یک شاخص معروف ضریب جینی را به بالاترین عدد بعد از انقلاب رسانده، تلاش می‌شود آزادی و استقلال ما هم بر باد برود نفوذی‌ها سعی می‌کنند ملت را مجاب کنند که با آزادی و استقلال نمی‌شود به جایی رسید و کار را به جایی رسانده‌اند که استقلال را به تمسخر می‌گیرند و آن را یک ارزش ارتجاعی کهنه شده می‌خوانند و آزادی را به ابتذال کشیده‌اند و می‌خواهند آزادی مقدسی را که در مدل حکومت اسلامی بالاترین جلوه آن بیان حقیقت در پیش روی حکمرانان خطاکار است، به آزادی شهوت تنزل دهند و هر کس که بخواهد در مسیر آزادی واقعی حرکت کند، او را سرکوب کنند.

لیبرال دموکرات‌ها خشن‌ترین سرکوب کنندگان آزادی هستند و در جنایت و خونریزی و کشتار آزادیخواهان دستکمی از کمونیست‌ها ندارند. آن‌ها در منطقه اسلامی بدون استثنا علیه رأی اکثریت مردم اسلحه می‌کشند و کشتار می‌کنند. فلسطین، بحرین، عراق، عربستان، یمن و... شواهد غیرقابل انکار این مدعا هستند. وقتی هم در جایی زورشان نمی‌رسد یا مردم کشورها بیدار شده و از یکپارچه شدن افکار عمومی علیه خودشان می‌ترسند از شیوه پیچیده‌تری استفاده می‌کنند به گونه‌ای که ظاهراً تصور کنند آزادند و می‌توانند علیه زورگوها و متجاوزان و غارتگران بیت المال و استکبار حرف بزنند ولی عملاً آزادیخواهان به غل و زنجیر کشیده شوند.

در این شرایط کشتاری در کار نیست غل و زنجیر فیزیکی هم نیست و شاید تو را هیچ کس دستگیر نکند، اما با انبوه رسانه و بوق‌های تبلیغاتی که از غارت اموال مستضعفان ساخته‌اند و در اختیار دارند آنچنان به سر هر آزادی خواه حق گویی می‌تازند و او را به باد استهزاء و تمسخر و توهین می‌گیرند که از هر زندانی بدتر است و آنچنان امواج شایعات و دروغ را علیه پیشتازان آزادی گسترش می‌دهند که جای نفس کشیدن برای او باقی نماند.

هر کس نوکری آمریکا و انگلیس را نپذیرد از دیدگاه این رسانه‌ها که حجم انبوهی از فضای مطبوعاتی و مجازی را با ثروتهای انبوه باد آورده در اختیار دارند متحجر، بی سواد عقب مانده است و کسی که سلطه زورگویان بین الملل را نپذیرد از نظر آنان دیکتاتور، و کاسب است. هرکسی که درد دین دارد و می‌خواهد از ارزشهای عدالتخواهانه اسلامی

خود دفاع کند ریاکار و سوء استفاده گر است همه باید بله قربان و تملق گوی راهی باشند که باز هم به نوکری و حلقه به گوشی اجانب و جنایتکاران بین المللی منتهی می‌شود. و سلطه آمریکا بر جهان را مهر تأیید می‌زند.

امروز شبکه نفوذ می‌خواهد به بهانه دادن رفاه و راحتی بیشتر و متهم کردن آزادیخواهان به بی توجهی به مشکلات مردم آزادی و استقلال را از ما بگیرد. آن رفاه و راحتی وعده داده شده هم سرابی بیش نیست و همانطور که تا حالا هیچ کدام از وعده‌های دروغین محقق نشده، بعد از این هم نخواهد شد. هدف تنها وابسته کردن مجدد ایران به قدرت‌های شیطانی است.

### فلسفه حرص بعضی اشخاص برای رابطه با آمریکا

این روند را که وقتی مرفهان بی درد و سرمایه سالاران روی کار آیند کشور را به سمت نوکری آمریکا می‌برند، امام خمینی(ره) کاملاً همینطور که اتفاق افتاده معجزه وار پیش بینی و در بیان آفات و انحرافات پیش روی انقلاب اسلامی در ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ در جمع مقامات عالی کشور فرموده بودند. تحلیل امام خمینی(ره) که اینک عینیت خارجی یافته است بدین شرح است:

«اساس ادامه ی یک پیروزی و ادامه ی یک انقلاب در یک امری است که به نظر می‌آید در رأس امور واقع است و او اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش هستند و سپاه و همه اینها از طبقه متوسط و مادون متوسط باشند. اساس سلطه‌ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است، افراد مرفه و کسانی که سرمایه‌های بزرگ داشته‌اند، یا قدرت برای حفظ خودشان و حیثیت خودشان در دست داشته‌اند، [می‌باشند]. مادامی که مجلس و ارگانهای دولتی و همه ی اینها و مردم از این طبقه ی متوسط و مادون متوسط تشکیل بشود، امکان ندارد که یک دولت بزرگی، یک قدرت بزرگی به هم بزند اوضاع را. همیشه این قدرتهای بزرگ در هر کشوری یک نفر را با او تفاهم می‌کردند که این نفر برای خودش و برای قدرتمندی خودش و برای سرمایه خودش فعالیت می‌کرد. او را می‌دیدند و ملت را می‌چاپیدند و به اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند. هیچ وقت قدرتهای بزرگ مواجه با ملتها، اگر شدند نتوانستند کار خودشان را انجام بدهند و مواجه هم نشدند. هر وقت که می‌خواستند یک دولتی را یا یک سلطنتی را یا یک ریاست جمهوری را که بر وفق مرام آنها عمل نمی‌کرده از بین بردارند، در مقابل او یک

قدرت دیگری می‌تراشیدند و با آن قدرت این قدرت را از بین می‌بردند. کار به دست ملت نبوده است و کار به دست طبقه ی متوسط و مادون متوسط نبوده است.» (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۹)

### ریشه‌های روانشناسانه و نفسانی دعوت به کنار آمدن با آمریکا

امام (ره) از تبیین جهت های سیاسی حرص اشخاص و جریانات به ارتباط با استکبار فراتر می‌روند و جنبه های روانشناسانه این موضوع را در طی همین سخنرانی خود کاملاً باز می‌کنند.

«اینکه این عمل را آنها انجام می‌دادند یک نکته ی روحی دارد و آن این است که انسان در باطن خودش و فطرت خودش تناهی ندارد؛ آمالش، آمالش غیر متناهی است، وقوف نمی‌کند آمال انسان و وقتی که این طور است، اگر انسان اسیر همین آمال غیر متوقف بشود و ببیند که یک ابرقدرتی این آمال او را و آن خواسته‌های مادی او را و آن قدرت او را و سلطه او را بر ملت خودش حفظ می‌کند، او دیگر در بند این نیست که برای ملت کار بکند؛ برای اینکه، از طبقه مرفه است و از طبقه ی قدرتمند است، و قدرتمندی هم و همین طور حب مال و جاه هم حدی ندارد، مرزی ندارد. آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه‌ای که دارد، برای این حفظ قدرت با ملت آن می‌کند که همه ی حیثیت ملت و گنجینه‌های ملت را در دسترس او قرار بدهد، یک سهم ناچیزی هم برای خودش بگیرد. الان شما ملاحظه می‌کنید که قدرتهایی در دنیا هست از حیث مال که اگر اموالشان را تقسیم بکنند به این ۳۶ میلیون جمعیتی که ما داریم، اگر یک نفر از آنها اموالشان را تقسیم بکند، تمام افراد این ۳۶ میلیون مرفه می‌شوند و از طبقه باصلاح خودشان بالا می‌شوند. یک نفر از آنها اینطور است، لکن همان آدمی که دارایی او به این اندازه بود، از این آدمی که درویش سر محله است حرصش به دنیا بیشتر بود، حرصش به مال بیشتر بود و بیشتر می‌خواست جمع بکند. هر چه مال اضافه بشود حرص انسان اضافه می‌شود. هر چه قدرت اضافه بشود حرص انسان به قدرت، اضافه می‌شود.» (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۰)

«و اگر مهذب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کار می‌گیرد. وقتی برای خودش به کار گرفت دولتهای بزرگی که هستند، ابرقدرتهایی که هستند یک همچو آدم قدرتمندی را پیدا می‌کنند و این آدم

قدرتمند را به او بال و پر می دهند و این را به مقام می رسانند تا اینکه ملت را استضعاف کند و ذخایر ملت

را بچاپد.» (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۰)

این بیان روشن و مستدل امام خمینی (ره) و ترسیم دقیق ایشان از این واقعیت نفسانی این تفکر باطل تبلیغاتی را که در سالهای اخیر شایع شده و می گویند به کسانی رأی دهید که اشرافی زندگی می کنند چون آنها سیر هستند و به بیت المال دست نمی زنند را رد می کند.

و این قانون الهی را که کسی ثروت اندوزی می کند اشرافی می شود هر چند همه چیز دارد ولی حریص تر می شود آنچه موجب سیری است قناعت است نه ثروت.

## ریزش ها و رویش ها

نکته بسیار مهم و شاید حیاتی دیگری که در انقلاب اسلامی عاید ملت شد و با تغییر موضعهای اساسی در شخصیت های برجسته کشور که بعضی ریشه های آن در بالا آمده است آنرا بصورت تجربه ای سرنوشت ساز در اختیار مردم قرار داد این است که جریان عظیم انقلاب در مسیر پیشروی خود با زلزله های سنگین مواجه می شود در این حوادث و تحولات ریزش ها و رویش های فراوانی را شاهد بوده ایم.

امیرالمومنین (ع) فرمود: فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال و الايام توضع لك السرائر الكامنة در دگرگون شدن اوضاع و حالات حقیقت مردان شناخه می شود و زمان اسرار پنهانی را بر تو آشکار می کند. (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۷) این واقعیت را مادر انقلابمان به وضوح دیده ایم و تجربه کرده ایم. بدلائل مختلف خیلی از افراد کم می آورند و ادامه راه را نمی کشند و نمی توانند همپای ملت انقلابی و رهبری شان حرکت کنند.

آنهایی که به طمع آمده بودند و به آن نرسیدند. آنهایی که جهان بینی و تصور درستی نداشتند و وقتی با واقعیت مواجه شدند توانای هضم آنرا نداشتند، آنهایی که رنج و محرومیت و سختی را نچشیده بودند و افت و خیزها رفاهشان را بهم ریخته افرادی که فداکاری کرده و یا خدمتی در انقلاب روا داشته و خود را بخاطر آن خدمت مستحق بالا نشینی و سهم بیشتر از ثروت و قدرت می دانند و به آن نمی رسند، افراد ساده لوح و ظاهر بینی که فریب دشمن را می خورند و افرادی که با موفقیتی کوچک مغرور می شوند افرادی که در انقلاب به شهرت و ثروت و قدرتی می رسند

که ظرفیت آنها ندارند اینچنین افرادی ریزش می کنند و می روند گاهی مقابل انقلاب قرار می گیرند و گاهی حتی ممکن است سلاح روی جریان انقلابی مردم بلند کنند این را ما در طول چهل سال انقلاب اسلامی مکرراً تجربه کرده ایم از بالاترین سطوح یعنی قائم مقام رهبری و رئیس جمهور گرفته تا بعضی دانشجویان فاتح لانه جاسوسی آمریکا که امروز سینه چاکان تسلیم در مقابل آمریکا هستند و جریانها و گروهها هم همینطور در حال تغییر هستند و وضع ثابتی نسبت به ارزشهای اساسی ندارند.

چه بسا افراد و جریانهایی که آتشی ترین نیروهای ضد استکبار بوده اند ولی امروز سینه چاکان تسلیم در مقابل استکبارند چه بسا کسانی که جز به نابودی کامل آمریکا و اسرائیل نمی اندیشند امروز شعار مرگ بر آمریکا را گناه می دانند، جذب افراد و جریانهایی که پوشیدن کت شلوار شیک یا خوردن چلوکباب را تکفیر می کردند امروز هیچ فرصتی را برای ثروت اندوزی از دست نمی دهند و کوچکترین بی عدالتی را بر نمی تابیدند ولی امروز جز به نظام سرمایه داری کلان رضایت نمی دهند.

این تجربه ها نشان می دهد که برای اتخاذ تصمیم و انتخاب راه باید از افراد و جریانها عبور کرد. باید برای هر امری شاخص داشت جریانات و افراد را با آن شاخص سنجید و نه آنکه اشخاص و جریانات را ملاک قرار داد و شاخص را با افراد تنظیم کرد و این سی و هشتمین تجربه ای است که از انقلاب اسلامی ثبت می کنیم.

چه بسیار افرادی که ولایت فقیه را تا خدایی بالا می بردند امروز از نقد هم عبور کرده اند و منتقدان شخص ولی فقیه که هیچ مخالف اصل ولایت فقیه شده اند. تجربه روشنی که از این واقعیت ها می گیریم اینست که افراد و جریانها را شاخص حق و باطل و شاخص انتخاب راه درست از نادرست قرار ندهیم. این دیگر فقط حکمت امیرالمؤمنین (ع) اینست که شنیده ایم ان الحق و الباطل لا يعرفان باقدار الرجال اعرف الحق تعرف اهله و اعرف الباطل تعرف اهله بدرستی که حق و باطل را با قدر و شخصیت افراد نمی توان شناخت اول حق را بشناس تا اهل آنها بشناسی و باطل را بشناس تا اهل آنها بشناسی. (علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۲۲۸)

این یک واقعیت تجربه شده است

آقای بنی صدر روزگاری علیه منافقین مقاله و کتاب می نوشت و بطور مستدل آنها را منحرف از اسلام می دانست روزگاری دیگر با لباس زنانه به همراه آنها از ایران گریخت حامی تراز اول آنها شد هر دو این بنی صدرها را که نمی شود قبول داشت و حق را با آنها سنجید.

آقای منتظری روزی کتاب مستحکم و مستدل در ولایت فقیه می نویسد و روز دیگر آنها زیر پا می گذارد نه میشود افراد را ملاک حق و باطل قرار داد و نه احزاب جریانات را بلکه باید حق را شناخت و افراد را با آن محک زد از این واضحت تجربه ای است که در خصوص عدم اعتماد به نسبت افراد با شخصیت های ممتاز.

آثار شیخ علی تهرانی روزی کتاب اخلاق و کتاب توحید می نویسد روز دیگر به صدام پناهنده می شود و بلندگوی تبلیغاتی جنایتکارترین طاغوت ها در مقابله با انقلاب اسلامی می شود اگر او را بواسطه کتابهای خیلی خوبی که نوشته ملاک حق قرار دهیم یقیناً زیانکار خواهیم شد.

از این روشنتر تجربه ی اعتماد به افراد به جهت روابط سببی و نسبی است در این چهل ساله چقدر تجربه کردیم که فرزندان بهترین و با فضیلت ترین شخصیت ها که تبهکارترین افراد شدند برای ما به تجربه ثابت شد که نمی توان هیچ اعتباری به این نسبت ها قائل شد. البته اگر فردی خوب و پاک است و منسوب به خاندان پاک شاید بتوان روی خوبی او بیشتر حساب کرد اما اینکه اساس را بر این نسبت ها بگذاریم کاملاً غلط است آیت الله حسنی امام جمعه ارومیه در خاطراتش درباره فرزند بزرگش رشید که به گروههای منحرف ملحق شده بود می نویسد: " جایش را شناسایی کردیم. در کمیته انقلاب تهران با آیت الله مهدوی کنی تماس گرفتیم و گفتیم: یک موردی هست، چند نفر مسلح بفرستند. نگفتم پسر است..... گفتیم اگر مقاومت یا فرار کند، بزنید، نگذارید فرار کند و اگر هم تسلیم شد، دستگیر کنید و به کمیته تحویل بدهید. آنها رفتند و او را دستگیر کردند."

او ادامه می دهد: "رشید را بعد برای بازجویی و محاکمه به تبریز انتقال دادند. او چون محل فعالیت هایش آذربایجان بود در این شهر محاکمه و به اعدام محکوم شد و بلافاصله حکم اجرا گردید..." آیت الله حسنی می نویسد: «من در مورد انقلاب با هیچ شخصی ولو پسرم باشد، شوخی ندارم و با هیچ احدی در این مورد عقد اخوتی هم نبسته ام. هنوز هم اگر یکی از فرزندانم بر ضدانقلاب و رهبری خدای ناکرده فعالیت کند، همان کاری را خواهم کرد که با رشید کردم" (تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴). صدور حکم اعدام برای دو

فرزند روایت برخورد آیت الله محمدی گیلانی با دو فرزند خود نیز از عجایب انقلاب است. آنجا که پای انحراف از مبانی اسلام باشد، فرزند گرفتار تیغ عدالت پدر که خودش قاضی است می شود. آیت الله محمد مجمدی گیلانی که از پس از پیروزی انقلاب به دستور امام ریاست دادگاههای انقلاب را بر عهده گرفته بود در خرداد سال ۱۳۶۰ فرزندان خود را در جمع تعدادی زیادی از منافقین می یابد که در بلواها و آشوب های آن مقطع دستگیر شده بودند. آیت الله شخصا محاکمه فرزندان را انجام می دهند. محمدرضا سرشار، پژوهشگر و نویسنده، در سایت شخصی خود درباره آیت الله گیلانی می نویسد: «چنین مشهور بود که دو تن از پسرانش را به سبب فعالیت‌های ضد انقلابی، شخصا به اعدام محکوم کرد. و هنگامی که استنکاف ماموران تحت امر خود را از اجرای این حکم، لابد از نظر خودشان مهیب - دید، برخاست تا به دست خود این حکم را اجرا کند. و تنها در این هنگام بود که آن ماموران - برای آنکه پسرانی به دست پدر خود اعدام نشوند - به ناچار تن به اجرای این احکام دادند» (سایت پرتوی سخن). محمد حسین جنتی فرزند آیت الله جنتی نیز از نمونه هایی بود که در اوایل انقلاب در جریان یک درگیری کشته شد. روایت است که آیت الله جنتی نذر کرده بوده که اگر پسرش حسین جنتی که فراری است و روند انقلاب را قبول ندارد دستگیر یا اعدام شود ۴۰ روز روزه شکر بگیرد. او قبل از انقلاب به دلیل ارتباطش با سازمان مجاهدین خلق دستگیر و محکوم به حبس ابد شد. در آبان سال ۵۷ از زندان آزاد شد و پس از اعلام جنگ مسلحانه مجاهدین خلق علیه جمهوری اسلامی به حمایت از منافقین برخاست و فعالیت خود را شدت بخشید. مدتی به همراه همسرش به زندگی مخفی روی آورد. در پاییز ۱۳۶۰ خانه او به محاصره در آمد، پس از درگیری، حسین خود را از پنجره ساختمان به پائین پرت کرد تا فرار کند، اما کشته شد. برخورد غضبی پدران با فرزندان ناخلف و منحرف تنها مربوط به فضای داغ سالهای به اوایل انقلاب بر نمی گردد. سی سال پس از انقلاب هم می توان چنین برخوردهایی را در بین مسئولان صادق و پاک نظام یافت. به این جمله دقت کنید: «از نزدیکان و خویشاوندان مان دوری و برائت می جوئیم اما از آرمان‌های خود و انقلاب دست بر نمی داریم» (خبرگزاری بسیج، سال ۸۸). این جمله ای است که آیت الله ابوالقاسم خزعلی رئیس بنیاد بین المللی غدیر در سال ۸۸ درباره اظهارات و عملکرد فرزندش مهدی به زبان آورده است.

مهدی خزعلی فرزند آیت الله خزعلی تاکنون به دلایل مختلف بازداشت شده است. او به ویژه پس از انتخابات به دلیل رفتار و رویکردی که نسبت به نظام داشت مورد غضب پدر واقع شد. آیت الله خزعلی سال ۸۸ در بیانیه ای با استناد به



آیاتی از قرآن مجید اشاره کرد که خداوند سبحان به ما تنبه می‌دهد اگر اولادتان با خدا و رسول کنار نیامدند از آنها احتراز کنید و آنها را دوست نداشته باشید. او در بیانیه اش نوشت: «مدت مدیدی است پسر مهدی خزعلی از راه مستقیم منحرف شده درست در خط مقابل قرار گرفته هر چه نصیحت می‌کنم و برای هدایتش متوسل به اولیای خدا می‌شوم اثر نمی‌کند. با بعضی از علمای بزرگ صحبت کردم، فرمود دست نگه دار شاید به راه بیاید. دیگر کاسه صبرم لبریز شده، دیگر با او صحبت نمی‌کنم و حرف‌های نامناسب او را بر نمی‌تابم. ملت انقلابی عزیز همیشه در صحنه ما بدانند او از ما جدا هست و هر چه از من نقل کند، نپذیرند. با من ارتباطی ندارد ولی الان هم دعا می‌کنم خداوند به او توفیق دهد که از راه انحرافی که پیش گرفته است برگردد و گرنه خداوند مقتدر، اسلام و انقلاب و امام و رهبر و رئیس جمهور و مسلمین عزیز را از شر او مصون و محفوظ بفرماید. (خبرگزاری کیهان، ۱۳۸۸/۰۳/۲۸)

این حکمت شناخته شده است که "پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد. سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد". اما این بارها و بارها برای ما در عمل ثابت شد فرزند و داماد و عروس و نوه ی فلان مقام ولو مجتهد ولو مرجع تقلید حتی رهبری انقلاب و حتی انتساب به شخص امام خمینی(ره) فی نفسه فضیلتی محسوب نمی‌شود و نباید حق و باطل را با این مسائل سنجید.

وقتی امام خمینی(ره) مدتی نوه خودشان را حصر کردند وقتی بعضی شخصیت های برجسته انقلاب اسلامی فرزند خودشان را با حکم قضائی به جوخه اعدام تحویل دادند که این یکی از حماسی ترین و پر افتخارترین ایثارهای انقلاب اسلامی است حجت بر همه ما تمام است ملاک حق و باطل شاخص های روشن حق و باطل است و بس و نه افراد.

افراد هر سابقه ای در اسلام و انقلاب داشته باشند و هر نسبتی با هر کس حتی امام(ره) باید شاخص ها سنجیده شوند این مسأله ای مجرب در طول انقلاب اسلامی است. و این یکی از تجارب اساسی چهل ساله انقلاب اسلامی است.

بعد از چهل سال تجربه اینک که انقلاب اسلامی به بلوغ رسیده است جا دارد گام سوم انقلاب اسلامی را برداریم و دولت اسلامی که تمام بخش‌ها و شئون آن بر اساس دین و تحقق عدالت اسلامی هدفگذاری شده باشد اما آیا این امر شدنی است؟ پاسخ این سؤال را باید در وضعیت جبهه سوم انقلاب یافت.

## فصل هشتم

جبهه سوم انقلاب اسلامی نظریه

پردازی، کادر سازی و الگوی انقلاب

اسلامی

## فصل هشتم جبهه سوم انقلاب اسلامی نظریه پردازی و کادرسازی و تدوین الگوی

### اسلامی

جبهه سومی که برای انقلاب از آن یاد کردیم نظریه پردازی، برنامه ریزی و کادرسازی برای اداره کشور بود.

افراد زیادی هستند که ضرورت تدوین الگوی اسلامی و برنامه اسلامی پیشرفت را کاملاً نفی می‌کنند و معتقدند برای اداره ی کشور باید براساس تجارب و الگوهای روز دنیا عمل کنیم و تدوین الگوی جدید ضرورتی ندارد و به جایی نمی‌رسد بعضی فراتر می‌روند و اساساً منکر علوم انسانی اسلامی می‌شوند و می‌گویند اسلام حرف مستقلاً برای زدن ندارد. شاید پاسخ ما به این موضع در یکی دو دهه پیش پاسخی نظری و تئوریک بود اما امروز پاسخ عینی و عملی تجربه شده پیش رو داریم که نشان می‌دهد برای پیشبرد کشور راهی جز تدوین نسخه اسلامی اداره ی کشور و عمل به آن نسخه نداریم.

ممکن است کسانی که در مناصب مهم کشور تکیه داشتند یا دارند ادعا کنند مشکلاتی که بوجود آمده و عقب ماندگی‌هایی که از آن یاد می‌کنیم مربوط به همان خطوط قرمزی که اشاره شد است اگر به آنها اجازه داده می‌شد بدون رعایت آن خطوط قرمز تفکرات لیبرالیستی خود را پیاده کنند این مشکلات هم برطرف می‌شد و خیلی سربلندتر بودیم چون بنای گفتار مادر این کتاب پرهیز از مباحث نظری و حرف زدن بر مبنای تجارب است این ادعا را با تجارب روشن و غیر قابل انتظار محک می‌زنیم هر چند پیش از این بطور مستند آوردیم که در طول این چهل سال هر جا کار را به افراد مؤمن و انقلابی سپرده ایم پیشرفت‌های خیلی بیشتر نصیب شده هر چند مستند کردیم که هر جا دستورات اسلام و ولایت را پیاده کرده ایم موفق و آنجا که این موارد بی توجهی کرده ایم ناکام مانده ایم و اینها خود حجت قاطعی برای ضرورت تدوین و پیاده سازی الگوی اسلامی پیشرفت است اما برای محکم تر شدن صحبت‌ها باز هم دلیل می‌آوریم ابتدا دو سؤال را مطرح می‌کنیم اول اینکه آیا کسانی که بدنبال پیاده سازی اینگونه تفکرات ماتریالیسی در کشور بوده اند موفق شده اند و خود را موفق می‌دانند؟ و سؤال دوم اینکه آیا کسانی که در جهان با دست باز و بدون هیچ مانع لیبرال دمکراسی را پیاده کرده اند جوامع موفق و سعادت‌مندی را شکل داده اند؟ در پاسخ به سؤال اول لازم نیست خیلی تقلاً کنیم مدعیان این فکر را به بازخوانی همفکرشان و از نظریه پردازان این نوع تفکر آقای سعید حجاریان توصیه می‌کنیم نامه ای که خطاب به دادگاه فتنه در سال ۸۸ نوشت.

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم دادگاه

در جریان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و وقایع پس از آن متأسفانه حوادثی رخ داد که قلب همه دلسوزان سرنوشت کشور را بدرد آورد. از شعارهای وهن آلود بگیر تا قانون شکنی های آشکار و صدمه به اموال شخصی و عمومی و حتی قتل و جرح تا کنون در هیچ انتخاباتی سابقه نداشته و سایه کدورت خود را بر زلال چهل میلیون رای مردم افکند و دشمنان این مرز و بوم را به طمع خام انداخت که شاید بتوانند از این وضع گل آلود ماهی مراد را صید کنند.

من به شخصه خود را از این همه جور و عدوان که بر مردم و نظام اسلامی مان رفته بری می دارم و انزجار و تنفر خود را از کلیه تحرکات که امنیت کشور را به خطر انداخته ابراز می کنم. کشور عزیزمان ایران در منطقه پر تلاطمی قرار دارد و لاقول دو جنگ خانمان سوز در شرق و غرب کشورمان در جریان است. از سویی دیگر بسیاری از کشورها مدارج توسعه و پیشرفت را با شتاب طی می کنند و دریغ است ایران که از نعمت امنیت در این منطقه آشوب زده برخوردار است، هم پای دیگران تعالی و ترقی نیابد.

دشمنان با تحریم ها و تحریک های متعدد تلاش دارند مانع این روند شوند اما وظیفه ما حفظ وحدت و انسجام ملی است و باید هوشیارانه مانع رخنه در صفوف ملت شویم.

**\*باید بخاطر مجلس های ناصواب انابه و طلب بخشش کنیم**

هر یک از ما اگر پا را از یک انتخابات سالم فراتر گذاشته و نعمت امنیت را که پشتوانه توسعه اقتصادی است متزلزل کنیم نزد وجدان خود و نسل های آینده واز همه بالاتر پروردگار عالمیان باید انابه کنیم و طلب بخشایش نماییم.

**\*مرتکب خطاهای سهمگین شده ام. از خطاها اظهار تبریته و ندامت می کنم**

من هم در این انتخابات با ارائه تحلیل های ناصواب مرتکب خطاهای سهمگین شده ام که از آنها تبری می جویم چون قطعاً مورد رضای محبوب عالمیان نیست و موجب ندامت است. من به خاطر این تحلیل های ناصواب که مبنای بسیاری از اعمال نادرست قرار گرفته از ملت عزیز ایران عذر خواهی می کنم

هرچه گفتیم غیر از صحبت دوست در همه عمر از آن پشیمانیم

امیدوارم این سخنان که از دل بر آمده بر دل بنشینند اما این کافی نیست و من در تعاملات تنهایی خود ریشه ها و علل موضع گیری های خود را واکاوی کرده ام که به طور اختصار به عرض می رسانم:

طی ده پانزده سال اخیر مقالاتی از من به چاپ رسیده که حاوی بعضی از نظریات نامربوط به شرایط کشورمان بوده که قصد دارم بعضی از مهم ترین آنها را درین مجال بشکافم و علت انحراف این مواضع را تشریح کنم.

### **\*علوم انحرافی غرب در دانشگاه های ایران ریشه انحرافات ما بود**

یکی از مهمترین این نظرات انطباق شرایط کشورمان با تئوری ماکس وبر در باره ی سلطانیسم است که معتقد است بر بسیاری از امپراطوری های شرقی این شیوه از حکومت جاری بوده و یک حاکم پاتریمونیال تیولدار و تعدادی حامیان وی که هر کدام خیل عظیمی از تحت الحمایگان را یدک می کشیده اند نظام سلطه را در سراسر قلمرو سرزمین مستقر کرده بودند.

قبل از اینکه به نقد این نظریه در خصوص انطباق آن با شرایط ایران بپردازم لازم میدانم نکاتی را متذکر شوم:

۱- متأسفانه در ایران با ضعف علوم انسانی بخصوص در رشته های جامعه شناسی و علوم سیاسی مواجه ایم و علیرغم گسترش مراکز آموزشی عالی و کثرت دانشجویان در رشته های علوم انسانی، متون آن از عمق چندانی بر خوردار نیست و مطالب با ترجمه های اغلب ناقص و بدون نقد در اختیار دانشجویان گذاشته می شود.

۲- حجم وسیعی کتاب بعد از انقلاب ترجمه شده که بسیاری از آنها جنبه ایدئولوژیک دارند و در کنه آنها می توان ردپای مکاتب مختلف از مارکسیسم ارتدوکس تا نئولیبرالیسم را مشاهده کرد و این کتب (و باید اضافه کرد مجلات را) به وفور در دسترس مشتاقان است.

۳- علاوه بر این فارغ التحصیلان علوم انسانی (بخصوص در دانشگاههای خارج) که بعنوان اعضاء هیئت علمی استخدام می شوند ناخود آگاه حامل آخرین دستاورد های این علوم به ایران هستند وهم اکنون میتوان مشاهده کرد که دیدگاه های پست استوراکتورالیسم ، پست مارکسیسم ، فمینیسم و انواع مکاتب غربی تحت عنوان علم ترویج می شوند.

عوامل مذکور بعلاوه شرایط خاص من وضعی را پدید آورد که من هم بدون دیدگاه انتقادی بدام چاله این علوم انحرافی در غلطیدم. اما شرایط ویژه ای که من را به این سمت سوق داد عبارت اند از:

۱- من بعد از ارتحال حضرت امام (ره) و آغاز دولت سازندگی به معاونت سیاسی مرکز تحقیقات استراتژیک برگزیده شدم در آنجا بود که فهمیدم برای هدایت پروژه ها تجربه علمی سیاسی کار ساز نیست و لاجرم باید آموزش دانشگاهی هم داشته باشم لذا فوق لیسانس ودکترای خود را در علوم سیاسی اخذ کردم وانبوه نظریات وایدئولوژی های سیاسی نادرست در ذهنم تلمبار شد بدون آنکه بازنگری و نقد آنها را داشته باشم.

۲- با شروع موج اصلاحات و به خصوص تشکیل جبهه مشارکت که به تئوری راهنمای عمل نیاز داشت طبعاً از من توقع می رفت که بعنوان نظریه پرداز دست بکار شوم وتحلیلی علمی از شرایط جامعه ، دولت و نیروهای سیاسی عرضه کنم تا راهنمای عمل حزبی قرار گیرد با مقدمات فوق اکنون می توانم توضیح دهم که چرا نظریه ماکس وبر نظریه پرداز آلمانی قرن گذشته که مبنای تحلیل های ما قرار گرفت هیچ ربطی به شرایط ایران ندارد.

۳- ماکس وبر تجربیات خود را عمدتاً از امپراطوری عثمانی ، امپراطوری چین وامپراطوری مغولهای هند گرفته بود ویک نظریه عمومی بنام پاتریمونیالیسم یا سلطانیسم وضع کرده بود وجه مشترک این کشورهای منطبق بر این نظریه به شرح زیر بود.

اولاً) این کشورها بصورت امپراطوری و سلسله های خاندانی بودند.

ثانیاً) این امپراطوری ها ماقبل مدرن بوده و هیچ قانونی حاکم بر آنها نبود ودر راس آنها حکام خود کامه جلوس کرده بودند.

ثالثاً) حکومت در این کشورها از راه خون و وراثت مستقر می شد وبه اصطلاح نظام های موروثی بودند.

رابعاً) مردم بعنوان رعایا از کلیه حقوق شهروندی محروم بودند و همراه زمین خرید و فروش می شدند.

## \*نظام ولایت فقیه مشروعیت خود را از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) می گیرد

با این اوصاف انطباق نظریه ماکس وبر ، بر شرایط کنونی ایران کاملاً نا بجا و بی ربط است چون:

اولاً) جمهوری اسلامی ایران ، نظامی مابعد انقلابی است که مردمی رشید دارد تحت تربیت حضرت امام (ره) بخوبی به حقوق خود واقفند.

ثانیاً) نظام ما دارای قانون اساسی مدونی است که در آن حق حاکمیت ملی به رسمیت شناخته شده و مسئولان آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم از سوی مردم انتخاب می شوند لذا مردم ما شهروندان نه رعیت.

ثالثاً) حکومت در ایران موروثی نیست و از طریق خون منتقل نمی شود بلکه خبرگان مبعوث مردم هستند که در هر زمان اعلم اعدل و اشجع مجتهدین را که مدیر و مدبر و آگاه به مسائل زمان است انتخاب می کنند.

رابعاً) مذهب غالب مردم ایران تشیع است و نظام ولایت فقیه مشروعیت خود را از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) می گیرد و بدین لحاظ حکم ولی فقیه شعبه ای از ولایت رسول اکرم (ص) می باشد.

بنابر این ملاحظه می شود که نظریات ماکس وبر در ایران کنونی هیچ کاربردی ندارد و من از سر غفلت بدون نگاه انتقادی به این نظرات آنها را به شرایط کشورمان تعمیم دادم.

ریاست محترم دادگاه

چنانچه ملاحظه فرمودید کار بسط نظریات نامنقح و عدم تلاش برای یافتن تئوری‌های بومی که با شرایط ایران انطباق داشته باشد می‌تواند چه نتایج سهمگینی را به بار آورد که این موضوع موجب عبرت جدی برای تمام دوستان دانشگاهی و فعالان سیاسی است. وظیفه این عزیزان به عنوان نخبگان جامعه آن است که حربه نقد را علیه همه کس به کار ببرند ولو بزرگترین اندیشمندان شناخته شده جهان باشند و بسیار با احتیاط و هوشمند به بومی کردن نظریات بپردازند به صرف اینکه فلان استاد و یا فلان کتاب مرجع ، مطلبی را نقد کرده است بسنده نکنند و تا یقین پیدا نکرده اند از این نظریات در عمل استفاده نکنند.

## \*شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئولان آموزش عالی کشور همه در انحراف بی‌تقصیر نیستند

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئولان آموزش عالی کشور همه در این انحراف بی‌تقصیر نیستند . با اینکه مکرراً هشدار داده شده که علوم انسانی با علوم دقیقه تفاوت دارد و بسیاری از حربه‌های ایدئولوژیک در پوشش علوم انسانی عرضه می‌شوند متأسفانه شاهدیم بجای دقت در کیفیت این علوم هر ساله بر کمیت مراکز

آموزشی عرضه کننده آن افزوده می شود ، اوائل انقلاب شاید چهار پنج دانشگاه دولتی بیشتر نداشتیم که تا حد اکثر در حد فوق لیسانس برای این علوم ، دانشجویان محدودی تربیت می کردند اما امروزه در هر شهری دانشگاه دولتی و آزاد و پیام نور و خصوصی تا مدارج بالا تربیت دانشجو مشغولند بدون آنکه به محتوای نادرست عرضه شده توجهی کنند.

گرچه این نظریات در قالب های تنگ علمی و شبه علمی بیان شده است اما به هنگام بسط و گسترش بخصوص در مرحله عملیاتی شدن ضایعات و صدمات فراوانی به بار می آورد که یک نمونه اش را در تخریب وحدت ملی در جریان انتخابات دهم دیدیم که به اموال عمومی و شخصی مردم خسارات فراوانی وارد شد و ده ها کشته و زخمی بجا گذاشت و طمع بیگانگان را برانگیخت.

سیاسیون و فعالان سیاسی هم در این قضیه مسئولند این گروه هرچند در عرصه نظریه پردازی معمولا نقشی ندارند اما در جهت عملیاتی کردن و به اجراء در آوردن تئوری ها نقشی بس مهم ایفا می کنند و سازمانهایی در جهت اهداف منبعث از تئوری ها به وجود آورده راهبری میکنند و این امر خطیری است . چه بسا یک لغزش از آن به اضعاف مضاعف در جامعه بازتاب یابد چون اینان مرجع سیاسی بخش هایی از مردم هستند و هرگونه تزلزل موضع آنان در سطوحی بازتاب می یابد.

همانگونه که مراجع دینی لغزششان خطیر است و به قول معصوم (ع) “انكسار العالم كانكسار السفينه تغرق وتغرق” (شکستن دانشمند مانند شکستن کشتی است که هم خودش غرق می شود و هم عده ای را غرق می کند ) لذا سیاسیون باید متوجه تئوری هایی که منشاء استراتژی عمل سیاسی آنهاست باشند.

اما عده ای از فعالان سیاسی عالما عامدا با توجه به پیامدهای یک نظریه آنها در سطح دانشگاه احزاب و جامعه اشاعه می دهند که اینجا بر مسئولین ذیربط است که با پیگیری شواهد و قرائن ردپای این گونه افراد را پیگیری کنند و قانون را در مورد آنها اجرا نمایند.

مثلا در حوادث اخیر شعارهایی سر داده شد که هر کس ذره ای عرق وطن پرستی و دغدغه وحدت ملی و شرم از خون شهدا داشته باشد و نگران ترقی و توسعه کشور باشد آنها را بر نمی تابد و منزجر می شود.

معلوم است وقتی همه دلسوزان نظام از بعضی حرکات و سخنان و شعارها مشمزم می شوند لابد محرکین این ماجراها حرکتی دشمن شاد کن انجام داده اند اگر نگوئیم خود از دشمن دستور گرفته اند.



حضرت امام (ره) به ما آموختند که روی پای خود بایستیم

از مجموعه مباحث پیش گفته شده می توان استنتاج کرد که احساس رعب در نزد اندیشمندان غربی موجب ذلت نفس و پذیرش بی قید و شرط نظریات آنان می شود و حضرت امام (ره) به ما آموختند که روی پای خود بایستیم و مقهور شرق و غرب نشویم و رمز توفیق ما تا کنون همین بوده است. البته ما در علوم تجربی و دقیقه این نکته را خوب یافته ایم و دانشمندان جوان، از زمان جنگ به این سو دستاوردهای چشمگیری داشته اند اما در زمینه علوم انسانی آنچنان که باید و شاید فعالیتی نکرده ایم و یکی از روزنه ها و رخنه های فرهنگ وارداتی و حتی ضربات دشمنان از این ناحیه بوده است که به هر حال جزو آسیب پذیری های نظام علمی کشور محسوب می شود. البته موضوع اگر فقط یک نقیصه علمی بود قابل تحمل می نمود اما خطر آنجاست که نظریات علوم انسانی حاوی حربه های ایدئولوژیک هستند و قادرند به استراتژی و تاکتیک تبدیل شوند و در مقابل ایدئولوژی رسمی کشور صف آرای می کنند و آن را به چالش بکشند.

زمانی مارکسیسم به عنوان آخرین دستاورد علمی مبارزه در مقابل اسلام صف کشیده بود و امروزه نئولیبرالیسم ندای پایان تاریخ را سر می دهد و خود را بعنوان برترین دستاورد در تاریخ بشریت قالب می کند اگر بناست ما در مقابل این مدعیان سرخم کنیم چه احتیاجی به انقلاب و مقاومت هشت ساله در مقابل دشمن بعثی بود.

در ضمن اگر قرار است نظرات امثال پارسونز، ماکس وبر یا هابرماس آثاری از خود بجا بگذارد که در حوادث اخیر دیدیم که هم امنیت ملی را به خطر انداخت و هم در ارکان توسعه اقتصادی تزلزل ایجاد نمود قطعاً باید تجدید نظری در راه طی شده انجام دهیم و نقاط اعوجاج و انحراف را شناسایی کنیم.

اگر این کارها صورت نگیرد با گردنه های صعب العبورتری روبرو و خدای ناکرده به فتنه های دچار خواهیم شد که گرد و غبار آن اندکی اهل بصیرت همه را کور خواهد کرد فتنه هایی که به تعبیر قرآن "و اتقوا فتنه لا

تصیین الذین ظلموا منکم خاصه واعلموا ان الله شدید العقاب “(سوره انفال آیه ۲۵) ویا به تعبیر دیگر “الفتنه اشد من القتل” (سوره بقره آیه ۱۹۱)

در اینجا لازم می دانم دونکته را در انتهای عرایضم بعنوان تکمله ذکر کنم.

از حزب مشارکت که منحرف شده استعفا می کنم

دوستان مطلعند که من از ابتدای تاسیس حزب مشارکت عضو شورای مرکزی آن بوده ام ودر کنگره یازدهم این حزب نیز عضویت داشته ام وشاید یکی از مراجع فکری ونظریه پردازان این حزب به شمار بروم از آنجا که نظرات و آراء من آثار خود را در مواضع حزب وبخصوص جزوه تاملات راهبردی (سیاسی - عقیدتی) بجای گذاشته ومن در تاملات تنهایی خود آن را منافی ومغایر با مشی حضرت امام (ره) وقانون اساسی ومرامنامه حزب یافته ام وهمین امر را موجب انحراف حزب بخصوص در ایام انتخابات اخیر می دانم استعفای خود را از حزب مشارکت اعلام داشته ودیگر حزب را جایگاه مناسبی برای خود نمی بینم.

ملت ایران بخاطر انحرافات خسارت بار ما را ببخشد

و نکته دوم آنکه لازم می دانم التزام عملی خود را به قانون اساسی و فرمایشات مقام معظم رهبری اعلام کرده واگر از سر تقصیر یا قصور به ارکان نظام جسارتی روا داشته ام حلالیت بطلبم. و بار دیگر از ملت بزرگ ایران که این انحرافات واشتباهات موجب وارد آمدن خسارات بزرگی به آنان گردید، بخواهم که همه ی ما را به بزرگواری خود ببخشند.

واز اینکه ریاست محترم دادگاه به اینجانب فرصت دادند که عرایضم را مطرح نمایم تشکر وافر دارم.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سعید حجاریان

بنظر می رسد این نامه بقدر کافی برای پاسخ به سؤال اول کافی باشد و برای اثبات عدم موفقیت تفکر غیردینی در اداره ی کشور نیاز به دلیل دیگری نداشته باشیم نامه ای که هر خردمندی با خواندن آن در می یابد کاملاً آزادانه و آگاهانه نوشته شده است چرا که وارد جزئیاتی شده که بحث را کاملاً مستدل می کند و جایی برای بحث باقی نمی ماند.

هر چند بسیاری از نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌های این روزها هم خود حجت قاطعی بر این واقعیت است اما پاسخ دوم اینکه آیا کسانی که با دست باز نظریات لیبرال دمکراسی را در جوامع خود پیاده کرده‌اند به جامعه سعادت‌مندی رسیده‌اند؟

## بن بست ایدئولوژیک جامعه بشری و ضرورت ارائه نسخه اسلامی

آن‌ها که برای تشکیک در ضرورت تدوین نسخه اسلامی اداره جامعه و عمل بر اساس آن آدرس تجربه‌های جهانی را می‌دهند باید بگویند این تجربه‌ها کجاست؟

تمام نظریه‌های غربی و شرقی برای اداره جامعه بشری پیاده‌سازی شده و به بن بست کامل رسیده‌اند. شکست کامل و فروپاشی مدل حکومت عدالتخواه خالی از خدا و معنویت با انواع گرایش‌های اولویت به کارگر، اولویت به کشاورز در چالش با سرمایه‌داری در مدل بسته درون‌گرای آلبانی در مدل جهانی گشای روسی و... کاملاً شکست خورده و محو شدند امروز فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم کاملاً واضح است و اعلام برائت رسمی رهبران بزرگ اتحاد شوروی سابق از کمونیسم گمان‌نمی‌رود کسی برای الگوبرداری به آن مدل نشانی بدهد.

اما وضع اردوگاه کاپیتالیسم چگونه است؟

شاید ما ایرانیان می‌توانیم ناکامی‌ها و عقب‌ماندگی‌های کشورمان را به توطئه‌ها و کارشکنی‌های گسترده‌ی دشمنان ستمگر ربط دهیم و مدعی باشیم که اگر این حجم توطئه‌ها نبود خیلی از نارسایی‌های امروز هم نبود اما در یک قرن اخیر آمریکا و اروپا با وجود آن که دستشان در پیاده‌سازی ایده‌ها و اندیشه‌های لیبرال دمکراسی کاملاً باز بوده و برای اداره‌ی امور داخلی خودشان مزاحم عمده‌ای پیش رو نداشتند و بخاطر داشتن دست برتر کسی نمی‌توانسته از خارج علیه آنها توطئه کند با این وجود در ساماندهی کشورهایشان شکست خورده و به بن بست رسیده‌اند. ملت ایران با وجود آنکه برای اداره امور داخلی خود دستش باز نبوده و با انبوه کارشکنی‌ها، مداخله‌ها و مزاحمت‌ها مواجه بوده است هر چند ناکامی‌ها و مشکلاتی در این جبهه دارد، لکن در یک نگاه جامع جامعه‌ای بسیار سعادت‌مندتر از آنها دارد.

این در حالیست که آمریکا و اروپا با چند قرن کار نظری و تجربی از آغاز رنسانس تا آغاز قرن بیستم نسخه‌های کامل برنامه توسعه متناسب با اندیشه و مرام خود (سرمایه داری لیبرال) را در اختیار داشته و با دستان باز و بدون هیچ مزاحمی آن نسخه‌ها را بیش از یک قرن پیاده کردند و نکته بسیار مهم اینکه آنها برای پیاده سازی فکر خودشان هیچ محدودیتی منابع مالی و انسانی هم نداشتند چون با تعرض به سایر کشورها و غارت منابع مظلومان عالم و با کشتارهای گسترده بی گناهان در کشورهای دیگر انبوه منابع مالی را تأمین کرده‌اند و بدون هیچ محدودیتی سخاوتمندانه برای اجرای اندیشه لیبرال دمکراسی خرج کرده با این وجود امروز به شکست خود اذعان دارند و با جوامعی ورشکسته اقتصادی، به بن بست رسیده فرهنگی و فروپاشی شده اجتماعی مواجه‌اند که بعضی اخبار آن مانند کشتارهای جمعی هر روزه در آمریکا پرده فریب را از خبرگزاری‌های تحت امر استکبار که برای مخفی نگه داشتن واقعیت آن جوامع تلاش می‌کنند کنار می‌زند.

## **بزرگترین تجربه جامعه بشری در یک قرن اخیر**

به جملاتی از سخنان رسمی رئیس جمهور فعلی آمریکا توجه کنید:

رئیس جمهور آمریکا: ما بیست تریلیون دلار بدهی داریم و وضعمان خراب است (عصر ایران، ۹۵/۱۲/۰۹).

رئیس جمهور آمریکا: کشور ما هم اکنون در حال مردن است (سایت پاسخگویان؛ افتضاحات بر اساس اعترافات).

رئیس جمهور آمریکا: اگر به مرکز شهرها نگاه کنید می‌بینید ۴۵ درصد مردم فقیر هستند (همان).

رئیس جمهور آمریکا: ما کشوری به هم ریخته و از هم جدا شده داریم ما کشوری داریم که دچار تفرقه بسیار است. به شارلوت و بالتیمور نگاه کنید. به خشونت‌هایی که در شیکاگو رخ می‌دهد نگاه کنید، واشنگتن را ببینید ما شاهد افزایش قتل در شهرها هستیم و این میزان در ۴۵ سال گذشته بی سابقه بوده است (همان).

رئیس جمهور آمریکا: ما الان وضعی داریم که داخل شهرهای ما، سیاه پوستان و آمریکای لاتین تبارها در جهنم زندگی می‌کنند چون وضع خیلی خطرناک است. وقتی در خیابان راه می‌روید یک دفعه به شما شلیک می‌کنند. در شیکاگو هزاران مورد تیراندازی وجود داشته و هزاران نفر کشته شده‌اند. از اول ژانویه ما هزاران مورد تیراندازی

داشته‌ایم. هزاران تیراندازی، من می‌گویم اینجا کجاست؟ مگر اینجا یک کشور جنگ زده است؟! ما داریم چکار می‌کنیم؟ (همان)

رئیس جمهور آمریکا: طی چند سال گذشته تقریباً ۴۰۰۰ نفر در شیکاگو کشته شده‌اند. (همان)

رئیس جمهور آمریکا: اوضاع آموزش فاجعه آمیز است. (همان)

رئیس جمهور آمریکا: دیگر اوضاع از این بدتر نمی‌شود. (همان)

این‌ها تحلیل و سخنان شخصی رئیس جمهور آمریکا یعنی دونالد ترامپ است.

آیا این نوع حرفها را فقط ترامپ می‌زند خیر او‌باما رئیس جمهور سابق آمریکا در آخرین نطق سالانه خود در کاخ سفید گفت: "از حمله سپتامبر تا امروز حدود چهار صد و پنجاه هزار نفر از مردم آمریکا با سلاح گرم کشته شده‌اند اینها را نه تروریست‌های القاعده و نه داعش کشته‌اند اینها را خود مردم آمریکا کشته‌اند"

بعد از یک قرن که لیبرال دموکراسی و نظام سرمایه داری را بدون هیچ مزاحم خارجی در آمریکا اجرا کرده‌اند امروز آمریکا همین جایی است که بالاترین مقامات آن توصیف می‌کند. نتیجه صد سال پیاده سازی کامل تفکر لیبرال دموکراسی در مرکز اصلی این تفکر یعنی ایالات متحده آمریکا در عرصه‌های مختلف با دستان باز و بدون هیچ مزاحم مداخله گر، تحریم کننده و متجاوز خارجی به این شرح است:

## در اقتصاد

بیست هزار میلیارد بدهی خارجی که هر روز ۲/۵ میلیارد دلار به آن افزوده می‌شود و سیر بدون بازگشت ورشکستگی کامل اقتصادی را رقم می‌زند. بنا به اظهار رسمی کاخ سفید میزان بدهی های آمریکا با روند جاری در سال ۲۰۳۰ به سی هزار میلیارد دلار خواهد رسید که معادل ۱۰۱ درصد تولید ناخالص ملی است و این بدان معناست که در آن سال دولت آمریکا باید رسماً اعلام ورشکستگی کند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۹۶/۱۱/۲۴).

مهاجرت کامل اغلب خطوط تولید صنعتی به خارج از آمریکا حتی در مواردی که آمریکا مزیت های اقتصادی برجسته ای دارد مثلاً آمریکا بالای سی هزار کیلومتر رودخانه، یکصد هزار دریاچه، ۸ هزار کیلومتر ساحل دارد ولی، ۸۰٪

شیلات خود را وارد می کند چون با وجود میلیونها بیکار تولید در آمریکا بخاطر بالا بودن هزینه های انرژی، مواد اولیه و نیروی انسانی بصره نیست (سایت khanjan malekzai، آمریکا و ایالات متحده در مسیر تاریخ).

## پروستاریکای نظام سرمایه داری / شکست جهانی سازی غرب

متأسفانه تحلیل گران اوضاع جهان چرخش های عظیم ایالات متحده در حوزه ی اقتصاد را بر اساس همان اصطلاح ژورنالیستی که آمریکایی ها نام گذاری کرده اند "جنگ تجاری بین چین و آمریکا" نام گذاری کرده اند و واقعیت خیلی بزرگتری را که زیر این واژه پنهان است را ندیده اند این جنگ تجاری بین دو کشور نیست این فروپاشی همه ی نظریه های اقتصادی غرب است. آنچه ترامپ امضاء کرد فقط وضع تعرفه بر واردات کالا نبود در حقیقت پروستاریکای نظام سرمایه داری بود. میخائیل گورباچف رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی با نوشتن کتاب پروستاریکا با ابطال نظریه های اقتصادی سوسیالیزم ایده های جدیدی را برای نجات سوسیالیزم بین المللی از خطر فروپاشی مطرح کرد که البته آنهم شکست خورد و چیزی از نظام اقتصادی سوسیالیزم باقی نماند اما آمریکایی ها منافق تر از آن بودند که شکست نظریه های اقتصادی خود را بر عهده بگیرند و رسماً کتابی بنویسند و راه جدیدی را پیش رو بگذارند شاید هم بهتر بگوییم ضعیف تر از آن هستند که ایده ی جدیدی برای اداره ی اقتصاد دنیا داشته باشند ولی آنها عملاً ارتجاع را پذیرفتند بیشتر از ۳۰ سال بود که هرگاه از ضرورت تقویت تولید ملی و استقلال اقتصادی صحبت می کردیم توسط افرادی که خود را استاد می نامند و جز تقلید کورکورانه از غرب علمی ندارند مسخره می شدیم آنها می گفتند که "دوران این حرفها به سر آمده است جهان پیشرفت کرده است. وضع تعرفه و تلاش برای خودکفایی مربوط دهه های گذشته است. شما خواب هستید شرایط عوض شده دوران به تجارب آزاد و بدون تعرفه رسیده است باید درها را باز کرد و به رقابت اندیشید باید حمایت از تولید داخلی را کنار گذاشت اساساً علم روز اقتصاد می گوید درآمد اصلی باید از حوزه خدمات باشد و نه حوزه تولید ما باید مثل آمریکا از تولید فاصله بگیریم و مصارف خود را از ارزانترین جای ممکن تأمین کنیم و بجای پرداختن به تولید به خدمات پردازیم" اینها حرفهایی بود که عاشقان لیبرال دمکراسی در دانشگاهها ورد زبانشان بود و هر کس از اقتصاد تولید و خودکفایی حمایت از تولید داخلی دم می زد را مسخره می کردند و هر غلطی را که آمریکا در اقتصاد خود کرده بود علم قطعی می انگاشتند حالا نگاه کنید ببینید اقتصاد بدون تعرفه چه شد، اتکا به خدمات برای سود بجای

تولید چه شد آمریکا تعرفه های سنگینی برای واردات وضع می کند آنها نه برای فناوریهای تمیز و پیشرفته برای کثیف ترین و دم دستی ترین صنایع یعنی فولاد و آلومینیم. این پروستاریکای نظام سرمایه داری است نه جنگ تجاری آمریکا و چین این یعنی ابطال نظریه اقتصاد نظام سرمایه داری این یعنی جهانی سازی آمریکا شکست خورد.

آنها برای اینکه این رسوایی را سرپوش بگذارند و شکست تئوری های خود را رسماً بر عهده نگیرند، شخصیت مبتذلی مثل ترامپ را جلو انداخته اند تا این حرکت های ارتجاعی را بنام او انجام دهند. خروج از پیمان پاریس، خروج از قواعد تجارت جهانی، مطالبه رسمی پول بابت عملیات نظامی حمایت از تروریست ها از عربستان و کشورهای منطقه و... .

و وقتی تناقض آن را با آنچه علم روز می نامند به رخ آنها بکشید بگویند ترامپ یک دیوانه است و نمی داند دارد چه می کند. تنها راهی که برای حل بحران ورشکستگی آمریکا بدون اعتراف به شکست تفکر سرمایه داری به نظرشان رسیده است، همین است.

## در سیاست

حدود چهل سال است که شکست های راهبردی ایالات متحده زنجیروار ادامه دارد و پس از سازش اسرائیلی-فلسطینی در سال ۱۹۷۹ میلادی در کمپ دیوید، سیاست آمریکا هیچ پیشرفت و پیروزی پایداری را تجربه نکرده است. از دست دادن کامل ایران و شکست حاصل از همه ی تلاش های گسترده برای برگشتن به حاکمیت ایران. شکست کامل در همراه سازی اتحاد شوروی فرو پاشیده و شکست خورده با خود. شکست کامل در پیاده سازی عملی کمپ دیوید و فرو نشاندن عرصه جوشان فلسطینی. شکست در کنترل گرفتن سیاسی لبنان و خلع سلاح حزب اله با وجود هزینه های بسیار سنگین جانی و مالی و حیثیتی. شکست در دست گرفتن حاکمیت افغانستان با وجود پرداخت هزینه های سنگین و رسوایی های آن شکست در واژگون سازی حکومت سوریه علیرغم هزینه های سنگین حیثیتی و متوسل شدن به ساختار سازی رسوای تروریستی داعش و تبعات سوء امنیتی آن برای غرب. شکست در سلطه بر عراق و در دست گرفتن اداره این کشور. شکست در مهار انقلاب عظیم یمن. شکست ها و عقب نشینی های فاحش در حیات خلوت سیاسی آمریکا یعنی آمریکای لاتین از جمله شکست کودتاها مکرر در ونزوئلا، بازگشت مجدد ساندینت ها در نیکاراگوئه پس از شکست مقطعی، شکست های مکرر در بولیوی، برزیل، اکوادور .... شکست در شبه جزیره کره و ناتوانی در حل یک مسأله کوچک و دلیل شدن در مقابل یک کشور ضعیف و کوچک برای فهم شکست سیاسی آمریکا

همین بس که بدانیم در تاریخ ۲۰۱۴ اوپاما طی سفر به افغانستان از آنجا که بخاطر ترس از رفتن به شهر کابل معذور بود. از رئیس جمهور افغانستان خواست با او در فرودگاه ملاقات کند و رئیس جمهور افغانستان گفت اگر ملاقات می‌خواهد باید به کاخ من بیاید در نتیجه ملاقاتی صورت نگرفت (سایت افغانستان (شفقنا) ۶جوزا ۱۳۹۳).

در علم سیاست ابر قدرت به نظامی می‌گویند که هر چه اراده کند را می‌تواند در عرصه سیاست پیاده کند حالا چرا ما کشوری را که هر چه اراده می‌کند خلاف آن اتفاق می‌افتد را هنوز ابر قدرت می‌دانیم اینهم از عجایب روزگار است.

اگر امروز کروفری از امریکا در دنیا می‌بینید این آثار هیبت گذشته است قدرت آمریکا دیگر تمام شده و هر که گوشش بر واقعیت‌ها باز باشد و کر نباشد صدای شکستن استخوانهای لیبرال دمکراسی و مرجع حاکمیت آن (آمریکا) را بوضوح می‌شنود.

اختر شناسان می‌گویند بعضی ستاره‌ها که می‌بینیم الان دیگر وجود ندارند و میلیونها سال پیش از بین رفته‌اند و تازه نورشان به ما می‌رسد این حکایت امروز قدرت آمریکا برای کسانی است که تصور قدرتمندی از آمریکا دارند مثل جنیانی که گرفتار فرمان حضرت سلیمان (ع) بودند حال آنکه او مدتها بود که از دنیا رفته بود تا آنکه موریانه‌ها عصایی را که حضرت سلیمان (ع) به او تکیه داده بود خوردند و برای آن جنیان بدبخت تازه روشن شد که او مرده و آنها به تصور اینکه در حیات است مدتها دستورات سخت او را اجرا می‌کرده‌اند. استکبار آمریکا شباهتی به پیامبر بزرگ خدا حضرت سلیمان (ع) ندارد ولی آنها که هنوز از قدرت آمریکا می‌ترسند و راه بردگی و وابستگی به او را طی می‌کنند خیلی شبیه آن جنیان بی اطلاع از واقعیت‌ها هستند آنها نمی‌دانند که امروز اگر کشوری مقتدر به ناو هواپیما بر آمریکا حمله کند و آنرا به آتش بکشد آمریکا قابلیت پاسخگویی ندارد و از راه مذاکره وارد می‌شود.

## در عالم دیپلماسی عمومی و رسانه

ایالات متحده از لحاظ فیزیکی بیشتر از ۹۰٪ رسانه‌های جهان را در اختیار دارد و منبع تولید و توزیع اکثریت اخبار مردم جهان است با وجود این هزینه بسیار سنگین و امکانات بی نظیری که در اختیار دارد و هزینه‌های بسیار سنگینی که برای حفظ برتری در این زمینه می‌پردازد طبیعتاً باید محبوب‌ترین کشور جهان باشد حال آنکه بدون شک منفورترین کشور جهان است.



نه تنها سفرهای خارجی مقامات تراز اول آمریکا در کشورهای ستم زده با واکنش‌های خشم آلود بخش عظیمی از مردم آن کشورها مواجه است و خیلی اوقات مجبورند بدون اعلام قبلی سفر کنند بلکه حتی سفر رئیس جمهور آمریکا به انگلیس در دیماه ۱۳۹۶ تحت فشار افکار عمومی مردم انگلیس که در اقدامی بی نظیر دو میلیون امضاء جمع کرده بودند لغو شد. دو هفته بعد از آن رئیس جمهور آمریکا در داخل اجلاس داوس که محفل سالانه اقتصاد صهیونیسم بین الملل است هو شد (سایت شبکه العالم، ۱۳۹۶/۱۱/۰۷).

آنها با وجود حجم عظیم رسانه هایی که در اختیار دارند آنقدر بهره وری ضعیف و غیرقابل قبولی در این زمینه دارند که مرتباً به بهانه های مختلف دو شبکه انگلیسی و اسپانیایی زبان جمهوری اسلامی یعنی پرس تی وی و هیسپان تی دی را از ماهواره ها قطع می کنند چرا که همین دو شبکه بسیار کوچک گاهی بر هزاران شبکه رسانه ای آنان غلبه می کند و آنها را از آگاهی مردمشان می ترسند.

## در عرصه نظامی

ایالات متحده به تنهایی تقریباً برابر کل کشورهای جهان هزینه نظامی می کند سالانه ۷۰۰ میلیارد دلار، پیشرفته ترین ناوها، جنگنده ها، موشک ها و ... را در اختیار دارد ولی در اغلب عملیات نظامی شکست می خورد. یا لاقبل به نتیجه نمی رسد شکست فاحش در ویتنام، شکست در طبرستان ایران، شکست در حفظ تفنگداران آمریکایی در لبنان و فرار مفتضحانه از این کشور، شکست های مکرر در افغانستان و روی آوری به کشتار بی گناهان با بمبارانهای از راه دور و واگذاری اکثر استانهای افغانستان به مخالفان خود، شکست در عراق و خروج اجباری بخش اعظم قوای خود از این کشور و واگذاری عرصه به مخالفان آمریکا.

وزیر دفاع آمریکا طی بیانیه ای که دیماه ۱۳۹۶ منتشر شد رسماً اعلام کرد "برتری نظامی آمریکا در هوا، زمین، دریا، فضا و فضای مجازی در حال نابود شدن است. در این بیانیه آمده است: "برای چندین دهه ایالات متحده از برتری بلامنازع خود در هر حوزه عملیاتی بهره مندی کامل برده است ما نیروی خود را در هر زمان و مکان که می خواستیم مستقر می کردیم و هر طور خواستیم دست به عملیات زدیم امروز این نفوذ و تسلط رو به افول است" (روزنامه جوان، ۱۳۹۶/۱۱/۰۱)

در این بیانیه آمده است: "آمریکا باید بودجه نظامی خود را بالا ببرد تا بتواند برای جنگ آماده شود" (روزنامه جوان، ۱۳۹۶/۱۱/۰۱).

این در حالیست که بودجه نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۸ مبلغ ۷۰۰ میلیارد دلار است که بی سابقه ترین بودجه دفاعی آمریکاست و نیمی از بودجه دفاعی ۱۴۰۰ میلیارد دلاری کل کشورهای جهان است (جام جم آنلاین، ۱۳۹۶/۰۴/۲۶). ولی تمام این هزینه ها دیگر بی فایده است چون رژیم آمریکا دیگر هیچ رزمنده ای که حاضر شود برای کشورش فداکاری کند و خود را به خطر بیاندازد ندارد. آمریکا توانی برای جنگیدن ندارد آنها ملت خود را سالها بر اساس اندیشه ای تربیت کرده اند که هر کس باید به فکر خودش باشد و امروز میوه آنرا می بینند شکست آمریکا در عراق و افغانستان این موضوع را ابات کرد تعیین مکرر ضرب الاجل برای حمله به کره شمالی و سوریه و ناتوانی در این حمله اینرا ثابت کرد حمله ی مضحک و بچه گانه ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۷ به سوریه اینرا ثابت کرد آمریکا از وحشت عکس العمل ایران و روسیه قبل از پرتاب موشک ها به سوریه رسماً به جمهوری اسلامی ایران و به کشور روسیه جداگانه خبر داد که قصد پرتاب موشک دارد. اهداف را هم تعیین کرد. رسماً اعلام کرد که هدفش از این حمله بهیچوجه ایران و روسیه نیست به سوریه هم فرصت داد اگر در آن اهداف بی ارزش کسی یا چیزی هست تخلیه کنند. یک حمله موشکی کاملاً نمایشی چرا که از عکس العمل احتمالی می ترسد باید هم بترسد یک روزگاری ناوهای هواپیما بر آمریکا برای ملت ها هولناک بود امروز یک انبار باروت در دسترس است که چند قایق کوچک می توانند با انفجار آن هزاران نظامی آمریکا را قعر دریا بفرستند و بیشتر از صد هواپیما و بالگرد را نابود کنند یا با موشک بالستیکی نقطه زن با یک شلیک او را روانه ی کارخانه اش کنند یا مین هایی که در همه ی دنیا کابوس آمریکاست پایگاههای نظامی آمریکا در تمام منطقه در محاصره ی مجاهدان انقلابی است و با یک فرمان می توانند همه را ساقط کنند. بیانیه وزیر دفاع آمریکا که بخشی از آن در بالا آمد یک واقعیت قطعی است.

اندیشکده های وابسته به کاخ سفید و شورای روابط خارجی آمریکا که برآوردهای اصلی رژیم ایالات متحده را ارائه می کنند برآوردشان از وضعیت بالانس قدرت اینست.

اندیشکده بروکینز فوریه ۲۰۱۷ "دنیای حاضر بسیار متفاوت از دنیایی است که در سالهای حمله در ۱۹۹۳ و ۲۰۰۱ و ۲۰۰۹ بود. نارضایتی از وضع موجود موجب شد اشتیاق به بین المللی گرایی (پذیرش رهبری آمریکا) از بین برود.

آمریکا باید خود را با این واقعیت سازگار کند که دنیا از لحاظ ژئولیتیک رقابتی تر شده و نظم منطقه ی خاورمیانه از هم پاشیده است."

فوریه اندیشکده آتلانتیک سپتامر ۲۰۱۷ "رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه همانند تلاش برای گرفتن توپ روی هواست. اما ایران امروز قدش از دنیا بلندتر است و توپ را بهتر می تواند بگیرد."

## در عرصه اجتماعی

فروپاشی اجتماعی مسأله ای است که عملاً در آمریکا اتفاق افتاده است و جملات نقل شده از دو رئیس جمهور آمریکا در مورد وضعیت اجتماعی آن کشور در ابتدای این بحث به تنهایی سندی گویا از این واقعیت است.

با وجود آنکه در آمریکا تخلفات بزرگی مثل قمار، مصرف مواد مخدر، فحشا و مستی و ... جرم نیست و با وجود آنکه آمریکا تنها ۴/۴ درصد جمعیت جهانی را در خود دارد تعداد زندانیان آن کشور بیش از ۲۳ درصد زندانیان جهان است یعنی تقریباً یک چهارم زندانیان جهان در زندانهای آمریکا هستند یعنی ۲/۴۵۰/۰۰۰ زندانی در آمریکا سالانه سی هزار نفر با سلاح گرم کشته می شوند اگر اینها را به تعداد مقتولین با سلاح سرد یا سایر روشها اضافه کنیم رقم سرسام آوری می شود که سالهاست دولت آمریکا از ارائه آمار آن برای درج در گزارش سالانه اینترپول خودداری می کند (خبرگزاری تابناک ۱۳۹۴/۱۰/۱۵، خبرگزاری pars today ۱۳۹۵/۰۶/۰۹).

تنها در سال گذشته در آمریکا ۸۲۰ نفر از شهروندان در خیابان با ضرب گلوله پلیس کشته شده اند. این رقم به تنهایی می تواند اوضاع آشفته داخلی آمریکا را ترسیم کند. ظاهراً خون انسان ها در آنجا دیگر قدر و منزلتی ندارد و مثل کشتن سوسک و پشه است.

آمار ۶۰ درصدی طلاق در کشوری که بخش اعظم جامعه اساساً خود را ملزم به ازدواج نمی دانند و نجیبانی که رسماً ازدواج می کنند اینقدر طلاق می گیرند آمار نجومی سقط جنین، فرزندان نامشروع همه نشانگر بن بست رسیدن زندگی بر اساس تفکر لیبرالی است برابر آمار در آمریکا در هر ۹۸ ثانیه یک تجاوز به عنف ثبت شده در مرکز پلیس بوقوع می پیوندد (سایت sputniknews، ۱۳۹۶/۰۲/۰۲).

وضعیت اروپا هم بهتر از این نیست اکثریت کشورهای اروپایی گرفتار رشد منفی جمعیت یا توقف رشد جمعیت هستند و بعضاً هم که افزایش اندکی که در آمار جمعیت نشان می‌دهند ناشی از پذیرش تابعیت مهاجران خارجی است. این واقعیت را در ترکیب تیم‌های ورزشی آنها که بسیاری از اعضای آن سیاه یا دورگه‌های آفریقایی یا آسیایی و آمریکای لاتین هستند بخوبی می‌توان دید این بدان معناست که در آینده‌ای کمتر از یک قرن دیگر نژاد اروپایی از روی زمین منقرض می‌شود یا در حد موزه خواهد بود.

این یعنی نابودی یک گونه انسانی یعنی انقراض و این بدترین سرنوشتی است که یک کشور ممکن است به آن دچار شود. برای یک ملت بلا و مصیبتی از این بزرگتر که کل هویت آنان در معرض نابودی کامل قرار گرفته وجود ندارد. اروپایی‌ها برای اینکه چراغ شهرهایشان روشن بماند مجبورند کشورهایشان را بتدریج تحویل آسیایی‌ها و آفریقایی‌ها بدهند این واقعیتی است که دارد اتفاق می‌افتد و با اصرار بر حاکمیت لیبرالیسم هیچ راه گریزی ندارد.

اطلاعات زیر را از کسی که سالهاست در یکی از کشورهای غربی زندگی می‌کند و در نظام اداری آنها استخدام شده و مشغول کار اداری است گرفته ایم.

در بعضی کشورهای غربی در فرم‌های شناسایی افراد برای فرم سرشماری یا استخدام: همکاری رسماً چندین نوع زندگی مشترک را به رسمیت شناخته‌اند و جایگزین دو حالت مجرد، متأهل کرده‌اند و وضعیت تأهل افراد را از لحاظ حقوقی بصورت‌های زیر پذیرفته‌اند. انواع وضعیت زندگی مشترک در بعضی کشورهای غربی پذیرفته شده و رسماً در فرم‌های اداری و استخدام نوشته می‌شود:

۱- Never married هرگز ازدواج نکرده

۲. Widowed بیوه شده

۳. Divorced مطلقه

۴. Sepatated but not divirced. جدا از هم شدند ولی طلاق نگرفتند .

۵. Married ازدواج کرده

۶. De Facto به این معنی است که شما با یک نفر بیشتر از شش ماه زندگی زیر یک سقف زندگی کنی ولی رسماً ازدواج نکرده باشی

۷. Partner دو نفر در ارتباط زناشویی باشند ولی رسماً ازدواج نکرده باشند. این حالت میتواند سالها طول بکشد و شما با یک نفر زندگی کنید و بچه دار بشوید ولی همیشه پارتنر بمانید.

۸. boy friend & girl friend. این حالتیه که شما با یه نفر دوست میشوید و هیچگونه تعهدی نسبت به هم ندارید و شاید زیر یه سقف هم زندگی کنید ولی هزینه هاتون رو جداگانه هرکسی برای خودش پرداخت میکنه. و تعهد اخلاقی برای ماندن و ادامه ندارید. عمدتاً این رابطه در نوجوانی و جوانی هست که ممکنه ده ها نفر رو تعویض کنید و ممکنه عمر داشته باشه این ارتباط چند روز و چند هفته باشد.

۹. open marriage. یعنی شما با همسرت ازدواج رسمی و قانونی میکنید ولی شرط ازدواج اینست که دو طرف ازاد هم باشند. مثلاً خانم این اقا علاقه مند شدید به ارتباط جنسی با افراد متفاوت و تنوع در ارتباط هست برای همین هفته ای چند بار بعد از کار با افراد مختلف همبستر میشه ولی برای شام و خواب به منزل مراجعه میکند و قرار گذاشتند که پایان هفته ها و تعطیلات را با هم باشند و جایی نروند و این تنوع طلبی فقط در ساعتهای خاصی باشد. مجموعه اینها در پرسشنامه ها میاید وقتی شما در اداره و یا مکانی لازم باشد موقعیت تاهل خودرا اطلاع دهید بر اساس این الگوهای ۹ گانه مینویسد.

تبصره ۱: خیلی روابط فوق دو صورت کلی دارد ازدواج با همجنس یا غیر همجنس \*

تبصره ۲: اینها موارد قانونی است که از لحاظ حقوقی دادگاهها میپدیزند و بر اساس آن به شکایتهای طرفین یا حوادث و ارت و رسیدگی میکنند وگرنه الگوهای رایج خیلی متنوع تر از اینهاست \*

تبصره ۳: بخاطر افزایش این موارد و عادی شدن حرامزادگی و نا معلوم بودن پدر افراد در بسیاری از کشورها شناسنامه به اسم مادر صادر میشود نه پدر \*

تبصره ۴: بخاطر مسایل مالی و بار مالی که ازدواج رسمی و طلاق رسمی برای مرد ایجاد میکند ترجیح میدهند که رسماً ازدواج نکنند و در صد کمی از مردم که ازدواج رسمی میکنند اگر کارشان به طلاق بکشد (که بین ۴۵ تا ۶۵

درصد به تفاوت کشورها اینچنین است) سعی میکنند رسماً طلاق ندهند. لذا خیلی افراد که رسماً طلاق ندادند از هم جدا زندگی میکنند و چه بسا با زن یا مرد دیگری زندگی میکنند (سایت نمناک).

نتیجه همه این واقعیت‌ها فروپاشی نظام خانواده، تربیت نسلی جنایت‌پیشه با خصوصیات غالب حیوانی، و بحرانهای عظیم روانی و امنیتی است، شاید کسی ظواهر آراسته شهرهای غربی را دلیلی بر درستی این رفتارها بداند که قضاوت غلطی است چرا که باید به آمارهای جنایات و اوضاع امنیتی رجوع کرد اینکه در شهری مثل لندن زیر بار ۱/۵ میلیون دوربین مدار بسته و مجازاتهای بسیار سنگین ظاهراً قوانین رعایت می‌شود (عصر ارتباطات مشرق زمین)، ملاک نیست خوبی و درستی وضعیت در تهران هم روی پل شهید صدر و تونل نیایش زیر بار دوربینها انضباط رانندگی از آلمان هم جدی‌تر است هیچکس یک کیلومتر از سرعت ۷۰ بالاتر نمی‌رود همین که از کنترل دوربین خارج شوید اتفاقات دیگری می‌افتد سالانه ۱/۵ میلیون سقط جنین رسمی در آمریکا صورت می‌گیرد همین رقم که معلوم نیست چند برابر آن غیر قانونی اتفاق می‌افتد بخوبی گویای آشفتگی روانی جامعه است (سایت فرارو، ۹۵/۰۲/۲۱).

همین ماههای اخیر نخست وزیر انگلستان خانم تریسی کروچ را بعنوان **"وزیر تنهایی"** منصوب کرد نخست وزیر انگلستان در توجیه این انتصاب مأموریت این وزارتخانه را رسیدگی **"واقعیت تلخ زندگی مدرن"** عنوان کرده است (خبرگزاری ایسنا، ۹۶/۱۰/۲۷).

صلیب سرخ انگلیس اعلام کرده که بیش از ۹ میلیون نفر در انگلیس تنها زندگی می‌کنند یعنی نزدیک به ۱۷٪ جمعیت ۵۴ میلیونی انگلیس تنها زندگی می‌کنند. صلیب سرخ تنهایی در این کشور را یک بیماری واگیردار پنهان توصیف کرده است که در میان تمام رده‌های سنی شایع است (آفتاب نیوز، ۹۶/۱۰/۲۷).

بارها وقتی تاریخ ملت‌ها را می‌خواندم و جنایات بی نظیر انگلیسی‌ها در حق ملت‌ها را می‌دیدم از خودم می‌پرسیدم خدا که عادل است چگونه می‌خواهد انتقام این ملت‌های مظلوم را از انگلیسی‌ها بگیرد وقتی جز انتصاب وزیر تنهایی را شنیدم جواب سؤال خود را گرفتم چه انتقامی سخت‌تر از نابودی یک نژاد تا چند دهه دیگر مردم شبه قاره هند و عراق و آفریقای جنوبی کشورهایی که بیشترین ظلم انگلیسی‌ها در آنجاها شد مالک سرزمین انگلستان خواهند بود و این مجازات روشن الهی است.

هیچ ملت عاقل و خردمندی چنین راه و تفکری را برای زندگی خود انتخاب نمی‌کند تفکری که پس از اجرای کامل نقشه‌های آن آنهم بشرط فرصت غارت منابع مادی و معنوی دیگر کشورها، بعد از صد سال تلاش تازه می‌رسد به آنچه امروز در آمریکا و اروپا شاهد آن هستیم.

## اینها پاسخ سؤال دوم است

این وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی آمریکا و اروپاست که با دست باز کشورها را با سلاح و فریب و سرویس‌های جاسوسی خود زیر سلطه گرفته و با بیرحمانه ترین کشتارها اموال بی شمار منابع زیرزمینی فراوان و منابع انسانی استعداد کشورها را به غارت برده‌اند و برای حل مشکلات خود و اجرای تفکر و سیاست‌های غربی هیچ محدودیت مالی و اخلاقی نداشته‌اند آمریکایی که با سازماندهی ۱۶ سازمان جاسوسی بین‌المللی که مأموریت یکی از آنها فقط نفوذ و سلطه بر منابع اقتصادی کشورهای جهان است با حمایت بی‌شائبه از شاهان و سران دیکتاتور و آدم‌کش کشورها اختیار منابع مالی آنها را بدست گرفته و تا توانسته منابع ملت‌ها را غارت کرده و منابع بسیار کافی برای پیاده سازی تفکر خود داشته است و از سوی دیگر هیچ کشوری مزاحم او در اجرای تفکر لیبرال دموکراسی در آمریکا نبوده است این حال و روز را دارد حال اگر کشوری بخواهد چنین غارتگری‌ها و جنایت‌هایی را نسبت به جهانی نداشته باشد و صرفاً تفکر آنها را در داخل خود اجرا کند و مثل آنها منابع ملی به حساب و کتاب غارت شده باد آورده هم در اختیارش نباشد چه خواهد شد به چه فلاکتی خواهد رسید؟ امروز بن بست کامل در این تفکر لیبرال دموکراسی از روز روشن تر است.

یکی از عوامل اصلی که غرب با هزینه‌های سنگین مفاسد اخلاقی را به جامعه ایران پمپاژ می‌کند و از هر وسیله‌ای برای نفوذ دادن این سبک زندگی خانمان برانداز در میان ایران‌فروگذار نمی‌کند اینست که اگر بگذارند مردم ما راه و مرام خود و فرهنگ خودشان را بروند امنیت و آرامش جامعه و کاهش معضلات اجتماعی سبک زندگی بومی و دینی ما بگونه‌ای خواهد شد که همه‌ی جوامع جهان به ایران اقتدا کنند و این برای آنها وحشت برانگیز است لذا از یکسو با شدت (وحدت) زندگی فاسد خود را به جامعه، تزریق می‌کنند و از سوی دیگر با بروز عواقب نفوذ فرهنگ غربی با بزرگنمایی معضلات در رسانه‌ها احیاء می‌کنند که این نتیجه پیاده سازی اسلام است حال آنکه همه میدانیم که این معضلات همه نتیجه فراموشی فرهنگ ملی و مذهبی خودمان و تأثیر پذیری از فرهنگ غرب است.

## علت اصلی رویکرد انقلاب‌های رنگی

کشورهای غربی در دهه‌های گذشته برای براندازی نظامها و جایگزین کردن نظام مطلوب خود ایدئولوژی لیبرالی خود را به افرادی آموزش می‌دادند و یا از طریق رسانه‌ها این تفکر را در درون کشور مخاطب ترویج می‌کردند و با توجه به جذابیت‌های نظریه‌های لیبرالیسم در آن دوران ملت‌ها را جذب و در مقابل ایده‌های رقیب مانند سوسیالیسم قرار می‌دادند اما چرا در دو دهه اخیر غربی‌ها بجای انقلاب‌های لیبرالی انقلاب‌های رنگی را کلید زده‌اند. علت اصلی آنرا باید در شکست اندیشه‌ای لیبرالیسم و فقدان جذابیت در آن دانست.

قریب ۳ دهه است که جهان غرب هیچ ایده و حرف نو برای جهان نداشته است و به پایان خود رسیده است فرانسیس فوکویاما از اصلی‌ترین نظریه پردازان لیبرال دموکراسی و اندیشمندان رژیم ایالات متده در کتاب پایان تاریخ و آخرین انسان که در سال ۱۹۹۲ منتشر شد می‌نویسد: "لیبرال دموکراسی پایان تاریخ است و بشر به اندیشه‌ای فراتر از این برای اداره ی جوامع خود نخواهد رسید" (سایت آخرین خبر، ۹۶/۱۱/۱۶).

باید گفت این جمله کاملاً درست ولی ناقص است لیبرال دموکراسی پایان تاریخ مصرف ماتریالیسم و سکولاریزم غرب است ایده‌ای کاملاً شکست خورده که هیچ ملت عاقلی دیگر آنرا تکرار نخواهد کرد.

فلسفه اصلی روآوری غرب به انقلاب‌های رنگی و آشوب‌های اینترنتی اینست که دیگر ایده‌ها و تفکراتشان هیچ جذابیتی ندارد که بخواهند مردم یک کشور را زیر پرچم ایده‌های خودشان علیه نظامی که مخالف آنهاست متشکل کنند. آنها اگر اسم هر حزب یا صاحب تفکر ایدئولوژیک را بیاورند یا پای مرام و ایدئولوژی را که به میان بکشند بخش اعظم معارضان نظام مخالف خودشان را از دست می‌دهند.

آنها نمی‌توانند مخالفان هیچ کشوری را نسبت به ایده‌های آمریکایی متقاعد کنند و آنها را زیر پرچم یک آرمان و اعتقاد مورد قبول مشترک گرد آورند لذا از یک "رنگ" استفاده می‌کنند و بجای نشان دادن شخصیت رهبران معارض از فضای مبهم مجازی آشوبها و شورشها را فرماندهی می‌کنند. فرماندهی مجازی که بدون مشخص بودن تفکرش می‌تواند منافق سوسیالیست را با سلطنت طلب کاپیتالیست جریان عرب متعصب ضد فارس را پایان ایران‌یست ضد عرب، بهایی ضد دین را با متحجر باند مهدی هاشمی و طرفداران موسوی و کروبی و ... همزمان به خیابان بکشد.



آن‌ها می‌دانند اگر بخواهند بجای این رهبری مبهم مجازی و رنگی، ایدئولوژی و تفکری را حتی در حد یک اسم گذاری یا تعیین قطعی رهبری جایگزین کنند بخش اعظم این نیروها را از دست می‌دهند و محور وحدت فقط مخالفت با نظام حاکم است و هیچ ایدئولوژی جایگزینی وجود ندارد چرا که دیگر کسی دیگر به تفکرات شکست خورده آنها اعتنایی نمی‌کند.

اگر در دهه های گذشته سوسیالیسم و لیبرالیسم را با بحث‌های تئوری و مباحث نظری و فلسفی رد می‌کردیم و طرفهای مقابل با رد مبانی منطقی و فلسفی ما و تکیه بر تجربه گرایی دین را افیون ملت‌ها می‌دانستند و ادعا داشتند فقط به آنچه زیر چاقوی تجربه حس می‌کنیم پایبندیم و به آنچه تجربه نشده هیچ اعتقادی نداریم امروز بر اساس الگو و منطق خودشان با آنها صحبت می‌کنیم و می‌گوییم تفکرات ماتریالیستی، اومانستی و لیبرال و سوسیالیستی نه فقط با برهان فلسفی و منطق نظری باطل و پوچ‌اند بلکه صد سال اجرای این تفکرات را در میدان عمل تجربه کردیم و نتایج تجربه شده آنها در جنایات بین‌المللی شرم‌آور صاحبان این تفکرات و فروپاشی درونی کشورها و ملت‌هایشان دیدیم و کوس رسوایی ماتریالیسم و سکولاریسم در هر شکل و صورت آن سالهاست نواخته شده و همه خلائق از آن آگاهند.

لذا سی و هشتمین تجربه راهبردی انقلاب کبیر اسلامی در چهلمین سال خود اینست که امروز هیچ‌الگوی موفقیتی برای اداره‌ی جوامع بشری وجود ندارد و سوسیالیسم و کاپیتالیسم هر دو به پایان راه رسیده‌اند و همه‌ی مکاتب و ایسم‌ها در عمل و تجربه ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند و شکست آن نظریه‌ها عملاً ثابت شده و هیچ عقل سلیمی پیمودن راه شکست خورده را تجویز نمی‌کند. در این جهان به بن بست رسیده با وجود خلأ نظری موجود برای اداره جهان راهی جز تدوین "الگوی اسلامی ایران پیشرفت" و عمل به آن نداریم الگویی که امید می‌رود با پر کردن خلأ موجود نظریه برای اداره‌ی جهان، شکل دهنده به نظم آینده جهان باشد.

## راه خروج بشریت از بن بست و سردرگمی

با این اوصاف آیا الگوی جایگزین برای نظریه‌های شکست خورده سوسیالیسم و لیبرالیسم وجود دارد؟ چهل سال فرصت مدت کمی برای دسترسی به نظریه‌های اسلامی و برنامه تخصصی مبتنی بر اسلام برای اداره کشور در بخش‌های

مختلف نیست، همینطور این مدت برای کادرسازی و جایگزینی نظریه پردازانی که با ترور از دست مردم گرفته شدند کافی به نظر می‌رسد اما آیا این امر اتفاق افتاده است؟

هر چند شاید به سبب اینکه برنامه‌ها و کادرها و نظریه‌های انقلاب اسلامی برای اداره‌ی جامعه بشری در قالب یک تشکیلات حزبی یا مانیفست‌ها و بیانیه‌های سازمانی به طور منظم در دسترس نیست غیر قابل قبول به نظر برسد اما پاسخ این سؤال مثبت است؟

## **ظرفیت‌های عظیم و نرم افزارهای ششگانه منحصر به فرد ملت ایران برای تحقق دولت اسلامی و جهش بزرگ**

پیشرفت‌های بزرگی که در طول این چهل سال در کشور بدست آمد محصول مدیریت دولت اسلامی نبود ما فقط نظام اسلامی داشتیم و داریم که فرصت آزاد برای انتخاب مردم را فراهم کرده است و در طول این چهل سال دولت‌ها و مجلس‌هایی مبتنی بر آراء مردم در رأس کار بوده‌اند و این دولت‌ها بر اساس آنچه در پیش گفته شد با الزامات محدود نسبت به اسلام و برنامه اسلامی تفکرات خود را پیاده کرده‌اند با این وجود چنین نتایج درخشانی ببار آمده است حال اگر برنامه دولت واقعاً اجرای تفکر اسلامی و ولایی باشد این پیشرفت‌ها سرعت خواهد گرفت آیا هنوز محدودیت‌های برنامه و کادر برای اجرای تدابیر مدیریت اسلامی به کشور پا برجاست با امروز تحقق دولت اسلامی شدنی است؟

نگاهی دقیق به صحنه کشور پاسخ به این سؤال را روشن می‌کند ما امروز سرمایه‌هایی داریم که هیچوقت نداشته ایم. اول رهبری با چهل سال تجربه مدیریت عالی نظام که با همه‌ی اجزاء و بخش‌های تخصصی سالها ممارست داشته و فراز و نشیب و مشکلات و موفقیت‌های همه بخش‌های نظام را از نزدیک شاهد بوده است به خودی خود سرمایه‌ای بی نظیر است که اگر تدابیر و فرامین او قدرشناسی شود و بهره برداری شود گنجینه‌ای ارزشمند برای تضمین موفقیت کشور در همه امور خواهد بود. این فرصتی است که تاکنون در طول تاریخ ایران وجود نداشته است.

**دوم** در کنار کادرهای زیادی که از انقلاب اسلامی ریزش کرده و به سبب ارتحال یا خارج شدن از مسیر عدالتخواهانه و پیوستن به صف دنیاگرایان از دسترس انقلاب اسلامی خارج شده‌اند کادرهای زیادی هم روییده و رشد کرده و به

توانایی‌های بالایی رسیده‌اند به طوری که بطور یقین امروز وضعیت کادرها انقلاب اسلامی از سال‌های اول انقلاب بهتر است.

**سوم** بالاترین ظرفیت بالقوه ی نیروی انسانی آموزش دیده و آماده به کار جهان را داریم برابر آمار بین المللی هیچ کشوری در جهان به قدر ایران ظرفیت نیروی انسانی آموزش دیده‌ای که بکارگیری نشده ی آماده ی بازار کار ندارد.

**چهارم** مطالعات و تحقیقات زیادی روی برنامه‌های مبتنی بر اندیشه اسلامی برای اداره ی جامعه صورت گرفته است. از قانون اساسی اصلاح شده تا سند چشم انداز بیست ساله کشور و پیوست های آن، سیاست‌های کلی نظام در همه ی بخش‌ها و حوزه های تخصصی دهها سند بالادستی مانند سند تحول بنادین در آموزش و پرورش، سند اسلامی شدن دانشگاه ، نقشه جامع مهندسی فرهنگی، نقشه جامع علمی کشور، سند راهبردی نخبگان، منشور توسعه قرآنی، سند اقتصاد مقاومتی، سند جامع توسعه هوافضای کشور و سند ملی برنامه درسی، سند ملی تربیت و دهها سند راهبردی کشور در امور نخبگان و فناوریهای سلولهای بنیادین و اسناد ملی دیگر برای توسعه میراث فرهنگی، کمیته امداد امام خمینی. مصوبات جامع شورای عالی انقلاب فرهنگی ، علاوه بر آن دهها فرمان مهم یا ساختارسازی هایی که ضرورت آن عملاً احراز شده و حتی بعضاً الگوی دیگر کشورها قرار گرفته است مانند بسیج مستضعفین، جهاد سازندگی، کمیته امداد امام خمینی(ره)، بنیاد نخبگان، بنیاد شهید و صدها قانون و لایحه و راهبردها و آموزه‌های بسیار مهم مانند اقتصاد مقاومتی، ستاد مبارزه با فساد اقتصادی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و... با صدها و شاید هزاران میلیارد تومان هزینه و خون‌ها و خون دل‌های فراوان حاصل شده است و این اسناد از مهم‌ترین سرمایه‌های ملت رشید ایران محسوب می‌شود. ولی به دلایلی که قبلاً گفته شد بسیاری از این اسناد ارزشمند کاملاً کنار گذاشته شده و این تجربه‌های حاصل از خون دهها هزار شهید و خون دل‌های اولیاء خدا این سرمایه‌ها در بایگانی‌ها راکد و بلا استفاده مانده‌اند و هر دولتی روی کار آمده است بجای پیروی از این اسناد ملی و سیاست های پخته و سنجیده‌تر بسیاری از موارد سیاست خود را بکار بسته است.

### **پنجم سرمایه عظیم معنوی و نفوذ جهانی**

در طول تاریخ ایران کشور ما هیچگاه چنین رفعتی در میان مردم دنیا نداشته است نفوذ بین الملل ایران در میان ملتهای جهان قطعاً برای تاریخ ایران بی نظیر و در میان کشورهای دنیا هم کم نظیر و شاید بی نظیر است هر چند

صهیونیسم بین الملل و آمریکای جهانخوار با رسانه های فراوان تلاش وافری برای خدشه دار کردن جایگاه ایران در میان ملت ها کرده اند اما محبوبیت و نفوذ روز به روز افزایش و تعمیق یافته است اگر امام خمینی (ره) - "راست می گویند رئیس شما بیاید رئیس جمهور ما هم می آید در یک کشوری قدم بزنند ببیند چه کسی منزوی است و چه کسی استقبال می شود" این ظرفیت امروز دهها برابر شده است. و این ظرفیت کوچکی برای پیشرفت سریع بسوی تمدن اسلامی جهانی نیست.

### ششم تجربه های عظیم انباشته چهل سال مقاومت ملت قهرمان ایران

"تجارب چهل ساله انقلاب اسلامی" از بزرگترین سرمایه های ملت ایران برای پیشبرد کشور بسوی دولت عدل اسلامی، تحقق جامعه اسلامی و حرکت عظیم بسوی تمدن بزرگ اسلامی است.

ملت عظیم الشان ایران با مقاومت جانانه چهل ساله خود تجارب راهبردی حیات بخشی را کسب کرده است که چهل نمونه از آن تجارب در این مجموعه با مستندات ارائه شد این تجارب مترکم امروز از مهمترین سرمایه های جامعه بشریت است.

بسیاری از آموزه هایی را که خدای متعال در کتب آسمانی یا به زبان انبیاء به بشر آموخت بسیاری از بندها و اندرزهایی را که حکمای بزرگ در طول تاریخ برای بشر به یادگار گذاشتند بسیاری از عبرت ها و درس هایی که جوامع بشری گذشته از خواندن تاریخ آموختند ملت ایران با انقلاب اسلامی قهرمانانه و با شکوه خود پیش روی جهانیان مجسم کرد نادیده گرفتن این تجارب کفران بزرگترین نعمت الهی و بالاترین دستاورد خون شهیدان و مجاهدت جانبازان و ایثارگران کشور ماست و بکار بستن این تجارب آغاز پیروزیهای عظیم و ماندگار و جهش بزرگ بسوی آزادی و عدالت جهانی است.

امروز ما نسلی هستیم که برای ترسیم مسیر خود بسوی قله های سعادت‌مندی صرفاً به مباحث نظری و اندیشه هایی که تفاسیر مختلفی از آن می شود و معلوم نیست آن تفاسیر تا چه میزان به صحت و درستی نزدیک باشد متکی نیستیم بلکه با قاطعیت می توانیم روی تجربه های عینی ملموسی که وقوع آنرا به چشم دیده ایم تکیه کنیم. اگر از این سرمایه های هفت گانه بنحو شایسته بهره گیریم همه چیز برای حرکت بسیار بزرگ و سرنوشت ساز بسوی قله های کمال و سعادت آماده است.

آخرین تجربه‌ی راهبردی و سرنوشت ساز تجربه تعامل با آمریکا است که از بزرگترین عبرت‌های انقلابی ماست و حقانیت مسیر انقلابی‌گری و سازش‌ناپذیری را بخوبی نشان می‌دهد.

## وضعیت استثنایی و ظرفیت‌های عظیم سخت‌افزاری

اگر به نرم‌افزارهای پیش‌گفته زیرساخت‌های عظیم آماده در تمامی شئون علمی، آموزشی، انرژی، حمل و نقل و ... را بیافزاییم مشاهده می‌کنیم که واقعاً همه چیز برای جهش بزرگ و تاریخی ملت ایران آماده است و امروز ملت ایران همه شرایط را برای حرکت سریع و رسیدن به قله‌های جهانی دارد موقعیتی که هیچگاه در دسترس مان نبوده است. بیشتر از ۱۲ هزار کارخانه تمام شده و به تولید رسیده و تعطیل شده داریم بخش اعظم کارخانجات موجود با ۵۰٪ ظرفیت کار می‌کنند. اگر دولتی داشته باشیم که با اهتمام به تولید داخلی و برداشتن موانع تولید، جلوگیری از قاچاق و بویژه منع واردات غیر ضروری، دیپلماسی فعال اقتصادی بویژه با کشورهای هم‌جوار و هموار کردن مسیر صادرات این ظرفیت عظیم خوابیده را فعال کند چه‌ها که نمی‌شود؟ ما بیش از ۲ میلیون هکتار زمین‌های شبکه بندی نشده در زیر سدهای احداث شده داریم (روزنامه ایران، ۸۹/۲/۱۴، صفحه ۲۱) که هزینه اصلی یعنی سدسازی آن پایان رسیده اگر این ظرفیت با شبکه سازی زمینهای زیر آن به فعلیت برسد چه تحولی در کشاورزی رخ خواهد داد؟ با توجه به کاهش روند جمعیت صندلی خالی دانشگاهی داریم اگر با تعامل کشورهای منطقه و اقدامات اقناعی بجای بیشتر کردن مناطق آزاد و ترویج واردات خانمان برانداز کالای خارجی این ظرفیت و همچنین ظرفیت عظیم پزشکی کشور با جدیت و برنامه ریزی، جای خود را برای تعلیم و درمان مردم کشورهای دوست و ترویج گردشگری علمی و گردشگری سلامت باز کند تحول بزرگ فرهنگی و اقتصادی برای کشور خواهد بود این ظرفیت‌ها فراوان است که انشاءالله در جلد دوم این کتاب مطرح خواهد شد و نشان می‌دهد ایران برای چه جهشی آماده است.

این ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دشمن رو به زوال خود را هم ببینیم. اگر تاکنون بخشهایی از این ظرفیت‌ها را داشته ایم و در شرایط فشارها و توطئه‌های شدید به سختی توانسته ایم از آنها بهره بگیریم واقعیت‌ها نشان می‌دهد که با روند افول دشمن در آینده‌ای نزدیک توطئه‌ها و فشارها خنثی و یا بسیار کم اثر خواهد شد برای اثبات این واقعیت علاوه بر آنچه تحت عنوان بن بست و امیسم‌ها آوردیم قرائن و شواهد فراوان دیگری هم وجود دارد.

زنجیره ی پیروزیهای انقلاب اسلامی و شکست های پی در پی آمریکا از اسلام از جمله این قرائن است. حوادث پی در پی و بدون وقفه که شکست و اضمحلال آمریکا و قریب الوقوع بودن فروپاشی آن و اوج کار آمدی و طراوت و نشاط انقلاب اسلامی را در چهلمین سالگرد پیروزی خود بنمایش می گذارد.

### ۱۳۹۶ سال پیروزیهای زنجیره ای انقلاب اسلامی بر امریکا

پیروزیهای حیرت انگیز و پی در پی انقلاب اسلامی در سال ۹۶ پس از گذشت ۴۰ سال از وقوع پیروزی آن از دلایل مهم کار آمدی انقلاب اسلامی و وضعیت در حال فروپاشی دشمن است هر چند نفوذی های دشمن در کشور همه تلاش خود را کردند تا مردم ایران را خسته کنند و با فشارهای زیاد آنها را در تنگنا قرار دهند تا شعار سال ۹۶ تقویت تولید داخلی به نتیجه نرسد و کشور حالت شکست خورده و سرخورده پیدا کند اما خدای متعال پیروزی های ملت ایران را از طرق دیگر روزی شان کرد.

امریکایی ها از خوف اینکه مبدا اقدامات ضد ایرانی شان فضای انتخابات ایران را بقول خودشان رادیکالیزه کند و عنصر ضد امریکایی تری مورد اقبال عمومی قرار گیرد، تا بعد انتخابات دندان روی جگر گذاشتند و ضمن آمادگی برای به آشوب کشیدن انتخابات حرکت مهمی علیه انقلاب اسلامی نکردند اما وقتی خیالشان از این مساله راحت شد از آنجا که رژیم صهیونیستی را در محاصره و بشدت در معرض خطر میبینند بلافاصله دست بکار شدند و توطئه های زنجیره ای خود علیه انقلاب اسلامی را به اجرا گذاشتند، توطئه هایی که یکی پس از دیگری به خفت استکبار و پیروزیهای بزرگ برای مقاومت اسلامی بدل شد •

اولین پیروزی ۲۹ اردیبهشت ماه

پیروزی اول برگزاری آرام و باشکوه انتخابات با حضور کم نظیر و حداکثری مردم و آرامش و امنیت مثال زدنی بود • عظمت و امنیت و مشارکت چشمگیر هفتاد و چند درصدی که یکشنبه نتایج سالها فعالیت رسانه های امریکایی و صهیونیستی مبنی بر غیر مردمی بودن نظام اسلامی و یاس مردم و نبود آزادی و انگیزه مشارکت در ایران را برباد داد

دومین پیروزی ۲۸ خرداد ماه

۱۷ خرداد ۱۳۹۶ آمریکا در عکس العمل به پیروزی اول وارد عمل شد حمله همزمان تیمهای آمریکایی داعش به مجلس شورای اسلامی و حرم امام ره اجرا شد این سرآغاز عملیات زنجیره ای بود که آمریکایی ها با بهره گیری از داعش برای ناامن سازی و آشفته نشان دادن اوضاع داخلی ایران تدارک دیده بودند. نتیجه این عملیات چه بود؟ شکست هر چهار استراتژی دشمن برای در دست گرفتن افکار عمومی ایران و منطقه.

۱) میخواستند وانمود کنند ایران آشفته است، ادامه جلسه مجلس بدون یک دقیقه توقف، ادامه زیارت مردم در حرم امام بدون لحظه ای توقف و حتی استمرار کسب و کار در کنار حادثه برای کسانی که در بروز چنین حوادثی چند شهر اطراف محلشان هم به تعطیلی کشیده میشود پیامهای قاطعی از ثبات جمهوری اسلامی داشت.

۲) میخواستند صحنه های مظلوم نمایی بسازند و جمهوری اسلامی را متهم به نقض حقوق بشر کنند. با جنایت در حق کودکان و باغبان پیر و کارگران حرم و مجلس و شهادت ۱۸ نفر مردم بیگناه و روزه دار شقاوت خود و خویشنداری نظام را بنمایش گذاشتند

۳) میخواستند افکار عمومی ایران را علیه توان موشکی ایران بسیج کنند و آنرا هم مثل هسته ای از ما بگیرند، حمله برق آسای موشکی ۲۸ خرداد در پاسخ به این جنایت، آنها را با دقت بی نظیر در دنیا وانهدام مراکز اصلی فرماندهی داعش، اهمیت توسعه توان موشکی را برای ملت ایران کاملاً جا انداخت و بجز انگشت شمار عوامل جاسوس دشمن که ممکن است موضع متفاوتی داشته باشند همه ملت یکپارچه بر ضرورت تقویت دفاع موشکی صحنه گذاشتند.

۴) میخواستند القاء کنند که حضور نیروهای جمهوری اسلامی در سوریه و عراق غیر ضروری و به ضرر ملت ایران است. این حادثه برای مردم ایران ثابت کرد که اگر حضور رزمندگان و مستشاران انقلاب اسلامی در منطقه نبود و اگر مدافعان حرم نبودند ایران چه آشفته بازاری میشد و چه بلایی بر سر مردم ایران می آمد

سومین پیروزی ۱۹ تیرماه

موصل پر جمعیت ترین و مهمترین شهر عراق پس از پایتخت از تروریستهای آمریکایی داعش بطور کامل پاکسازی شد، و سرزمین عراق عراق که ۷۰٪ آن به اشغال داعش در آمده بود با پاکسازی بخش اعظم سرزمینها در آستانه آزادی کامل قرار گرفت

رژیم ایالات متحده امریکا که از هر راهی به ایران تهاجم کرده با برخورد قاطع سپاه پاسداران مواجه شده است و باوجود سپاه و بسیج پیروزی بر ملت ایران را محال میبیند ، بشدت از این نیروی مقتدر مردمی کلافه و در مقابل آن عاجز است، با کمک چند ساله رسانه های بیگانه وشبکه های صهیونیستی در فضای مجازی و روزنامه ها وروزنامه نگاران مزدوری که خیلی علیه این نهاد مردمی جو سازی کردند به زعم خود فضا را آماده کرد تا قانون ضد ایرانی و نقض برجامی کاتسا را تصویب و به خیال خود سپاه را که باجوسازیهای رسانه ای زیر سوال برده بود منزوی و موضوع اختلاف و نزاع داخلی کند که این بار هم "سرکنگبین صفرا نمود" ونتیجه کاملا معکوس شد ،وحدت کلمه کم نظیری در مقابل این اقدام دشمن بوجود آمد . انهایی هم که تبلیغات دروغین رسانه های دشمن علیه سپاه باورشان شده بود به توطئه دشمن پی بردند و در جبهه حمایت از سپاه قرار گرفتند .

پنجمین پیروزی ۲۴ مهر ماه

آمریکا و رژیم صهیونیستی که با آزادی موصل خود را در محاصره مجاهدان اسلام و انقلاب اسلامی را در پشت مرزهای سرزمین های اشغالی میدیدند با دستپاچگی طرحی افکندند تا به قیمت قربانی کردن دولت اقلیم کردستان عراق نزاعی جدید در منطقه پی افکندند تا شاید بتوانند مسلمانان را در داخل بخود مشغول دارند یا اینکه سد جدیدی برابر پیشروی انقلاب بسوی فلسطین و آزادی قدس شریف قرار دهند . لذا با تحریک و فریب سران کردستان عراق آنها را به برگزاری یک فراندوم تشویق کردند فراندومی که از ابتداسرنوشت آن روشن بود و پیش از برگزاری طی یادداشتی تحت عنوان و با سوال استفهامی "ایا اقلیم کردستان هفتمین قربانی امنیت رژیم صهیونیستی خواهد بود؟" عاقبتش را مطرح کردم . رفت آمد ها ونصیحتهای دلسوزانه انقلابیون مسلمان ایران و عراق برای دور داشتن اقلیم از این تصمیم دیکته شده امریکا و اسرائیل اثر نکرد و نهایتا فراندوم استقلال کردستان عراق در سوم مهربرگزار شد ولی شادمانی تجزیه طلبان دولت مستاجل کردستان عراق دیری نپاییدو هنوزبهار نشده به خزان رسید . بیست روز بعد یعنی در ۲۴ مهر خبرگزاریهای جهان خبر استقرار بدون درگیری نیروهای مسلح عراق در کرکوک و در دست گرفتن کنترل تمام چاههای نفتی شمال عراق را مخابره کردند خبری که همه خوابهای غربگرایان آشفته و آرزوهایشان را بر باد داد . و به دولت مرکزی عراق اقتدا و اختیاراتی بسیار بیش از گذشته داد .



روند پیروزیهای خیره کننده ای که ذکر بعضی از اهم آنها در بالا آمد، سایه وحشت را بر اردوگاه صهیونیستها و سران مرتجع منطقه افکند. پیروزیهای پی در پی و بدون توقف انقلاب اسلامی کابوس سران رژیم صهیونیستی و مرتجعان منطقه شده و حاکمیت آنها را به چالش کشیده است؟ چه باید کرد؟ تهدیدهای آمریکا که با تکرار مکررات و لفاظی های بدون عمل گزینه های روی میز و زیر میز لوٹ شده و دیگر کسی برای آن تره خرد نمیکند بحث ائتلاف بزرگ عربی برای مقابله با تروریسم ( به زعم آنها جمهوری اسلامی ایران) مطرح شد. اجلاس سران عرب، صدور بیانیه ضد ایرانی، سفر ترامپ به منطقه و خرید تسلیحاتی ۴۸۰ میلیارد دلاری عربستان و ۰۰۰ سلسله اقداماتی بود که هرچند عقلا و ناظران آگاه میدانستند مطلقا هیچ کاربرد میدانی و عملی ندارد ولی تسکین دهنده ای برای متحدان آمریکا در منطقه و احساس ترسی برای بعضی دوستان مقاومت بود. این فرمول هم نه تنها افاقه نکرد بلکه وضعیت جبهه استکباری صهیونیستی را خیلی بدتر کرد. ائتلاف بزرگ عربی ضد ایران پیشکش، همان شورای همکاری خلیج فارس نیم بند هم فروپاشید و موقعیت آمریکا و عربستان در منطقه را بسیا متزلزل تر از گذشته و جایگاه جمهوری اسلامی را خیلی مستحکمتر کرد چرا که این ائتلاف بزرگ ضد ایرانی از بدو شکل گیری با درگیری قطر و عربستان و سپس قطع ارتباط دیپلماتیک ۴ کشور با قطر ناقص الخلقه متولد شد و پس از فراز و نشیبهای فراوان و تهدیدهای مکرر طرفین به ورود در جنگ بایکدیگر و پیوند و ارتباط صمیمی و از سر گیری روابط قطر با ایران نهایتا حتی با مداخله مستقیم آمریکا و سفر وزیر خارجه آن کشور در ۳۰ مهرماه به قطر هم حل نشد و این سفر این اختلاف و شکاف عمیق را تثبیت کرد شکافی که موقعیت آمریکا در منطقه را بشدت تضعیف کرد

هفتمین پیروزی ۲۰ آبانماه

آزادی دیر الزور بزرگترین استان تحت اشغال داعش و فرار سران داعش با بالگرد های آمریکای

هشتمین پیروزی ۳۰ آبانماه

سرانجام حمایتهای بیدریغ و بی پایان مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، و عملیاتی غرب و کشورهای مرتجع منطقه کارساز نشد وبا وجود مدیریت مستقیم صحنه نبرد توسط ارتش کشورهای ناتو بویژه آمریکا و بمباران های مکرر و سنگین نیروهای مقاومت توسط هواپیماهای آمریکایی نیروهای جنایتکار سازماندهی شده و دست آموز آمریکا در منطقه یعنی

دولت خود خوانده شام و عراق (داعش) فرو پاشید و با استقرار نیروهای مقاومت در دو سوی مرز عراق و سوریه و پاکسازی سایر روستاها و شهرهای مرزی، تروریستهای امریکایی که طی بیش از سه سال ضد انسانی ترین و دلخراش ترین حوادث ضد انسانی تاریخ منطقه را رقم زدند به زباله دانی تاریخ پیوستند • این پیروزی بزرگ که بخاک مالیدن پوزه امریکا بر زمین بود و همزمان با عزای کاخ سفید جشن وشادمانی جهانی ملتها و بویژه مردم زجر دیده منطقه را بدنبال داشت طی نامه سردار سلیمانی به امام خامنه ای رسماً اعلام شد •

نهمین پیروزی اول آذرماه

بدنبال پیروزیهای درخشان میدانی و نظامی از یک سو و رفتارهای خیانت بار و اعتماد سوز امریکا با ترکیه پیروزی سیاسی در این عرصه هم شکل گرفت و ترکیه روسیه و ایران با حذف رسمی امریکا از فرایندهای امنیتی منطقه نخستین اجلاس سه جانبه برای تفاهم در حل مسایل سوریه را در سوچی روسیه برگزار کردند •

دهمین پیروزی ۲ آذرماه

آمریکا مایوس از قدرت تاثیر گذاری بر شرایط میدان اصلی از طریق آل سعود به سراغ لبنان رفت تا شاید بتواند با رخنه ای در آنجا شرایط را برای بازگشت خود به عرصه نقش آفرینی موثر در منطقه باز گرداند • طی یک عملیات مفتضحانه و دیپلماسی رسوا که فضاقت و قباحت آن بخوبی میتواند میزان استیصال اقدام کنندگان آنرا نشان بدهد سعد حریری نخست وزیر هم پیمان امریکا و آل سعود پس از دعوت به ریاض و برخورد حقارت آمیز عملاً به گروگان گرفته شد تا متعهد به استعفا و درگیری با حزب الله و آشفته کردن اوضاع امنیتی لبنان گردد ولی او این کار ماجراجویانه و خطرناک را که میدانست عاقبتی جز رسوایی و نابودی خودش بدنبال ندارد را نپذیرفت و با وعده دروغین استعفا با پا در میانی فرانسه آزاد شد و به لبنان برگشت • این حادثه با نبوغ در برخورد سید حسن نصرالله وحدت ملی لبنان را دو چندان موقعیت حزب الله را بشدت مستحکمتر از قبل و نفوذ عربستان در لبنان را به ورطه ی نابودی کشید و یکی از رسواکننده ترین حوادث دیپلماتیک در منطقه را رقم زد •

یازدهمین پیروزی ۱۳ آذرماه

شکست در جبهه غربی مقاومت یعنی لبنان، امریکارا به شرقی ترین جبهه یعنی یمن کشاند تا شاید بتواند آنجا کاری کند و مجرای نفوذ و تضعیف قدرت مقاومت بیابد • اینبار برای آشفته کردن جبهه مقاومت و ایجاد تنش میان

آنها این علی عبدالله صالح مهره ارزشمند انگلیس بود که باید قربانی میشد و او مکلف به کودتا شد تا شاید وضعیت را بهم بریزد و کابوس قیام یمن را از بیخ گوش صهیونیستها بردارد و آرامش به کاخهای آل سعود برگردد. اما در این عملیات هم آمریکا نه تنها این مهره ارزشمند و پرتجربه را ازدست داد بلکه امروز کاخهای شاه سعودی هم برای افسران ستاد مشترک امریکا اسرائیل و آل سعود که در آن مستقر بودند امنیت ندارد و در تیر رس موشکهای بومی مجاهدان قرار دارند. درگیریهای کودتا به دو روز نکشید با مرگ کودتاجی، علی عبدالله صالح هم پشت جبهه انصارالله یمن امن شد و هم دست آنها برای پاکسازی عوامل سعودی بازتر و هم خطر جبهه یمن برای دشمن بسیار بیشتر شد. آمریکایی ها اینجا سرمایه روز مبادای خود را خرج کردند.

دوازدهمین پیروزی ۲۳ آذر

برای فرار از کابوسهای ناشی از شکست های مکرر و دلداری صهیونیستها که با این روند پیشروی انقلاب اسلامی فروپاشی را در یک قدمی خود میبینند نابغه دوران!! آقای ترامپ دست به ابتکار زد. حالا که اینطور است و هیچ جا زورمان به مقاومت نمیرسد زورمان به مهندسان خودمان که میرسد تا سفارت خودمان را جابجا کنیم و دلگرمی به صهیونیستها بدهیم!! نتیجه این تصمیم یعنی جابجایی سفارت امریکا در سرزمینهای اشغالی به بیت المقدس چه بود؟ شکستهای بزرگتر برای امریکا و اسرائیل

(۱) برای اولین بار رسوایی بزرگی برای امریکا در شورای امنیت سازمان ملل که دست نشانده خودشان است رقم خورد امریکای تنها با یک رای در مقابل ۱۴ رای مخالف همپیمانان خودشان.

(۲) با وجود اعلام رسمی امریکا به قطع کمکهای خود به کشورهای که برخلاف او رای بدهند با وجود نیاز شدید برخی از این کشورها به کمکهای سالانه مالی امریکا رسوایی دوم برای امریکا در مجمع عمومی سازمان ملل اتفاق افتاد بجز خود امریکا و اسرائیل تنها مخالفان محکومیت امریکا در این مساله ۷ کشور بسیار ضعیف و میکروسکوپی دنیا بودند گواتمالا، هندوراس، جزایر مارشال، میکرونزی، نائورو، پالائو و توگو تنها طرفداران کمریکا در این مساله بودند کشورهای که کسی حتی نام آنها را نشنیده، این یعنی انزوای کامل یک کشور و تنزل امریکا از جایگاه ابرقدرتی، کشوری که نتواند اصلی ترین شرکای اقتصادی، سیاسی و امنیتی و مهمترین هم پیمانان خود و حتی کشورهای جیره بگیر و

دولتهای دست نشانده خود را در یک امر با این اهمیت با خود همراه کند بهیچوجه نمیتواند یک ابر قدرت محسوب شود

۳) خیلی مهمتر از شکستهای دیپلماتیکی که شرح آن رفت برباد رفتن میلیارد ها دلار هزینه هایی است که ظرف حدود بیست سال کردند تا ایران را بجای رژیم صهیونیستی تهدید اصلی منطقه جلوه دهند. همه کارهای سنگین سیاسی تبلیغاتی و عملیات روانی که کرده بودند یکشبه دود شد و خیزش عظیم مسلمانان جهان تقریباً در تمام نقاط عالم بار دیگر فلسطین را به مساله اصلی جهان اسلام تبدیل و رژیم صهیونیستی به جایگاه دشمن اول جهان اسلام برگرداند.

۴) دستاورد بزرگ دیگر این حادثه بازگشت وحدت به جبهه مقاومت بود. هزینه های دشمن برای تفرقه افکنی در جبهه مقاومت با راه اندازی جنگ در سوریه کارگر افتاده بود و سالها بود که روابط حماس با جبهه مقاومت به سردی و بدبینی گراییده بود این خطای استراتژیک امریکا این هزینه های سنگین را هم بر باد داد و وحدت بسیار خطرناک برای صهیونیستها را به جبهه مقاومت برگرداند وحدتی که اوجش در نامه متواضعانه و صمیمانه ۵ بهمن ۱۳۹۶ آقای اسماعیل هنیه به امام خامنه ای و جواب معظم له متجلی شد.

و امروز هم ابتکار بزرگ فلسطینی ها مبنی بر راهپیمایی بازگشت که صهیونیستها و حامیانشان را در بهت و حیرت و بن بست قرار داده است

سیزدهمین پیروزی ۹ تا ۱۵ دی

امریکای سرخورده از عراق و سوریه و لبنان و یمن دست از پا درازتر به سراغ ایران آمد تا وعده هایی را که داده بود؛ "نمیگذارد ایران به چهلمین سالگرد انقلاب خود برسد" را عملی کند و به تصور اینکه نفوذی های در مصدر، توانسته اند با کم کاری و کارشکنی و مشکل تراشی برای مردم، به اندازه کافی مردم را دلسرد و ناراضی کنند با فعال کردن قرارگاههای عملیاتی خود در جوار مرز با بکار گیری منافقین و وابستگان و اعزام عناصر کارکشته برای آشوب و اغتشاش به میدان و فعالسازی کلیه رسانه های غربی در حمایت خط اغتشاش یکبار دیگر بخت خود را در ایران آزمود و با ورود ناشیانه و مستقیم رئیس جمهور امریکا در حمایت از اغتشاش و سخنرانی ها و پیامهای پی در پی که جز فروکش کردن فوری آشوب و واکنش سریع میلیونی مردم انقلابی در تظاهرات روزهای پیاپی در دیمه نتیجه ای برای

کاخ سفید دربر نداشت • یک رسوایی و شکست فزاینده که سند محکم دیگری بر ناتوانی شدید آمریکا و سقوط ایالات متحده از جایگاه ابر قدرتی است • کشوری که نه خودش و ظرفیتها و نفوذش را میشناسد و نه دشمن و ظرفیتهای دشمنش را میشناسد خیلی روشن است که چنین کشوری دست پا چلفتی دیگر ابر قدرت نیست •

چهاردهمین پیروزی ۲۲ بهمن تماشایی

امریکا برای خسته کردن ملت ایران و ناامید کردن آنها در سالهای اخیر سرمایه زیادی گذاشته است یکطرف آن تحریم های پی در پی نقض عهدها و بی اعتبار سازی امریکا در جهان است و مساله مهمتر بی اعتبار کردن نفوذی های استراتژیک که سرمایه های مهمی برای استعمار گران هستند ولی در این برهه ماموریت دارند در کسوت کارگزار سمت بپذیرند و نگذارند کارها پیش رود • این نفوذی ها اگر نتوانند مردم را خسته و آماده تسلیم برابر دشمن کنند پس از تغییر این شرایط اگر ارتباط نفوذی و دست نشانده گی شان هم لو نرود لاقلاً در افکار عمومی تبدیل میشوند به یک مهره ناکارآمد و سوخته مهره هایی که اگر خیلی خوشبینانه قضاوت شوند افکار عمومی اینطور خواهد گفت که آنها مورد اعتماد قرار گرفته ولی کارآیی نداشته اند و بشدت و بی عرضه و ناکارآمد هستند و جز بدنامی برایش نمیماند.

این درست همین حادثه ای است که دارد اتفاق می افتد بعد از اینهمه تحت فشار گذاشتن مردم ، این ملت استثنایی و بصیر با وجود تمام نارضایتی ها و گله هایی که دارند قدر انقلاب و آزادی و استقلال را که نظام ولایت فقیه برایشان آورده را میدانند و در آن شرایط تحت همه این فشارها بیشتر، جری تر، فشرده تر، با انگیزه تر در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت کردند و نشان دادند بین مسولان بعضاً ناکارآمدی با اساس نظام تفاوت قائلند و هیچگاه بخاطر ناکارآمدی منتخبان خودشان اساس نظامی را که فرصت انتخاب آزاد را برای آنها به ارمغان آورده زیر سوال نمیبرند • و این یک پیروزی بزرگ دیگر بر دشمن بود پیروزی که علاوه بر ابعاد دوجانبه علیه امریکا با ناشی گری آمریکا به یک پیروزی بین المللی تبدیل شد و آن اینکه امریکا رسماً و مصرانه خواستار رسیدگی به اغتشاشات ایران در شورای امنیت شد و با مخالفت جدی همه اعضا در این عرصه هم دست از پا درازتر شکست خورد •

پانزدهمین پیروزی ۸ اسفند

شکستهای پی در پی امریکا و انگلیس از انقلاب اسلامی آنها را واداشت تا یکبار دیگر بخت خود را خودمانی ترین محفل تحت نفوذ خودشان که احتمال پیروزی بیشتری وجود دارد بیازمایند تا از سال ۹۶ با این کوله بار سنگین

شکست خارج نشوند لذا بعد از نمایشهای مضحک نیکی هیلی در مورد پشتیبانی موشکی ایران از یمن مساله به شورای امنیت کشیده شد و باز هم امریکا شکست سختی خورد و با وتوی قطعنامه پیشنهادی اش دست از پا درازتر عاجزانه بیرون رفت .

شانزدهمین پیروزی اخر بهمن و ۱۸ اسفند

فرقه های مذهبی ساخته و پرداخته انگلیس ذخایر استراتژیک استعمار هستند که با ظاهری نرم و آراسته مامورتهایی چون استحاله فرهنگی ، نفوذ و جاسوسی های عمیق ، تغییر مدل های افکار عمومی ، ایجاد شکاف اجتماعی و پیاده سازی فرمول تفرقه بیانداز و حکومت کن انگلس را برعهده دارند در آخر بهمن و ۱۸ اسفند دوتا از این فرقه ها واردکارزار عملیاتی شدند و برخلاف دکترین راهبردی شان سخیف ترین اعمالی را که راه را روی کاربردهای راهبردی ذکر شده میبندد را مرتکب شدند این یعنی پایان راه و بدین معنی است که کفگیر استکبار به ته دیگ خورده و مجبور است از ظرفیت استراتژیکی خود استفاده تاکتیکی ببرد و این اوج پیروزی انقلاب اسلامی و شکست دشمنان است.

واقعیت این است که مدتهاست رژیم آمریکا دچار سردرگمی و آشفتگی در تصمیم گیری های کلان شده و مرتباً برخلاف منطق منفعت طلبانه و علیه اهداف سلطه جویانه خود تصمیم می گیرد.

این موضوع هر چند در ماههای اخیر شدت یافته لکن فقط هم مربوط به شخص ترامپ نمی شود بلکه مربوط به کل حاکمیت ایالات متحده است.

در دولت قبلی آمریکا یک روز ضرب الاجل برای حمله به سوریه معلوم کردند، در فاصله کوتاهی پس از اتمام ضرب الاجل انصراف خود را اعلام کردند، یک روز برای مردم ایران شعر حافظ خواندند و تمجید کردند، هنوز این موضوع از تیترا خبرها بیرون نرفته، دادن داروهای بیماری های صعب العلاج به ایران را تحریم کردند در دولت جدید هم همین روال ادامه دارد.

رئیس جمهور جدیدشان هم روزی از مردم ایران تمجید می کند و مدعی می شود که حامی مردم ایران است و می خواهد مردم را از دست حکومت ایران نجات دهد یکماه بعد در سازمان ملل رسماً اعلام می کند که مردم ایران یک ملت تروریست هستند. یک روز در مقابل دیدگان تمامی سران کشورهای جهان در سازمان ملل کره شمالی را به محو از روی کره زمین تهدید می کند و سه هفته بعد در جمع بزرگی از سران کشورهای جهان می گوید آرزو دارم با رئیس

جمهور کره شمالی بنشینیم شربتی بخوریم و گپ بزنیم و دوست باشیم و... این روزها موضع‌گیری‌های فراوان متناقض از این دست از سوی آمریکا کم نیست.

شاید کسی تصور کند این تناقض‌ها همان سیاست چماق و هویج است حال آنکه اینطور نیست. در اعمال سیاست چماق و هویج تشویق به همکاری با اعلام خطرات و تنبیهات ناشی از عدم همکاری همزمان یکجا مطرح می‌شود و به طرف مقابل فرصت داده می‌شود تا از میان دو راه یکی را انتخاب کند نه اینکه زمانی خطر را منتفی اعلام و حرف دوستی را وسط بکشند و بعد از مدتی برعکس عمل کند.

و یا عده‌ای ممکن است ریشه این خطاها و تناقضات را در شخصیت ترامپ جستجو کنند که این هم غلط است. اولاً این تناقضات از دوره قبل وجود داشته‌اند ثانیاً هیچگاه یک قدرت جهانی با ساختارهای پیچیده تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی اختیار خودش را به دست یک نفر نمی‌دهد و خصوصاً ترامپ که نقاط ضعف بزرگی چون شاکیان متعدد تجاوز جنسی و یا پرونده خطرناکی مثل ارتباط با روسیه در دوره انتخابات را دارد و برای جبران این گاف‌های بزرگ مجبور است برابر خواست سرویس‌های اطلاعاتی و شبکه تصمیم‌گیری رژیم آمریکا عمل کند.

دلیل این درهم‌ریختگی سیاست‌های ایالات متحده چیست؟ پاسخ این سوال را باید در بررسی سنن الهی یافت. آنجا که قرآن (آیه ۱۶ سوره اسراء) می‌فرماید:

«وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْبَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا تَدْمِيرًا» و چون زمان آن فرا رسد که دیاری را نابود کنیم، بر نعمت توانگران و مرفهان آن می‌افزاییم و آنان با سرمستی بندگی خدا را رها می‌کنند و در آن دیار به فسق و فجور می‌پردازند، در نتیجه آن سخن (وعده عذاب) درباره آنان تحقق می‌یابد و آن‌جا را به کلی نابود می‌کنیم...» و یا آنجا که امیرالمومنین (ع) در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید:

«وَمَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ، وَمَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ، وَكَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ.»  
(نامه ۵۳)

هر که بر بندگان خدا ستم کند، افزون بر بندگان، خدا نیز دشمن او می‌شود. و خدا با هر که دشمنی کند، منطبق را از او می‌گیرد و خدا همواره با او در جنگ خواهد بود تا از این کار باز ایستد و توبه کند یا شکست بخورد.

وقتی کسی آشکارا به بندگان خدا ظلم می کند و ظلم را از حد می گذراند. خدا با او وارد جنگ می شود امیرالمومنین می فرماید: «و من خاصمه الله ادحضی حجه» یعنی کسی که خدا با او به جنگ و دشمنی برخیزد دلیل و منطق را از او می گیرد. لذا جستجوی دلیل و منطق برای تصمیمات و رفتارهای رژیم آمریکا در چنین شرایطی نایبجاست.

این یک شرایط استثنایی نیست این سرنوشت همه ی طاغوت ها در پایان عمر ننگین آنهاست. همانطور که در مورد فرعون و نمرود نقل شده است و همانطور که خودمان در سال آخر رژیم شاه شاهد بودیم.

سال ۵۷ را که به خاطر دارید. شاه ملعون دولت آشتی ملی تشکیل داد و هنوز امضای آشتی ملی خشک نشده بود ۱۷ شهریور با برقراری حکومت نظامی چه کشتاری به راه انداخت.

هنوز چندی نگذشته بود انبوهی از زندانیان مبارز را که هرکدام می توانستند جمع زیادی از مردم را به مبارزه بکشند آزاد کرد چند هفته بعد دستگیری های گسترده ای از افرادی که خیلی خیلی از آن زندانیان سیاسی کم اثر تر بودند انجام داد و جمعیتی چند برابر آزاد شده ها را زندانی کرد ماه بعد در مصاحبه تاریخی خود ادعا کرد که صدای انقلاب ملت ایران را شنیده و به انقلاب مردم احترام می گذارد و نخست وزیر و رئیس ساواک را زندانی کرد ولی هنوز طنین صدای این عذرخواهی و وعده نرمش با مردم در رسانه ها استمرار داشت که مردم شاهد کشتارهای عجیب و غریب، این بار زیر گرفتن مردم و خودروها با تانک در خیابانها بودند.

تصمیمات و رفتارهای امروز آمریکا کاملاً از همان قاعده پیروی می کند و دلیل و منطقی برخاسته از یک کانون تفکر را ندارد بلکه بیشتر از روی اضطرار و دستپاچگی است همانطور که امیرالمومنین می فرماید: «من خاصمه الله ادحض حجه» (نهج البلاغه، نامه ها، ۵۳ (عهدنامه))

چه کسی است که نداند حاکم کردن یک بچه به سرنوشت عربستان و وادار کردن او به قرارداد ۴۸۰ میلیارد دلاری تسلیحاتی در شرایط وخیم اقتصادی عربستان چه تبعاتی برای بزرگترین متحد آمریکا در منطقه دارد؟ چه کسی است که نداند این رفتارها به فروپاشی دولت آل سعود می انجامد؟

چه کسی است که نفهمد دستگیری و سرکیسه کردن شیوخی که همه ی هویت آل سعود هستند چه عواقبی برای سرنوشت این رژیم دارد؟



چه کسی است که نداند و بازی بچه گانه بازداشت سعد حریری چگونه جبهه مقاومت را متحد و آل سعود را بی آبرو و منزوی می کند.

هر دیپلمات مبتدی هم می فهمد که نحوه برخورد آمریکا با برجام چه فرصت تاریخی را برای تثبیت نفوذی های آمریکا در ایران سوزاند و چه بلایی بر سر خط سازش در ایران آورد و یا بازی استقلال کردستان عراق چه ضربه ای به حضور آمریکا در عراق زد.

ساده لوح ترین سیاستمدار هم می توانست حدس بزند با تصمیم آمریکا مبنی بر انتقال سفارت خود به بیت المقدس چه غوغایی علیه آمریکا به راه خواهند افتاد. تصمیمی که از سید حسن نصرالله و اسماعیل هنیه در خط مقدم مبارزه با صهیونیسم تا سران صهیونیستی اروپا و سازمان ملل را به موضع واحد علیه امریکا رساند و هزینه های زیادی که برای فراموشی فلسطینی و دشمن نمایانیدن ایران و حزب الله برای کشورهای اسلامی شده بود را یک شبه بر باد داد.

اندیشکده های آمریکایی با کمک رسانه های تراز اول جهان و حکام مرتجع منطقه حداقل ده سال بطور مستمر کار کردند تا مسأله فلسطین را به فراموشی ببرند و آنرا از صدر کارهای امت اسلامی خارج کند ولی این تصمیم آمریکا تمام این زحمات را یکباره بر باد داد.

این ترامپ نیست که عقلش را از دست داده این کلیت رژیم آمریکاست که خون کودکان فلسطینی و یمنی دامنش را گرفته است و او را به زیر کشیده است.

منبعد شما هر روز شاهد این رفتارهای غیر منطقی خواهید بود. رفتارها و تصمیماتی که به هر طرف بچرخد یک نتیجه بیشتر ندارد و آن سقوط بیشتر آمریکا و نزدیکتر شدن به فرو پاشی کامل آمریکا و اسرائیل و تحقق این سنت الهی است که قرآن می فرماید :

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ»

«یعنی کسانی که نشانه های ما را تکذیب می کنند یواش یواش از جایی که به فکرشان هم نمی رسد آنها را پایین می کشیم به آنها مهلت می دهیم چرا که نقشه ام حساب شده است.» (۱۸۲ و ۱۸۳ اعراف)

علامت دیگر رفتارهای متناقض یک دولت با شعارهای اساسی خودش است . وقتی دولتی رفتارهایی کاملا در تناقض آشکار با ایده تشکیل خود و برخلاف نظری های پایه ای که او را شکل داده از خود بروز این یک علامت روشن از استانه فروپاشی آن دولت است . وقتی رژیم امریکا با پایه نظری دمکراسی، سرمایه داری و حقوق بشر با نتایج تمامی انتخابات آزاد و دمکراتیک در منطقه مخالفت میکند، مرتکب خشن ترین اعمال ضد حقوق بشر میشود و بشدت از اینگونه رفتار دیکتاتورها حمایت میکند ، به تجارت آزاد خاتمه میدهد و رسماً و علناً دست به محدود سازی در این عرصه میزند مثل این است که دولت ایران با پایه نظری اسلام و ایده حکومت ولایت ماه رمضان در ریاست جمهوری ضیافت نهار برقرار کند و روز عاشورا جشن بگیرد .

علامت دیگر نزدیکی سقوط امپراتوری غرب بکارگیری ظرفیتهای راهبردی در مامورتهای تاکتیکی است که بیانگر رسیدن به پایان خط است . و حوادث ماههای اخیر این را نشان میدهد. پس از بیداری ملت‌های تحت استعمار انگلیس و اوج گیری حرکت‌های استقلال طلبانه چاره ای جز ترک کشورهای مستعمره نبود اما خوی زیاده طلبی و سلطه جویی انگلیس اجازه نمیداد آنها به این سادگی از چپاول ثروت و بهره گیری از قدرت ملت‌ها دل بکنند لذا در صدد چاره جویی و ایجاد روش های جایگزین برای تداوم سلطه خود بر کشورها بر آمدند . در این میان فرقه سازی از موفقترین روش‌هایی بود که با این هدف ابداع شد .

مطالعه عمیق مذاهب و ادیان ، یافتن تفسیرهای نادر و انحرافی از بعضی جنبه های هر دینان در گذشته ، پیدا کردن آسیب پذیر ترین و کم اطلاع ترین بخش از آن جامعه دینی ، شناسایی و گزینش افراد قدرت طلب ، با استعداد و ترجیحا از خانواده های پر نفوذ ، بروز سازی آن تفسیرهای غلط و تولید ادبیات جدید جامعه پذیر و در نهایت ظهور فرقه ای جدید ، فرقه هایی که وجه اشتراکشان تفرقه میان جامعه و رسالتشان شکستن وحدت و اقتدار کشور ها و آماده کردن شرایط برای تسلیم در مقابل قدرتهای متجاوز بود .

فرمان خدا برای عزت و کرامت امت اسلام " ولا تفرقوا " است و در مقابل این فرمان انگلیس به تاسی شیطان سیاست " تفرقه بینداز و حکومت کن " را در صدر کار خود قرارداد و بر این پساس فرقه های فراوانی تاسیس کرد . وهابیت، بهابیت، قادیانی، یزیدی و . . . . . و فرقه های کوچکتر و گاهی ذره بینی مثل فرقه شیرازی ، تابنده، کیهانی . . . . . فرقه هایی که چه کوچک و چه درشت خدمات فراوانی به استکبار جهانی داده اند و نه تنها انگلیس بلکه دیگر قدرتهای شیطانی در برنامه های سلطه گرانه خود بهره های زیادی از این فرقه ها برده و میبرند .

بدون شک در قرن اخیر نقشی که فرقه‌ها در سلطه غرب بر شرق بویژه کشورهای اسلامی داشته اند بمراتب از نقش ارتشهای کشورهای متجاوز بیشتر بوده است و این واقعیت فرقه‌ها را بعنوان یکی از مهمترین ارکان تداوم حاکمیت استکبار و نیروی استراتژیک برای سلطه جهانی در آورده است. این نقش مهم نه با عملیات نظامی بلکه از راه جاسوسی، نفوذ در حاکمیت، شایعه پراکنی و تشویش اذهان عمومی، غیرت زدایی و استحاله فرهنگی، اختلاف افکنی و زمینه سازی جنگهای قومی و مذهبی ۰۰۰ انجام میشود

فرقه‌ها هرچند کوچک و کم تعدادند اما پیوند و ارتباط تشکیلاتی و نظام یافته آنان با سازمانهای جاسوسی بزرگ، حمایت امپراتوری رسانه ای غرب، پوشش دادن حقوقی و سازمانهای بین المللی و جنجالهای حقوق بشری و ۰۰۰ تاثیر گذاری آنها را بمراتب بیشتر از قدرت متناسب با تعدادشان میکند. وهابیت یک اقلیت کوچک بود اما به پشتوانه همین ظرفیتهای حدود ۹۰ سال است که حاکمیت ثروتمندترین کشور منطقه را در اختیار دارد. بهابیت حتی به تعداد یک هزارم جمعیت ایران عضو نداشت ولی بواسطه همین حمایتها در دوره دوم سلطنت پهلوی، شاه و دولتش را تحت مدیریت خود داشت.

کارکرد فرقه‌ها برای نظام سلطه بین الملل از کارکرد احزاب دست نشانده بمراتب قویتر بوده و غیر قابل مقایسه است، چرا که اولاً احزاب در کشمکشها و تحولات سیاسی بسادگی منحل و فروپاشی میشوند ولی فرقه‌ها چون رنگ مذهبی میگیرند دوام خیلی بالایی پیدا میکنند در ثانی رهبران احزاب برای هر اقدام مهم باید برای متقاعد سازی اعضا منطق و استدلالی ولو دم دستی منطبق بر اصول حزب برای اقناع بدنه حزبی داشته باشند ولی عضویت در فرقه‌ها از ابتدا براساس جهالت، خرافات و اطاعت کور کورانه است. و واداشتن آنها به هر کار غیر منطقی مورد نیاز استعمار سهل تر است. مثلاً یک مجموعه چند ده هزار نفری حزبی را نمیشود به راحتی متقاعد به هر اظهار نظری در جامعه کرد ولی مجموعه‌ی خیلی کوچکتر چند صد نفره فرقه‌ای براحتی هر شایعه و خرافه یا موضعی را که قطب اراده کند بی چون و چرا در سطح اجتماع می پراکند و از این نظر فرقه‌ها برای شکل دهی به افکار عمومی یک جامعه درانتخابات خیلی موثرند چرا که با تصمیم یک قطب هزاران مبلغ مجانی برای یک طرف و شایعه پراکن علیه طرف مقابل راهی کوچه و بازار میشوند.

ارتباطات جاسوسی تحت پوشش روابط مذهبی ارتباط مرید و قطب براحتی توجیه میشود. و کمتر مورد ظن دستگاههای اطلاعاتی واقع میشود. از سوی دیگر مهمترین نیاز استعمارگران برای اعمال سلطه خود عدم انسجام

جامعه و وجود تفرقه و تشتت فکری است و وجود مستمر و آرام فرقه ها میان مردم جامعه این خواسته را تامین میکند و گاه بنا به خواست سلطه گران شرایط رابه جنگ داخلی میان مردم سوق میدهند \*

در جایی که از مذهب برای مبارزه بااستعمار استفاده میشود که مسلمانان بویژه شیعیان ید طولایی در این امر دارند منزوی کردن مذاهب اصیل و بدنام کردن آنها با دامن زدن به رفتارهای نادرست فرقه ها بنام آن مذهب از روشهای رایج استعماری است \* روند تصاعدی مسلمان شدن مردم اروپا یک درس خیلی جدی برای حکام این کشورها محسوب میشود راه اندازی داعش و رفتار بسیار خشن و نفرت انگیز آنها با مردم بویژه کودکان و زنان بنام اسلام و انتشار تعمدی آن صحنه های فجیع در رسانه ها توسط خودشان و باز نشر گسترده توسط امپراتوری رسانه ای غرب کمک شایانی به حاکمان غربی برای کند کردن روند اسلام آوری مردم کشورهايشان است.

رفتارهای مبتنی بر خرافه، افراط در عزاداری، تاکید بر کارهایی مانند قمه زنی در حد کار واجبتر از نماز و انتشار تصاویر خونین آن در کشور و جهان توسط فرقه شیرازی از تشیع یک تصویر بی منطق، خشن و غیر قابل دفاع به دنیا ارائه میدهد و بسیاری از افراد و هیئت ها بخیال اینکه اینها دلسوز اسلام هستند و تعصبات بیشتری نسبت به احکام اسلام دارند با آنها همکاری و پول گرفتن از آنها را مباح می دانند \* این جریان که با اهانت مستمر به مقدسات اهل سنت در منابر و رسانه ها افراد ناآگاه از اهل سنت را علیه کلیت تشیع بر می انگیزند و از موانع مهم وحدت و خدمت متقابل مسلمانان به یکدیگر محسوب میشوند ارزش خیلی زیادی برای استکبار دارند و مدیریت سنجیده اقتضا میکند که چنین سرمایه های ارزشمند سازمانهای جاسوسی صرف کارهای تند سیاسی نشود و از کارهایی که آنها را در افکار عمومی منزوی و در عرصه حکومت زیر ضربه بردن آنها را مشروعیت بیشتری میبخشد پرهیز کنند \* ولی چرا ماموریتهای خطرناکی مانند توهین های خیلی تند به امام خمینی و شهدا و دفاع مقدس و حتی حمله به سفارت ایران از آنها خواسته میشود؟ چطور این جریان که سالها زحمت کشیده تا در افکار عمومی بعنوان به تعصبات خشک مذهبی شناخته شود ناگهان نماینده رسمی اش را برای تبیین اهداف و افکار به شبکه تلویزیونی بهایی من و تو که با ماموریت ترویج فحشاء و بی بند و باری تاسیس شده میفرستد و آبروی خود را پیش طرفدارانش میبرد؟! چطور فرقه تابنده را که دهه های متوالی برای جا انداختن آن بعنوان یک جریان کاملا غیر سیاسی، نرم و خوش برخورد و با روحیه جوانمردی و منش انسانی زحمت کشیده شده را به جدی ترین درگیریهای خشن خیابانی ترغیب و در حد ارادل و اوپاش راه بند از آنها برای نا امن سازی ایران استفاده میشود؟

این سوآلها جوابی ندارد جز اینکه شکستهای پی در پی و مسلسل وار یکساله اخیر در منطقه برای مستکبرین خیلی گران تمام شده و آنها تداوم این روند را فروپاشی کامل قدرت خود در غرب آسیا و زوال رژیم صهیونیستی میدانند. اینگونه رفتارهای پر از تناقض و استفاده تاکتیکی از نیروهای استراتژیک که با سرمایه گذاری های سنگین و کار سخت طولانی و درازمدت بوجود آمده اند. آنها در میدانهای خطرناک، هیچ توجیهی جز این نمیتواند داشته باشد که غربی ها به آخر خط رسیده اند. جبهه استکبار روز به روز ضعیف تر و به نابودی کامل نزدیکتر و جبهه ی مستضعفین و مردم آزادیخواه جهان روز به روز مستحکم تر و فشرده تر خواهد شد. خدا منطق و قدرت برنامه ریزی عالمانه را از مستکبران گرفته، و انشالله به زودی جانشان را هم خواهد گرفت. شاخص حق و باطل اشخاص نیستند.

تجربه سی و نهم چهل ساله این است که آمریکا به پایان خط رسیده است. چرا که زوال طاغوت ها علائمی دارد که ملت ما آن را در سقوط شاه، سقوط شوروی و سقوط صدام عملاً تجربه کرد و این علائم امروز در رژیم آمریکا کاملاً آشکار شده است.

یکی از آنها مظالم آشکار و عریان است که امروز در فلسطین و یمن در خود آمریکا عهدشکنی واضح در حق ملت ایران و... شاهدش هستیم. نتیجه این ظلم ها سردرگمی و گیجی است که طاغوت ها را به گیجی و سردرگمی مبتلا می کند و رفتارهای نامتوازن زیگزاگی از خود نشان می دهند. شکست ها و رسوایی هایی که ادامه دارد و محدود در حوادث سال ۹۶ نیست و در اولین روزهای ماه سال ۹۷ در ۵ فروردین شاهدش بودیم.

روزگاری وقتی خبر حرکت ناو آمریکایی بسوی کشور منتشر می شد دولت آن کشور ساقط می گشت. دیدیم آمریکا با عاریه گرفتن از اعتبار بین المللی دو کشور دیگر نه فقط یک ناوگان بزرگ خود را به مدیترانه آورد بلکه یکصد موشک کروز هم شلیک کرد آب از آب تکان نخورد بلکه انسجام ملی سوریه و وحدت با متحدانش بیشتر شد و آمریکا هم بخاطر این حمله بچه گانه در جهان هو شد. حمله ای که بخاطر ترس از واکنش نسبت به آن آمریکا مجبور بود قبل از حمله زمان و مکان حمله را به روسیه و ایران گزارش کند و بگوید هدف من شما ( ایران- روسیه) نیستید و حمله به نقاط بی ارزش فقط برای نمایش قدرت که خیلی پر معنی است فلذا اگر از خلأ قدرت جهانی صحبت می کنیم برآوردی کاملاً مستدل است و احساساتی در کار نیست. اگر از امید به آینده روشن در نزدیکی صحبت می کنیم خیال نیست کاملاً واقع بینانه است.

## چگونگی فعلیت یافتن ظرفیت ها و بهره گیری از خلأ قدرت جهانی

جای سؤال اینجاست که آیا ظرفیت های عظیم شش گانه نرم افزاری زیرساخت های کم نظیر آماده شده سخت افزاری و انسانی که ذکر آن رفت، چگونه می تواند به فعلیت برسد و مشکلات بزرگ پیش پای ملت را از میان بردارد و نظام الگو و برتر را شکل دهد. پاسخ به این سؤال خود کتابی مفصل است که برای تحت الشعاع قرار نگرفتن آنچه در این کتاب روشن شده، باید در مجلدی مستقل انشاءالله بعنوان جلد دوم این مجموعه تجارب انقلاب اسلامی تقدیم شود. کتابی که در آن انشاءالله به راه کارهای مبتنی بر این نرم افزارها و تجارب و مقایسه آن با راه کارهای لیبرالی می پردازیم. اما آنچه در این زمینه می شود به اختصار گفت این است که فعلیت یافتن این ظرفیت ها نیازمند دولت اسلامی است. دولت اسلامی دولتی که قدر این تجارب عظیم و ظرفیت های حاصله از خون شهیدان و خون دل مردم و دلسوزان کشور را بداند و آنها را به کار بندد نه آنکه آنها را گنار گذارد و برای بهبود وضع کشور چشم به خارج مرزها بدوزد و منتظر تغییر تصمیمات اجانب باشد.

دولت اسلامی دولتی است که به جای خودرأیی و عمل به برداشت های شخصی رئیس آن به دستاوردهای عظیم یک ملت احترام بگذارد و قدر آن را بداند. و از انبوه اسناد، سیاست ها و طرحهایی که توسط مجرب ترین افراد فرهیخته کشور تدوین شده و به تصویب رسیده است بنحو شایسته بهره گیری کند.

دولت اسلامی دولتی است که رؤسای آن معاش خود را برابر دستورات دین در سطح مردم متوسط و مادون متوسط تنظیم کنند و از اشرافی گری و تجمل و خودخواهی گریزان باشند نه دولتی که رؤسای آن ثروت های انبوه داشته باشند و در خانه های اشرافی زندگی کنند.

دولت اسلامی دولتی است که رضایت توده های مردم را بر رضایت خواص و بالانشینی ها ترجیح دهد نه دولتی که چشم بر روی مفاسد بزرگ خویشان و دوستان خود ببندد و خشم توده ها را بخاطر رضایت نزدیکان نادیده انگارد.

دولت اسلامی دولتی است که بجای هزینه تراشی های بی مورد و اجلاس های نمایشی پی در پی خاک نشین و در کنار مردم باشد و لاقل به همان اندازه که پشت تریبون ها و بلندگوها دیده می شود در مزارع و کارخانه ها با لباس کار و در مدارس و دانشگاهها بدون تکلف کنار مردم دیده شود.

دولت اسلامی دولتی است که رضایت عمومی مردم را ملاک قرار دهد و شایسته سالاری و استفاده از همه ی ظرفیت های مردم را پیشه سازد نه آنکه ملاکهای حزبی و گروهی و دخالت ها را مبنای انتخاب ها و انتصاب ها قرار دهد و انبوه نیروهای جوان کاردان و متخصص متعهد حزب الهی را کنار بگذارد و دور از صحنه نگه دارد.

دولت اسلامی دولتی است که به خدا توکل و به مردم خود اعتماد داشته باشد باور داشته باشد که اراده ی مردم خداخواه بدون شک بر اراده ی همه ی قدرتهای جهانی تفوق دارد از هیاهوهای دشمن واهمه نداشته باشد با صلابت و استوار از حق ملت خود دفاع کند و تسلیم زیاده خواهان نشود.

دولت اسلامی دولتی است که قدر نعمت اسلام و ولایت فقیه را بداند بجای خود بزرگ بینی و خود اجتهادی همچون شهید رجایی صادقانه خود را مقلد ولایت بداند و اجرای قوانین و تدابیر ولی امر را برای خود و نظام مغتنم بداند نه آنکه خود را فراتر از قانون در مقام سیاستگذاری برای نظام قرار دهد و راه خود را برود.

دولت اسلامی دولتی است که همچون امام خمینی فقه را تئوری کامل اراده ی انسان از گهواره تا گور بداند و آنگونه که امام خمینی(ره) فرمود بدون توجه به غرب حيله گر و شرق متجاوز درصد تحقق عملی اسلام برآید.

دولت اسلامی(ره) دولتی است که ملاک را در گزینش مدیران و مسئولان کشور تقوا، اطاعت پذیری از ولایت و کاردانی و تخصص کافی و روحیه جهادی بداند دولتی که اسناد راهبردی فراوانی را که حاصل همفکری برجسته ترین فرهیختگان کشور و دستاورد فکری چهل سال مقاومت ملت ایران است و امروز در بایگانی ها خاک می خورد را بیرون بکشد و به جای تن دادن ذلیلانه به دستورالعمل های استعماری چون سند ۲۰۳۰، اسناد ملی و بومی وطن را سرلوحه کار خود قرار دهد.

هر چند بعضی از این اسناد بومی کلیات است و جزئیات آن نگاشته نشده و یا نقاط پیوند آن و تبدیل شدن به سند جامع همه جانبه هنوز معلوم نیست. ولی دستیابی به راه کارهای جزئی تر هم صرفاً با نشستن در بحث های نظری ممکن نیست شرط دستیابی به الگوهای دقیقتر عمل کردن به علمی است که به آن رسیده ایم.

با این اوصاف آیا باید منتظر تدوین الگوی جامع به هم پیوسته و با همه جزئیات اجرایی این اسناد کلان باقی بمانیم و اجازه دهیم که مدیریت کماکان در دست افراد غیر معتقد به برنامه دولت اسلامی بماند؟ پاسخ به این سؤال منفی

است چرا که اولاً علت اصلی عدم جمع‌بندی و تبدیل شدن اسناد بالادستی به یک برنامه جامع، و بهم پیوسته بی‌اعتنایی و عدم احساس نیاز دولت‌ها به آن بوده است.

تا زمانی که دولتی با اعتقاد راسخ به توانمندی فکری ظرفیت‌های ملی کشور و قابلیت دین در اداره جامعه و معتقد به ضرورت اعمال دستورات عدالتخواهانه اسلام در اداره کشور روی کار نیاید و احساس نیاز جدی به اجرای این نرم افزارهای عظیم و گران‌سنگ تولید شده و این دستاوردهای علمی و کادری تربیت شده انقلابی پیدا نشود این برنامه‌ها جمع‌بندی نخواهد شد و در بایگانی‌ها باقی خواهند ماند.

ثانیاً دسترسی به برنامه جامع نسبی است چرا که هر برنامه لایه‌هایی دارد که می‌تواند تا بی‌نهایت لایه دقیق شود. لازمه دسترسی به آن لایه‌های دقیق اجرای لایه‌های کلی‌تر است.

همانگونه که امام باقر می‌فرمایند: **من عمل بما یعلم علمه الله ما لم یعلم**. بحارالانوار جلد ۷۵ صفحه ۱۸۹. هر کس به آنچه می‌داند عمل کند خداوند آنچه را نمی‌داند به او خواهد آموخت.

حتی اگر ما هیچ برنامه مدونی نداشته باشیم و فقط آنچه را که رهبری خطاب به بخش‌های مختلف در این چهل سال فرموده‌اند را جمع بندی و براساس آن خطوطی که از یک مصدر عالی و حکیم و مبتنی بر چهل سال تجربه عینی صادر شده را نصب العین قرار دهیم برای بیست سال پیشرفت شگفت آور کفایت می‌کند.

مشکل اینست که ما این تدابیر قیمتی و بی نظیر را تبدیل به قانون نکرده‌ایم و آن را برنامه خود قرار نداده‌ایم به طور مثال فرض کنید همین یک توصیه امام خمینی (ره) را که فرموده‌اند: «باید ما متوجه باشیم، ملت ما متوجه باشند که وقتی که مجلسشان یک مجلسی است که از طبقه می‌متوسط است و توی این مجلس آن «دوله»ها و «سلطنه»ها و «سلطنتی»ها را نداریم و در دولت هم آنطور دولتهایی که افراد مرفه سرمایه دار کذا باشند نداریم، در ارتش هم آن افراد سپهبد و کذایی که املاک بی اندازه داشتند و آپارتمانهای چندین طبقه داشتند نداریم، این مملکت محفوظ می‌ماند. آن روزی که هر یک از شماها را ملت دید که دارید از مرتبه می‌متوسط می‌غلطید به طرف مرفه و دنبال این هستند که یا قدرت پیدا بکنید یا تمکن پیدا کنید، مردم باید توجه داشته باشند و اینطور افرادی که بتدریج ممکن است یک وقتی خدای نخواستہ پیدا بشود، آن‌ها



را سر جای خودشان بنشانند. اگر ملت می‌خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی که آمل همه است برسد، باید مواظب آنهایی که دولت را تشکیل می‌دهند، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلس هست، مجلسی هست، همه ی اینها را توجه بکنند که مبادا یک وقتی از طبقه ی متوسط به طبقه ی بالا و به اصطلاح خودشان مرفه به آن طبقه برسد.» (صحیفه امام، جلد ۱۶، صفحه ۲۱)

اگر فقط همین یک فرمان را تبدیل به قانون کرده بودیم و ورود ثروتمندان بزرگ به دولت و مجلس ممنوع شده بود و جای مرفهان بی درد عناصر غمخوار ملت از طبقه متوسط و محروم در رأس امور بودند بسیاری از مشکلات را نداشتیم. وقتی با رأی خودمان دنیاطلبان و منفعت جویان را روی کار بیاوریم، بدیهی است که کارخانه‌ها تعطیل و جوانان بیکار می‌شوند و سیل واردات و دلالگری برای محصولات خارجی کشور را در بر می‌گیرد. چرا قانون شفاف سازی درآمد و ثروت (از کجا آورده ای) به تصویب نمی‌رسد؟ و آنچه راجع به قرار دادن میزان دریافت های دولتی در معرض عموم مصوب شد و اجرا نمی‌شود.

چرا بر خلاف اقتصاد مقاومتی سیل واردات بی رویه افزایش می‌یابد؟ چرا مبارزه با مفاسد اقتصادی، مبارزه با حقوق‌های نجومی، مبارزه با بدهکاران کلان چندهزار میلیاردی بانکی به ثمر نمی‌رسد؟ این‌ها معلول انتخاب‌های خود ماست که بدون در نظر گرفتن معیارهای اسلامی که ولی فقیه داده است صورت داده‌ایم.

باید این تجربه بزرگ تاریخی را نصب العین سازیم و سرمایه عظیم نرم افزارها و قوانین و مقررات و سیاست‌ها و ضوابط فرایندهای بومی طراحی شده و زمین مانده را که بخاطر امید واهی و سراب گونه‌ای کسانیکه تصور می‌کند حل مشکلات به دست خارجی‌هاست در بایگانی‌ها خاک می‌خورد به میدان اجرا بگذاریم.

شاید تصور شود این حرفها یک بلوف است و بعضی بگویند درست است که اسم های شرق و غرب به بن بست رسیده و اما ما هم برنامه‌ای نداریم کفایت هر یک از اسنادی را که نام برده شد باز کنیم و ببینیم واقعاً اگر بجای تصورات غلط مدیران آنچه در سیاست‌های مصوب آمده است و آنچه فرمان رهبری است اجرا شود چه اتفاقاتی می‌افتد.

به طور مثال مقام معظم رهبری بارها فرمودند دولت از واردات کالاهایی که قابلیت تولید آنها در داخل وجود دارد جلوگیری کند و امسال را هم سال حمایت از کالای ایرانی نام نهادند امام خمینی (ره) در وصیت نامه خود تصریح کردند: «بر دولتها و دست اندرکاران است که از متخصصان خود قدردانی کنند و آنها را با کمکهای مادی و

معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف ساز خانه برانداز جلوگیری نمایند» (صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۱۴۸). آیا این وصیت و این فرمان اجرا شد؟ فرض کنیم دولت برای کالاهای ضروری مردم مثل کیف و کفش و لباس و مواد غذایی ضروری عذر دارد و می‌گوید اگر جلوی واردات اینها را بگیریم قیمت تولید داخلی گران می‌شود رقابت کاهش می‌یابد و کالاها گران و بی کیفیت دست مردم می‌رسد و به مردم فشار می‌آید فرض کنیم این حرف درست باشد (که بدلائل فراوان نیست)

در مورد کالاهای غیر ضروری و بدون اولویت چطور؟

مثلاً اگر واردات لوازم آرایش، مبلمان، لوازم تزئینی، سرامیک، نمای ساختمان، سجاده و تسبیح، اسباب بازی، چینی جات، عطریات، شکلات و نوشابه جات، جواهرات وسایل آشپزخانه، سرویس‌های بهداشتی، لوستر و گلهای مصنوعی ظروف چمدان، مجسمه و ... بکلی ممنوع شود. و تولیدات خارجی این کالاها در هر جای کشور قاچاق محسوب شود چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا عموم مردم در فشار قرار می‌گیرند. اگر برای چند سال که مشکل اشتغال شدید است فرض کنیم که بخاطر عدم رقیب خارجی کیفیت این نوع اقلام داخلی پایین بیاید چه مشکلی ایجاد می‌شود؟ ولی مشکلی که حل می‌شود اینست که بدون هیچ سرمایه گذاری و با سرمایه گذاری که خود تولیدکنندگان خواهند کرد بیشتر از ۵۰۰ هزار شغل ایجاد می‌شود یعنی یک میلیون جوان بیشتر از گذشته زندگی مشترک تشکیل خواهند داد و از خطر افتادن در ورطه ی تباهی نجات خواهند یافت.

اگر قدری جدی‌تر شویم و با صحبت و متقاعد سازی مردم تصمیم بگیریم پوشاک آماده وارد نکنیم و کمبود لباس داخلی را با حتی با پارچه خارجی و دوخت داخل حل کنیم اکثر کارگاههای خیاطی که طی سالهای اخیر تعطیل شده و اماکن، تجهیزات و نیروهای آن معطل و بلااستفاده مانده است فعال و تقریباً بدون هیچ سرمایه گذاری دهها هزار نفر به سر کار باز می‌گردند. ولی وقتی دولت برآوردی متفاوت نسبت به اولویت‌ها دارد و بر خلاف سیاست‌های کلی نظام و نظر صریح رهبری تصور می‌کند مذاکرات با قدرتها راه حل مشکلات کشور است آیا این امکانات دیده می‌شود؟ دولتی که پس از اینهمه اصرار رهبری و تأکیدات قانونی و اجماع همه آگاهان و دلسوزان اقتصاد کشور بر ضرورت مصرف تولیدات داخلی خودش بزرگترین معرف کننده کالای وارداتی قابل تولید در داخل است و توسط مجلسی که طرفدار

دولت است بخاطر خریدهای خارج از کشور کالاهای قابل تولید در داخل محکوم شد آیا چنین دولتی دولتی اسلامی محسوب می‌شود.

وقتی تصور دولت از اقتصاد مقاومتی اینست که با امتیاز دادن به قدرتهای سلطه گر پول را صرف خرید کالاهای غیرضروری مثل هواپیماهای لوکس که فقط برای تردد در راههای دور مثل رفت و آمد به کانادا و آمریکا دارد بکنیم تا به غربی‌ها امتیازی بدهیم و آنها را به خودمان امیدوار کنیم آیا پس از خرید دهها فروند هواپیمایی که هر فروند ۴۰۰ تا ۹۰۰ میلیون دلار ارزش دارند (خبرگزاری فارس، ۹۴/۱۱/۱۸) بودجه‌ای برای فعالیت‌های اشتغال زا باقی می‌ماند.

طرح‌های فراوانی برای حل مشکلات کشور و پیشرفت سریع در مسیرهای تعالی کشور که چه به دولت قبلی و چه به دولت فعلی ارائه شده و مورد تأیید مسئولان تخصصی وزرای مربوط قرار گرفت ولی به خاطر نگاه به خارج کشور برای حل مسائل آن طرحهای خوب را نادیده گرفته اند انشاءالله در کتاب بعدی می‌آید، اما باید بدانیم که اگر هیچ طرح مهمی هم در میان نباشد. صرف روی کار آمدن دولت اسلامی یعنی دولتی که مصمم به پیاده سازی احکام عدل اسلامی است دولتی که مصمم به اجرای تدابیر ولایت است، دولتی که به دنبال جمع آوری ثروت و قدرت برای اطرافیان نیست و فقط به خدمت می‌اندیشید. دولتی که ظرفیت‌های ملی و نسل جوان را باور دارد و به جای چشم دوختن به خارج، برنامه‌های مصوب ملی را به جریان می‌اندازد قطعاً وضعیت را بارها و بارها بهتر از آنچه در آن واقع هستیم خواهد کرد. اگر خدا توفیق دهد یک بار دیگر طعم دولت اسلامی را آن طور که در دوران کوتاه کابینه شهید باهنر و ریاست جمهوری شهید رجایی عزیز چشیدیم، خواهیم چشید.

رئیس دولتی که رئیس دفتر خودش را به خاطر رنگ زدن اتاق ریاست جمهوری تنبیه کرد و نصف هزینه را از جیب خودش و نصف دیگر را از حقوق رئیس دفترش پرداخت. همین ملت طعم شیرین دولت اسلامی را می‌چشند و در مشارکت عمومی برای حل مسائل کشور همه مردم به گونه‌ای دیگر فداکاری خواهند کرد.

رفتاری که نمی‌توان انتظار داشت در دولتی که در بدو ورود به کاخ ریاست جمهوری هفت میلیارد تومان خرج زرق و برق آنجا می‌کند از مردم سر بزند.

این یک تفکر ریشه‌دار در نظام اسلامی است که دولت و ملت یکی هستند. فرمایش رسول خدا(ص) که: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت گواه مستقیم این تفکر است.

امروز در کشور ما یک نظام مردم سالاری حاکم است و حق انتخاب باماست تنها راه حل مشکلات و سعادت‌مندی بیشتر ملت ایران استفاده جدی از سرمایه‌ها و تجربه‌های چهل سال انقلاب اسلامی است و این تنها با انتخاب یک دولت اسلامی با آراء عمومی مردم شدنی است.

## جمع بندی و نتیجه گیری

پس از هزاران سال مبارزات مستمر انبیاء الهی و مصلحان و مجاهدان در طول تاریخ با عنایت خاص خدای متعال که در اخلاص سلاله ابراهیم خمینی بت شکن و به میدان آمدن ملتی تربیت یافته دامن اهل بیت (ع) تبلور یافت نهضتی جوانه زد که جهان را بیدار کرد و مسیر تاریخ را در جهت پیمودن راه کمال دگرگون ساخت و از ورای هزاره‌های پس از هبوط آدم راه را برای دست یابی به بهشت روی زمین هموار ساخت.

نهضتی که انقلاب اسلامی ایران نامیده شد و امروز پس از چهل سال استمرار شکوهمندانه و بی نظیر در مسیر بالندگی انقلاب کبیر اسلامی خوانده می شود.

انقلاب کبیر اسلامی ثمره نهضت تمامی انبیاء و خون‌ها و خون دل‌های همه اولیای الهی است.

انقلاب کبیر اسلامی دستاورد ۲۵۰۰ سال مبارزه بی‌امان ملت عدالتخواه ایران با شاهان ستمگر است.

انقلاب کبیر اسلامی بزرگترین حادثه و والاترین دستاورد بشریت در هزاره اخیر است.

انقلاب کبیر اسلامی شکل دهنده قرن خمینی کبیر(ره) و زمینه ساز حکومت جهانی عدل مهدوی است.

انقلابی که به اراده خداوند متعال از متن توده‌های مردم برخاست و کاخ طاغوت‌های ظالم را زیر و رو کرد.

انقلابی که یک کشور درجه ۳ سرشکسته در نزد ملت‌های جهان را به کشور تراز اول موثر در معادلات بین‌المللی و محبوب و عزیز نزد ملت‌ها تبدیل کرد.

انقلابی که نه تنها نظامات و محاسبات سیاسی و اجتماعی داخلی بلکه روابط بین‌الملل را دگرگون ساخت و انشاءالله می‌رود تا بشریت را به جماعه و تمدنی که خدا برای او خواسته است، برساند.

انقلاب کبیر اسلامی نظام ظالمانه دو قطبی عالم را فرو ریخت

انقلاب کبیر اسلامی نظریه جدایی دین از سیاست را عملاً باطل کرد

انقلاب کبیر اسلامی با قدرت اسلام در تشکیل و اداره ی حکومت را در عمل ثابت کرد

انقلاب کبیر اسلامی اسلام را احیاء صفوف مسلمانان را وحدت بخشید

انقلاب کبیر اسلامی آرمان آزادی فلسطین را تجدید و اشغالگران را به محاصره که مقدمه ی نابودی آنان است سوق

داد

انقلاب کبیر اسلامی ملتها را بیدار کرد و اعتماد بنفس و خودباوری را به ملتها باز گرداند

انقلاب کبیر اسلامی ماهیت واقعی مستکبران را برملا و آنها را رسوا ساخت

انقلاب کبیر اسلامی زنگارها را از اسلام زدود و با رسوا سازی اسلام تمامی متحجرانه و وادادگی اسلام یا نه جهان را با

حقیقت اسلام ناب محمدی آشنا ساخت.

انقلاب کبیر اسلامی تنها انقلاب حامل پیام و رسالت جهانی در قرن های اخیر است که بدون تحریف و انحراف به

چهل سالگی رسید.

انقلابی که بدون ذره ای انحراف از خط و تفکر بنیانگذار خود ۴۰ سال دوام یافت و طعم شیرین استقلال و آزادی و

زندگی زیر پرچم اسلام را به ملت چشانند.

در سایه استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی که تحقق آن رسالت انقلاب اسلامی بود رأی مردم، استعدادهای مردم،

انگیزه تعالی بخش مردم ایران امکان بروز و ظهور یافت.

رسالت این انقلاب کسب استقلال و قطع دست چپاولگران خارجی از منابع و ثروت های ملت ایران بود که به فضل

پروردگار این رسالت محقق شد و انقلاب اسلامی به دویست سال دخالت و حاکمیت اراده بیگانگان بر سرنوشت ایران

عزیز پایان داد و بحمد الهی امروز ایران مستقل کشور زیر آسمان کبود است.

رسالت این انقلاب دستیابی به آزادی بود تا دست مستبدان و دیکتاتورها از حاکمیت کوتاه و اراده ملت بر سرنوشت

کشور حاکم باشد تا مردم بتوانند فارغ از استعمار و استبداد آزادانه اراده خویش را اعمال و مسیر خود را انتخاب کنند

و بفضل پروردگار استبداد به زباله دانی تاریخ فرستاده شد و امروز آزادترین کشورهای دنیا هستیم.

رسالت این انقلاب حرکت بر مبنای اسلام بود تا از استقلال و آزادی برای پیشرفت بر مبنای اسلام بهره گرفته شود و آزادی آرای مردم در چارچوب سنت ها و قوانین الهی و نه خارج از آن به جریان افتد و بحمدالله امروز ما اسلامی ترین کشور دنیا را داریم.

انقلاب کبیر اسلامی توانست در مقابل طوفان جنگ ها و توطئه ها با صلابت و عظمت بایستد. از میان آتش فتنه های حرص و کبر و حسد با پاکی و قداست سربلند بیرون آید و در گردباد بغض و کینه و دشمنی پایان ناپذیر مستکبران و طاغوت ها راه خود را گم نکند.

اینها را ما عاشقان این انقلاب بی نظیر ادعا نمی کنیم، اینها واقعیاتی است که امروز دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی به آن شهادت می دهند. ابرجنایتکارانی که در اسناد راهبردی خود نام جمهوری اسلامی ایران را در صدر تهدیدات امنیت ملی خود می نویسند. سلطه گران جهانی که روزی را بدون اظهارنظر علیه ایران شب نمی کنند استعمارگرانی که هفته ای را بدون صدور قطعنامه، بیانیه، قانون گذاری علیه جمهوری اسلامی به انتها نمی برند و دنباله های داخلی که مرتباً اللقاء می کنند موضوعی تحت عنوان استقلال دیگر ارزش نیست، دوران استقلال طلبی به پایان رسیده است و ایران باید وارد دوره پسااستقلال شود. همه اینها با صد زبان دارند فریاد می زنند که ایران مستقل ترین کشور دنیاست و ما در آن اعمال نفوذ نداریم مخالفانی که قلم و بیانشان هر روز در مخالفت با انقلاب اسلامی و ارزش های آن در جریان است و خیلی فراتر از انتقاد بعد از همه بدگویی ها و تحریفات و مغالطات علیه مبانی انقلاب اسلامی در روزنامه ها و ساست ها و شبکه های اجتماعی مجازی شان تازه دم از خفقان و نبود آزادی می زنند. حجت های مسلمی در تأیید این واقعیت اند که ایران اسلامی یکی از آزادترین کشور دنیاست. آنها که مدعی اند در آمریکا و اروپا آزادی بیشتر است از آنها آدرس درخواست کنید و بگویید می خواهیم چند عنوان کتاب ضداستکباری و ضدصهیونیستی برای شما بفرستیم یا نشانی ایمیل بدهید برای شما بفرستیم عکس العمل آنها ثابت می کند که ادعایشان دروغ است. همه دشمنان داخلی و خارجی که شبانه روز اصرار می کنند جمهوری اسلامی چه در مسائل اساسی همچون حاکمیت دینی و دخالت دین در سیاست و نفی طاغوت و سلطه کفار بر کشور و... و چه در مسائل جزئی مانند حجاب، فحشاء و نظایر آن باید دست از احکام اسلامی بردارد. با زبان خود اعتراف می کنند که ایران اسلامی ترین کشور دنیاست.

پس به شهادت دشمنان این انقلاب با همه ارزش ها و رسالت های اساسی خودش پس از چهل سال زنده و با نشاط و سربلند و کارآمد برقرار مانده است و از کارآمدی آن همین بس که با حفظ مردم در صحنه در رویارویی با سلطه گران جهانی هر روز پیروزی های بزرگتری را کسب می کند.

ملت عظیم و مومن و ولایتمدار ایران توانستند با وحدت و همدلی، با شجاعت و اقتدار با عزت و ایستادگی انقلابی را که با مرحمت پروردگار به دست خود آفریدند را چهل سال تمام بدون کوچکترین خدشه در اصول محافظت کنند و تعالی بخشند.

هر چند در تمام این سال ها دشمنان قسم خورده یک لحظه دست از توطئه و خباثت علیه ملت این ملت و انقلاب الهی شان برنداشتند و از هیچ ترفندی برای نابودی انقلاب اسلامی فروگذار نکردند.

هر چند این ملت می باید برای پیمودن راه پیشرفت در میان سنگلاخ نقشه های شیطانی و تحریم ها و کارشکنی ها گام بردارد و در میان سیل بنیان کن جهانی سلطه گری و سلطه پذیری برخلاف جریان آب شنا کند.

با این وجود ملت رشید ایران حقا خوش درخشیدند و با بهره گیری از فرصت ارزشمند استقلال و اغتنام فرصت بی نظیر آزادی تحت هدایت اسلامی با شکوفایی استعدادها و با پیشرفت های خیره کننده مادی و معنوی در میان تمامی این ناملایمات نشان دادند امانت دارانی با فضیلت برای میراث شهیدان و قدرشناس و شکرگزار این نعمت های الهی اند.

ملت نه فقط با فداکاری های مثال زدنی و خلق حماسه های جاودانه ای برای حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و توطئه های پی در پی و بی پایان دشمنان علیه اسلام و نظام اسلامی را در هم شکستند بلکه با ارتقای تمامی شاخص های پیشرفت ایران را به خانه امید همه ملت های آزاده و آزادی خواه مبدل و به الگوی الهام بخش کشورها تبدیل کردند. با حجم غیرقابل شمارش دشمنی ها و سنگ اندازی ها در مسیر سعادت ملت ایران اگر پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران هیچ پیشرفت و ارتقایی در جایگاه جهانی نسبت به گذشته پیدا نمی کرد، نفس آزادی و استقلال ارزش آن فداکاری های انقلابی را داشت کما اینکه بسیاری از کشورها فقط برای رسیدن به استقلال چندین برابر مدت ما سختی کشیده و چندین برابر قربانی دادند. حال آنکه ایستادگی ما و تحمل زحمات علاوه بر آزادی و استقلال، پیشرفت های شگرفی را هم برای ما به ارمغان آورد.

کردگشوری اسیر استبداد و استعمار که اجازه هیچ ابراز نظری حتی در مسائل کوچک داخلی مانند تعیین وزیران و مدیران و تدوین برنامه های اداره خود نداشت را به کشوری با دست برتر در سیاست منطقه و یکی از بازیگران اصلی همه تحولات جهانی تبدیل شود.

کشوری لگدکوب ارتش دشمنان را که طی قرن ها با شکست های زنجیره ای نیمی از خاک خود را واگذار کرده بود، به قدرت نظامی اول منطقه و یکی از قدرت های نظامی برتر جهان مبدل ساخت.

و همه جهان شاهد بودند که در پرتو هدایت های اسلام در طی چهل سال گذشته ایران اسلامی در همه مولفه های قدرت و امنیت ملی سیر صعودی را طی کرد در حالی که تمامی مولفه های قدرت و امنیت ملی و دشمن اصلی اش یعنی آمریکا در این دوره چهل ساله سیر نزولی داشت و افول آن کماکان ادامه دارد.

چالش های بزرگ ملت ایران با جبهه جهانی شیاطین و پیروزی های یک ملت تنهای تنهای آنها با دست های خالی در غلبه بر ۲۵۰۰ سال ستم شاهی عبور از همه توطئه ها و دام های رنگارنگ فریب و تزویر، پیروزی ملتی تنها در دفاع مقدس، پیشرفت های اعجاب انگیز در عرصه های مختلف در عین رویارویی با همه ابرقدرت های شرق و غرب و کسب برتری در فضای اختناق جهانی و غربت و تنهایی علاوه بر دستاوردهای درخشانی که در این کتاب اشاره ای به آن شد دستاورد گرانبسنگ تری به چنگ آورده که از همه پیشرفت ها ارزشمندتر و در پیمودن راه تا قله های حاکمیت سعادت ملی و عدالت جهانی اثربخش تر است و آن تجارب ذیقیمت راهبردی و تاریخی است. تجاربی که هر کدام به عالمی از پیشرفت ها می ارزند. هر انسان خردمند، هر دلسوز ملت، هر ایرانی اصیل و با فضیلت برای تعیین جهت گیری و برنامه ریزی آینده ایران به بهره گیری از این تجارب توصیه می کند و رها کردن تجربیات عملی این چهار دهه پر از تلاطم را عین بی خردی و ناقض عقلانیت می داند. عقل و خرد اقتضا می کند که پیوسته تجارب اساسی و راهبردی این چله را پیش رو مجسم ببینیم و حرکت آینده خود را با درس گیری از توفیقات و عبرت گیری از ناکامی ها و ناملایمات آن برنامه ریزی و اجرا کنیم چرا که غیر از این مورد سرزنش تاریخ خواهیم شد که ملتی با آن هیبت و عظمت آن گام های بلند را برداشت و سختی های زیادی را تحمل کرد.

بدون درس و عبرت از حوادثی که در آن واقع شد همه آن دستاوردها را خدای نکرده ضایع کرد آنگونه که خدای متعال در مورد قوم بنی اسرائیل روزی می فرماید:



یا بنی اسرائیل اذکرو نعمتی التي علیکم و اتی فضلکم علی العالمین (سوره بقره، آیه ۴۷)

و به خاطر درس نگرفتن از تجارب و کفران نعمت ها روز دیگر می گوید:

و «ضربت علیهم الذله و المسکنه و باغو بغضب من الله» (سوره بقره، آیه ۶۱)

تا امروز آیات از نوع اول خطاب به ما بوده است که یا بنی اسرائیل اذکرو نعمتی علیکم اذ انجیناکم من آل فرعون یسومونکم سوءالعذاب (سوره بقره، آیه ۴۹)

ای ملت ایران یاد کنید نعمت پروردگار خودتان را که شما را نجات داد از خاندان فرعون زمان که شما را به بدترین شکنجه ها و آزارها عذاب می داد. آری باید یاد کنیم از آن روزها و اعتراف کنیم با دست خالی و بدون هیچ امکان اساسی در مقابل طاغوتی که همه امکانات را در اختیار و همه قدرت های جهانی را در پشتوانه خود داشت فقط و فقط و فقط با امداد الهی و قدرت غیبی بود که پیروز شدیم و موفقیتی را که در طول ۲۵۰۰ سال پیشینیان نتوانسته بود در مقابل شاهان ستمگر کسب کنند، کسب کردیم.

این اولین تجربه بزرگ ملت ماست که اگر با خدا باشی، خدا با توست من کان الله کان الله له... و ان تنصروالله ینصرکم اگر شما خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می کند و اگر خدا شما را یاری کند هیچ کس نمی تواند بر شما غلبه کند و این ینصرکم الله فلا غالب لکم و اگر از نصرت الهی پا فراتر نهی و براساس قواعدی که او فرموده سازماندهی کنی و به حزب خدا در آید حزب خدا پیروز قطعی میدان هاست.

شاید بگویید اینها که آیات قرآن و مباحث نظری است ما می گوئیم نه خیر اینها مباحث نظری نیستند گرچه در قرآن مستند به تجارب واقعی و حوادث میدانی دوران های گذشته به عنوان قانون و سنت حاکم بر جهان به ما گفته شده اما امروز به دنبال ۴۰ سال جنگ و گریز و ۴۰ سال پرتلاطم و مشحون از حادثه، ما این واقعیت را خودمان در دوران خودمان نه یک بار و دو بار بلکه بارها با گوشت و پوست و استخوان لمس و تجربه کرده ایم و اگر تا دیروز فقط افراد با ایمان به خدا به آن آیات باور داشتند امروز هر انسانی در هر دین و مسلک و حتی انسان بی دین منکر آن آیات دارای عقل محاسبه گر مادی هم نمی تواند این تجربه را انکار کند چون خودش در حوادث مکرر شاهد آن بوده است.

ملتی تنهای تنهای تنها با دست های خالی خالی خالی فقط با تکیه بر خدا و تمسک به اطاعت از ولایت در مقابل دشمنان با همه امکانات پیروز شده است.

و آنچه در کنار این تجربه بزرگ دل های ما را سرشار از امید و یقین به پیروزی عظیم قریب الوقوع می کند، ماهیت ملت امروز ایران اسلامی است. امام خمینی(ره) فرمودند بودند که ملت امروز ایران از مردم حجاز در عهد رسول الله(ص) بالاترند (وصیتنامه سیاسی-الهی امام، بند ج). پیش از آن پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) در تفسیر آخرین ایه از سوره محمد که قوم پیامبر(ص) را انداز میدهد که اگر از اسلام روی گردانید قوم دیگری را جایگزین شما میکنم که مانند شما نباشند "وان یتولوا یتبدل قوما غیرکم ثم لا تکنونوا امثالکم" (سوره محمد، آیه ۳۸)، به همین حقیقت اشاره فرموده بودند \*

مفسرانی همچون طبری، طبرسی، فخر رازی، قرطبی، زمخشری، ابن کثیر، سیوطی، آلوسی، المرغی و طباطبائی در ذیل این آیه، حدیثی را با اختلاف اندکی از رسول خدا نقل کرده‌اند:

ابوهریره نقل می‌کند: هنگامی که رسول خدا آیه شریفه «و ان تتولوا» را خواندند، حصار عرض کردند: یا رسول الله، کسانی که اگر ما اعراض نمودیم خدا آن‌ها را جایگزین ما کرده و آنان نیز مثل ما نخواهند بود، کیانند؟ فخر رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) علی فخذ سلمان الفارسی ثم قال: هذا و قومه، لو کان الدین معلقا بالثریا لناله رجال من الفرس»؛ «فرس» کلمه‌ای است عربی که مورخان اسلامی و عرب زبانان بر ایرانیان اطلاق کرده‌اند. همان گونه که عجم را نیز در مورد ایشان به کار برده‌اند ...

رسول خدا دست بر ران سلمان فارسی زد و فرمود: این و طایفه‌اش هستند (سپس اضافه فرمودند): اگر دین خدا آویزه ستاره ثریا باشد، حتما مردانی از فارس به آن خواهند رسید .

در نقل ابونعیم چنین آمده است: بیش‌ترین بهره اسلام از آن ایرانیان است و اگر اسلام در ستاره ثریا باشد، مردانی از ایران آن را به دست می‌آورندو پیش بینی های این دوران در حدیث عن علی بن عیسی عن ایوب بن یحیی الجندی عن ابي الحسن الاول (ع) قال رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق يجتمع معه قوم كزبر الحديد لا تزلهم الرياح العواصف و لا يملون من الحرب و لا يجبنون و على الله يتوكلون و العاقبة للمتقين. «بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶»

علی بن عیسی از ایوب بن یحیی از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: مردی از اهل قم مردم را به سوی حق دعوت می‌کند و قومی گرداگرد او جمع می‌شوند به صلابت پاره‌های فولاد، تند بادها آنان را به لرزه درمی‌آورد و از جنگ خسته نمی‌شوند و ترس به خود راه نمی‌دهند و بر خدا توکل می‌کنند و سرانجام، پیروزی از آن متقین است.

به ما بازگو شده بود اما ما این را ۴۰ سال تجربه کردیم و این مردم مصداق همین احادیث یافتیم مردمی که در سخت‌ترین شرایط زیر باران موشک به میدان آمدند و از تداوم دفاع تا رسیدن به مقصد دفاع کردند، مردمی که در دوران اوج ترورهای بی رحمانه خودشان طومار منافقین را در هم پیچیدند، مردمی که ۲۳ تیر ۷۸ و ۹ دی ۸۸ و ۱۰ الی ۱۵ دی ۹۶ را آفریدند و در یک حماسه باورنکردنی در شرایطی که نفوذی‌ها با کمک استکبار بیشترین فشار اقتصادی و روانی را به مردم وارد کردند تا آنها را خسته کنند در ۲۲ بهمن تماشایی پرنشاط تر از سال‌های قبل از انقلاب خود دفاع کردند و ثابت کردند که اگر ۴۰ سال است شعار می‌دهند ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند، این شعارها صادقانه و از عمق جان است و لقلقه زبان نیست.

پس تجربه مادی و حسی که ۴۰ سال برای ملت ما تکرار شد اثبات می‌کند که با این خدا و این مردم می‌توانیم به رفیع‌ترین قله‌های سربلندی برسیم و همانگونه که از ورای ۲۵۰۰ سال ستم شاهان ملتی را برای اولین بار از این ظلم و جنایت رستیم، می‌توانیم با تداوم این راه جامعه بشری را از سلطه جهانی برهانیم و صلح و عدالت و آزادی را برای همه جهان به ارمغان بیاوریم.

ما به تجربه یافتیم که هرگاه خود را بسازیم و شرایط را مهیا کنیم فرج حاصل می‌شود و امام حق می‌تواند در وسط آتش قدرت مسلط به امت خود بپیوندد و ظالمان را سرجای خود بنشانند و حکومت عدل را برقرار کند. توطئه‌های رنگارنگ استکبار یک واقعیت مستمر است و تا قوی شدن ما در سطح یک قدرت جهانی و ما به ضعف کشاندن آن نیروی مستکبر توقف ندارد.

ما به تجربه دریافتیم که حق‌گرفتنی است برای کنار زدن زورگویان و رسیدن به حق خود باید قوی شد. سلطه‌گران جز زبان زور نمی‌فهمند و اگر در مقابل آنها قدرت کسب نکنی، تو را می‌بلعند و به هیچ اصل اخلاقی و انسانی و حقوق بشری پایبند نیستند پس باید در همه شئون قوی تر شویم قدرت و نفوذ منطقه‌ای و جهانی خود را بیفزاییم،

قدرت تسلیحاتی و دفاعی خود را افزایش دهیم و از همه مهم تر قدرت ایمانی خود را که برترین سلاح ماست تعمیق بخشیم. تا قدرتهای سلطه گر سر جای خود ننشانیم و یا به مرزهای قدرت آنها نرسیم تحقق کامل عدالت و جامعه اسلامی شدنی نیست.

و تجربه به ما ثابت کرد که بعد از ایمان، وحدت مهم ترین مولفه قدرت است. پر قدرت ترین و خشن ترین دشمنان به هیچ وجه جرأت تهاجم به یک ملت منسجم و دارای وحدت مستحکم را ندارند و اگر به احتمال بسیار بسیار ضعیف بی عقلی کنند و دست به تجاوز بزنند شکست آنان محتوم است.

تجربه به ما ثابت کرد که در هر چالش و آزمایشی در مقابل زیاده خواهان جهانی و داخلی پیش می آید عده ای علم سازش بر می دارند و تحت شعارهای زیبا و دلربای صلح و آرامش و دوستی و حقوق بشر به کنار آمدن با آن زیاده طلبان و دادن باج در ازای امنیت دعوت می کنند.

تجربه به ما ثابت کرده در این مواضع باید راه مقاومت و ایستادگی را در پیش گیریم نه فقط به این استناد که کفر به طاغوت واجب و ستم پذیری حرام است بلکه ایمان ما به این وظایف ضعیف باشد تجربه کرده ایم که هزینه های سازش کمتر از مقاومت نیست که بیشتر است. انهم یالمون کما تألمون و ترجون من الله ما یرجعون

تجربه به ما ثابت کرد که برای امنیت و پیشرفت هیچ نیازی به باج دادن به قدرت ها نداریم ما که ایستاده ایم و مقاومت کرده ایم به مراتب از آنها که راه سازش را گزیده اند، امن تر و پیشرفته تریم. وعده الهی و ان لو استقاموا علی الطریقه لا سقیناکم ما وعده راست است. میوه های شیرین مقاومت و نتایج تلخ سازش را بارها و بارها چشیده ایم.

تجارب ارزنده چهل ساله ملت ایران نشان داد که می شود مقابل همه قدرتهای زورگو ایستاد و پیشرفت هم کرد و نه تنها پیشرفت کرد بلکه به سریع ترین سرعت پیشرفت هم رسید.

تجربه به نشان داد که از دل هر شاخه ای از مقاومت یک نیروی جدید می روید و نه تنها چیزی را از دست نمی دهیم بلکه نیرویی به نیروی ما افزون می گردد و یزوکم قوه الی قوتکم و عده حتمی است.

تجربه به ما نشان داد که پیشرفت های مادی و دستیابی به علوم و فناوری ها منحصر به قوم و نژاد و کشورهای خاصی با آداب و رسوم معین و جهانی دنیاطلبانه نیست ما هم با حفظ اعتقادات و اصول مان و حفظ احترام ملیت و

نژادمان می توانیم برای فناوری و صنعت و علمی که نیاز داریم برسیم اگر بخواهیم و در راه آن تلاش کنیم موفقیت قطعی است من طلب شیء وجد و جد پیامبر را تجربه کردیم خواستن توانستن مصطلح خودمان را به عینه بارها و بارها در جهش های علمی، در فناوری دفاعی و سلول های بنیادین در فناوری هسته ای و... دیدیم.

تجربه به ما ثابت کرد راه پیشرفت عمیق و پایدار انقطاع از ابرقدرت هاست پیشرفت های ظل ابرقدرتهای پوشالی و ظاهری است و پیشرفت هایی که با مقاومت حاصل می شود عمیق و پایدار است.

تجربه به ما نشان داد هر جا امیدمان به بیگانه قطع شد و به کمک آنان دل نیستیم در آنجا پیشرفت های معجزه آسا رخ داد و هر جا که به تأمین امکانات و تحقق پیشرفت بیگانه دلخوش کردیم همان جا عقب ماندیم

ما به تجربه دریافتیم که خودباوری و اعتماد به نفس کیمیایی است که حس وجود انسان ها را و نشدنی ها را شدنی می کند.

اصلی ترین عامل پیشرفت بلکه جهش علمی و فنی نهراسیدن از چالش هاست. قراردادن ظرفیت های علمی در مسیر چالش های سخت استعدادهای نهفته را کشف، توانایی های بالقوه را فعلیت می بخشد و پیشرفت های شگفت آور را رقم می زند. این را بارها و بارها تجربه کردیم.

تجربه نشان داد که باید جوان های مان را باور و کارها را به جوانان با ایمان بسپاریم پیروزی های شگفتی ساز چه در دفاع مقدس چه در عرصه علم و دانش و فناوری چه در عرصه سیاسی و اجتماعی و چه در عرصه فرهنگی جوانان آفریدند و کارها را به آنها واگذار کنیم.

تجربه چهل ساله انقلاب اسلامی این است که هر جا کار را به نیروهای مومن و انقلابی سپردیم موفق شدیم و هر جا از این ارزش ها کوتاه آمدیم، عقب ماندیم. هر جا به آموزه های دینی و اسلامی عمل کردیم، درخشیدیم و هر جا آنها را و نهادیم عقب ماندیم. موفقیت های درخشان و بی نظیر کشور محول کار مدیران و کارگزاران مؤمن و باتقوای انقلابی و جهادی است و هیچ دستاورد مهم و درخشانی از سپردن کارها به افراد ضعیف الایمان و بی تقوی ولو متخصص حاصل نشده است.

ما به تجربه دریافتیم که دشمن و جنگ با ملت ایران و هر ملت مسلمان یا غیرمسلمان آزادی خواه جزء ذات استکباری ایالات متحده آمریکاست کینه ورزی و ستمگری ماهیت غیرقابل تفکیک از آمریکاست و آنها تا آخر با ما خواهند جنگید تا ما را متوقف و از راه خود منصرف کنند این پیش بینی قرآنی کاملاً صحیح است که فرمود و لا یزالون قاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعول تجربه شد. توطئه های آمریکا علیه ملت ایران پایان ندارد و تجربه کردیم که برای خنثی کردن این توطئه با این وجود از این حیوان وحشی درنده و خشن و دستان پر از سلاح نباید بترسیم آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند در ۵۸ که امام خمینی(ره) فرمودند برایمان یک شعار بود امروز یک تجربه بزرگ است و یقین داریم که اگر با هم باشیم و همه با هم با خدا باشیم، واقعا آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند و نهایت توانمندی او آزاری است که برساند همانطور که خدای متعال فرموده لن ینصروکم الا اذی و ان یقاتلوکم یولکم الابدان ثم لا ینصرون آل عمران ۱۱ این برآورد قرآنی را که هرگز نمی توانند به شما زبانی برسانند مگر آزارهای مختصر و اگر با شما پیکار کنند به شما پشت خواهند کرد و شکست می خورند و کسی آنها را یاری نخواهد کرد این آیه ها را با همه وجود حس کردیم.

شرط این موفقیت آن است که از دشمن نترسیم و در مقابل او یک قدم عقب ننشینیم چرا که تجربه کردیم هر قدمی عقب بنشینیم او چندین قدم پیش می آید.

و در این چهل سال بارها و بارها چه در رفتار با خودمان و چه روابط با دیگران به تجربه ثابت شد که رژیم آمریکا یک رژیم شدیداً پیمان شکن است و به هیچ پیمانی پایداری با او نمی توان رسید این در مذاکرات و توافقنامه الجزایر و برجام برای خود ما به اثبات رسید و در مسائل کره شمالی، الجزایر، عراق و در شکستن پیمان پاریس در مسأله لیبی و... کاملاً احراز شد و تجربه شد که مذاکره با آمریکا بی فایده بلکه مضر است.

تجربه ثابت کرد که هر کشوری به آمریکا نزدیک تر شود استقلال او کاملاً به خطر می افتد و آزادی های مشروع در آن کشور به شدت محدود می شود. سلام هر کشور اسلامی با آمریکا خداحافظی با اعمال اراده مردم بر سرنوشت خویش و خداحافظی با آزادی است.

پس چه باید کرد؟ تجربه به ما می گوید که راهی جز تداوم مبارزه و شکستن چنگ و دندان ابرقدرت ها نیست.

تا رژیم آمریکا از میان نرود، یا لاقلاً خود را به مرزهای ابرقدرتی نرسانیم، نمی توانیم جامعه اسلامی را پیاده کنیم.

ما تجربه کردیم که پشتکار و تکرار شعارها و اصرار بر شعارها به تدریج آنها را جامه عمل می پوشاند و برخلاف آنچه القاء می کنند شعارها بی اثر نیست.

تجربه به ما اثبات می کند رژیم آمریکا به پایان خط رسیده است و هر شخص و جریانی خود را به آمریکا متصل کند به زودی همراه رژیم آمریکا به زباله دان تاریخ افکنده خواهد شد.

تجربه ای عینی نشان می دهد که نه فقط آمریکا بلکه کل نظام سرمایه داری بلکه ایسم ها و مکاتب بزرگ مدعی اداره جهان، شکست خورده اند و بشریت سرگشته به دنبال الگویی جدید برای اداره جامعه جهانی است. ناتوانی تفکرات سوسیالیسم، سرمایه داری، لیبرالیسم و نئولیبرالیسم و سوسیالیسم در صدها جبهه به کرات احراز شده است.

ما تجربه کردیم که لیبرالیسم همان حکومت استبدادی سرمایه داران بزرگ و سران احزاب پر قدرت است.

هر چند دولت با ظاهری دموکراتیک انتخاب می شود اما دولت منتخب دولت اصلی نیست دولت اصلی سرمایه داران بزرگند که خشن ترین دیکتاتوری را اعمال می کنند هیچ اصلتی برای اراده ملت قائل نیستند رأی تصمیم گیرندگان را خرید و فروش می کنند و فقط به تسلط بر افکار عمومی با به کار بستن تاکتیک های عملیات روانی علیه ملت خود به شدت اهتمام دارند.

تجربه ثابت کرد که اگر تقوا نباشد نه رکن اول دموکراسی یعنی قانون اساسی تضمینی بر آزادی و اعمال اراده مردم بر سرنوشت خویش است چرا که به راحتی در راستای منافع قدرتمداران تفسیر به رأی می شود و یا کنجی خزیده به فراموشی سپرده می شود و نه رکن دوم یعنی احزاب که بازیچه مطامع صاحبان زر هستند و به راحتی در اختیار فاسدترین اشخاص کشور قرار می گیرند. آنچه بر احزاب غالب است دفاع از منافع حزبی و مصالح جوان حزب است آنها غالباً از پاکسازی عناصر فاسد خود طفره می روند و با سیاسی کردن پرونده های مفساد اخلاقی و مالی سران خود به شدت از آنها حمایت می کنند و بابت ریاست هم حزبی های فاسد خود بر مردم را به صرف اینکه به حزب آنها وابسته اند بر سایرین ترجیح می دهند.

و اگر تقوی نباشد مجلس هم به راحتی در کنترل سرمایه داران فاسد قرار می گیرد و بر خلاف مصالح ملت به نفع آن سرمایه داران رای می دهد.

و از همه بدتر رکن چهارم دمکراسی مطبوعات اند که وقتی تقوا نباشد به خاطر نیازهای مالی به ورطه این مفسدان می افتند و به جای دفاع از منافع مردم مدافع مفسدان اقتصادی می شوند و ابزاری برای تسلط آنان بر افکار عمومی و اعمال اراده ی زیاد خواهان برای اداره ی مردم شوند.

ما به عینه تجربه کردیم عدالت بدون معنویت محقق نشدنی است تفکر سوسیالیزم در انواع گرایش های آن کاملاً شکست خورده و قابل پیروی نیست.

تجربه ثابت کرد آزادی بدون تقوا معنویت بهیچ وجه جامعه ای را سعادتمند نمی کند و تفکر لیبرالیسم با وجود دستان باز و منابع بی پایان غارت شده از ملت های شکست کامل انجамیده و پیروی از آن حماقت محض است هیچکدام از تکیه گاههای ۴ گانه لیبرال دمکراسی نمی تواند تضمین برای اجرای اداره و تحقق مردم سالاری واقعی باشد.

آنچه ضامن آزادی مردم است آنچه مدافع منافع مردم است آنچه به مردم برای ایستادگی در مقابل زیاده طلبان داخلی و خارجی قدرت می دهد ولایت فقیه است.

تجربه مسلم چهل ساله ما این است که برترین گزینه برای اداره جوامع انسانی گزینه ولایت فقیه است جایی در اوج دانشمندی و دوری از جهل و در اوج تقوا یعنی دوری از تکبر و استکبار و ستم و در اوج مخالفت با هوای نفس یعنی دوری از حرص و حسد و مال اندوزی و قدرت طلبی.

ولایت فقیه نه تنها دیکتاتوری نیست و این چهل سال در تجربه نشان داد نه تنها کوچکترین منافع فردی و گروهی و خانوادگی از ظرفیت عظیم نفوذ مادی و معنوی ولایت فقیه و فرماندهی کل قوا برای رهبری حاصل نشده است بلکه ولایت فقیه مستحکم ترین رکن برای تحقق عدالت و تضمین مردم سالاری و صیانت از آراء مردم است.

تجربه ۴۰ سال انقلاب نشان می دهد هر کجا از آموزه های انقلاب اسلامی و تدابیر ولایت پیروی کرده ایم بدون استثناء پیروز بوده ایم. این به معنای عصمت ولایت نیست بلکه به این معناست که خداوند از ولی فقیه تلاش علمی و مشورت و اجتهاد برای کشف وظیفه را خواسته است و از مردم اطاعت و پیروی از فرمان را خواسته است.



بدیهی است که اجتهاد صورت گرفته ممکن است گاهی به قدر کافی کامل نباشد اما مهم اینست که وظیفه انجام شده و تلاش لازم برای کشف وظیفه صورت گرفته و بعد از کشف وظیفه هم به خاطر وجود تقوی بدون درنگ آنچه وظیفه است توسط ولایت انجام شده و مردمی هم که تبعیت کرده‌اند وظیفه و تکلیف خود را که اطاعت است انجام داده‌اند پیروزی‌های بزرگ که وصف آن رفت را شامل حال خود کرده‌اند.

خدا فرموده است لایکلف اله نفساً الا وسعها و خدای متعال جز عمل به قدر توانایی را نمی‌خواهد وقتی تکلیف از سوی ولایت (اجتهاد) و از سوی مردم (اطاعت) که انجام شد وعده خدا هم باید محقق شود که فرمود ان تنصروا اله ینصرکم فلذا و حتی اگر آن تصمیم به قدر کافی کامل نباشد. خدا آنرا به هدف می‌رساند که بعضی مصادیق آن را پیش از این بیان کردیم.

تجربه مسلم چهل ساله این است که آنچه می‌تواند ضامن آزادی مردم و تضمین کننده اعمال اراده ملت بر سرنوشت خویش باشد و تنها مرجعی که می‌تواند جلوی دیکتاتوری و استبداد فردی و حزبی را بگیرد، ولایت فقیه است و بس.

تجربه مسلم و قطعی چهل ساله ملت ایران این است که هیچ مشکلی نیست که با مشارکت عمومی مردم حل نشود و هیچ پیشرفتی نیست که با مشارکت عموم مردم حاصل نشود هر جا کل جامعه برای رسیدن به مقصدی هماهنگ شوند، دستیابی به آن هدف حاصل است. پیروان الگوی غربی و لیبرال دمکراسی نه می‌خواهند و نه اگر بخواهند می‌توانند ظرفیت های مردم را برای حل مشکلات به صحنه بیاورند و این تجربه عین دیگر چهل ساله ماست. و این ولایت فقیه است که در اوج تقوا و دانش ظرفیت بسیج کنندگی را دارد و اگر می‌خواهیم مشکلات و موانع پیشرفت را از میان برداریم و هر چه پرشتاب تر به سوی جامعه ای سعادت‌مند حرکت کنیم راه آن این است که با وحدت و یکپارچگی ولایت فقیه را تکیه گاه خود کنیم.

تجربه به ما نشان داده است که آنکه برای ملت مفیدتر است و آنکه کارآمدتر است مورد سنگین ترین هجوم های رسانه ای و روانی دشمنان قرار می‌گیرد و در تمام طول این ۴۰ سال هدف اول هجمات روانی دشمن ولایت فقیه و سپس بسیج و سپاه بوده است و این هجمات اداره دارد بلکه شدت گرفته است.

ما تجربه کرده ایم که همدل ترین و همراه ترین شخصیت نظام با توده های مردم در این چهل سال ولایت فقیه بوده است.

کسی که بیش از هر مسئولی با مردم ارتباط داشته و درد مردم را می داند ولایت فقیه است. آنکه مانند توده های محروم جامعه زندگی می کند و آنها را درک می کند ولایت فقیه است و آنکه از هیچ دشمن داخلی و خارجی ذره ای نمی هراسد و از حقوق ملت خود دفاع می کند ولایت فقیه است اینها دیگر حرف نیست شعار نیست نظریه داخل کتاب نیست تجربه های عینی ملموس است در برجام، در ماجرای منا، در تهدیدهای مکرر آمریکا برای حمله، در غلبه داعش بر ۷۰٪ سرزمین عراق و سوریه و... همه مردم به عینه شاهد بودند.

ما تجربه کرده ایم که سرنوشت خودمان را نمی توانیم به احزاب و افراد گره بزنیم افراد و احزاب در طول مسیر راه یک انقلاب ریزش و رویش دارند ما باید به اصول اساسی خودمان متعهد باشیم و اگر افراد و احزاب از آن شاخص ها خارج شوند، آنها را اصلاح و اگر اصلاح نمی شوند بی پروا آنها را کنار بگذاریم و راه خودمان را برویم و ما این تجربه تلخ را داریم که کسانی که شوق ریاست در سر دارند و خود را برای ریاست جلو می اندازند عاقبت به خیر نمی شوند و روبروی مردم و نظام می ایستند.

ما تجربه کرده ایم که در نظام ولایت فقیه این اراده مردم است که در چارچوب اسلام اعمال می شود و حتی در جاهایی که نظر مردم تفاوت هایی دارد و انتخابی غیرمنطبق بر شاخص ها دارند ولی فقیه با سعه صدر نظر مردم را تحمل و از گزینه آنان حمایت می کند.

ما تجربه کردیم که در نظام ولایت فقیه سرنوشت ما ملت به دست خود ماست و اراده امور با آرای مردم است.

حال که اینگونه است نمی توانیم آرای مان را سرسری بگیریم و انتخاب ما براساس اظهار نظرهای هنرپیشه ها و بازیگران باشد باید در انتخاب های مهم اندیشمندان و صاحب نظران و روشنگران متعهد روحانی و غیرروحانی را طرف مشورت خود قرار دهیم.

برای ما تجربه شده است که در این چهل سال همه پیش بینی های راهبردی ولی فقیه صحیح از آب درآمده است.

همه هدایت ها و راهنمایی های او دلسوزانه و مشفقانه بوده است.

به تجربه برای ما محرز شده است که تمام مکاتب غربی و شرقی به بن بست رسیده اند و تنها امیدی که می توان به آینده داشت دولت اسلامی است.

و تجربه چهلیم از انبوه تجارب انقلاب کبیر اسلامی که در این نگارش رزق ما بود اینست که باید به آینده امیدوار باشیم.

تا با خدا و با هم هستیم پیوسته باید به آینده امیدوار باشیم فرمایش امام خامنه ای در اوج اغتشاشات دیماه ۹۶ فرمودند: "امید و نگاه من به آینده این کشور خیلی روشن است بنده می دانم که ان شاءالله ملت ایران به برکت اسلام، به برکت نظام اسلامی بدون تردید به عالی ترین درجات یک ملت در حد و اندازه ی ملت ایران خواهد رسید و بدانید که توطئه ی دشمن، خرابکاری دشمن حمله دشمن هیچ اثری نخواهد داشت و به معنای واقعی کلمه دشمن هیچ غلطی نخواهد توانست بکند". (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹/۱۰/۹۶).

بعد از این فرمایشات بعضی افراد سست ایمان گفتند معلوم است که حضرت آقا از واقعیت های جامعه خبر ندارند که همچین ابراز امیدواری می کنند. بعضی افراد با ایمان هم گفتند این از اشراقات قلبی به حضرت آقا و جز از غیب است. هر دو این برداشت ها غلط است این تجربه قطعی انقلاب اسلامی است.

همه ی عوامل برای پیروزی بزرگ امت اسلام جمع است کسانیکه شرایط چند شهر آشوبزده را می نگرند و حتی تجمعات دهها هزار نفری مردم همان شهرها در پاسخ به فتنه را نمی بینند کسانیکه فقط تا جلوی پای خود را می بینند و قدری شرایط منطقه و جهان را نمی بینند باید هم اینچنین قضاوت کنند اما هر که شکست های فاحش دشمنان و شرایط در حال فروپاشی آمریکا را بنگرد، هر که بیداری امت اسلام و پیروزیهای شگفت آور پی در پی انقلاب اسلامی را بشمارد ظرفیت های عظیم ذخیره شده و بالقوه ای را که تنها با کنار رفتن نفوذی ها و روی کار آمدن افراد متعهد به اسلام آماده ی یک جهش بزرگ است را ببیند به همین باور می رسد که پیروزی نزدیک است.

انقلاب اسلامی برای ایران استقلال و آزادی و هدایت اسلامی را به ارمغان آورد. قدرت های سلطه گر را که آزادی و استقلال ملت ایران را بر نمی تافتند رگباری از توطئه را بر سر این ملت فرو ریختند و از هیچ مانع تراشی و سنگ اندازی ممکن علیه ملت ایران فروگذار نکردند و در چنین فضای خفقان جهانی با بی تجربگی ما در حکومت داری، با از دست دادن قوی ترین کادرهای انقلاب بر اثر ترور و تحمیل جنگ در فضای جنگی و تهاجمات دامنه دار ما نتوانستیم تمام نسخه های اسلامی را در اداره کشور پیاده کنیم ولی همان قدر اندکی که توانستیم به آموزه های اسلام و تدابیر ولایت جامه عمل بپوشیم این پیروزی ها و پیشرفت های خیره کننده حادث شد اینک هفت سال است که مستکبران

در حال اضمحلال همه قوای خود را جمع کرده اند تا تحت عنوان تحریم فلج کننده توأم یا حجم انبوه و پایان ناپذیر جنگ روانی و رسانه ای با کمک نفوذی های خودشان در داخل کشور که امروز بحمدالله دستشان رو شده است ملت ایران را خسته کنند و نتوانسته اند حالا تصور کنید اگر ما با عزم بیشتری نسبت به نسخه های اصیل اسلامی برای پیشرفت کشور حرکت کنیم با این سرمایه های شش گانه که ذکر شد و این تجارب بسیار گرانسنگ و در حالی که قدرت مستکبران نیز به ضعف گراییده است چه اتفاقات بزرگ و پیش برنده ای برای کشور ما بلکه جهان اسلام خواهد افتاد پس به جاست که در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به شکرانه این نعمت بی بدیل و تمام نشدنی بار دیگر با شهدا هم عهد شویم و با امام خمینی(ره) تجدید میثاق کنیم و گام بعدی انقلاب اسلامی را که تشکیل دولت اسلامی است با استحکام برداریم دولتی که به فضل پروردگار شیرینی ها، پیشرفت ها و پیروزی هایی را نصیب ملت ایران خواهد کرد که همه این پیروزی های بزرگ را که تاکنون داشته ایم از یاد ببریم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بعنوان گام اول و تحقق نظام اسلامی چهل ساله شده است و این نقطه بلوغ و آغاز نشاط و جوانی این انقلاب و نظام منبعت از آنست و امروز جا دارد همه جا ملت برای برداشتن ملت ایران پس از برداشتن گام اول انقلاب یعنی شکست رژیم استبدادی و استعماری ۲۵۰۰ ساله قدم دوم یعنی تحقق نظام اسلامی را محکم برداشت. اینک نظام اسلامی چهل ساله شده است و این نقطه بلوغ و آغاز نشاط و جوانی این انقلاب شکوهمند و نظام منبعت از آن است. جا دارد به شکرانه این پیروزی بزرگ همه ی ما برای برداشتن گام سوم که همانا تحقق دولت اسلامی است قیام کنیم و دولت اسلامی را هر چه زودتر محقق کنیم چرا که دولت اسلامی در حقیقت ستاد استقبال از منجی مان خواهد بود همانگونه امام خامنه ای عزیز فرمودند انتظار یعنی آماده باش و همانطور که تجربه کرده ایم هر گاه آماده باشیم فرج حاصل خواهد شد.

و همانطور که امام خمینی(ره) فرمودند: انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهاد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

و این میثاق ما با شهدا بود در همه ی مواقف مهم ما هم می سرودیم:

حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد

تا انقلاب مهدی نهضت ادامه دارد

پیوست یکم:

جدول فهرست بدعهدی‌ها و اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران پس از برجام تا آبان ۹۵

ردیف	تاریخ	شماره	مرحله	خلاصه
۱	۲۰۱۵/۲۹/۱۰ ۷ آبان ۹۴	<u>H.R.3858</u>	طرح در مجلس نمایندگان	حمایت از قربانیان دولت‌های حامی تروریسم
۲	۲۰۱۵/۰۵/۱۱ ۱۴ آبان ۹۵	<u>H.R.3942</u>	طرح در مجلس نمایندگان	محافظت از مسیحیان در برابر نسل‌کشی
۳	۲۰۱۵/۱۶/۱۱ ۲۵ آبان ۹۴	<u>H.R.4017</u>	طرح در مجلس نمایندگان	محافظت از مسیحیان در برابر نسل‌کشی
۴	۲۰۱۵/۱۹/۱۱ ۲۸ آبان ۹۴	<u>S.2329</u>	طرح در مجلس سنا	ممانعت از ورود افراط‌گرایان به آمریکا تحت عنوان پناهنجویان
۵	۲۰۱۵/۳۰/۱۱ ۹ آذر ۹۴	<u>H.R.4127</u>	تصویب در مجلس نمایندگان	قانون مجوز امنیتی برای تبادلات مالی در سال ۲۰۱۶

تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4257</u>	۲۰۱۵/۱۵/۱۲ ۲۴ آذر ۹۴	۶
انزوای حکومت ایران به دلیل مقابله با سیاست‌های آمریکا در منطقه	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4258</u>	۲۰۱۵/۱۵/۱۲ ۲۴ آذر ۹۴	۷
پایان دادن به برنامه تسلیحاتی اتمی ایران قبل از رفع تحریم‌ها	طرح در مجلس سنا	<u>S.2429</u>	۲۰۱۵/۱۸/۱۲ ۲۷ آذر ۹۴	۸
تحریم به دلیل توسعه برنامه موشکی نیروهای مسلح ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4333</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۱ ۱۶ دی ۹۴	۹
تحریم به دلیل توسعه برنامه موشکی (بالستیک) نیروهای مسلح ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4342</u>	۲۰۱۶/۰۷/۰۱ ۱۷ دی ۹۴	۱۰
پایان دادن به برنامه تسلیحاتی اتمی ایران قبل از رفع تحریم‌ها	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4344</u>	۲۰۱۶/۰۷/۰۱ ۱۷ دی ۹۴	۱۱
مصادره اموال ایران در آمریکا	طرح در مجلس سنا	<u>S.2452</u>	۲۰۱۶/۲۰/۰۱ ۳۰ دی ۹۴	۱۲
وضع تحریم به دلیل حمایت ایران از گروه‌های تروریستی	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4448</u>	۲۰۱۶/۰۳/۰۲ ۱۴ بهمن ۹۴	۱۳
اعمال مجدد تحریم‌های تعلیق شده توسط رئیس‌جمهور بر طبق برجام	طرح در مجلس سنا	<u>S.2485</u>	۲۰۱۶/۰۳/۰۲ ۱۴ بهمن ۹۴	۱۴

عدم همکاری با نهادهای حامی شفافیت مالی و عدم تأمین مالی تروریسم	طرح در مجلس سنا	<u>S.2489</u>	۲۰۱۶/۰۳/۰۲ ۱۴ بهمن ۹۴	۱۵
حمایت از نیروهای نظامی (دریای و هوایی) آمریکا در برابر بازداشت و دستگیری	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4534</u>	۲۰۱۶/۱۱/۰۲ ۲۲ بهمن ۹۴	۱۶
تحریم فروش هواپیما به ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4633</u>	۲۰۱۶/۲۶/۰۲ ۷ اسفند ۹۴	۱۷
حمایت از یهودیان گریخته از ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4664</u>	۲۰۱۶/۰۲/۰۳ ۱۲ اسفند ۹۴	۱۸
تحریم به دلیل توسعه برنامه موشکی (بالستیک) نیروهای مسلح ایران	طرح در مجلس سنا	<u>S.2725</u>	۲۰۱۶/۱۷/۰۳ ۲۷ اسفند ۹۴	۱۹
تحریم ایران به دلیل نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم	طرح در مجلس سنا	<u>S.2726</u>	۲۰۱۶/۱۷/۰۳ ۲۷ اسفند ۹۴	۲۰
تحریم به دلیل توسعه برنامه موشکی (بالستیک) نیروهای مسلح ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4815</u>	۲۰۱۶/۲۱/۰۳ ۱ فروردین ۹۵	۲۱
تحریم کشورهای حامی تروریسم	طرح در مجلس سنا	<u>S.2740</u>	۲۰۱۶/۰۴/۰۴ ۱۶ فروردین ۹۵	۲۲
تحریم دسترسی ایران به نظام پولی امریکا	طرح در مجلس سنا	<u>S.2752</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۴	۲۳

			۱۸ فروردین ۹۵	
تحریم سایبری ایران	طرح در مجلس سنا	<u>S.2756</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۴ ۱۸ فروردین ۹۵	۲۴
محدودسازی دسترسی نظام اقتصادی ایران به اقتصاد جهانی	طرح در مجلس سنا	<u>S.2757</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۴ ۱۸ فروردین ۹۵	۲۵
تحریم استفاده ایران از واحد پول دلار	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4898</u>	۲۰۱۶/۱۱/۰۴ ۲۳ فروردین ۹۵	۲۶
قانون تحریم وزارت دفاع آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۱۷	تصویب مجلس نمایندگان	<u>H.R.4909</u>	۲۰۱۶/۱۲/۰۴ ۲۴ فروردین ۹۵	۲۷
تحریم مبادلات بانکی با مشتریان ایرانی	طرح در مجلس سنا	<u>S.2790</u>	۲۰۱۶/۱۳/۰۴ ۲۵ فروردین ۹۵	۲۸
الزامات امنیتی برای اجرای برجام	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4940</u>	۲۰۱۶/۱۴/۰۴ ۲۶ فروردین ۹۵	۲۹
تحریم هرگونه پول به افراد و نهادهای ایرانی	تصویب مجلس نمایندگان	<u>H.R.4992</u>	۲۰۱۶/۱۹/۰۴ ۳۱ فروردین ۹۵	۳۰
تحریم استفاده ایران از واحد پول دلار	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.4995</u>	۲۰۱۶/۱۹/۰۴ ۳۱ فروردین ۹۵	۳۱
تحریم خرید آب سنگین از ایران	تصویب مجلس نمایندگان	<u>H.R.5119</u>	۲۰۱۶/۲۸/۰۴	۳۲



			۹ اردیبهشت ۹۵	
دستورالعمل اجرایی نهادهای دولتی امریکا	طرح در مجلس سنا	<u>S.2875</u>	۲۰۱۶/۲۸/۰۴ ۹ اردیبهشت ۹۵	۳۳
تحریم وزارت دفاع امریکا علیه برنامه موشکی (بالستیک) ایران	طرح در مجلس سنا	<u>S.2887</u>	۲۰۱۶/۲۸/۰۴ ۹ اردیبهشت ۹۵	۳۴
تحریم فروش تجهیزات دفاعی به ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5139</u>	۲۰۱۶/۲۹/۰۴ ۱۰ اردیبهشت ۹۵	۳۵
تحریم بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5197</u>	۲۰۱۶/۱۱/۰۵ ۲۲ اردیبهشت ۹۵	۳۶
اقدام علیه همکاری ایران و روسیه بر طبق برجام	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5200</u>	۲۰۱۶/۱۱/۰۵ ۲۲ اردیبهشت ۹۵	۳۷
قانون راستی آزمایی و امنیت روادید (ویزا)	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5203</u>	۲۰۱۶/۱۲/۰۵ ۲۳ اردیبهشت ۹۵	۳۸
تحریم ایران و کره شمالی به دلیل حمایت از تروریسم دولتی	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5208</u>	۲۰۱۶/۱۲/۰۵ ۲۳ اردیبهشت ۹۵	۳۹
تحریم سایبری ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5222</u>	۲۰۱۶/۱۲/۰۵ ۲۳ اردیبهشت ۹۵	۴۰
دستورالعمل اجرایی وزارت امور خارجه	طرح در مجلس سنا	<u>S.2937</u>	۲۰۱۶/۱۷/۰۵	۴۱

			۲۸ اردیبهشت ۹۵	
قانون تحریم وزارت دفاع آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۱۷	تصویب در مجلس نمایندگان و سنا	<u>S.2943</u>	۲۰۱۶/۱۸/۰۵ ۲۹ اردیبهشت ۹۵	۴۲
دستورالعمل اجرایی اقدامات وزارت دفاع	تصویب در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5293</u>	۲۰۱۶/۱۹/۰۵ ۳۰ اردیبهشت ۹۵	۴۳
تحریم تأمین مالی تروریسم	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5308</u>	۲۰۱۶/۲۳/۰۵ ۳ خرداد ۹۵	۴۴
عدم مصونیت برای تجاوزهای دریایی ایران به نیروهای نظامی آمریکا	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5333</u>	۲۰۱۶/۲۵/۰۵ ۵ خرداد ۹۵	۴۵
عدم مصونیت برای تجاوزهای دریایی ایران به نیروهای نظامی آمریکا	طرح در مجلس سنا	<u>S.2984</u>	۲۰۱۶/۲۵/۰۵ ۵ خرداد ۹۵	۴۶
تمدید تحریم‌های وضع شده در سال ۱۹۹۶ علیه ایران (داماتو)	طرح در مجلس سنا	<u>S.2988</u>	۲۰۱۶/۲۵/۰۵ ۵ خرداد ۹۵	۴۷
شرایط همکاری هسته‌ای آمریکا و چین (الزام چین به تحریم هسته‌ای ایران)	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5370</u>	۲۰۱۶/۲۶/۰۵ ۶ خرداد ۹۵	۴۸
دستورالعمل اجرایی اقدامات الزامی برای وزارت دفاع	طرح در مجلس سنا	<u>S.3000</u>	۲۰۱۶/۲۶/۰۵ ۶ خرداد ۹۵	۴۹
شرایط همکاری هسته‌ای آمریکا و	طرح در مجلس سنا	<u>S.3010</u>	۲۰۱۶/۲۶/۰۵	۵۰

چین (الزام چین به تحریم هسته‌ای ایران)			۶ خرداد ۹۵	
قانون الزام شفافیت دارایی‌های رهبر ایران	تصویب مجلس نمایندگان	<u>H.R.5461</u>	۲۰۱۶/۱۳/۰۶ ۲۴ خرداد ۹۵	۵۱
دستورالعمل اجرایی خدمات اقتصادی دولت امریکا	تصویب مجلس نمایندگان	<u>H.R.5485</u>	۲۰۱۶/۱۵/۰۶ ۲۶ خرداد ۹۵	۵۲
تحریم پرداخت هرگونه وجه (دلار) به ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5550</u>	۲۰۱۶/۲۱/۰۶ ۱ مرداد ۹۵	۵۳
تحریم تجارت (واردات و صادرات) با ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5608</u>	۲۰۱۶/۲۸/۰۶ ۸ مرداد ۹۵	۵۴
حفاظت از اعضای سازمان مجاهدین خلق در کشور آلبانی و اردوگاه لیبرتی در برابر اقدامات ایران	طرح در مجلس سنا	<u>S.3114</u>	۲۰۱۶/۲۹/۰۶ ۹ مرداد ۹۵	۵۵
دستورالعمل اجرایی وزارت امور خارجه	طرح در مجلس سنا	<u>S.3117</u>	۲۰۱۶/۲۹/۰۶ ۹ مرداد ۹۵	۵۶
قانون توقف منابع مالی عملیات‌های تروریستی	طرح در مجلس سنا	<u>S.3125</u>	۲۰۱۶/۲۹/۰۶ ۹ مرداد ۹۵	۵۷
الزام پاسخگویی و حسابرسی افراد و نهادهای ایرانی در برابر امریکا	تصویب مجلس نمایندگان	<u>H.R.5631</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۷ ۱۷ مرداد ۹۵	۵۸

همکاری اسرائیل و امریکا برای بازرسی و حسابرسی از ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5677</u>	۲۰۱۶/۰۷/۰۷ ۱۸ مرداد ۹۵	۵۹
ممانعت از قاچاق اسلحه توسط ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5678</u>	۲۰۱۶/۰۷/۰۷ ۱۸ مرداد ۹۵	۶۰
تحریم تجارت (واردات و صادرات) با ایران	طرح در مجلس سنا	<u>S.3138</u>	۲۰۱۶/۰۷/۰۷ ۱۸ مرداد ۹۵	۶۱
تحریم هرگونه سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران	تصویب مجلس نمایندگان	<u>H.R.5711</u>	۲۰۱۶/۱۱/۰۷ ۲۲ مرداد ۹۵	۶۲
تحریم تجارت (واردات و صادرات) با حامیان تروریسم	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5715</u>	۲۰۱۶/۱۱/۰۷ ۲۲ مرداد ۹۵	۶۳
تحریم فروش هواپیما مسافری و به ایران و جلوگیری از تأمین مالی آن توسط وزارت خزانه‌داری امریکا	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5716</u>	۲۰۱۶/۱۱/۰۷ ۲۲ مرداد ۹۵	۶۴
ممانعت از بی‌ثبات سازی عراق توسط ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5727</u>	۲۰۱۶/۱۲/۰۷ ۲۳ مرداد ۹۵	۶۵
تحریم فروش هواپیما مسافری و به ایران و جلوگیری از تأمین مالی آن توسط وزارت خزانه‌داری امریکا	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5729</u>	۲۰۱۶/۱۲/۰۷ ۲۳ مرداد ۹۵	۶۶
تحریم علیه خرید و فروش اسلحه میان ایران و روسیه	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5827</u>	۲۰۱۶/۱۴/۰۷	۶۷

			۲۵ مرداد ۹۵	
مقابله با تهدیدات ایران	طرح در مجلس سنا	<u>S.3267</u>	۲۰۱۶/۱۴/۰۷ ۲۵ مرداد ۹۵	۶۸
تمدید و گسترش تحریم‌های وضع شده در سال ۱۹۹۶ علیه ایران (داماتو)	طرح در مجلس سنا	<u>S.3281</u>	۲۰۱۶/۱۴/۰۷ ۲۵ مرداد ۹۵	۶۹
دستورالعمل اجرایی وزارت امور خارجه	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5912</u>	۲۰۱۶/۱۵/۰۷ ۲۶ مرداد ۹۵	۷۰
منع پرداخت باج به ایران (برای آزادی شهروندان زندانی آمریکا)	تصویب مجلس نمایندگان	<u>H.R.5931</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۹ ۱۶ شهریور ۹۵	۷۱
منع پرداخت باج	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5940</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۹ ۱۶ شهریور ۹۵	۷۲
منع پرداخت باج	طرح در مجلس سنا	<u>S.3285</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۹ ۱۶ شهریور ۹۵	۷۳
عدم فروش هواپیما به تروریست‌ها	طرح در مجلس سنا	<u>S.3286</u>	۲۰۱۶/۰۶/۰۹ ۱۶ شهریور ۹۵	۷۴
حمایت از پرداخت غرامت از سوی ایران به شهروندان آمریکایی زندانی در این کشور	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5949</u>	۲۰۱۶/۰۷/۰۹ ۱۷ شهریور ۹۵	۷۵
مقابله با نسل‌کشی ایران در سوریه و	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5961</u>	۲۰۱۶/۰۸/۰۹	۷۶

عراق			۱۸ شهریور ۹۵	
دستورالعمل اجرایی نظام اقتصادی	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.5983</u>	۲۰۱۶/۰۹/۰۹ ۱۹ شهریور ۹۵	۷۷
الزام اجرای شفاف برجام و حسابرسی از ایران	طرح در مجلس سنا	<u>S.3329</u>	۲۰۱۶/۱۴/۰۹ ۲۴ شهریور ۹۵	۷۸
دستورالعمل فوری حمایت از امنیت اسرائیل	طرح در مجلس سنا	<u>S.3363</u>	۲۰۱۶/۲۰/۰۹ ۳۰ شهریور ۹۵	۷۹
حمایت از قربانیان تروریسم (که از سوی ایران حمایت می شود)	طرح در مجلس سنا	<u>S.3442</u>	۲۰۱۶/۲۸/۰۹ ۷ مهر ۹۵	۸۰
گسترش تحریم های سال ۱۹۹۶ علیه ایران	طرح در مجلس نمایندگان	<u>H.R.6297</u>	۲۰۱۶/۱۴/۱۱ ۲۴ آبان ۹۵	۸۱

فهرست منابع:

۱. قرآن، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای (تهران: بنیاد نشر قرآن، ۱۳۶۷) بقره، اعراف: ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۹۱.
۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س): صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی): چ ۲، ۱۳۷۹.
۳. جامی.ن: گذشته چراغ راه آینده است (تاریخ ایران در فاصله دو کودتا ۱۳۳۲ - ۱۲۹۹ تهران: انتشارات ققنوس، چاپ دوم: پائیز ۱۳۶۲، ص ۱۱۱)
۴. ایران بین دو انقلاب: نویسنده: یرواند آبراهامیان؛ مترجمها: احمد گل محمدی؛ محمدابراهیم فتحی ولیلایی؛ تهران: نشر نی؛ سال ۱۳۷۷
۵. «گفتگو با دکتر محمدقلی مجد»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، بهار ۸۲، ش ۲۵، ص ۱۸۹
۶. از کاخ شاه تا زندان اوین، نوشته احسان نراقی، انتشارات رسا، چاپ اول، ص ۹۴
۷. از غندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، ، تهران، قومس، ۱۳۷۶، چ اول، ص ۲۴۰
۸. محمد رضا پهلوی، پاسخ به تاریخ به کوشش شهریار ماکان، تهران: شهر آب، ۱۳۷۱، ص ۲۴۶.
۹. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۰۶، ص ۱۹
۱۰. حسینان، روح الله، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (۱۳۵۶-۱۳۴۳)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۷، صص {۸۳}
۱۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۷۶۷، ص ۸۶. حسینان، روح الله، پیشین، ص ۱۹۱
۱۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۲۴۵، ص ۱۱۹ ص ۲۲
۱۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۲۴۷، ص ۴ ص ۲۳
۱۴. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۷۰۴ ص ۷۷-۸

۱۵. آیرملو، تاج‌الملوک، خاطرات ملکه پهلوی، مصاحبه‌کنندگان ملیحه خسروداد، تورج انصاری، محمودعلی باتمانقلیج، انتشارات به‌آفرین، تهران ۱۳۸۰، ص ۴۴۱
۱۶. کیا، ب، ارتش تاریکی، ترجمه و نشر کتاب، چ اول، مرکز تهران ۱۳۷۶، ص ۱۱۵ و ۲۵
۱۷. ابوالحسن ابتهاج، خاطرات، انتشارات علمی، چاپ اول، سال ۱۳۷۱، صفحات ۴۳۴ و ۴۳۵
۱۸. دیبا، فریده، دخترم فرح (خاطرات فریده دیبا)، ترجمه‌ی الهه رئیس‌فیروز، انتشارات به‌آفرین، چاپ اول، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۲۶
۱۹. راجی، پرویز، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه‌ی ح.ا. مهران، انتشارات اطلاعات، چ اول، تهران ۱۳۶۴، ص ۳۰۹
۲۰. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول، گردآورنده مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، انتشارات اطلاعات، چ چهاردهم، تهران ۱۳۸۱، صص ۳۱۳ - ۳۱۵
۲۱. مینو صمیمی، پشت پرده‌ی تخت طاووس، ترجمه‌ی حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات، چاپ هشتم، تهران ۱۳۷۴، صص ۲۰۱ - ۲۰۲
۲۲. کارتر، جیمی، احمد باقری، ۴۴۴ روز، تهران: هفته، ۱۳۶۱، ص ۱۵
۲۳. هاشمی و انقلاب تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ؛ نویسنده: مسعود رضوی؛ مقدمه: علی اکبر هاشمی رفسنجانی؛ تهران، انتشارات همشهری؛ ۱۳۷۵؛ در ۵۵۶ ص؛ ۲۴
۲۴. سولیوان، ویلیام و پارسونز، آنتونی. «خاطرات دو سفیر». ترجمه محمود طلوعی. تهران: نشر علم، ۱۳۸۴. ص ۷۱ و ۲۸۵
۲۵. ماهنامه معارف، ش ۶۸، ص ۵۷
۲۶. روزنامه اطلاعات ۶۳/۸/۱
۲۷. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۱۴۵
۲۸. درون انقلاب ایران / جان. دی. استمیل؛ ترجمه منوچهر شجاعی. ناشر: تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸ ص ۱۱۵
۲۹. زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، ص ۲۸ قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۹.
۳۰. مجلسی محمد باقر، مهدی موعود\_ ترجمه جلد ۱۳، ج ۱۰، ج ۷۰، صص ۱۵۱، ۲۸۷ مترجم علی دوانی، انتشارات تهران
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب مترجم و شارح: رسولی، هاشم مترجم و شارح: مصطفوی، جواد تهیه کننده: کتابچی، محمود ناشر: کتابفروشی علمیه اسلامیة محل نشر: تهران سال نشر: ۱۳۶۹
۳۲. اسدالله علم، گفت‌وگوهای من با شاه (خاطرات اسدالله علم)، تهران، جلد اول، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۵، ص ۳۸۷.





۴۷. <http://www.historycentral.com/freelraq/Iran.html>

۴۸. <http://kayhan.ir/fa/news/7127>

<http://yandory.ir/p/ShowContent.aspx?id=10563&title=>

۴۹. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۵۴، س ۱۷

۵۰. صحیفه، ج ۵، ص ۱۷۳

۵۱. امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۳

۵۲. صحیفه، ج ۳، ص ۴۸۵

۵۳. ریشارد کاپوشینسکی، ۲۰۰۶

۵۴. [۱۷] (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد شماره ی ۰۰۵۵۷۰۱۹ و ۰۰۵۵۷۰۲۰ مبلغی که می شد در آن روزگار با آن

۱/۴ میلیون قطعه سکه طلای کامل خرید.)

۵۵. هفت سال در زندان آریامهر — احمد آرامش، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۸

۵۶. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

۵۷. غلامرضا خواجه سروی، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

۱۳۸۲، صص ۲۳۱-۲۳۰.

۵۸. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۳۳ - ۴۳۴

۵۹. صحیفه نور، جلد ۱۹

۶۰. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

۶۱. انقلاب ظفار و تحولات خلیج فارس، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، خرداد ۱۳۵۴، ص ۱۲.

۶۲. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۶۳. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۰۹/۱۰

۶۴. امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱ صفحه ۸۴ سال ۱۳۷۹

۶۵. امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۸۲ سال ۱۳۷۹

۶۶. امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۸۳ سال ۱۳۷۹

۶۷. امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۲۹۲ سال ۱۳۷۹

۶۸. امام خمینی (ره)، صحیفه نور جلد ۲۱، صفحه ۲۸۹، سال ۱۳۷۹

۶۹. سید رضی (ره)، نهج البلاغه، نامه ۵۳

۷۰. بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۶/۰۳/۰۶
۷۱. خبرگزاری دانشجویان ایرانیان "ایسنا" - ۱۵ بهمن ۱۳۹۴
۷۲. بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۹۱/۰۳/۰۳
۷۳. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی - ۱۳۸۹/۰۹/۱۰
۷۴. سایت پرسشکده - ۱۳۸۹/۱۲/۰۵
۷۵. سایت باشگاه اندیشه - دکتر شهریار زرشناس
۷۶. سایت پیام سمنان - ۱۳۹۲/۱۱/۱۹
۷۷. سایت پارسینه - ۱۳۸۸/۱۲/۰۳
۷۸. بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۳۹۶/۰۳/۱۴
۷۹. «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ ۖ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ...» (اعراف ۱۷۹)
۸۰. <http://www.farsnews.com/news/13930303000548>
۸۱. <https://fa.wikipedia.org/wiki/> و <http://www.tabnak.ir/fa/news/561282>
۸۲. <http://www.vatanemrooz.ir/newspaper/mobileblock?newspaperblockid=139979>
۸۳. <http://www.farsnews.com/news/13941126000522>
۸۴. صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۲۲۱
۸۵. مکتب جمعه، ح ۶، ص ۳۶۲
۸۶. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، به مناسبت سالروز قیام بیست و نهم بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز ۹۶/۱۱/۲۹
۸۷. <http://siasatrooz.ir/vdcdzf0fkyt0zn6.2a2y.html>
۸۸. صحیفه امام، جلد ۸ ص ۱۷۹
۸۹. بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله علیه ۱۳۸۰/۰۳/۱۴
۹۰. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۰۷/۱۵
۹۱. بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله ۱۳۸۰/۰۳/۱۴
۹۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱
۹۳. حسن روحانی، رئیس‌جمهور در مراسم تقدیر و تجلیل از اساتید نمونه و برتر کشور ۱۳۹۳/۰۲/۱۴
۹۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹
۹۵. صحیفه امام، جلد ۱۶، صفحه ۱۹

۹۶. سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور ۱۳/۰۶/۱۵، نامه‌ای در رد استعفا، سایت خبرگزاری فارس

۹۷. <https://donya-e-eqtesad.com> و گزارش تسنیم

۹۸. وصیتنامه سیاسی - الهی امام، ۱۳۶۱/۱۱/۲۶

۹۹. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۹

۱۰۰. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۰

۱۰۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۷

۱۰۲. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۲۲۸، و حلیه‌الابرار، بحرانی، ج ۲، ص ۳۵۴، و أنساب الاشراف، بلاذری با

تحقیق محمودی، ص ۲۳۹-۲۷۴، و تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۰.

۱۰۳. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴

۱۰۴. <http://www.partosokhan.ir/news.asp?number=2989>

۱۰۵. <http://basijnews.ir/fa/news/8972020> و خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی،

در اولین یادواره شهدای سادات استان سمنان سال

۱۰۶. <http://kayhan.ir/fa/news/114056>

۱۰۷. <http://afghanistan.shafaqna.com/media/itemlist/tag>

۱۰۸. <http://fa.alalam.ir/news/3320731>

۱۰۹. روزنامه جوان، ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ و <http://www.pishkhaan.net/news/67135/?t>

۱۱۰. [http://parstoday.com/fa/europe\\_and\\_america-i9649](http://parstoday.com/fa/europe_and_america-i9649) و <http://www.tabnak.ir/fa/news/558966>

۱۱۱. <https://af.sputniknews.com/world/201704221289696>

۱۱۲. [http://namnak.com/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%87%D8%A7-](http://namnak.com/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%87%D8%A7-p39650)

p39650

۱۱۳. <http://oca-co.com/> نقش - دوربین - مدار بسته - در - پیشگیری - جرم

۱۱۴. <http://fararu.com/fa/news/272116>

۱۱۵. <https://www.isna.ir/news/96102714936>

۱۱۶. [aftabnews.ir/fa/news/502906](http://aftabnews.ir/fa/news/502906)

۱۱۷. <http://akharinkhabar.ir/analysis/4038299>

۱۱۸. روزنامه ایران، شماره ۴۴۹۴ به تاریخ ۸۹/۲/۱۴، صفحه ۲۱

۱۱۹. نهج‌البلاغه، نامه‌ها، ۵۳ (عهدنامه)

۱۲۰. صحیفه امام، جلد ۱۶، صفحه ۲۱
۱۲۱. صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۱۴۸
۱۲۲. <http://www.farsnews.com/news/13941117000624>
۱۲۳. سوره بقره، آیه ۴۷
۱۲۴. سوره بقره، آیه ۶۱
۱۲۵. سوره بقره، آیه ۴۹
۱۲۶. وصیتنامه سیاسی-الهی امام، بند ج
۱۲۷. سوره محمد، آیه ۳۸
۱۲۸. بیانات رهبری در دیدار مردم قم، به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی، ۹۶/۱۰/۱۹
۱۲۹. عصر ایران، ۹۵/۱۲/۰۹
۱۳۰. <http://www.pasokhgooyan.ir/node/49174>
۱۳۱. <https://www.yjc.ir/fa/news/6437697/>
۱۳۲. <http://www.johnmalekzai.com/events-2/articles/25-2015-07-25-08-01-33>
۱۳۳. <http://www.alef.ir/news/3960929020.html>
۱۳۴. [radis.org](http://radis.org)، ۹۶/۱۲/۲۴
۱۳۵. <http://www.mizenaft.com/news/9875>
۱۳۶. پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، ۹۶/۰۹/۱۹، <http://dotic.ir/News/View/619>